

البرزخ والمعاد





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله ربّ العالمين والصلوة على سيّدنا ونبيّنا محمد صلى الله عليه وآله الطيّبين الطاهرين.

خدای یگانه را سپاس و ستایش بیکران باد که این بنده ناچیز را توفیق آن داد که یکی از دستنوشته‌های عالم ربّانی و فقیه اهل بیت علیهم السلام آیه الله العظمی ابوطالب تجلیل تبریزی رضوان الله تعالی علیه، را در این پیشگفتار معرفی و به کوتاهی تمام از این اثر گرانقدر «کتاب معاد و برزخ» گزارش تقدیم کنم؛

آن بزرگوار که اینجانب نیز سالها از محضر پرمایه و ممتع ایشان به درس و با مصاحبت طولانی که داشته‌ام بهره‌ها گرفته و از مراتب زهد و پارسایی و تعبّدشان فضای جان خود را عطرآگین و منور داشته‌ام در همه زمینه‌های معارف اسلامی از فقه و اصول و اخلاق و پاسخ به سوالات و پرسشهای خواستاران و مشتاقان به زبان عربی و فارسی کتابها پرداخته و منتشر کرده‌اند. و افزون بر پنجاه مجلد کسوت چاپ و فرصت انتشار یافته است و در طول زندگی از آغاز جوانی در معارف اسلام در کار تعلیم معالم دین و تدریس حوزه‌های علمیه و تحویل فضلاء دانشمندانی معروف به جهان اسلام و فقاہت بوده‌اند و باید از این نکته یاد کنم که در پایان عمر پربرکت خود اشاره فرمودند

که در موضوع معادشناسی و قیامت و عرصات محشر و مراتب نفخ صور و ورود و از خروج از برزخ خلای شناخته و کتابی خاص در این بار نگاشته‌اند و آماده چاپ و انتشار است آنگاه از هول روز رستاخیز و وعده‌ها و وعیدها که از قرآن و حدیث و روایات معصومان علیهم‌السلام و اصحاب پیامبر (که خود توثیق و نقل کرده‌اند و در این مورد کتابی تحت عنوان معجم الثقات فی ترتیب الطبقات به طبع رسانده‌اند) انتظار دارند که بتوان آن را چاپ و در دسترس مؤمنان به اسلام قرار دهند. و اینکه که این توفیق به یاری خدای تعالی حاصل می‌شود خدای را شکر بی حد و عد می‌گذارم که کلمه‌ای چند در این مقدمه از موضوعات آن از باب «ما لا یدرک کله لا یتروک کله» به خواست خدا به عرض خوانندگان دانشمند حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و دیگر مستعدان دریافت چنین محتوایی برساند.



در آغاز این کتاب فهرستی جامع از کل آیات قرآن کریم به موضوعات معاد مربوط می‌شود از قیامت نفخ صور (ص ۳۱) و آیات حشر (ص ۳۵) آیات مربوط به گرد آمدن همه بندگان در رستاخیز (ص ۳۶) زنده کردن آیات که آخرت و بعث در آن تبیین شده (ص ۴۵) آیات مربوط به سؤال و ساعت (ص ۴۷) و اینکه در قیامت آدمی کردار خوب یا بد خود را می‌بیند (ص ۴۸ - ۴۹).

آیات پاداش اعمال (ص ۵۱) اینکه شفاعت در رستاخیز بی‌اذن پروردگار صورت نمی‌گیرد (ص ۵۴) شفاعت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و آیات وزن و میزان (ص ۵۵) به تفصیل یاد شده است و متن آیات همه جا با شماره و سوره آن آمده است.

ماخذ مطالب کتاب پس از قرآن کریم از کل ماخذ معتبر حدیث از تفاسیر:

قمی - ثواب الاعمال - فرات، جامع الاخبار عیاشی، امالی صدوق - خصال و جز آنها استقصا و فراهم شده است.

بخش دیگر کتاب به برزخ و احوال و مراحل آن می پردازد. گروههایی از بندگان را که با محاسبه آسان مراحل برزخ را می گذرانند با ذکر اسناد بیان می دارد که از آن جمله است:

۱ - محبت پیامبر اسلام ﷺ (ص ۸۷).

۲ - صله رحم و نیکی در حق پدر و مادر موجب آسانی حساب خواهد بود.

۳ - و دوستی و محبت ائمه معصومین علیهم السلام (ص ۷۸).

در فصل میزان و ترازوهای که امر سنجش اعمال و حسابرسی صورت می گیرد (ص ۸۸).

سنگینی کفه ترازو سبکی آن (ص ۹۱ - ۹۲) آنگاه فصلی گشوده می شود در عبور از پل صراط و چسانی گذر مردم از آن پلی نازکتر از مو (ص ۹۳).

معرفی کسانی که بر روی پل جوانان برق گذر می کنند (ص ۹۸).

گذشتن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام از پل صراط (ص ۹۹).

دوستانان علی بن ابی طالب و امامان پس از او جواز عبور دریافت می کنند (ص ۱۰۰).

آنگاه بحثی دیگر گشوده می شود در توصیف شجره طوبی (ص ۳۰۳).

سپس بحثی دیگر در این کتاب آورده می شود که موجب ورود به بهشت می گردد (ص ۳۱۸ - ۳۳۱) نمازی که پس از آن به دعاها و مخصوص آراسته گردد (ص ۳۱۸) از دیگر موضوعات آیات آتش جهنم است (ص ۳۶۳).

کتاب برزخ

قال الله تعالى: ﴿وَمَنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَان﴾.

این بحث با آیه فوق الذکر آغاز می‌گردد و کلّ مباحث آن پیامدهای سكرات موت و احوال و مراحل آن به تفصیل توضیح داده می‌شود و از جمله آن «سكرات موت» است.

و پیامدهایی است بدین قرار:

۱- سكرات موت.

۲- عدیله به هنگام مرگ.

۳- فشار قبر.

۴- سؤال نکیر و منکر (دو فرشته مقرب).



۵- روانها در برزخ.

از تفسیر قمی (ج ۲ صص: ۹۳ و ۹۴) نقل شده که پدرم از خالد بن حماد و او از حریر حدیثی از ابو عبدالله علیه السلام روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برزخ امری است که بین دو امر ثواب و عقاب و بین دنیا و آخرت جدایی می‌اندازد، آنگاه مؤلف کتاب توضیح می‌دهد: برزخ رو کردن کسی است که عذاب قبر و ثواب و عقاب را پیش از قیامت پذیرفته و رد کرده است.

و حضرت صادق علیه السلام فرموده است: سوگند به خدا که من بر شما جز عالم برزخ هراسی ندارم و آنگاه است که وقتی امر بر ما واگذار شود. ما بر شما ولایت پیدا می‌کنیم.

نویسنده این کتاب یکایک سكرات و مراحل مرگ را بدین قرار نام می‌برد: از چیزهایی که سكرات مرگ را آسانی می‌کند:

۱- صله ارحام و نیکی در باره پدران و مادران. ۲- محافظت نماز.

۳ - روزه داشتن در آخر ماه صفر. ۴ - روزه ماه رمضان. ۵ - قرائت سوره یس.
 ۶ - مداومت بر خواندن سوره اذّا زلزّت. ۷ - خواندن سوره نور بر کسی که در
 حال مرگ است. ۸ - خواندن سوره حجرات. ۹ - خواندن سوره ملک.
 ۱۰ - پوشش و لباس دادن به مؤمن نیازمند در تابستان و زمستان (ص ۹۶)
 کسی را که مرگش فرا می رسد شیطان می خواهد بفریبد تلقین دادن به او شیطان
 را دفع می کند (۵۰۱). ۱۱ - عدیله: تلقین اقرار به توحید آفریدگار و رسالت
 محمد ﷺ و امامت علی علیه السلام و یازده تن امامان پس از آن بزرگوار (۵۰۳).
 (ص ۵۳۲) به چند وسیله از اصبع بن نباته نقل می شود.

حارث بن همدانی نقل می کند که من با گروهی از شیعیان به حضور علی بن
 ابی طالب علیه السلام رسیدیم. پس از احوال پرسی امیرمؤمنان علیه السلام رو به حارث کرد
 که منزلی در پیشگاه آن بزرگوار داشت فرمود:
 ای حارث ترا مژده می دهم که به هنگام مرگ مرا در کنار خود می یابی و در
 صراط و کنار حوض کوثر و «مقاسمه» مرا خواهی یافت. حارث پرسید
 «مقاسمه» چیست؟ آن حضرت فرمود قسم نار و جنت خواهم بود.
 و این ابیات را که به نقل جمیل بن صالح از ابوهایم حمیری - درود خدا بر
 وی باد - در وصف این رویداد سروده است یاد می کند.

قول علیّ لحارث عجب	کم ثمّ أعجوبة له حملا
یا حار همدان من یمت یرنی	من مؤمن أو منافق قبلاً
یعرفنی طرفه وأعرفه	بنعته واسمه و ما عملا
وأنّ عند الصراط تعرفنی	فلا تخف عثرة ولا زلاً
أسقیک من بارد علی ظمأ	تخاله فی الحلاوة العسلا

خطاب به آتش:

أقول للنار حين توقف للعز
ض دعيه لا تقتلي الرجال
دعيه لا تقربه إنَّ له
حبلاً بحبل الوصي متصلاً
به نقل از البحار (ج ۶ صص ۱۸۰ - ۱۷۰) و كنز الفوائد (صص ۳۲۵ - ۳۲۷)
و نیز اشعار (ص ۵۰۴) و نیز اشعار (ص ۵۲۲) از حمیری.

در اینجا یاد می‌کنیم که یک جمعه‌ای در خدمت آیه الله شیخ ابوطالب
تجلیل مشرف بودم مرا توصیه فرمودند دعایی را که به دیوار نصب کرده بودند
پس از هر نماز فریضه بخوانم متن دعا را در (ص ۵۹۰) همین کتاب هم با ذکر
مأخذ نقل کرده‌اند.

بدین قرار:

روی الشيخ الطوسي عن محمد بن سلميان الديلمي قال: قلت
لأبي عبد الله عليه السلام: علّمني دعاء لو قرأتها كمل إيماني ولا يزول قال: قل بعد كل
صلاة واجبة: رضيت بالله رباً وبمحمد صلى الله عليه وآله نبياً وبالإسلام ديناً
وبالقرآن كتاباً وبالكعبة قبله وبعلي ولياً وإماماً وبالحسن والحسين وعلي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى
ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة بن الحسن صلوات
الله عليهم أئمة اللهم إني رضيت بهم أئمة فارضني لهم أنك على كل شيء قدير
(كمال السعادة ص ۲۱).

از جمله ادعیه این کتاب در (ص ۳۹۲) دعای «یستشیر» و آنگاه دعای
مجیر (ص ۳۹۴) در ردّه ادعیه‌ای است که موجب رهایی از آتش دوزخ است.
و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین
العبد الفقیر إلى رحمة ربّه جلیل تجلیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آيات يوم القيامة

الفاتحة	ك	٤	(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ
البقرة	م	٨	(٢) وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ
البقرة	م	٦٢	(٣) مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ
البقرة	م	٨٥	(٤) وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ
البقرة	م	١١٣	(٥) فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
البقرة	م	١٢٦	(٦) وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الشَّمَرَاتِ مَن آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
البقرة	م	١٧٤	(٧) وَلَا يَكْلُمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
البقرة	م	١٧٧	(٨) وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ
البقرة	م	٢١٢	(٩) وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
			(١٠) وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ
البقرة	م	٢٢٨	وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
البقرة	م	٢٣٢	(١١) ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
البقرة	م	٢٤٩	(١٢) قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ
البقرة	م	٢٥٤	(١٣) اتَّفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ
البقرة	م	٢٥٩	(١٤) قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ
البقرة	م	٢٦٤	(١٥) كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

٩	م	آل عمران	(١٦) رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ
٢٥	م	آل عمران	(١٧) فَكَيْفَ إِذَا جُمِعْنَا لَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ
٣٠	م	آل عمران	(١٨) يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا
٥٥	م	آل عمران	(١٩) وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
٧٧	م	آل عمران	(٢٠) وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
١٠٦	م	آل عمران	(٢١) يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ
١١٤	م	آل عمران	(٢٢) يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
١٥٥	م	آل عمران	(٢٣) إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ
١٦١	م	آل عمران	(٢٤) وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
١٦٦	م	آل عمران	(٢٥) وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ
١٨٠	م	آل عمران	(٢٦) سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
١٨٥	م	آل عمران	(٢٧) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
١٩٤	م	آل عمران	(٢٨) رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
			(٢٩) وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
٣٨	م	النساء	الْآخِرِ
٣٩	م	النساء	(٣٠) وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
٥٩	م	النساء	(٣١) فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
٨٧	م	النساء	(٣٢) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
١٠٩	م	النساء	(٣٣) فَمَنْ يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا
			(٣٤) وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ
١٣٦	م	النساء	ضَلَالًا بَعِيدًا
١٤١	م	النساء	(٣٥) فَإِنَّ اللَّهَ يَخْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
١٥٩	م	النساء	(٣٦) وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا

النساء	م	١٦٢	(٣٧) وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا
المائدة	م	٣	(٣٨) الْيَوْمَ يَكْفُرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ
المائدة	م	٣	(٣٩) الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
المائدة	م	٥	(٤٠) الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ
المائدة	م	١٤	(٤١) فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
المائدة	م	٣٦	(٤٢) لِيُفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ
المائدة	م	٦٤	(٤٣) وَاللَّيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
المائدة	م	٦٩	(٤٤) مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
المائدة	م	١٠٩	(٤٥) يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ
المائدة	م	١١٩	(٤٦) قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ
الأنعام	ك	١٢	(٤٧) لِيَجْمَعََنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
الأنعام	ك	١٥	(٤٨) قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الأنعام	ك	٢٢	(٤٩) وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاءُكُمْ
الأنعام	ك	٧٣	(٥٠) وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ
الأنعام	ك	٧٣	(٥١) قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ
الأنعام	ك	٩٣	(٥٢) الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ
الأنعام	ك	١٢٨	(٥٣) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنسِ
الأنعام	ك	١٤١	(٥٤) كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ
			(٥٥) يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ
الأنعام	ك	١٥٨	مِنْ قَبْلُ
الأعراف	ك	١٤	(٥٦) قَالَ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
الأعراف	ك	٣٢	(٥٧) قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الأعراف	ك	٥١	(٥٨) فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا

(٥٩) يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا

بِالْحَقِّ

٥٣ ك الأعراف

(٦٠) إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا

١٦٣ ك الأعراف

(٦١) وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ

١٦٣ ك الأعراف

(٦٢) وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ

سُوءَ الْعَذَابِ

١٦٧ ك الأعراف

(٦٣) شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ

١٧٢ ك الأعراف

(٦٤) إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ

٤١ م الأنفال

(٦٥) يَوْمَ النُّقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

٤١ م الأنفال

(٦٦) وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ

٤٨ م الأنفال

(٦٧) وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ

٣ م التوبة

(٦٨) إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

١٨ م التوبة

(٦٩) أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

١٩ م التوبة

(٧٠) لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ

٢٥ م التوبة

(٧١) قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ

٢٩ م التوبة

(٧٢) يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتْكُوى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ

٣٥ م التوبة

(٧٣) إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ

٣٦ م التوبة

(٧٤) لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا

٤٤ م التوبة

(٧٥) إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

٤٥ م التوبة

(٧٦) فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ

٧٧ م التوبة

(٧٧) وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

٩٩ م التوبة

(٧٨) لَّمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ

١٠٨ م التوبة

يونس	ك	١٥	(٧٩) إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
يونس	ك	٢٨	(٨٠) وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ
يونس	ك	٤٥	(٨١) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ
يونس	ك	٦٠	(٨٢) وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
يونس	ك	٩٢	(٨٣) فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً
يونس	ك	٩٣	(٨٤) إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
هود	ك	٣	(٨٥) وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ
هود	ك	٨	(٨٦) إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ
هود	ك	٢٦	(٨٧) أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ
هود	ك	٤٣	(٨٨) قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ
هود	ك	٦٠	(٨٩) وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ
هود	ك	٧٧	(٩٠) سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيتُ
هود	ك	٨٤	(٩١) إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ
هود	ك	٩٨	(٩٢) يَتَقَدَّمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ
هود	ك	٩٩	(٩٣) وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ
هود	ك	١٠٣	(٩٤) ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ
هود	ك	١٠٣	(٩٥) وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ
هود	ك	١٠٥	(٩٦) يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ
يوسف	ك	٥٤	(٩٧) فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ
يوسف	ك	٩٢	(٩٨) قَالَ لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ
إبراهيم	ك	١٨	(٩٩) أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ
إبراهيم	ك	٣١	(١٠٠) مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ
إبراهيم	ك	٤١	(١٠١) رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ
إبراهيم	ك	٤٢	(١٠٢) إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ

٤٤	ك	إبراهيم	(١٠٣) وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ
٤٨	ك	إبراهيم	(١٠٤) يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ
٣٥	ك	الحجر	(١٠٥) وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ
٣٦	ك	الحجر	(١٠٦) قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ
٣٨	ك	الحجر	(١٠٧) قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ
٢٥	ك	النحل	(١٠٨) لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ
٢٧	ك	النحل	(١٠٩) ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ
٢٧	ك	النحل	(١١٠) قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ
٦٣	ك	النحل	(١١١) فَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
٨٠	ك	النحل	(١١٢) وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ
٨٠	ك	النحل	(١١٣) وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ
٨٤	ك	النحل	(١١٤) وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
٨٩	ك	النحل	(١١٥) وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ
٩٢	ك	النحل	(١١٦) وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
١١١	ك	النحل	(١١٧) يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ
١٢٤	ك	النحل	(١١٨) وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
١٣	ك	الإسراء	(١١٩) وَنُخْرِجْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا
١٤	ك	الإسراء	(١٢٠) اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا
٥٢	ك	الإسراء	(١٢١) يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا
٥٨	ك	الإسراء	(١٢٢) وَإِنْ مِّنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
٦٢	ك	الإسراء	(١٢٣) لَكِنِ اخْرَجْنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا
٧١	ك	الإسراء	(١٢٤) يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ
٩٧	ك	الإسراء	(١٢٥) وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيًَّا وَبُكْمًا وَصُمًّا
١٩	ك	الكهف	(١٢٦) قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

الكهف	ك	٤٧	(١٢٧) وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً
الكهف	ك	٥٢	(١٢٨) وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ
الكهف	ك	١٠٥	(١٢٩) فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا
مريم	ك	١٥	(١٣٠) وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ
مريم	ك	١٥	(١٣١) وَيَوْمَ يَمُوتُ
مريم	ك	١٥	(١٣٢) وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا
مريم	ك	٢٦	(١٣٣) إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلَّمُ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا
مريم	ك	٣٣	(١٣٤) وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ
الحديد	م	١٣	(١٣٥) يَوْمَ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا
مريم	ك	٣٣	وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا
غافر	ك	٩	(١٣٦) وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتُهُ
مريم	ك	٣٧	(١٣٧) فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ
مريم	ك	٣٨	(١٣٨) أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا
مريم	ك	٣٨	(١٣٩) لَكِنَّ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
مريم	ك	٣٩	(١٤٠) وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ
مريم	ك	٨٥	(١٤١) يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا
مريم	ك	٩٥	(١٤٢) وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا
طه	ك	٥٩	(١٤٣) قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى
طه	ك	٦٤	(١٤٤) فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى
طه	ك	١٠٠	(١٤٥) مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا
طه	ك	١٠١	(١٤٦) خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا
طه	ك	١٠٢	(١٤٧) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا
طه	ك	١٢٤	(١٤٨) فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى
طه	ك	١٢٦	(١٤٩) قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى

٤٧	ك	الأنبياء	(١٥٠) وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا
١٠٤	ك	الأنبياء	(١٥١) يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ
٢	م	الحج	(١٥٢) يَوْمَ تَرُوتُهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ
٩	م	الحج	(١٥٣) لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابُ الْحَرِيقِ
١٧	م	الحج	(١٥٤) إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
٥٥	م	الحج	(١٥٥) حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ
٦٩	م	الحج	(١٥٦) اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
١٦	ك	المؤمنون	(١٥٧) ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ
٦٥	ك	المؤمنون	(١٥٨) لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ
١٠٠	ك	المؤمنون	(١٥٩) وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ
١١١	ك	المؤمنون	(١٦٠) إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ
١١٣	ك	المؤمنون	(١٦١) قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ
			(١٦٢) وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
٢	م	النور	الْآخِرِ
٢٤	م	النور	(١٦٣) يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
٦٤	م	النور	(١٦٤) قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا
١٤	ك	الفرقان	(١٦٥) لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا
١٧	ك	الفرقان	(١٦٦) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
			(١٦٧) يَوْمَ يَرُونَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ
٢٣ و ٢٢	ك	الفرقان	حِجْرًا مَحْجُورًا وَقَدْ مَنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا
٢٥	ك	الفرقان	(١٦٨) وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا
٢٧	ك	الفرقان	(١٦٩) وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ
٦٩	ك	الفرقان	(١٧٠) يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا
٣٨	ك	الشعراء	(١٧١) فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

الشعراء	ك	٨٢	(١٧٢) وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ
الشعراء	ك	٨٧	(١٧٣) وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ
الشعراء	ك	٨٨	(١٧٤) يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ
الشعراء	ك	١٣٥	(١٧٥) إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
القمر	ك	١٩	(١٧٦) إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ
الشعراء	ك	١٥٦	(١٧٧) وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الشعراء	ك	١٨٩	(١٧٨) فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ
الشعراء	ك	١٨٩	(١٧٩) إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
النمل	ك	٨٣	(١٨٠) وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكْذِّبُ بِآيَاتِنَا
النمل	ك	٨٧	(١٨١) وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنُفِخَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
القصص	ك	٤١	(١٨٢) وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ
القصص	ك	٤٢	(١٨٣) وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ
القصص	ك	٦١	(١٨٤) كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ
القصص	ك	٦٢	(١٨٥) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ
القصص	ك	٦٥	(١٨٦) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ
القصص	ك	٧١	(١٨٧) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
القصص	ك	٧٢	(١٨٨) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
القصص	ك	٧٤	(١٨٩) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ
العنكبوت	ك	١٣	(١٩٠) وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ
العنكبوت	ك	٢٥	(١٩١) ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ
العنكبوت	ك	٣٦	(١٩٢) فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ
العنكبوت	ك	٥٥	(١٩٣) يَوْمَ يَعْلَمُهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ
الروم	م	١٢	(١٩٤) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ
الروم	م	١٤	(١٩٥) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِقُونَ

الروم	م	٤٣	(١٩٦) فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ
الروم	م	٥٥	(١٩٧) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ
الروم	م	٥٦	(١٩٨) لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ
الروم	م	٥٦	(١٩٩) فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
السجدة	ك	٥	(٢٠٠) ثُمَّ يَرْجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ
السجدة	ك	٢٥	(٢٠١) إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
السجدة	ك	٢٩	(٢٠٢) قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ
			(٢٠٣) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ
الأحزاب	م	٢١	وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
الأحزاب	م	٤٤	(٢٠٤) تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا
			(٢٠٥) يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا
الأحزاب	م	٦٦	الرَّسُولَ
			(٢٠٦) قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ
سبا	ك	٣٠	(٢٠٧) وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا
سبا	ك	٤٠	يَعْبُدُونَ
سبا	ك	٤٢	(٢٠٨) فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا
فاطر	ك	١٤	(٢٠٩) وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشِرِكُكُمْ وَلَا يُنَبِّتُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ
يس	ك	٥٤	(٢١٠) فَالْيَوْمَ لَا تُظَلِّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
يس	ك	٥٥	(٢١١) إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ
يس	ك	٥٩	(٢١٢) وَامْتَنَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ
يس	ك	٦٤	(٢١٣) اضْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
يس	ك	٦٥	(٢١٤) الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ
الصفات	ك	٢٠	(٢١٥) وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ
الصفات	ك	٢١	(٢١٦) هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

الصفحات	ك	٢٦	(٢١٧) مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ. بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ
الصفحات	ك	١٤٤	(٢١٨) فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ. لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
ص	ك	١٦	(٢١٩) وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ
ص	ك	٢٦	(٢٢٠) لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ
ص	ك	٥٣	(٢٢١) هَذَا مَا تُوَعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ
ص	ك	٧٨	(٢٢٢) وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعَنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ
ص	ك	٧٩	(٢٢٣) قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
ص	ك	٨١	(٢٢٤) قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ. إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ
الزمر	ك	١٣	(٢٢٥) قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الزمر	ك	١٥	(٢٢٦) قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الزمر	ك	٢٤	(٢٢٧) أَفَمَنْ يَتَّبِعِي بَوَجهِ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الزمر	ك	٣١	(٢٢٨) ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ
الزمر	ك	٤٧	(٢٢٩) لَا تَتَدَوَّاهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الزمر	ك	٦٠	(٢٣٠) وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ
الزمر	ك	٦٧	(٢٣١) وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
غافر	ك	١٥	(٢٣٢) يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ
غافر	ك	١٦	(٢٣٣) يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ
غافر	ك	١٦	(٢٣٤) لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ
غافر	ك	١٧	(٢٣٥) الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
غافر	ك	١٧	(٢٣٦) لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ
غافر	ك	١٨	(٢٣٧) وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطِمِينَ
غافر	ك	٢٧	(٢٣٨) إِنِّي عَذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ
فصلت	ك	١٩	(٢٣٩) وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ
فصلت	ك	٤٠	(٢٤٠) أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَّنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

فصلت	ك	٤٧	(٢٤١) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ
الشورى	م	٧	(٢٤٢) لْتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ
الشورى	م	٤٥	(٢٤٣) إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الشورى	م	٤٧	(٢٤٤) اسْتَجِيبُوا لِلرَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ
الزخرف	ك	٣٩	(٢٤٥) وَلَن يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَلَمْتُمْ أَنْكُم فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
الزخرف	ك	٦٥	(٢٤٦) فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْيَمِّ
الزخرف	ك	٦٨	(٢٤٧) يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ
الدخان	ك	١٠	(٢٤٨) فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ
الدخان	ك	١٦	(٢٤٩) يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ
الدخان	ك	٤٠	(٢٥٠) إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ
الدخان	ك	٤١	(٢٥١) يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ
الجاثية	ك	١٧	(٢٥٢) إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
الجاثية	ك	٢٦	(٢٥٣) قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
الجاثية	ك	٢٧	(٢٥٤) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئِدِ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ
الجاثية	ك	٢٨	(٢٥٥) كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
الجاثية	ك	٣٤	(٢٥٦) وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا
الجاثية	ك	٣٥	(٢٥٧) فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
			(٢٥٨) وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ
الأحقاف	ك	٥	الْقِيَامَةِ
			(٢٥٩) وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ
الأحقاف	ك	٢٠	الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا
الأحقاف	ك	٢٠	(٢٦٠) فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ
الأحقاف	ك	٢١	(٢٦١) أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الأحقاف	ك	٣٤	(٢٦٢) وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ

الأحقاف	ك	٣٥	(٢٦٣) كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ
ق	ك	٢٠	(٢٦٤) وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ
ق	ك	٢٢	(٢٦٥) فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ
ق	ك	٣٠	(٢٦٦) يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ
ق	ك	٣٤	(٢٦٧) ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ
ق	ك	٤١	(٢٦٨) وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ
ق	ك	٤٢	(٢٦٩) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ
ق	ك	٤٢	ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ
ق	ك	٤٤	(٢٧٠) يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ
الذاريات	ك	١٢	(٢٧١) يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ
الذاريات	ك	١٣	يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ
الطور	ك	١٣	(٢٧٢) يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً
الطور	ك	٤٦	(٢٧٣) يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ
القمر	ك	٦	(٢٧٤) فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُّكْرٍ
القمر	ك	٤٨	(٢٧٥) يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ
الواقعة	ك	٥٠	(٢٧٦) لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ
الواقعة	ك	٥٦	(٢٧٧) هَذَا نَزْلُكُمْ يَوْمَ الدِّينِ
الحديد	م	١٢	(٢٧٨) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ
الحديد	م	١٢	بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
الحديد	م	١٥	(٢٧٩) فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
المجادلة	م	٦	(٢٨٠) يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا
المجادلة	م	٧	(٢٨١) ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
المجادلة	م	١٨	(٢٨٢) يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ
			(٢٨٣) لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ



وَرَسُولُهُ	٢٢	م	المجادلة
(٢٨٤) يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ	٥٢	ك	غافر
(٢٨٥) لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ	٣	م	المتحنة
(٢٨٦) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ	٦	م	المتحنة
(٢٨٧) يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ	٩	م	التغابن
(٢٨٨) لِيَوْمِ الْجَمْعِ	٩	م	التغابن
(٢٨٩) ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ	٩	م	التغابن
(٢٩٠) ذَلِكَ يَوْمُ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	٢	م	الطلاق
(٢٩١) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ	٧	م	التحریم
(٣٠٠) يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ	٨	م	التحریم
(٣٠١) أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لِمَا تَحْكُمُونَ	٣٩	ك	القلم
(٣٠٢) يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى الشُّجُورِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ	٤٢	ك	القلم
(٣٠٣) فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ	٣٥	ك	الحاقة
(٣٠٤) تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ	٤	ك	المعارج
(٣٠٥) يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ	٨	ك	المعارج
(٣٠٦) وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيِّنَاتِ الدِّينِ	٢٦	ك	المعارج
(٣٠٧) يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا	٤٣	ك	المعارج
(٣٠٨) ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ	٤٤	ك	المعارج
(٣٠٩) يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلاً	١٤	ك	المزمل
(٣١٠) فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ	٩	ك	المدثر
(٣١١) وَكُنَّا نُكَذِّبُ بَيِّنَاتِ الدِّينِ	٤٦	ك	المدثر
(٣١٢) لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ	١	ك	القيامة
(٣١٤) يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ	٦	ك	القيامة
(٣١٥) فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا	١١	م	الإنسان

١٢	ك	المرسلات	(٣١٦) وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْنِتَتْ. لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ
١٣	ك	المرسلات	لِيَوْمِ الْفَصْلِ
١٤	ك	المرسلات	وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ
٣٥	ك	المرسلات	(٣١٧) هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ
٣٨	ك	المرسلات	(٣١٨) هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ
١٧	ك	النبأ	(٣١٩) إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا
١٨	ك	النبأ	(٣٢٠) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا
٣٨	ك	النبأ	(٣٢١) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا
٣٩	ك	النبأ	(٣٢٢) ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَا
٤٠	ك	النبأ	(٣٢٣) إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ
٦	ك	النازعات	(٣٢٤) يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ. تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ
٣٥	ك	النازعات	(٣٢٥) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ
٤٦	ك	النازعات	(٣٢٦) كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا
٣٤	ك	عبس	(٣٢٧) فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ. يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ
١٥	ك	الانفطار	(٣٢٨) وَإِنَّ الْفُجَارَ لَفِي جَحِيمٍ. يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ
١٧	ك	الانفطار	وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ
١٨	ك	الانفطار	ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ
١٩	ك	الانفطار	(٣٢٩) يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ
٥	ك	المطففين	(٣٣٠) إِلَّا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ. لِيَوْمٍ عَظِيمٍ
٦	ك	المطففين	يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ
١١	ك	المطففين	(٣٣١) وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ. الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيُّوتَ الدِّينِ
٣٤	ك	المطففين	(٣٣٢) فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ
٢	ك	البروج	(٣٣٣) وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ. وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ
٩	ك	الطارق	(٣٣٤) إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ. يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ



١٤	ك	البلد	أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ. يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ
٤	ك	القارعة	(٣٣٥) يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ
٤٨	م	البقرة	(٣٣٦) وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا
١٢٣	م	البقرة	(٣٣٧) وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ
٢٥٩	م	البقرة	(٣٣٨) قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ
٢٨١	م	البقرة	(٣٣٩) وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ
٤٧	م	الحج	(٣٤٠) وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ
١١٣	ك	المؤمنون	قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ
٣٧	م	النور	(٣٤١) يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ
٢٦	ك	الفرقان	(٣٤٢) وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا
٣٣	ك	لقمان	(٣٤٣) اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ
٤٩	ك	غافر	(٣٤٤) ادْعُوا رَبَّكُمْ يَخْفَفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ
١٧	ك	المزمل	(٣٤٥) فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا
٧	م	الإنسان	(٣٤٦) يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا
١٠	م	الإنسان	(٣٤٧) إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا
٢٧	م	الإنسان	(٣٤٨) إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا
			(٣٤٩) أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا
١٣٠	ك	الأنعام	(٣٥٠) وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ
١٠٣	ك	الأنبياء	(٣٥١) فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا
١٤	ك	السجدة	(٣٥٢) أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا
٧١	ك	الزمر	(٣٥٣) وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا
٣٤	ك	الجاثية	(٣٥٤) فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَٰذَا
٥١	ك	الأعراف	

الزخرف	ك	٨٣	(٣٥٥) فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ
الذاريات	ك	٦٠	(٣٥٦) فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ
الطور	ك	٤٥	(٣٥٧) فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ
المعارج	ك	٤٢	(٣٥٨) فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ
غافر	ك	٥١	(٣٥٩) إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ
النساء	م	٤٢	(٣٦٠) يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ
الأنعام	ك	١٦	(٣٦١) مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ
الأعراف	ك	٨	(٣٦٢) وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
إبراهيم	ك	٤٩	(٣٦٣) وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ
النحل	ك	٨٧	(٣٦٤) وَالْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ
الكهف	ك	٩٩	(٣٦٥) وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ
الكهف	ك	١٠٠	(٣٦٦) وَعَرْضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا
طه	ك	١٠٢	(٣٦٧) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا
طه	ك	١٠٨	(٣٦٨) يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ
طه	ك	١٠٩	(٣٦٩) يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا
الحج	م	٥٦	(٣٧٠) الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ
المؤمنون	ك	١٠١	(٣٧١) فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ
النور	م	٢٥	(٣٧٢) يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ
الفرقان	ك	٢٢	(٣٧٣) يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ
الفرقان	ك	٢٤	(٣٧٤) أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا
الفرقان	ك	٢٦	(٣٧٥) الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا
النمل	ك	٨٩	(٣٧٦) مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ
القصص	ك	٦٦	(٣٧٧) فَعَمِيَّتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ
الروم	م	٤	(٣٧٨) لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ

١٤	م	الروم	(٣٧٩) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفَخُونَ
٤٣	م	الروم	(٣٨٠) مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ
٥٧	م	الروم	(٣٨١) فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
٣٣	ك	الصفات	(٣٨٢) فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
٤٧	م	الشورى	(٣٨٣) مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ
٦٧	ك	الزخرف	(٣٨٤) الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ
٢٧	ك	الجاثية	(٣٨٥) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ
١١	ك	الطور	(٣٨٦) وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا. قَوْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٣٩	م	الرحمن	(٣٨٧) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ
١٥	ك	الحاقة	(٣٨٨) فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ
١٥	ك	المرسلات	(٣٨٩) وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفُصْلِ. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
١٩	ك	المرسلات	(٣٩٠) كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٢٤	ك	المرسلات	(٣٩١) فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٢٨	ك	المرسلات	(٣٩٢) وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٣٤	ك	المرسلات	(٣٩٣) كَانَتْ جَمَالَتْ صُفْرًا. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٣٧	ك	المرسلات	(٣٩٤) وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٤٥	ك	المرسلات	(٣٩٥) إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٤٧	ك	المرسلات	(٣٩٦) كُلُّوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٤٩	ك	المرسلات	(٣٩٧) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ. وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٨	ك	النازعات	(٣٩٨) يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ. تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ. قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ
٣٧	ك	عبس	(٣٩٩) لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ
٣٩	ك	عبس	(٤٠٠) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ. صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ
٤٠	ك	عبس	(٤٠١) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ غَافِرَةٌ. تَرَهَقَهَا قَتَرَةٌ
١٩	ك	الانفطار	(٤٠٢) يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

المطففين	ك	١٠	(٤٠٣) كِتَابٌ مَرْقُومٌ. وَيُلَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
المطففين	ك	١٥	(٤٠٤) كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ
الغاشية	ك	٢	(٤٠٥) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ. عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ
الغاشية	ك	٨	(٤٠٦) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ تَائِمَةٌ. لِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ
الفجر	ك	٢٣	(٤٠٧) وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ
الفجر	ك	٢٣	(٤٠٨) يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذُّكْرَىٰ
الفجر	ك	٢٥	(٤٠٩) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ
الزلزلة	م	٤	(٤١٠) يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا. بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا
الزلزلة	م	٦	(٤١١) يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوَّا أَعْمَالَهُمْ
العاديات	ك	١١	(٤١٢) إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ
التكاثر	ك	٨	(٤١٣) ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ
هود	ك	٦٦	(٤١٤) نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمَئِذٍ
المعارج	ك	١١	(٤١٥) يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بَنِيهِ
الحاقة	ك	١٦	(٤١٦) وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ
الحاقة	ك	١٧	(٤١٧) وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ
الحاقة	ك	١٨	(٤١٨) يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ
المدثر	ك	٩	(٤١٩) فَإِذَا تَقَرَّىٰ الْنَّاقُورِ. فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ
القيامة	ك	١٠	(٤٢٠) يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ
القيامة	ك	١٢	(٤٢١) إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ
القيامة	ك	١٣	(٤٢٢) يُنَبِّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ
القيامة	ك	٢٢	(٤٢٣) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ. إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ
القيامة	ك	٢٥	(٤٢٤) وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ. تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ
القيامة	ك	٣٠	(٤٢٥) إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ
غافر	ك	٤٦	(٤٢٦) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

غافر	ك	٣٢	(٤٢٧) وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ
غافر	ك	٣٣	(٤٢٨) يَوْمَ تُولُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ
الحديد	م	١٣	(٤٢٩) يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا
غافر	ك	٩	(٤٣١) وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَن تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ
الطور	ك	٩	(٤٣٢) يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا
القمر	ك	٨	(٤٣٣) مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِيرٌ
م الشورى وَمَا		٨	(٤٣٤) وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ
الشورى	م	٤٦	(٤٣٥) كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ
عبس	ك	٣٨	(٤٣٦) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ
عبس	ك	٤٠	(٤٣٧) وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ
القلم	ك	٤٣	(٤٣٨) خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذِلَّةٌ
المعارج	ك	١٠	(٤٣٩) وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا
الإسراء	ك	١٤	(٤٤٠) اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا
فصلت	ك	٥٣	(٤٤١) أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ
غافر	ك	٤٨	(٤٤٢) إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ
القيامة	ك	١٤ و ١٥	(٤٤٣) بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ. وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ
الزلزلة	م	٤	(٤٤٤) يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا. بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا
البقرة	م	٢٨٤	(٤٤٥) وَإِنْ تُبْذَرُوا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْضَفُوا يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ
الإسراء	ك	١٤	(٤٤٦) اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا
المؤمنون	ك	١٠٥	(٤٤٧) أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ
المؤمنون	ك	١٠٦	(٤٤٨) قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ
			(٤٤٩) أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ. بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ
القيامة	ك	٤ و ٣	بَنَانُهُ
المرسلات		٤٩ و ٤٧ و ٤٥ و ٤٠ و ٣٧ و ٣٤ و ٢٨ و ٢٤ و ١٩ و ١٥	(٤٥٠ - ٤٦٠) فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ، الْآيَةُ ١٥ و ١٩ و ٢٤ و ٢٨ و ٣٤ و ٣٧ و ٤٠ و ٤٥ و ٤٧ و ٤٩



٢	ك	القيامة	(٤٦١) وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ
٩	ك	غافر	(٤٦٢) وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ
١٤	ك	الحاقة	(٤٦٢) وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً
٨ و ٩ و ١٠	ك	المرسلات	(٤٦٣) فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ.
٢	ك	الانشقاق	(٤٦٤) إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ. وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ
٢١	ك	الفجر	(٤٦٥) كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا
١ و ٢	م	الزلزلة	(٤٦٦) إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا. وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا
			(٤٦٧) يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ. فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ. وَخَسَفَ الْقَمَرُ. وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ.
٦-١٠ و ٧٥	ك	القيامة	يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ
١٨	ك	الحاقة	(٤٦٨) يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ
			(٤٦٩) وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ
١٨	ك	غافر	مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٌ يُطَاعُ
			(٤٧٠) الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
١٧	ك	غافر	الْحِسَابِ
			(٤٧١) فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى. يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى. وَبُرُزَتِ
٣٤ و ٢٥ و ٣٦			الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى
٣٣-٣٦ ك	ع	عبس	(٤٧٢) فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ. يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ. وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ. وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ
٣٤	ك	ق	(٤٧٣) ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ
			(٤٧٤) النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ. وَإِذْ
			يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ
٤٦ و ٤٧	ك	غافر	النَّارِ
			(٤٧٥) كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ. إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ. فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ الْمُجْرِمِينَ. مَا
٣٨-٤٢ ك		المدثر	سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ
٣٩-٤٠ ك		المرسلات	(٤٧٦) فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ. وَيَلُ لُ يَوْمَئِذٍ الْمُكْذِبِينَ

مضمون آيات «يوم القيامة»

١ - مطلق الجزاء

آية: ١ و ١١٧ و ٢١٠ و ٢٢٨ و ٢٣٥ و ٢٤٠ و ٢٤٣ و ٣٠١ و ٣٠٦ و ٣٢٥ و ٣٧٢ و ٤١٢.

٢ - ذكر الإيمان بالمعاد مع الإيمان بالمبدء

آية: ٢ و ٣ و ٦ و ٨ و ١٠ و ١٥ و ٢٢ و ٢٩ و ٣٠ و ٣١ و ٣٤ و ٣٧ و ٦٨ و ٦٩ و ٧١ و ٧٤ و ٧٥ و ٧٧ و ١٦٢ و ٢٨٣ و ٣٩٠.

٣ - جزاء السيئات

آية: ٤ و ٤٨ و ٥٢ و ٧٩ و ٨٢ و ٨٥ و ٨٧ و ٨٨ و ٨٩ و ٩١ و ١٠٣ و ١٠٨ و ١١١ و ١٣٧ و ١٣٨ و ١٣٩ و ١٤٥ و ١٤٦ و ١٥٣ و ١٥١ و ١٧٠ و ١٧٥ و ١٧٧ و ١٧٨ (إلى آخر الآية) و ١٨٢ (إلى آخر الآية) و ١٩٣ و ١٩٤ و ٢٢٥ و ٢٢٦ و ٢٣٧ و ٢٣٦ و ٢٦١ و ٢٦٢ (إلى آخر الآيات بعدها) و ٢٤٦ و ٢٤٩ و ٢٥٤ و ٢٥٩ و ٢٦٠ و ٢٦١ و ٢٦٢ و ٢٧٢ و ٢٧٤ و ٣٠٨ و ٣٢٨ و ٣٣٠ و ٣٣١ و ٣٤٢ و ٣٥٥ و ٣٥٦ و ٣٥٧ و ٣٥٨ و ٣٦٣ و ٣٦٦ و ٣٧٣ و ٣٨٠ و ٣٨٢ و ٣٨٥ و ٣٨٩ و ٤٠١ و ٤٠٧ و ٤٢٨.

٤ - جزاء المكذّبين للدين يوم القيامة

آية: ٣٧٦ و ٣٨٩ و ٣٩٠ و ٣٩١ و ٣٩٢ و ٣٩٣ و ٣٩٤ و ٣٩٥ و ٣٩٦ و ٣٩٧ و ٤٧٦.

٥ - العناية الالهية المعنوية لأهل الإيمان يوم القيامة وقطعها عن الكفار فيها

آية: ٧ و ٢٠ و ٢٨ و ٥٨ و ٨٩ و ٩٣ و ١٠٩ و ١١٠ و ١٣٦ و ١٤٩ و ١٦٥ و ١٧٣ و ٢٥٦ و ٢٥٨ و ٢٧٨ و ٣٠٠ و ٣٣٣ و ٣٥٩ و ٤٠٥ و ٤١٣ و ٤١٦ و ٤١٨ و ٤١٩ و ٤٢٠ و ٤٢٩ و ٤٣٠ و ٤٣١.

٦ - انقطاع الروابط الدنيويّة بين الناس يوم القيامة

آية: ١٣ و ٣٣ و ٤٢ و ١٠٠ و ١٥٨ و ١٧٤ و ١٩١ و ٢٠٨ و ٢٠٩ و ٢١٧ و ٢٣٨ و ٢٤٤ و ٢٥١ و ٢٥٧ و ٢٧٣ و ٢٧ و ٩ و ٢٨٥ و ٣٢٧ و ٣٢٩ و ٣٣٦ و ٣٣٧ و ٣٤٣ و ٣٦٤ و ٣٧١ و ٣٨١ و ٣٨٣ و ٣٨٤ و ٣٨٧ و ٣٩٩ و ٤٠٢ و ٤٣٥ و ٤٣٦ و ٤٣٨ و ٤٧٢.

٧ - حضور نفس العمل أو المعمول به في يوم القيامة

آية: ١٨ و ٢٤ و ٢٦ و ٧٢.

٨ - الفروق الجسمانية بين أهل الإيمان وأهل الكفر في يوم القيامة

آية: ٢١ و ١٢٥ و ١٤٧ و ١٤٨ و ٢٣٠ و ٤٣٥ و ٤٣٦ و ٤٣٧ و ٢٣٧ و ٣٠٨ و ٣٦٧.

٩ - الشهادات على الأعمال يوم القيامة

آية: ٣٦ و ١١٤ و ١١٥ و ١١٩ و ١٢٤ و ١٦٤ و ٢١٤ و ٢٣٣ و ٢٥٥ و ٣٣٤ و ٣٨٧ و ٤١٧ و ٤١٠ و ٤١٢ و ٤٤٠.

١٠ - نفخ الصور واستماع الصيحة عند الخروج

آية: ٥١ و ١٨١ و ٢٦٤ و ٢٦٩ و ٣٢٠ و ٣٢٤ و ٣٨٨ و ٣٩٨.

١١ - الفصل والحكومة بين الناس

آية: ٥ و ٣٥ و ٨٤ و ١١٦ و ١١٨ و ١٥٤ و ١٥٦ و ٢٠١ و ٢٥٢ و ٣١٧ و ٣١٨ و ٣٧٠ و ٤٤١.

١٢ - يوم القيامة لا يستأخر منه ساعة ولا يستقدم

آية: ٢٠٦ و ٣٤٩ و ٣٥٠ و ٣٥١ و ٣٥٢ و ٣٥٤.

١٣ - النداء يوم القيامة

آية: ١٨٥ و ١٨٦ و ١٨٩ و ٢٣٤ و ٢١٢ و ٢١٣ و ٢٤١ و ٢٦٨ (مع الآية التي بعدها) و ٤٤٥.

١٤ - الحساب

آية: ١٠١ و ٤٤ و ٢١٥ و ٢٢٠ و ٢٢١ و ٢٢٢ و ٢٣٨ و ٢٧١ و ٣٦٢.

١٥ - قرب يوم القيامة

آية: ١٩٧ و ٣٦٣ و ٣٢٦.

١٦ - إحياء العظام وهي رميم

آية: ٤٤٨

١٧ - الاحتجاج مع الناس يوم القيامة

آية: ٤٥ و ٩٦ و ١١٤.

١٨ - جزاء الأعمال الحسنة يوم القيامة

آية: ٩ و ٢٧ و ٤٤ و ٤٦ و ١٦٠ و ١٩٢ و ٢٠٣ و ٢١١ و ٢٤٧ و ٢٨٦ و ٣١٥

و ٣٧٤ و ٣٧٦ و ٣٧٨ و ٤٠٠ و ٤٠٦ و ٤١٤.

١٩ - الحكومة الكاملة يوم القيامة

آية: ١ و ٢٣١ و ٢٣٤ و ٣٧٠ و ٣٧٥.

٢٠ - الحشر والبعث يوم القيامة

آية: ٨١ و ٢١٢ و ١٣٢ و ١٥٧ و ١٥٩ و ١٦٦ و ١٩٨ و ١٩٩ و ٢١٨ و ٢٢٣

و ٣٣٩ و ٤١٢.

٢١ - كيف يحشر الإنسان في القيامة

الآية: ١٢٤ و ١٤١ و ١٤٢ و ١٨١ و ١٩٥.

٢٢ - طول يوم القيامة

الآية: ٢٠٠ و ٣٠٤ و ٣٤٠.

٢٣ - الحسرة يوم القيامة

الآية: ٥٩ و ١٤٠ و ١٦٩ و ٢٠٥ و ٢١٥ و ٢١٦ و ٢٤٥ و ٢٨٩ و ٣٠٢ و ٣٢٣

و ٣٦٠ و ٤٠٩ و ٤١٥ و ٤٦١.

۲۴ - هبط أعمال الكفار

آية: ۱۶۷.

۲۵ - العدل يوم القيامة

آية: ۲۳۶.

۲۶ - العفو يوم القيامة

آية: ۱۷۲ و ۳۶۱ و ۴۶۲.

۲۷ - حصول التبدل في أوضاع العالم يوم القيامة

آية: ۱۰۴ و ۱۵۱ و ۱۲۷ و ۱۶۸ و ۲۴۸ و ۲۷۰ و ۳۰۵ و ۳۱۰ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۳۳۵ و ۳۸۶.

۲۸ - أهوال يوم القيامة

آية: ۱۰۲ و ۱۵۲ و ۲۲۹ و ۲۳۷ و ۲۷۴ و ۲۶۶ و ۳۱۱ و ۳۲۱ و ۳۴۱ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۶۵ و ۳۶۸ و ۳۹۸ و ۴۲۰ و ۴۱۵ و ۴۲۲ و ۴۳۲ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲.

۲۹ - الدعوة يوم القيامة إلى ندا ما زعم أنه شريك لله وعدم

استحابه

آية: ۱۲۸.

۳۰ - ميزان الأعمال

آية: ۱۲۹ و ۱۵۰.

۳۱ - الشفاعة يوم القيامة

آية: ۳۶۹.

۳۲ - المذاكرة في يوم القيامة

آية: ۳۴۴ و ۳۷۷ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵.

٣٣ - الإشعار إلى النار في آيات يوم القيامة

آية: ٢٧٥.

٣٤ - الإشعار إلى الجنة في آيات يوم القيامة

آية: ٢٦٧ و ٣٧٣.

الصيحة عند القيامة

يس	ك	٢٩	(١) إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ
يس	ك	٤٩	(٢) مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ
يس	ك	٥٣	(٣) إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ
ص	ك	١٥	(٤) وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ
ق	ك	٤٢	(٥) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ



مركز أبحاث العلوم الشرعية

نفخ الصور عند القيامة

الأنعام	ك	٧٣	(١) قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ
الكهف	ك	٩٩	(٢) وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا
طه	ك	١٠٢	(٣) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا
المؤمنون	ك	١٠١	(٤) فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ
			(٥) وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنُفِخَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي
النمل	ك	٨٧	الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوُهُ دَاخِرِينَ
يس	ك	٥١	(٦) وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ
الزمر	ك	٦٨	(٧) وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
ق	ك	٢٠	(٨) وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ
الحاقة	ك	١٣	(٩) فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ
النبا	ك	١٨	(١٠) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا

(١١) فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ. فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ. عَلَى الْكَافِرِينَ

غَيْرِ يَسِيرٍ

١٠ ك المذثر

آيات الحشر

٨٥	ك	مريم	(١) يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا
١٠٢	ك	طه	(٢) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا
٨٣	ك	النمل	(٣) وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا
٦٨	ك	مريم	(٤) فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ
١٢٤	ك	طه	(٥) وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى
٢٢	ك	الأنعام	(٦) وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنَ شِرْكَاءُكُمْ
٢٨	ك	يونس	(٧) وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ
٩٧	ك	الإسراء	(٨) وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا
١٧٢	م	النساء	(٩) وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِي وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيَّ جَمِيعًا
١٢٨	ك	الأنعام	(١٠) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِّنَ الْإِنسِ
٤٥	ك	يونس	(١١) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ
٢٥	ك	الحجر	(١٢) وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ
١٧	ك	الفرقان	(١٣) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
٤٠	ك	سبا	(١٤) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ
٢٢	ك	الصفافات	(١٥) احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرَاؤُاهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ
١٢٥	ك	طه	(١٦) قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا
٦	ك	الأحقاف	(١٧) وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءُ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ
٥	ك	التكوير	(١٨) حُشِرَتْ: وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ
٢٠٣	م	البقرة	(١٩) وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

١٢	م	آل عمران	(٢٠) قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ
١٥٨	م	آل عمران	(٢١) وَلَئِنْ مِثَّتُمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ
٩٦	م	المائدة	(٢٢) وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
٧٢	ك	الأنعام	(٢٣) وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
٢٤	م	الأنفال	(٢٤) وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
٧٩	ك	المؤمنون	(٢٥) وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
٩	م	المجادلة	(٢٦) وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
٢٤	ك	الملك	(٢٧) قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
٥٩	ك	طه	(٢٨) قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّبِينَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى
١٩	ك	فصلت	(٢٩) وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ
٥١	ك	الأنعام	(٣٠) وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ
٣٨	ك	الأنعام	(٣١) مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ
٣٦	م	الأنفال	(٣٢) وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ
٣٤	ك	الفرقان	(٣٣) الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا
٤٤	ك	ق	(٣٤) يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ
٢	م	الحشر	(٣٥) هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ

آيات (جمع الناس في القيامة)

٣٨	ك	المرسلات	(١) هَٰذَا يَوْمُ الْفُضْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ
٢٥	م	آل عمران	(٢) فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ
٩٩	ك	الكهف	(٣) وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا
١٠٩	م	المائدة	(٤) يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ
٢٦	ك	سبا	(٥) قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ

الشورى	م	١٥	(٦) لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ
البجائية	ك	٢٦	(٧) قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُم ثُمَّ يُمِيتُكُم ثُمَّ يُجْمَعُكُم إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
النساء	م	٨٧	(٨) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
التغابن	م	٩	(٩) يَوْمَ يَجْمَعُكُم لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ
الكهف	ك	٩٩	(١٠) وَتُفْخَخُ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا
الشورى	م	٢٩	(١١) وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ
آل عمران	م	٩	(١٢) رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ
النساء	م	١٤٠	(١٣) إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا
هود	ك	١٠٣	(١٤) ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ
الواقعة	ك	٥٠	(١٥) قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَعْلُومٍ
يس	ك	٣٢	(١٦) وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ
يس	ك	٥٣	(١٧) إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ
البقرة	م	١٤٨	(١٨) أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
النساء	م	١٤٠	(١٩) إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا
النساء	م	١٧٢	(٢٠) وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا
المائدة	م	٤٨	(٢١) إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
المائدة	م	١٠٥	(٢٢) إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
الأنعام	ك	٢٢	(٢٣) وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاءُكُمْ
الأنعام	ك	١٢٨	(٢٤) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِّنَ الْإِنسِ
			(٢٥) حَتَّىٰ إِذَا دَارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ
الأعراف	ك	٣٨	أَضَلُّونَا
يونس	ك	٤	(٢٦) إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا
			(٢٧) وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ
يونس	ك	٢٨	وَشُرَكَاءُكُمْ

آيات احياء الموتى في القيامة

الأعراف	ك	٢٥	(١) قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ
الحج	م	٦٦	(٢) وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ
فصلت	ك	٣٩	(٣) إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لُمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
غافر	ك	١١	(٤) قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا أَثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا
البقرة	م	٢٦٠	(٥) وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى
يس	ك	١٢	(٦) إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ
البقرة	م	٧٣	(٧) كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
يونس	ك	٥٦	(٨) هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
يس	ك	٧٨	(٩) وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ
الشورى	م	٩	(١٠) فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
			(١١) أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُنَّ
الأحقاف	ك	٣٣	بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى
القيامة	ك	٤٠	(١٢) أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى
البقرة	م	٢٨	(١٣) ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
الحج	م	٦٦	(١٤) وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ
الروم	م	٤٠	(١٥) اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ
			(١٦) قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
الجاثية	ك	٢٦	لَا رَيْبَ فِيهِ
الشعراء	ك	٨١	(١٧) وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي
يس	ك	٧٩	(١٨) قُلِ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

القيامة يوم الرجوع إلى الله

(١) وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ

الْقَوْلِ

سبأ ٣١ ك

(٢) اَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

الفجر ٢٨ ك

(٣) ثُمَّ يُمِيتُهُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

البقرة ٢٨ م

(٤) وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

البقرة ٢٤٥ م

(٥) وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَىٰ اللَّهِ

البقرة ٢٨١ م

(٦) هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

يونس ٥٦ ك

(٧) إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

هود ٣٤ ك

(٨) وَنَبِّئُكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

الأنبياء ٣٥ ك

(٩) أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

المؤمنون ١١٥ ك

(١٠) لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

القصص ٧٠ ك

(١١) كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

القصص ٨٨ ك

(١٢) فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

العنكبوت ١٧ ك

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

العنكبوت ٥٧ ك

(١٣) اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

الروم ١١ م

(١٤) قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

السجدة ١١ ك

(١٥) فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

يس ٨٣ ك

(١٦) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

الزمر ٤٤ ك

(١٧) وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

فصلت ٢١ ك

(١٨) وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

الزخرف ٨٥ ك

(١٩) مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

الجاثية ١٥ ك

(٢٠) وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

الأنعام ٣٦ ك

(٢١) إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

مريم ٤٠ ك

غافر	ك	٧٧	(٢٢) فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ
الطارق	ك	٨	(٢٣) إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ
العلق	ك	٨	(٢٤) إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى
البقرة	م	٤٦	(٢٥) الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
البقرة	م	١٥٦	(٢٦) الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
الأنبياء	ك	٩٣	(٢٧) وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ
المؤمنون	ك	٦٠	(٢٨) وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ
آل عمران	م	٥٥	(٢٩) ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُم بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
المائدة	م	٤٨	(٣٠) إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
المائدة	م	١٠٥	(٣١) إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
الأنعام	ك	٦٠	(٣٢) ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
الأنعام	ك	١٦٤	(٣٣) ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
يونس	ك	٤	(٣٤) إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَوُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ
يونس	ك	٢٣	(٣٥) ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
هود	ك	٤	(٣٦) إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
العنكبوت	ك	٨	(٣٧) إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
لقمان	ك	١٥	(٣٨) ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
الزمر	ك	٧	(٣٩) ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
الأنعام	ك	١٠٨	(٤٠) ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

الآيات المذكورة فيها (الآخرة)

البقرة	م	٤	(١) وَمَا أَنزَلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
البقرة	م	٨٦	(٢) أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ
البقرة	م	٩٤	(٣) قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً

البقرة	م	١٠٢	(٤) وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ
البقرة	م	١١٤	(٥) لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
البقرة	م	١٣٠	(٦) وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
البقرة	م	٢٠٠	(٧) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ
البقرة	م	٢٠١	(٨) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
البقرة	م	٢١٧	(٩) فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
البقرة	م	٢٢٠	(١٠) يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ. فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
آل عمران	م	٢٢	(١١) أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
آل عمران	م	٤٥	(١٢) اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
آل عمران	م	٥٦	(١٣) فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذُّهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
آل عمران	م	٧٧	(١٤) أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ
آل عمران	م	٨٥	(١٥) وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ
آل عمران	م	١٤٥	(١٦) وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ
آل عمران	م	١٤٨	(١٧) فَأَتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ
آل عمران	م	١٥٢	(١٨) مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ
آل عمران	م	١٧٦	(١٩) يُرِيدُ اللَّهُ إِلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ
النساء	م	٧٤	(٢٠) فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ
النساء	م	٧٧	(٢١) قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى
النساء	م	١٣٤	(٢٢) مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
المائدة	م	٥	(٢٣) وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ
المائدة	م	٣٣	(٢٤) ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
المائدة	م	٤١	(٢٥) لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
الأنعام	ك	٣٢	(٢٦) وَلِلذَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
الأنعام	ك	٩٢	(٢٧) وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ

الأنعام	ك	١١٣	(٢٨) وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
الأنعام	ك	١٥٠	(٢٩) وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
الأعراف	ك	٤٥	(٣٠) الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ
الأعراف	ك	١٤٧	(٣١) وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
الأعراف	ك	١٥٦	(٣٢) وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ
الأعراف	ك	١٦٩	(٣٣) وَالذَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
الأنفال	م	٦٧	(٣٤) تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ
التوبة	م	٣٨	(٣٥) أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ
التوبة	م	٣٨	(٣٦) فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ
التوبة	م	٦٩	(٣٧) أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
التوبة	م	٧٤	(٣٨) وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعْذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
يونس	ك	٦٤	(٣٩) لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ
هود	ك	١٦	(٤٠) أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ
هود	ك	١٩	(٤١) وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ
هود	ك	٢٢	(٤٢) لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخُسَرُونَ
هود	ك	١٠٣	(٤٣) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ
يوسف	ك	٣٧	(٤٤) إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ
يوسف	ك	٥٧	(٤٥) وَلَآ جُزْءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ
يوسف	ك	١٠١	(٤٦) فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
يوسف	ك	١٠٩	(٤٧) وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ
الرعد	م	٢٦	(٤٨) وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ
الرعد	م	٣٤	(٤٩) لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ
إبراهيم	ك	٣	(٥٠) الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
إبراهيم	ك	٢٧	(٥١) الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ

النحل	ك	٢٢	(٥٢) فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ
النحل	ك	٣٠	(٥٣) وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ
النحل	ك	٤١	(٥٤) لَنُبَوِّتَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا نَجْزِيَ الْآخِرَةَ أَكْبَرُ
النحل	ك	٦٠	(٥٥) لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى
النحل	ك	١٠٧	(٥٦) ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
النحل	ك	١٠٩	(٥٧) لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْخَاسِرُونَ
النحل	ك	١٢٢	(٥٨) وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
الإسراء	ك	٧	(٥٩) فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
الإسراء	ك	١٠	(٦٠) وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
الإسراء	ك	١٩	(٦١) وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ
الإسراء	ك	٢١	(٦٢) وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا
الإسراء	ك	٤٥	(٦٣) جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا
الإسراء	ك	٧٢	(٦٤) وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى
الإسراء	ك	١٠٤	(٦٥) فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا
طه	ك	١٢٧	(٦٦) وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى
الحج	م	١١	(٦٧) وَإِنْ أَصَابَنُ فِتْنَةٌ انْقَلَبْ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ
الحج	م	١٥	(٦٨) مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
المؤمنون	ك	٣٣	(٦٩) وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ
المؤمنون	ك	٧٤	(٧٠) وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصُّرَاطِ لَنَا كِبُونَ
النور	م	١٤	(٧١) وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
النور	م	١٩	(٧٢) لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
النور	م	٢٣	(٧٣) لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
النمل	ك	٣	(٧٤) الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
النمل	ك	٤	(٧٥) إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ

النمل	ك	٥	(٧٦) الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخَسِرُونَ
النمل	ك	٦٦	(٧٧) بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا
القصص	ك	٧٠	(٧٨) لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
القصص	ك	٧٧	(٧٩) وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ
القصص	ك	٨٣	(٨٠) الدَّارَ الْآخِرَةَ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ
العنكبوت	ك	٢٠	(٨١) كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ
العنكبوت	ك	٢٧	(٨٢) وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
العنكبوت	ك	٦٤	(٨٣) وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
الروم	م	٧	(٨٤) يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ
الروم	م	١٦	(٨٥) وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ
لقمان	ك	٤	(٨٦) الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ
الأحزاب	م	٢٩	(٨٧) وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ
الأحزاب	م	٥٧	(٨٨) لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا
سبأ	ك	١	(٨٩) لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ
سبأ	ك	٨	(٩٠) بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ
سبأ	ك	٢١	(٩١) إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ
الزمر	ك	٩	(٩٢) سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ
الزمر	ك	٢٦	(٩٣) فَأَذَقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ
الزمر	ك	٤٥	(٩٤) وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
غافر	ك	٣٩	(٩٥) يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ
غافر	ك	٤٣	(٩٦) لَا جَرَمَ لَكُمْ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ
فصلت	ك	٧	(٩٧) الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ
فصلت	ك	١٦	(٩٨) وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ
فصلت	ك	٣١	(٩٩) نَحْنُ أَوْلِيَاءُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ

الشورى	م	٢٠	(١٠٠) مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ
			(١٠١) وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ
الشورى	م	٢٠	
الزخرف	ك	٣٥	(١٠٢) وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ
النجم	ك	٢٥	(١٠٣) فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى
النجم	ك	٢٧	(١٠٤) إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى
الحديد	م	٢٠	(١٠٥) وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ
الحشر	م	٣	(١٠٦) لَعَذَابُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ
المتن	م	١٣	(١٠٧) قَدْ يَسْأَلُونَ مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ
القلم	ك	٣٣	(١٠٨) كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
المدثر	ك	٥٣	(١٠٩) كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ
القيامة	ك	٢١	(١١٠) وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ
النارعات	ك	٢٥	(١١١) فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى
الأعلى	ك	١٧	(١١٢) وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى
الليل	ك	١٣	(١١٣) وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى
الضحى	ك	٤	(١١٤) وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى



آيات البعث في الآخرة

يس	ك	٥٢	(١) قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا
البقرة	م	٥٦	(٢) ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
الحج	م	٧	(٣) وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ
الأنعام	ك	٣٦	(٤) وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
المجادلة	م	٦	(٥) يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا
المجادلة	م	١٨	(٦) يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ

٣٣	ك	مريم	(٧) وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا
٧	م	التغابن	(٨) قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ
١٦	ك	المؤمنون	(٩) ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ
١٥	ك	مريم	(١٠) وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا
٧	م	التغابن	(١١) زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا
١٠٠	ك	المؤمنون	(١٢) وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
١٤٤	ك	الصفافات	(١٣) لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
٥	م	الحج	(١٤) إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ
٥٦	م	الروم	(١٥) لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ
٥٦	م	الروم	(١٦) فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
٢٨	ك	لقمان	(١٧) مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَبْعُثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ
٤٩	ك	الإسراء	(١٨) وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا
٩٨	ك	الإسراء	(١٩) وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا
٨٢	ك	المؤمنون	(٢٠) قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ
١٦	ك	الصفافات	(٢١) إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ
٤٧	ك	الواقعة	(٢٢) وَكَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ
٤	ك	المطففين	(٢٣) أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ

آيات السؤال في القيامة

٥٦	ك	النحل	(١) تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ
٩٣	ك	النحل	(٢) وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
٨	ك	التكاثر	(٣) ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ
٢٣	ك	الأنبياء	(٤) يُسْأَلُ: لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ
١٣	ك	العنكبوت	(٥) وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

١٩	ك	الكهف	(٦) وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ
٣٦	ك	الإسراء	(٧) إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

آيات ساعة القيامة

٣١	ك	الأنعام	(١) حَتَّى إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا
٤٠	ك	الأنعام	(٢) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ
١٨٧	ك	الأعراف	(٣) يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي
			(٤) لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ
١١٧	٩	التوبة	(٥) أَوْ تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
١٠٧	ك	يوسف	(٦) وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ
٨٥	ك	الحجر	(٧) فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ
٦١	ك	النحل	(٨) وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ
٧٧	ك	النحل	(٩) لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا
٢١	ك	الكهف	(١٠) حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ
٧٥	ك	مريم	(١١) إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى
١٥	ك	طه	(١٢) الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ
٤٩	ك	الأنبياء	(١٣) يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ
١	م	الحج	(١٤) وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
٧	م	الحج	(١٥) وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً
٥٥	م	الحج	(١٦) وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا
١١	ك	الفرقان	(١٧) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ
١٢	م	الروم	(١٨) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُونَ
١٤	م	الروم	(١٩) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِرُونَ
٥٥	م	الروم	(٢٠) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِرُونَ

لقمان	ك	٣٤	(٢٠) إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ
الأحزاب	م	٦٣	(٢١) يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ
الأحزاب	م	٦٣	(٢٢) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا
غافر	ك	٤٦	(٢٣) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ
غافر	ك	٥٩	(٢٤) إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ
فصلت	ك	٤٧	(٢٥) إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ
الشورى	م	١٧	(٢٦) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ
الشورى	م	١٨	(٢٧) إِلَّا الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ
الزخرف	ك	٦١	(٢٨) وَإِنَّهُ لَعِلْمُ السَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ
الزخرف	ك	٦٦	(٢٩) هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
الزخرف	ك	٨٥	(٣٠) وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
الجاثية	ك	٢٧	(٣١) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ
الجاثية	ك	٣٢	(٣٢) وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا
محمد	م	١٨	(٣٣) فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً
القمر	ك	١	(٣٤) اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ
القمر	ك	٤٦	(٣٥) بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ
القمر	ك	٤٦	(٣٦) وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ
النازعات	ك	٤٢	(٣٧) يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا

الإنسان يرى في القيامة عمله من الخير والشر

النساء	م	١٢٣	(١) مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا
			(٢) وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
النساء	م	١٢٤	
الطلاق	م	١١	(٣) وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ

الزلزلة	م	٧	(٤) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ
الزلزلة	م	٨	(٥) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ
الأنعام	ك	١٠٨	(٦) ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
الأعراف	ك	١٤٧	(٧) حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
التوبة	م	١٢١	(٨) لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
هود	ك	١١١	(٩) وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
النحل	ك	٩٦	(١٠) وَلَنَجْزِيَنَّهُ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
النحل	ك	٩٧	(١١) وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
الإسراء	ك	٩	(١٢) وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا
الكهف	ك	٢	(١٣) وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا
العنكبوت	ك	٧	(١٤) وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ
القصص	ك	٨٤	(١٥) فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
السجدة	ك	١٧	(١٦) فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
السجدة	ك	١٩	(١٧) فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
سبا	ك	٣٣	(١٨) هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
الزمر	ك	٣٥	(١٩) وَيَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ
فصلت	ك	٢٧	(٢٠) وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ
الأحقاف	ك	١٤	(٢١) أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
الواقعة	ك	٢٤	(٢٢) كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ. جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
المجادلة	م	١٥	(٢٣) أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
آل عمران	م	١٩٥	(٢٤) أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلٌ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ
الكهف	ك	٣٠	(٢٥) إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا
الكهف	ك	١١٠	(٢٦) فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا
محمد	م	٣٥	(٢٧) وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ
البقرة	م	١٦٧	(٢٨) كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ

يؤتى كتاب كل واحد من الناس في القيامة

المطففين	ك	٧	(١) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ
المطففين	ك	٩	(٢) وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ. كِتَابٌ مَّرْقُومٌ
المطففين	ك	١٨	(٣) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ
المطففين	ك	٢٠	(٤) وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ. كِتَابٌ مَّرْقُومٌ
الإسراء	ك	١٣	(٥) وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا
الإسراء	ك	١٤	(٦) اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا
الإسراء	ك	٧١	(٧) فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ
الحاقة	ك	١٩	(٨) فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاءُومُ اقْرَءُوا كِتَابِيهِ
الحاقة	ك	٢٥	(٩) وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ
الانشقاق	ك	٧	(١٠) فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ. فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا
الانشقاق	ك	١٠	(١١) وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ. فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا
الجاثية	ك	٢٨	(١٢) كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
الإسراء	ك	٧١	(١٣) فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ
الحاقة	ك	١٩	(١٤) فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاءُومُ اقْرَءُوا كِتَابِيهِ
الحاقة	ك	٢٥	(١٥) وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ
			(١٦) أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ
الزخرف	ك	٨٠	(١٧) إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ
يونس	ك	٢١	(١٨) فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ
المؤمنون	ك	٦٢	(١٩) وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
يس	ك	١٢	(٢٠) وَتَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ
			(٢١) كُلُّ أُمَّةٍ جَائِئَةٌ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ.
الجاثية	ك	٢٨ و ٢٩	هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ (٢٢) بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

٢٣	وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً	٦١	ك	الأنعام
٢٤	كَأَلَّا سَكَتُوبُ مَا يَقُولُ	٧٩	ك	مريم
٢٥	وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ. وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ	٥٣	ك	القمر
٢٦	وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ	١٠	ك	التكوير
٢٧	وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ. كِرَامًا كَاتِبِينَ. يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ	١٠-١٢	ك	الانفطار
٢٨	يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ. فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاءُومُ اقْرَءُوا كِتَابِيهِ. إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ. فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ. قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ. كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ. وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ. وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيهِ. يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ. مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيهِ. هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ. خُذُوهُ فَعَلُّوه. ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوه. ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ. إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ. فَلَئْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ. وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ. لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِؤُونَ	١٨-٣٧	ك	الحاقة
٢٩	فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ. فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا. وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا. وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ. فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا. وَيَصْلَى سَعِيرًا	٧-١٢	ك	الانشقاق

آيات جزاء الأعمال

١	وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا	١٢	م	الإنسان
٢	إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ	١١١	ك	المؤمنون
٣	ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ	١٤٦	ك	الأنعام
٤	ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ	١٧	ك	سبا
٥	وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ	١٤٥	م	آل عمران
٦	وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ	٨٤	ك	الأنعام
٧	سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدُقُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ	١٥٧	ك	الأنعام

			(٨) وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ
الأعراف	ك	٤٠	(٩) لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ
الأعراف	ك	٤١	(١٠) وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ
الأعراف	ك	١٥٢	(١١) فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ
الأنبياء	ك	٢٩	(١٢) وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
النحل	ك	٩٧	(١٣) وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ
الأنبياء	ك	٢٩	(١٤) لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ
إبراهيم	ك	٥١	(١٥) لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ
النحل	ك	٣١	(١٦) لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ
الأحزاب	م	٢٤	(١٧) لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا
النجم	ك	٣١	(١٨) وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى
النجم	ك	٣١	(١٩) إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ
طه	ك	١٥	(٢٠) الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
غافر	ك	١٧	(٢١) وَلَنُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
الجاثية	ك	٢٢	(٢٢) الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ
الأنعام	ك	٩٣	(٢٣) ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ
يونس	ك	٥٢	(٢٤) هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
النمل	ك	٩٠	(٢٥) فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
يس	ك	٥٤	(٢٦) كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
الجاثية	ك	٢٨	(٢٧) فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ
الأحقاف	ك	٢٠	(٢٨) لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
التحریم	م	٧	(٢٩) أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا
الفرقان	ك	٧٥	(٣٠) فَتَكُونُ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ
المائدة	م	٢٩	



مركز تحقيقات کتب و علوم اسلامی

الزمر	ك	٣٤	(٣١) لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ
فصلت	ك	٢٨	(٣٢) ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ
الأحقاف	ك	١٤	(٣٣) أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
الحشر	م	١٧	(٣٤) وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ
النساء	م	٩٣	(٣٥) وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ لَهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا

ما اكتسبه من الأعمال يجزى به في الآخرة

الطور	ك	٢١	(١) كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ
البقرة	م	١٤١	(٢) تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ
البقرة	م	٢٨١	(٣) ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
البقرة	م	٢٨٦	(٤) لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ
آل عمران	م	٢٥	(٥) وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
آل عمران	م	١٦١	(٦) ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
الرعد	م	٣٣	(٧) أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
إبراهيم	ك	٥١	(٨) لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ
غافر	ك	١٧	(٩) الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ
الجاثية	ك	٢٢	(١٠) وَلَنُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
المدثر	ك	٣٨	(١١) كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ
البقرة	م	١٣٤	(١٢) تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ
البقرة	م	١٤١	(١٣) تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ
الزمر	ك	٥١	(١٤) وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا
الشورى	م	٢٢	(١٥) تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ
الأعراف	ك	٣٩	(١٦) فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ
يونس	ك	٥٢	(١٧) ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

الزمر	ك	٢٤	(١٨) وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ
الأنعام	ك	١٢٠	(١٩) إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ
التوبة	م	٨٢	(٢٠) فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
التوبة	م	٩٥	(٢١) إِنَّهُمْ رَجِسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
يونس	ك	٨	(٢٢) أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
يونس	ك	٢٧	(٢٣) وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءَ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ
فصلت	ك	١٧	(٢٤) فَأَخَذْتَهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
الجاثية	ك	١٤	(٢٥) لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
النور	م	١١	(٢٦) لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ
البقرة	م	٢٨٦	(٢٧) لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ

الشفاعة لا تنفع في القيامة بدون إذن الله

البقرة	م	٢٥٥	(١) مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ
الأنبياء	ك	٢٨	(٢) وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى
المدثر	ك	٤٨	(٣) فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ
الأنعام	ك	٥١	(٤) لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ
الأنعام	ك	٧٠	(٥) لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ
يونس	ك	٣	(٦) مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ
السجدة	ك	٤	(٧) مَا لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ
غافر	ك	١٨	(٨) مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ
البقرة	م	٤٨	(٩) وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ
البقرة	م	١٢٣	(١٠) وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ
البقرة	م	٢٥٤	(١١) أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ

١٠٩	ك	طه	(١٢) يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ
٢٣	ك	سبا	(١٣) وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ
٤٤	ك	الزمر	(١٤) قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
٢٣	ك	يس	(١٥) إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا
٢٦	ك	النجم	(١٦) لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ
٨٧	ك	مريم	(١٧) لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

شفاعة رسول الله ﷺ

٧٩	ك	الإسراء	(١) عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا
----	---	---------	---

آيات الوزن والميزان في القيامة

٨	ك	الأعراف	(١) وَالْوِزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ
١٠٥	ك	الكهف	(٢) فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا
٧	م	الرحمن	(٣) وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ
٤٧	ك	الأنبياء	(٤) وَنَضَعَ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ
٨	ك	الأعراف	(٥) فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
٩	ك	الأعراف	(٦) وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ
١٠٢	ك	المؤمنون	(٧) فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
١٠٣	ك	المؤمنون	(٨) وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ
٦	ك	القارعة	(٩) فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ
٨	ك	القارعة	(١٠) وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ

مواقف القيامة

فإن فيها خمسين موقفاً

١- أمالي المفيد ص ٢٧٤ و ٣٢٩

قال أخبرني أبو الحسن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد قال حدثني

أبي قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن علي بن محمد القاشاني عن الإصفهاني، عن سليمان بن داود المنقري عن حفص بن غياث قال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام إذا أراد أحدكم ألا يسأل الله شيئاً إلا أعطاه فليأس من الناس كلهم، ولا يكون له رجاء إلا من عند الله عز وجل، فإذا علم الله ذلك من قلبه لم يسأل شيئاً إلا أعطاه، فحاسبوا أنفسكم قبل أن تحاسبوا، فإن في القيامة خمسين موقفاً كل موقف مثل ألف سنة مما تعدون ثم تلا هذه الآية: ﴿فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾.

ورواه في «أمالى الطوسي» ص ١١٠ بعينه سنداً وممتناً لكنة أسقط في السند «الإصفهاني عن سليمان بن داود المنقري» وفي ص ٣٦ عن القاشاني عن سليمان بن داود المنقري.

ورواه في «روضة الكافي» ج ١ ص ٢٠٩ عن علي، عنه أبيه، والقاساني جميعاً عن الإصفهاني عن المنقري مثله. ونقله عنهما في «الوسائل» ج ١١ ص ٣٧٧.

٢ - تفسير القمي ج ٢ ص ٣٨٦

قال علي بن إبراهيم في قوله: في يوم كان مقداره خمسين ألف سنة». قال: إن في القيامة خمسين موقفاً لكل موقف ألف سنة. ونقله في «البحار» ج ٧ ص ١٢٧.

٣ - ثواب الأعمال ص ٨٠

روى بإسناده عن أبي سعيد الخدري عنه صلوات الله عليه في حديث أنه قال: ومن صام من رجب خمسة عشر يوماً وقف يوم القيامة موقف الآمين فلا يمر به ملك

ولا رسول ولا نبيّ إلا قالوا: طوبى لك أنت آمن مقرّب مشرّف مغبوط محبوب ساكن الجنان.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٥٣٧ بعينه سنداً ومتمناً.
ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ٢٥.

٤ - ثواب الأعمال ص ١٥٤

بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبي المعز، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من أكثر قراءة «لإيلاف قريش» بعثه الله يوم القيامة على مركب من مراكب الجنة حتى يقعد على موائد النور يوم القيامة.
قال: مصنف هذا الكتاب عليه السلام: من قرأ سورة الفيل فليقرأ معها لإيلاف في ركعة فريضة فإنهما جميعاً سورة واحدة ولا يجوز التفرد بواحدة منهما في ركعة فريضة.

٥ - تفسير الفرات ص ٣٤٩

فرات قال: حدّثنا سليمان بن محمّد [أ، ب: أحمد] معنعناً عن جهم بن حرّ قال: دخلت مسجد فصلّيت ركعتين على سارية ثمّ دعوت الله وقلت: اللهمّ أنس وحدتي وارحم غربتي وائتني بجليس صالح يحدثني بحديث ينفعني الله به، فجاء أبو الدرداء - إلى أن قال - سمعت رسول الله ﷺ تلا هذه الآية: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإذنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتٌ عَدْنٍ﴾ فقال رسول الله ﷺ: السابق يدخل الجنة بغير حساب والمقتصد يحاسب حساباً يسيراً والظالم لنفسه يحبس في يوم مقداره خمسين ألف سنة حتى يدخل الحزن [في. ر] جوفه ثمّ

يرحمه فيدخله الجنة فقال رسول الله ﷺ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ الَّذِي أَدْخَلَ أَجْوَافَهُمْ فِي طُولِ الْمَحْشَرِ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» قال: شكر لهم العمل القليل و عفا [ب: غفر] لهم الذنوب العظام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٩٩ وفي ص ١٢٨ من قوله: والظالم لنفسه الخ.

٦ - تفسير القمي ج ٢ ص ٢٥٦

قوله: ﴿لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ قال: حدثني أبي عن ابن أبي عمير، عن زيد النرسي، عن عبيد بن زرارة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إذا أمات الله أهل الأرض لبث كمثل ما خلق الخلق ومثل ما أماتهم وأضعاف ذلك، ثم أمات أهل السماء الدنيا ثم لبث مثل ما خلق الخلق ومثل ما أمات أهل الأرض وأهل السماء الدنيا وأضعاف ذلك، ثم أمات أهل السماء الثانية ثم لبث مثل ما خلق الخلق ومثل ما أمات أهل الأرض والسماء الدنيا والسماء الثانية وأضعاف ذلك، ثم أمات أهل السماء الثالثة ثم لبث مثل ما خلق الخلق ومثل ما أمات أهل الأرض وأهل السماء الدنيا والسماء الثانية والسماء الثالثة وأضعاف ذلك، في كل سماء مثل ذلك وأضعاف ذلك، ثم أمات ميكائيل ثم لبث مثل ما خلق الخلق ومثل ذلك كله وأضعاف ذلك، ثم أمات جبرئيل ثم لبث مثل ما خلق الخلق ومثل ذلك كله وأضعاف ذلك، ثم أمات إسرافيل ثم لبث مثل ما خلق الخلق ومثل ذلك كله وأضعاف ذلك، ثم أمات ملك الموت ثم لبث مثل ما خلق الخلق ومثل ذلك كله وأضعاف ذلك ثم يقول الله عز وجل ﴿لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ﴾ فيرد على نفسه: «الله الواحد القهار» أين الجبارون؟ وأين الذين ادّعوا معي إلهاً؟ أين المتكبرون؟ ونخوهمما ثم يبعث الخلق. قال عبيد بن زرارة: فقلت: إن هذا الأمر كائن؟ طوّلت

ذلك؟ فقال: رأيت ما كان هل علمت به؟ فقلت لا، قال: فكذلك هذا.
ورواه في «كتاب الزهد» ص ٩٠ عن ابن أبي عمير عن زيد النرسي عن عبيد
مثله ملخصاً.

ورواه في «كتاب زيد النرسي» ص ٤٧ عنه عن عبيد بن زرارة عنه عليه السلام مثله
إلى قوله: ومثل ما أمت أهل الأرض.
ونقله عنها في «البحار» ج ٦ ص ٣٢٦.

٧- تفسير القمي ج ٢ ص ٢١٦

وقال علي بن إبراهيم في قوله ﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾ قال السلام منه
تعالى هو الأمان وقوله ﴿وَأَمْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ﴾ قال إذا جمع الله الخلق
يوم القيامة بقوا قياماً على أقدامهم حتى يلجمهم العرق فينادوا يا رب حاسبنا ولو
إلى النار فيبعث الله رياحاً فتضرب بينهم وينادي منادٍ وَأَمْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا
الْمُجْرِمُونَ فيميز بينهم فصار المجرمون إلى النار ومن كان في قلبه إيمان صار إلى
الجنة وقوله ﴿وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا﴾ يعني خلقاً كثيراً قد هلك.

٨- جامع الأخبار ص ١٧٥

(الفصل التاسع والثلاثون والمائة) في القيامة وأفزاعها وأهوالها قال الله تعالى
في سورة المائدة ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَمِثْلَهُ مَعَهُ
لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ وقال في سورة
الأنعام ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا
وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا
عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ علي بن موسى الرضا عليه السلام بإسناده عن النبي صلى الله عليه وآله قال: إذا

كان يوم القيامة لا يزول العبد قدماً عن قدم حتى يسأل عن أربعة أشياء عن عمره فيما أفناه وعن شبابه فيما أبلاه وعن ماله من أين اكتسبه وفيما ذا أنفقه وعن حبنا أهل البيت وعن فاطمة عليها السلام قالت لأبيها: يا أبت أخبرني كيف يكون الناس يوم القيامة؟ قال: يا فاطمة يشغلون فلا ينظر أحد إلى أحد ولا والد إلى ولده ولا ولد إلى أمه. قالت: هل يكون عليهم أكفان إذا خرجوا من القبور؟ قال: يا فاطمة تبلى الأكفان وتبقى الأبدان يستر عورة المؤمنين وتبدو عورة الكافرين. قالت: يا أبتى ما يستر المؤمنين؟ قال: نور يتلألأ لا يبصرون أجسادهم من النور. قالت: يا أبت فأين ألقاك يوم القيامة. قال: انظري عند الميزان وأنا أنادي ربّ أرجح من شهد أن لا إله إلا الله وانظري عند الدواوين إذا نشرت الصحف وأنا أنادي ربّ حاسب أمّتي حساباً يسيراً وانظري عند مقام شفاعتي على جسر جهنم كلّ إنسان يشغل نفسه وأنا مشغول بأمتي أنادي ربّ سليم أمّتي والنبّيون عليهم السلام حولي ينادون ربّ سليم أمّة محمّد. وقال عليه السلام: إنّ الله يحاسب كلّ خلق إلا من أشرك بالله فإنه لا يحاسب ويؤمر به إلى النار.

٩ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ٢٣٨

عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾ قال: تبدل خبزة نقية يأكل الناس منها حتى يفرغ من الحساب، فقال له قائل: إنهم يومئذ في شغل عن الأكل والشرب؟ فقال له: ابن آدم خلق أجوف لا بدّ له من الطعام والشراب، أهمّ أشدّ شغلاً أم هم في النار فقد استغاثوا؟ فقال ﴿وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ﴾.

١٠ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ٢٣٧

عن محمّد بن هاشم عمّن أخبره عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال له الأبرش

الكلبي بلغني أنك قلت في قول الله: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾ أنها تبدل خبزة؟ فقال أبو جعفر عليه السلام: صدقوا تبدل الأرض خبزة نقية في الموقف يأكلون منها، فضحك الأبرش وقال: أما لهم شغل بما هم فيه عن أكل الخبز فقال ويحك في أي المنزلتين هم أشدّ شغلاً وأسوأ حالاً، إذا هم في الموقف أو في النار يعذبون؟ فقال: لا في النار. فقال: ويحك وإن الله يقول: ﴿لَا كِلُونِ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زُقُومٍ فَمَالِؤُنْ مِنْهَا الْبُطُونَ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ﴾ قال: فسكت.

وفي خبر آخر عنه فقال وهم في النار لا يشغلون عن أكل الضريع وشرب الحميم وهم في العذاب، فكيف يشتغلون عنه في الحساب؟



١١ - تفسير العياشي ج ١ ص ٢٤٢

عن أبي معمر السعدي قال: قال علي بن أبي طالب عليه السلام في صفة يوم القيامة يجتمعون في موطن يستنطق فيه جميع الخلق فلا يتكلم أحد إلا من أذن له الرحمن وقال صواباً، فيقام الرسل فيسأل فذلك قوله لمحمد عليه السلام ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً﴾ وهو الشهيد على الشهداء، والشهداء هم الرسل عليهم السلام.

١٢ - تفسير الفرات ص ٤٣٧

فرات قال: حدثني الحسين بن سعيد معنعناً:

عن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله إن الله تبارك وتعالى إذا جمع الناس يوم القيامة وعدني المقام المحمود وهو وافٍ لي به إذا كان يوم القيامة نصب لي منبر له ألف درجة لا كمراقبكم فأصعد حتى أعلو فوقه فيأتيني

جبرئيل عليه السلام بلواء الحمد فيضعه في يدي ويقول: يا محمد هذا المقام المحمود الذي وعدك الله [تعالى. ر] فأقول لعلي: اصعد، فيكون أسفل مني بدرجة فأضع لواء الحمد في يده ثم يأتي رضوان بمفاتيح الجنة، فيقول: يا محمد هذا المقام المحمود الذي وعدك الله [تعالى. ر] فيضعها في يدي فأضعها في [ر: إلى] حجر علي بن أبي طالب، ثم يأتي مالك خازن النار فيقول: يا محمد هذا المقام المحمود الذي وعدك الله [تعالى. ر] هذه مفاتيح النار أدخل عدوك وعدو ذريتك وعدو أمتك النار فأخذها وأضعها في حجر علي بن أبي طالب فالنار والجنة يومئذ أسمع لي ولعلي من العروس لزوجها فهو قول الله تبارك وتعالى في كتابه: ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ ألقى يا محمد ويا علي عدوك كما في النار.

ثم أقوم فأثني على الله ثناء لم يثن عليه أحد قبلي ثم أثني على الملائكة المقربين ثم أثني على الأنبياء [و. ر] المرسلين ثم أثني على الأمم الصالحين ثم أجلس فيثني الله ويثني علي ملائكته ويثني علي أنبياءه ورسله ويثني علي الأمم الصالحة.

ثم ينادي مناد من بطنان العرش: يا معشر الخلائق غضوا أبصاركم حتى تمر بنت حبيب الله إلى قصرها، فتمر فاطمة عليها السلام. أ، ب [بنتي عليها ريطتان خضراوان حولها سبعون ألف حوراء فإذا بلغت إلى باب قصرها وجدت الحسن قائماً والحسين نائماً مقطوع الرأس فتقول للحسن: من هذا؟ فيقول: هذا أخي إن أمّة أبيك قتلوه وقطعوا رأسه، فيأتيها النداء من عند الله: يا بنت حبيب الله [ب: حبيبي] إنني إنما أريتك ما فعلت به أمّة أبيك لأنني [ر. إنني] ادخرت لك عندي تعزية بمصيبتك فيه، إنني جعلت لتعزيتك بمصيبتك فيه أني لا أنظر في محاسبة العباد حتى تدخل الجنة أنت وذريتك وشيعتك ومن أولاكم معروفاً ممن ليس هو من شيعتك قبل أن أنظر في محاسبة العباد، فتدخل فاطمة ابنتي الجنة وذريتها

وشيعتها ومن والاها [أ: أولاها] معروفاً ممّن ليس هو من شيعتها فهو قول الله تعالى في كتابه: ﴿لَا يَخْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ﴾ [و.ر] قال: هو يوم القيامة ﴿وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾ هي والله فاطمة وذريّتها وشيعتها ومن أولاهم [ر: والا هم] معروفاً ممّن ليس هو من شيعتها.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٣٥.

مواقف الحساب في القيامة

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٦٨

جماعة، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن حسين بن عثمان، عن سماعة، عن أبي بصير قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: كلّ سهو في الصلاة يطرح منها غير أنّ الله تعالى يتمّ بالنوافل، إنّ أوّل ما يحاسب به العبد الصلاة فإن قبلت قبل ما سواها. الحديث.

٢ - أمالي الطوسي ص ٦٥٢

روى بإسناده عن أمير المؤمنين عليه السلام قال لأصحابه يوماً وهو يعظهم - درأت عليكم بصروفها، ورمتكم بسهام حتوفها، فهي تنزع أرواحكم نزعاً، وأنتم تجمعون لها جمعاً، للموت تولّدون، وإلى القبور تنقلبون، وعلى التراب تنومون، وإلى الدود تسلّمون، وإلى الحساب تبعثون.

٣ - عقاب الأعمال ص ٣٢٦

أبي عليه السلام قال حدّثني سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد عن أحمد عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام

أو عمّن ذكره عنه عليه السلام قال: يجيء يوم القيامة رجلٌ إلى رجلٍ حتّى يلطّخه بدم والناس في الحساب، فيقول: يا عبد الله مالي ولك؟ فيقول: أعنت عليّ يوم كذا وكذا بكلمة كذا فقتلت.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٧.

٤ - أمالي الصدوق ص ٣٦٠

حدّثنا أبي عليه السلام قال حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن عليّ بن الحكم عن داود بن النعمان عن إسحاق بن عمّار عن الصادق جعفر بن محمّد عليه السلام قال إذا كان يوم القيامة وقف عبدان مؤمنان للحساب كلاهما من أهل الجنة فقير في الدنيا وغني في الدنيا فيقول الفقير: يا ربّ على ما أوقف فو عزّتك إنك لتعلم انك لم تولني ولاية فأعدل فيها أو أجور ولم ترزقني مالاً فأؤدي منه حقّاً أو أمنع ولا كان رزقي يأتيني منها إلاّ كفافاً على ما علمت و قدرت لي فيقول الله جلّ جلاله صدق عبدي خلوا عنه يدخل الجنة ويبقى الآخر حتّى يسيل منه من العرق ما لو شربه أربعون بعيراً لكفاهاً ثمّ يدخل الجنة فيقول له الفقير ما حبسك فيقول طول الحساب ما زال الشيء يجيئني بعد الشيء يغفر لي ثمّ أسأل عن شيء آخر حتّى تغمدني الله عزّ وجلّ منه برحمته وألحقني بالتائبين فمن أنت فيقول أنا الفقير الذي كنت معك آنفاً فيقول لقد غيرك النعيم بعدي.

٥ - الخصال ص ٢٥٣

روى محمّد بن أحمد بن عليّ الأسدي، عن رقيّة بنت إسحاق بن موسى بن جعفر بن محمّد بن عليّ بن الحسين بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن أبيها إسحاق

بن بن موسى بن جعفر، عن أبيه موسى بن جعفر عن أبيه محمد عن أبيه محمد بن عليّ، عن أبيه عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع، عن عمره فيما أفناه، و [عن] شبابه فيما أبلاه، وعن ماله من أين اكتسبه وفيما أنفقه، وعن حبنا أهل البيت.

٦- كتاب الزهد ص ٩٤

الحسن بن محبوب عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يزال العبد قائماً يوم القيامة بين يدي الله عزّ وجلّ حتى يسأله عن أربع خصال: عمرك فيما أفنيته؟ وجسدك فيما أبليت؟ ومالك من أين كسبته وأين وضعته؟ وعن حبنا أهل البيت.



ورواه في «أمالى الطوسي» ص ١٢٤ بإسناده عن الحسن بن محبوب عن أبو حمزة الثمالي عنه عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله بعينه لكنّه بتفاوت يسير.

٧- أعلام الدين ص ١٨٦

قال أمير المؤمنين عليه السلام «اليوم عمل ولا حساب، وغداً حساب ولا عمل».

سبعة جسور على جهنم يحاسب العبد فيها

١- دعوات الراوندي ص ٢٤٤ و ٢٤٥

وعن ابن عباس رضي الله عنهما: سبعة جسور على جهنم:

يحاسب العبد في أولها بالإيمان.

ويحاسبه في الجسر الثاني بالصلاة، فإن أكملها في ركوعها، وسجودها،

ومواقيتها، وإلا تردّي في النار.

ويحاسبه في الجسر الثالث بالزكاة، فإن كان أداها نجا، وإلا تردّي في النار.
ويحاسب في الجسر الرابع بصيام شهر رمضان، فإن سلم له صومه وأفراً نجا،
وإلا تردّي في النار.

ويحاسب في الجسر الخامس بالحجّ والعمرة، فإن كان أدى، وإلا تردّي في
النار.

ويحاسب في الجسر السادس بالوضوء والغسل من الجنابة، فإن كان أدهما
وإلا تردّي في النار.

ويحاسبه في الجسر السابع بحقّ الوالدين والرحم ومظالم الناس، فإن كان
سلم من ذلك أجمع، نجا، وإلا تردّي في النار.



من يتولّى الله حسابه في القيامة وعفى عنه

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ١٨٣

محمّد بن يحيى، عن محمّد بن الحسين، عن محمّد بن إسماعيل بن بزيع، عن
صالح بن عُقبة، عن عبد الله بن محمّد الجعفي، عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام
قالا: أيّما مؤمن خرج إلى أخيه يزوره عارفاً بحقه كتب الله له بكلّ خطوة حسنة
ومحيت عنه سيئة ورفعت له درجة وإذ طرق الباب فتحت له أبواب السماء فإذا
التقيا وتصافحا وتعانقا أقبل الله عليهما بوجهه، ثمّ باهى بهما الملائكة فيقول:
انظروا إلى عبديّ تراورا وتحابّا في، حقّ عليّ إلا أعذبهما بالنار بعد هذا الموقف
فإذا انصرف شيّعه الملائكة عدد نفسه وخطاه وكلامه يحفظونه من بلاء الدنيا
وبوائق الآخرة إلى مثل تلك الليلة من قابل فإن مات فيما بينهما أعفى من
الحساب وإن كان المزور يعرف من حقّ الزائر ما عرفه الزائر من حقّ المزور كان
له مثل أجره

٢ - الكافي ج ٣ ص ٣٢٧

عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن محمد بن عليّ، عن سعدان، عن رجل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان يقول في سجوده - إلى أن قال - وكان أمير المؤمنين عليه السلام يقول وهو ساجد: «ارحم ذلّي بين يديك وتضرّعي إليك ووحشتي من الناس وآنسني بك يا كريم» وكان يقول: أيضاً: «وعظمتني فلم اتعظ وزجرتني عن محارمك فلم أنزجر وعمّرتني أياديك فما شكرت عفوك عفوك يا كريم أسألك الراحة عند الموت وأسألك العفو عند الحساب. الحديث.

٣ - دعوات الراوندي ص ١٧٩

وكان موسى بن جعفر عليه السلام يدعو [كثيراً] في سجوده ويكرّره: اللهمّ إنني أسألك الراحة عند الموت، والعفو عن الحساب.

٤ - أمالي الطوسي ص ٧٢ - ٧٣

روى بإسناده عن محمد بن مسلم الثقفي، قال: سألت أبا جعفر محمد بن عليّ عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: ﴿فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾. فقال عليه السلام: يؤتّى بالمؤمن المذنب يوم القيامة حتّى يقام بموقف الحساب فيكون الله تعالى هو الذي يتولّى حسابه، لا يُطلع على حسابه أحداً من الناس فيعرفه ذنوبه حتّى إذا أقرّ بسيئاته قال الله عزّ وجلّ لملائكته: بدّلوها حسنات وأظهروها للناس. فيقول الناس حينئذٍ: ما كان لهذا العبد سيئة واحدة، ثمّ يأمر الله به إلى الجنّة، فهذا تأويل الآية، وهي في المذنبين من شيعتنا خاصّة. ورواه في «أمالي المفيد» ص ٢٩٨ بعينه سنداً وممتناً.

٥ - كتاب الزهد ص ٩١

محمد بن عيسى عن عمر بن إبراهيم بياع السابري عن حجر بن زائدة عن رجل عن أبي جعفر عليه السلام قال: قلت له: يا ابن رسول الله إن لي حاجة فقال: تلقاني بمكة. فقلت: يا ابن رسول الله إن لي حاجة. فقال: تلقاني بمنى. فقلت: يا ابن رسول الله إن لي حاجة. فقال: هات حاجتك. فقلت: يا ابن رسول الله إنني أذنبت ذنباً بيني وبين الله لم يطلع عليه أحد فعظم عليّ وأجلّك أن أستقبلك به فقال: إنه إذا كان يوم القيامة وحاسب الله عبده المؤمن أوقفه على ذنوبه ذنباً ذنباً ثم غفرها له لا يطلع على ذلك ملكاً مقرباً ولا نبياً مرسلًا، قال عمر بن إبراهيم: وأخبرني عن غير واحد أنه قال: ويستر عليه من ذنوبه ما يكره أن يوقفه عليها قال: ويقول لسيئاته: كوني حسنات قال: وذلك قول الله تبارك وتعالى: ﴿فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾.

مركز تحقيق كافي علوم حسنة

٦ - تفسير القمي ج ٢ ص ٢٦

حدثني أبي عن جعفر بن إبراهيم عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة أوقف المؤمن بين يديه فيكون هو الذي يتولّى حسابه فيعرض عليه عمله فينظر في صحيفته، فأول ما يرى سيئاته فيتغيّر لذلك لونه وترتعش فرائضه وتفزع نفسه، ثم يرى حسناته فتقر عينه وتسرّ نفسه وتفرح روحه، ثم ينظر إلى ما أعطاه الله من الثواب فيشتدّ فرحه ثم يقول الله للملائكة هلموا الصحف التي فيها الأعمال التي لم يعملوها، قال: فيقرؤونها ثم يقولون وعزّتك إنك لتعلم أنا لم نعمل منها شيئاً، فيقول: صدقتم نويتموها فكتبناها لكم ثم يثابون عليها.

من الناس من يدخل الجنة بغير حساب

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ١٢٦

عنه، عن أبيه، عن النضر بن سويد، عن هشام بن سالم، عن أبي حمزة الثمالي

عن عليّ بن الحسين عليه السلام قال: إذا جمع الله عزّ وجلّ الأوّلين والآخرين قام منادٍ فنادى يُسمع الناس فيقول: أين المتحابّون في الله، قال: فيقوم عنق من الناس فيقال لهم: اذهبوا إلى الجنة بغير حساب، قال: فتلقّاهم الملائكة فيقولون: إلى أين؟ فيقولون: إلى الجنة بغير حساب، قال: فيقولون: فأَيُّ ضرب أنتم من الناس؟ فيقولون نحن المتحابّون في الله. الحديث.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٣٠١

وروى جابر بن إسماعيل عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام أن رجلاً سأل عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن قيام الليل بالقراءة فقال له: أبشر من صلّى من الليل عشر ليلة - إلى أن قال - ومن صلّى ربع ليلة كان في أوّل الفائزين حتّى يمرّ على الصراط كالريح العاصف ويدخل الجنة بغير حساب. الحديث.

٣ - ثواب الأعمال ص ١٦٢

أبي عليه السلام قال: حدّثني عبد الله بن جعفر الحميري عن إبراهيم بن مهزيار عن أخيه عليّ بن مهزيار، عن فضالة بن أيّوب، عن سليمان بن درستويه، عن عجلان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ثلاثة يدخلهم الله الجنة بغير حساب إمام عادل وتاجر صدوق، وشيخ أفنى عمره في طاعة الله. ورواه في «الخصال» ص ٨٠ بعينه سنداً ومتمناً.

٤ - أمالي الصدوق ص ١٣٦

حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان قال حدّثنا الحسن بن عليّ السكري قال حدّثنا محمد بن زكريا قال حدّثنا قيس بن حفص الدارمي قال حدّثني حسين

الأشقر قال حدثنا منصور بن الأسود عن أبي حسان التيمي عن نشيط بن عبيد عن رجل منهم عن جرداء بنت سمين عن زوجها هرثمة بن أبي مسلم قال غزونا مع علي بن أبي طالب عليه السلام صفين فلما انصرفنا نزل كربلاء فصلّى بها الغداة ثم رفع إليه من تربتها فشمها ثم قال واهاً لك أيتها التربة ليحشرن منك قوم يدخلون الجنة بغير حساب فرجع هرثمة إلى زوجته وكانت شيعة لعلي عليه السلام فقال: ألا أحدثك عن وليك أبي الحسن نزل بكربلاء فصلّى ثم رفع إليه من تربتها فقال واهاً لك أيتها التربة ليحشرن منك أقوام يدخلون الجنة بغير حساب قالت أيتها الرجل فإن أمير المؤمنين لم يقل إلا حقاً فلما قدم الحسين عليه السلام قال هرثمة كنت في البعث الذين بعثهم عبيد الله بن زياد فلما رأيت المنزل والشجر ذكرت الحديث فجلست على بعيري ثم صرت إلى الحسين عليه السلام فسلمت عليه فأخبرته بما سمعت من أبيه في ذلك المنزل الذي نزل به الحسين عليه السلام فقال معنا أنت أم علينا فقلت لا معك ولا عليك خلفت صبية أخاف عليهم عبيد الله بن زياد قال فامض حيث لا ترى لنا مقتلاً ولا تسمع لنا صوتاً فوالذي نفس الحسين بيده لا يسمع اليوم واعيتنا أحد فلا يعيننا إلا كبّه الله لوجهه في جهنم.

٥ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٢٧

وبهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عليّ إنك قسيم الجنة والنار، وإنك لتقرع باب الجنة وتدخلها بلا حساب.

٦ - علل الشرايع ص ٥٨٥

حدثنا محمد بن عليّ ماجيلويه رحمته الله عن عليّ بن إبراهيم، عن عثمان بن عيسى، عن أبي الجارود رفعه فيما يروى إلى عليّ صلوات الله عليه قال: إن

إبراهيم صلى الله عليه مرّ ببانقيا فكان يزلزل بها فبات بها فأصبح القوم ولم يزلزل بهم - إى أن قال - فقالوا: أقم عندنا ونحن نجري عليك ما أحببت قال: لا، ولكن تبيعوني هذا الظهر - إلى أن قال - فقال له غلامه: يا خليل الرحمن ما تصنع بهذا الظهر ليس فيه زرع ولا ضرع فقال: اسكت فإن الله تعالى يحشر من هذا الظهر سبعين ألفاً يدخلون الجنة بغير حساب يشفع الرجل منهم لكذا وكذا.

٧ - الخصال ص ١٠٤

روى عن أبيه، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسان عن إبراهيم بن عاصم بن حميد، عن صالح بن ميثم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ثلاث خصال من كنّ فيه استكمل خصال الإيمان: من صبر على الظلم، وكظم غيظه واحتسب وعفى وغفر، كان ممّن يدخله الله الجنة بغير حساب، ويشفعه في مثل ربعة ومضرّ.

ورواه في «اعلام الدين» ص ١٣١.

٨ - أمالي الطوسي ص ١٠٢

أخبرنا محمد بن محمد، قال: أخبرني أبو الحسن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد، قال: حدّثنا أبي، قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن أبي عمير، عن صباح الحذاء، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر محمد بن عليّ الباقر عليه السلام، عن آبائه، عن رسول الله صلى الله عليه وآله، قال: إذا كان يوم القيامة جمع الله الخلائق في صعيد واحد، وينادي مناد من عند الله، يُسمع آخرهم كما يُسمع أوّلهم، يقول: أين أهل الصبر؟ فيقوم عنق من الناس، فتستقبلهم زُمرة من الملائكة فيقولون لهم: ما كان صبركم هذا الذي صبرتم؟

فيقولون: صبرنا أنفسنا على طاعة الله، وصبرناها عن معصية الله. قال: فينادي مناد من عند الله: صدق عبادي، خلّوا سبيلهم ليدخلوا الجنة بغير حساب.

قال: ثمّ ينادي مناد آخر، يُسمع آخرهم كما يُسمع أوّلهم، فيقول أين أهل الفضل. فيقوم عنق من الناس، فتستقبلهم زمرة من الملائكة، فيقولون: ما فضلكم هذا الذي نوديتم به؟ فيقولون: كنّا يجهل علينا في الدنيا فنحتمل ويُسَاء إلينا فنعفو.

قال: فينادي مناد من عند الله (تعالى): صدق عبادي، خلّوا سبيلهم ليدخلوا الجنة بغير حساب.

قال: ثمّ ينادي مناد من عند الله (عزّ وجلّ)، يُسمع آخرهم كما يُسمع أوّلهم، فيقول: أين جيران الله (جلّ جلاله) في داره؟ فيقوم عنق من الناس، فتستقبلهم زمرة من الملائكة، فيقولون لهم: ما ذا كان عملكم في دار الدنيا فصرتم به اليوم جيران الله (تعالى) في داره؟ فيقولون: كنّا نتحابّ في الله (عزّ وجلّ). ونتبادل في الله، ونتوازر في الله. فينادي مناد من عند الله: صدق عبادي خلّوا سبيلهم لينطلقوا إلى جوار الله في الجنة بغير حساب. قال: فينطلقون إلى الجنة بغير حساب.

ثمّ قال أبو جعفر عليه السلام: فهو لاء جيران الله في داره، يخاف الناس ولا يخافون، ويحاسب الناس ولا يحاسبون.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٧١.

٩ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٣٤٦

قوله تعالى: ﴿وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً﴾ قال يوم القيامة فأصحاب الميمنة ما أصحاب الميمنة؟ وهم المؤمنون من أصحاب التبعات يوقفون للحساب ﴿وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ ما أصحاب المشئمة والسابقون السابقون؟ الذين قد سبقوا إلى الجنة بلا حساب.

في جملة مما ورد أنه يوجب دخول الجنة ولم يحاسب ٧٣

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٩.

١٠ - تفسير الفرات ص ٣٤٩

فرات قال: حدثني الحسين بن سعيد معنعناً:

عن عليّ بن أبي طالب قال: أنا وشيعتي يوم القيامة على منابر من نور فيمّر علينا الملائكة فيسلم علينا [قال] فيقولون: من هذا الرجل ومن هؤلاء؟ فيقال لهم: [هذا] عليّ بن أبي طالب ابن عمّ النبيّ. فيقال: من هؤلاء؟ قال: فيقال لهم: هؤلاء شيعة. قال: فيقولون: أين النبيّ العربي وابن عمّه؟ فيقولون: هو عند العرش. قال: فينادي من السماء عند ربّ العزّة: يا علي ادخل الجنة أنت وشيعتك لا حساب عليك ولا عليهم. فيدخلون الجنة ويتنعمون فيها من فواكهها ويلبسون السندس والإستبرق وما لم تر عين فيقولون: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ الذي من علينا بنبيّه محمد ﷺ وبوصيّه عليّ بن أبي طالب عليه السلام فالحمد [والحمد] لله الذي منّ علينا بهما من فضله وأدخلنا الجنة فنعم أجر العاملين. فينادي منادٍ من السماء: كلوا واشربوا هنيئاً قد نظر إليكم الرحمن بنظرة فلا بؤس عليكم ولا حساب ولا عذاب.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٨.

في جملة مما ورد أنه يوجب دخول الجنة ولم يحاسب

منها: قراءة سورة «الم تر كيف فعل ربّك»

١ - ثواب الأعمال ص ١٥٤

بهذا الإسناد عن الحسن، عن الحسين بن أبي العلاء، عن أبي بصير، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: من قرأ في فرائضه ألم تر كيف فعل ربّك [بأصحاب الفيل]

شهد له يوم القيامة كلّ سهل وجبل ومدر بأنّه كان من المصلّين، وينادي له يوم القيامة منادٍ: صدّقتُم على عبدي، قبلت شهادتكم له وعليه، أدخلوه الجنّة ولا تحاسبوه فإنّه ممّن أحبّه وأحبّ عمله.

منها: قراءة سورة «أرأيت الذين يكذب بالدين» في الفرائض والنوافل

١ - ثواب الأعمال ص ١٥٤

بهذا الإسناد، عن الحسن، عن إسماعيل بن الزبير، عن عمرو بن ثابت، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من قرأ سورة «أرأيت الذي يكذب بالدين» في فرائضه ونوافله كان فيمن قبل الله عزّ وجلّ صلاته وصيامه، ولم يحاسبه بما كان منه في الحياة الدنيا.



منها: قراءة سورة «الأعراف» في كلّ جمعة

١ - ثواب الأعمال ص ١٣٢

بهذا الإسناد عن الحسن بن عليّ عن أبيه، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من قرأ سورة الأعراف في كلّ شهر كان يوم القيامة من الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون: فإن قرأها في كلّ جمعة كان ممّن لا يحاسب يوم القيامة أمّا إن فيها محكماً فلا تدعوا قراءتها فإنّها تشهد يوم القيامة لكلّ من قرأها.

منها: قراءة سورة «المطففين» في الفريضة

١ - ثواب الأعمال ص ١٤٩

بهذا الإسناد عن الحسن، عن صفوان الجمال، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من قرأ في الفريضة «ويل للمطففين» أعطاه الله الأمن يوم القيامة من النار ولم تره ولا يراها، ولم يمرّ على جسر جهنّم، ولا يحاسب يوم القيامة.

منها: قراءة سورة «طه»

١ - ثواب الأعمال ص ١٣٤

بهذا الإسناد، عن الحسن عن صباح الحذاء، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: لا تدعوا قراءة سورة طه فإن الله يحبها ويحب من قراها ومن أدام قراءتها أعطاه الله يوم القيامة كتابه بيمينه ولم يحاسبه بما عمل في الإسلام وأعطى في الآخرة من الأجر حتى يرضى.

منها: من لقي الله مكفوفاً، محتسباً، موالياً لآل محمد صلى الله عليه وآله

١ - ثواب الأعمال ص ٦١

أبي حمزة عليه السلام قال: حدثني علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر الصيرفي، عن أبيه، عن أبي حمزة الثمالي، ومحمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من لقي الله مكفوفاً محتسباً، موالياً لآل محمد صلى الله عليه وآله لقي الله ولا حساب عليه.

من يحاسب في القيامة حساباً يسيراً

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ١٩٠

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن سدير الصيرفي قال: قال أبو عبد الله عليه السلام في حديث طويل: إذا بعث الله المؤمن من قبره خرج معه مثال يقدمه أمامه، كلما رأى المؤمن هولاً من أهوال يوم القيامة قال له المثال: لا تفزع ولا تحزن وأبشر بالسرور والكرامة من الله عز وجل حتى يقف بين يدي الله عز وجل فيحاسبه حساباً يسيراً ويأمر به إلى الجنة والمثال أمامه، فيقول له المؤمن: يرحمك الله نعم الخارج خرجت معي من قبري وما زلت

تبشرني بالسرور والكرامة من الله حتى رأيت ذلك، فيقول من أنت؟ فيقول: أنا السرور الذي كنت أدخلت على أخيك المؤمن في الدنيا خلقتني الله عز وجل منه لأبشرك.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٧.

ورواه في «ثواب الأعمال» ص ١٨٠ عن محمد بن موسى بن المتوكل عن عبدالله بن جعفر الحميري عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن الحسن بن محبوب بعينه سنداً ومتمناً.

وفي ص ٢٣٨ عن أبيه عن عبدالله بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب بعينه.

ورواه في «أمال الطوسي» ص ١٩٥ وفي «أمال المفيد» ص ١٧٧ عن أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، عن أبيه، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن محبوب عن حنان بن سدير عن أبيه بعينه.

٢ - ثواب الأعمال ص ١٤٢

بهذا الإسناد، عن الحسن عن أبي المعزاء، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من أدام في فرائضه ونوافله قراءة سورة «ق» وسع الله عليه [في] رزقه وأعطاه كتابه بيمينه، وحاسبه حساباً يسيراً.

٣ - ثواب الأعمال ص ١٤١

بهذا الإسناد عن الحسن، عن عامر الحنّاط، عن أبي حمزة قال: قال أبو جعفر عليه السلام: من قرأ سورة الدخان في فرائضه ونوافله بعثه الله مع الأمنين يوم القيامة، وأظله تحت عرشه، وحاسبه حساباً يسيراً، وأعطاه كتابه بيمينه.

٤ - ثواب الأعمال ص ١٥٢

أبي عليه السلام عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن، عن سيف بن عميرة، عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من قرأ سورة لم يكن كان بريئاً من الشرك وأدخل في دين محمد صلى الله عليه وآله وبعثه الله عز وجل مؤمناً وحاسبه حساباً يسيراً.

٥ - تفسير العياشي ج ٢ ص ١٣٩

عن ابن سنان عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: من قرأ سورة هود في كل جمعة بعثه الله يوم القيمة في زمرة [المؤمنين و] النبيين وحوسب حساباً يسيراً ولم يعرف خطيئة عملها يوم القيامة.

حبّ النبي صلى الله عليه وآله وأهل بيته عليهم السلام نافع عند الحساب

١ - أمالي الصدوق ص ١٠

روى بسند عن جابر عن أبي جعفر محمد بن عليّ بن الحسين عن عليّ بن الحسين عن أبيه عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حبّي وحبّ أهل بيتي نافع في سبعة مواطن أهوالهن عظيمة: عند الوفاة وفي القبر وعند النشور وعند الكتاب وعند الحساب وعند الميزان وعند الصراط.

ورواه في «الخصال» ص ٣٦٠ بسنده عن جابر بعينه سنداً ومتمناً.

ونقله عنها في «البحار» ج ٢٧ ص ١٥٨.

ورواه في «جامع الأخبار» ص ١٨٢.

٢ - اعلام الدين ص ٤٦٤

وقال عليه السلام: «إِنَّ عَلِيّاً وَذُرِّيَّتَهُ وَمَحَبَّتَهُ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَهُمْ

جيران أولياء الله ، ومن أحبّ عليّاً قبل الله صلاته وصيامه وقيامه، واستجاب دعاءه، وأعطاه بكلّ عرق في بدنه مدينة في الجنّة، وأمن من شدّة الحساب والميزان والصراط، ومن مات على حبّ آل محمّد، فأنا كفيله بالجنّة مع الأولياء والأنبياء والشهداء والصدّيقين».

فى أنّ صلة الرحم وبرّ الوالدين فى القيامة يهونان الحساب

١ - اصول كافى ج ٢ ص ١٥٧

محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد، عن ابن محبوب، عن إسحاق بن عمّار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنّ صلة الرحم والبرّ ليهونان الحساب ويعصمان من الذنوب، فصلّوا أرحامكم وبرّوا بإخوانكم ولو بحسن السلام وردّ الجواب.



٢ - اصول الكافى ج ٢ ص ١٥٢

عليّ بن إبراهيم، عن محمّد بن عيسى، عن يونس، عن عبد الصمد بن بشير قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: صلة الرحم تهوّن الحساب يوم القيامة وهى منسأة فى العمر وتقي مصارع السوء وصدقة الليل تطفئ غضب الربّ.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ١٣٩ - ١٤٠

وروى عن سليم بن قيس الهلالي قال: شهدت وصيّة عليّ بن أبي طالب عليه السلام حين أوصى إلى ابنه الحسن - إلى أن قال - انظروا ذوى أرحامكم فصلوهم يهون الله عليكم الحساب. الحديث.

٤ - أمالى الطوسى ص ٤٨١

روى بإسناده عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبيه، عن جدّه، عن عليّ عليه السلام قال: قال

في أن حساب الخلق يوم القيامة على الأئمة : ٧٩

رسول الله ﷺ : صلة الرحم تهوّن الحساب، وتقي ميتة السوء. قال المنصور نعم، إياه أردت.

٥ - كتاب الزهد ص ٣٧

القاسم عن عبد الصمد بن بشير عن معاوية قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: إن صلة الرحم تهوّن الحساب يوم القيامة ثم قرأ: ﴿يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾.

ورواه في «نزهة الناظر وتنبيه الخاطر» ص ١١٩.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٣٠٤.



٦ - دعوات الراوندي ص ٢٦

وقال - النبي ﷺ - : برّ الوالدين وصلة الرحم يهونان الحساب، ثم تلا هذه الآية: الَّذِينَ ﴿يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾. الحديث.

٧ - أعلام الدين ص ١٨٧

من كلام أمير المؤمنين عليه السلام : يا نوف: صل رحمك يزد الله عمرك، وحسن خلقك يخفف الله حسابك» الحديث.

في أن حساب الخلق يوم القيامة على الأئمة :

١ - روضة الكافي ج ١ ص ٢٣٧

عدّة، سهل بن زياد، عن ابن سنان، عن سعدان، عن سماعة قال: كنت قاعداً مع أبي الحسن الأول عليه السلام والناس في الطواف في جوف الليل فقال: يا سماعة إلينا

إياب هذا الخلق وعلينا حسابهم فما كان لهم من ذنب بينهم وبين الله عز وجل حتمنا على الله في تركه لنا فأجابنا إلى ذلك، وما كان بينهم وبين الناس استوهبناهم منهم وأجابوا إلى ذلك وعوّضهم الله عز وجل.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٥٧.

٢ - أمالي الطوسي ص ٤٠٦

إبراهيم الأحمري، عن عبد الرحمن بن أحمد التميمي، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إذا كان يوم القيامة وكلنا الله بحساب شيعتنا، فما كان الله سألنا الله أن يهبه لنا فهو لهم، وما كان لنا فهو لهم، ثم قرأ أبو عبد الله عليه السلام: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾.

ورواه في «البحار» ج ٨ ص ٥٠ عن «كنز جامع الفوائد» بإسناده عن ابن سنان عنه عليه السلام وزاد فيه قبل قوله: «فما كان لنا...» «وما كان للآدميين سألنا الله أن يعوّضهم بدله فهو لهم».

ورواه أيضاً عن «الكنز» بالإسناد إلى عبد الله بن حمّاد، عن محمد بن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليه السلام ولكنه زاد بعد قوله: سألنا الله... فهو لهم: «وما كان لمخالفهم فهو لهم» وفي آخره قال: هم معنا حيث كنّا.

٣ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٥٧

روى بسنده عن داود بن سليمان، عن عليّ بن موسى الرضا عليه السلام عن آبائه عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: إذا كان يوم القيامة ولّينا حساب شيعتنا فمن كانت مظلّمته فيما بينه وبين الله عز وجل حكمنا فيها، فأجابنا، ومن كانت مظلّمته فيما بينه وبين الناس استوهبناها فوهبت لنا، ومن كانت مظلّمته بينه وبيننا كنّا أحقّ ممّن عفى وصفح.

في أن حساب الخلق يوم القيامة على الأئمة : ٨١

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٠.
ورواه في «البحار» ج ٨ ص ٥٠ عن «كنز جامع الفوائد» بسنده عن جميل عن
أبي الحسن عليه السلام مثله.

٤ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٥٣
صحيفة أهل البيت عليه السلام قال أمير المؤمنين عليه السلام : في نزلت هذه الآية: إن إلينا
إيّا بهم ثم إن علينا حسابهم.
أبو عبد الله عليه السلام : إذا كان يوم القيامة وكلنا الله بحساب شيعتنا فما كان الله سألنا
الله أن يهبه لنا وما كان لنا نهبه لهم ثم ثرا هذه الآية.

٥ - كنز الكراحي ج ١ ص ٢٥٠
وان أنبياء الله وحججه عليهم السلام هم في القيامة المسؤولون للحساب بإذن الله
تعالى وإن حجة أهل كل زمان يتولّى أمر رعيته الذين كانوا في وقته.
وان سيّدنا رسول الله صلى الله عليه وآله والأئمة الإثنا عشر من بعده عليهم السلام هم أصحاب
الأعراف الذين لا يدخل الجنة إلا من عرفهم وعرفوه، ولا يدخل النار إلا من
أنكرهم وأنكروه.

وان رسول الله صلى الله عليه وآله يحاسب أهل وقته وعصره، وكذلك كل إمام بعده.
وان المهديّ (عج) هو المواقف لأهل زمانه، والمسائل للذين في وقته.
ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ٣١٤.

٦ - تفسير الفرات ص ٥٥٢
قال: حدّثني جعفر بن محمّد الفزاري معنعناً عن قبيصة بن يزيد الجعفي قال:
دخلت على الصادق جعفر بن محمّد عليه السلام وعنده البوس بن أبي الدوس

[الدرس] وابن ظبيان والقاسم [عبد الرحمن] الصيرفي فسلمت وجلست وقلت يا ابن رسول الله قد أتيتك مستفيداً، قال: سل وأوجز.

قلت: أين كنتم قبل أن يخلق الله سماءً مبنية وأرضاً مدحية - إلى أن قال - قلت لوجه ربي الحمد أسألك عن قول الله تعالى: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾؟ قال: فينا التنزيل، قال: قلت: إنما أسألك عن التفسير. قال: نعم يا قبيصة إذا كان يوم القيامة جعل الله حساب شيعتنا علينا فما كان بينهم وبين الله استوهبه محمد ﷺ من الله، وما كان فيما بينهم وبين الناس من المظالم أداه محمد ﷺ عنهم، وما كان فيما بيننا وبينهم وهبناه لهم حتى يدخلون الجنة بغير حساب.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٣.



٧ - تفسير الفرات ص ٥٥١

قال حدثنا [ثني] جعفر بن محمد بن يوسف معنعناً: عن صفوان قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: [إن] إلينا إياب هذا الخلق وعلينا حسابهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٢.

٨ - تفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٢٤٢

عن الصادق عليه السلام قال: فأما في القيامة، فإننا وأهلنا نجزي عن شيعتنا كل جزء، ليكونن على الأعراف بين الجنة والنار «محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام والطيبون من آلهم» فترى بعض شيعتنا في تلك العرصات ممن كان منهم مقصراً في بعض شذائدها، فنبت عليهم خيار شيعتنا كسلمان والمقداد و أبي ذر وعمار ونظائرهم في العصر الذي يليهم وفي كل عصر إلى يوم القيامة،

في الأمور التي توجب سوء الحساب وشدته ٨٣

فينقضون عليهم كالبزاة والصقور ويتناولونهم كما تتناول البزاة والصقور صيدها،
فيزقونهم إلى الجنة زقاً. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٣٧.

في الأمور التي توجب سوء الحساب وشدته

١ - الكافي ج ٤ ص ٢٠

علي بن إبراهيم عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن الحسين بن حمّاد، عمّن سمع
أبا عبد الله عليه السلام يقول: إياكم وسؤال الناس فإنه ذلّ في الدنيا وفقر تعجلونه
وحساب طويل يوم القيامة.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٢٧١

ثم قال عليه السلام لأبي ذرّ رحمة الله عليه: يا أبا ذرّ: إياك والسؤال فإنه ذلّ حاضر
وفقر تتعجله وفيه حساب طويل يوم القيامة. الحديث.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ٣ ص ٣٧٥

وفي رواية عبد الله بن ميمون عن أبي عبد الله عليه السلام قال: للزاني ستّ خصال
ثلاث في الدنيا وثلاث في الآخرة، فأما التي في الدنيا: فإنه يذهب بنور الوجه،
ويورث الفقر، ويعجلّ الفناء، وأما التي في الآخرة: فسخط الربّ، وسوء الحساب،
والخلود في النار.

ورواه في «الخصال» ص ٣٢١ عن محمد بن عليّ ماجيلويه عن عمّه محمد
بن أبي القاسم، عن محمد بن عليّ الكوفيّ، عن ابن فضال، عن عبد الله بن ميمون،
بعينه متنأً.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣١١ بعينه سنداً ومتناً.

ورواه في «المحاسن» ص ١٠٦ عن البرقي عن محمد بن علي عن ابن فضال بعينه سنداً ومتمناً.

٤ - خصال الصدوق ص ١٥٤

حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمته الله قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عن عن ذكره عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الجن على ثلاثة أجزاء - إلى أن قال - والإنس على ثلاثة أجزاء فجزاء تحت ظل العرش يوم لا ظل إلا ظله، وجزاء عليهم الحساب والعذاب، وجزاء وجوههم وجوه الآدميين وقلوبهم قلوب الشياطين. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٧٢.



٥ - جامع الأخبار ص ١٥٨ مركز تحقيق علوم حسدي

عنه عليه السلام: وأيما رجل رضي بتزين امرأته و تخرج من باب دارها فهو ديوث ولا يأثم من يسميه ديوثاً والمرأة إذا خرجت من باب دارها متزينة متعطرة والزوج بذاك راض بني لزوجها بكل قدم بيت في النار فقصر وأجنحة نسائكم ولا تطولوها فإن في تطويل أجنحتها ندامة وجزاؤها النار وفي قصر أجنحتها رضى وسرور ودخول الجنة بغير حساب احفظوا وصيتي في أمر نسائكم حتى تنجوا من شدة الحساب ومن لم يحفظ وصيتي فما أسوء حاله بين يدي الله تعالى وقال النساء حبايل الشيطان.

الميزان في القيامة

١ - أمالي الصدوق ص ٢٧٥

حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن إسحاق

المادري بالبصرة في رجب سنة ثمان عشرة وثلاث مائة قال حدثنا أبو قلابة عبد الملك بن محمد قال حدثنا غانم بن الحسن السعدي قال حدثنا مسلم بن خالد المكي قال حدثنا جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال قالت فاطمة عليها السلام لرسول الله صلى الله عليه وآله: يا أبتاه أين ألقاك يوم الموقف الأعظم ويوم الأهوال ويوم الفرع الأكبر قال: يا فاطمة عند باب الجنة ومعني لواء الحمد وأنا الشفيع لأمتي إلى ربي. قالت: يا أبتاه فإن لم ألقك هناك قال القيني على الحوض وأنا أسقي أمتي. قالت: يا أبتاه إن لم ألقك هناك قال القيني على الصراط وأنا قائم أقول رب سلم أمتي قالت فإن لم ألقك هناك قال القيني وأنا عند الميزان أقول رب سلم أمتي قالت فإن لم ألقك هناك قال القيني على (عند) شفير جهنم أمنع شرورها ولهبها عن أمتي فاستبشرت فاطمة بذلك صلى الله عليها وعلى أبيها وبعليها وبنيتها.

٢ - أمالي الصدوق ص ٣٣٨ و ٣٣٩

روى بإسناده عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني قال دخلت على سيدي علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام فلما بصر بي قال لي مرحباً بك يا أبا القاسم - إلى أن قال - وإن الجنة حق والنار حق والصراط حق والميزان حق وإن الساعة آتية لا ريب فيها وإن الله يبعث من في القبور. الحديث.

٣ - أمالي الصدوق ص ٦١٠

روى بإسناده عن حفص بن البختري عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن جدّه قال: وقع بين سلمان الفارسي رحمته الله وبين رجل كلام وخصومة فقال له

الرجل من أنت يا سلمان فقال سلمان أمّا أوّلَى و أوّلَكَ فنطفة قدرة وأمّا آخري وأخرك فجيفة منتنة فإذا كان يوم القيامة وضعت الموازين فمن ثقل ميزانه فهو الكريم ومن خفّ ميزانه فهو اللئيم.

٤ - روى بسنده عن الأعمش عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: هذه شرايع الدين - إلى أن قال - والإيمان هو أداء الفرائض واجتناب الكبائر، والإيمان هو معرفة بالقلب وإقرار باللسان وعمل بالأركان والإقرار بعذاب القبر ومنكر ونكير والبعث بعد الموت والحساب والصراط والميزان ولا إيمان بالله إلا بالبرائة من أعداء الله عزّ وجلّ. الحديث.

٥ - أمالي الطوسي ص ٣٨٣

أخبرنا ابن مخلّد، قال أخبرنا أبو الحسين، قال أخبرنا محمد بن إسماعيل الترمذي، قال حدّثنا سعد بن عنبسة، قال حدّثنا منصور بن وردان العطار، قال حدّثنا يوسف بن إسحاق بن أبي إسحاق، عن الحارث، عن عليّ عليه السلام أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: الخيل معقود في نواصيها الخير إلى يوم القيامة، ومن ارتبط فرساً في سبيل الله، كان علفه وروثه وشرابه في ميزانه يوم القيامة.

٦ - معاني الأخبار ص ٣١

حدّثنا أحمد بن الحسن القطان، قال: حدّثنا عبد الرحمن بن محمد الحسيني، قال: أخبرنا أبو جعفر أحمد بن عيسى بن أبي مريم العجليّ، قال: حدّثنا محمد بن أحمد بن عبد الله بن زياد العزمي، قال: حدّثني عليّ بن حاتم المنقري، عن هشام بن سالم قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً﴾ قال: هم الأنبياء والأوصياء عليهم السلام.

٧- مسكّن الفوائد ص ٤٨

عن الحسن بن عليّ عليه السلام، عن النبي صلى الله عليه وآله، قال: «إنّ في الجنة شجرة يقال لها: شجرة البلوى، يؤتى بأهل البلاء يوم القيامة، فلا يرفع لهم ديوان، ولا ينصب لهم ميزان، يصب عليهم الأجر صبّا، وقرأ عليه السلام: ﴿إِنَّمَا يوفى الصابرون أجرهم بغير حساب﴾.

٨- مسكّن الفوائد ص ٤٩

وعن أنس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «قال الله عزّ وجلّ: إذا وجهت إلى عبد من عبيدي مصيبة في بدنه أو ماله أو ولده، ثمّ استقبل ذلك بصبر جميل، استحيت منه يوم القيامة أن أنصب له ميزاناً، أو أنشر له ديواناً».



مركز تحقيقات فقهية إسلامية

في أنّ حبّ النبي صلى الله عليه وآله وأهل بيته نافع من مواطن

منها: عند الميزان

١- الخصال ص ٣٦٠ والأمال ص ١٠

حدّثنا الحسن بن عبد الله بن سعيد العسكري قال: أخبرنا محمد بن أحمد بن حمدان القشيري قال: حدّثنا المغيرة بن محمد بن المهلب قال: حدّثنا عبد الغفار محمد بن بكير الكلابي الكوفي، عن عمرو بن ثابت، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام عن عليّ بن الحسين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله حبّي وحبّ أهل بيتي نافع في سبعة مواطن، أهوالهن عظيمة: عند الوفاة، وفي القبر، وعند النشور، وعند الكتاب، وعند الحساب، وعند الميزان، وعند الصراط.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٢٧ ص ١٥٨.

ورواه في «جامع الأخبار» ص ١٨٢.

٢ - فضائل ابن شاذان ص ١٥٥

(وبالإسناد) يرفعه إلى أنس بن مالك والزبير بن العوام أنّهما قالَا قال رسول الله أنا ميزان العلم وعليّ كفتاه والحسن والحسين خيوطه وفاطمة عليها السلام علاقته والأئمة من ولدهم عموده فينصب يوم القيامة فيوزن فيها أعمال المحبّين لنا والمبغضين لنا.

٣ - أعلام الدين ص ٤٦٤

ومن كنوز الرحمة، عن مالك بن أنس، عن ابن عمر قال: قال رسول الله ﷺ: «من أحبّ عليّاً قبل الله صلاته وصيامه وقيامه، واستجاب دعاءه، ألا ومن أحبّ عليّاً وآل محمّد، أمن من الحساب والميزان والصراط، ألا ومن مات على حبّ آل محمّد، فأنا كفيّله بالجنة مع الأنبياء، ألا ومن أبغض آل محمّد جاء يوم القيامة وبين عينيه مكتوب آيس من رحمة الله».

في جملة ممّا ورد أنه يوجب ثقل الميزان

منها: مداد العلماء

١ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٢٨٤

وروى المعلّى بن محمّد البصريّ عن أحمد بن محمّد بن عبد الله عن عمرو بن زياد عن مدرك بن عبد الرحمن عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمّد عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة جمع الله عزّ وجلّ الناس في صعيد واحد ووضعت الموازين فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجّح مداد العلماء على دماء الشهداء.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ١٦٨ عن جعفر بن محمّد بن مسرور عن

الحسين بن محمد بن عامر عن المعلّى بن محمد البصري بعينه سنداً ومتمناً.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٦.

منها: حسن الخلق

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ٩٩

الحسين بن محمد، عن معلّى بن محمد، عن الوشاء، عن عبد الله بن سنان، عن رجل من أهل المدينة، عن عليّ بن الحسين عليهما السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة أفضل من حسن الخلق.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٤٩.



٢ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٣٧

وبهذا الاسناد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من من شيء أثقل في الميزان من حسن الخلق.

منها: من صلى على ميّت وشيّعهُ وأقام على دفنه

١ - عقال الأعمال ص ٣٤٤

روس باسناده عن أبي هريرة وعبد الله بن عباس قالوا: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وآله - إلى أن قال - و من صلى على الميّت صلى عليه جبرئيل وسبعون ألف ألف ملك، وغفر له ما تقدّم من ذنبه [و ما تأخّر] وإن أقام عليه حتّى يدفن وحتّى عليه من التراب انقلب من الجنازة وله بكلّ قدم من حيث شيّعها حتّى يرجع منزله قيراط من الأجر، والقيراط مثل جبل أحد يكون في ميزانه من الأجر.

منها: خمس ما أثقلهن في الميزان

«التسبيح» و«التمحيد» و«التهليل» و«التكبير» و«الولد الصالح» يتوفى

لمسلم فيصبر

١ - الخصال ص ٢٦٧

حدَّثنا أبو أحمد محمد بن جعفر البندار قال: حدَّثنا أبو العباس الحمّادي قال: حدَّثنا محمد بن عليّ الصائغ قال: حدَّثنا عمرو بن سهل بن زنجلة الرازي قال: حدَّثنا الوليد بن مسلم، عن الأوزاعي، عن أبي سلام الأسود، عن أبي سالم راعي رسول الله ﷺ أنّه قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: خمس ما أثقلهن في الميزان «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» و«الولد الصالح» يتوفى لمسلم فيصبر ويحتسب.



ونقله عنه في «البحار» ج ٧٩ ص ١١٥

ورواه في «مسكن الفوائد» ص ٣١ عن ثوبان مولى رسول الله ﷺ وفي صدر الحديث ذكر كلمة «بخ بخ» قبل كلمة خمس.

ثم قال ﷺ: بخ بخ كلمة تقال عن المدح والرضا بالمشي، وتكرّر للمبالغة، وربّما شدّدت، ومعناها: تقخيم الأمر وتعظيمه، ومعنى يحتسبه أي: يجعله حسبة وكفاية عند الله عزّ وجلّ، أي يحتسب بصره على مصيبة بموته ورضاه بالقضاء.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧٩ ص ١١٧.

٢ - مسكن الفوائد ص ٣١

وعن عبدالرحمن بن سمرة، عن رسول الله ﷺ قال: «إني رأيت البارحة عجباً - فذكر حديثاً طويلاً، وفيه - رأيت رجلاً من أمّتي قد خفّ ميزانه، فجاء أفراطه فثقلوا ميزانه».

في أن ما يوجب في القيامة خفة الميزان ٩١

الفرط بفتح الفاء والراء: هو الذي لم يدرك من الأولاد - الذكور والإناث -
وتتقدم وفاته على أبويه أو أحدهما، يقال: فرط القوم، إذا تقدمهم، وأصله الذي
يتقدم الركب إلى الماء، ويهيئ لهم أسبابه.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧٩ ص ١١٧.

منها: الصلاة على النبي ﷺ وآله ﷺ

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ٣٥٨

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن أبي أيوب، عن محمد بن
مسلم، عن أحدهما ﷺ قال: ما في الميزان شيء أثقل من الصلاة على محمد
وآل محمد وإن الرجل لتوضع أعماله في الميزان فيميل به فيخرج الصلاة عليه
فيضعها في ميزانه فيرجح به.

ورواه في «عدة الداعي» ص ١٦٥ عن محمد بن مسلم عن أحدهما ﷺ
بعينه.

٢ - ثواب الأعمال ص ١٨٦

حدثني أحمد بن محمد بن محمد بن محمد، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن السندي بن
محمد، عن أبي البختري، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه ﷺ قال: قال
رسول الله ﷺ: أنا عند الميزان يوم القيامة فمن ثقلت سيئاته على حسناته جئت
بالصلاة علي حتى أثقل بها حسناته.

في أن ما يوجب في القيامة خفة الميزان

١ - أمالي الصدوق ص ٤٩٢

حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار قال: حدثنا سعد بن عبد الله عن

يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن عيسى الفراء عن عبد الله بن أبي يعفور قال سمعت أبا عبد الله الصادق يقول قال أبو جعفر الباقر من كان ظاهره أرجح من باطنه خف ميزانه.

٢ - أمالي الطوسي ص ٥٠

أخبرنا محمد بن محمد، قال: أخبرني أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه رحمته الله، قال: حدثني أبو علي محمد بن همام الإسكافي رحمته الله، قال: حدثني أحمد بن موسى النوفلي، قال: حدثني محمد بن عبد الله بن مهران، عن معاوية بن حكيم، قال: حدثني عبد الله بن سليمان التميمي، قال لما قُتل محمد وإبراهيم ابنا عبد الله بن الحسن بن الحسن صار إلى المدينة رجل يقال له «شبة بن عقال» ولاه المنصور على أهلها، فلما قدمها وحضرت الجمعة صار إلى مسجد النبي صلى الله عليه وآله فرقا المنبر وحمد الله وأثنى عليه، ثم قال: أمّا بعد، إنّ علي بن أبي طالب شقّ عصا المسلمين، وحارب المؤمنين، وأراد الأمر لنفسه، ومنعه من أهله، فحرمه الله أمنيته وأماته بغضته، وهؤلاء ولده يتبعون أثره في الفساد وطلب الأمر بغير استحقاق له، فهم في نواحي الأرض مقتّلون وبالدماء مضرّجون.

قال: فعظم هذا الكلام منه على الناس، ولم يجسر أحد منهم أن ينطق بحرف، فقام إليه رجل عليه إزار قومي سحّ فقال: فنحن نحمد الله ونصلي على محمد خاتم النبيين و سيّد المرسلين، وعلى رسل الله وأنبيائه أجمعين، أمّا ما قلت من خير، فنحن أهله، وما قلت من سوءٍ فأنت وصاحبك به أولى وأحرى، يا من ركب غير راحلته، وأكل غير زاده ارجع مأزوراً؛ ثمّ أقبل على الناس فقال ألا أنبئكم بأخفّ الناس يوم القيامة ميزاناً، وأبينهم خسراناً؟ من باع آخرته بدنياه غيره وهو هذا الفاسق. فأسكت الناس، وخرج الوالي من المسجد لم ينطق بحرفٍ، فسألت

عن الرجل فقيل لي، هذا جعفر بن محمد بن عليّ بن الحسين بن عليّ بن أبي طالب (صلوات الله عليهم).

٣ - عدّة الداعي ص ١٠٣

وسئل أمير المؤمنين من أعظم (العظيم) الشقاء قال : رجل ترك الدنيا للدنيا ففاته الدنيا وخسر الآخرة، ورجل تعبّد واجتهد وصام رياء الناس فذلك الذي حرم (لذات) الدنيا من دنياه (دنياه) ولحقه التعب الذي لو كان به مخلصاً لاستحقّ ثوابه فورد الآخرة وهو يظنّ أنّه قد عمل ما يثقل به ميزانه فيجده هباءً منثوراً قيل: فمن أعظم الناس حسرة؟ قال: من رأى ماله في ميزان غيره فادخله الله به النار وأدخل وارثه به الجنة.



في الصراط وكيفية مرور الناس عليه وهو أدقّ من الشعر وأحدّ من السيف

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٣٣١

عنه، عن الحجّال، عن غالب بن محمد، عمّن ذكره، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» قال: قنطرة على الصراط لا يجوزها عبد بمظلمة.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٢١ باسناده عن أحمد بن محمد، عن عبد الله بن محمد الحجّال بعينه سنداً ومتمناً.

ورواه في «مجمع البيان» ج ١٠ ص ٤٨٧ في ذيل تفسير الآية عنه عليه السلام.

٢ - اصول الكافي ج ٢ ص ١٥٢

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن إسماعيل بن

بزيع عن حنان بن سدير، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال أبو ذر رضي الله عنه: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: حافتا الصراط يوم القيامة الرحم والأمانة، فإذا مرّ الوصول للرحم، المؤدّي للأمانة نفذ إلى الجنة وإذا مرّ الخائن للأمانة القطوع للرحم لم ينفعه معهما عمل وتكفأ به الصراط في النار.

ورواه في «كتاب الزهد» ص ٤٠ عن حنان بعينه سنداً ومتمناً.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ٦٧.

ورواه في «عدة الداعي» ص ٩١.

٣ - أمالي الصدوق ص ١٧٦

حدثنا أبي عليه السلام قال: حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن علي بن الحكم عن الفضل بن صالح عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: لما نزلت هذه الآية ﴿وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ﴾ سئل عن ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: أخبرني الروح الأمين أن الله لا إله غيره إذا جمع الأولين والآخرين أتى بهنّ تقاد بألف زمام أخذ بكلّ زمام مائة ألف ملك من الغلاظ الشداد لها وهدة تغيط وزفير وإنها لتزفر الزفرة فلولاً أن الله عزّ وجلّ أخرهم إلى الحساب لأهلك الجمع ثم يخرج منها عنق يحيط بالخلائق البرّ منهم والفاجر فما خلق الله عزّ وجلّ عبداً من عباده ملكاً ولا نبياً إلا نادى ربّ نفسي نفسي وأنت يا نبيّ الله تنادي أمّتي أمّتي ثم يوضع عليها صراط أدقّ من حدّ السيف عليه ثلاث قناطر أمّا واحدة فعلها الأمانة والرحم وأمّا الأخرى فعلها الصلاة وأمّا الأخرى فعلها عدل ربّ العالمين لا إله غيره فيكلفون الممر عليه فتحبسهم الرحم والأمانة فإن نجوا منها حبستهم الصلاة فإن نجوا منها كان المنتهى إلى ربّ العالمين جلّ وعزّ وهو قوله تبارك وتعالى ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ والناس على الصراط فمتعلّق وقدم تزل وقدم تستمسك

والملائكة حولهم ينادون يا حليم اغفر واصفح وعدّ بفضلك وسلّم سلم والناس يتهافتون فيها كالفراش فإذا نجا ناج برحمة الله عزّ وجلّ نظر إليها فقال الحمد لله الذي نجاني منك بعد إياس بمنّته وفضله إنّ ربّنا لغفور شكور.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٢٥.

ورواه في «تفسير القمّي» ج ٢ ص ٤٢١ عن أبيه عن عمرو بن عثمان عن جابر عنه عليه السلام بعينه متناً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦٥.

٤ - أمالي الصدوق ص ١٧٧

حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عليه السلام قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن غيسى عن محمّد بن خالد البرقي عن القاسم بن محمّد الجوهري عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمّد عليه السلام قال: الناس يمرون على الصراط طبقات والصراط أدقّ من الشعر وأحد من السيف فمنهم من يمرّ مثل البرق ومنهم من يمرّ مثل عدو الفرس ومنهم من يمرّ حبواً ومنهم من يمرّ متعلّقاً قد تأخذ النار منه شيئاً وتترك شيئاً.

ورواه في «كتاب الزهد» ص ٩٢ عن القاسم بن محمّد بعينه سنداً ومتناً، لكنّه زاد بعد قوله «حبواً»: ومنهم من يمرّ مشياً.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ٦٤.

٥ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٧٠

وبهذا الاسناد، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله من أذل مؤمناً أو حقّره لفقره وقلة ذات يده شهّره الله على جسر جهنّم يوم القيامة.

٦ - أمالي الصدوق ص ١٧٨

حدّثنا عليّ بن أحمد رحمه الله قال: حدّثنا محمد بن عبد الله الكوفي قال: حدّثنا موسى بن عمران النخعي عن عمّه الحسين بن يزيد النوفلي عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال: قال الصادق عليه السلام: حدّثني أبي عن أبيه عليه السلام أنّ الحسن بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان أعبد الناس في زمانه وأزهدهم وأفضلهم وكان إذا حجّ ماشياً وربّما مشى حافياً وكان إذا ذكر الموت بكى وإذا ذكر القبر بكى وإذا ذكر البعث والنشور بكى وإذا ذكر الممرّ على الصراط بكى. الحديث.

٧ - أمالي الصدوق ص ٧

حدّثنا الحسين بن أحمد رحمه الله قال: حدّثنا أبي قال: حدّثنا محمد بن أبي الصهبان قال: حدّثنا أبو أحمد محمد بن زياد الأزدي قال: حدّثني أبان الأحمر عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام أنّه جاء إليه رجل فقال له: بأبي أنت وأُمّي يا ابن رسول الله علمني موعظة فقال عليه السلام: إن كان الله تبارك وتعالى قد تكفل بالرزق فاهتمامك لما ذا - إلى أن قال - وإن كان الممرّ على الصراط حقّاً فالعجب لما ذا. الحديث.

٨ - مجمع البيان ج ١٠ ص ٤٨٧

وروى عن ابن عباس في هذه الآية - أي «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» قال: إنّ عليّ جسر جهنّم سبع محابس يسأل العبد عند أولها عن شهادة أن لا إله إلا الله، فإن جاء بها تامّة جاز إلى الثاني فيسأل عن الصلاة، فإن جاء بها تامّة جاز إلى الثالث فيسأل عن الزكاة، فإن جاء بها تامّة جاز إلى الرابع فيسأل عن الصوم، فإن جاء بها تامّة جاز إلى الخامس فيسأل عن الحجّ، فإن جاء به تامّاً جاز إلى السادس فيسأل

عن العمرة، فإن جاء بها تامّة جاز إلى السابع فيسأل عن المظالم، فإن خرج منها وإلاّ يقال: انظروا، فإن كان له تطوّع أكمل به أعماله، فإذا فرغ انطلق به إلى الجنة. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦٤.

٩ - تفسير القمّي ج ١ ص ٢٩

وعنه عن سعدان بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الصراط فقال: هو أدقّ من الشعر وأحدّ من السيف فمنهم من يمرّ عليه مثل البرق ومنهم من يمرّ عليه مثل عدو الفرس ومنهم من يمرّ عليه ماشياً ومنهم من يمرّ عليه حبواً ومنهم من يمرّ عليه متعلّقاً فتأخذ النار منه شيئاً وتترك منه شيئاً.

١٠ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٥٥

محمّد بن الصباح الزعفراني عن المزني عن الشافعي عن مالك عن حميد عن أنس قال قال رسول الله في قوله تعالى: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ إِنَّ فَوْقَ الصَّرَاطِ عَقَبَةٌ كَوْوداً طُولُهَا ثَلَاثَةُ آلَافٍ عَامٍ هَبُوطٌ وَأَلْفٌ عَامٌ شَوْكٌ وَحَسَكٌ وَعِقَارِبٌ وَحَيَّاتٌ وَأَلْفٌ عَامٌ صُعُوداً أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَقْطَعُ تِلْكَ الْعَقَبَةَ وَثَانِي مَنْ يَقْطَعُ تِلْكَ الْعَقَبَةَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، الْخَبَرُ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦٦.

١١ - دعوات الراوندي ص ٢٨١

وروي: أَنَّهُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَرَدْتَ النِّجَاةَ مِنَ الذُّنُوبِ فَانْظُرْ فَوْقَكَ وَاذْكُرْ عَظَمَتِي - إِلَى أَنْ قَالَ - وَانْظُرْ أَمَامَكَ وَاذْكُرْ الصَّرَاطَ فَإِنَّهُ مَرْصَدِي، وَمَنْ وَرَأَيْكَ فَاذْكُرْ مَلِكَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ رَسُولِي إِلَيْكَ.

في جملة ممّا ورد أنّه يمرّ بعض الناس على الصراط
كالبرق الخاطف

منها: من صام من رجب عشرة أيّام، ومن صام منه سبعة عشر يوماً
١ - ثواب الأعمال ص ٨٠ - ٨١

روي بإسناده عن أبي سعيد الخدري عنه صلى الله عليه وآله في حديث أنّه قال: ومن صام
من رجب عشرة أيّام جعل الله له جناحين أخضرين منظومين بالدرّ والياقوت
يطير بهما على الصراط كالبرق الخاطف إلى الجنان ويبدّل الله سيئاته حسنات
وكتب من المقرّبين القوّامين لله بالقسط، وكأنّه عبد الله مائة عام صابراً قائماً
محتسباً.

ومن صام سبعة عشر يوماً من رجب وضع له يوم القيامة على الصراط سبعون
ألف مصباح من نور حتّى يمرّ على الصراط بنور تلك المصابيح إلى الجنان تشيّع
الملائكة بالرحب والسلام.

ورواه في «أمالي الصدوق» ص ٥٣٦ و ٥٣٧ بيعنه سنداً ومتمناً.

ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ٢٦ و ٢٧.

منها: من أقرض أخاه المسلم

١ - عقاب الأعمال ص ٣٤١

ومن أقرض أخاه المسلم كان له بكلّ درهم أقرضه وزن جبل أحد [حرا
وثبير] وجبال رضوى وطور سيناء حسنات، فإن رفق به في طلبه بعد أجله جاز
على الصراط كالبرق الخاطف اللامع بغير حساب ولا عذاب.

منها: من قام على مريض يوماً وليلة

١ - عقاب الأعمال ص ٣٤١

ومن قام على مريض يوماً وليلة بعثه الله تعالى مع إبراهيم الخليل عليه السلام فجاز
على الصراط كالبرق اللامع.

منها: من حافظ على الجماعة حيث ما كان

١ - عقاب الأعمال ص ٣٤٣

ومن حافظ على الجماعة حيث ما كان مرّ على الصراط كالبرق الخاطف
اللامع في أوّل زمرة مع السابقين. الحديث.

منها: مرور عليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام

١ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٥٥

تفسير مقاتل عن عطاء عن ابن عباس: ﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ﴾ لا يعذب
الله محمّداً ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ لا يعذب عليّ بن أبي طالب وفاطمة والحسن
والحسين وحمزة وجعفرًا نُورُهُمْ يَسْعَى بِضِيءِ عَلَى الصَّرَاطِ لِعَلِّيِّ وفاطمة مثل
الدنيا سبعين مرّة فيسعى نورهم بين أيديهم ويسعى عن أيماهم وهم يتبعونها،
فيمضي أهل بيت محمّد وآله زمرة على الصراط مثل البرق الخاطف، ثمّ قوم مثل
الريح، ثمّ قوم مثل عدو الفرس، ثمّ يمضي قوم مثل المشي، ثمّ قوم مثل الجثو، ثمّ
قوم مثل الزحف ويجعله الله على المؤمنين عريضاً وعلى المذنبين دقيقاً، قال الله
تعالى: ﴿يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا﴾ حتّى نجتاز به على الصراط، قال فيجوز
أمير المؤمنين في هودج من الزمرد الأخضر ومعه فاطمة على نجيب من الياقوت
الأحمر حولها سبعون ألف حور كالبرق اللامع.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦٧.

منها: مرور من صلى بعد المغرب من رجب عشرين ركعة

١ - الإقبال ص ١٢٠

رأيت في كتاب روضة العابدين عن النبي صلى الله عليه وآله: من صلى المغرب أوّل ليلة

من رجب ثم يصلي بعدها عشرين ركعة، يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وقل هو الله أحد مرة، ويسلم بين كل ركعتين قال رسول الله ﷺ: أتدرون ما ثوابه؟ قالوا: الله ورسوله أعلم، قال: فإن الروح الأمين علّمني ذلك وحسر رسول الله ﷺ عن ذراعيه وقال: حفظ والله في نفسه وأهله وماله وولده، وأجير من عذاب القبر وجاز على الصراط كالبرق الخاطف من غير حساب.

فى أنّ حبّ عليّ بن أبي طالب والأئمة عليهم السلام يوجب جواز الصراط

١ - أمالي الصدوق ص ٢٨٨

حدّثنا أبي حمزة قال: حدّثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن العباس بن معروف عن الحسين بن يزيد عن يعقوب بن عيسى عن عبد الله العلوي عن أبيه عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام عن أبيه عن جدّه عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ من سرّه أن يجوز على الصراط كالريح العاصف ويلج الجنة بغير حساب فليتولّ وليي ووصيي وخليفتي على أهلي وأمتي عليّ بن أبي طالب عليه السلام ومن سرّه أن يلج النار فليترك ولايته فوعزة ربّي وجلاله إنّ له باب الله الذي لا يؤتى إلّا منه وإنّه الصراط المستقيم وإنّه الذي يسأل الله عن ولايته يوم القيامة.

٢ - أمالي الصدوق ص ٥٨٣

حدّثنا الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المؤدّب قال: حدّثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان قال: حدّثنا بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدّثني محمد بن عبيد الله قال: حدّثنا عليّ بن الحكم عن هشام عن أبي حمزة الثمالي عن

أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام عن آبائه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: يا علي ما ثبت حبك في قلب امرء مؤمن فزلت به قدمه على الصراط إلا ثبتت له قدم حتى يدخله الله عز وجل بحبك الجنة وصلى الله على رسوله محمد وأهل بيته الطاهرين.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ٧٧.

ورواه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٥٨ عن فضائل الشيعة الصدوق رحمته الله.

٣ - معاني الأخبار ص ٣٥

حدثنا أبي رحمته الله قال: حدثني سعد بن عبد الله، عن إبراهيم بن هاشم، عن عبيد الله بن موسى العبسي، عن سعد بن طريف، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي إذا كان يوم القيامة أقعد أنا وأنت وجبرئيل على الصراط فلم يجز أحد إلا من كان معه كتاب فيه براءة بولايتك.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦٦.

ورواه في «اعتقاد الصدوق» عن النبي صلى الله عليه وآله.

٤ - معاني الأخبار ص ٣٢

حدثنا أحمد بن الحسن القطان، قال: حدثنا عبد الرحمن بن محمد الحسيني قال: أخبرنا أبو جعفر أحمد بن عيسى بن أبي مريم العجلي، قال: حدثنا محمد بن أحمد بن عبد الله بن زياد العزمي قال: حدثنا علي بن حاتم المنقري، عن المفضل بن عمر قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الصراط فقال: هو الطريق إلى معرفة الله عز وجل، وهما صراطان: صراط في الدنيا وصراط في الآخرة، وأمّا الصراط الذي في الدنيا فهو الإمام المفترض الطاعة، من عرفه في الدنيا واقتدى

بهذه مرّ على الصراط الذي هو جسر جهنّم في الآخرة، ومن لم يعرفه في الدنيا زلّت قدمه عن الصراط في الآخرة فتردّى في نار جهنّم.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦٦.

٥ - الخصال ص ٤٠٧

روى عن أحمد بن الحسن القطّان قال: حدّثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان، عن بكر بن عبد الله بن حبيب، عن محمّد بن عبد الله، عن علي بن الحكم، عن أبان بن عثمان، عن محمّد بن الفضيل الرزقي عن أبي عبد الله عليه السلام عن آبائه عن علي عليه السلام قال في حديث: خمسة أبواب يدخل منها شيعتنا ومحّبونا، فلا أزال واقفاً على الصراط أدعو وأقول: ربّ سليم شيعتي ومحّبّي وأنصاري ومن تولاني في دار الدنيا. الحديث.

مركز تحقيقات كميّات علوم حسيني

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦٩.

٦ - خصال الصدوق ص ٤١٣ - ٤١٤

روى بسنده عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: كنت ذات يوم عند النبي صلى الله عليه وآله إذ أقبل بوجهه على علي بن أبي طالب عليه السلام فقال: ألا أبشرك يا أبا الحسن فقال: بلى يا رسول الله، فقال: هذا جبرئيل يخبرني عن الله جلّ جلاله أنّه قد أعطى شيعتك ومحّبّيك تسع خصال: الرفق عند الموت، والأنس عند الوحشة، والنور عند الظلمة، والأمن عند الفزع، والقسط عند الميزان والجواز على الصراط ودخول الجنّة قبل سائر الناس، نورهم يسعى بين أيديهم وبأيمانهم.
ورواه في «أعلام الدين» ص ٤٥٠.

٧- الخصال ص ٣٦٠

روى باسناده عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام عن الحسين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حَبِّي وَحَبَّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ أَهْوَالٍ عَظِيمَةٍ: عِنْدَ الْوَفَاةِ، وَفِي الْقَبْرِ، وَعِنْدَ النُّشُورِ، وَعِنْدَ الْكِتَابِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ، وَعِنْدَ الصِّرَاطِ. ورواه في «أُمَالِي الصَّدُوقِ» ص ١٠ بعينه سنداً ومُتَنًا. ورواه في «جامع الأخبار» ص ١٨٢.

٨- أُمَالِي الطوسي ص ٢٩٠

أبو محمد الفحام، قال: حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ هَاشِمٍ الْهَاشِمِيُّ صَاحِبُ الصَّلَاةِ بِسَرٍّ رَأَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي هَاشِمُ بْنُ الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْجَوْهَرِيُّ الْبَصْرِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُثَنَّى، عَنْ ثَمَامَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَنَسٍ بْنِ مَالِكٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَنُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزَ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ جَوَازٌ فِيهِ وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ وَذَلِكَ قَوْلُهُ (تَعَالَى): ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ يَعْنِي عَنْ وَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦٧.

ورواه في «مناقب ابن شهر آشوب» ج ٢ ص ١٥٦ عن أنس وابن عباس عن النبي صلى الله عليه وآله بعينه مُتَنًا.

٩- أُمَالِي الطوسي ص ٦٢٨

وعنه، قال: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمَفْضَلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ حَفْصِ بْنِ عَمْرِو الْعَسْكَرِيِّ بِالصَّيْصَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ الْهَيْثَمِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ الْأَنْمَاطِيُّ

البغدادى بحلب، قال: حدّثني الحسن بن سعيد النخعي ابن عمّ شريك، قال: فبينما أنا عنده إذ دخل عليه ابن شبرمة وابن أبي ليلى وأبو حنيفة، فسألوه عن حاله، فذكر ضعفاً شديداً، وذكر ما يتخوّف من خطيئاته، وأدركته رنة فبكى، فأقبل عليه أبو حنيفة، فقال يا أبا محمّد، اتّق الله، وانظر لنفسك، فإنّك في آخر يوم من أيّام الدنيا، وأوّل يوم من أيّام الآخرة، وقد كنت تحدّث في عليّ بن أبي طالب بأحاديث، لو رجعت عنها كان خيراً لك.

قال الأعمش: مثل ما ذا، يا نعمان؟ قال: مثل حديث عباية: «أنا قسيم النار». قال: أو لمثلي تقول يا يهودي؟ أقعدوني سنّدوني أقعدوني، حدّثني - والذي إليه مصيري - موسى بن طريف، ولم أر أسدياً كان خيراً منه، قال: سمعت عباية بن ربعي إمام الحيّ، قال: سمعت عليّاً أمير المؤمنين عليه السلام يقول: أنا قسيم النار، أقول هذا وليّ دعيه، وهذا عدوّي خذيه بالحسن وحدّثني أبو المتوكّل الناجي، في إمرة الحجّاج، وكان يشتم عليّاً عليه السلام شتماً مقدعاً - يعني الحجّاج (لعنه الله) - عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله: إذا كان يوم القيامة يأمر الله (عزّ وجلّ) فأقعد أنا وعليّ علي الصراط، ويقال لنا: أدخلوا الجنّة من آمن بي وأحبّكما، وأدخلوا النار من كفر بي وأبغضكما. الحديث.

١٠ - أمالي الطوسي ص ٢٩٠

أبو محمّد الفحام، قال: حدّثني عمّي، قال: حدّثني إسحاق بن عبدوس، قال: حدّثني محمّد بن بهار بن عمّار، قال: حدّثنا زكريّا بن يحيى، عن جابر، عن إسحاق بن عبد الله بن الحارث، عن أبيه، عن أمير المؤمنين (صلوات الله عليه) قال: أتيت النبيّ (صلّى الله عليه وآله) وعنده أبو بكر وعمر، فجلست بينه وبين

عائشة، فقالت لي عائشة: ما وجدت إلا فخذني أو فخذ رسول الله. فقال: مه يا عائشة، لا تؤذيني في عليّ، فإنه أخي في الدنيا وأخي في الآخرة، وهو أمير المؤمنين، يجعله الله يوم القيامة على الصراط، فيدخل أوليائه الجنة، وأعداءه النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ١٩٤.

١١ - أمالي الطوسي ص ٩٤

أخبرنا محمد بن محمد، قال: حدّثني المظفر بن محمد الورّاق، قال: حدّثني أبو علي محمد بن همام، قال: حدّثني أبو سعيد الحسن بن زكريا البصري، قال: حدّثني عمرو بن المختار، قال: حدّثني أبو محمد النرسي، عن النضر بن سويد، عن عبد الله بن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام، عن آبائه عليهم السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كيف بك يا عليّ إذا وقفت على شفير جهنّم وقد مدّ الصراط، وقيل للناس: جوزوا، وقلت لجهنّم: هذا لي وهذا لك؟ فقال عليّ عليه السلام: يا رسول الله، ومن أولئك؟ فقال: أولئك شيعتك معك حيث كنت. ورواه في «أمالي المفيد» ص ٣٢٨ بعينه سنداً ومتمناً.

١٢ - المحاسن ص ١٥٢

وعنه، عن محمد بن عليّ وغيره، عن الحسن بن محمد بن الفضل الهاشمي، عن أبيه قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: إن حبّنا أهل البيت لينتفع به في سبع مواطن عند الله، وعند الموت، وعند القبر، ويوم الحشر، وعند الحوض، وعند الميزان، وعند الصراط.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٥٨.

١٣ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٥٦

حدّثني أبي شهر آشوب باسناد له إلى النبي ﷺ: لكلّ شيء جواز وجواز الصراط: حبّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام.

١٤ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٥٦

الحسن البصري عن عبد الله عن النبي ﷺ في خبر: وهو جالس على كرسيّ من نور - يعني عليّاً - يجري بين يديه التسنيم لا يجوز أحد الصراط إلاّ ومعه براءة بولايته وولاية أهل بيته يشرف على الجنّة ويدخل محبّيه الجنّة ومبغضيه النار.

١٥ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٥٦

وسأل النبي جبرئيل: كيف تجوز أمتي الصراط فمضى ودعا وقال: إنّ الله تعالى يقرّوك السلام ويقول: إنّك تجوز الصراط بنوري وعليّ بن أبي طالب يجوز الصراط بنورك وأمتك تجوز الصراط بنور عليّ، فنور أمتك من نور عليّ، ونور عليّ من نورك، ونورك من نور الله.

وفي الخبر وهو الصراط الذي يقف على يمينه رسول الله وعلى شماله أمير المؤمنين ويأتيهما النداء من الله: ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾.

١٦ - تفسير القمّي ج ١ ص ١٧٤

في حديث قال: إذ نزلت عليه ﷺ هذه الآية ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ فقام رسول الله ﷺ فقال بعد أن حمد الله وأثنى عليه ثمّ قال: أيّها الناس هل تعلمون من وليّكم - إلى أن قال - ألا من كنت مولاه فهذا علي مولاه - إلى أن قال -

فاستفهمه عمر فقام من بين أصحابه فقال يا رسول الله هذا من الله ومن رسوله؟ فقال رسول الله ﷺ نعم من الله ورسوله إنه أمير المؤمنين وإمام المتقين وقائد الغر المحجلين، يقعه الله يوم القيامة على الصراط فيدخل أوليائه الجنة وأعدائه النار. الحديث.

وروى في ج ١ ص ٣٨٩ مثله.

١٧ - تفسير القمي ج ٢ ص ٣٣٧

أبي عن بعض أصحابه رفعه قال: قال رسول الله ﷺ: يا فاطمة إن الله أعطاني في عليّ سبع خصال: هو أول من ينشق عنه القبر معي، وأول من يقف معي على الصراط فيقول للنار خذي ذا وذري ذا.



١٨ - نوادر الراوندي ص ٥

باسناده عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: أثبتكم على الصراط أشدكم حباً لأهل بيتي ولأصحابي. ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٣٣ وفي ص ١٥٨ نقلاً عن فضائل الشيعة للصدوق رحمه الله.

١٩ - تفسير الفرات ص ٢٦٦ - ٢٦٥

فرات قال: حدثني محمد بن الحسن بن إبراهيم معنعناً: عن عليّ بن أبي طالب. أ. (ع). أ. ب [قال قال رسول الله ﷺ - في حديث - يا عليّ إخوانك يفرحون في ثلاث مواطن: عند الموت وخروج أنفسهم وأنا وأنت شاهدهم، وعند المسألة في قبورهم، وعند العرض والحساب] ب: عرض الحساب. ص: العرض الأكبر [والصراط إذا سئل الخلق عن إيمانهم فلم يجيبوا.

٢٠ - تفسير الفرات ص ٢٧٨

قال: حدّثني عبيد بن كثير معنعناً عن أبي هريرة أن رسول الله ﷺ قال: أتاني جبرئيل عليه السلام فقال: أبشرك يا محمد بما تجوز على الصراط، قال: قلت: بلى. قال: تجوز بنور الله ويجوز عليّ بنورك ونورك من نور الله، وتجاوز أمتك بنور عليّ، ونور عليّ من نورك ﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ﴾ [مع علي] ﴿نُوراً فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾.

٢١ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٤٤

و«الصَّراطُ الْمُسْتَقِيمُ» هو صراطان: صراط في الدنيا، وصراط في الآخرة. - إلى أن قال - والطريق الآخر: طريق المؤمنين إلى الجنة الذي هو مستقيم، لا يعدلون عن الجنة إلى النار، ولا إلى غير النار سوى الجنة.

٢٢ - البحار ج ٧ ص ٣٣٢ نقلاً عن الكنز

قال: وروى الشيخ أبو جعفر الطوسي في مصباح الأنوار حديثاً يرفعه بإسناده إلى أنس بن مالك قال: قال رسول الله ﷺ: إذا كان يوم القيامة جمع الله الأولين والآخرين في صعيد واحد ونصب الصراط على شفير جهنم فلم يجرز عليه إلا من كان معه براءة من عليّ بن أبي طالب عليه السلام.

وروى أيضاً في الكتاب المذكور حديثاً يرفعه بإسناده عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: إذا كان يوم القيامة أقف أنا وعليّ على الصراط، ويبد كل واحد منا سيف، فلا يمرّ أحد من خلق الله إلا سألناه عن ولاية عليّ، فمن كان معه شيء منها نجا وفاز وإلا ضربنا عنقه وألقيناه في النار.

٢٣ - وفي ص ٣٣١ نقلاً عن الكنز:

روى محمد بن موسى الشيرازي في كتابه حديثاً يرفعه بإسناده إلى ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: إذا كان يوم القيامة أمر الله مالكا أن يسعر النيران السبع، ويأمر رضوان أن يزخرف الجنان الثمان، ويقول: يا ميكائيل مدّ الصراط على متن جهنّم، ويقول: يا جبرئيل انصب ميزان العدل تحت العرش، ويقول: يا محمد قرب أمتك للحساب، ثم يأمر الله أن يعقد على الصراط سبع قناطر طول كلّ قنطرة سبعة عشر ألف فرسخ، وعلى كلّ قنطرة سبعون ألف ملك يسألون هذه الأمة نساؤهم ورجالهم في القنطرة الأولى عن ولاية أمير المؤمنين وحبّ أهل بيت محمد ﷺ فمن أتى به جاز القنطرة الأولى كالبرق الخاطف، ومن لم يحبّ أهل بيته سقط على أمّ رأسه في قعر جهنّم، ولو كان معه من أعمال البرّ عمل سبعين صديقاً.



٢٤ - فضائل الشيعة كما في «البحار» ج ٧ ص ٢٢١

روى الصدوق بإسناده عن ابن عمر عن النبي ﷺ أنّه قال في حديث طويل -: ألا ومن أحبّ عليّاً جاز على الصراط كالبرق الخاطف، ألا ومن أحبّ عليّاً كتب الله له براءة من النار، وجوازا على الصراط، وأماناً من العذاب، ولم ينشر له ديواناً ولم ينصب له ميزان، وقيل له: أدخل الجنة بلا حساب. الحديث.

٢٥ - الاعتقادات ص ٧٢

اعتقادنا في العقبات التي على طريق المحشر إنّ كلّ عقبة منها اسمها اسم فرض وأمر ونهي، فمتى انتهى الإنسان إلى عقبة اسمها فرض، وكان قد قصر في ذلك الفرض، حبس عندها وطولب بحقّ الله فيها، فإن خرج منها بعمل صالح قدّمه أو برحمة تداركه، نجا منها إلى عقبة أخرى، فلا يزال يدفع من عقبة إلى عقبة،

ويحبس عند كل عقبة، فيسأل عما قصر فيه من معنى اسمها، فإن سلم من جميعها انتهى إلى دار البقاء، فيحيا حياة لا موت فيها أبداً، وسعد سعادة لا شقاوة معها أبداً، وسكن في جوار الله مع أنبيائه وحججه والصدّيقين والشهداء والصالحين من عباده. وإن حبس على عقبة فطوب بحق قصر فيه، فلم ينجه عمل صالح قدّمه، ولا أدركته من الله عزّ وجلّ رحمة، زلت قدمه عن العقبة فهوى في جهنّم - نعوذ بالله منها - وهذه العقبات كلّها على الصراط، اسم عقبة منها: الولاية، يوقف جميع الخلائق عندها فيسألون عن ولاية أمير المؤمنين والأئمة من بعده عليهم السلام، فمن أتى بها نجا وجاز، ومن لم يأت بها بقي فهوى، وذلك قول الله عزّ وجلّ: ﴿وقفوا هم إنهم مسؤولون﴾. وأهمّ عقبة منها المرصاد، وهو قول الله عزّ وجلّ: ﴿إن ربك لبالمرصاد﴾ ويقول عزّ وجلّ: وعزّتي وجلالي لا يجوزني ظلم ظالم، واسم عقبة منها الرحم، واسم عقبة منها الأمانة، واسم عقبة منها الصلاة، وباسم كل فرض أو أمر أو نهي عقبة يحبس عندها العبد فيسأل.

٢٦ وص ٧٠

اعتقادنا في الصراط أنّه حقّ، وأنّه جسر جهنّم، وأنّ عليه ممّر جميع الخلق. قال الله عزّ وجلّ: ﴿وإن منكم إلّا واردها كان على ربك حتماً مقضياً﴾. والصراط في وجه آخر اسم حجج الله، فمن عرفهم في الدنيا وأطاعهم أعطاه الله جوازاً على الصراط الذي هو جسر جهنّم يوم القيامة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٧٠.

فيما ورد في لقاء فاطمة رسول الله عند الصراط

ومرورها في القيامة على الصراط

١ - أمالي الصدوق ص ٦٣٣ - ٦٣٧

حدّثنا محمّد بن إبراهيم بن إسحاق رحمته الله قال: حدّثنا محمّد بن حمدان

الصيدلاني قال: حدثنا محمد بن مسلم الواسطي قال: حدثنا محمد بن هارون قال أخبرنا خالد الحذاء عن أبي قلابة عن عبد الله بن زيد الجرمي عن ابن عباس قال لما مرض رسول الله ﷺ وعنده أصحابه قام إليه عمّار بن ياسر فقال له فداك أبي وأُمّي يا رسول الله من يغسلك منّا إذا كان ذلك منك قال ذاك عليّ بن أبي طالب عليه السلام - إلى أن قال - ثمّ قام رسول الله ﷺ فدخل بيت أمّ سلمة وهو يقول ربّ سلم أمّة محمد من النار ويسر عليهم الحساب فقالت أمّ سلمة يا رسول الله ما لي أراك مغموماً متغيّر اللون فقال: نعت إلي نفسي هذه الساعة فسلام لك في الدنيا فلا تسمعين بعد هذا اليوم صوت محمد أبداً فقالت أمّ سلمة وا حزناه حزناً لا تدركه الندامة عليك يا محمداه ثمّ قال ﷺ ادع لي حبيبة قلبي وقرّة عيني فاطمة تجيء فجاءت فاطمة وهو تقول نفسي لنفسك الفداء ووجهي لوجهك الوقاء يا أبتاه ألا تكلمني كلمة فأنّي انظر إليك وأراك مفارق الدنيا وأرى عساكر الموت تغشاك شديداً فقال لها يا بنية إنّي مفارقك فسلام عليك منّي قالت يا أبتاه فأين الملتقى يوم القيامة؟ قال: عند الحساب. قالت: فإن لم ألقك عند الحساب؟ قال: عند الشفاعة لأُمّتي. قالت: فإن لم ألقك عند الشفاعة لأُمّتك قال: عند الصراط جبرئيل عن يميني وميكائيل عن يساري والملائكة من خلفي وقدامي ينادون ربّ سلم أمّة محمد ﷺ من النار ويسر عليهم الحساب. فقالت فاطمة عليها السلام: فأين والدتي خديجة؟ قال: في قصر له أربعة [أربعة آلاف] أبواب إلى الجنة.

٢ - أمالي الصدوق ص ٢٧٥

حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن إسحاق المادري بالبصرة في رجب سنة ثمان عشرة وثلاث مائة قال: حدثنا أبو قلابة

عبد الملك بن محمد قال: حدّثنا غانم بن الحسن السعدي قال: حدّثنا مسلم بن خالد المكي قال: حدّثنا جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قالت فاطمة عليها السلام لرسول الله صلى الله عليه وآله يا أبتاه أين ألقاك يوم الموقف الأعظم ويوم الأهوال ويوم الفرع الأكبر قال يا فاطمة عند باب الجنة ومعني لواء الحمد وأنا الشفيع لأمتي إلى ربي قالت يا أبتاه فإن لم ألقك هناك قال: القيني على الحوض وأنا أسقي أمتي. قالت: يا أبتاه إن لم ألقك هناك قال: القيني على الصراط وأنا قائم أقول ربّ سلم أمتي قال فإن لم ألقك هناك قال القيني وأنا عند الميزان أقول ربّ سلم أمتي قالت فإن لم ألقك هناك قال القيني على (عند) شفيع جهنم أمتي فاستبشرت فاطمة بذاك صلى الله عليها وعلى أبيها وبعلمها وبنيتها.



٣ - عقاب الأعمال ص ٢٦٠

حدّثني علي بن أحمد بن عبد الله، عن أبيه، عن جدّه أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه محمد بن خالد بإسناده يرفعه إلى عنبسة الطائي، عن أبي جبير عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يمثل لفاطمة عليها السلام رأس الحسين متشخّطاً بدمه فتصيح: وا ولداه وا ثمرة فؤاده، فتصعق الملائكة لصيحة فاطمة عليها السلام وينادي أهل القيامة: قتل الله قاتل ولدك يا فاطمة، قال ز فيقول الله عزّ وجلّ: أفعل به وبشييعته وأحبّائه وأتباعه، وإنّ فاطمة عليها السلام في ذلك اليوم على ناقة من نوق الجنة مدبّجة الجبينين واضحة الخدين، شهلاء العينين، رأسها من الذهب المصفى، وأعناقها من المسك والعنبر، خطامها من الزبرجد الأخضر، رحائلها درّ مفضّض بالجواهر، على الناقة هودج، غشاوته من نور الله، وحشوها من رحمة الله، خطامها فرسخ من فراسخ الدنيا، يحفّ بهودجها سبعون ألف ملك بالتسبيح

والتمجيد والتهليل والتكبير والثناء على ربّ العالمين، ثمّ ينادي منادٍ من بطنان العرش: يا أهل القيامة غضّوا أبصاركم فهذه فاطمة بنت محمد رسول الله ﷺ تمرّ على الصراط، فتمرّ فاطمة عليها السلام وشيعتها على الصراط كالبرق الخاطف، قال النبي ﷺ وتلقى أعداؤها وأعداء ذريّتها في جهنّم. ونقله عنه في «البحار» ج ٤٣ ص ٢٢٢.

٤ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ص ٣٢٦

السمعاني في الرسالة القواميّة والزعفراني في فضائل الصحابة، والأشنهي في اعتقاد أهل السنّة، والعكبري في الإبانة، وأحمد في الفضائل، وابن المؤذن في الأربعين بأسانيدهم عن الشعبي عن أبي جحيفة وعن ابن عباس والأصبغ عن أبي أيّوب، وقد روى حفص بن غياث عن القزويني عن عطاء عن أبي هريرة كلّهم عن النبي ﷺ قال: إذا كان يوم القيامة ووقف الخلائق بين يدي الله تعالى نادى منادٍ من وراء الحجاب أيّها الناس غضّوا أبصاركم ونكّسوا من رؤوسكم فإنّ فاطمة بنت محمد تجوز على الصراط.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٣ ص ٢٢٣.

٥ - الفضائل لابن شاذان ص ١٢١

وبالاسناد أنّه قال: بينا فاطمة جالسة إذ أقبل أبوها ﷺ حتّى جلس إليها فقال لها مالي أراك حزينة قالت بأبي أنت وأُمّي يا رسول الله وكيف لا أبكي ولا أحزن وتريد ان تفارقني فقال لها: يا فاطمة لا تبكي ولا تحزني فلا بدّ من فراقك فاشتدّ بكاؤها وقالت يا أبتى أين ألقاك قال: تلقني على تلّ الحمد أشفع لأُمّتي قالت: يا أبت وإن لم ألقك قال: تلقني عند الصراط. الحديث.

٦ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام كما في البحار ج ٨ ص ٦٨
عن النبي صلى الله عليه وآله قال: إن الله تعالى إذا بعث الخلائق من الأولين والآخرين
نادى منادي ربنا من تحت عرشه: يا معشر الخلائق غضّوا أبصاركم لتجوز فاطمة
بنت محمد سيّدة نساء العالمين على الصراط فتغضّ الخلائق كلّهم أبصارهم فتجوز
فاطمة على الصراط، لا يبقى أحد في القيامة إلّا غضّ بصره عنها إلّا محمد وعليّ
والحسن والحسين والطاهرين من أولادهم فإنّهم أولادها، فإذا دخلت الجنّة بقي
مرطها ممدوداً على الصراط، طرف منه بيدها وهي في الجنّة وطرف في عرصات
القيامة، فينادي منادي ربنا: يا أيّها المحبّون لفاطمة تعلقوا بأهداب مرط فاطمة
سيّدة نساء العالمين، فلا يبقى محبّ لفاطمة إلّا تعلق بهدبة من أهداب مرطها حتّى
يتعلّق بها أكثر من ألف فئام وألف فئام، قالوا: وكم فئام واحد؟ قال: ألف ألف،
ينجون بها من النار.



في جملة ممّا ورد أنّه يوجب الجواز على الصراط
منها: قراءة سورة «إذا جاء نصر الله» في نافلة أو فريضة

١ - ثواب الأعمال ص ١٥٥

بهذا الإسناد عن الحسن عن أبان بن عبد الملك بن كرام الخثعمي عن
أبي عبد الله عليه السلام قال: من قرأ «إذا جاء نصر الله والفتح» في نافلة أو فريضة نصره
الله على جميع أعدائه، وجاء يوم القيامة ومعه كتاب ينطق قد أخرج الله من
جوف قبره فيه أمان من جسر جهنّم، ومن النار، ومن زفير جهنّم، فلا يمرّ على
شيء يوم القيامة إلّا بشره وأخبره بكلّ خير حتّى يدخل الجنّة ويفتح له في الدنيا
من أسباب الخير ما لم يتمنّ ولم يخطر على قلبه.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٣٨٥.

في جملة مما ورد أنه يوجب الجواز على الصراط ١١٥

منها: قراءة «سورة لا أقسم» وطوبى لحامل القرآن وقارئه

١ - ثواب الأعمال ص ١٤٨

بهذا الإسناد عن الحسن عن الحسين بن أبي العلاء عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام قال: من أدام قراءة «لا أقسم» وكان يعمل بها بعثه الله عز وجل مع رسول الله صلى الله عليه وآله من قبره في أحسن صورة ويبشّره ويضحك في وجهه حتى يجوز على الصراط والميزان.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٣٨١.

٢ - جامع الأخبار ص ٣٩

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا سلمان عليك بقراءة القرآن، فإن قرائته كفارة الذنوب وسترة من النار - إلى أن قال - وإنّ المؤمن إذا قرأ القرآن نظر الله إليه بالرحمة وأعطاه بكل آية ألف حور وأعطاه بكل حرف نوراً على الصراط. الحديث.

٣ - جامع الأخبار ص ٤٠

عن رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث: وإنّ أكرم العباد عند الله تعالى بعد الأنبياء العلماء ثم حملة القرآن يخرجون من الدنيا كما يخرج الأنبياء ويحشرون من القبور مع الأنبياء ويمرّون على الصراط مع الأنبياء ويأخذون ثواب الأنبياء فطوبى لطالب العلم وحامل القرآن ما لهم عند الله من الكرامة والشرف.

منها: الصلوات على النبي صلى الله عليه وآله

١ - أمالي الصدوق ص ٢٣٢ - ٢٣٠

روى بإسناده عن عبد الرحمن بن سمرة قال: كنّا عند رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً

فقال: إنني رأيت البارحة عجائب - إلى أن قال - ورأيت رجلاً من أمتي على الصراط يزحف يزحف أحياناً ويحبو أحياناً ويتعلّق أحياناً فجاءته صلاته عليّ فأقامته على قدميه ومضى على الصراط. الحديث.

٢ - دعوات الراوندي ص ٢١٦

وقال النبي ﷺ: أكثرُوا الصلاة عليّ، فإنّ الصلاة عليّ نور من القبر، ونور على الصراط، ونور في الجنّة.

٣ - جامع الأخبار ص ٦٠

قال النبي ﷺ: الصلاة عليّ نور على الصراط، ومن كان له على الصراط من النور لم يكن من أهل النار.



منها: قول المؤمن: بسم الله الرحمن الرحيم

١ - جامع الأخبار ص ٤٢

قال النبي ﷺ: إذا مرّ المؤمن على الصراط فيقول بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طَفَّتْ لهب النيران وتقول: جُزْ يا مؤمن فإنّ نورك قد أطفأ لهبي.

منها: قيام الليل بالقراءة والصلاة فيها

١ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٣٠١

وروى جابر بن إسماعيل عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام أنّ رجلاً سأل عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن قيام الليل بالقراءة فقال له: أبشر من صلّى من الليل عشر ليلة - إلى أن قال - و من صلّى سبع ليلة خرج من قبره يوم يبعث ووجهه

في جملة مما ورد أنه يوجب الجواز على الصراط ١١٧

كالقمر ليلة البدر حتى يمرّ على الصراط مع الآمنين. الحديث.
ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٢٩٢ عن أبيه، عن سعد بن عبدالله عن سلمة
بن الخطاب البراواستاني (البراواستاني) عن محمد بن ليث عن جابر.
ورواه في «ثواب الأعمال» ص ٦٦ بالسند المذكور في الأمالي.

منها: زيارة عليّ بن موسى الرضا عليه السلام

١ - من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٣٥٠

وروى حمدان الديواني عن الرضا عليه السلام أنه قال: من زارني على بُعد داري
أتيت يوم القيامة في ثلاثة مواطن حتى أخلصه من أهوالها إذا تطايرت الكتب
يميناً وشمالاً وعند الصراط وعند الميزان.

ورواه في «الخصال» ص ٦٧ بسنده عن حمدان عنه عليه السلام بعينه متناً.
ورواه في «عيون الأخبار» ج ٢ ص ٢٥٥ بإسناده عن حمدان بعينه متناً.
ورواه في «جامع الأخبار» ص ٣١.

منها: صيام يومين من آخر رجب

١ - أمالي الصدوق ص ١٥

حدثنا محمد بن أحمد السناني المكتب رحمته الله قال: حدثنا محمد بن أبي عبدالله
الكوفي قال: حدثنا موسى بن عمران النخعي عن عمّه الحسين بن يزيد عن عليّ
بن سالم عن أبيه قال دخلت على الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام في رجب
وقد بقيت منه أيام فلما نظر إلي قال لي يا سالم هل صمت في هذا الشهر شيئاً
قلت: لا والله يا ابن رسول الله فقال لي لقد فاتك من الثواب ما لم يعلم مبلغه إلا الله
عزّ وجلّ إنّ هذا شهر قد فضله الله وعظم حرمة وأوجب للصائمين فيه كرامته قال

فقلت له: يا ابن رسول الله فإن صمت ممّا بقي شيئاً هل أنال فوزاً ببعض ثواب الصائمين فيه فقال يا سالم من صام يوماً من آخر هذا الشهر كان ذلك أماناً له من شدة سكرات الموت وأماناً له من هول المطلع وعذاب القبر ومن صام يومين من آخر هذا الشهر كان له بذلك جواز على الصراط ومن صام ثلاثة أيّام من آخر هذا الشهر أمن يوم الفزع الأكبر من أهواله وشدائده وأعطي براءة من النار.

منها: صيام ستّة وعشرين يوماً من شعبان

١ - أمالي الصدوق ص ٢٢ - ٢٤

روى بسنده عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ وقد تذاكر أصحابه عنده فضائل شعبان فقال شهر شريف وهو شهري - إلى أن قال - ومن صام ستّة وعشرين يوماً من شعبان كتب الله له جوازاً على الصراط. الحديث.

ورواه في «ثواب الأعمال» ص ٨٨.

ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ٤٨.

منها: من أعان لأخيه على ظالم له

١ - ثواب الأعمال ص ١٧٥

روى بإسناده عن أبي حمزة الثمالي عن عليّ بن الحسين عليه السلام قال: من قضى لأخيه حاجة - إلى أن قال - ومن أعان على ظالم به أعانه الله على إجازة الصراط عند دحض الأقدام. الخبر.

منها: اسباغ الوضوء

١ - خصال الصدوق ص ١٨٠

حدّثنا أبو الحسن محمّد بن عمرو بن عليّ البصري قال: حدّثنا أبو عبد الله

عبد السلام بن محمد بن هارون بن الفضل بن العباس بن علي بن عبد الله بن العباس بن عبد الله المأمون بن هارون الرشيد بن موسى الهادي بن محمد المهدي بن عبد الله المنصور بن محمد بن علي بن عبد الله بن العباس قال: حدثنا محمد بن محمد بن عقبة الشيباني قال: حدثنا أبو القاسم الخضر بن أبان عن أبي هدية إبراهيم بن هدية البصري عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله ﷺ يوماً: يا أنس أسبغ الوضوء تمرّ على الصراط مرّ السحاب، أفش السلام يكثر خير بيتك، أكثر من صدقة السرّ فإنها تطفئ غضب الربّ عزّ وجلّ.

نهج البلاغة ص ١٩٢ خطبة ٨٢

واعلموا أن مجازكم على الصراط ومزالق دحضه، وأهاويل زلّله، وتارات أهواله.



ونقله عنه في البحار ج ٨ ص ٢٧ مركز بحوث علوم حسبي

منها: إعانة الضعيف في بدنه

١ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٦٣٥

قال رسول الله ﷺ: من أعان ضعيفاً في بدنه على أمره، أعانه الله تعالى على أمره، ونصب له في القيامة ملائكة يعينونه على قطع تلك الأهوال وعبور تلك الخنادق من النار، حتّى لا يصيبه من دخانها ولا سمومها، وعلى عبور الصراط إلى الجنة سالماً آمناً.

الأعراف والرجال هم الأئمة من آل محمد ﷺ

١ - اصول الكافي ج ١ ص ١٨٤

الحسين بن محمد بن عامر، عن معلّى بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن

عبد الله بن عبد الرحمن، عن الهيثم بن واقد، عن مقرر قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: جاء ابن الكواء إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال يا أمير المؤمنين وعلى الأعراف رجال يعرفون كلاً بسيماهم؟ فقال نحن على الأعراف، نعرف أنصارنا بسيماهم، ونحن الأعراف الذين لا يعرف الله عز وجل إلا بسبيل معرفتنا، ونحن الأعراف يعرفنا الله عز وجل يوم القيامة على الصراط، فلا يدخل الجنة إلا من عرفنا وعرفناه، ولا يدخل النار إلا من أنكرنا وأنكرناه. إن الله تبارك وتعالى لو شاء لعرف العباد نفسه ولكن جعلنا أبوابه وصراطه وسبيله والوجه الذي يؤتى منه، فمن عدل عن ولايتنا أو فضل علينا غيرنا، فإنهم عن الصراط لنا كبون، ولا سواء من اعتصم الناس به ولا سواء حيث ذهب الناس إلى عيون كدرة يفرغ بعضها في بعض، وذهب من ذهب إلينا إلى عيون صافية تجري بأمر ربها، لا نفاد لها ولا انقطاع.

مركز تحقيقات كميتر علوم حسدي

ورواه في «بصائر الدرجات» ص ٤٩٧ بعينه سنداً وممتناً بتفاوت يسير.
ورواه في «تفسير الفرات» ص ١٤٢ عن عبيد بن كثير عن أصبغ بن نباتة مثله.

ونقله عنها في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٩.

٢ - بصائر الدرجات ص ٤٩٦

حدثنا أحمد بن محمد بن محمد عن الحسين بن سعيد بن طريف عن الأصبغ بن نباتة قال: كنت عند أمير المؤمنين عليه السلام جالسا فجاءه رجل فقال له يا أمير المؤمنين عليه السلام ﴿الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ فقال له: عليّ نحن الأعراف نحن نعرف أنصارنا بسيماهم ونحن الأعراف الذين لا يعرف الله إلا بسبيل معرفتنا ونحن الأعراف نوقف يوم القيامة بين الجنة والنار فلا يدخل الجنة إلا من عرفنا وعرفناه

ولا يدخل النار إلا من أنكرنا وأنكرناه وذلك بأن الله تبارك وتعالى لو شاء لعرف الناس حتى يعرفوه ويوحّدوه ويأتوه من بابه ولكن جعلنا أبوابه وصراطه وسبيله وبابه الذي يؤتى منه.

ورواه في «تفسير العيّاشي» ج ٢ ص ١٩ عن الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام مثله. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٩٧.

٣ - بصائر الدرجات ص ٤٩٧

حدّثنا الحسن بن عليّ بن فضال عن عليّ بن أسباط عن أحمد بن حنان عن بعض أصحابه رفع إلى الأصبع بن نباتة عن سلمان الفارسي قال أقسم بالله لسمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وهو يقول لعليّ يا عليّ أنت والأوصياء من بعدي أو قال من بعدك أعراف لا يعرف الله إلا بسبيل معرفتكم وأعراف لا يدخل الجنة إلا من عرفكم وعرفتموه ولا يدخل النار إلا من أنكركم وأنكرتموه.

ورواه في «تفسير العيّاشي» ج ٢ ص ١٨ عن زاذان عن سلمان مثله. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٧.

٤ - بصائر الدرجات ص ٤٩٦

حدّثنا أحمد بن محمد، عن الحسن بن عليّ الوشاء، عن أحمد بن عائد، عن أبي زيد، عن الهلّقام عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن قول الله عزّ وجلّ: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ ما يعني بقوله ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ﴾ قال أستم تعرفون عليكم عريفاً على قبائلكم لتعرفوا من فيها من صالح أو طالح قلت بلى قال فنحن أولئك الرجال الذين يعرفون كلّاً بسيماهم.

ورواه في تفسير العيّاشي ج ٢ ص ١٨. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٦.

٥ - بصائر الدرجات ص ٤٩٦

حدَّثنا المنبّه عن الحسين بن علوان عن سعد بن طريف عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن هذه الآية ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ قال: يا سعد آل محمّد لا يدخل الجنة إلّا من عرفهم و عرفوه ولا يدخل النار إلّا من أنكرهم وأنكروه وأعراف لا يعرف الله إلّا بسبيل معرفتهم.

ورواه في تفسير العيّاشي ج ٢ ص ١٨.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٧.

٦ - بصائر الدرجات ص ٤٩٦

حدَّثنا أحمد بن محمّد، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيّوب، عن بريد العجلي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ قال: أنزلت في هذه الأئمة والرجال هم الأئمة من آل محمّد قلت: فالأعراف قال: صراط بين الجنة والنار فمن شفع له الأئمة منّا من المؤمنين المذنبين نجا ومن لم يشفعوا له هوى.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٥.

٧ - بصائر الدرجات ص ٤٩٨ - ٤٩٩

حدَّثنا الحسين بن محمّد عن معلّى بن محمّد قال: حدّثني أبو الفضل المدائني عن أبي مريم الأنصاري، عن منهال بن عمرو، عن رزين بن حبّيش، قال: سمعت عليّاً عليه السلام يقول: إنّ العبد إذا دخل حفرته أتاه ملكان اسمهما منكر ونكير فأول من يسألانه عن ربّه ثمّ عن نبيّه ثمّ عن وليّه فإنّ أجاب نجا وإنّ عجز عذّباه. فقال له رجل لمن عرف ربّه ونبيّه ولم يعرف وليّه فقال مذبذب لا إلى ﴿هؤلاء ولا إلى﴾

هؤلاء ومن يضلّل الله فلن تجد له سبيلاً ﴿ ذلك لا سبيل له، وقد قيل للنبي ﷺ من الولي يا نبي الله قال وليكم في هذا الزمان عليّ ﷺ ومن بعده وصيه ولكل زمان عالم يحتاج الله به لئلا يكون كما قال الضلال قبلهم حين فارقتهم أنبياءهم ﴿ رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ ﴾ ونخزي تمام ضلالتهم جهالتهم بالآيات وهم الأوصياء فأجابهم الله قل ﴿ تَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴾ فإنما كان تربصهم أن قالوا نحن في سعة عن معرفة الأوصياء حتى نعرف إماماً عرفهم الله بذلك والأوصياء أصحاب الصراط وقوف عليه لا يدخل الجنة إلا من عرفهم وعرفوه ولا يدخل النار إلا من أنكرهم وأنكروه لأنهم عرفاء الله عرفهم عليهم عند أخذ المواثيق عليهم ووصفهم في كتابه فقال جلّ وعزّ ﴿ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ ﴾ هم الشهداء على أوليائهم والنبي الشهيد عليهم أخذ لهم مواثيق العباد بالطاعة وأخذ النبي ﷺ عليهم المواثيق بالطاعة فجرت نبوته عليهم وذلك قول الله ﴿ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوْا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ﴾.

٨ - حدثنا أحمد بن محمد عن أبي محمد الحجاج عن رجل عن نصر العطار رفعه قال: قال رسول الله ﷺ لعليّ يا عليّ ثلاث أقسم أنهنّ حقّ إنك والأوصياء من بعدك عرفاء لا يعرف الله إلا بسبيل معرفتكم وعرفاء لا يدخل الجنة إلا من عرفكم وعرفتموه وعرفاء لا يدخل النار إلا من أنكركم وأنكرتموه.

٩ - حدثنا محمد بن الحسين عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم عن بعض أصحابه عن سعد الإسكاف قال قلت لأبي جعفر ﷺ قوله عزّ وجلّ ﴿ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ ﴾ فقال: يا سعد إنها أعراف لا يدخل الجنة إلا من عرفهم وعرفوه وأعراف لا يدخل النار إلا من أنكرهم وأنكروه وأعراف

لا يعرف الله إلا بسبيل معرفتهم فلا سواء ما اعتصمت به المعتصمة ومن ذهب مذهب الناس ذهب الناس إلى عين كدرة يفرغ بعضها في بعض ومن أتى آل محمد أتى عيناً صافية تجري بعلم الله ليس لها نفاذ ولا انقطاع ذلك وإن الله لو شاء لأراهم شخصه حتى يأتوه من بابه لكن جعل الله محمداً وآل محمد الأبواب التي تؤتى منه وذلك قوله ﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾.

١٠ - بصائر الدرجات ص ٤٩٩ و ٥٠٠

حدثنا عبد الله بن عامر وأحمد بن محمد بن عيسى عن عبد الله بن محمد الحجاج عن رجل عن نصر العطار قال: قال رسول الله ﷺ لعليّ يا عليّ ثلاث أقسم أنهن حقّ إنك والأوصياء عرفاء لا يعرف الله إلا بسبيل معرفتكم وعرفاء لا يدخل الجنة إلا من عرفكم وعرفتموه وعرفاء لا يدخل النار إلا من أنكركم وأنكرتموه.

١١ - حدثنا الحجاج عن الحسن بن الحسين عن ابن سنان عن عيينة بنّاع القصب عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قوله ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ قال: نحن أصحاب الأعراف فمن عرفناه كان منا ومن كان منا كان في الجنة ومن أنكرناه في النار.

١٢ - حدثنا أحمد بن محمد بن الحسن بن عليّ عن إسحاق بن ميمون عن رجل عن سعد قال سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ فقال الأئمة يا سعد.

١٣ - حدثنا عبد الله بن محمد عمّن رواه عن الحسن بن الحسين اللؤلؤي عن ابن سنان عن عنيسة القضباني عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن

قول الله ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ قال: نحن أصحاب الأعراف فمن عرفنا كان منا ومن كان منا كان في الجنة ومن أنكرنا كان في النار. ١٤ - حدثنا محمد بن الحسين عن ابن سنان عن عمّار بن مروان عن المنخل عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن الأعراف ما هم قال هم أكرم الخلق على الله.

١٥ - حدثنا علي بن إسماعيل عن صفوان بن يحيى عن إسحاق بن عمّار عن أبي عبد الله في قول الله عز وجل ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ قال: هم الأئمة من أهل بيت محمد صلى الله عليه وآله.

١٦ - حدثنا عباد بن سليمان عن سعد بن سعد قال: سألت أبا جعفر عليه السلام من هذه الآية ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ فقال: هم يا سعد الأئمة من آل محمد صلى الله عليه وآله.

مركز تحقيقات كوفية علوم حسنة

١٧ - حدثنا بعض أصحابنا عن محمد بن الحسين عن صفوان بن يحيى عن ابن مسكان عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ قال: الأئمة منا أهل البيت في باب من ياقوت أحمر على سور الجنة يعرف كل إمام منا ما يليه قال رجل: ما معنى ما يليه؟ قال: من القرن الذي هو فيه إلى القرن الذي كان.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٥.

١٨ - تفسير القمّي ج ١ ص ٢٣١

أبي، عن ابن محبوب، عن أبي أيوب، عن بريد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الأعراف كثنان بين الجنة والنار، والرجال: الأئمة صلوات الله عليهم يقفون على الأعراف مع شيعتهم، وقد سيق المؤمنون إلى الجنة بلا حساب، فيقول الأئمة

لشيعتهم من أصحاب الذنوب: انظروا إلى إخوانكم في الجنة قد سيقوا إليها بلا حساب، وهو قوله الله تبارك وتعالى ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ﴾ ثم يقال لهم: انظروا إلى أعدائكم في النار، وهو قوله: ﴿وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ﴾ في النار ﴿قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ ثم يقول لمن في النار من أعدائهم هؤلاء شيعتي وإخواني الذين كنتم أنتم تحلفون في الدنيا أن لا ينالهم الله برحمة، ثم يقول الأئمة لشيعتهم: ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ ثم ﴿نَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٥ وج ٢٤ ص ٢٤٧.



١٩ - تفسير الفرات ص ٤٣ تحقيق كميتر علوم حسيني

عن عبيد بن كثير بإسناده عن حبة العرني عن عليّ عليه السلام إلى أن قال: نحن الأعراف من عرفنا دخل الجنة، ومن أنكرنا دخل النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٨ وج ٢٤ ص ٢٥٤.

٢٠ - تفسير الفرات ص ١٤٤

فرات قال: حدثني الحسين بن سعيد معنعناً عن الأصبع بن نباتة قال: كنت جالساً عند أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام فأتاه ابن الكواء فقال: يا أمير المؤمنين أخبرنا عن قول الله تعالى: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ فقال: ويحك يا ابن الكواء نحن الأعراف نوقف يوم القيامة بين الجنة والنار فمن أحبنا عرفناه [بسيماءه وأدخلناه الجنة] ومن أبغضنا وفضل علينا غيرنا عرفناه بسيماءه فأدخلناه النار.

٢١ - تفسير الفرات ص ١٤٤

قال: حدثني محمد بن الفضل بن جعفر بن الفضل العبّاسي معنعناً: عن ابن عبّاس رضي الله عنه في قوله [تعالى] ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ قال: النبي صلى الله عليه وآله وعليّ بن أبي طالب وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام على سور [ي] الجنة والنار يعرفون المحبّين لهم ببياض الوجوه والمبغضين لهم بسواد الوجوه.

٢٢ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ١٧

عن مسعدة بن صدقة، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه، عن عليّ عليه السلام قال: أنا يعسوب المؤمنين، وأنا أوّل السابقين، وخليفة رسول ربّ العالمين، وأنا قسيم الجنة والنار، وأنا صاحب الأعراف. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٣٦.

٢٣ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ١٣٨

قال رسول الله صلى الله عليه وآله «في حديث»: يا بريدة لا تعرّض لعليّ بخلاف الحسن الجميل، فإنّه أمير المؤمنين، وسيّد الوصيّين، [وسيّد الصالحين] وفارس المسلمين، وقائد الغرّ المحجلّين، وقسيم الجنة والنار، يقول يوم القيامة للنار: هذا لي وهذا لك.

٢٤ - كنز الكراچي ج ١ ص ٢٥٠

تأنّ أنبياء الله تعالى وحججه عليهم السلام هم في القيامة المسؤولون للحساب بإذن الله تعالى وأنّ حجّة أهل كلّ زمان يتولّى أمر رعيّته الذين كانوا في وقته.

وَأَنَّ سَيِّدَنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَالْأُئِمَّةَ الاثْنَا عَشَرَ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، هُمْ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ الَّذِينَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مِنْ عَرَفِهِمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَحَاسِبُ أَهْلَ وَقْتِهِ وَعَصْرَهُ، وَكَذَلِكَ كُلُّ إِمَامٍ بَعْدَهُ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ٣١٤.

٢٥ - البحار ج ٨ ص ٣٤٠ عن اعتقادات الصدوق رحمته الله

اعتقادنا في الأعراف أَنَّهُ سور بين الجنة والنار، عليه رجال يعرفون كَلًّا بِسِيَمَاهُمْ، والرجال هم النبي وأوصياؤه عليهم السلام، لا يدخل الجنة إِلَّا من عرفهم وعرفوه، ولا يدخل النار إِلَّا من أنكرهم وأنكروه، وعند الأعراف المرجون لأمر الله، إِمَّا يَعْذِّبُهُمْ، وإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ.  مركز تحقيق كافي علوم حسنة

في أَنَّ قَوْلَهُ تَعَالَى: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»

١ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٣٣

بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ قَالَ: يَدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِإِمَامِ زَمَانِهِمْ، وَكِتَابُ اللَّهِ وَسُنَّةُ نَبِيِّهِمْ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٠.

٢ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٢٢

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ [سَيَار]

في أن قوله تعالى: «يوم ندعوا كل أناس بإمامهم» ١٢٩

عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله تعالى: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ قال: يجيء رسول الله صلى الله عليه وآله في فرقة وعلي في فرقة والحسن في فرقة والحسين في فرقة وكل من مات بين ظهرائي قوم جاؤا معه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٩.

ورواه في «تفسير العياشي» ج ٢ ص ٣٠٢ عن الفضيل لكنه ذكر بدل قوله في فرقة: «في قومه».

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١١.

٣ - المحاسن ص ١٤٤

أبي، عن النضر، عن ابن مسكان، عن يعقوب بن شعيب قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ فقال: ندعو (يدعى خ ل) كل قرن من هذه الأمة بإمامهم. قلت: فيجيء رسول الله صلى الله عليه وآله في قرنه، وعلي عليه السلام في قرنه، والحسن ٧ في قرنه، والحسين عليه السلام في قرنه، وكل إمام في قرنه الذي هلك بين أظهرهم؟ قال: نعم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١١.

٤ - تفسير العياشي ج ٢ ص ٣٠٢

عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه إذا كان يوم القيامة يدعى كل بإمامة الذي مات في عصره، فإن أثبتته أعطي كتابه بيمينه، لقوله ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ﴾ واليمين إثبات الإمام لأنه كتاب يقرؤه إن الله يقول: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ اقْرَءُوا كِتَابِيهِ أَنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ﴾ إلى آخر الآية، والكتاب الإمام، فمن نبذه وراء ظهره

كان كما قال ﴿فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ﴾ ومن أنكره كان من أصحاب الشمال الذين قال الله: ﴿مَا أَصْحَابُ الشَّامِ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِنْ يَحُمُومٍ﴾ إلى آخر الآية.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١١.

٥ - تفسير العياشي ج ٢ ص ٣٠٣

عن محمد بن مسلم عن أحدهما قال: سألته عن قوله: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ﴾ قال: من كان يأتون به في الدنيا ويؤتى بالشمس والقمر، ويقذفان في جهنم ومن يعبدهما.

٦ - عن جعفر بن أحمد عن الفضل بن شاذان أنه وجد مكتوباً بخط أبيه مثله.

٧ - عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله عن قول أمير المؤمنين عليه السلام بدأ غريباً وسيعود غريباً كما كان، فطوبى للغرباء، فقال: يا با محمد يستأنف الداعي منّا دعاءً جديداً كما دعي إليه رسول الله ﷺ، فأخذت بفخذه فقلت: أشهد أنك إمامي، فقال: أمّا أنّه يستدعي كلّ أناس بإمامهم، أصحاب الشمس بالشمس، وأصحاب القمر بالقمر، وأصحاب النار بالنار، وأصحاب الحجارة بالحجارة.

٨ - عن عمار الساباطي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا تترك الأرض بغير إمام يحلّ حلال الله ويحرّم حرامه وهو قول الله: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ﴾ ثمّ قال: قال رسول الله ﷺ: من مات بغير إمام مات ميتة جاهليّة فمدّوا أعناقهم وفتحوا أعينهم فقال أبو عبد الله عليه السلام: ليست الجاهليّة الجهلاء، فلما أخرجنا من عنده فقال لنا سليمان: هو والله الجاهليّة الجهلاء، ولكن لما رآكم مددتم أعناقكم وفتحتم أعينكم قال لكم كذلك.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٢.

٩ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ٣٠٣

عن بشير الدهّان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أنتم والله على دين الله ثمّ تلا ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ ثمّ قال: عليّ إمامنا ورسول الله صلى الله عليه وآله إمامنا كم من إمام يجيء يوم القيامة يلعن أصحابه ويلعنونه ونحن ذرية محمّد وأمنا فاطمة صلوات الله عليهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣.

١٠ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ٣٠٤

عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام لما نزلت هذه الآية ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ قال المسلمون يا رسول الله ألسنت إمام المسلمين أجمعين؟ قال: فقال: أنا رسول الله إلى الناس أجمعين، ولكن سيكون بعدي أئمة على الناس من الله من أهل بيتي يقومون في الناس فيكذبون ويظلمون، ألا فمن تولّاهم فهو منّي ومعهم وسيلقاني، ألا ومن ظلمهم أو أعان على ظلمهم وكذبهم فليس منّي ولا معي، وأنا منه بريء.

وزاد في رواية أخرى مثله يؤخّر: ويظلمهم أئمة الكفر والضلال وأشياعهم.

١١ - عن عبد الأعلى قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: السمع والطاعة أبواب الجنّة، السامع المطيع لا حجة عليه، وإمام المسلمين تمّت حجّته واحتجّاه يوم يلقي الله لقول الله ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾.

ونقلهما عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣.

في لواء الحمد وأنه في القيامة بيد عليّ عليه السلام

١ - أمالي الصدوق ص ٤٩٦

حدّثنا محمّد بن عليّ ماجيلويه رحمته الله قال: حدّثنا أبي عن أحمد بن محمّد بن

خالد البرقي عن أبيه عن خالد بن حماد الأسدي عن أبي الحسن العبدى عن الأعمش عن سالم بن أبي الجعد قال: سئل جابر بن عبد الله الأنصاري عن علي بن أبي طالب عليه السلام فقال: ذاك خير خلق الله من الأولين والآخرين ما خلا النبيين والمرسلين إن الله عز وجل لم يخلق خلقاً بعد النبيين والمرسلين أكرم عليه من علي بن أبي طالب عليه السلام والأئمة من ولده بعده قلت فما تقول فيمن يبغضه وينتقصه فقال: لا يبغضه إلا كافر ولا ينتقصه إلا منافق. قلت: فما تقول فيمن يتولاه ويتولى الأئمة من ولده بعده فقال: إن شيعة علي والأئمة من ولده هم الفائزون الآمنون يوم القيامة ثم قال: ما ترون لو أن رجلاً خرج يدعو الناس إلى ضلالة من كان أقرب الناس منه قالوا: شيعة وأنصاره قال: فلو أن رجلاً خرج يدعو الناس إلى هدى من كان أقرب الناس منه قالوا: شيعة وأنصاره قال: فكذلك علي بن أبي طالب عليه السلام بيده لواء الحمد يوم القيامة أقرب الناس منه شيعة وأنصاره.



٢ - أمالي الصدوق ص ٢٧٩ - ٢٨٠

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمته الله قال: حدثنا عمي محمد بن أبي القاسم قال: حدثنا محمد بن علي القرشي عن محمد بن سنان عن مفضل بن عمر عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله - إلى أن قال - وإن علي بن أبي طالب عليه السلام لصاحب لوائي في الآخرة كما كان صاحب لوائي في الدنيا وأنه أول من يدخل الجنة لأنه يقدمني وبيده لوائي تحته آدم ومن دونه من الأنبياء.

٣ - أمالي الصدوق ص ٣٢٤

بالإسناد عن مخدوج بن زيد الدهلي أن رسول الله صلى الله عليه وآله آخى بين المسلمين ثم قال: يا علي أنت أخي وأنت مني بمنزلة هارون من موسى غير أنه لا نبي بعدي،

في لواء الحمد وأنه في القيامة بيد عليّ ١٣٣

أما علمت يا عليّ أنّه أوّل من يدعى به يوم القيامة يدعى بي - إلى أن قال - ثمّ أبشرك يا عليّ أنّ أوّل من يدعى يوم القيامة يدعى بك هذا لقرابتك منّي ومنزلتك عندي فيدفع إليك لوائيّ وهو لواء الحمد فتسير به بين السماطين، وإنّ آدم وجميع من خلق الله يستظلّون بظلّ لوائيّ يوم القيامة وطوله مسيرة ألف سنة، سنانها يا قوتة حمراء قصبة فضّة بيضاء، زجّه درّة خضراء، الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١.

٤ - أمالي الصدوق ص ٢٧٥

حدّثنا محمّد بن إبراهيم بن إسحاق قال: حدّثنا أبو العبّاس أحمد بن إسحاق المادري بالبصرة في رجب سنة ثمان عشرة وثلاث مائة قال حدّثنا أبو قلابة عبد الملك بن محمّد قال حدّثنا غانم بن الحسن السعدي قال حدّثنا مسلم بن خالد المكيّ قال حدّثنا جعفر بن محمّد عن أبيه عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال قالت فاطمة عليها السلام لرسول الله صلى الله عليه وآله: يا أبتاه أين ألقاك يوم الموقف الأعظم ويوم الأهوال ويوم الفرع الأكبر قال: يا فاطمة عند باب الجنّة ومع لواء الحمد وأنا الشفيّع لأمتي إلى ربّي. قالت: يا أبتاه فإن لم ألقك هناك قال القيني على الحوض وأنا أسقي أمتي. قالت: يا أبتاه إن لم ألقك هناك قال القيني على الصراط وأنا قائم أقول ربّ سلم أمتي قالت فإن لم ألقك هناك قال القيني وأنا عند الميزان أقول ربّ سلم أمتي قالت فإن لم ألقك هناك قال القيني على (عند) شفير جهنّم أ منع شررها ولهبها عن أمتي فاستبشرت فاطمة بذاك صلّى الله عليها وعلى أبيها وبعلمها وبنيتها.

٥ - أمالي الصدوق ص ٦٥٨

بإسناده إلى عبد الله بن عبّاس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أتاني جبرئيل وهو

فرح مستبشر فقلت له حبيبي جبرئيل بما أنت فيه من الفرح ما منزلة أخي وابن عمي علي بن أبي طالب عليه السلام عند ربّه؟ فقال جبرئيل: يا محمد والذي بعثك بالنبوة - إلى أن قال - قال ابن عباس: ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان يوم القيامة أتاني جبرئيل وبيده لواء الحمد وهو سبعون شقة، الشقة منه أوسع من الشمس والقمر فيدفعه إليّ فأخذه وأدفعه إلى علي بن أبي طالب عليه السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢.

ورواه في «الخصال» ص ٥٨٣ بسند آخر عن ابن عباس.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣.

٦ - عيون الأخبار ج ١ ص ٣٠٣

بالإسناد عن إبراهيم بن أبي محمود، عن الرضا، عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي أنت أول من يدخل الجنة وبيدك لوائي وهو لواء الحمد، وهو سبعون شقة، الشقة منه أوسع من الشمس والقمر، الخبر.

٧ - عيون الأخبار ج ١ ص ٢٧٧

حدّثنا الحسين بن إبراهيم بن تاتانة، والحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المكتّب؛ وأحمد بن زياد بن جعفر الهمداني، وعلي بن عبد الله الورّاق رضي الله عنه عنهم، قالوا: حدّثنا علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن ياسر الخادم، قال: حدّثنا علي بن موسى الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين بن علي، عن أبيه أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي إنني سألت

رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي أَمَّا أَوَّلُهَا فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ تَنْشِقَ الْأَرْضَ عَنِّي وَتَنْفُضَ التُّرَابَ عَنْ رَأْسِي وَأَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ يَقْضِيَ عِنْدَ كِفَّةِ الْمِيزَانِ وَأَنْتَ مَعِيَ، فَأَعْطَانِي وَأَمَّا الثَّالِثَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَكَ حَامِلَ لَوَائِي وَهُوَ لَوَاءُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ: الْمَفْلُحُونَ هُمُ الْفَائِزُونَ بِالْجَنَّةِ، فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ تَسْقِيَ أُمَّتِي مِنْ حَوْضِي فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِنِّي سَأَلْتُهُ أَنْ يَجْعَلَكَ قَائِدَ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ عَلَيَّ بِهِ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤.

ورواه في «الخصال» ص ٣١٤ بعينه سنداً وممتناً.

وروى مثله في «الخصال» ص ٣١٣ بسند آخر عن أحمد بن إبراهيم بن بكر، عن زيد بن محمد البغدادي، عن أبي القاسم عبد الله بن أحمد الطائي، عن أبيه، عن علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن أبيه عن علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله.

٨ - عيون الأخبار ج ١ ص ٢٩٣

حدَّثنا حمزة بن محمد بن أحمد بن جعفر بن محمد بن زيد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: أخبرني علي بن إبراهيم بن هاشم سنة سبع وثلاثمائة، قال: حدَّثني أبي، عن علي بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن علي بن موسى الرضا عليه السلام، عن أبيه، عن آبائه، عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي أنت أخي ووزير وصاحب لوائي في الدنيا والآخرة وأنت صاحب حوضي من أحببك أحببني ومن أبغضك أبغضني.

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٢١١.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٦١ بإسناده إلى الرضا عن آبائه عليهم السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩.

٩ - علل الشرائع ص ١٧٣ - ١٧٢

روى بإسناده عن محمد بن الحسين بن علي بن الحسين، عن أبيه، عن جدّه، عن الحسين بن عليّ، عن أبيه عليّ ابن أبي طالب عليه السلام قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله أنت أوّل من يدخل الجنّة، فقلت يا رسول الله ادخلها قبلك؟ قال: نعم إنّك صاحب لوائي في الآخرة كما إنّك صاحب لوائي في الدنيا وحامل اللواء هو المتقدّم، ثمّ قال صلى الله عليه وآله: يا عليّ كأني بك وقد دخلت الجنّة وبيدك لوائي وهو لواء الحمد تحته آدم فمن دونه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦ وفي ج ٣٩ ص ٢١٧.

١٠ - أمالي المفيد ص ١٦٧ و ١٦٨

قال أخبرني أبو نصر محمد بن الحسين المقرئ قال: حدّثنا أبو عبد الله الحسين بن عليّ الرازي قال: حدّثنا جعفر بن محمد الحنفي قال: حدّثني يحيى بن هاشم السمسار قال: حدّثنا عمرو بن شمر قال: حدّثنا حمّاد، عن أبي الزبير، عن جابر بن عبد الله بن حرام الأنصاري قال: أتيت رسول الله صلى الله عليه وآله فقلت: يا رسول الله من وصيّك؟ قال: فأمسك عني عشراً لا يجيبني، ثمّ قال: يا جابر ألا أخبرك عمّا سألتني؟ فقلت: بأبي وأمي أنت، أم والله لقد سكت عني حتّى ظننت أنّك وجدت عليّ.

فقال: ما وجدت عليك يا جابر، ولكن كنت أنتظر ما يأتيني من السماء، فأتاني جبرئيل عليه السلام فقال: يا محمد إنّ ربّك يقرئك السلام ويقول لك: إنّ عليّ بن أبي طالب وصيّك وخليفتك على أهلِكَ وأمتك والذائد عن حوضك، وهو صاحب لوائك، يقدمك إلى الجنّة.

فقلت: يا نبيّ الله أرايت من لا يؤمن بهذا أقتله؟ قال: نعم يا جابر، ما وضع

في لواء الحمد وأنه في القيامة بيد عليّ ١٣٧

هذا الموضع إلا ليتابع عليه، فمن تابعه كان معي غداً، ومن خالفه لم يرد عليّ الحوض أبداً.

١١ - أمالي الطوسي ص ٢٠٩

أخبرنا محمد بن محمد، قال: حدّثنا أبو عليّ أحمد بن محمد بن جعفر الصولي، قال: حدّثنا محمد بن الحسين الطائي، قال: حدّثنا محمد بن الحسن بن جعفر بن سليمان الضبعي، قال: حدّثنا أبي، عن أبيه، قال: حدّثني يعقوب بن الفضل، قال: حدّثني شريك بن عبد الله بن أبي نمر، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأنصاري، عن أبيه، قال: قال رسول الله ﷺ أعطيت في عليّ تسعاً، ثلاثاً في الدنيا، وثلاثاً في الآخرة، واثنين أرجوهما له، وواحدة أخافها عليه:

فأما الثلاثة التي في الدنيا: فساتر عورتني، والقائم بأمر أهلي، ووصيّ فيهم. وأما الثلاثة التي في الآخرة: فإني أُعطي يوم القيامة لواء الحمد فأرفعه إلى عليّ بن أبي طالب يحمله عني، وأعتمد عليه في مقام الشفاعة، ويُعينني على حمل مفاتيح الجنة.

١٢ - أمالي الطوسي ص ٣٧٨

أخبرنا الحفّار، قال: حدّثنا إسماعيل، قال: حدّثنا أبي، عن دعلج عن مجاشع بن عمر، عن ميسرة بن عبيد الله، عن عبد الكريم الجزري، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس: أنه سئل عن قول الله عزّ وجلّ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً﴾ قال: سأل قوم النبي ﷺ فقالوا: فيمن نزلت هذه الآية، يا نبيّ الله؟ قال: إذا كان يوم القيامة عقد لواء من نور أبيض ونادى منادٍ: ليقيم سيّد المؤمنين ومعه الذين آمنوا، فقد بعث محمد ﷺ فيقوم عليّ بن

أبي طالب فيعطي الله اللواء من النور الأبيض بيده، تحته جميع السابقين الأولين من المهاجرين والأنصار ولا يخالطهم غيرهم حتى يجلس على منبر من نور ربّ العزة، ويعرض الجميع عليه رجلاً رجلاً فيعطى أجره ونوره، فإذا أتى على آخرهم قيل لهم: قد عرفتم موضعكم ومنازلكم من الجنة، إنّ ربكم يقول لكم: عندي لكم مغفرة وأجر عظيم - يعني الجنة - فيقوم عليّ بن أبي طالب والقوم تحت لوائه معه حتى يدخل الجنة. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤.

١٣ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ص ٢٢٥

عبد الرزاق عن معمر بن قتادة عن أنس قال: سألت النبي ﷺ عن قوله تعالى: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ قال لي: يا أنس أنا أوّل من تنشق الأرض عنه عند يوم القيامة وأخرج ويكسوني جبرئيل سبع حلل من حلل الجنة طول كلّ حلّة ما بين المشرق إلى المغرب ويضع على رأسي تاج الكرامة ورداء الجمال، ويجلسني على البراق ويعطيني لواء الحمد طوله مسيرة مائة عام، فيه ثلاثمائة وستون حلّة من الحرير الأبيض مكتوب عليه: لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ بن أبي طالب وليّ الله فأخذه بيدي وأنظر يمينه ويسرة فلا أرى أحداً فأبكي وأقول: يا جبرئيل ما فعل أهل بيتي وأصحابي؟ فيقول: يا محمد إنّ الله تعالى أوّل من أحيى اليوم من أهل الأرض أنت فانظر كيف يحيي الله بعدك أهل بيتك وأصحابك فأوّل من يقوم من قبره أمير المؤمنين ويكسوه جبرئيل حللاً من الجنة ويضع على رأسه تاج الوقار ورداء الكرامة ويجلسه على ناقتي العضباء وأعطيه لواء الحمد فيحمله بين يدي ونأتي جميعاً ونقوم تحت العرش، ومنه الحديث: أنت أوّل من تنشق عنه الأرض بعدي.

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٢١٥.

١٤ - الفضائل لابن شاذان ص ١١١

ومن فضائله عليه السلام ما ورد عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال: أعطيت ثلاثاً وعليّ مشاركي فيها وأعطى عليّ ثلاثة ولم أشاركه فيها فقليل يا رسول الله وما الثلاث التي شاكر فيها عليّ عليه السلام فقال: لواء الحمد لي وعليّ حامله والكوثر لي وعليّ ساقيه والجنة لي وعليّ قاسمها. الحديث.

١٥ - تفسير القمّي ج ١ ص ١٧٥

حدّثني أبي عن مسلم بن خالد عن محمد بن جابر عن ابن مسعود قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله: لمّا رجع من حجّة الوداع يا ابن مسعود قد قرب الأجل ونعيت إلى نفسي فمن لذلك بعدي؟ - إلى أن قال - يا ابن مسعود إنه إذا كان يوم القيامة رفعت لهذه الأمة أعلام، فأول الأعلام **لوائي** الأعظم مع عليّ بن أبي طالب والناس أجمعين تحت لوائه ينادي منادٍ هذا **الفصل** يا ابن أبي طالب.

١٦ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ١٠٨

عن يحيى بن مساور [الحلبي] عن أبي عبد الله عليه السلام قلت: حدّثني في عليّ حديثاً فقال: أشرحه لك أم أجمعه؟ قلت: بل أجمعه، فقال: عليّ باب هدى، من تقدمه كان كافراً ومن تخلف عنه كان كافراً، قلت زدني، قال: إذا كان يوم القيامة نصب منبر عن يمين العرش له أربع وعشرون مرقاة، فيأتي عليّ وبيده اللواء حتّى [يرتقيه و] يركبه ويعرض الخلق عليه، فمن عرفه دخل الجنة، ومن أنكره دخل النار، قلت له: توجد فيه من كتاب الله قال: نعم، ما يقول في هذه الآية يقول تبارك وتعالى: ﴿فَسِيرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ هو والله عليّ بن أبي طالب. وفي ص ١١٠ روى عن محمد بن حسان الكوفي عن محمد بن جعفر عن أبيه عليه السلام من قوله عليه السلام: إذا كان يوم القيامة... مع تفاوت يسير.

١٧ - تفسير الفرات ص ٣٦٦

قال: حدثنا فرات بن إبراهيم الكوفي معنعناً عن علي بن الحسين عليهما السلام في قوله تعالى: ﴿يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾ قال: جنب الله علي وهو حجة الله على الخلق يوم القيامة، إذا كان يوم القيامة أمر الله [علي] خزان جهنم أن يدفع مفاتيح جهنم إلى علي فيدخل من يريد وينجي من يريد وذلك أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: من أحببك فقد أحببني ومن أبغضك فقد أبغضني، يا علي أنت أخي وأنا أخوك يا علي إن لواء الحمد معك يوم القيامة تقدّم به قدام أمّتي والمؤذنون عن يمينك وعن شمالك.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٧.



١٨ - تفسير الفرات ص ٤٣٧

الحسين بن سعيد، معنعناً عن جعفر، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: إن الله تبارك وتعالى إذا جمع الناس يوم القيامة وعدني المقام المحمود وهو واف لي به، إذا كان يوم القيامة نصب لي منبر له ألف درجة فأصعد حتى أعلو فوقه فيأتيني جبرئيل عليه السلام بلواء الحمد فيضعه في يدي، ويقول: يا محمد هذا المقام المحمود الذي وعدك الله تعالى، فأقول لعلي: أصدف فيكون أسفل مني بدرجة فأضع لواء الحمد في يده، ثم يأتي رضوان بمفاتيح الجنة فيقول: يا محمد هذا المقام المحمود الذي وعدك الله تعالى، فيضعها في يدي فأضعها في حجر علي بن أبي طالب، ثم يأتي مالك خازن النار فيقول: يا محمد هذا المقام المحمود الذي وعدك الله تعالى، هذه مفاتيح النار أدخل عدوك وعدوّ ذريّتك وعدوّ أمتك النار فأخذها وأضعها في حجر علي بن أبي طالب، فالنار والجنة يومئذٍ أسمع لي ولعلي من العروس لزوجها، فهي قول الله تعالى: ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ ألق يا

في لواء الحمد وأنه في القيامة بيد علي ١٤١

محمد ويا عليّ عدوّكما في النار، ثم أقوم وأثني على الله ثناءً لم يشن عليه أحد قبلي، ثم أثني على الملائكة المقرّبين، ثم أثني على الأنبياء والمرسلين، ثم أثني على الأمم الصالحة، ثم أجلس فيثني الله عليّ، ويثني عليّ ملائكته، ويثني عليّ أنبيائه ورسله، ويثني عليّ الأمم الصالحة ثم ينادي منادٍ من بطنان العرش: يا معشر الخلايق غضّوا أبصاركم حتّى تمرّ بنت حبيب الله إلى قصرها، فتمرّ فاطمة بنتي عليها ريّطتان خضراوان، وعند حولها سبعون ألف حوراء، فإذا بلغت إلى باب قصرها وجدت الحسن قائماً والحسين نائماً مقطوع الرأس، فتقول للحسن: من هذا؟ يقول: هذا أخي، إنّ أمة أبيك قتلوه وقطعوا رأسه، فيأتيها النداء من عند الله: يا بنت حبيب الله إنّني إنّما أريتك ما فعلت به أمة أبيك لأنّي ذخرت لك عندي تعزية بمصيبتك فيه، إنّني جعلت لتعزيتك بمصيبتك أنّي لا أنظر في محاسبة العباد حتّى تدخل الجنة أنت وذريّتك وشيعتك ومن أولادكم معروفاً ممّن ليس هو من شيعتك قبل أن أنظر في محاسبة العباد، فتدخل فاطمة ابنتي الجنة وذريّتها وشيعتها ومن أولادها معروفاً ممّن ليس هو من شيعتها، فهو قول الله تعالى في كتابه: ﴿لَا يَخْزِيهِمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ﴾ قال: هو يوم القيامة ﴿وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾ هي والله فاطمة وذريّتها وشيعتها ومن أولادهم معروفاً ممّن ليس هو من شيعتها. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٣٥.

١٩ - تفسير الفرات ص ٥٠٦

[فرات ب] قال: حدّثنا أبو أحمد بن يحيى بن عبيد بن القاسم القزويني معنعناً:

عن سعد بن أبي وقاص قال: صلّى بنا النبي ﷺ صلاة الفجر يوم الجمعة ثم أقبل علينا بوجهه الكريم الحسن وأثنى على الله [تبارك و] تعالى فقال: أخرج يوم

القيامة وعليّ بن أبي طالب إمامي وبيده لواء الحمد وهو يومئذٍ من شقّتين شقّة من السندس وشقّة من الإستبرق فوثب إليه رجل أعرابي من أهل نجد من ولد جعفر بن كلاب بن ربيعة فقال: قد أرسلوني إليك لأسألك؟ فقال: قل يا أخا البادية. قال: ما تقول في عليّ بن أبي طالب فقد كثر الاختلاف فيه فتبسّم رسول الله ﷺ ضاحكاً فقال: يا أعرابي ولمّ كثر [يكثّر] الاختلاف فيه؟! عليّ منّي كراسي من بدني وزري من قميصي. فوثب الأعرابي مغضباً ثمّ قال: يا محمّد إنّي أشدّ من عليّ بطشاً فهل يستطيع عليّ أن يحمل لواء الحمد؟ فقال النبي ﷺ مهلاً يا أعرابي فقد أعطي عليّ يوم القيامة خصالاً شتى: حسن يوسف وزهد يحيى وصبر أيّوب وطول آدم وقوّة جبرئيل [عليهم الصلاة والسلام] وبيده لواء الحمد وكلّ الخلائق تحت اللواء يحف به الأئمة والمؤذنون بتلاوة القرآن والأذان وهم الذين لا يتبددون في قبورهم. فوثب الأعرابي مغضباً وقال: اللهم إن يكن ما قال محمّد فيه حقّاً فأنزل على حجراً. فأنزل الله عليه [فيه]: سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٦ وفي ج ٣٩ ص ٢١٦.

تفسير الفرات ص ٥٤٧

قال: حدّثنا أبو القاسم الحسيني معنعناً عن معاذ بن جبل عن النبي ﷺ أنه في حديث قال: إنّ الله أعطاني في عليّ لآخرتي أنّه متّكأ بين يديّ يوم الشفاعة - إلى أن قال - وأعطاني في عليّ لآخرتي أنّي أعطي يوم القيامة أربعة ألوية، فلواء الحمد بيدي، وأدفع لواء التهليل لعليّ، وأوجهه في أوّل فوج وهم الذين يحاسبون حساباً يسيراً ويدخلون الجنّة بغير حساب عليهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٧.

٢١ - تفسير الفرات ص ٤٩٤

فرات قال: حدّثني جعفر معنعناً: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا دفع الله لواء الحمد إلى محمد صلّى الله عليه وآله تحته كلّ ملك مقرب وكلّ نبي مرسل حتّى يدفعه إلى علي عليه السلام ﴿سَيِّئَتْ وَجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ﴾ أي: باسمه تسمون أمير المؤمنين.

٢٢ - تفسير الفرات ص ٤٥٦

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ.
قال: حدّثنا أبو القاسم الحسني [أ: الحسيني]. قال حدّثنا فرات [معنعناً: عن جابر بن عبد الله الأنصاري رضي الله عنه قال: تذاكر أصحابنا الجنّة عند النبي صلّى الله عليه وآله فقال النبي: إنّ أوّل أهل الجنّة دخولاً عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: فقال أبو دجانة الأنصاري رضي الله عنه: يا رسول الله أليس أخبرتنا أن الجنّة محرمة على الأنبياء حتّى تدخلها وعلى الأمم حتّى تدخلها أمت؟ قال [فقال]: بلى يا أبا دجانة أما علمت أن لله لواء من نور وعموده من ياقوت مكتوب على ذلك اللواء: لا إله إلّا الله محمد رسول الله آل محمد خير البريّة، صاحب اللواء أمام القوم. قال: فسّر بذلك عليّ فقال: الحمد لله يا رسول الله الذي أكرمنا وشرفنا بك. قال: فقال النبي صلّى الله عليه وآله: أبشر يا عليّ ما من عبد يحبّك وينتحل مودّتك إلّا بعثه الله يوم القيامة معنا. ثمّ قرأ النبي صلّى الله عليه وآله هذه الآية: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾.

٢٣ - قال حدّثني القاسم بن الحسن بن حازم القرشي معنعناً: عن جابر بن عبد الله الأنصاري رضي الله عنه قال: اكتنفنا رسول الله صلّى الله عليه وآله ذات يوم عنده [قال] فاطلع [أمير المؤمنين] عليّ بن أبي طالب عليه السلام. [قال] فقال النبي صلّى الله عليه وآله: تريدون

أن أريكم أول من يدخل الجنة؟ قال: فقالوا: نعم. قال: هذا. فقام أبو دجانة الأنصاري فقال: يا رسول الله سمعتك وأنت تقول: إن الجنة محرمة على النبيين وسائر الأمم حتى تدخلها أنت. قال: يا أبا دجانة أما علمت أن لله لواء من نور عموده من ياقوت مكتوب على ذلك اللواء: لا إله إلا الله محمد رسول الله أيده بعلي. قال: فدخل علي بن أبي طالب عليه السلام فأجلسه بين يديه ثم ضرب بيده إلى منكبه فقال له: أبشر يا علي إنه من أحببك وانتحل محبتك وأقر بولايتك أسكنه [الله] معنا. ثم تلا هذه الآية: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٢١١.

٢٣ - البحار ج ٧ ص ٣٣١ عن إشارة المصطفى

بالاسناد عن أنس قال: جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله ما حال علي بن أبي طالب، فقال النبي صلى الله عليه وآله: تسألني عن علي يرد يوم القيامة على ناقة من نوق الجنة قوائمها من الزبرجد الأخضر، عيناها ياقوتتان حمراوان سنامها من المسك الأذفر ممزوج بماء الحيوان، عليه حلتان من النور، متزرن بواحدة مرتد بالآخرى، بيده لواء الحمد له أربعون شقة، ملأت ما بين السماء والأرض، حمزة بن عبد المطلب عن يمينه، وجعفر الطيار عن يساره، وفاطمة من ورائه، والحسن والحسين فيما بينهما، ومناد ينادي في عرصات القيامة: أين المحبّون؟ وأين المبغضون؟ هذا علي بن أبي طالب أخذ كتابه بيمينه حتى يدخل الجنة.

في أن الركبان في القيامة أربعة

١ - أمالي الطوسي ص ٢٥٨

أخبرنا أبو عمر، عن أحمد بن الحسن، عن خزيمة بن ماهان المروزي، عن

عيسى بن يونس، عن الأعمش، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس، قال: قال رسول الله ﷺ يأتي على الناس يوم القيامة وقت ما فيه راكب إلا نحن أربعة. فقال له العباس بن عبد المطلب عمه: فذاك أبي وأمي، ومن هؤلاء الأربعة؟ قال: أنا على البراق، وأخي صالح على ناقة الله التي عقرها قومه، وعمي حمزة أسد الله وأسد رسوله على ناقتي العضباء، وأخي علي بن أبي طالب على ناقة من نوق الجنة، مدبجة الجنين، عليه حلتان خضراوان من كسوة الرحمن، على رأسه تاج من نور، لذلك التاج سبعون ركناً، على كل ركن ياقوتة حمراء تضيء للراكب مسيرة ثلاثة أيام، وبيده لواء الحمد ينادي: لا إله إلا الله محمد رسول الله، الحديث. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٣٣ وفي ج ٨ ص ٥ عن كشف اليقين.



٢ - أمالي الطوسي ص ٣٤٥

أخبرنا ابن الصلت، قال: أخبرنا ابن عقدة، قال: حدثنا علي بن محمد، قال: حدثنا داود بن سليمان الغازي، قال: حدثني علي بن موسى، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي عليه السلام، قال: قال رسول الله ﷺ: ليس في القيامة راكب غيرنا ونحن أربعة. قال: فقام إليه رجل من الأنصار، فقال: فذاك أبي وأمي، أنت ومن؟ قال: أنا على دابة الله البراق، وأخي صالح على ناقة الله التي عقرت، وعمي حمزة على ناقتي العضباء، وأخي علي بن أبي طالب على ناقة من نوق الجنة، وبيده لواء الحمد، واقف بين يدي العرش ينادي: «لا إله إلا الله، محمد رسول الله». قال: فيقول الآدميون ما هذا إلا ملك مقرب أو نبي مرسل أو حامل عرش رب العالمين؟ قال: فيجيئهم ملك من تحت بطنان العرش: معاشر الآدميين، ما هذا ملك مقرب، ولا نبي مرسل، ولا حامل عرش، هذا الصديق الأكبر، هذا علي بن أبي طالب.

ورواه في «عيو الأخبار» ج ٢ ص ٤٨، إلا أن فيه: «يا علي ليس في القيامة»
«وأمي ومن هم؟». وذكر بدل قوله: وبيده لواء الحمد واقف «بيده لواء الحمد
ينادي» وبدل: أو حامل عرش رب العالمين: «أو حامل عرش فيجيهم».
ورواه في «صحيفة الرضا عليه السلام» ص ٢٢ مثله.
ونقله عنها في «البحار» ج ٧ ص ٢٣٤.

٣ - أمالي المفيد ص ٢٧١

قال أخبرني أبو علي الحسن بن علي بن فضل الرازي قال: حدثنا أبو الحسن
علي بن أحمد بن بشر العسكري، قال: حدثنا أبو إسحاق محمد بن هارون بن
عيسى الهاشمي، قال: حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن مهدي الأيلي، قال: حدثنا
إسحاق بن سليمان الهاشمي، قال: حدثني أبي قال: حدثني هارون الرشيد قال:
حدثني أبي المهدي، قال: حدثني المنصور أبو جعفر عبد الله بن محمد بن علي قال:
حدثني أبي، عن جدي علي بن عبد الله بن العباس عن عبد الله بن العباس بن
عبد المطلب قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: يا أيها الناس نحن في القيامة
ركبان أربعة ليس غيرنا، فقال له قائل: بأبي أنت وأمي يا رسول الله من الركبان؟
قال: أنا على البراق، وأخي صالح على ناقة الله التي عقرها قومه، وابنتي فاطمة
على ناقتي العضباء، وعلي بن أبي طالب على ناقة من نوق الجنة خطامها من لؤلؤ
رطب، وعيناها من ياقوتتين حمراوين، وبطنها من زبرجد أخضر، عليها قبة من
لؤلؤة بيضاء يرى ظاهرها من باطنها، وباطنها من ظاهرها، ظاهرها من رحمة الله
وباطنها من عفو الله، إذا أقبلت زفت، وإذا أدبرت زفت، وهو أمامي.
على رأسه تاج من نور، يضيء لأهل الجمع ذلك التاج، له سبعون ركنًا كل
ركن يضيء كالنجم الدري في أفق السماء، وبيده لواء الحمد، وهو ينادي في

القيامة: لا إله إلا الله محمد رسول الله، فلا يمرّ بملاً من الملائكة إلا قالوا: نبيّ مرسل ولا يمرّ بنبيّ مرسل إلا قال: ملك مقرب، فينادي منادٍ من بطنان العرش: يا أيّها الناس ليس هذا ملكاً مقرباً، ولا نبياً مرسلًا ولا حامل عرش، هذا عليّ بن أبي طالب، وتجيء شيعته من بعده فينادي منادٍ لشيعته: من أنتم؟ فيقولون: نحن العلويّون، فيأتهم النداء: أيّها العلويّون أنتم آمنون، ادخلوا الجنة مع من كنتم توالون.

رواه في «البحار» ج ٧ ص ٢٣٠.

٤ - الخصال ص ٢٠٣

أخبرني أبو بكر محمد بن عليّ بن إسماعيل قال: حدّثنا أبو محمد عبد الله بن زيدان البلخي فيما قرأه عليه أبو العباس بن عقدة قال: حدّثني عليّ بن المثنى قال: حدّثني زيد بن حباب قال: حدّثني عبد الله بن لهيعة قال: حدّثني جعفر بن ربيعة، عن عكرمة، عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: ما في القيامة راكب غيرنا ونحن أربعة، فقام إليه العباس بن عبد المطلب فقال: من هم يا رسول الله؟ فقال: أمّا أنا فعلى البراق ووجهها كوجه الإنسان وخدّها كخدّ الفرس وعرفها من لؤلؤ مسموط وأذناها زبرجدتان خضراوان وعيناها مثل كوكب الزهرة، تتوقدان مثل النجمين المضيئين، لها شعاع مثل شعاع الشمس، ينحدر من نحرها الجمان مطويّة الحلق طويلة اليدين والرجلين، لها نفس كنفس آدميين، تسمع الكلام وتفهمه، وهي فوق الحمار ودون البغل. قال العباس: ومن يا رسول الله؟ قال ﷺ: وأخي صالح على ناقة الله عزّ وجلّ التي عقرها قومه، قال العباس: ومن يا رسول الله؟ قال: وعمّي حمزة بن عبد المطلب أسد الله وأسد رسوله سيّد الشهداء على ناقتي العضباء. قال العباس: ومن يا رسول الله؟ قال: وأخي عليّ على ناقة من نوق

الجنة زمامها من لؤلؤ رطب عليها محمل من ياقوت أحمر قضبانها من الدرّ الأبيض على رأسه تاج من نور عليه حلّتان خضراوان بيده لواء الحمد وهو ينادي أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأنّ محمّداً رسول الله. فيقول الخلائق ما هذا إلا نبيّ مرسل أو ملك مقرب، فينادي منادٍ من بطنان العرش: ليس هذا ملك مقرب، ولا نبيّ مرسل، ولا حامل عرش، هذا عليّ بن أبي طالب وصيّ رسول ربّ العالمين، وإمام المتّقين، وقائد الغرّ المحجلّين

قال مصنّف هذا الكتاب رحمه الله: هذا حديث غريب لما فيه من ذكر البراق ووصفه وذكر حمزة بن عبد المطلب.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٣٥.



٥ - الخصال ص ٢٠٤

حدّثنا أحمد بن محمّد بن يحيى العطار قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصمّ، عن عبد الله البطل عن عمرو بن أبي المقدام، عن أبيه، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس قال: خرج رسول الله صلّى الله عليه وآله ذات يوم وهو آخذ بيد عليّ عليه السلام وهو يقول: يا معشر الأنصار، يا معشر بني هاشم، يا معشر بني عبد المطلب أنا محمّد، أنا رسول الله إلا أنّي خلقت من طينة مرحومة في أربعة من أهل بيتي أنا وعليّ وحمزة وجعفر، فقال قائل: يا رسول الله هؤلاء معك ركبان يوم القيامة؟ فقال: ثكلتك أمّك إنّه لن يركب يومئذٍ إلا أربعة: أنا وعليّ وفاطمة وصالح نبيّ الله، فأما أنا فعلى البراق، وأما فاطمة ابنتي فعلى ناقتي العضباء، وأما صالح فعلى ناقة الله التي عقرت، وأما عليّ فعلى ناقة من نوق الجنة زمامها من ياقوت عليه حلّتان خضراوان، فيقف بين الجنة والنار وقد ألجم الناس من العرق يومئذٍ فتهب ريح من

قبل العرش فتكشف عنهم عرقهم فيقول الملائكة والأنبياء والصدّيقون ما هذا إلا ملك مقرب أو نبي مرسل فينادي مناد ما هذا ملك مقرب ولا نبي مرسل ولكنه علي بن أبي طالب أخو رسول الله ﷺ في الدنيا والآخرة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٣١.

ورواه في «أمالي الصدوق» ص ٢٠٦ بعينه سنداً ومتمناً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٧.

٦- ثواب الأعمال ص ٩٥

روى باسناده عن ابن عباس، عن النبي ﷺ في فضل صوم شهر رمضان - إلى أن قال - و يوم خمسة وعشرين بنا الله لكم تحت العرش ألف قبة خضراء على رأس كلّ قبة خيمة من نور يقول الله تبارك وتعالى: ... يا أمة محمد وعزّتي وجلالي لأبعثنكم إلى الجنة يتعجب منكم الأولون والآخرون، ولأتوجنّ كلّ واحد منكم بألف تاج من نور، ولأركبن كلّ واحد منكم على ناقة خلقت من نور، زمامها من نور، في ذلك الزمام ألف حلّة من ذهب، وفي كلّ حلقة قائم عليها ملك من الملائكة، بيد كلّ ملك عمود من نور حتّى يدخل الجنة بغير حساب.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٣٧.

٧- أمالي الصدوق ص ٣٦١

أبي، عن عبد الله بن الحسن المؤدّب، عن أحمد بن عليّ الأصبهاني، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، عن أبي رجاء قتيبة بن سعيد، عن حمّاد بن زيد، عن عبد الرحمن السراج، عن نافع، عن عبد الله بن عمر قال: قال رسول الله ﷺ لعليّ بن أبي طالب عليه السلام إذا كان يوم القيامة يؤتى بك يا عليّ على نجيب من نور وعلى رأسك تاج قد أضاء نوره وكان يخطف أبصار أهل الموقف فيأتي النداء من عند الله

جلّ جلاله: أين خليفة محمد رسول الله فتقول ها أنا ذا، قال: فينادي المنادي يا عليّ أدخل من أحبّك الجنّة ومن عادك النار فأنت قسيم الجنّة وأنت قسيم النار. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٣٢.

٨ - تفسير الفرات ص ١٢٠

فرات قال: حدّثني عبيد بن عبد الواحد معنعنا: عن ابن عباس رضي الله عنه قال: بينا نحن مع النبي صلّى الله عليه وآله يعني بعرفات إذ قال: أفيكم عليّ [بن أبي طالب] قلنا: بلى يا رسول الله فقربه منه وضرب بيده على منكبه ثمّ قال طوبى لك [طوباك] يا عليّ نزلت عليّ آية ذكري وإياك فيها سواء فقال: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾.

هذا جبرئيل يخبرني عن الله: إذا كان يوم القيامة جئت أنت وشيعتك ركبانا على نوق من نور البرق تطيرهم [تطير بهم] في أرجاء الهواء ينادون في عرصة القيامة: نحن العلويون. فيأتيتهم النداء من قبل الله: أنتم المقرّبون الذين لا خوف عليكم ولا أنتم تحزنون.

فقال ابن عباس رضي الله عنه في تفسير الآية: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ بالنبي صلّى الله عليه وآله ﴿وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ بعليّ ﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ بعرفات.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٤ وفي ج ٧ ص ٢٣٦.

الشفاعة في القيامة

ماورد في شفاعة النبي صلّى الله عليه وآله

١ - الخصال ص ٣٥٥

ماجيلويه عن عمّه عن البرقي عن عليّ بن الحسين الرقي عن عبد الله بن

جبله عن الحسن بن عبد الله عن آبائه عن جدّه الحسن بن عليّ في حديث طويل: إنّ النبيّ ﷺ قال في جواب نفر من اليهود سألوه عن مسائل: وأمّا شفاعتي ففي أصحاب الكبائر ما خلا أهل الشرك والظلم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٨ ثمّ قال رحمه الله: بيان: المراد بالظلم سائر أنواع الكفر والمذاهب الباطلة.

٢ - الخصال ص ٢٩

أخبرني أبو الحسن طاهر بن محمّد بن يونس، عن محمّد بن عثمان الهرويّ، عن أحمد بن نجدة، عن أبو بشر ختن المقرئ، عن معمر بن سليمان قال: إنّي سمعت أنس بن مالك يقول: قال رسول الله ﷺ لكلّ نبيّ دعوة قد دعا بها وقد سأل سؤلاً، وقد خبأت دعوتي لشفاعتي لأمتي يوم القيامة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٤.

ورواه في «أمالى الطوسي» ص ٣٨٠ في حديث قد جرى بين أبي نواس وبين عيسى بن موسى الهاشمي كلام قال أبو نواس: حدّثني سمله عن ثابت البنانيّ عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله ﷺ لكلّ نبيّ شفاعاة وأنا خبأت شفاعتي لأهل الكبائر من أمتي يوم القيامة، أفترى لا أكون منهم؟!.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٠.

وروى في «أمالى الطوسي» ص ٥٧ - في حديث - أن أباذر وسلمان قالوا: قال رسول الله ﷺ: إنّ الله أعطاني مسألة فأخّرت مسألتني لشفاعة المؤمنين يوم القيامة. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٧.

٣ - الخصال ص ١٩٦ و عيون الأخبار ج ١ ص ٢٥٩

حدّثنا عبد الله بن محمّد بن عبد الوهّاب قال: حدّثنا أبو نصر منصور بن عبد الله بن إبراهيم الإصبهانيّ قال: حدّثنا عليّ بن عبد الله قال: حدّثنا داود بن سليمان، عن عليّ بن موسى الرضا قال: حدّثني أبي، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أربعة أنا الشفيع لهم يوم القيامة ولو أتوني بذنوب أهل الأرض: معين أهل بيتي، والقاضي لهم حوائجهم عند ما اضطرّوا إليه، والمحبّ لهم بقلبه ولسانه، والدافع عنهم بيده.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٢٧ ص ٧٧.

ورواه في «أمالى الطوسي» ص ٢٧٩ بسنده عن الرضا عن آبائه عن النبيّ صلى الله عليه وآله بتفاوت يسير.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ٨٥ وفي ج ٨ ص ٤٩ عن بشارة المصطفى.

٤ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٦٨

وباسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعليّ: بشّر لشيعتك إنّي الشفيع لهم يوم القيامة يوم لا ينفع إلاّ شفاعتي.

٥ - أمالي الصدوق ص ٢٩٤

حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان قال: حدّثنا الحسن بن عليّ السكري قال: حدّثنا محمّد بن زكريا الجوهري قال: حدّثنا محمّد بن عمّار عن أبيه قال: قال الصادق جعفر بن محمّد ٨: من أنكر ثلاثة أشياء فليس من شيعتنا المعراج والمسألة في القبر والشفاعة.

٦ - أمالي الصدوق ص ٢٧٥

حدّثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن إسحاق المادري بالبصرة في رجب سنة ثمان عشرة وثلاث مائة قال حدّثنا أبو قلابة عبد الملك بن محمد قال حدّثنا غانم بن الحسن السعدي قال حدّثنا مسلم بن خالد المكي قال حدّثنا جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال قالت فاطمة عليها السلام لرسول الله صلى الله عليه وآله: يا أبتاه أين ألقاك يوم الموقف الأعظم ويوم الأهوال ويوم الفرع الأكبر قال: يا فاطمة عند باب الجنة ومعني لواء الحمد وأنا الشفيع لأمتي إلى ربّي. قالت: يا أبتاه فإن لم ألقك هناك قال القيني على الحوض وأنا أسقي أمتي. قالت: يا أبتاه إن لم ألقك هناك قال القيني على الصراط وأنا قائم أقول ربّ سلم أمتي قالت فإن لم ألقك هناك قال القيني وأنا عند الميزان أقول ربّ سلم أمتي قالت فإن لم ألقك هناك قال القيني على (عند) شفير جهنّم أ منع شررها ولهبها عن أمتي فاستبشرت فاطمة بذاك صلى الله عليها وعلى أبيها وبعلمها وبنيتها.

٧ - أمالي الصدوق ص ١٥ و ١٦

حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان قال: حدّثنا عبد الرحمن بن محمد الحسني قال: أخبرنا أحمد بن عيسى بن أبي موسى العجلي قال: حدّثنا محمد بن أحمد بن عبد الله بن زياد العزرمي قال حدّثنا علي بن حاتم المنقري قال: حدّثنا شريك عن سالم الأفطس عن سعيد بن جبير عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام - إلى أن قال - يا علي أنا الشفيع لشيعتك غداً إذ أقمت المقام المحمود فبشّرهم بذلك. الحديث.

٨ - علل الشرايع ص ٤٦٠

حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله عن عباد بن سليمان عن محمد بن سليمان الديلمي عن إبراهيم بن أبي حجر الأسلمي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله من أتى مكة حاجاً ولم يزرني إلى المدينة جفاني، ومن جفاني جفوته يوم القيامة، ومن جاءني زائراً وجبت له شفاعتي ومن وجبت له شفاعتي وجبت له الجنة.

٩ - أمالي الصدوق ص ٢٩٤

ابن المتوكل رحمته الله عن ابن أبي الخطاب عن النضر بن شعيب عن القلانسي عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قمت المقام المحمود تشفّعت في أصحاب الكبائر من أمتي فيشفّعني الله فيهم، والله لا تشفّعت فيمن آذى ذرّيتي.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨٠ ص ٣٧.

١٠ - أمالي الصدوق ص ٣٧٩

حدّثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمته الله قال: حدّثنا الحسين بن محمد بن عامر عن عمّه عبد الله بن عامر عن محمد أبي عمير عن أبان بن عثمان عن أبان بن تغلب عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام عن أبيه عن جدّه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أراد التوسّل إليّ وأن يكون له عندي يد أشفع له بها يوم القيامة فليصل أهل بيتي ويدخل السرور عليهم.

ورواه في «أمالي الطوسي» ص ٤٢٣ عن جعفر بن محمد بن مروان بعينه سنداً ومتمناً.

١١ - أمالي الصدوق ص ٢١٦

حدّثنا محمد بن الحسن قال: حدّثنا الحسين بن الحسن بن أبان عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن حمّاد بن عثمان عن إسماعيل الجعفي أنّه سمع أبا جعفر عليه السلام يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أعطيت خمسا لم يعطها أحد قبلي جعلت لي الأرض مسجداً وطهوراً وأحلّ لي المغنم ونصرت بالرعب وأعطيت جوامع الكلام وأعطيت الشفاعة.

ورواه في «الخصال» ص ٢٩٢ بسند آخر عن سعيد بن جبير عن ابن عبّاس عنه عليه السلام بعينه متناً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٨ ص ٣٨.



١٢ - المحاسن ص ١٨٤

عنه، عن أبيه، عن القاسم بن محمد، عن عليّ بن أبي حمزة، قال: قال رجل لأبي عبد الله عليه السلام: إنّ لنا جاراً من الخوارج يقول: إنّ محمّداً صلى الله عليه وآله يوم القيامة همّه نفسه فكيف يشفع؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام: ما أحد من الأوّلين والآخرين إلّا وهو يحتاج إلى شفاعة محمّد صلى الله عليه وآله يوم القيامة.

١٣ - المحاسن ص ١٨٤

عنه، عن أبيه، عن حمزة بن عبد الله، عن سيف بن عميرة النخعي، عن أبي حمزة قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إنّ لرسول الله صلى الله عليه وآله شفاعة في أمّته.

١٧ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٢٠١ - ٢٠٢

﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾ قال: لا يشفع أحد من أنبياء الله

ورسله يوم القيامة حتى يأذن الله له إلا رسول الله ﷺ فإن الله قد أذن له في الشفاعة من قبل يوم القيامة، والشفاعة له وللأئمة من ولده، ثم بعد ذلك للأنبياء - صلوات الله عليهم وعلى محمد وآله -.

قال: حدثني أبي عن ابن أبي عمير عن معاوية بن عمار، عن أبي العباس المكي قال: دخل مولى لامرأة علي بن الحسين - صلوات الله عليهما - على أبي جعفر عليه السلام يقال له: أبو أيمن، فقال: يا أبا جعفر يغرون الناس ويقولون: شفاعة محمد فغضب أبو جعفر عليه السلام حتى تربد وجهه، ثم قال: ويحك يا أبا أيمن أغر أن عف بطنك وفرجك؟ أما لو قد رأيت أفزاع القيامة لقد احتجت إلى شفاعة محمد ﷺ ويحك فهل يشفع إلا لمن وجبت له النار؟ ثم قال: ما أحد من الأولين والآخرين إلا وهو محتاج إلى شفاعة محمد ﷺ يوم القيامة ثم قال أبو جعفر عليه السلام: إن لرسول الله ﷺ الشفاعة في أمته، ولنا الشفاعة في شيعتنا، ولشيعتنا شفاعة في أهاليهم. ثم قال: وإن المؤمن ليشفع في مثل ربيعة ومضر، وإن المؤمن ليشفع حتى لخادمه، ويقول: يا رب حق خدمتي كان يقيني الحر والبرد. ورواه في «المحاسن» ص ١٨٣ عنه عن أبيه عن ابن أبي عمير مثله إلى قوله: وجبت له النار.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ٣٨.

١٨ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٦٥ - ١٦٤

فردوس الديلمي: أبو هريرة قال النبي ﷺ: الشفعاء خمسة: القرآن، والرحم، والأمانة، ونبئكم، وأهل بيت نبيكم.

تفسير وكيع: قال ابن عباس في قوله: ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾ يعني: ولسوف يشفعك يا محمد يوم القيامة في جميع أهل بيتك فتدخلهم كلهم الجنة ترضى بذلك عن ربك.

١٩ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٦٤

علي بن الجعد، عن شعبة، عن قتادة، عن أبي الجوزاء، عن ابن عباس في قوله تعالى: ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ قال: يعني ما تنفع كفار مكة شفاعة الشافعين ثم قال: أول من يشفع يوم القيامة في أمته رسول الله ﷺ وأول من يشفع في أهل بيته وولده أمير المؤمنين، وأول من يشفع في الروم المسلمين صهيب، وأول من يشفع في مؤمني الحبشة بلال. ونقلهما عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٣.

تفسير العياشي ج ٢ ص ٣١٥ - ٣١٠

عن خيشمة الجعفي قال: كنت عند جعفر بن محمد عليه السلام أنا ومفضل بن عمر ليلاً ليس عنده أحد غيرنا، فقال له مفضل الجعفي: جعلت فداك حدثنا حديثاً نسر به قال: نعم، إذا كان يوم القيامة حشر الله الخلائق في صعيد واحد حفاة عراة غرلاً قال: فقلت: جعلت فداك ما الغرل؟ قال: كما خلقوا أول مرة فيقفون حتى يلجمهم العرق فيقولون: ليت الله يحكم بيننا؟ ولو إلى النار يرون أن في النار راحة فيما هم فيه، ثم يأتون آدم فيقولون: أنت أبونا وأنت نبيّ فسل ربك يحكم بيننا ولو إلى النار فيقول آدم: لست بصاحبكم خلقتني ربي بيده وحملني على عرشه وأسجد لي ملائكة، ثم أمرني فعصيته، ولكنني أدلكم على ابني الصديق الذي مكث في قومه ألف سنة إلا خمسين عاماً يدعوهم كلماً كذبوا اشتدّ تصديقه: نوح قال: فيأتون نوحاً فيقولون: سل ربك حتى يحكم بيننا ولو إلى النار، قال: فيقول: لست بصاحبكم إني قلت: ﴿إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي﴾، ولكن أدلكم إلى من اتخذ الله خليلاً في دار الدنيا اتوا إبراهيم، قال: فيأتون إبراهيم فيقول: لست بصاحبكم إني قلت: ﴿إِنِّي سَقِيمٌ﴾، ولكنني أدلكم على من كلمه الله تكليماً: موسى، قال فيأتون موسى

فيقولون له، فيقول لست بصاحبكم إنني قتلت نفساً ولكنني أدلكم على من كان يخلق بإذن الله ويبرئ الأكمه والأبرص بإذن الله: عيسى، فيأتونه فيقول: لست بصاحبكم ولكنني أدلكم على من بشرتكم به في دار الدنيا: أحمد.

ثم قال أبو عبد الله: ما من نبي من ولد آدم إلى محمد ﷺ إلا وهم تحت لواء محمد ﷺ قال: فيأتونه ثم قال فيقولون يا محمد سل ربك يحكم بيننا ولو إلى النار، قال: فيقول: نعم أنا صاحبكم فيأتي دار الرحمن وهي عدن، وإن بابها سعته بعد ما بين المشرق والمغرب، فيحرك حلقة من الحلق فيقال: من هذا؟ - وهو أعلم به - فيقول: أنا محمد، فيقال: افتحوا له قال: فيفتح له قال: فإذا نظرت إلى ربي مجده تمجيداً لم يمجده أحد كان قبلي ولا يمجده أحد كان بعدي، ثم أخرج ساجداً فيقول: يا محمد ارفع رأسك وقل يسمع قولك، واشفع تشفع؛ وسل تعط، قال: فإذا رفعت رأسي ونظرت إلى ربي مجده تمجيداً أفضل من الأول والثاني ثم أخرج ساجداً فيقول: ارفع رأسك، وقل يسمع قولك، واشفع تشفع، وسل تعط قال: فإذا رفعت رأسي ونظرت إلى ربي مجده تمجيداً أفضل من الأول والثاني ثم أخرج ساجداً فيقول: ارفع رأسك، وقل يسمع قولك واشفع تشفع وسل تعط، فإذا رفعت رأسي أقول رب احكم بين عبادك ولو إلى النار، فيقول: نعم يا محمد، قال: ثم يؤتى بناقة من ياقوت أحمر وزمامها زبرجد أخضر حتى أركبها ثم أتى المقام المحمود حتى أقضى عليه وهو تل من مسك أذفر يحاذ بحيال العرش ثم يدعى إبراهيم فيحمل على مثلها، فيجيء حتى يقف عن يمين رسول الله ﷺ.

ثم رفع رسول الله يده فضرب على كتف علي بن أبي طالب ثم قال: ثم تؤتى والله بمثلها فتحمل عليها، ثم تجيء حتى تقف بيني وبين أبيك إبراهيم، ثم يخرج مناد من عند الرحمن فيقول: يا معشر الخلائق أليس العدل من ربكم أن يولي كل قوم ما كانوا يقولون في دار الدنيا؟ فيقولون: بلى وأي شيء عدل غيره، قال: فيقوم

الشيطان الذي أضلّ فرقة من الناس حتّى زعموا أن عيسى هو الله وابن الله، فيتبعونه إلى النار، ويقوم الشيطان الذي أضلّ فرقة من الناس حتّى زعموا أن عزير ابن الله حتّى يتبعونه إلى النار، ويقوم كلّ شيطان أضلّ فرقة فيتبعونه إلى النار، حتّى يبقى هذه الأُمَّة.

ثمّ يخرج منادٍ من عند الله فيقول: يا معشر الخلائق أليس العدل من ربّكم أن يولّي كلّ فريق من كانوا يتولّون في دار الدنيا فيقولون: بلى [وأي شيء عدل غيره]؟ فيقوم شيطان فيتبعه من كان يتولّاه، ثمّ يقوم شيطان فيتبعه من كان يتولّاه، ثمّ يقوم شيطان ثالث فيتبعه من كان يتولّاه ثمّ يقوم معاوية فيتبعه من كان يتولّاه ويقوم عليّ فيتبعه من كان يتولّاه. ثمّ يقوم يزيد بن معاوية فيتبعه من كان يتولّاه ويقوم الحسن فيتبعه من كان يتولّاه ويقوم الحسين فيتبعه من كان يتولّاه ثمّ يقوم مروان بن الحكم وعبد الملك فتبعهما من كان يتولّاهما، ثمّ يقوم عليّ بن الحسين فيتبعه من كان يتولّاه، ثمّ يقوم الوليد بن عبد الملك، ويقوم محمّد بن عليّ فيتبعهما من كان يتولّاهما، ثمّ أقوم أنا فيتبعني من كان يتولّاني، وكأني بكما معي؛ ثمّ يؤتى بنا فنجلس على عرش ربّنا ويؤتى بالكتب فتوضع فنشهد على عدوّنا ونشفع لمن كان من شيعتنا مرهقاً قال: قلت: جعلت فداك فما المرهق؟ قال: المذنب، فأما الذين اتّقوا من شيعتنا فقد نجاهم الله بمفازتهم لا يمسخهم السوء ولا هم يحزنون، قال: ثمّ جاءته جارية له فقالت: إنّ فلان القرشي بالباب، فقال: ائذّنوا له، ثمّ قال لنا: اسكتوا.

- ٢١ - عن محمّد بن حكيم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لو قد قمت المقام المحمود شفّعت لأبي وأمي وعمّي وأخ كان لي موافياً في الجاهلية.
- ٢٢ - عن عيص بن القاسم عن أبي عبد الله عليه السلام أن ناساً من بني هاشم أتوا رسول الله صلى الله عليه وآله فسألوه أن يستعملهم على صدقات المواشي، وقالوا: يكون لنا هذا

السهم الذي جعلته للعالمين عليها فنحن أولى به، فقال رسول الله ﷺ: يا بني عبد المطلب إن الصدقة لا تحلّ لي ولا لكم، ولكنني وعدت بالشفاعة، ثم قال: والله أشهد أنه قد وعدّها فما ظنّكم يا بني عبد المطلب إذا أخذت بحلقة الباب؟ أتروني مؤثراً عليكم غيركم؟

ثم قال: إن الجن والإنس يجلسون يوم القيامة في صعيد واحد، فإذا طال بهم الموقف طلبوا الشفاعة، فيقولون: إلى من؟ فيأتون نوحاً فيسألونه الشفاعة، فيقول هيهات قد رفعت حاجتي، فيقولون: إلى من؟ فيقال إلى إبراهيم فيأتون إلى إبراهيم فيسألونه الشفاعة فيقول: هيهات قد رفعت حاجتي، فيقولون: إلى من؟ فيقال: اتّوا موسى فيأتونه فيسألونه الشفاعة فيقول: هيهات قد رفعت حاجتي، فيقولون إلى من فيقال: اتّوا عيسى فيأتونه ويسألونه الشفاعة فيقول: هيهات قد رفعت حاجتي فيقولون: إلى من؟ فيقال: اتّوا محمّداً فيأتونه فيسألونه الشفاعة فيقوم مدلاً حتّى يأتي باب الجنّة فيأخذ بحلقة الباب ثم يقرعه، فيقال من هذا؟ فيقول: أحمد فيرحّبون ويفتحون الباب، فإذا نظر إلى الجنّة خرّ ساجداً يمجّد ربّه ويعظّمه فيأتيه ملك فيقول: ارفع رأسك وسل تعط واشفع تشفع فيقوم فيرفع رأسه ويدخل من باب الجنّة فيخرّ ساجداً يمجّد ربّه ويعظّمه فيأتيه ملك فيقول: ارفع رأسك وسل تعط واشفع تشفع في الجنّة ساعة ثم يخرّ ساجداً يمجّد ربّه ويعظّمه فيأتيه ملك فيقول ارفع رأسك وسل تعط واشفع تشفع فيقوم فما يسأل شيئاً إلا أعطاه إيّاه.

٢٣ - عن بعض أصحابنا عن أحدهما قال: في قوله ﴿عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً﴾ قال: هي الشفاعة.

٢٤ - عن صفوان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: إنني أستوهب من ربّي أربعة آمنة بنت وهب، وعبد الله بن عبد المطلب، وأبا طالب

ورجلاً جرت بيني وبينه أخوة وطلب إليّ أن أطلب إلى ربّي أن يهبه لي.

٢٥ - عن عبيد بن زرارة قال: سئل أبو عبد الله عليه السلام عن المؤمن هل له شفاعته؟ قال: نعم، فقال له رجل من القوم: هل يحتاج المؤمن إلى شفاعته صلّى الله عليه وآله يومئذ؟ قال: نعم للمؤمنين خطايا وذنوباً وما من أحد إلا ويحتاج إلى شفاعته صلّى الله عليه وآله يومئذ، قال: وسأله رجل عن قول رسول الله صلّى الله عليه وآله أنا سيّد ولد آدم ولا فخر، قال: نعم يأخذ حلقة باب الجنة فيفتحها فيخرّ ساجداً فيقول الله: ارفع رأسك اشفع تشفع، اطلب تعط، فيرفع رأسه ثمّ يخرّ ساجداً فيقول الله: ارفع رأسك اشفع تشفع واطلب تعط، ثمّ يرفع رأسه فيشفّع فيشفع ويطلب فيعطى.

٢٦ - عن سماعة بن مهران عن أبي إبراهيم في قول الله: ﴿عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً﴾ قال: يقوم الناس يوم القيامة مقدار أربعين عاماً ويؤمر الشمس فتركب على رؤوس العباد ويدلّهم العرق، ويؤمر الأرض لا تقبل عن عرقهم شيئاً فيأتون آدم فيشفعون له فيدلّهم على نوح، ويدلّهم نوح على إبراهيم، ويدلّهم إبراهيم على موسى، ويدلّهم موسى على عيسى، ويدلّهم عيسى على صلّى الله عليه وآله فيقول: عليكم بمحمّد خاتم النبيّين، فيقول محمّد: أنا لها فينطلق حتّى يأتي باب الجنة فيدقّ فيقال له: من هذا والله أعلم؟ فيقول: محمّد فيقال: افتحوا له، فإذا فتح الباب استقبل ربّه فخرّ ساجداً فلا يرفع رأسه حتّى يقال له تكلم وسل تعط واشفع تشفع، فيرفع رأسه فيستقبل ربّه فيخرّ ساجداً، فيقال له مثلها، فيرفع رأسه حتّى أنّه ليشفع من قد أحرق بالنار، فما أحد من الناس يوم القيامة في جميع الأمم أوجه من صلّى الله عليه وآله، وهو قول الله تعالى: ﴿عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً﴾.

ونقلها عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٨ - ٤٥.

٢٧ - جامع الأخبار ص ٢٠

قال ﷺ: من أتاني زائراً كنت شفيعه يوم القيامة.

٢٨ - جامع الأخبار ص ٥٩

قال ﷺ في الوصية: يا عليّ من صلى عليّ كل يوم أو كل ليلة وجبت له شفاعتي ولو كان من أهل الكبائر.

ما ورد في شفاعة الأئمة الطاهرين ﷺ في القيامة

١ - من لا يحضره الفقيه ج ٣ ص ٣٤٥

وروى الحسن بن عليّ الوشاء عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: إنّ لكلّ إمام عهداً في عنق أوليائه وشيعته وإنّ من تمام الوفاء بالعهد زيارة قبورهم فمن زارهم رغبةً في زيارتهم وتصديقاً بما رغبوا فيه كان أئمتهم شفعاؤهم يوم القيامة. ورواه في «عيون الأخبار» ج ٢ ص ٢٦٠ عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الوشاء بعينه.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٣٥١

وروى الحسن بن عليّ بن فضال عن أبي الحسن الرضا عليه السلام أنّه قال: إنّ بخراسان لبقةً يأتي عليها زمان تصير مختلف الملائكة فقال: فلا يزال فوج ينزل من السماء وفوج يصعد إلى أن ينفخ في الصور، فقيل له: يا ابن رسول الله وأيّ بقة هذه؟ قال: هي بأرض طوس فهي والله روضة من رياض الجنة من زارني في تلك البقة كان كمن زار رسول الله ﷺ وكتب الله له ثواب ألف حجة مبرورة وألف

عمرة مقبولة، وكنت أنا وآبائي شفاعؤه يوم القيامة.
ورواه في «عيون الأخبار» ج ٢ ص ٢٥٥ عن أحمد بن الحسن القطاني
ومحمد بن أحمد بن إبراهيم الليثي ومحمد بن إبراهيم بن إسحاق المكتب الطالقاني
ومحمد بن بكر أن النقاش قالوا: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد الهمداني بعينه
سنداً ومتمناً.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٣٥٠

وروى الحسن بن علي بن فضال عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام
أنه قال له رجل من أهل خراسان يا ابن رسول الله رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله في المنام
كأنه يقول لي: كيف أنتم إذا دفن في أرضكم بضعتي واستحفظتم وديعتي وغيب في
ثراكم نجمي؟ فقال له الرضا عليه السلام: أنا المدفون في أرضكم وأنا بضعة من نبيكم وأنا
الوديعة والنجم ألا ومن زارني وهو يعرف ما أوجب الله عز وجل من حقي
وطاعتي فأنا وآبائي شفاعؤه يوم القيامة، ومن كنا شفاعؤه نجى ولو كان عليه مثل
وزر الثقلين الجن والإنس. الحديث.

ورواه في «عيون الأخبار» ج ٢ ص ٢٥٧ عن محمد بن إبراهيم بن إسحاق
الطالقاني عن أحمد بن محمد بن سعيد الكوفي عن علي بن الحسين بن علي بن
فضال عن أبيه عنه عليه السلام بعينه متمناً.

ورواه أيضاً في «العيون» ج ٢ ص ٢٦٣ بالسند المذكور عن الرضا عليه السلام
يقول: أنا مقتول ومسموم ومدفون غربة اعلم ذلك بعهد عهدي إلي أبي، عن أبيه، عن
آبائه، عن علي بن أبي طالب عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله إلا فمن زارني... - إلى
قوله: - مثل وز الثقلين.

٤ - من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٣٤٩

وروى البزنطي عن الرضا عليه السلام قال: ما زارني أحد من أوليائي عارفاً بحقي إلا شفقت فيه يوم القيامة.

ورواه في «عيون الأخبار» ج ٢ ص ٢٥٨ عن أبيه ومحمد بن الحسن بن أحمد ابن الوليد عن سعد بن عبدالله بن أبي خلف، عن أحمد بن محمد بن عيسى ومحمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن البزنطي عنه عليه السلام بعينه متناً.

٥ - أمالي المفيد ص ١٣

قال: أخبرنا أبو جعفر محمد بن عمر الزيات، قال: حدثني علي بن إسماعيل، قال: حدثنا محمد بن خلف، قال: حدثنا الحسين الأشقر، قال: حدثنا قيس، عن ليث بن أبي سليم، عن عبد الرحمن بن أبي ليلى، عن الحسين بن علي عليه السلام قال: قال رسول الله ٩: أَلْزَمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ يَحِبُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا.

ورواه في ص ٤٣ عن أبي بكر عمر الجعابي، عن علي بن إسماعيل بعينه سنداً ومتناً، لكنه ذكر بعد قوله بمعرفتنا: بمعرفة حقنا.

ورواه في «المحاسن» ص ٦١ عن خلاد المقرئ عن قيس بن الربيع، عن ليث بن أبي سليمان عن ابن أبي ليلى عن الحسن بن علي عليه السلام. ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ٩٠.

٦ - وفي «الأمالي» ص ١٣٩ عن أبي نصر محمد بن الحسين المقرئ عن أبي عبدالله الحسين بن محمد البراز، عن أبي عبدالله العلوي المحمدي عن يحيى بن هاشم الغساني، عن معمر بن سليمان، عن ليث بن أبي سليم، عن عطاء بن أبي رباح، عن ابن عباس، عن رسول الله صلوات الله عليه وآله بعينه متناً لكنه ذكر بدل بحبنا:

«بودنا» وزاد بعد قوله: بمعفرتنا؛ وولايتنا.

ورواه في «أمالى الطوسي» ص ١٨٦ عن المفيد، عن محمد بن عمر الجعابي، عن أحمد بن محمد بن سعيد، عن موسى بن يوسف الراشد الكوفي، عن محمد بن سليمان بن بزيع الخزاز، عن الحسين الأشقر بعينه سنداً ومتمناً. ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٧٠.

٧- فضائل الشيعة للصدوق عليه السلام كما في «البحار» ج ٨ ص ٥٩

روى بإسناده عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة نشفع في المذنب من شيعتنا، وأما المحسنون قد نجّاهم الله.



٨- أمالي الصدوق ص ٢٨٤

حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل عليه السلام قال: حدّثنا محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد الأشعري، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسين بن سعيد الأزدي عن إسحاق بن إبراهيم عن عبد الله بن صباح عن أبي بصير عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة جمع الله الأولين والآخرين في صعيد واحد فتغشاهم ظلمة شديدة فيضجون إلى ربّهم ويقولون يا ربّ اكشف عنا هذه الظلمة قال: فيقبل قوم يمشي النور بين أيديهم قد أضاء أرض القيامة فيقول أهل الجمع هؤلاء أنبياء الله فيجيئهم النداء من عند الله ما هؤلاء بأنبياء فيقول أهل الجمع فهؤلاء ملائكة فيجيئهم النداء من عند الله ما هؤلاء بملائكة فيقول أهل الجمع هؤلاء شهداء فيجيئهم النداء من عند الله ما هؤلاء بشهداء فيقولون من هم فيجيئهم النداء يا أهل الجمع سلوهم من أنتم فيقول أهل الجمع من أنتم فيقولون نحن العلويّون نحن ذرية محمد رسول الله صلى الله عليه وآله نحن أولاد عليّ وليّ الله نحن

المخصوصون بكرامة الله نحن الآمنون المطمئنون فيجيئهم النداء من عند الله عز وجل اشفعوا في محبيكم وأهل مودتكم وشيعتكم فيشفعون فيشفعون. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٦ وعن كتاب بشارة المصطفى.

٩ - المحاسن ص ١٨٣

وباسناده قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: قوله: «من ذا الذي يشفع عنده إلا بإذن ربه يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم» (أي من هم؟) قال: نحن أولئك الشافعون. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤١.

١٠ - المحاسن ص ١٨٣

أبي، عن سعدان بن مسلم عن معاوية بن وهب قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله تبارك وتعالى: ﴿لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ قال: نحن والله المأذون لهم في ذلك اليوم والقائلون صواباً. قلت: جعلت فداك فما تقولون؟ قال: نمجد ربنا ونصلي على نبيتنا ونشفع لشيعتنا فلا يردنا ربنا. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤١.

١١ - تفسير القمي ج ٢ ص ١٢٣

أبي، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أسامة عن أبي عبد الله وأبي جعفر عليه السلام قالوا: والله لنشفعن في المذنبين من شيعتنا حتى تقول أعداؤنا إذا رأوا ذلك: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ قال: من المهتدين قال: لأن الإيمان قد لزمهم بالإقرار. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٧.

١٢ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٦٥

أبو عبد الله عليه السلام: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ قال: ولاية أمير المؤمنين عليه السلام، ويقال: ﴿أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ﴾ قال: شفاعته النبي، ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ﴾ شفاعته علي عليه السلام، ﴿أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ شفاعته الأئمة عليهم السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٣.

١٣ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٦٥

النبي صلى الله عليه وآله: إني لأشفع يوم القيامة فأشفع، ويشفع علي فيشفع، ويشفع أهل بيتي فيشفعون.



ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٣.

١٤ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٦٤

حمران بن أعين: قال الصادق عليه السلام: والله لنشفعن لشيعتنا، والله لنشفعن لشيعتنا، والله لنشفعن لشيعتنا، والله لنشفعن لشيعتنا حتى يوكل الناس فمالنا من شافعين ولا صديق حميم».

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٣.

١٥ - أعلام الدين ص ٤٦٣ و ٤٦٤

حدثنا أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن عبد الله بن بكير، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن أول وصي كان على وجه الأرض هبة الله بن آدم عليه السلام، وما من نبي إلا وله وصي، - إلى أن قال - وأن أمير المؤمنين

هبة الله لمحمد ﷺ ورثه علمه وعلم من كان قبله من الأنبياء والمرسلين، ويشفعه الله - سبحانه - فيمن يشفع، هو وحزبه الفائزون المفلحون».

١٦ - البحار ج ٨ ص ٥٠ نقلاً عن «كنز جامع الفوائد»

وروي أنه سئل الصادق عليه السلام عن هذه الآية قال: إذا حشر الله الناس في صعيد واحد أجل الله أشياعنا أن يناقشهم في الحساب فنقول: إلهنا هؤلاء شيعتنا، فيقول الله تعالى: قد جعلت أمرهم إليكم وقد شفّعتكم فيهم، وغفرت لمسيئهم أدخلوهم الجنة بغير حساب.

ما ورد في شفاعة فاطمة عليها السلام يوم القيامة

حدثنا محمد بن إبراهيم قال: حدثنا أبو جعفر محمد بن جرير الطبري قال: حدثنا أبو محمد الحسن بن عبد الواحد الخزّاز قال: حدثني إسماعيل بن عليّ السندي عن منيع بن الحجّاج عن عيسى بن موسى عن جعفر الأحمر عن أبي جعفر محمد بن عليّ الباقر عليه السلام قال: سمعت جابر بن عبد الله الأنصاري يقول قال رسول الله ﷺ إذا كان يوم القيامة تقبل ابنتي فاطمة على ناقة من نوق الجنة مدبجة الجنبيين خطمها من لؤلؤ رطب قوائمها من الزمرد الأخضر ذنبها من المسك الأذفر عيناها ياقوتتان حمراوان عليها قبة من نور يرى ظاهرها من باطنها وباطنهما من ظاهرها داخلها عفو الله وخارجها رحمة الله على رأسها تاج من نور للتاج سبعون ركناً كلّ ركن مرصّع بالدرّ والياقوت يضيء كما يضيء الكوكب الدرّي في أفق السماء وعن يمينها سبعون ألف ملك وعن شمالها سبعون ألف ملك وجبرئيل أخذ بخطام الناقة ينادي بأعلى صوته غصّوا أبصاركم حتّى تجوز فاطمة بنت محمد ﷺ فلا يبقى يومئذ نبي ولا رسول ولا صديق ولا شهيد إلا غصّوا

أبصارهم حتّى تجوز فاطمة فتسير حتّى تحاذي عرش ربّها جلّ جلاله فتزج بنفسها عن ناقتها وتقول إلهي وسيدي احكم بيني وبين من ظلمني اللهم احكم بيني وبين من قتل ولدي فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله يا حبيبتى وابنة حبيبي سليني تعطى و اشفعي تشفعي فوعزّتي وجلالي لا جازني ظلم ظالم فتقول إلهي وسيدي ذريتي وشيعتي وشيعة ذريتي ومحبي ومحبي ذريتي فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله أين ذرية فاطمة وشيعتها ومحبوها ومحبو ذريتها فيقبلون وقد أحاط بهم ملائكة الرحمة فتقدمهم فاطمة عليها السلام حتّى تدخلهم الجنة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٣ ص ٢١٩.

٢ - أمالي الصدوق ص ٤٨٦

حدثنا أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني رحمته الله قال: حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم قال: حدثنا جعفر بن سلمة الأهوازي قال: حدثنا إبراهيم بن محمد الثقفي عن إبراهيم بن موسى بن أخت الواقدي قال: حدثنا أبو قتادة الحرّاني عن عبد الرحمن بن العلاء الحضرمي عن سعيد بن المسيّب عن ابن عباس قال: إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان جالساً ذات يوم وعنده علي وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام فقال: اللهم إنّك تعلم أن هؤلاء أهل بيتي وأكرم الناس عليّ فأحبّ من أحبّهم وأبغض من أبغضهم ووال من والاهم وعاد من عاداهم وأعن من أعانهم واجعلهم مطهّرين من كلّ رجس معصومين من كلّ ذنب وأيدّهم بروح القدس منك ثمّ قال صلى الله عليه وآله يا عليّ أنت إمام أمّتي وخليفتي عليها بعدي وأنت قائد المؤمنين إلى الجنة وكأنّي أنظر إلى ابنتي فاطمة قد أقبلت يوم القيامة على نجيب من نور عن يمينها سبعون ألف ملك وعن يسارها سبعون ألف ملك وبين يديها سبعون ألف ملك وخلفها سبعون ألف ملك تقود مؤمنات أمّتي إلى الجنة فأيّما امرأة صلت في

اليوم واللييلة خمس صلوات وصامت شهر رمضان وحجّت بيت الله الحرام وزكت مالها وأطاعت زوجها ووالت علياً بعدي دخلت الجنة بشفاعه ابنتي فاطمة وإنّها لسيدة نساء العالمين. الحديث.

٣ - علل الشرايع ص ١٧٩

ابن المتوكل عن سعد، عن ابن عيسى، عن ابن سنان، عن ابن مسكان، عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: لفاطمة عليها السلام وقفة على باب جهنّم، فإذا كان يوم القيامة كتب بين عيني كلّ رجل مؤمن أو كافر، فيؤمر بمحبّ قد كثرت ذنوبه إلى النار فتقرأ فاطمة بين عينيه محبّاً فيقول: إلهي وسيدي سمّيتني فاطمة وفطمت بي من تولّاني وتولّى ذرّيتي من النار، ووعدك الحقّ وأنت لا تخلف الميعاد، فيقول الله عزّ وجلّ: صدقت يا فاطمة إنّني سمّيتك فاطمة وفطمت بك من أحبّك وتولّاك وأحبّ ذرّيتك وتولّاهم من النار، ووعدني حقّ وأنا لا أخلف الميعاد، وإنّما أمرت بعدي هذا إلى النار لتشفعني فيه فأشفّك ولتبيّن لملائكتي وأنبيائي ورسلي وأهل الموقف موقفك منّي ومكانتك عندي فمن قرأت بين عينيه مؤمناً فجذبت بيده وأدخلته الجنة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٥٠.

ما ورد في شفاعه المؤمن يوم القيامة

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ٢٦٣

عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن عيسى الفراء، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة أمر الله تبارك وتعالى منادياً ينادي بين يديه أين الفقراء؟ فيقوم عنق من الناس كثير، فيقول: عبادي؟

فيقولون: لبيك ربنا، فيقول: إنني لم أفقركم لهوان بكم عليّ ولكنني إنما اخترتكم لمثل هذا اليوم، تصفّحوا وجوه الناس فمن صنع إليكم معروفاً لم يصنعه إلاّ فيّ فكافوه عني بالجنة.

ونقله عنه «البحار» ج ٧ ص ٢٠٠.

٢ - روضة الكافي ج ١ ص ١٤٧

محمد بن يحيى، عن ابن عيسى، عن ابن فضال، عن عليّ بن عقبة، عن عمر بن أبان، عن عبد الحميد الوابشي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قلت له: إنّ لنا جاراً ينتهك المحارم كلّها حتّى أنّه ليرك الصلاة فضلاً عن غيرها؟ فقال: سبحان الله وأعظم ذلك؟ ألا أخبركم بمن هو شرّ منه؟ قلت: بلى، قال: الناصب لنا شرّ منه، أمّا أنّه ليس من عبد يذكر عنده أهل البيت فيرقّ لذكرنا إلاّ مسحت الملائكة ظهره، وغفر له ذنوبه كلّها، إلاّ أن يجيئ بذنب يخرجّه من الأيمان، وإنّ الشفاعة لمقبولة وما تقبل في ناصب، وإنّ المؤمن ليشفع لجاره وما له حسنة، فيقول: يا ربّ جاري كان يكفّ عني الأذى فيشفع فيه، فيقول الله تبارك وتعالى: أنا ربّك وأنا أحقّ من كافاً عنك، فيدخله الجنة وما له من حسنة، وإنّ أدنى المؤمنين شفاعة ليشفع لثلاثين إنساناً فعند ذلك يقول؟ أهل النار: فما لنا من شافعين ولا صديق حميم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٥٦.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ١٠ - ٢

روي عن شعيب بن واقد عن الحسين بن زيد عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن الأكل على الجنابة - إلى أن قال - ألا ومن أذن محتسباً يريد بذلك وجه الله عزّ

و جلّ أعطاه الله ثواب أربعين ألف شهيد وأربعين ألف صدّيق ويدخل في شفاعته أربعون ألف مسيء من أمّتي إلى الجنّة. الحديث.

٤ - الخصال ص ١٠٤

حدّثنا أبي عليه السلام قال: حدّثنا محمّد بن يحيى العطار، عن محمّد بن أحمد، عن محمّد بن حسان، عن إبراهيم بن عاصم بن حميد، عن صالح بن ميثم، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: ثلاث خصال من كنّ فيه استكمل خصال الإيمان: من صبر على الظلم، وكظم غيظه واحتسب، وعفى وغفر، كان ممّن يدخله الله الجنّة بغير حساب، ويشفّعه في مثل ربيعة ومضرّ.

ورواه في «أعلام الدين» ص ١٣١



٥ - الخصال ص ٦٢٤

في حديث الأربعمأة: لنا شفاعة ولأهل مودّتنا شفاعة. ورواه في «جامع الأخبار» ص ١٧٤.

٦ - صفات الشيعة ص ٣٦

روى بإسناده عن عمّار الساباطيّ عن أبي عبدالله عليه السلام قال في حديث لكلّ مؤمن خمس ساعات يوم القيامة يشفع فيها. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٥٩.

٧ - صفات الشيعة ص ٤

عن أبيه، عن الحميريّ، عن أحمد بن محمّد، عن ابن أبي نجران، عن

أبي الحسن الأول عليه السلام - في حديث - قال: شعيتنا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة ويحجّون البيت الحرام، ويصومون شهر رمضان، ويوالون أهل البيت، ويتبرّون من أعدائهم - إلى أن قال - : وإنّ أحدهم ليشفع في مثل ربعة ومضّرّ، فيشفعه الله فيهم لكرامته على الله عزّ وجلّ.

٨ - علل الشرايع ص ٩٤ - ٩٣

أبي، عن محمد العطار، عن جعفر بن محمد بن مالك، عن أحمد بن مدين، عن محمد بن عمّار، عن أبيه، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: - في حديث - شعيتنا من نور الله خلقوا واليه يعودون، والله أنكم لملحقون بنا يوم القيامة وإنّا لنشفع فنشفع، ووالله أنكم لتشفعون فتشفعون، وما من رجل منكم إلّا وسترفع له نار عن شماله وجنّة عن يمينه، فيدخل أحبّاءه الجنّة وأعداؤه النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٧.

٩ - أمالي الطوسي ص ٤٨١

أخبرنا جماعة عن أبي المفضل، قال: حدّثنا أبو سليمان أحمد بن هوزة بن أبي هراسة الباهلي من كتابه بالنهر وان، قال: حدّثنا إبراهيم بن إسحاق بن أبي بشر الأحمر بن نهاوند، قال: حدّثنا عبد الله بن حمّاد الأنصاري، عن أبي بصير يحيى بن القاسم الأسدي الضريّر، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (صلوات الله عليه)، عن أبيه، عن جدّه، عن أمير المؤمنين (صلوات الله عليه)، قال: سمعت رسول الله صلّى الله عليه وآله يقول: من قضى لأخيه المؤمن حاجة كان كمن عبد الله دهره - إلى أن قال - وإنّ العبد المؤمن ليؤمر به إلى النار يكون من أهل الذنوب والخطايا فيسحب، فيقول المؤمنون والمؤمنات: إلهنا، عبدك هذا كان يدعو لنا فشفعنا فيه، فيشفّعهم الله عزّ وجلّ فيه، فينجو من النار برحمة من الله عزّ وجلّ.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٤٥٦ عن محمد بن محمد بن عصام الكليني رحمه الله قال: حدثنا محمد بن يعقوب الكليني عن علي بن محمد عن محمد بن سليمان عن إسماعيل بن إبراهيم عن جعفر بن محمد التميمي عن الحسين بن علوان عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمد عن آبائه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله مثله.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٣٩٤.

١٠ - أمالي الطوسي ص ٤٦

أخبرني أبو عبد الله محمد بن محمد، قال: أخبرني أبو القاسم جعفر بن محمد رحمه الله، قال: حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن شريف بن سابق، عن أبي العباس الفضل بن عبد الملك، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام، عن آبائه عليهم السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أول عنوان صحيفة المؤمن بعد موته ما يقول الناس فيه، إن خيراً فخير، وإن شراً فشر، وأول تحفة المؤمن أن يغفر له ولمن تبع جنازته.

إلى أن قال: ثم قال يا فضل، لا تزهّدوا في فقراء شيعتنا، فإنّ الفقير منهم ليشفع يوم القيامة في مثل ربعة ومضر.

ثم قال: يا فضل، إنّما سُمّي المؤمن مؤمناً لأنّه يؤمن على الله فيجيز الله أمانه. ثم قال: أما سمعت الله (تعالى) يقول في أعدائكم إذا رأوا شفاعة الرجل منكم لصديقه يوم القيامة: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ٨ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٥٢.

١١ - أمالي الطوسي ص ٦٧١

بالإسناد إلى محمد بن عبد الرحمن عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال

رسول الله ﷺ: لا تستخفوا بشيعة عليّ، فإنّ الرجل منهم ليشفع عدد ربعة ومضّرّ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٥٦.

١٢ - أمالي الطوسي ص ٥٥١

قال: فهل فيكم أحد قال له رسول الله ﷺ «إنّ من شيعتك رجلاً يدخل في شفاعته الجنّة مثل ربعة ومضّرّ» غيري؟ قالوا: لا.

المحاسن ص ١٨٤

عنه عن عمر بن عبد العزيز، عن مفضل أو غيره، عن أبي عبد الله ﷺ في قول الله: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾ قال: الشافعون الأئمة و«الصدّيق» من المؤمنين.

المحاسن ص ١٨٤

عنه عن عثمان بن عيسى، عن سماعة، قال: سئل أبو عبد الله ﷺ عن المؤمن هل يشفع في أهله؟ قال: نعم، المؤمن يشفع فيشفّع.

المحاسن ص ١٨٤

وروي عن أبيه، عن فضالة، عن حسين بن عثمان، عن أبي حمزة أنّه قال: للنبي ﷺ شفاعة في أمّته، ولنا شفاعة في شيعتنا، ولشيعتنا شفاعة في أهل بيتهم.

المحاسن ص ١٨٤

عنه عن الحسن بن محبوب، عن أبي ولّاد الحنّاط، عن ميسر بن عبد العزيز،

عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إنَّ المؤمن منكم يوم القيامة ليمرَّ عليه بالرجل وقد أمر به إلى النار فيقول له: يا فلان أغثني فقد كنت أصنع إليك المعروف في الدنيا، فيقول المؤمن للملك: «خلَّ سبيله» فيأمر الله الملك أن أجز قول المؤمن فيخلِّي الملك سبيله.

ورواه في «ثواب الأعمال» ص ٢٠٦ عن أبيه عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب بعينه سنداً. لكنّه بتفاوت يسير.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤١.

المحاسن ص ١٨٤

عنه، عن ابن محبوب، عن أبان، عن أسد بن إسماعيل، عن جابر بن يزيد الجعفي، قال: قال أبو جعفر عليه السلام: يا جابر لا تستعن بعدونا في حاجة ولا تستطعمه ولا تسأله شربة ماء، إنّه ليمرّ به المؤمن في النار فيقول: يا مؤمن ألسنت فعلت بك كذا وكذا؟ فيستحي منه فيستنقذه من النار، وإنما سمّي المؤمن مؤمناً لأنّه يؤمن على الله فيؤمن أمانه.

١٨ - كتاب الزهد ص ٩٨

محمد بن أبي عمير عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الأحول عن حمran قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: إنَّ الكفار والمشركين (يعيرون) يرون أهل التوحيد في النار فيقولون: ما نرى توحيدكم أغنى عنكم شيئاً وما أنتم ونحن إلّا سواء قال: فيأنف لهم الرب عزّ وجلّ فيقول للملائكة: اشفعوا فيشفعون لمن شاء الله ويقول للمؤمنين: مثل ذلك حتّى إذا لم يبق أحد (إلّا) تبلغه الشفاعة قال تبارك وتعالى: أنا أرحم الراحمين اخرجوا برحمتي فيخرجون كما يخرج الفراش قال:

ثم قال أبو جعفر عليه السلام: ثم مدت العمد وأعمدت (وأصمدت) عليهم وكان والله الخلود.

١٩ - الاختصاص ص ١١١

روي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من أهل بيت يدخل واحد منهم الجنة إلا دخلوا أجمعين الجنة قيل: وكيف ذلك؟ قال: يشفع فيهم فيشفع حتى يبقى الخادم فيقول: يا ربّ خويدمتي قد كانت تقيني الحرّ والقرّ فيشفع فيها.

٢٠ - كتاب التمهيد ص ٤٧

عن أبي الحسن الأول عليه السلام قال: كان رسول الله يقول: لا تستخفوا بفقراء شيعة عليّ وعترته من بعده، فإنّ الرجل منهم ليشفع لمثل ربيعة ومضر.

٢١ - كتاب التمهيد ص ٤٦

عن محمد بن خالد البرقي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: والله ما اعتذر إلى ملك مقرب ولا إلى نبي مرسل إلا إلى فقراء شيعتنا، قيل له: وكيف يعتذر إليهم؟ قال: ينادي مناد أين فقراء المؤمنين؟ فيقوم عنق من الناس فيتجلاى لهم الربّ فيقول: وعزّتي وجلالي وعلوّي وآلائي وارتفاع مكاني ما حبست عنكم شهواتكم في دار الدنيا هواناً بكم عليّ، ولكن ذخرت لكم لهذا اليوم - أما ترى قوله: ما حبست عنكم شهواتكم في دار الدنيا اعتذاراً؟ قوموا اليوم فتصفحوا وجوه خلائقي فمن وجدتم له عليكم منّة بشربة من ماء فكافوه عني بالجنة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٢.

٢٢ - مجمع البيان ج ١ ص ١٠٤

قوله تعالى: «واتقوا» أي احذروا واخلشوا «يوماً لا تجزي» أي لا تغني أو لا تقضي فيه «نفس عن نفس شيئاً» - إلى أن قال - ويدل على ذلك أن الأمة اجتمعت على أن للنبي ﷺ شفاعته مقبولة وإن اختلفوا في كيفية شفاعته - إلى أن قال - ويؤيده الخبر الذي تلقته الأمة بالقبول وهو قوله ﷺ: ادّخرت شفاعتي لأهل الكبائر من أمتي. وما جاء في روايات أصحابنا - رضي الله عنهم - مرفوعاً عن النبي ﷺ أنه قال: إنني أشفع يوم القيامة فأشفع، ويشفع عليّ فيشفع ويشفع أهل بيتي فيشفعون، وإن أدنى المؤمنين شفاعته ليشفع في أربعين من إخوانه كل قد استوجب النار.



٢٣ - تفسير الفرات ص ٢٩٨

عن أحمد بن موسى معنعناً عن جعفر بن محمد، عن أبيه عليه السلام قال: نزلت هذه الآية فينا وفي شيعتنا قوله تعالى: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾ وذلك إن الله تعالى يفضّلنا ويفضّل شيعتنا حتّى إنّنا لنشفع ويشفعون فإذا رأى ذلك من ليس منهم قالوا: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٥٦.

٢٤ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٣٧

قال أمير المؤمنين عليه السلام: الله رحيم بعباده - إلى أن قال - فإذا كان يوم القيامة أضاف هذه الرحمة الواحدة إلى تسع وتسعين رحمة فيرحم بها أمة محمد ﷺ، ثم يشفعهم فيمن يحبّون له الشفاعته من أهل الملة حتّى أن الواحد ليحجى إلى مؤمن من الشيعة فيقول: اشفع لي، فيقول: وأي حق لك عليّ؟ فيقول: سقيتك يوماً ماءً،

فيذكر ذلك فيشفع له فيشفع فيه، ويجيئه آخر فيقول: إن لي عليك حقاً، فاشفع لي. فيقول: وما حقك عليّ؟ فيقول: استظللت بظلّ جداري ساعة في يوم حارّ، فيشفع له فيشفع فيه، ولا يزال يشفع حتّى يشفع في جيرانه وخلطائه ومعارفه، فإنّ المؤمن أكرم على الله ممّا تظنون.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٤.

٢٥ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ١٥٠

ثمّ قال رسول الله ﷺ (لسعد: ابشر) فإنّ الله يختم لك بالشهادة ويهلك بك أمة من الكفرة، ويهتزّ (عرش الرحمن) لموتك، ويدخل بشفاعتك الجنّة مثل عدد [شعور] الحيوانات كلّها.



٢٦ - اعلام الدين ص ٤٦١ مركز تحقيقات فقهية علوم حسنة

وروى جابر أيضاً عنه ﷺ قال: من أحبّ الأئمة من أهل بيتي فقد أصاب خير الدنيا والآخرة، فلا يشكّن أحد أنّه في الجنّة، فإنّ في حبّ أهل بيتي عشرين خصلة: عشر في الدنيا، وعشر في الآخرة، أمّا في الدنيا: فالزهد والحرص على العمل والورع في الدين والرغبة في العبادة والتوبة قبل الموت والنشاط في قيام الليل واليأس ممّا في أيدي الناس والحفظ لأمر الله عزّ وجلّ ونهيه، والتاسعة بغض الدنيا والعاشرة السخاء.

وأما في الآخرة: فلا ينشر له ديوان، ولا ينصب له ميزان، ويعطى كتابه بيمينه وتكتب له براءة من النار، ويبيض وجهه، ويكسى من حلل الجنّة، ويشفع في مائة من أهل بيته، وينظر الله إليه بالرحمة، ويتوّج من تيجان الجنّة، والعاشرة: دخول الجنّة بغير حساب، فطوبى لمحّب أهل بيتي.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٦٣.

٢٧ - جامع الأخبار ص ١٨٢

قال: قال رسول الله ﷺ في حديث طويل: يا عليّ إنّ محبّيك يكونون على منابر من نور مبيضة وجوههم أشفع لهم ويكونون في الجنّة جيرانني. قلنا: فإن كان أصحاب المنابر يفتخرون في منابر دار الغرور فكيف إذا تفاخر محبّ عليّ بمنابر النور في دار السرور.

٢٨ - جامع الأخبار ص ١٢٠

قال النبي ﷺ لعليّ عليه السلام: يا عليّ إنّ العبد المسلم إذا أتى عليه أربعون سنة أذهب الله منه البلاء والجنون والجذام والبرص - إلى أن قال - وإذا أتى عليه ثمانون سنة شفّعه الله يوم القيامة في جميع أهل بيته. الحديث.



٢٩ - الاعتقادات للصدوق ص ٦٦

وقال ﷺ: لا شفيع أنجح من التوبة. والشفاعة للأنبياء والأوصياء والمؤمنين والملائكة، وفي المؤمنين من يشفع في مثل ربيعة ومضر، وأقلّ المؤمنين شفاعة من يشفع لثلاثين إنساناً، والشفاعة لا تكون لأهل الشكّ والشرك ولأهل الكفر والجحود، بل تكون للمؤمنين من أهل التوحيد.

ما ورد في شفاعة القارئ يوم القيامة

١ - ثواب الأعمال ص ١٣٣

وبهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبي العلاء، عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه قال: من أكثر قراءة سورة «الرعد» لم يصبه الله بصاعقة أبداً ولو كان ناصبياً وإذا كان مؤمناً أدخله الجنّة بلا حساب ويشفّع في جميع من يعرفه من أهل بيته وإخوانه.

٢ - ثواب الأعمال ص ١٣٩

بهذا الإسناد، عن الحسن عن عمرو بن جبير العرزمي، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من قرأ سورة «ص» في ليلة الجمعة أعطي من خير الدنيا والآخرة ما لم يعط أحد من الناس إلا نبي مرسل أو ملك مقرب، وأدخله الله الجنة وكل من أحب من أهل بيته حتى خادمه الذي يخدمه، وإن لم يكن في حد عياله ولا في حد من يشفع فيه.

٣ - ثواب الأعمال ص ١٣٨

بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبي العلاء، عن أبي نصر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن لكل شيء قلباً وإن قلب القرآن يس، من قرأها قبل أن ينام أو في نهاره قبل أن يمشي كان في نهاره من المحفوظين والمرزوقين حتى يمسي ومن قرأها في ليله قبل أن ينام وكل الله به ألف ملك يحفظونه من شر كل شيطان رجيم ومن كل آفة، وإن مات في يومه أدخله الله الجنة، وحضر غسله ثلاثون ألف ملك كلهم يستغفرون له ويشيعونه إلى قبره بالاستغفار له - إلى أن قال - ثم يقول له الرب تبارك وتعالى: اشفع عبدي أشفعك في جميع ما تشفع، وسلني عبدي أعطك جميع ما تسأل، فيسأل فيعطى ويشفع فيشفع، ولا يحاسب فيمن يحاسب ولا يوقف مع من يوقف، ولا يذل مع من يذل، ولا يكتب بخطيئة ولا بشيء من سوء عمله، ويعطى كتاباً منشوراً حتى يهبط من عند الله فيقول الناس بأجمعهم: سبحان الله ما كان لهذا العبد من خطيئة واحدة، ويكون من رفقاء محمد صلى الله عليه وآله.

ورواه في «جامع الأخبار» ص ٤٧ - ٤٦.

ماورد في شفاعة من صام في شهر الرجب والشعبان

١ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٣٠١ - ٣٠٠

وروى جابر بن إسماعيل عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام أن رجلاً سأل عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن قيام الليل بالقراءة فقال له: أبشر من صلى من الليل عشر ليلة - إلى أن قال - ومن صلى ثمن ليلة أعطاه الله أجر شهيد صابر صادق النية وشفّع في أهل بيته. الحديث.

٢ - أمالي الصدوق ص ٥

حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن عليّ بن حسين بن موسى بن بابويه القميّ رحمه الله قال: حدّثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق قال: حدّثنا عبد العزيز بن يحيى البصري قال: حدّثنا المغيرة بن محمد قال: حدّثني جابر بن سلمة قال حدّثنا حسين بن حسن عن عامر السراج عن سلام الخثعمي عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام قال: من صام من رجب يوماً واحداً من أوّله أو وسطه أو آخره أوجب الله له الجنّة وجعله معنا في درجتنا يوم القيامة ومن صام يومين من رجب قيل له استأنف العمل فقد غفر لك ما مضى ومن صام ثلاثة أيّام من رجب قيل له قد غفر لك ما مضى وما بقي فاشفع لمن شئت من مذنبني إخوانك وأهل معرفت. ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ١٩ بعينه سنداً وممتناً، لكنّه ذكر في السند بدل حسين بن حسن: «حسن بن حسين»، وبدل «سلام الخثعمي»: «سلام الجعفي».

٣ - عيون الأخبار ج ١ ص ٢٩١

حدّثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق الطالقاني، قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن

سعيد الهمداني، عن علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن أبيه، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام قال: من صام أول يوم من رجب رغبة في ثواب الله عز وجل وجبت له الجنة، ومن صام يوماً في وسطه شفع في مثل ربيعة ومضر ومن صام يوماً في آخره جعله الله عز وجل من ملوك الجنة وشفعه في أبيه وأمه وابنه وابنته وأخته وأخيه وعمّه وعمّته وخاله وخالته ومعارفه وجيرانه وإن كان فيهم مستوجباً للنار.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ١٠ بعينه سنداً ومتمناً.
ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ١٧ بعينه سنداً ومتمناً.

٤ - ثواب الأعمال ص ٧٨ - ٨١

حدّثنا محمد بن [أبي] إسحاق قال: حدّثنا محمد بن الحسن الرازي قال: حدّثنا أبو الحسن علي بن محمد بن علي المقتني قال: حدّثني الحسين بن محمد المروزي عن أبيه، عن يحيى بن عباس قال: حدّثنا علي بن عاصم قال: حدّثني أبوهارون العبدي، عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله ألا إن رجباً شهر الله الأصم وهو شهر عظيم - إلى أن قال - ومن صام من رجب إحدى وعشرين يوماً شفع يوم القيامة في مثل ربيعة ومضر كلّهم من أهل الخطايا والذنوب.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٥٣٧ بعينه سنداً ومتمناً.
ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ٢٨ - ٢٤.

٥ - أمالى الصدوق ص ١٩

حدّثنا أبي عليه السلام قال حدّثني محمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي عن نصر بن مزاحم عن أبي عبد الرحمن المسعودي عن العلاء بن يزيد القرشي

قال: قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام حدثني أبي عن أبيه عن جدّه عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: شعبان شهري وشهر رمضان شهر الله عزّ وجلّ فمن صام يوماً من شهري كنت شفيعه يوم القيامة ومن صام يومين من شهري غفر له ما تقدّم من ذنبه ومن صام ثلاثة أيّام من شهري قيل له استأنف العمل ومن صام شهر رمضان فحفظ فرجه ولسانه وكفّ أذاه عن الناس غفر الله له ذنوبه ما تقدّم منها وما تأخّر وأعتقه من النار وأحلّه دار القرار وقبل شفاعته في عدد رمل عالج من مذنبى أهل التوحيد.

ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ٤٥ - ٤٤ بعينه سنداً ومتمناً.

٦ - ثواب الأعمال ص ٨٦ - ٨٨

عن محمد بن إبراهيم، عن محمد بن الحسين، عن أبي الحسن عليّ بن محمد بن علي، عن الحسن بن محمد المزورقي، عن أبيه، عن يحيى بن عيّاش، عن عليّ بن عاصم الواسطي، عن عطاء بن السائب، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله، وقد تذاكر أصحابه عنده فضائل شعبان فقال شهر شريف وهو شهري - إلى أن قال - ومن صام أربعة وشعرين يوماً من شعبان شفع في سبعين ألفاً من أهل التوحيد. الخبر.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٢٤ - ٢٢ بعينه سنداً ومتمناً.

ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ٤٨ لكنّه ذكر بدل قوله «من صام أربعة وعشرين»: «من صام خمسة وعشرين».

فى أن من لا ينال له شفاعته النبى والأئمة الطاهرين عليهم السلام

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٧٠

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل، عن

فى أن من لا ينال له شفاعة النبى والائمة الطاهرين ١٨٥

أبى إسماعيل السراج عن ابن مسكان، عن أبى بصير قال: قال أبو الحسن الأول عليه السلام: إنه لما حضر أبى الوفاة قال لي: يا بني إنه لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلاة.

٢ - أمالى الطوسي ص ٤٤٠

وبالإسناد، قال: حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل، قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن خالد بن جرير، عن أبى الربيع، عن أبى عبد الله الصادق عليه السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا ينال شفاعتي غداً من آخر المفروضة بعد وقتها.

ورواه فى «المحاسن» ص ٧٩ عن ابن محبوب مرفوعاً عن أبى عبد الله عليه السلام عنه عليه السلام.

وفى ص ٧٩ عن أبى بصير عن أبى جعفر عليه السلام عنه عليه السلام.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٢٨

وروى محمد بن اسماعيل عن صالح بن عقبة عن أبى شبل قال: قلت لأبى عبد الله عليه السلام: رجل مسلم فجر بجارية أخيه فما توبته؟ قال: يأتية ويخبره ويسأله أن يجعله فى حل ولا يعود، قلت: فإن لم يجعله من ذلك فى حل قال: يلقي الله عز وجل زانياً خائناً، قال قلت: فالنار مصيره؟ قال: شفاعة محمد صلى الله عليه وآله وشفاعتنا تحيط بذنوبكم يا معشر الشيعة فلا تعودوا ولا تتكلموا على شفاعتنا، فوالله لا ينال أحد شفاعتنا إذا فعل هذا حتى يصيبه ألم العذاب ويرى هول جهنم.

٤ - معانى الأخبار ص ٢٨٨

حدثنا محمد بن القاسم المفسر الجرجاني رحمه الله قال: حدثنا أحمد بن الحسن

الحسيني، عن الحسن بن عليّ الناصر [ي]، عن أبيه، عن محمد بن عليّ، عن أبيه الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن عليّ، عن أبيه عليّ بن الحسين، عن أبيه الحسين عليه السلام قال : قيل لأمر المؤمنين عليه السلام : صف لنا الموت. فقال: على الخير سقطهم، - إلى أن قال - فاعملوا وأطيعوا، لا تتكلموا ولا تستصغروا عقوبة الله عزّ وجلّ فإنّ من المسرفين من لا تلحقه شفاعتنا إلّا بعد عذاب ثلاثمائة ألف سنة.

ورواه في «الاعتقادات للصدوق» ص ٥١.

٥ - عيون الأخبار ج ١ ص ١٣٧ - ١٣٦

حدّثنا أبي عليه السلام قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، قال: حدّثنا عليّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن عليّ بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن عليّ بن موسى الرضا عليه السلام، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام، عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ومن لم يؤمن بحوضي فلا أورده الله حوضي ومن لم يؤمن بشفاعتي فلا أنا له الله شفاعتي، ثمّ قال عليه السلام: إنّما شفاعتي لأهل الكبائر من أمّتي فأما المحسنون فما عليهم من سبيل، قال الحسين بن خالد: فقلت للرضا عليه السلام يا بن رسول الله فما معنى قول الله عزّ وجلّ: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾ قال: لا يشفعون إلّا لمن ارتضى الله دينه. قال المصنّف: المؤمن هو الذي تسره حسنته وتسوؤه سيّئته، لقول النبي صلى الله عليه وآله: من سرته حسنته وساءته سيّئته فهو مؤمن، ومتى ساءه سيّئته ندم عليها، والندم توبة، والتائب مستحقّ للشفاعة والغفران، ومن لم تسوّه سيّئته فليس بمؤمن، وإذا لم يكن مؤمناً لم يستحقّ الشفاعة، لأنّ الله عزّ وجلّ غير مرتضى لدينه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩.

٦- عيون الأخبار ج ٢ ص ٦٦.

وبإسناده عن عليّ عليه السلام قال: من كذب بشفاعة رسول الله صلى الله عليه وآله لم تنله.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٠.

٧- عقاب الأعمال ص ٢٥١

أبي الله، عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن خالد، عن النضر، عن يحيى الحلبي، عن أبي المغراء، عن أبي بصير عن عليّ الصائغ قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن المؤمن يشفع لحميمه إلا أن يكون ناصباً، ولو أن ناصبياً، شفع لكل نبي مرسل وملك مقرب فما شفّعه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤١.

ورواه في «المحاسن» ص ١٨٦ عن أبيه عن النضر بن سويد بعينه سنداً ومتمناً.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

٨- عقاب الأعمال ص ٢٤٦

حدّثني محمد بن موسى بن المتوكل عليه السلام قال: حدّثني محمد بن جعفر قال: حدّثني موسى بن عمران، عن الحسن بن يزيد، عن عليّ بن أبي حمزة، عن أبي بصير قال: قال أبو عبد الله عليه السلام مدمن الخمر كعابد الوثن والناصب لآل محمد شرّ منه، قلت: جعلت فداك ومن أشرّ من عابد الوثن؟ فقال: إن شارب الخمر تدركه الشفاعة يوماً ما وإن الناصب لو شفع فيه أهل السماوات والأرض لم يشفّعوا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤١.

٩- المحاسن ص ١٨٤

عنه، عن أبيه عليه السلام، عن حمزة بن عبد الله، عن إسحاق بن عمّار، عن عليّ

الخدميّ قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إنّ الجار ليشفع لجاره والحميم لحميمه، ولو أنّ الملائكة المقرّبين والأنبياء المرسلين شفّعوا في ناصب ما شفّعوا.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٤٢.

١٠ - أمالي الطوسي ص ٣٦٧

وبهذا الإسناد، عن عليّ بن الحسين عليه السلام، قال: حدّثني أسماء بنت عميس الخثعمية، قالت: قبلت جدّتك فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله بالحسن والحسين عليهما السلام. قالت: فلمّا ولدت الحسن عليه السلام جاء النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا أسماء هاتي ابني؛ قالت: فدفعته إليه في خرقة صفراء، - إلى أن قال - قالت أسماء: فلمّا ولدت فاطمة الحسين عليهما السلام - إلى أن قال - ثمّ وضعه في حجره، ثمّ قال: يا أبا عبدالله، عزيز عليّ، ثمّ بكى فقلت: بأبي أنت وأُمّي فعلت في هذا اليوم وفي اليوم الأوّل، فما هو؟ فقال أبكي على ابني هذا، تقتله فئة باغية كافرة من بني أميّة، لا أنا لهم الله شفاعتي يوم القيامة. الحديث.

١١ - تفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٥٤٦

وقال أمير المؤمنين عليه السلام: فهوّلاء بنو إسرائيل نصب لهم باب حطة وأنتم يا معشر أمّة محمّد نصب لكم باب حطة أهل بيت محمّد صلى الله عليه وآله، وأمرتم باتّباع هداهم ولزوم طريقتهم، ليغفر [لكم] بذلك خطاياكم وذنوبكم، وليزداد المحسنون منكم، - إلى أن قال - أمّا أن رسول الله صلى الله عليه وآله قد قال: «من أراد أن يحيا حياتي، وأن يموت مماتي، وأن يسكن الجنّة التي وعدني ربّي، وأن يمسك قضيباً غرسه بيده وقال له: كن فكان، فليتول عليّ بن أبي طالب عليه السلام، وليوال وليّه، وليعاد عدوّه، وليتول ذرّيّته الفاضلين المطيعين لله من بعده، فإنّهم خلقوا من طينتي، ورزقوا فهمي وعلمي، فويل للمكذّب بفضلهم من أمّتي القاطعين فيهم صلتي، لا أنا لهم الله

شفاعتي.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٦٦.

١٢ - الاعتقاد للصدوق ص

اعتقادنا في الشفاعة أنّها لمن ارتضى الله دينه من أهل الكبائر والصغائر، فأما التائبون من الذنوب فغير محتاجين إلى الشفاعة. وقال النبي ﷺ : من لم يؤمن بشفاعتي فلا أنا له الله شفاعتي.

صفة الحوض

وما ورد في أنّ ماءه أشدّ بياضاً من اللبن وأحلى من العسل



١ - الكافي ج ٦ ص ٤٠٠

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن الحسن العطار، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ : لا ينال شفاعتي من استخفّ بصلاته ولا يرد عليّ الحوض، لا والله لا ينال شفاعتي من شرب المسكر ولا يرد عليّ الحوض لا والله.

٢ - الكافي ج ٤ ص ٢٨

أبو عليّ الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى، عن عبد الله بن الوليد، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ : أوّل من يدخل الجنّة المعروف وأهله وأوّل من يرد عليّ الحوض.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٢

وقال الصدوق عليه السلام : إنّ وليّ عليّ عليه السلام يراه في ثلاثة مواطن حيث يسرّه عند

الموت، و عند الصراط، وعند الحوض.

٤ - أمالي الصدوق ص ٧ و عيون الأخبار ج ١ ص ١٣٦

حدّثنا أبي عليه السلام قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا إبراهيم بن هاشم عن عليّ بن معبد عن الحسين بن خالد عن عليّ بن موسى الرضا عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من لم يؤمن بحوضي فلا أورده الله حوضي. الحديث.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ١٩.

٥ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٦٠

وبإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: ترد شيعتك يوم القيامة رواء غير عطاش، ويرد عدوك عطاشاً يستسقون فلا يسقون.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٠.

٦ - ثواب الأعمال ص ٨١

روى بإسناده عن أبي سعيد الخدري عنه صلى الله عليه وآله في حديث قال: - ومن صام من رجب أربعة وعشرين يوماً - إلى أن قال -، ويبعث من قبره ريّان حتّى يرد حوض النبي صلى الله عليه وآله.

٧ - عقاب الأعمال ص ٣٤٤

روى بإسناده عن أبي هريرة وعبد الله بن عباس قالوا: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وآله - إلى أن قال - ومن احتفر بئراً للماء حتّى استنبط ماءها فبذلها للمسلمين كان له

كأجر من توضأ منها وصلّى، وكان له بعدد كلّ شعرة من شعر إنسان أو بهيمة أو سبع أو طائر عتق ألف رقبة، ودخل يوم القيامة بشفاعته عدد النجوم حوض القدس، قلنا: يا رسول الله ما حوض القدس؟ قال: حوضي حوضي حوضي ثلاث مرّات.

٨ - عقاب الأعمال ص ٢٤٩

وبهذا الإسناد، عن أحمد بن أبي عبد الله عن إسماعيل بن مهران قال: أخبرني أبي، عن إسحاق بن جرير البجليّ قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: جاءني ابن عمّك كأنه أعرابيّ مجنون عليه إزار وطيلسان ونعلاه في يده فقال: لو أنّ قوماً يقولون فيك: قلت له: الست عربيّاً؟ قال: بلى، قلت: إنّ العرب لا تبغض عليّاً عليه السلام ثمّ قلت له: لعلّك ممّن يكذب بالحوض؟ أمّا والله لئن أبغضته ثمّ وردت على الحوض لتموتن عطشاً.

مركز تحقيقات كميتر علوم و معارف

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٢.

٩ - عقاب الأعمال ص ٣٤٤

روى بإسناده عن أبي هريرة وعبد الله بن عباس قالاً: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وآله - إلى أن قال - ومن احتفر لمسلم قبراً محتسباً حرّمه الله تعالى على النار وهبه بيتاً في الجنّة، وأورده حوضاً فيه من الأباريق عدد النجوم، عرضه ما بين أيلة وصنعاء.

١٠ - الخصال ص ٦٢٤

روى بسنده عن أمير المؤمنين عليه السلام في حديث «الأربعة مائة» أنّه قال: حوضنا مترع، فيه مثعبان (مثقبان خ ل)، ينصبّان من الجنّة، أحدهما من تسنيم والآخر من

معين، على حافتيه الزعفران وحصاه اللؤلؤ والياقوت وهو الكوثر. الخبر.
ورواه في «تفسير الفرات» ص ٣٦٦ في حديث عن عبيد بن كثير عليه السلام منه عليه السلام مثله.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ١٩.

ورواه في «جامع الأخبار» ص ١٧٤.

١١ - أمالي الطوسي ص ٦٠ وأمالي المفيد ص ٢٩٤

بالإسناد إلى عبد الله بن عباس قال: لما نزلت على رسول الله صلى الله عليه وآله ﴿إِنَّا
أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ قال له عليّ: إنّ هذا النهر شريف فانعتة لنا يا رسول الله، قال: نعم
يا عليّ، الكوثر نهر يجري تحت عرش الله تعالى، ماؤه أشدّ بياضاً من اللبن،
وأحلى من العسل، وألين من الزبد. الزبد: حصاؤه خ ل الزبرجد والياقوت
والمرجان، حشيشه الزعفران، ترابه المسك الأذفر، قواعده تحت عرش الله عزّ
وجلّ. ثمّ ضرب رسول الله صلى الله عليه وآله يده على جنب أمير المؤمنين عليه السلام وقال: يا عليّ
إنّ هذا النهر لي ولك ولحميّك من بعدي.

ورواه في «مناقب ابن شهر آشوب» ج ٢ ص ١٦١ عن ابن حبيزة وابن عباس
مثله.

ونقله عنها في «البحار» ج ٨ ص ١٨.

ورواه في «تفسير الفرات» ص ٦٠٩، عن عبيد بن كثير معنعناً عن
أبي جعفر عليه السلام وزاد في آخره: ثمرة كأمثال القلال من الزبرجد الأخضر والياقوت
الأحمر والدرّ الأبيض، يستبين ظاهره من باطنه وباطنه عن ظاهره.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٧.

١٢ - الاحتجاج للطبرسي ج ١ ص ٤٩ - ٤٨

عن ابن عباس قال: قال النبي ﷺ: إن الله عز وجل أعطاني نهراً في السماء مجراه تحت العرش، عليه ألف ألف قصر، لبنة من ذهب ولبنة من فضة، حشيشها الزعفران ورضراضها الدرّ والياقوت وأرضها المسك الأبيض فذلك خير لي ولأمتي، وذلك قوله تعالى: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ الخبر. ونقله عنه «البحار» ج ٨ ص ١٨.

١٣ - مجمع البيان ج ١٠ ص ٥٤٦

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ اختلفوا في تفسير الكوثر ف قيل هو نهر في الجنة عن عائشة وابن عمر. قال ابن عباس: لما نزلت إنا أعطيناك الكوثر سعد رسول الله ﷺ المنبر فقرأها على الناس فلمّا نزل قالوا يا رسول الله ما هذا الذي أعطاك الله؟ قال: نهر في الجنة أشدّ بياضاً من اللبن وأشدّ استقامة من القدرح حافتاه قباب الدرّ والياقوت ترده طير خضر لها أعناق كأعناق البخت قالوا: يا رسول الله ما أنعم تلك الطير قال: أفلا أخبركم بأنعم منها؟ قالوا: بلى. قال: من أكل الطائر وشرب الماء وفاز برضوان الله تعالى. وروي عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه قال: نهر في الجنة أعطاه الله نبيّه ﷺ عوضاً من ابنه، وقيل: هو حوض النبي ﷺ الذي يكثر الناس عليه يوم القيامة، عن عطاء.

وقال أنس: بينا رسول الله ﷺ ذات يوم بين أظهرنا إذ أغفى إغفاء ثم رفع رأسه مبتسماً فقلت: ما أضحكك يا رسول الله؟ قال: أنزلت عليّ أنفاً سورة، فقراً سورة الكوثر، ثم قال: أتدرون ما الكوثر؟ قلنا: الله ورسوله أعلم، قال: فإنه نهر وعدّنيه عليه ربّي خيراً كثيراً، هو حوضي ترد عليه أمتي يوم القيامة، أنيته عدد نجوم السماء فيختلج القرن منهم فأقول: يا ربّ إنهم من أمتي، فيقال: إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك.

١٤ - الخصال ص ٦٥

حدَّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمته الله قال: حدَّثنا محمد بن الحسن الصفَّار، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطَّاب: ويعقوب بن يزيد جميعاً عن محمد بن أبي عمير، عن عبد الله بن سنان، عن معروف بن خرَّبوذ، عن أبي الطفيل عامر بن واثلة، عن حذيفة بن أسيد الغفاري، قال: لَمَّا رجع رسول الله صلَّى الله عليه وآله من حجة الوداع ونحن معه أقبل حتَّى انتهى - إلى أن قال - ألا وإني فرطكم وأنتم واردون عليّ الحوض، حوضي غداً وهو حوض عرضه ما بين بُصرى وصنعاء فيه أقْداح من فضة عدد نجوم السماء، ألا وإني سائلكم غداً ما ذا صنعتُم فيما أشهدت الله به عليكم في يومكم هذا إذا وردتم عليّ حوضي، وما ذا صنعتُم بالثقلين من بعدي فانظروا كيف تكونون خلفتموني فيهما حين تلقوني؟ قالوا: وما هذان الثقلان يا رسول الله؟ قال: أمَّا الثقل الأكبر فكتاب الله عزَّ وجلَّ سببٌ ممدودٌ من الله ومنِّي في أيديكم، طرفه بيد الله والطرف الآخر بأيديكم، فيه علم ما مضى وما بقي إلى أن تقوم الساعة، وأمَّا الثقل الأصغر فهو حليف القرآن وهو عليّ بن أبي طالب وعترته عليهم السلام وإنَّهما لن يفترقا حتَّى يردا عليّ الحوض.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩.

١٥ - أمالي الطوسي ص ٢٢٨ - ٢٢٧

أخبرنا محمد بن محمد، عن عليّ بن محمد الكاتب، عن الحسن بن عليّ الزعفراني، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، قال حدَّثنا أبو جعفر السعدي، عن يحيى بن عبد الحميد الحماني، عن قيس بن الربيع، عن سعد بن طريف، عن الأصْبَغ بن نباتة، عن أبي أيُّوب الأنصاري، أنَّ رسول الله صلَّى الله عليه وآله سئل عن الحوض فقال: أمَّا إذا سألتموني عنه فساخبركم: أنَّ الحوض أكرمني الله به، وفضّلني على من كان قبلي

من الأنبياء، وهو ما بين أيلة وصنعاء، فيه من الآنية عدد نجوم السماء، يسيل فيه خليجان من الماء، ماؤه أشدّ بياضاً من اللبن، وأحلى من العسل، حصاه الزمرد والياقوت بطحاؤه مسك أذفر. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢١.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٤٥٠ عن كتاب الحسين بن سعيد بإسناده عن أبي أيوب الأنصاري.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٨.

١٦ - الاختصاص ص ٣٢١

الحسن بن أحمد بن سلمة اللؤلؤي، عن الحسن بن عليّ بن بقاح، عن عبد الله بن جبلة، عن عبد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الحوض فقال لي: هو حوض ما بين بصرى إلى صنعاء، أحبّ أن تراه؟ فقلت له: نعم، قال: فأخذ بيدي وأخرجني إلى ظهر المدينة، ثمّ ضرب برجله فنظرت إلى نهر يجري من جانبه هذا ماء أبيض من الثلج، ومن جانبه هذا لبن أبيض من الثلج، وفي وسطه خمر أحسن من الياقوت، فما رأيت شيئاً أحسن من تلك الخمر بين اللبن والماء، فقلت له: جعلت فداك من أين يخرج هذا ومن أين مجراه؟ فقال: هذه العيون التي ذكرها الله في كتابه أنهار في الجنة عين من ماء وعين من لبن وعين من خمر يجري في هذا النهر ورأيت حافتيه عليهما شجر فيهنّ جوار معلقات برؤوسهنّ، ما رأيت شيئاً أحسن منهنّ، وبأيديهنّ، آنية ما رأيت أحسن منها، ليست من آنية الدنيا، فدنيت من إحداهنّ فأومأ إليها بيده لتسقيه فنظرت إليها وقد مالت لتغرف من النهر فمال الشجر فاغترفت ثمّ ناولته فشرب ثمّ ناولها وأومأ إليها فمالت الشجرة معها فاغترفت ثمّ ناولته فناولني فشربت، فما رأيت شرباً كان ألين منه ولا أذّ

وكانت رائحته رائحة المسك ونظرت في الكأس فإذا فيه ثلاثة ألوان من الشراب فقلت له: جعلت فداك ما رأيت كاليوم قطّ وما كنت أرى الأمر هكذا فقال: هذا من أقلّ ما أعدّه الله تعالى لشييعتنا، إنّ المؤمن إذا توفّي صارت روحه إلى هذا النهر، ورعت في رياضه، وشربت من شرابه، وإنّ عدوّنا إذا توفّي صارت روحه إلى واديّ برهوت، فأخلدت في عذابه، وأطعمت من زقومه وسقيت من حميمه فاستعيذوا بالله من ذلك الوادي.

١٧ - تفسير المقيّ ج ١ ص ٣

وقال رسول الله ﷺ في حجة الوداع في مسجد الخيف: «إني فرطكم وأنكم واردون على الحوض» حوض عرضه مابين بصرة وصنعاء، فيه قدحان من فضة عدد النجوم. الحديث.



ورواه في «الخصال» ص ٦٦ مثله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩.

١٨ - كامل الزيارات ص ١٠٢ - ١٠١

بالإسناد إلى عبد الرحمن الأصمّ، عن مسمع كردين عن أبي عبد الله عليه السلام قال في حديث: إنّ الموضع قلبه لنا ليفرح يوم يرانا عند موته فرحة لا تزال تلك الفرحة في قلبه حتّى يرد علينا الحوض وإنّ الكوثر ليفرح بمحبّتنا إذا ورد عليه، حتّى أنّه ليزيقه من ضروب الطعام ما لا يشتهي أن يصدر عنه، يا مسمع من شرب منه شربة لم يظمأ بعدها أبداً ولم يشقّ بعدها أبداً، وهو في برد الكافور وريح المسك وطعم الزنجبيل، أحلى من العسل وألين من الزبد، وأصفى من الدمع، وأذكى من العنبر، يخرج من تسنيم، ويمرّ بأنهار الجنان، تجري على رضراض

الدرّ والياقوت، فيه من القدحان أكثر من عدد نجوم السماء، يوجد ريحه من مسيرة ألف عام، قدحانه من الذهب والفضة وألوان الجواهر، يفوح في وجه الشارب منه كلّ فائحة، حتّى يقول الشارب منه: ليتني تركت هاهنا لا أبغي بهذا بدلاً ولا عنه تحويلاً - الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٣ - ٢٢

١٩ - اعتقادات الصدوق ص

اعتقادنا في الحوض أنّه حقّ، وأنّ عرضه ما بين أيلة وصنعاء، وهو حوض النبي ﷺ وأنّ فيه من الأباريق عدد نجوم السماء، وأنّ الوالي عليه يوم القيامة أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام يسقي منه أوليائه، ويدود عنه أعداءه، ومن شرب منه شربة لم يظماً بعدها أبداً. وقال النبي ﷺ: ليختلجن قوم من أصحابي دوني وأنا على الحوض، فيؤخذ بهم ذات الشمال، فأنادي: يا ربّ، أصحابي، أصحابي. فيقال لي: إنّك لا تدري ما أحدثوا بعدك.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٧.

٢٠ - تفسير الفرات ص ٤٦٦

محمد بن عيسى بن زكريّا معنعناً عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ لمحبيّنا أهل البيت ستجدون من قریش إثرة فاصبروا حتّى تلقوني على الحوض، شرابه أحلى من العسل، وأبيض من اللبن، وأبرد من الثلج، وألين من الزبد، وأنتم الذين وصفكم الله في كتابه ﴿يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ﴾ إلى قوله: ﴿وَلَا يُنْزِفُونَ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٦.

٢١ - البحار ج ٨ ص ٢٥ عن كنز جامع الفوائد

بالإسناد إلى ابن عباس في قوله تعالى: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ قال: نهر في الجنة عمقه في الأرض سبعون ألف فرسخ، ماؤه أشدّ بياضاً من اللبن، وأحلى من العسل شاطئاه من اللؤلؤ والزبرجد والياقوت، خصّ الله به نبيّه وأهل بيته عليهم السلام دون الأنبياء.

ويؤيّد ما رواه أيضاً عن أحمد بن محمد بن حصين بن مخارف عن عمرو بن خالد عن زيد بن عليّ، عن أبيه، عن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أراني جبرئيل منازل عليّ ومنازل أهل بيتي عليّ الكوثر.

ويعضده أيضاً ما رواه عن الحسن بن محبوب، عن عليّ بن رئاب، عن مسمع بن أبي سيرة، عن أنس بن مالك قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: لمّا أسري بي إلى السماء السابعة قال لي جبرئيل: تقدّم يا محمد أمامك - وأراني الكوثر - وقال: يا محمد هذا الكوثر لك دون النبيين، فرأيت عليه قصوراً كثيرة من اللؤلؤ والياقوت والدرّ وقال: يا محمد هذه مساكنك ومساكن وزيرك ووصيك عليّ بن أبي طالب وذريته الأبرار، قال: فضربت بيدي إلى بلاطه فشمتته فإذا هو مسك، وإذا أنا بالقصور لبنة ذهب ولبنة فضّة.

وروي أيضاً عن أحمد بن هوزة، عن إبراهيم بن إسحاق، عن عبد الله بن حمّاد، عن حمران بن أعين، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله صلي الغداة ثمّ التفت إلى عليّ عليه السلام فقال: يا عليّ ما هذا النور الذي أراه قد غشيك؟ قال: يا رسول الله أصابتني جنابة في هذه الليلة فأخذت بطن الوادي ولم أصب الماء فلمّا وليت ناداني مناد: يا أمير المؤمنين فالتفت فإذا خلفي إبريق مملوء من ماء فاغتسلت، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عليّ أمّا المنادي فجبرئيل، والماء من نهر يقال له: الكوثر، عليه اثنا عشر ألف شجرة، كلّ شجرة لها ثلاثة مائة وستون غصناً، فإذا

أراد أهل الجنة الطرب هبت ريح فما من شجرة ولا غصن إلا وهو أحلى صوتاً من الآخر، ولو لا أن الله تعالى كتب على أهل الجنة أن لا يموتوا لماتوا فرحاً من شدة حلاوة تلك الأصوات، وهذا النهر في جنة عدن، وهو لي ولك ولفاطمة والحسن والحسين، وليس لأحد فيه شيء.

في أن ساقى الحوض هو علي بن أبي طالب عليه السلام في القيامة

١ - أمالي الصدوق ص ٢٧٩ - ٢٨٠

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمه الله قال: حدثنا عمي محمد بن أبي القاسم قال: حدثنا محمد بن علي القرشي عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آباءه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله - إلى أن قال - فمن أراد منكم أن يتخلص من هول ذلك اليوم فليتول وليي ولتبع وصيي وخليفتي من بعدي علي بن أبي طالب عليه السلام فإنه صاحب حوضي يذود عنه أعداءه ويسقي أوليائه فمن لم يسق منه لم يزل عطشان ولم يرو أبداً ومن سقي منه شربة لم يشق ولم يظم أبداً. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩.

٢ - أمالي الصدوق ص ٢٩٨

بالإسناد إلى ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا سيّد الأنبياء والمرسلين، وأفضل من الملائكة المقربين وأوصيائي سادة أوصياء النبيين والمرسلين... وأنا أكثر النبيين تبعاً يوم القيامة، ولي حوض عرضه ما بين بصرى وصنعاء، فيه من الأباريق عدد نجوم السماء وخليفتي على الحوض يومئذ خليفتي في الدنيا فقيل: ومن ذاك يا رسول الله؟ قال: إمام المسلمين وأمير المؤمنين ومولاهم

بعدي علي بن أبي طالب، يسقي منه أوليائه ويزود عنه أعداءه، كما يزود أحدكم الغريبة من الإبل عن الماء. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٢.

٣ - أمالي الصدوق ص ٥٦٢ - ٥٦١

روى عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن البرقي عن القاسم بن يحيى عن جدّه الحسن بن راشد عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمد عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله - إلى أن قال - يا علي أنت وشيعتك على الحوض، تسقون من أحببتهم، وتمنعون من كرهتكم، وأنتم الآمنون يوم الفرع الأكبر في ظلّ العرش يفرع الناس ولا تفرعون ويحزن الناس ولا تحزنون وفيكم نزلت هذه الآية: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾ وفيكم نزلت ﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ الحديث.

ورواه في «تفسير الفرات» ص ٢٦٦ - ٢٦٥ عن محمد بن الحسن بن إبراهيم معنعناً: عن علي بن أبي طالب عليه السلام.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ٢٨.

ورواه في «البحار» ج ٧ ص ١٧٩ عن فضائل الشيعة للصدوق: بإسناده عن أبي بصير عن الصادق عن آبائه عنه صلى الله عليه وآله.

٤ - عيون الأخبار ج ١ ص ٣٠٤ - ٣٠٣

حدّثنا أبي عليه السلام قال: حدّثنا الحسين بن أحمد المالكي، عن أبيه، عن إبراهيم بن أبي محمود، عن علي بن موسى الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر

بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين عن أبيه الحسين بن علي عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ يا علي أنت المظلوم من بعدي - إلى أن قال - وأنت أول من يجوز الصراط معي وإن ربي عز وجل أقسم بعزته أنه لا يجوز عقبه الصراط إلا من معه براءة بولايتك وولاية الأئمة من ولدك وأنت أول من يرد حوضي تسقي منه أوليائك وتذود عنه أعدائك وأنت صاحبي إذا قمت المقام المحمود تشفع لمحبينا فتشفع فيهم وأنت أول من يدخل الجنة ويبدك لوائي وهو لواء الحمد وهو سبعون شقة الشقة منه أوسع من الشمس والقمر، وأنت صاحب شجرة طوبى في الجنة أصلها في دارك وأغصانها في دور شيعتك ومحبيك. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٣١١.



٥ - الخصال ص ٣١٤

حدثنا الحسين بن إبراهيم بن ناتانة والحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المكتب، وأحمد بن زياد بن جعفر الهمداني، وعلي بن عبد الله الوراق - رضي الله عنهم - قالوا: حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن ياسر الخادم قال: حدثنا علي بن موسى الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين بن علي، عن أبيه أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: يا علي إنني سألت ربي عز وجل فيك خمس خصال فأعطاني، أما أولها فإني سألته أن تنشق الأرض عني فأنفض التراب عن رأسي وأنت معي، فأعطاني. وأما الثانية فإني سألته أن يقفني عند كفة الميزان وأنت معي، فأعطاني. وأما الثالثة فسألت ربي عز وجل أن

يجعلك حامل لوائي وهو لواء الله الأكبر، عليه مكتوب «المفلحون الفائزون بالجنة»، فأعطاني. وأمّا الرابعة فإنّي سألته أن يسقي أمتي من حوضي بيدك، فأعطاني. وأمّا الخامسة فإنّي سألته أن يجعلك قائد أمتي إلى الجنة، فأعطاني. والحمد لله الذي منّ عليّ به.

ورواه أيضاً في «الخصال» ص ٣١٤.

عن أبي منصور أحمد بن إبراهيم بن بكر قال: حدّثنا زيد بن محمّد البغداديّ قال: حدّثنا أبو القاسم عبد الله بن أحمد الطائيّ قال: حدّثني أبي قال: حدّثني عليّ بن موسى الرضا، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ عليه السلام عن النبيّ ﷺ مثله.

٦ - أمالي الطوسي ص ١٠٤ و ١٠٥

أخبرنا محمّد بن محمّد، قال: أخبرني أبو الحسن أحمد بن محمّد بن الحسن، قال: حدّثني أبي، عن سعيد بن عبد الله بن موسى، قال: حدّثنا محمّد بن عبد الرحمن العزمي، قال: حدّثني المعلّى بن هلال، عن الكلبي، عن أبي صالح، عن عبد الله بن العباس، قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: أعطاني الله (تبارك وتعالى) خمساً، وأعطى عليّاً خمساً: أعطاني جوامع الكلم، وأعطى عليّاً جوامع العلم؛ وجعلني نبياً وجعله وصيّاً؛ وأعطاني الكوثر، وأعطاه السلسبيل؛ وأعطاني الوحي، وأعطاه الإلهام؛ وأسرى بي إليه، وفتح له أبواب السماء والحُجب حتّى نظر إليّ فنظرت إليه. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٧.

٧ - أمالي الطوسي ص ١٧٢

بالإسناد إلى أبي حرب بن أبي الأسود الدؤلي، عن أبيه، قال: سمعت

أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام يقول: والله لأذودنّ بيديّ هاتين القصيرتين عن حوض رسول الله صلى الله عليه وآله أعداءنا، وليردّنه أحبّاءنا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٠.

ورواه في «مناقب ابن شهر آشوب» ج ٢ ص ١٦٢.

٨- أمالي الطوسي ص ١١٦ - ١١٥ وأمالي المفيد ص ٣٣٩

بالإسناد إلى عبدالرحمن (الرزاق خ ل) بن قيس الرحبيّ، قال: كنت جالسا مع أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام على باب القصر - إلى أن قال - قال: حدّثني خليلي رسول الله صلى الله عليه وآله أنّي أرد أنا وشيعتي الحوض رواء مروّين مبيضة وجوههم، ويرد عدونا ظمأ مظمّئين مسودة وجوههم. الحديث.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ٢١.

مركز تقيت كافي علوم حسدي

٩ - أمالي الطوسي ص ٩٤

روى بإسناده عن حمزة بن أبي سعيد الخدري، عن أبيه، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول على المنبر: ما بال أقوام يقولون: إنّ رحم رسول الله صلى الله عليه وآله لا تشفع يوم القيامة؟ بلى والله، إنّ رحمي لموصلة في الدنيا والآخرة، وإنّي أيّها الناس فرطكم يوم القيامة على الحوض، فإذا جئتم قال الرجل: يا رسول الله، أنا فلان بن فلان، فأقول: أمّا النسب فقد عرفته، لكنّكم أخذتم بعدي ذات الشمال وارتددتم على أعقابكم القهقري.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٠.

١٠ - أمالي المفيد ص ٢٩٠

قال: حدّثني أبو القاسم جعفر بن محمّد بن قولويه رحمته الله قال: حدّثنا الحسين بن

محمد بن عامر، عن معلى بن محمد البصري، عن محمد بن جمهور العمي قال: حدثنا أبو علي الحسن بن محبوب قال: سمعت أبا محمد الوابشي رواه عن أبي الورد قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام يقول: إذا كان يوم القيامة جمع الله الناس في صعيد واحد من الأولين والآخرين عراة حفاة، فيوقفون على طريق المحشر حتى يعرقوا عرقاً شديداً ويشتد أنفاسهم، فيمكثون بذلك ما شاء الله، وذلك قوله تعالى: ﴿فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً﴾.

قال: ثم ينادي مناد من تلقاء العرش: أين النبي الأمي؟ قال: فيقول الناس: قد أسمعت كلاً، فسم باسمه. قال: فينادي: أين نبي الرحمة محمد بن عبد الله؟ قال: فيقوم رسول الله صلى الله عليه وآله فيقف أمام الناس كلهم حتى ينتهي إلى حوض طوله ما بين أيلة وصنعاء، فيقف عليه، ثم ينادي بصاحبكم، فيقوم أمام الناس، فيقف معه، ثم يؤذن للناس فيمروّن.



قال أبو جعفر عليه السلام: فبينما ورد يومئذ وبين مصروف، فإذا رأى رسول الله صلى الله عليه وآله من يصرف عنه من محبينا أهل البيت بكى وقال: يا رب شيعة علي، يا رب شيعة علي. قال: فيبعث الله إليه ملكاً فيقول له: ما يبكيك يا محمد؟ قال: وكيف لا أبكي لأناس من شيعة أخي علي بن أبي طالب، أراهم قد صرفوا تلقاء أصحاب النار، ومنعوا من ورود حوضي؟! قال: فيقول الله عز وجل: يا محمد إنني قد وهبتهم لك، وصفح لك عن ذنوبهم، وألحقتهم بك وبمن كانوا يتولون من ذريتك، وجعلتهم في زمرك، وأوردتهم حوضك، وقبلت شفاعتك فيهم، وأكرمتك بذلك.

ثم قال أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين عليه السلام: فكم من بالك يومئذ وباكية ينادون يا محمداه إذا رأوا ذلك، فلا يبقى أحد يومئذ كان يتولانا ويحبنا إلا كان في حزبنا ومعنا وورد حوضنا.

ورواه في «أمال الطوسي» ص ٦٧ بعينه سنداً ومتمناً.

ورواه في «تفسير القمّي» ج ١ ص ٦٤ عن أبيه عن ابن محبوب عن الوابشي عن أبي الورد مثله.

ونقله عنها في «البحار» ج ٨ ص ١٧.

١١ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٦١

الحافظ أبو نعيم بإسناده إلى عطية عن أنس قال: دخلت على رسول الله فقال: قد أعطيت الكوثر فقلت: يا رسول الله وما الكوثر؟ قال: نهر في الجنة عرضه وطوله ما بين المشرق والمغرب، لا يشرب أحد منه فيظماً، ولا يتوضأ أحد منه فيشعث، لا يشربه إنسان أخفر ذمّي ولا قتل أهل بيتي.

النبيّ: يذود علي عنه يوم القيامة من ليس من شيعته ومن شرب منه لم يظماً أبداً.



طارق قال أمير المؤمنين عليه السلام والذي فلق الحبة وبرأ النسمة لأقمعن بيدي هاتين من الحوض أعدائنا إذا وردته أحباؤنا.

وروى أحمد في الفضائل نحوه عن أبي حرب بن أبي الأسود الدؤلي. وفي أخبار أبي رافع من خمسة طرق قال النبيّ يا عليّ ترد علي الحوض وشيعتك رواء مرويين ويرد عليك عدوك ظماء مقمحين وجاء في تفسير قوله تعالى: ﴿وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ﴾ يعني سيدهم عليّ بن أبي طالب، والدليل على أن الربّ بمعنى السيّد قوله تعالى: ﴿اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾.

الفائق إنّ النبيّ ﷺ قال لعليّ: أنت الذائد عن حوضي يوم القيامة تذود عنه الرجال كما يذاد الأصيد البعير الصادي أي الذي به الصيد والصيد داء يلوي عنقه. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٤ - إلى قوله: أحباؤنا.

١٢ - تفسير الفرات ص ٩٢

الحسين بن سعيد معنعناً عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: يحشر يوم القيامة شيعة عليّ رواء مرويين مبيضة وجوههم، ويحشر أعداء عليّ يوم القيامة مسودة ظامئين ثمّ قرأ: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٤.

١٣ - تفسير الفرات ص ٤٩٤

فرات قال: حدّثني عليّ بن محمد الزهري [قال: حدّثنا محمد بن عبد الله بن غالب عن محمد بن إسماعيل عن حمّاد عن إبراهيم]: عن المغيرة قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: ﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ لما رأوا عليّاً عند الحوض مع رسول الله صلى الله عليه وآله ﴿وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ﴾ باسمه تسميتهم أمير المؤمنين أنفسكم.

١٤ - البحار ج ٨ ص ٢٤ ح ١٨ عن كشف اليقين

بإسناده إلى أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام قال في قوله عزّ وجلّ: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ الآية: قال النبي صلى الله عليه وآله تحشر أمّتي يوم القيامة حتّى يردوا عليّ الحوض فتزد رأية إمام المتّقين وسيد المسلمين وأمير المؤمنين وخير الوصيّين وقائد الغرّ المحجّلين وهو عليّ بن أبي طالب فأقول: ما فعلتم بالثقلين بعدي؟ فيقولون: أمّا الأكبر فاتبعنا وصدّقنا وأطعنا، وأمّا الأصغر فأحببنا ووالينا حتّى هزّقت دماؤنا، فأقول: روّوا رواءاً مرويين مسودة وجوهكم الحوض، وهو تفسير الآية.

في أن في القيامة يختم الله على السنة قوم وينطق جوارحهم ٢٠٧

١٥ - البحار ج ٨ ص ٢٤ ح ١٩ عن كشف اليقين

بالإسناد إلى أبي ذر الغفاري قال: قال رسول الله ﷺ: يرد عليّ الحوض رؤية أمير المؤمنين وإمام الغر المحجلين، فأقوم فأخذ بيده فيبيض وجهه ووجوه أصحابه، فأقول: ما خلفتموني في الثقلين بعدي؟ فيقولون: اتبعنا الأكبر وصدقناه، ووازرنا الأصغر ونصرناه وقتلنا (قاتلنا خ ل) معه، فأقول: روّوا رواءاً مرويين، فيشربون شربة لا يظمئون بعدها، وجه إمامهم كالشمس الطالعة، ووجوههم كالقمر ليلة البدر، وكأضوء نجم في السماء.

١٦ - البحار ج ٨ ص ٢٣ عن بشارة المطفى

بالإسناد عن ابن عمر قال: حدثنا النبي ﷺ - وهو الصادق المصدق - قال: إذا كان يوم القيامة وجمع الله الأولين والآخرين نادى منادٍ بصوت يسمع به البعيد كما يسمع به القريب: أين عليّ بن أبي طالب، أين عليّ الرضا؟ فيؤتى بعليّ الرضا فيحاسبه حساباً يسيراً، ويكسى حلتان خضراوان ويعطى عصاه من الشجرة وهي شجرة طوبى فيقال له: قف على الحوض فاسق من شئت وامنع من شئت.

في أن في القيامة يختم الله على السنة قوم وينطق جوارحهم

١ - تفسير القمي ج ٢ ص ٢٦٤

وقوله ﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ فإنها نزلت في قوم يعرض عليهم أعمالهم فينكرونها فيقولون ما عملنا منها شيئاً، فتشهد عليهم الملائكة الذين كتبوا عليهم أعمالهم، فقال الصادق عليه السلام فيقولون لله: يا رب هؤلاء ملائكتك يشهدون لك ثم يحلفون بالله ما فعلوا من ذلك شيئاً وهو قول الله ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ﴾ وهم

الَّذِينَ غَضَبُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فعند ذلك يختم الله على ألسنتهم وينطق جوارحهم فيشهد السمع بما سمع ممّا حرم الله ويشهد البصر بما نظر به إلى ما حرم الله وتشهد اليدان بما أخذتا وتشهد الرجلان بما سعتا فيما حرم الله ويشهد الفرج بما ارتكب ممّا حرم الله ثم، أنطق الله ألسنتهم ﴿وَقَالُوا هُمْ لِحُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ﴾ أي من الله ﴿أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ﴾ والجلود الفروج ﴿وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ وَذَلِكَ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣١٢.



٢ - تفسير القمي ج ٢ ص ٢١٦

وقوله: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ - إلى قوله: - بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ قال: إذا جمع الله الخلق يوم القيامة دفع إلى كل إنسان كتابه فينظرون فيه فينكرون أنهم عملوا من ذلك شيئاً فتشهد عليهم الملائكة فيقولون: يا ربّ ملائكتك يشهدون لك ثمّ يحلفون أنهم لم يعملوا من ذلك شيئاً وهو قوله: ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ﴾ فإذا فعلوا ذلك ختم الله على ألسنتهم وتنطق جوارحهم ﴿بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣١٢.

٣ - تفسير العياشي ج ١ ص ٢٤٢

عن مسعدة بن صدقة عن جعفر بن محمد عن جدّه قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبته يصف هول يوم القيامة: ختم على الأفواه فلا تكلم،

فى كتابة الأعمال وتوكيله تعالى بذلك حفظه كراماً ٢٠٩

فتكلمت الأيدي وشهدت الأرجل ونطقت الجلود بما عملوا، فلا يكتُمون الله حديثاً.

ونقله عنه فى «البحار» ج ٧ ص ٣١٣.

فى كتابة الأعمال وتوكيله تعالى بذلك حفظه كراماً

١ - اصول الكافى ج ٢ ص ٤٢٩

العدة، عن البرقى، عن عليّ بن حفص العوسى، عن عليّ بن السائح، عن عبد الله بن موسى بن جعفر، عن أبيه قال: سأله عن الملكين: هل يعلمان بالذنب إذا أراد العبد أن يفعلهُ أو الحسنه؟ فقال: ريح الكنيف وريح الطيب سواء؟ قلت: لا، قال: إنّ العبد إذا همّ بالحسنه خرج نفسه طيب الريح فقال: صاحب اليمين لصاحب الشمال: قم فإنه قد همّ بالحسنه، فإذا فعلها كان لسانه قلمه، وريقه مداده، فأثبتها له، وإذا همّ بالسيئة خرج نفسه منتن الريح فيقول صاحب الشمال لصاحب اليمين: قف فإنه قد همّ بالسيئة، فإذا هو فعلها كان لسانه قلمه، وريقه مداده فأثبتها عليه.

ونقله عنه فى «البحار» ج ٥ ص ٣٢٥.

٢ - الكافى ج ٣ ص ٢٨٢

عليّ بن محمّد، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمّد بن أبي نصر، عن عبد الرحمن بن سالم، عن إسحاق بن عمّار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أخبرني بأفضل المواقيت فى صلاة الفجر؟ فقال: مع طلوع الفجر إنّ الله عزّ وجلّ يقول: ﴿وَقْرآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قْرآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً﴾ يعنى صلاة الفجر تشهد ملائكة الليل وملائكة النهار، فإذا صلى العبد الصبح مع طلوع الفجر أثبتت له مرّتين: أثبتتها

ملائكة الليل وملائكة النهار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٥ ص ٣٢١.

٣ - أصول كافي ج ٢ ص ٤٢٩

محمد بن يحيى، عن ابن عيسى، عن علي بن الحكم، عن فضيل بن عثمان المرادي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: قال رسول الله ﷺ: أربع من كنّ فيه لم يهلك على الله بعدهنّ إلّا هالك يهملّ العبد بالحسنة فيعملها فإن هو لم يعملها كتب الله له حسنة بحسن نيّته وإن هو عملها كتب الله له عشرًا، ويهملّ بالسيّئة أن يعملها فإن لم يعملها لم يكتب عليه شيء وإن هو عملها أجلّ سبع ساعات وقال صاحب الحسنات لصاحب السيّئات وهو صاحب الشمال: لا تعجل عسى أن يتبعها بحسنة تمحوها، فإن الله عزّ وجلّ يقول: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾. أو الاستغفار فإنّ هو قال: «أستغفر الله الذي لا إله إلّا هو، عالم الغيب والشهادة، العزيز الحكيم الغفور الرحيم: ذو الجلال والإكرام وأتوب إليه» لم يكتب عليه شيء وإن مضت سبع ساعات ولم يتبعها بحسنة ولا استغفار قال صاحب الحسنات لصاحب السيّئات: اكتب على الشقي المحروم.

٤ - نهج البلاغة ص ٦٠٢

قال أمير المؤمنين عليه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بَعِيْنُهُ وَنَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ وَتَقَلُّبُكُمْ فِي قَبْضَتِهِ إِنَّ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ، وَإِنْ أَعْلَنْتُمْ كِتْبَهُ، وَقَدْ وَكَّلَ بِذَلِكَ حَفْظَةَ كِرَامًا لَا يُسْقِطُونَ حَقًّا وَلَا يُثْبِتُونَ بَاطِلًا.

ونقلهما عنهما في «البحار» ج ٥ ص ٣٢٦.

التهذيب ج ص

محمّد بن عليّ بن محبوب، عن اليقطيني، عن الحسن بن عليّ، عن إبراهيم بن عبد الحميد قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنّ أمير المؤمنين عليه السلام كان إذا أراد قضاء الحاجة وقف على باب المذهب ثمّ التفت يميناً وشمالاً إلى ملكيه فيقول أميطا عني فلكما الله عليّ أن لا أحدث حدثاً حتّى أخرج إليكما. ونقله عنه في «البحار» ج ٥ ص ٣٢٧.

٦- أمالي الطوسي ص ٥٧١

جماعة عن أبي الفضل، عن أحمد بن محمد بن إسحاق العلويّ العريضيّ، عن محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن موسى بن جعفر عن عمّيه عليّ والحسين ابني موسى، عن أبيهما موسى بن جعفر عن آبائه عن عليّ عليه السلام عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال: يوحى الله عزّ وجلّ إلى الحفظة الكرام: لا تكتبوا على عبدي المؤمن عند ضجره شيئاً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٥ ص ٣٢٨.

٧- كتاب الزهد ص ٧٢

ابن المغيرة عن جميل بن درّاج عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا همّ العبد بسيئة لم تكتب عليه، وإذا همّ بحسنة كتبت له. ونقله عنه في «البحار» ج ٥ ص ٣٢٧.

٨- كتاب الزهد ص ٥٤

النضر، عن حسين بن موسى، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنّ في

الهواء ملكاً يقال له: إسماعيل على ثلاث مائة ألف ملك كل واحد منهم على مائة ألف: يحصون أعمال العباد، فإذا كان رأس السنة بعث الله إليهم ملكاً يقال له: السجل فانتسج ذلك منهم وهو قول الله تبارك وتعالى: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكُتُبِ﴾.

٩ - كتاب الزهد ص ٥٣

ابن أبي عمير، عن محمد بن حمران، عن زرارة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ما من أحد إلا ومعه ملكان يكتبان ما يلفظه، ثم يرفعان ذلك إلى ملكين فوقهما فيثبتان ما كان من خير وشر ويلقيان ما سوى ذلك.

١٠ - نهج البلاغة ص ٤٩٥ الخطبة ١٥٦

اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ عَلَيْكُمْ رَصْدًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ، وَعُيُونًا مِنْ جَوَارِحِكُمْ، وَحُفَظًا صِدْقٍ يَحْفَظُونَ أَعْمَالَكُمْ وَعَدَدَ أَنْفَاسِكُمْ، لَا تَسْتُرُكُمْ مِنْهُمْ ظُلْمَةٌ لَيْلٍ دَاجٍ، وَلَا يُكِنُّكُمْ مِنْهُمْ بَابٌ ذُو رِتَاجٍ.
ونقله عنها في «البحار» ج ٥ ص ٣٢٢.

١١ - الاحتجاج ج ٢ ص ٣٤٨

سأل الزنديق الصادق عليه السلام: ما علة الملائكة الموكلين بعباده يكتبون عليهم ولهم، والله عالم السر وما هو أخفى؟ قال: استعبدتهم بذلك وجعلهم شهوداً على خلقه ليكون العباد لملازماتهم إياهم أشد على طاعة الله مواظبة وعن معصيته أشد انقباضاً، وكم من عبد يهمل بمعصية فذكر مكانها فارعوى وكف فيقول ربّي يراني وحفظتي بذلك تشهد وإن الله برأفته ولطفه أيضاً وكلهم بعباده يذبّون عنهم مرادة

فى كتابة الأعمال وتوكيله تعالى بذلك حفظه كراماً ٢١٣

الشياطين وهوامّ الأرض وآفات كثيرة من حيث لا يرون بإذن الله إلى أن يجيء أمر الله عزّ وجلّ.

ونقله عنه فى «البحار» ج ٥ ص ٣٢٣.

١٢ - العقائد للصدوق ص

اعتقادنا أنّه ما من عبد إلّا وله ملكان موكلان به يكتبان عليه جميع أعماله ومن همّ بحسنة ولم يعملها كتب له حسنة، فإن عملها كتب له عشر حسنات، وإن همّ بسيئة لم تكتب عليه حتّى يعملها، فإن عملها كتب عليه سيئة واحدة، والملكان يكتبان على العبد كلّ شيء حتّى النفخ فى الرماد قال الله عزّ وجلّ: ﴿وإنّ عليكم لحافظين كراماً كاتبين يعلمون ما تفعلون﴾.

ومرّ أمير المؤمنين عليّ عليه السلام برجل وهو يتكلّم بفضول الكلام، فقال: يا هذا؟ إنّك تملّي على كاتبك كتاباً إلى ربّك فتكلّم بما يعنّيك ودع ما لا يعنّيك.

وقال عليه السلام: لا يزال الرجل المسلم يكتب محسناً ما دام ساكناً، فإذا تكلّم كتب إما محسناً أو مسيئاً، وموضع الملكين من ابن آدم الشدقان، صاحب اليمين يكتب الحسنات وصاحب الشمال يكتب السيئات، وملكاً النهار يكتبان عمل العبد بالنهار، وملكاً الليل يكتبان عمل الليل.

روى الصدوق فى كتاب فضائل الشيعة: عن أبيه، عن سعد، عن عباد بن سليمان، عن سدير الصيرفي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: دخلت عليه وعنده أبوبصير وميسرة وعدّة من جلسائه فلمّا أن أخذت مجلسي أقبل عليّ بوجهه وقال: يا سدير أما إنّ وليّنا ليعبد الله قائماً وقاعداً ونائماً وحيّاً وميتاً، قال: قلت جعلت فداك أمّا عبادته قائماً وقاعداً وحيّاً فقد عرفنا كيف يعبد الله نائماً وميتاً؟ قال: إنّ وليّنا ليضع رأسه فيرقد فإذا كان وقت الصلاة وكلّ به ملكين خلقاً في

الأرض لم يصعدا إلى السماء ولم يريا ملكوتهما فيصلّيان عنده حتّى ينتبه فيكتب الله ثواب صلاتهما له، والركعة من صلاتهما تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين، وإنّ وليّنا ليقبضه الله إليه فيصعد ملكاه إلى السماء فيقولان: يا ربّنا عبدك فلان بن فلان إنقطع واستوفى أجله، ولأنت أعلم منّا بذلك، فأذن لنا نعبدك في آفاق سمائك وأطراف أرضك قال فيوحى الله إليهما أنّ في سمائي لمن يعبدني وما لي في عبادته من حاجة بل هو أحوج إليها وأنّ في أرضي لمن يعبدني حقّ عبادتي وما خلقت خلقا أحوج إليّ منه فيقولان يا ربّنا من هذا يسعد بحبك إيّاه قال: فيوحى الله إليهما ذلك من أخذ ميثاقه بمحمّد عبدي ووصيّيه وذريّتهما بالولاية إهبطا إلى قبر وليّي فلان بن فلان فصلّيا عنده إلى أن أبعثه في القيامة، قال: فيهبط الملكان فيصلّيان عند القبر إلى أن يبعثه الله فيكتب ثواب صلاتهما له، والركعة من صلاتهما تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين قال سدير: جعلت فداك يا ابن رسول الله ﷺ فإذا وليّكم نائماً وميتاً أعبد منه حيّاً وقائماً؟ قال: فقال: هيهات يا سدير إنّ وليّنا ليؤمن على الله عزّ وجلّ يوم القيامة فيجيز أمانه.

ونقلهما عنهما في «البحار» ج ٥ ص ٣٢٧.

في إعطاء كتاب الأعمال في القيامة

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٢٨ - ٣٢

عليّ بن محمّد، عن بعض أصحابه، عن آدم بن إسحاق، عن عبدالرزاق بن مهران، عن الحسين بن ميمون عن محمّد بن سالم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: ان أناساً تكلموا في هذا القرآن بغير علم - إلى أن قال - «يوم تشهد عليهم ألسنتهم وأيديهم وأرجلهم بما كانوا يعملون» وليست تشهد الجوارح على مؤمن إنّما تشهد على من حقّت عليه كلمة العذاب، فأما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه قال الله عزّ

و جلّ: «فأما من أوتي كتاب بيمينه فأولئك يقرؤن كتابهم ولا يظلمون فتيلًا». الحديث.

٢- من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٣٠١ - ٣٠٠

و روى جابر بن إسماعيل عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام أن رجلاً سأل عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن قيام الليل بالقراءة فقال له: أبشر من صلى من الليل عشر ليلة - إلى أن قال - ومن صلى تسع ليلة أعطاه الله عشر دعوات مستجابات وأعطاه الله كتابه بيمينه. الحديث.

٣- من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٣٥٠

وروى حمدان الديواني عن الرضا عليه السلام أنه قال: من زارني على بعد داري أتته يوم القيامة في ثلاثة مواطن حتى أخلصه من أهوالها، إذا تطايرت الكتب يميناً وشمالاً وعند الصراط وعند الميزان.

ورواه في «الخصال» ص ١٦٧ عن عليّ بن أحمد بن موسى، عن محمد بن أبي عبدالله الكوفي، عن أحمد بن محمد بن صالح الرازي، عن حمدان عنه عليه السلام بعينه متناً.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ١٢١ بعينه سنداً ومتناً.

ورواه في «عيون الأخبار» ج ٢ ص ٢٥٥ عن عليّ بن أحمد بن محمد بن صالح الرازي، عن حمدان بعينه متناً.

ووراه في «جامع الأخبار» ص ٣١.

٤- الخصال ص ٣٦٠

حدّثنا الحسن بن عبد الله بن سعيد العسكري قال: أخبرنا محمد بن أحمد بن

حمدان القشيري قال: حدّثنا المغيرة بن محمّد بن المهلب قال: حدّثنا عبد الغفار محمّد بن بكير الكلابي الكوفي، عن عمرو بن ثابت، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام عن عليّ بن الحسين عليهما السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حبّي وحبّ أهل بيتي نافع في سبعة مواطن أهوالهنّ عظيمة: عند الوفاة، وفي القبر، وعند النشور، وعند الكتاب، وعند الميزان، وعند الصراط.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ١٠ بعينه سنداً ومتمناً.

ورواه في «جامع الأخبار» ص ١٨٢.

ورواه في «مشارق الأنوار» ص ٥٩.



٥ - ثواب الأعمال ص ٧٩

روى بسنده عن أبي سعيد الخدري، عن النبي صلى الله عليه وآله في حديث أنّه قال: ومن صام من رجب أربعة أيّام عوفي من البلايا كلّها من الجنون والجذام والبرص وفتنة الدجّال وأجير من عذاب القبر وكتب له مثل أجور أولي الألباب التّوابين الأوّابين، وأعطي كتابه بيمينه* في العابدين في أوائل العابدين.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٥٣٥ بعينه سنداً ومتمناً.

٦ - ثواب الأعمال ص ١٣٤

بهذا الإسناد عن الحسن عن صباح الحذاء عن إسحاق بن عمّار، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا تدعوا قراءة سورة «طه» فإنّ الله يحبّها ويحبّ من قرأها ومن أدمن قراءتها أعطاه الله يوم القيامة كتابه بيمينه ولم يحاسبه بما عمل في الإسلام وأعطي في الآخرة من الأجر حتّى يرضى.

٧- كتاب الزهد ص ٩٤

الحسن بن محبوب عن مالك بن عطية عن فلان بن عمار قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: الدواوين يوم القيامة (ثلاث) ثلاثة: ديوان فيه النعم (النعم) وديوان فيه الحسنات وديوان فيه الذنوب فيقابل بين ديوان النعم (النعم) وديوان الحسنات فيستغرق عامة الحسنات وتبقى الذنوب.

٨- كتاب الزهد ص ٩٢

القاسم بن محمد عن عليّ قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن الله تبارك وتعالى إذا أراد أن يحاسب المؤمن أعطاه كتابه بيمينه وحاسبه فيما بينه وبينه فيقول: عدي فعلت كذا وكذا وعملت كذا وكذا؟ فيقول: نعم يا رب قد فعلت ذلك فيقول: قد غفرتها لك وأبدلتها حسنات فيقول الناس: سبحان الله أما كان لهذا العبد سيئة واحدة وهو قول الله عز وجل: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ قلت: أي أهل؟ قال: أهل في الدنيا هم أهل في الجنة إن كانوا مؤمنين قال: وإذا أراد بعد شراً حاسبه على رؤس الناس وبكته وأعطاه كتابه بشماله وهو قول الله عز وجل: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا وَيَصْلَى سَعِيرًا إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ قلت: أي أهل؟ قال: أهل في الدنيا قلت: قوله: ﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ﴾ قال: ظن أنه لن يرجع.

القاسم عن عليّ عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن المؤمن يعطى يوم القيامة كتاباً منشوراً (كتاب منشور) مكتوب فيه: كتاب الله العزيز الحكيم أدخلوا فلاناً الجنة.

ونقلهما عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٢٤ - ٣٢٥.

٩ - تفسير القمّي ج ٢ ص ١١٧

حدّثني أبي عن جعفر وإبراهيم عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة أوقف الله المؤمن بين يديه وعرض عليه عمله فينظر في صحيفته فأول ما يرى سيئاته فيتغيّر لذلك لونه وترتعد فرائضه ثمّ تعرض عليه حسناته فتفرح لذلك نفسه فيقول الله عزّ وجلّ بدّلوا سيئاتهم حسنات وأظهروها للناس فيبدّل الله لهم فيقول الناس أما كان لهؤلاء سيئة واحدة وهو قوله: ﴿يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾.

١٠ - تفسير القمّي ج ٢ ص ١٧

وقوله: ﴿وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ﴾ قال قدره الذي قدره عليه ﴿وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا﴾ (اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً - إلى قوله - حتّى نبعث رسولاً) فإنه محكم وفي رواية أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: ﴿وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ﴾ يقول خيره وشره معه حيث كان لا يستطيع فراقه حتّى يعطى كتابه يوم القيامة بما عمل. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣١٢.

١١ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٤٠٧

وقال عليّ بن إبراهيم في قوله ﴿وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾ قال: صحف الأعمال. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣١٢. أعلام الدين ص ٤٥١.

وروى جابر - أيضاً عنه عليه السلام قال: «من أحبّ الأئمة من أهل بيتي فقد أصاب خير الدنيا والآخرة - إلى أن قال - : وأمّا في الآخرة: فلا ينشر له ديوان ولا

ينصب له ميزان، ويعطى كتابه بيمينه وتكتب له براءة من النار ويبيض وجهه، ويكسى من حلل الجنة، ويشفع في مائة من أهل بيته، وينظر الله إليه بالرحمة، ويتوَّج من تيجان الجنة، والعاشرة: دخول الجنة بغير حساب فطوبى لمحِبِّ أهل بيته.

١٢ - تفسير العياشي ج ٢ ص ٣٢٨

عن خالد بن نجيح عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة دفع إلى الإنسان كتابه، ثم قيل له اقرأه قلت: فيعرف ما فيه؟ فقال: إنه يذكره فما من لحظة، ولا كلمة، ولا نقل قدم، ولا شيء، فعله إلا ذكره، كأنه فعله تلك الساعة فلذلك قالوا ﴿يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا﴾.

عن خالد بن نجيح عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله ﴿اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ﴾ قال: يذكر العبد جميع ما عمل وما كتب عليه كأنه فعله تلك الساعة، فلذلك قالوا ﴿يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا﴾.

ونقلهما عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣١٥ - ٣١٤

١٣ - دعوات الراوندى

وقال عليه السلام: يقول الله عز وجل: إذا وجهت إلى عبد من عبيدي مصيبة في بدنه أو ماله أو ولده، ثم استقبل ذلك بصبر جميل استحيت منه يوم القيامة أن أنصب له ميزاناً أو أنشر له ديواناً.

١٤ - البحار ج ٣٦ ص ٦٧ عن كنز جامع الفوائد

محمد بن العباس، عن الحسين بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن يونس،

عن سماعة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قوله تعالى: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ﴾ فقال: هو عليّ وشيعته يؤتون كتابهم بأيمانهم.

فائدة الغزا من سبيل الله يوم القيامة

١ - أمالي الصدوق ص ٥٧٧

حدّثنا عليّ بن عيسى رحمته الله قال: حدّثنا عليّ بن محمّد ماجيلويه، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن وهب بن وهب القرشي، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ جبرئيل أخبرني بأمر قرّرت به عيني وفرح له قلبي قال: يا محمّد من غزا غزاة في سبيل الله من أمّتك فما أصابته قطرة من السماء أو صداع إلاّ كاتب له شاهدة (شهادة) يوم القيامة.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

فائدة تكلم الطيب في يوم القيامة

١ - نوادر الراوندي ص ٣

بإسناده عن جعفر بن محمّد، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كلّكم يكلم ربّه يوم القيامة ليس بينه وبينه ترجمان، فينظر أمامه فلا يجد إلاّ ما قدّم وينظر عن يمينه فلا يجد إلاّ ما قدّم، ثمّ ينظر عن يساره فإذا هو بالنار فاتّقوا النار ولو بشقّ تمرّة، فإن لم يجد أحدكم فبكلمة طيبة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٣.

فائدة إعانة المؤمن وزيارته في يوم القيامة

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ١٩٩

محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد بن عيسى، عن ابن محبوب، عن زيد

الشحّام قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من أغاث أخاه المؤمن اللهفان اللهثان عند جهده فنفس كربته وأعان على نجاح حاجته كتب الله عزّ وجلّ له بذلك ثنتين وسبعين رحمة من الله، يعجلّ له منها واحدة يصلح بها أمر معيشته ويدّخر له إحدى وسبعين رحمة لأفراع يوم القيامة وأهواله.

٢ - اصول الكافي ج ٢ ص ١٩٩

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أعان مؤمناً نفس الله عزّ وجلّ عنه ثلاثاً وسبعين كربة، واحدة في الدنيا وثلثين وسبعين كربة عند كربه العظمى، قال: حيث يتشاغل الناس بأنفسهم.



ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٧.

ورواه في «نوادير الراوندي» ص ٨ بإسناده عن جعفر بن محمد عن آبائه عنه عليه السلام مثله بتفاوت يسير.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٣.

٣ - اصول الكافي ج ٢ ص ١٧٧

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عليّ [بن] النهدي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من زار أخاه في الله ولله جاء يوم القيامة يخطر بين قباطيّ من نور، ولا يمرّ بشيء إلا أضاء له حتّى يقف بين يدي الله عزّ وجلّ، فيقول الله عزّ وجلّ له: مرحباً، وإذا قال: مرحباً أجزل الله عزّ وجلّ له العطية.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٧.

في ماورد في حال خروج البعض في القيامة

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٢٠٤

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عمر بن عبد العزيز، عن جميل بن دراج، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من كسا أخاه كسوة شتاء أو صيف كان حقاً على الله أن يكسوه من ثياب الجنة وأن يهون عليه سكرات الموت، وأن يوسع عليه في قبره، وأن يلقى الملائكة إذا خرج من قبره بالبشرى، وهو قول الله عز وجل في كتابه: ﴿وتتلقاهم الملائكة هذا يومكم الذي كنتم توعدون﴾. ونقله عنه في «البحار» ج ٢ ص ١٩٨.

٢ - اصول الكافي ج ٢ ص ١٩٩

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حسين بن نعيم، عن مسمع أبي سيار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من نفّس عن مؤمن كربة نفس الله عنه كرب الآخرة وخرج من قبره وهو ثلج الفؤاد ومن أطعمه من جوع أطعمه الله من ثمار الجنة ومن سقاه شربة سقاه الله من الرحيق المختوم. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٨.

٣ - الكافي ج ٣ ص ٥٠٦

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن أيوب بن نوح، عن ابن سنان، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إن الله تبارك وتعالى يبعث يوم القيامة ناساً من قبورهم مشدودة أيديهم إلى أعناقهم، لا يستطيعون أن يتناولوا بها قيس أنملة، معهم ملائكة يعيرونهم تعبيراً شديداً، يقولون: هؤلاء الذين منعوا خيراً قليلاً من خير كثير، هؤلاء الذين أعطاهم الله فمنعوا حق الله في أموالهم. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٧.

٤ - ثواب الأعمال ص ٢٣١

عن أبي جعفر عليه السلام قال: كان فيما ناجى به موسى عليه السلام ربه أن قال: يا رب ما لمن شيع جنازة؟ قال: أوكل به ملائكة من ملائكتي، معهم رايات يشيعونهم من قبورهم إلى محشرهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٨.

٥ - وفي ص ٣٠٤

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: من صنع شيئاً للمفاخرة حشره الله في القيامة أسود.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٦.



٦ - أمالي المفيد ص ١٤٤

المراغي، عن أبي عبد الله الأسدي، عن جعفر بن عبد الله العلوي، عن يحيى بن هاشم، عن أبي الصباح، عن عبد الغفور الواسطي، عن عبد الله بن محمد القرشي، عن الحسن بن عليّ الراسبي، عن الضحّاك بن مزاحم، عن ابن عبّاس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الشاك في فضل عليّ بن أبي طالب عليه السلام يحشر يوم القيامة من قبره وفي عنقه طوق من نار فيه ثلاثمائة شعبة، على كلّ شعبة منها شيطان يكلح في وجهه ويتفل فيه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٢.

٧ - المحاسن ص ١٧٩

عنه، عن أبيه، عن حمزة بن عبد الله الجعفري، عن أبي الحسن الدهني وعن

جميل بن درّاج، عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ شِيعَتَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَا فِيهِمْ مِنْ ذُنُوبٍ أَوْ غَيْرِهِ مَبِیضَةً وَجُوهَهُمْ، مَسْتُورَةٌ عَوْرَاتِهِمْ، أَمَنَةٌ رُوعَتِهِمْ، قَدْ سَهَّلْتَ لَهُمُ الْمَوَارِدَ وَذَهَبْتَ عَنْهُمْ الشَّدَائِدَ، يَرْكَبُونَ نَوْقًا مِنْ يَاقُوتٍ فَلَا يَزَالُونَ يَدُورُونَ خِلَالَ الْجَنَّةِ، عَلَيْهِمْ شَرَكٌ مِنْ نُورٍ يَتَلَأَلُّ، تَوْضَعُ لَهُمُ الْمَوَائِدُ فَلَا يَزَالُونَ يَطْعَمُونَ وَالنَّاسُ فِي الْحِسَابِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كِتَابِهِ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾.

٨ - عنه، عن محمد بن عليّ، عن عبيس بن هشام، عن أسباط بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يخرج شيعةنا من قبورهم على نوق بيض لها أجنحة، وشرك نعالهم نور يتلألأ، قد وضعت عنهم الشدائد وسهلت لهم الموارد، مستورة عوراتهم، مسكنة روعاتهم، قد أعطوا الأمن والإيمان، وانقطعت عنهم الأحزان، يخاف الناس ولا يخافون، ويحزن الناس ولا يحزنون، وهم في ظلّ عرش الرحمن، توضع لهم مائدة يأكلون منها والناس في الحساب.

عنه عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبي عمير، عن عبد الله بن سنان، عن عبد الله بن شريك العامري، عن أبي جعفر عليه السلام قال: بينا رسول الله صلى الله عليه وآله في نفر من أصحابه فيهم عليّ بن أبي طالب عليه السلام فقال: يخرج قوم من قبورهم وجوههم أشدّ بياضاً من القمر، عليهم ثياب أشدّ بياضاً من اللبن، عليهم نعال من نور شركها من ذهب، فيؤتون بنجائب من نور، عليها رحائل من نور، أزمتها سلاسل من ذهب وركبها من زبرجد فيركبون عليها حتى يصيروا أمام العرش والناس يهتّمون ويغتمّون ويحزنون وهم يأكلون ويشربون: فقال عليّ عليه السلام: من هم يا رسول الله؟ فقال: أولئك شيعةك وأنت إمامهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٥ - ١٨٤.

في ماورد في حال خروج البعض في القيامة ٢٢٥

ورواه في «تفسير الفرات» ص ٢٤٧ عن الحسين بن سعيد عن أبي جعفر عليه السلام مثله لكنه بتفاوت في العبارة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٤.

٩ - تفسير القمي ج ٢ ص ٥٣

أبي عن ابن أبي عمير عن عبد الله بن شريك العامري عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأل علي عليه السلام رسول الله صلى الله عليه وآله عن تفسير قوله: ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ﴾ الآية قال: يا علي أن الوفد لا يكون إلا ركبانا، أولئك رجال اتقوا الله فأحبهم الله واختصهم ورضي أعمالهم فسمّاهم الله المتقين، ثم قال: يا علي أما والذي فلق الحبة وبرأ النسمة إنهم ليخرجون من قبورهم وبياض وجوههم كبياض الثلج عليهم ثياب بياضها كبياض اللبن عليهم نعال الذهب شراكها من لؤلؤ يتلألأ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٧٢.

١٠ - الإقبال ص ١٩٦

عن النبي صلى الله عليه وآله قال: ومن قال في شعبان ألف مرة «لا إله إلا الله ولا نعبد إلا إياه مخلصين له الدين ولو كره المشركون» كتب الله له عبادة ألف سنة ومحى عنه ذنب ألف سنة ويخرج من قبره يوم القيامة ووجهه يتلألأ مثل القمر ليلة البدر وكتب عند الله صديقاً.

١١ - تفسير الفرات ص ٣٦٩

الحسين بن سعيد، عن سليمان بن داود بن سليمان القطان عن أحمد بن زياد، عن يحيى بن سالم الفراء، عن إسرائيل، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال

رسول الله ﷺ: لقنوا موتاكم لا إله إلا الله، فإنها أنيس لمؤمن حين يمرق من قبره، قال لي جبرئيل عليه السلام: يا محمد لو ترى لهم حين يمرقون من قبورهم ينفضون التراب عن رؤوسهم وهذا يقول لا إله إلا الله والحمد لله مبيض وجهه، وهذا يقول: يا حسرتي على ما فرطت في جنب الله - يعني في ولاية علي - مسود وجهه. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٠.

١٢ - فضائل الشيعة للصدوق رحمه الله كما في «البحار» ج ٧ ص ١٨١
و بإسناده عن معاوية بن عمار، عن أبي عبد الله، عن أبيه، عن جدّه عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ لعليّ: يا عليّ لقد مثّلت لي أمّتي في الطين حتّى رأيت صغيرهم وكبيرهم أرواحاً قبل أن تخلق أجسادهم، وإني مررت بك وبشيعةك فاستغفرت لكم، فقال عليّ: يا نبيّ الله زدني فيهم، قال: نعم يا عليّ تخرج أنت وشيعةك من قبوركم ووجوهكم كالقمر ليلة البدر، وقد فرجت عنكم الشدائد، وذهب عنكم الأحزان، تستظلّون تحت العرش يخاف الناس ولا تخافون، ويحزن الناس ولا تحزنون وتوضع لكم مائدة والناس في المحاسبة.

١٣ - كنز الفوائد كما في «البحار» ج ٧ ص ١٩٣
محمد بن العباس، عن أحمد بن هوزة، عن إبراهيم بن إسحاق، عن عبد الله بن حمّاد، عن هاشم الصيداوي قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا هاشم حدّثني أبي - وهو خير منّي - عن جدّي عن رسول الله ﷺ قال: ما من رجل من فقراء شيعةنا إلا وليس عليه تبعه، قلت: جعلت فداك وما التبعة؟ قال: من الإحدى والخمسين ركعة ومن صوم ثلاثة أيّام من الشهر، فإذا كان يوم القيامة خرجوا من قبورهم ووجوههم مثل القمر ليلة البدر فيقال للرجل منهم: سل تعط، فيقول: أسأل ربّي

النظر إلى وجه محمد ﷺ، قال: فينصب لرسول الله ﷺ منبر على درنوك من درانيك الجنة له، ألف مرقاة، بين المرقاة إلى المرقاة ركضة الفرس، فيصعد محمد و أمير المؤمنين عليهما السلام قال: فيحف ذلك المنبر شيعة آل محمد ﷺ فينظر الله إليهم وهو قوله: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ﴾ قال: فيلقى عليهم النور حتى أن أحدهم إذا رجع لم تقدر الحوراء أن تملأ بصرها منه، قال: ثم قال أبو عبد الله عليه السلام يا هاشم ﴿لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ﴾.

جملة مما ورد في فضل الشيعة وأجوالهم يوم القيامة

١ - روضة الكافي ج ٢ ص ٣٥

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن يزيد النوفلي، عن الحسين بن أعين أخو مالك بن أعين قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الرجل جزاك الله خيراً، ما يعني به؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام إن خيراً نهر في الجنة مخرجه من الكوثر والكوثر مخرجه من ساق العرش، عليه منازل الأوصياء وشيعتهم على حافتي ذلك النهر جوارى نابتات، كلما قلعت واحدة نبتت أخرى سمي بذلك النهر وذلك قوله تعالى: ﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ﴾ فإذا قال الرجل لصاحبه: جزاك خيراً فإنما يعني بذلك تلك المنازل التي قد أعدها الله عز وجل لصفوته وخيرته من خلقه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٦٢.

٢ - أمالي الصدوق ص ٦٧٠

حدثنا الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المؤدب قال: حدثنا محمد بن جعفر الأسدي الكوفي قال: حدثني موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسن بن

يزيد النوفلي عن علي بن أبي حمزة عن أبيه عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن علي قال: قال رسول الله ﷺ: إذا كان يوم القيامة يؤتى بك يا علي على عجلة «ناقة» من نور وعلى رأسك تاج له أربعة أركان على كل ركن ثلاثة أسطر لا إله إلا الله محمد رسول الله علي ولي الله وتعطى مفاتيح الجنة ثم يوضع لك كرسي يعرف بكرسي الكرامة فتقعد عليه ثم يجمع لك الأولون والآخرون في صعيد واحد فتأمر بشيعةك إلى الجنة وبأعدائك إلى النار فأنت قسيم الجنة وأنت قسيم النار فلقد فاز من تولاك وخسر من عاداك فأنت في ذلك اليوم أمين الله وحجة الله الواضحة، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٣٩ وج ٣٩ ص ١٩٣.



٣ - علل الشرايع ص ١٦١

القطان، عن ابن زكريا القطان عن البرمكي عن عبد الله بن داهر عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: لم صار أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قسيم الجنة والنار؟ قال: لأن حبه إيمان وبغضه كفر، وإنما خلقت الجنة لأهل الإيمان وخلقت النار لأهل الكفر، فهو قسيم الجنة والنار، لهذه العلة فالجنة لا يدخلها إلا أهل محبته، والنار لا يدخلها إلا أهل بغضه. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ١٩٤.

٤ - أمالي الصدوق ص ٢٦٨

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمه الله قال: حدثني محمد بن يحيى العطار رحمه الله عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري عن محمد بن الحسين بن

أبي الخطاب عن نضر بن شعيب عن خالد بن ماد القلانسي عن القندي عن جابر بن يزيد الجعفي، عن أبي جعفر، عن آبائه عليهم السلام قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله أكل من قال لا إله إلا الله مؤمن قال: إن عداوتنا تلحق باليهود والنصارى إنكم لا تدخلون الجنة حتى تحبوني وكذب من زعم أنه يحبني ويبغض هذا يعني علياً عليه السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ٧٥.

٦- أمالي الصدوق ص ٦٢٦

حدثنا محمد بن الحسن عليه السلام قال: حدثنا الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبي عمير، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال: خرجت أنا وأبي عليهما السلام حتى إذا كنا بين القبر والمنبر إذا هو بأناس من الشيعة فسلم عليهم فردوا عليهما السلام ثم قال: إني والله لأحب ريحكم وأرواحكم فأعينوني على ذلك بورع واجتهاد واعلموا أن ولايتنا لا تنال إلا بالعمل والاجتهاد من أئمت منكم بعد فليعمل بعمله أنتم شيعة الله وأنتم أنصار الله وأنتم السابقون الأولون والسابقون الآخرون السابقون في الدنيا إلى ولايتنا السابقون في الآخرة إلى الجنة وقد ضمنا لكم الجنة بضمن الله وضمن رسول الله ما على درجات الجنة أحد أكثر أزواجاً منكم فتنافسوا في فضائل الدرجات أنتم الطيبون ونسأؤكم الطيبات كل مؤمنة حوراء عيناء وكل مؤمن صديق ولقد قال أمير المؤمنين عليه السلام لقنبر يا قنبر أبشر وبشر واستبشر فلقد مات رسول الله صلى الله عليه وآله وهو على أُمَّته ساخط إلا الشيعة ألا وإن لكل شيء عروة وعروة الإسلام الشيعة ألا وإن لكل شيء دعامة ودعامة الإسلام الشيعة ألا وإن لكل شيء شرفاً وشرف الإسلام الشيعة ألا وإن لكل شيء سيّداً وسيّد المجالس مجالس الشيعة ألا وإن

لكل شيء إماماً وإمام الأرض أرض يسكنها الشيعة والله لو لا ما في الأرض منكم لما أنعم الله على أهل خلافتكم ولا أصابوا الطيبات ما لهم في الدنيا والآخرة من نصيب كل ناصب وإن تعبد واجتهد فمنسوب إلى هذه الآية ﴿عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلِي نَاراً خَامِئَةً تَسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ لَا يُسَمِّنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾ كل ناصب مجتهد فعمله هباء شيعتنا ينظرون بنور الله عز وجل ومن خالفهم يتقلب (ينقلب) بسخط الله والله ما من عبد من شيعتنا ينام إلا أصد الله عز وجل بروحه إلى السماء فإن كان قد أتى عليه أجله جعله في كنوز رحمته وفي رياض جنته وفي ظل عرشه. الحديث.

ورواه في «روضة الكافي» ج ٢ ص ١٣ عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عمرو بن أبي المقدام عن أبي عبد الله عليه السلام مثله.



٧- أمالي الصدوق ص ٦٥٧

السناني عن الأسدي عن النخعي عن النوفلي عن علي بن سالم عن أبيه عن أبان بن عثمان عن أبان بن تغلب عن عكرمة عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: قال الله جل جلاله: لو اجتمع الناس كلهم على ولاية علي عليه السلام ما خلقت النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٢٤٧.

٨- فضائل الشيعة للصدوق رحمه الله كما في البحار ج ٧ ص ١٧٨

بإسناده عن عامر الجهني قال: دخل رسول الله ﷺ المسجد ونحن جلوس وفينا أبوبكر وعمر وعثمان وعلي عليه السلام في ناحية، فجاء النبي ﷺ فجلس إلى جانب علي عليه السلام، فجعل ينظر يميناً وشمالاً، ثم قال: إن عن يمين العرش وعن

يسار العرش لرجالاً على منابر من نور يتلأؤ وجوههم نوراً، قال: فقام أبو بكر فقال: بأبي أنت وأمي يا رسول الله أنا منهم؟ قال له: اجلس، ثم قام إليه عمر فقال له: مثل ذلك، فقال له: اجلس، فلما رأى ابن مسعود ما قال لهما النبي ﷺ استوى قائماً على قدميه ثم قال: بأبي أنت وأمي يا رسول الله صفهم لنا نعرفهم بصفتهم، قال: فضرب على منكب عليّ ﷺ ثم قال: هذا وشيعته هم الفائزون.

٩ - فضائل الشيعة للصدوق رحمه الله كما في «البحار» ج ٧ ص ١٨٠

وبإسناده عن محمد بن قيس، وعامر بن السمط عن أبي جعفر ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ يأتي يوم القيامة قوم عليهم ثياب من نور، على وجوههم نور، يعرفون بآثار السجود، يتخطون صفّاً بعد صفٍّ حتى يصيروا بين يدي ربّ العالمين، يغطهم النبيون والملائكة والشهداء والصالحون، فقال له عمر بن الخطاب: من هؤلاء يا رسول الله الذين يغطهم النبيون والملائكة والصالحون؟ قال: أولئك شيعتنا وعليّ إمامهم.

١٠ - فضائل الشيعة للصدوق كما في «البحار» ج ٢٧ ص ١٩٨

عن داود الرقي قال: دخلت على أبي عبد الله ﷺ فقلت له: جعلت فداك قوله تعالى: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى﴾ فما هذا الهدى بعد التوبة والإيمان والعمل الصالح؟ قال: فقال: معرفة الأئمة والله إمام بعد إمام.

١١ - فضائل الشيعة للصدوق كما في «البحار» ج ٢٧ ص ١٧٩

وبإسناده عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله ﷺ: إذا كان يوم القيامة يؤتى بأقوام على منابر من نور، تتلأأ

وجوههم كالقمر ليلة البدر، يغطهم الأولون والآخرون، ثم سكت ثم أعاد الكلام ثلاثاً، فقال عمر بن الخطاب: بأبي أنت وأمي هم الشهداء قال: هم الشهداء وليس هم الشهداء الذين تظنون، قال: هم الأنبياء؟ قال: هم الأوصياء؟ قال: هم الأوصياء وليس هم الأوصياء الذين تظنون، قال: فمن أهل السماء أو من أهل الأرض؟ قال: هم من أهل الأرض، قال: فأخبرني من هم، قال: فأوماً بيده إلى عليّ عليه السلام فقال: هذا وشيعته.

١٢ - وفي ص ١٨٩ نقلاً عن كتاب المذكور

وبإسناده عن مالك الجهني عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ليس من قوم ائتموا بإمام في دار الدنيا إلا جاء يوم القيامة يلغهم ويلعنونه إلا أنتم ومن كان بمثل حالكم.

١٣ - الخصال ص ١٨٧

حدثنا أبو عليّ الحسن بن عليّ بن محمد العطار، عن محمد بن عليّ بن إسماعيل عن عليّ بن محمد بن عامر، عن عمرو بن عبدوس، عن هاني بن المتوكل عن محمد بن عليّ، عن عياض، عن أبيه، عن جدّه عن أبي أيوب الأنصاري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لما خلق الله عزّ وجلّ الجنة خلقها من نور العرش، ثم أخذ من ذلك النور فقذفه فأصابني ثلث النور، وأصاب فاطمة ثلث النور، وأصاب عليّاً وأهل بيته ثلث النور، ومن أصابه من ذلك النور اهتدى إلى ولاية آل محمد، ومن لم يصبه من ذلك النور ضلّ عن ولاية آل محمد.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٧ - ١٨٨.

١٤ - أمالي الطوسي ص ٣٦٨

وبهذا الإسناد عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان يوم القيامة وفرغ من حساب الخلائق دفع الخالق عز وجل مفاتيح الجنة والنار إلي فأدفعها إليك فيقول لك: احكم. قال علي عليه السلام والله إن للجنة أحداً وسبعين باباً يدخل من سبعين منها شيعتي وأهل بيتي ومن باب واحد سائر الناس. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٣٨. ورواه في «مناقب ابن شهر آشوب» ج ٢ ص ١٥٥.

١٥ - أمالي الطوسي ص ١٣٧

أخبرنا محمد بن محمد، قال: أخبرنا الشريف أبو محمد الحسن بن محمد بن يحيى، قال: حدّثني جدّي، قال: حدّثنا إبراهيم بن عليّ والحسن بن يحيى، جميعاً، قالوا: حدّثنا نصر بن مزاحم، عن أبي خالد الواسطي، عن زيد بن عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن جدّه، عن أمير المؤمنين عليه السلام، قال: كان لي من رسول الله صلى الله عليه وآله عشر لم يعطهن أحد قبلي، ولا يعطاهن أحد بعدي. قال لي: أنت يا عليّ أخي في الدنيا وأخي في الآخرة، وأنت أقرب الناس منّي موقفاً يوم القيامة ومنزلي ومنزلك في الجنة متواجهان كمنزل الأخوين، وأنت الوصي، وأنت الولي، وأنت الوزير، عدوك عدوي وعدوي عدوّ الله، ووليّك وليّ ووليّي وليّ الله.

ورواه في «أمالي الصدوق» ص ٧٧ عن الحسن بن محمد بن يحيى، عن يحيى بن الحسن، عن إبراهيم بن عليّ، والحسن بن يحيى عن نصر بن مزاحم بعينه سنداً ومتناً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٥.

١٦ - أمالي الطوسي ص ٦٧

أخبرني أبو عبد الله محمد بن محمد، قال: أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه رحمته الله، قال: حدثنا الحسين بن محمد بن عامر، عن المعلّى بن محمد البصري، عن محمد بن جمهور العمّي، قال: حدثنا أبو عليّ الحسن بن محبوب، قال: سمعت أبا محمد الوابشي رواه عن أبي الورد، قال: سمعت أبا جعفر محمد بن عليّ الباقر عليه السلام يقول: إذا كان يوم القيامة جمع الله الناس في صعيد واحد من الأولين والآخرين عُرّة حُفّة، فيوقفون على طريق المحشر حتّى يعرقوا عرقاً شديداً وتشتدّ أنفاسهم، فيمكثون بذلك ما شاء الله، وذلك قوله: ﴿فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً﴾. ثمّ قال: ينادي منادٍ من تلقاء العرش: أين النبيّ الأمّي؟ قال: فيقول الناس قد أسمعت كلّاً، فسمّ باسمه. فقال فينادي أين نبيّ الرحمة محمد بن عبد الله؟ قال: فيقوم رسول الله صلّى الله عليه وآله فيتقدّم أمام الناس كلّهم حتّى ينتهي إلى حوض طوله ما بين أيلة وصنعاء، فيقف عليه، ثمّ ينادي بصاحبكم، فيقوم أمام الناس فيقف معه، ثمّ يؤذن للناس فيمرون.

قال أبو جعفر عليه السلام فبين وارد يومئذ وبين مصروفٍ، وإذا رأى رسول الله صلّى الله عليه وآله من يُصرف عنه من مُحِبِّينا أهل البيت بكى، وقال: يا ربّ شيعة عليّ، يا ربّ شيعة عليّ. قال: فيبعث الله إليه ملكاً فيقول له: ما يبكيك، يا محمد؟ قال: فيقول: وكيف لا أبكي لأناسٍ من شيعة أخي عليّ بن أبي طالب، أراهم قد صُرفوا تلقاء أصحاب النار، ومنعوا من ورود حوضي. قال: فيقول الله عزّ وجلّ: يا محمد، قد وهبتهم لك، و صفحت لك عن ذنوبهم، وألحقتهم بك وبمن كانوا يتولّون من ذريّتك، وجعلتهم في زمرك، وأوردتهم حوضك، وقبلت شفاعتك فيهم وأكرمتك بذلك.

ثمّ قال أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين عليهم السلام فكم من باك يومئذٍ وباكية ينادون: يا محمّداه، إذا رأوا ذلك. قال: فلا يبقى أحد يومئذٍ كان يتولانا ويحبّنا إلّا

جملة مما ورد في فضل الشيعة وأجوالهم يوم القيامة ٢٣٥

كان في حزبنا ومعنا وورد حوضنا.

ورواه في «أمالى المفيد» ص ٢٩٠ عن أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه بعينه سنداً ومتمناً.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ١٧.

١٧ - أمالى الطوسي ص ٣٠٨ وص ٦٥٥

بالإسناد عن رسول الله ﷺ أنه قال: إن في الفردوس لعيناً أحلى من الشهد، وألين من الزبد، وأبرد من الثلج، وأطيب من المسك، منها طينة خلقنا الله عز وجل منها وخلق منها شيعتنا، وهي الميثاق الذي أخذ الله عز وجل ولاية علي بن أبي طالب عليه السلام. قال عبيد: فذكرت لمحمد بن علي بن الحسين هذا الحديث، قال: صدقت هكذا أخبرني أبي، عن جدي عن النبي ﷺ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٢.

١٨ - أمالى الطوسي ص ٦٧١

ابن عبدون عن علي بن محمد بن الزبير، عن علي بن الحسن بن فضال، عن العباس عامر، عن أحمد بن رزق، عن يحيى بن العلاء الرازي قال: دخل علي عليه السلام على رسول الله ﷺ وهو في بيت أم سلمة فلما رآه قال: كيف أنت يا علي إذا جمعت الأمم ووضعتم الموازين وبرز لعرض خلقه ودعى الناس إلى ما لا بد منه؟ قال: قدمعت عين أمير المؤمنين عليه السلام فقال رسول الله ﷺ ما يبكيك يا علي؟ تدعى والله أنت و شيعتك غراً محجلين رواء مرويين مبيضة وجوههم، ويدعى بعدوك مسودة وجوههم أشقياء معذبين، أما سمعت إلى قول الله: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾؟ أنت وشيعتك ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا بآيَاتِنَا

أُولَئِكَ هُمُ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿١٨٢﴾ عَدُوُّكَ يَا عَلِيٌّ.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٢.

١٩ - الاختصاص ص ٤٥٦

وعنه، عن عوف بن عبد الله، عن جابر بن يزيد الجعفي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الجنة محرمة على الأنبياء حتى أدخلها، ومحرمة على الأمم كلها حتى يدخلها شيعة أهل البيت.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢١٧.

٢٠ - الإرشاد ص ٢٧

أخبرني أبو الجيش المظفر بن محمد عليه السلام عن محمد بن أحمد بن أبي الثلج عن محمد بن مسلم الكوفي عن عبيد الله بن كثير عن جعفر بن محمد بن الحسن الزهري عن عبيد الله بن موسى عن أبي إسرائيل عن أبي حصين عن عكرمة عن ابن عباس أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: إذا كان يوم القيامة دعي الناس كلهم بأسماء أمهاتهم ما خلا شيعة فإنهم يدعون بأسماء آبائهم وطيب موالدهم.
ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٥٦.

وروى في «المحاسن» ص ١٤١ عن البرقي، عن ابن فضال، عن يونس بن يعقوب البجلي عن أبي عبد الله عليه السلام مثله.

٢١ - كنز الكراكي ج ٢ ص ١٢

محمد بن أحمد بن شاذان القمي، عن نوح بن أحمد بن أيمن عن إبراهيم بن أحمد بن حصين عن جدّه عن يحيى بن عبد الحميد، عن قيس بن الربيع، عن

سليمان الأعمش، عن جعفر بن محمد، عن أبيه عن علي بن الحسين، عن أبيه أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي أنت أمير المؤمنين وإمام المتقين - إلى أن قال - يا علي والذي بعثني بالنبوة واصطفاني على جميع البرية لو أن عبداً عبد الله تعالى ألف عام ما قبل الله ذلك منه إلا بولايتك وولاية الأئمة من ولدك وإن ولايتك لا تقبل إلا بالبراءة من أعدائك وأعداء الأئمة من ولدك بذلك أخبرني جبرئيل عليه السلام ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾. ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٩٩.

٢٢ - بصائر الدرجات ص ٤١٤

محمد بن الحسين، عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن القاسم، عن سماعة بن مهران قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا كان يوم القيامة وضع منبر يراه جميع الخلائق فيصعد عليه رجل فيقوم عن يمينه ملك وعن يساره ملك، ينادي الذي عن يمينه: يا معشر الخلائق هذا علي بن أبي طالب يدخل الجنة من يشاء، وينادي الذي عن يساره: يا معشر الخلائق هذا علي بن أبي طالب يدخل النار من يشاء. ورواه في «علل الشرائع» ص ١٦٤ عن ابن الوليد عن الصفار مثله. ونقله عنهما في «البحار» ج ٧ ص ٣٢٩.

٢٣ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٢ ص ١٥٤

أبو هريرة: سمعت أبا القاسم عليه السلام يقول: يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ إِلَّا مَنْ كَانَ عَلَى وَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ لَا يَفِرُّ مِمَّنْ وَالَاهُ، وَلَا يَعَادِي مِنْ أَحِبِّهِ، وَلَا يَحِبُّ مِنْ أَبْغَضِهِ. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٦.

٢٤ - المحاسن ص ١٨٠

أبي، عن سعدان بن مسلم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة دعي برسول الله صلى الله عليه وآله فيكسى حلة وردية، فقلت: جعلت فداك وردية؟ قال: نعم، أمّا سمعت قول الله عزّ وجلّ: ﴿فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾؟ ثمّ يدعى عليّ فيقوم على يمين رسول الله، ثمّ يدعى من شاء الله فيقومون على يمين عليّ ثمّ يدعى شيعةنا فيقومون على يمين من شاء الله ثمّ قال: يا أبا محمد أين ترى ينطلق بنا؟ قال: قلت إلى الجنة والله، قال: ما شاء الله. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٣٠.

٢٥ - المحاسن ص ١٨١

أبي، عن أحمد بن عبد الملك، عن جميل بن درّاج، عن محمد بن مسلم الثقفي قال: قال أبو جعفر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله إنّ عن يمين العرش قوماً وجوههم من نور، على منابر من نور، يغطّهم النبيّون ليسوا بأنبياء ولا شهداء، فقالوا: يا نبيّ الله وما ازدادوا هؤلاء من الله إذا لم يكونوا أنبياء ولا شهداء إلّا قرباً من الله؟ قال: أولئك شيعة عليّ وإمامهم.

وفي ص ١٨١

عن ابن فضال، عن مثني الحنّاط، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام نحوه، واختلف فيه بعض لفظه: قال: يغطّهم النبيّون والمرسلون، قلت: جعلت فداك ما أعظم منزلة هؤلاء؟ هؤلاء والله شيعة عليّ وهو إمامهم.

٢٦ - المحاسن ص ١٨٢

ابن الفضال، عن محمد بن فضيل، عن أبي حمزة قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

شيعتنا أقرب الخلق من عرش الله يوم القيامة بعدنا.

ونقلها عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٥.

٢٧ - المحاسن ص ١٨٢

أبي، عن سعدان بن مسلم، عن الحسين بن أبي العلاء قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا حسين شيعتنا ما أقربهم من الله وأحسن صنع الله إليهم يوم القيامة، والله لو لا أن يدخلهم وهن ويستعظم الناس ذلك لسلّمت عليهم الملائكة قبلاً.

٢٨ - تفسير القمّي ج ١ ص ١٢٨

حدّثني أبي عن سليمان الديلمي عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة يدعى محمد ﷺ فيكسي حلّة وردية ثمّ يقام على يمين العرش ثمّ يدعى إبراهيم عليه السلام فيكسي حلّة وردية فيقام عن يمين النبي ﷺ ثمّ يدعى بعليّ أمير المؤمنين عليه السلام فيكسي حلّة وردية فيقام على يمين النبي ﷺ ثمّ يدعى بإسماعيل فيكسي حلّة بيضاء فيقام على يسار إبراهيم، ثمّ يدعى بالحسن عليه السلام فيكسي حلّة وردية فيقام على يمين أمير المؤمنين عليه السلام ثمّ يدعى بالحسين عليه السلام فيكسي حلّة وردية فيقام على يمين الحسن عليه السلام ثمّ يدعى بالأئمة فيكسون حللاً وردية ويقام كلّ واحد على يمين صاحبه، ثمّ يدعى بالشيعة فيقومون أمامهم ثمّ يدعى بفاطمة ونسائها من ذرّيّتها وشيعتها فيدخلون الجنة بغير حساب، ثمّ ينادي منادٍ من بطنان العرش من قبل ربّ العزّة والأفق الأعلى نعم الأب أبوك يا محمد وهو إبراهيم ونعم الأخ أخوك وهو عليّ بن أبي طالب عليه السلام ونعم السبطان سبطاك وهما الحسن والحسين ونعم الجنين جنينك وهو محسن ونعم الأئمة الراشدون من ذرّيّتك وهم فلان وفلان، ونعم الشيعة شيعتك ألا أن محمّداً ووصيّيه وسبطيه

والأئمة من ذريته هم الفائزون ثم يؤمر بهم إلى الجنة وذلك قوله: «فَمَنْ رُحِّحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ».

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٢٨.

٢٩ - تفسير القمي ج ٢ ص ٧٧

أبي، عن ابن أبي عمير، عن منصور بن يونس، عن عمرو بن أبي شيبة - في حديث - قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: جعلني الله فداك إذا كان يوم القيامة أين يكون رسول الله وأمير المؤمنين وشيعته؟ فقال أبو جعفر: رسول الله وعلي وشيعته على كثران من المسك الأذفر على منابر من نور يحزنون الناس ولا يحزنون ويفزع الناس ولا يفزعون ثم تلا هذه الآية: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ فالحسنة والله ولاية علي عليه السلام ثم قال: «لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٧٥.

٣٠ - تفسير الفرات ص ١١٩ و ١٢٠

فرات [بن إبراهيم الكوفي]. قال: حدثني علي بن أحمد بن خلف الشيباني [قال: حدثنا عبد الله بن علي بن المتوكل الفلسطيني عن بشر بن غياث عن سليمان بن عمرو العامري عن عطاء عن سعيد]: عن ابن عباس رضي الله عنه قال: بينما النبي صلى الله عليه وآله وعلي عليه السلام [بن أبي طالب عليه السلام] بمكة أيام الموسم إذ التفت النبي صلى الله عليه وآله إلى علي عليه السلام وقال: [فقال:] هنيئاً لك وطوبى لك يا أبا الحسن إن الله قد أنزل علي آية محكمة غير متشابهة ذكرى وإياك فيها سواء فقال: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً﴾ بيوم عرفات [عرفة] ويوم

جمعة.

هذا جبرئيل عليه السلام يخبرني عن الله أن الله يبعثك [أنت] وشيعتك يوم القيامة ركبانا غير رجالة [رجال] على نجائب [النجائب] فرحلتها! من النور [نور] فتناخ عند قبورهم فيقال لهم: اركبوا يا أولياء الله فيركبون صفاً معتدلاً أنت إمامهم إلى الجنة حتى إذ صاروا إلى الفحص ثارت في وجوههم ريح يقال لها المثيرة فتذري في وجوههم المسك الأذفر فينادون بصوت لهم نحن العلويون فيقال لهم: إن كنتم العلويون فأنتم الآمنون (وَلَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ) [الذين لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ].

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٤.



٣٠ - تفسير الفرات ص ١١٩ و ١٢٠

فرات [بن إبراهيم الكوفي] قال: حدثني علي بن أحمد بن خلف الشيباني [قال: حدثنا عبد الله بن علي بن المتوكل الفلسطيني عن بشر بن غياث عن سليمان بن عمرو العامري عن عطاء عن سعيد]:

عن ابن عباس رضي الله عنه قال: بينما النبي صلى الله عليه وآله وعلي عليه السلام [بن أبي طالب عليه السلام] بمكة أيام الموسم إذ التفت النبي صلى الله عليه وآله إلى علي عليه السلام وقال [فقال] هنيئاً لك وطوبى لك يا أبا الحسن إن الله قد أنزل علي آية محكمة غير متشابهة ذكرى وإياك فيها سواء فقال: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً﴾ بيوم عرفات [عرفة] ويوم جمعة.

هذا جبرئيل عليه السلام يخبرني عن الله أن الله يبعثك [أنت] وشيعتك يوم القيامة ركبانا غير رجالة [رجال] على نجائب [النجائب] فرحلتها! من النور [نور] فتناخ عند قبورهم فيقال لهم: اركبوا يا أولياء الله فيركبون صفاً معتدلاً أنت إمامهم إلى

الجنة حتى إذ صاروا إلى الفحص ثارت في وجوههم ريح يقال لها المثيرة فتذري في وجوههم المسك الأذفر فينادون بصوت لهم نحن العلويون فيقال لهم إن كنتم العلويون فأنتم الآمنون ﴿وَلَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ [الذين لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ].

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٤.

٣١ - تفسير الفرات ص ٥٣٤

قال: حدثني علي بن محمد بن عمر الزهري [قال: حدثني محمد بن العباس بن عيسى عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن صالح بن سهل] عن أبي الجارود قال: قال أبو جعفر عليه السلام [في عن قوله تعالى]: ﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ قال إذا كان يوم القيامة خطف قول (لا إله إلا الله) من [عن] قلوب العباد في الموقف إلا من أقر بولاية علي بن أبي طالب عليه السلام وهو قوله: ﴿إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ﴾ من أهل ولاية علي فهم الذين يؤذن لهم بقول (لا إله إلا الله).

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٦.

٣٢ - تفسير الفرات ص ٤٥٦

بإسناده عن جابر عن النبي صلى الله عليه وآله - في حديث - قال: يا علي ما من عبد يحبك وينتحل مودتك إلا بعثه الله يوم القيامة معنا.

ونقله عنه «البحار» ج ٧ ص ٢١٢.

٣٣ - تفسير الفرات ص ٣٤٨

فرات قال: حدثني محمد بن عيسى الدهقان معنعناً:

عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول لعلي: يا علي أبشر وبشر فليس على شيعتك [لشيعت] كرب [حسرة] عند الموت، ولا وحشة في القبور، [ولا حزن يوم النشور ولكأنني بهم يخرجون من جدث القبور] ينفضون التراب عن [من] رؤسهم ولحاهم يقولون: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٨.

٣٤ - تفسير الفرات ص ٣٤٩

فرات قال: حدثنا سليمان بن محمد [أحمد] معنعنا:

عن جهم بن حر قال: دخلت مسجد المدينة فصليت ركعتين على سارية ثم دعوت الله وقلت: اللهم أنس وحدتي وارحم غربتي وائتني بجليس صالح يحدثني بحديث ينفعني الله به فجاء أبو الدرداء رضي الله عنه حتى جلس إلي فأخبرته بدعائي فقال: أما إنني أشد فرحاً بدعائك منك إن الله جعلني ذلك الجليس الصالح الذي سافر إليك أمّا إنني سأحدثك بحديث سمعته من [عن] رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لم أحدث به أحداً قبلك ولا أحدث بعدك:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم تلا هذه الآية: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإذن الله ذلك هو الفضل الكبير جَنَّاتٌ عَدْنٍ﴾ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: السابق يدخل الجنة بغير حساب و المقتصد يحاسب حساباً يسيراً والظالم لنفسه يحبس في يوم مقداره خمسين ألف سنة حتى يدخل الحزن [في] جوفه ثم يرحمه فيدخله الجنة فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ﴾ الذي أدخل أجوافهم في

طول المحشر ﴿إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ قال: شكر لهم العمل القليل وعفا [غفر] لهم الذنوب العظام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٩

٣٥ - تفسير الفرات ص ٤١٧

جعفر بن محمد بن سعيد الأحمسي، عن أبي يحيى البصري، عن أبي جابر، عن طعمة الجعفي، عن المفضل بن عمر قال: سأل السدي جعفر بن محمد عليه السلام، عن قول الله تعالى: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ﴾ قال: هي في علي وأولاده وشيعتهم هم المتقون وهم أهل الجنة والمغفرة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٢.



٣٦ - تفسير الفرات ص ٤٠٨ - ٤٠٧

قال: حدثني الحسين بن سعيد قال: حدثنا محمد بن مروان قال: حدثنا عبد الله [بن الفضل الثوري] عن جعفر عن أبيه قال: ينادي مناد يوم القيامة: أين المحبون لعلي؟ فيقومون من كل فج عميق فيقال لهم: من أنتم؟ قالوا: نحن المحبون لعلّي الخالصون له حباً. قال: [فيقال لهم] أفتشركون في حبه أحداً من الناس؟ فيقولون: لا فيقال لهم: ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠١.

٣٧ - قال: حدثني الحسين بن سعيد قال: حدثنا علي بن السخت قال: حدثنا

الحسن بن الحسين بن أحمد قال: حدثنا أحمد بن السعيد! الأنماطي عن عبد الله بن الحسين عن أبيه عن جدّه: عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال

رسول الله ﷺ: يا عليّ كذب من زعم أنه يحبّني ويبغضك يا عليّ إنّه إذا كان يوم القيامة نادى منادٍ من بطنان العرش: أين محبّو عليّ ومن يحبّه؟ أين المتحابون في الله؟ أين المتبازلون في الله؟ أين المؤثرون على [في] أنفسهم؟ أين الذين جفت ألسنتهم من العطش؟ أين الذين يصلون بالليالي [في الليل] والناس نيام؟ أين الذين يبيكون من خشية الله ﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ أين رفقاء النبي محمد ﷺ آمنوا وقرؤا عينا ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ﴾.

٣٨ - قال: حدّثني الحسين بن سعيد قال: حدّثنا عبد الله بن وضاح اللؤلؤي قال: حدّثنا إسماعيل بن أبان عن عمرو بن [شمر عن] جابر: عن أبي جعفر ﷺ [عن أبيه عن جدّه عن أمير المؤمنين ﷺ] قال: إذا كان يوم القيامة نادى منادٍ من السماء: أين عليّ بن أبي طالب؟ قال: فأقوم فيقال لي: أنت عليّ؟ فأقول: أنا ابن عمّ النبي ﷺ ووصيّهِ ووارثهِ. فيقال لي: صدقت ادخل الجنة فقد غفر الله لك ولشيعتك وقد آمنك الله وآمنهم معك من الفرع الأكبر (ادخلوا الجنة) [آمنين] ﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٨

٣٩ - تفسير الفرات ص ٤٠٩

قال: حدّثني محمد بن عيسى بن زكريا الدهقان قال: حدّثنا عبد الرحمن - يعني ابن سراج - قال: حدّثنا أبو حفص عن أبي حمزة الثمالي عن عليّ بن الحسين ﷺ قال: إذا كان يوم القيامة نادى منادٍ ﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ فإذا قالها لم يبق أحدٌ إلّا رفع رأسه فإذا قال ﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ لم يبق أحدٌ إلّا طأطأ رأسه إلّا المسلمين المحبّين. قال: ثمّ ينادي: هذه فاطمة بنت محمد تمرّ بكم هي ومن معها إلى الجنة ثمّ يرسل الله لها

[إليها] ملكاً فيقول: يا فاطمة سلي حاجتك فتقول: يا ربّ حاجتي أن تغفر [لي و] لمن نصر ولدي.

٤٠ - قال: حدّثني عليّ بن محمّد الهيري (الزهري) قال: حدّثني يونس - يعني ابن عليّ القطّان - قال: حدّثنا أبو جعفر (حفص) الأعمش عن أبي حمزة عن عليّ بن الحسين عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة نادى مناد ﴿يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ قال: إذا قالها لم يبق أحدٌ إلا رفع رأسه فإذا قال: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ لم يبق أحدٌ إلا طأطأ رأسه إلا المسلمين ﴿المحبّين﴾.

قال: [ثمّ] ينادي مناد: هذه فاطمة بنت محمّد تمرّ بكم هي ومن معها إلى الجنّة ثمّ يرسل فطأطأوا رؤوسكم فلا يبقى أحدٌ إلا طأطأ رأسه حتّى تمر فاطمة ومن معها إلى الجنّة ثمّ يرسل الله إليها ملكاً فيقول: يا فاطمة سلي [سليني] حاجتك. فتقول: يا ربّ حاجتي أن تغفر [لي و] لمن نصر ولدي.

٤١ - تفسير الفرات ص ٤٤٥ - ٤٤٤

قال: حدّثنا سليمان بن محمّد بن أبي العطوس معنعناً: عن ابن عبّاس رضي الله عنه قال: سمعت [أمير المؤمنين] عليّ بن أبي طالب عليه السلام يقول: دخل رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم ذات يوم على فاطمة عليها السلام وهي حزينة فقال لها: ما حزنك يا بنيّة؟ قالت: يا أبة ذكرت المحشر ووقوف الناس عراة يوم القيامة. قال: يا بنيّة إنه ليوم عظيم ولكن قد أخبرني جبرئيل عليه السلام عن الله عزّ وجلّ [أنه] قال: أوّل من تتشقّق [ينشق] عنه الأرض يوم القيامة أنا ثمّ [و] أبي إبراهيم ثمّ بعلك عليّ بن أبي طالب عليه السلام ثمّ يبعث الله إليك جبرئيل في سبعين ألف ملك فيضرب على قبرك سبع قباب من نور ثمّ يأتيك إسرافيل بثلاث حلل من نور فيقف عند

رأسك فيناديك: يا فاطمة ابنة محمد قومي إلى محشرِك [فتقومين] آمنة روعتك مستورة عورتك فيناولك إسرافيل الحلل فتلبسيتها ويأتيك روفائيل بنجبية من نور زمامها من لؤلؤ رطب عليها محفة من ذهب فتركبونها ويقود روفائيل بزمامها وبين يديك سبعون ألف ملك بأيديهم ألوية التسبيح وإذا جديك السير استقبلتك [استقبلك] سبعون ألف حوراء يستبشرون بالنظر إليك بيد كل واحدة منهنّ مجمرة من نور يسطع [تسطع] منها ريح العود من غير نارٍ، وعليهن أكاليل الجوهر مرصّع بالزبرجد الأخضر فيسرن عن يمينك، فإذا مثل الذي سرت من قبرك إلى أن لقيتك استقبلتك مريم بنت عمران في مثل من معك من الحور فتسلم عليك وتسير هي ومن معها عن يسارك ثمّ استقبلتك أمّك خديجة بنت خويلد أوّل المؤمنات بالله ورسوله [برسوله] ومعها سبعون ألف ملك بأيديهم ألوية التكبير فإذا قربت من الجمع استقبلتك حواء في سبعين ألف حوراء ومعها آسية بنت مزاحم فتسير هي ومن معها معك فإذا توسطت الجمع وذلك أنّ الله يجمع الخلائق في صعيد واحد فيستوي بهم الأقدام.

ثمّ ينادي منادٍ من تحت العرش يسمع الخلائق: غضوا أبصاركم حتّى تجوز فاطمة الصديقة ابنة محمد ﷺ ومن معها فلا ينظر إليك يومئذٍ إلا إبراهيم خليل الرحمن [صلوات الله وسلام عليه] وعليّ بن أبي طالب عليه السلام، ويطلب آدم حواء فيراها مع أمّك خديجة أمامك ثمّ ينصب لك منبر من نور [النور] فيه سبع مراق [مراقبة] بين المراقبة إلى المراقبة صفوف الملائكة بأيديهم ألوية النور، وتصطف الحور العين عن يمين المنبر وعن يساره، وأقرب النساء منك [معك] عن يسارك حواء وآسية بنت مزاحم، فإذا صرت في أعلى المنبر أتاك جبرئيل عليه السلام فيقول [فقال] لك: يا فاطمة سلمي حاجتك، فتقولين: يا ربّ أرني الحسن والحسين فيأتيانك وأوداج الحسين تشخب دماً وهو يقول: يا ربّ خذ لي اليوم حقي ممّن

ظلمني، فيغضب عند ذلك الجليل ويغضب [تغضب] لغضبه جهنم والملائكة أجمعون فتزفر جهنم عند ذلك زفرة ثم يخرج فوج من النار فيلتقط [ويلتقط] قتلة الحسين وأبناءهم وأبناء أبناءهم [و] يقولون: يا ربّ إنا لم نحضر الحسين عليه السلام فيقول الله لزبانية جهنم: خذوهم بسيماهم بزرقة الأعين وسواد الوجوه، خذوا بنواصيهم فألقوهم في الدرك الأسفل من النار فإنهم كانوا أشدّ على أولياء الحسين من آبائهم الذين حاربوا الحسين فقتلوه، فيسمع شهيقهم في جهنم.

ثم يقول جبرئيل عليه السلام يا فاطمة سلمي حاجتك؟ فتقولين: يا ربّ شيعتي، فيقول الله: قد غفرت لهم، فتقولين: يا ربّ شيعة ولدي، فيقول الله: قد غفرت لهم، فتقولين: يا ربّ شيعة شيعتي، فيقول الله: انطلقني فمن اعتصم بك فهو معك في الجنة فعند ذلك يود الخلائق أنهم كانوا فاطميين، فتسيرين ومعك شيعتك وشيعة ولدك وشيعة أمير المؤمنين آمنة روعاتهم مستورة عوراتهم قد ذهبت عنهم الشدائد وسهلت لهم الموارد يخاف الناس وهم لا يخافون ويظما الناس وهم لا يظماون فإذا بلغت باب الجنة تلقتك اثنا عشر ألف حوراء لم يتلقين [يلتقين] أحداً [كان] قبلك ولا يتلقين [يلتقين] أحداً [كان] بعدك، بأيديهم حراب من نور على نجائب من نور رحائلها [حمائلها] من الذهب الأصفر والياقوت، أزمتها من لؤلؤ رطب، على كلّ نجيبة نمرقة من سندس منضود فإذا دخلت الجنة تباشر بك أهلها ووضع لشيعتك موائد من جوهر على أعمدة من نور، فيأكلون منها والناس في الحساب وهم فيما اشتتهت أنفسهم خالدون فإذا استقرّ أولياء الله في الجنة زارك آدم ومن دونه من النبيين، وإن في بطنان الفردوس للؤلؤتان من عرق واحد، لؤلؤة بيضاء ولؤلؤة صفراء فيها قصور ودور في كلّ واحدة سبعون ألف دار، البيضاء منازل لنا ولشيعتنا والصفراء منازل لإبراهيم وآل إبراهيم /

قالت: يا أبة فما كنت أحبّ أن أرى يومك وأبقى بعدك. قال: [فقال] يا بنيّة لقد

أخبرني جبرئيل عليه السلام عن الله أنك أول من يلحقني من أهل بيتي فالويل كله لمن ظلمك والفوز العظيم لمن نصرك.

قال عطاء: وكان ابن عباس رضي الله عنهما إذا ذكر هذا الحديث تلا هذه الآية: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٢.

٤٢ - تفسير الفرات ص ٣٥١

عن جعفر بن أحمد رفعه، عن سلمان رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وآله - في حديث - أنه قال: والله يا علي إن شيعتك ليؤذن لهم في الدخول عليكم في كل جمعة، وإنهم لينظرون إليكم من منازلهم يوم الجمعة كما ينظر أهل الدنيا إلى النجم في السماء وإنكم لفي أعلى عليين في غرفة ليس فوقها درجة أحد من خلقه. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٤.

٤٣ - تفسير الفرات ص ١٤٨

إسماعيل بن إسحاق الفارسي رفعه إلى أبي جعفر عليه السلام وساق الحديث في مصارعة أمير المؤمنين عليه السلام مع الشيطان - إلى أن قال - فقال الشيطان: قم عني حتى أبشرك، فقام عنه فقال: بم تبشّرني يا ملعون؟ قال: إذا كان يوم القيامة صار الحسن عن يمين العرش والحسين عن يسار العرش يعطون شيعتهم الجواز من النار. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٣٤٠.

ورواه في «مناقب شهر آشوب» ج ٢ ص ٢٤٨ عن جابر بن أبي جعفر عليه السلام عنه صلوات الله عليه مثله.

٤٤ - أعلام الدين ص ٤٦٤

وقال رسول الله صلوات الله عليه : «لَمَّا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ فِيهَا شَجَرَةً تَحْمِلُ الْحَلِيَّ وَالْحَلَلَ، أَسْفَلُهَا خَيْلٌ بَلَقٌ، وَأَوْسَطُهَا حُورٌ عَيْنٌ، وَفِي أَعْلَاهَا الرِّضْوَانُ، قُلْتُ: يَا جِبْرِئِيلُ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ؟ قَالَ: لِابْنِ عَمِّكَ عَلِيٍّ، إِذَا أَمَرَ اللَّهُ الْخَلْقَ بِالْدُخُولِ إِلَى الْجَنَّةِ، يُوْتَى بِشِيعَتِهِ حَتَّى يَنْتَهَى بِهِمْ إِلَى هَذِهِ الشَّجَرَةِ، فَيَلْبَسُونَ الْحَلِيَّ وَالْحَلَلَ، وَيُرْكَبُونَ الْخَيْلَ الْبَلَقَ، وَيَنَادِي مُنَادٍ: هَؤُلَاءِ شِيعَةُ عَلِيٍّ، صَبَرُوا فِي الدُّنْيَا عَلَى الْأَذَى، فَجَزَوْا الْيَوْمَ ثَوَابَ الصَّابِرِينَ.

ورواه في «البحار» ج ٨ ص ١٣٨ عن كشف اليقين بإسناده عن أمير المؤمنين عليه السلام عن رسول الله صلوات الله عليه مثله.

٤٥ - البحار ج ٧ ص ١٩٢ عن كنز الفوائد

محمد بن العباس، عن محمد بن يونس، عن عثمان بن أبي شيبة، عن عتبة بن سعيد، عن جابر الجعفي، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله تعالى: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ» قال: هم شيعة أهل البيت.

٤٦ - البحار ج ٧ ص ١٩٤ نقلاً عن الكنز

قوله تعالى: ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ﴾ الآية، قال محمد بن العباس: حدَّثنا الحسين بن أحمد عن محمد بن عيسى عن يونس بن عبد الرحمن عن يونس بن يعقوب عن خلف بن حماد عن هارون بن خارجة عن أبي بصير عن

سعيد السَّمَّان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قوله تعالى: ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً﴾ يعني علويّاً أتوالى أبا تراب.

٤٧ - البحار ج ٨ ص ١٤٩ عن بشارة المصطفى

محمد بن عليّ بن عبد الصمد عن أبيه عن جدّه عن أحمد بن أبي جعفر البيهقي عن عليّ بن جعفر المدني عن عبد الله بن محمد المروزي عن سفيان بن عيينة عن ليث عن مجاهد عن ابن عباس قال: يأتي على أهل الجنة ساعة يرون فيها نور الشمس والقمر فيقولون: أليس قد وعدنا ربّنا أن لا نرى فيها شمساً ولا قمرًا؟ فينادي مناد: قد صدقكم ربّكم وعده لا ترون فيها شمساً ولا قمرًا؟ ولكن هذا رجل من شيعة عليّ بن أبي طالب عليه السلام يتحوّل من غرفة إلى غرفة، فهذا الذي أشرق عليكم من نور وجهه.



٤٨ - البحار ج ٧ ص ١٧٥ عن بشارة المصطفى

أبو البركات عمر بن إبراهيم الحسيني عن سعيد بن محمد الثقفي عن محمد بن عليّ العلويّ عن محمد بن الحسين السلمي عن عليّ بن العباس عن عباد بن يعقوب عن يونس بن أبي يعقوب عن رجل عن عليّ بن الحسين عليه السلام أن رجلاً سأله عن القيامة قال: إذا كان يوم القيامة جمع الله الأولين والآخرين، وجمع ما خلق في صعيد واحد ثمّ نزلت ملائكة السماء الدنيا فأحاطت بهم صفّاً، ثمّ ضرب حولهم سرادق من نار، ثمّ نزلت ملائكة السماء الثانية فأحاطوا بالسرادق، ثمّ ضرب حولهم سرادق من نار، ثمّ نزلت ملائكة السماء الثالثة فأحاطوا بالسرادق، ثمّ ضرب حولهم سرادق من نار حتّى عدّ ملائكة سبع سماوات وسبع سرادقات، فصعق الرجل فلماً أفاق قال: يا ابن رسول الله أين عليّ وشيعته؟ قال: على كثران المسك يؤتون بالطعام والشراب لا يحزنهم ذلك.

٤٩ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٢٨٤

وروى المَعْلَى بن مُحَمَّد البَصْرِيّ عن أَحْمَد بن مُحَمَّد بن عبد الله عن عمرو بن زياد عن مدرك بن عبد الرحمن عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن مُحَمَّد عَلَيْهِ السَّلَام قال: إذا كان يوم القيامة جمع الله عزّ وجلّ الناس في صعيد واحد ووضعت الموازين فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء.

ورواه في «أُمالي الصدوق» ص ١٦٨ عن جعفر بن مُحَمَّد بن مسرور عن الحسين بن مُحَمَّد بن عامر عن المَعْلَى بن البَصْرِيّ بعينه سنداً ومُتناً. ونقله عن الأُمالي في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٦.



٥٠ - علل الشرائع ص ٣٩٤ تحقيق كافي علوم حسيني

حدّثنا أَحْمَد بن مُحَمَّد، عن أبيه عن أَحْمَد بن مُحَمَّد بن عيسى عن يونس بن عبد الرحمان عمّن ذكره عن أبي عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام قال: إذا كان يوم القيامة بعث الله عزّ وجلّ العالم والعابد فإذا وقف بين يدي الله عزّ وجلّ قيل للعابد انطلق إلى الجنة وقيل: للعالم قف تشفع للناس بحسن تأديبك لهم.

٥١ - علل الشرائع ص ٤٦٨

عن أبي الدرداء قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: إنّ الله عزّ وجلّ يجمع العلماء يوم القيامة فيقول لهم: لم أضع نوري وحكمتي في صدوركم إلّا وأنا أريد بكم خير الدنيا والآخرة، اذهبوا فقد غفرت لكم على ما كان منكم. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٦.

٥٢ - الخصال ص ١٥٦

حدّثنا أبي عليه السلام قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه، عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة يشفعون إلى الله عزّ وجلّ فيشفّعون: الأنبياء، ثمّ العلماء، ثمّ الشهداء.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٤.

٥٣ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٣٣٩

قال الإمام عليه السلام: قال علي بن أبي طالب عليه السلام: من كان من شيعتنا عالماً بشريعتنا فأخرج ضعفاء شيعتنا من ظلمة جهلهم إلى نور العلم الذي حبّونه به جاء يوم القيامة وعلى رأسه تاج من نور يضيء لأهل جميع تلك العرصات، و [عليه] حلّة لا يقوم لأقلّ سلك منها الدنيا بحذافيرها.

ثمّ ينادي منادٍ [من عند الله]: يا عباد الله هذا عالم من بعض تلامذة آل محمد، ألا فمن أخرجته في الدنيا من حيرة جهله فليتشبّث بنوره ليخرجه من حيرة ظلمة هذه العرصات إلى نزة الجنان، فيخرج كلّ من كان علمه في الدنيا خيراً، أو فتح عن قلبه من الجهل قفلاً، أو أوضح له عن شبهة.

٥٤ - وص ٣٤٠

قال عليه السلام: وحضرت امرأة عند الصديقة فاطمة الزهراء عليها السلام فقالت: إنّ لي والدة... إلى أن قال - فقالت: اكرتيت أنا لكلّ مسألة بأكثر من ملء ما بين الثرى إلى العرش لؤلوءاً فأحرى أن لا يثقل عليّ، سمعت أبي [رسول الله صلى الله عليه وآله] يقول: إنّ علماء شيعتنا يحشرون، فيخلع عليهم من خلع الكرامات على قدر كثرة علومهم،

وجدّهم في إرشاد عباد الله، حتّى يخلع على الواحد منهم ألف ألف خلعة من نور. ثمّ ينادي منادي ربّنا عزّ وجلّ: أيّها الكافلون لأيتام آل محمّد، الناعشون لهم عند انقطاعهم عن آبائهم الذين هم أئمّتهم، هؤلاء تلامذتكم والأيتام الذين كفلتموهم ونعشتموهم فاخلعوا عليهم [كما خلعتموهم] خلع العلوم في الدنيا.

٥٥ - وص ٣٤١

قال الحسن بن عليّ عليه السلام: يأتي علماء شيعتنا القوّامون لضعفاء محبّينا وأهل ولايتنا يوم القيامة، والأنوار تسطع من تيجانهم على رأس كلّ واحد منهم تاج (بهاء) قد انبثت تلك الأنوار في عرصات القيامة ودورها مسيرة ثلاثمائة ألف سنة، فشعاع تيجانهم ينبثّ فيها كلّها، فلا يبقى هناك يتيم قد كفّله ومن ظلمة الجهل أنقذوه ومن حيرة التيه أخرجوه إلّا تعلق بشعبة من أنوارهم، فرفعتهم إلى العلوّ حتّى يحاذي بهم فوق الجنان، ثمّ تنزلهم على منازلهم المعدة في جوار أستاذيهم ومعلّميهم، وبحضرة أئمّتهم الذين كانوا يدعون إليهم، ولا يبقى ناصب من النواصب يصيبه من شعاع تلك التيجان إلّا عميت عيناه وضمت أذناه وخرس لسانه، ويحوّل عليه أشدّ من لهب النيران، فيحملهم حتّى يدفعهم إلى الزبانية، فيدعوهم إلى سواء الجحيم.

٥٦ - وص ٣٥٠

وقال عليّ بن موسى الرضا عليه السلام: أفضل ما يقدّمه العالم من محبّينا وموالينا أمامه ليوم فقره وفاقتة وذله ومسكنته أن يغيث في الدنيا مسكيناً من محبّينا من يد ناصب عدوّ الله ولرسوله يقوم من قبره والملائكة صفوف من شفيع قبره إلى موضع محله من جنان الله، فيحملونه على أجنحتهم، يقولون: مرحباً طوباك طوباك يا دافع الكلاب عن الأبرار، ويا أيّها المتعصّب للأئمة الأخيار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٦ - ٢٢٤.

آيات الجنة

(١) وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رُزِقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ		
البقرة	م	٢٥
(٢) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ		
البقرة	م	٨٢
(٣) وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ		
آل عمران	م	١٣٣
(٤) أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ		
آل عمران	م	١٤٢
(٥) فَمَنْ رُحِخَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ		
آل عمران	م	١٨٥
(٦) وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ		
النساء	م	١٢٤
(٧) إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ		
المائدة	م	٧٢
(٨) وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ		
الأعراف	ك	٤٠
(٩) أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ		
الأعراف	ك	٤٢
(١٠) وَتَوَدُّوْا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أَوْ رِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ		
الأعراف	ك	٤٣
(١١) وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا		
الأعراف	ك	٤٤
(١٢) وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ		
الأعراف	ك	٤٦
(١٣) ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ		
الأعراف	ك	٤٩
(١٤) وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ		
الأعراف	ك	٥٠
(١٥) إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّهُمْ لِلْجَنَّةِ		
التوبة	م	١١١

يونس	ك	٢٦	(١٦) أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
			(١٧) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هود	ك	٢٣	(١٨) وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا
هود	ك	١٠٨	(١٩) مَثَلُ الْجَنَّةِ النَّارِ وَعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
الرعد	م	٣٥	(٢٠) سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
النحل	ك	٣٢	(٢١) فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا
مريم	ك	٦٠	(٢٢) تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا
مريم	ك	٦٣	(٢٣) قُلْ أَذَلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ
الفرقان	ك	١٥	(٢٤) أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا
الفرقان	ك	٢٤	(٢٥) وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ
الشعراء	ك	٨٥	(٢٦) وَأَزْلَفْتُ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ
الشعراء	ك	٩٠	(٢٧) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
العنكبوت	ك	٥٨	(٢٨) قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي
يس	ك	٢٦	(٢٩) إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ
يس	ك	٥٥	(٣٠) وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا
الزمر	ك	٧٣	(٣١) وَأُورِثْنَا الْأَرْضَ فَتَبَوَّأْنَا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ
الزمر	ك	٧٤	(٣٢) وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْشِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
غافر	ك	٤٠	(٣٣) وَأَبْشَرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ
فصلت	ك	٣٠	(٣٤) فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ
الشورى	م	٧	(٣٥) ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ
الزخرف	ك	٧٠	



مركز تحقيقات کلامی و علوم اسلامی

الزخرف	ك	٧٢	(٣٦) وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
الأحقاف	ك	١٤	(٣٧) أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
الأحقاف	ك	١٦	(٣٨) وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ
محمد	م	٦	(٣٩) وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ
محمد	م	١٥	(٤٠) مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ
ق	ك	٣١	(٤١) وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ
النجم	ك	١٥	(٤٢) وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى. عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى. عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى
الواقعة	ك	٨٩	(٤٣) فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ. فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ
			(٤٤) سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
الحديد	م	٢١	
الحشر	م	٢٠	(٤٥) لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ
الحشر	م	٢٠	(٤٦) أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ
التحریم	م	١١	(٤٧) إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ
القلم	ك	١٧	(٤٨) إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ
الحاقة	ك	٢٢	(٤٩) فَهَوَ فِي عَيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ
المعارج	ك	٣٨	(٥٠) أُولَئِكَ فِي جَنَّا مُكْرَمُونَ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ
الإنسان	م	١٢	(٥١) وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةٌ وَحَرِيرًا
			(٥٢) وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَتَهَيَّ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى. فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ
النازعات	ك	٤١	الْمَأْوَى
التكوير	ك	١٣	(٥٣) وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ. عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ
الغاشية	ك	١٠	(٥٤) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ. لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ
الفجر	ك	٣٠	(٥٥) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي. وَادْخُلِي جَنَّتِي
الأنعام	ك	١٢٧	(٥٦) لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ



			(٥٧) وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
البقرة	م	٢٥	تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
			(٥٨) أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
المؤمنون	ك	١١	
			(٥٩) لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
آل عمران	م	١٥	
			(٦٠) أُولَئِكَ جَزَاءُ وَهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
آل عمران	م	١٣٦	
			(٦١) وَلَدْخِلْنَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ
آل عمران	م	١٩٥	
			(٦٢) لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
آل عمران	م	١٩٨	
			(٦٣) وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
النساء	م	١٣	
			(٦٤) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
النساء	م	٥٧	تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
			(٦٥) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
النساء	م	١٢٢	تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
			(٦٦) وَلَدْخِلْنَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
المائدة	م	١٢	
			(٦٧) لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ
المائدة	م	٦٥	
			(٦٨) فَأَتَاهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
المائدة	م	٨٥	
			(٦٩) لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
المائدة	م	١١٩	
			(٧٠) جَزَاءُ وَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
البينة	م	٨	
			(٧١) يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ.
التوبة	م	٢٢ و ٢١	خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ
			(٧٢) وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
التوبة	م	٧٢	
			(٧٣) خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ
التوبة	م	٧٢	
			(٧٤) أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
التوبة	م	٨٩	

التوبة	م	١٠٠	(٧٥) وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
يونس	ك	٩	(٧٦) تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
الرعد	م	٢٣	(٧٨) جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ
			(٧٩) وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
إبراهيم	ك	٢٣	(٨٠) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
الحجر	ك	٤٥	(٨١) جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ
النحل	ك	٣١	(٨٢) أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ
الكهف	ك	٣١	(٨٣) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا
الكهف	ك	١٠٧	(٨٤) جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ
مريم	ك	٦١	(٨٥) جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
طه	ك	٧٦	(٨٦) إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
الحج	م	١٤	(٨٧) إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
الحج	م	٢٣	(٨٨) فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
الحج	م	٥٦	(٨٩) فَأَنشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ
المؤمنون	ك	١٩	(٩٠) تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
الفرقان	ك	١٠	(٩١) فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
الشعراء	ك	٥٧	(٩٢) أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ. وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
الشعراء	ك	١٣٤	(٩٣) أَتُشْرِكُونَ فِي مَا هَآهْنَا أَمِينٍ. فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
الشعراء	ك	١٤٧	

لقمان	ك	٨	(٩٤) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ
السجدة	ك	١٩	(٩٥) أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى
فاطر	ك	٣٣	(٩٦) جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا
يس	ك	٣٤	(٩٧) وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ
الصفات	ك	٤٣	(٩٨) أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ. فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ. فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
ص	ك	٥٠	(٩٩) وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ. جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحِنَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ
غافر	ك	٨	(١٠٠) رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ
الشورى	م	٢٢	(١٠١) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ
الدخان	ك	٥٢	(١٠٢) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ. فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
			(١٠٣) إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
محمد	م	١٢	تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
			(١٠٤) لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
الفتح	م	٥	
الفتح	م	١٧	(١٠٥) وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
ق	ك	٩	(١٠٦) وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ
الذاريات	ك	١٥	(١٠٧) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
الطور	ك	١٧	(١٠٨) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ
القمر	ك	٥٤	(١٠٩) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ
الواقعة	ك	١٢	(١١٠) وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ. أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ. فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
الحديد	م	١٢	(١١١) بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
المجادلة	م	٢٢	(١١٢) وَيَدْخُلُهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
الصف	م	١٢	(١١٣) يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
الصف	م	١٢	(١١٤) وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
التغابن	م	٩	(١١٥) وَيَدْخُلُهُ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

(١١٦) وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الأنهار ١١ م الطلاق

(١١٧) عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ٨ م التحريم

(١١٨) إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ٣٤ ك القلم

(١١٩) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ. أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ ٣٥ ك المعارج

(١٢٠) إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ. فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ الْمُجْرِمِينَ ٤٠ ك المدثر

(١٢١) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الأنهار ١١ ك البروج

(١٢٢) وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * ذَوَاتَا أَفْنَانٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ

زَوْجَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * مُتَكَبِّرِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ

دَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ *

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * هَلْ جَزَاءُ

الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ * مُدْهَامَتَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّخَتَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ * فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَانٌ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ * فَبِأَيِّ

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ

قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * مُتَكَبِّرِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضِرٍ وَعَبَقَرِيٍّ حِسَانٍ *

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٦-٧٧ م الرحمن

(١٢٣) وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ * ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ * وَقَلِيلٌ

مِّنَ الْآخِرِينَ * عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ * مُتَكَبِّرِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ * يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ

* بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ * لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزَفُونَ * وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ *

وَلَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ * وَحُورٌ عِينٌ * كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ * جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ *
لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا * إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا * وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ
مَخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ * وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ *
وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ * إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا

عُرُبًا أَتْرَابًا * لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ * ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ * وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ١٠-٤٠ ك الواقعة

(١٢٤) إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا
تَفْجِيرًا * يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا
وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا تُطْعَمُكُم لِيُوجِهَ اللَّهُ لَا نُريدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا * إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا
عَبُوسًا قَمَطِيرًا * فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا * وَجَزَاهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً
وَحَرِيرًا * مُتَكِينِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا * وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا
وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا * وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا * قَوَارِيرٌ مِّن فِضَّةٍ
قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا * وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا رَنْجَبِيلًا * عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا * وَيَطُوفُ
عَلَيْهِمْ وَلَدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْشُورًا * وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا
* عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِّن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا * إِنَّ
هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُورًا ١٢-٢٢ م الدهر

(١٢٥) إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ * تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ *
يُسْقَوْنَ مِنْ رَّحِيقٍ مُّخْتُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * وَمِزَاجُهُ مِّن تَسْنِيمٍ
* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ * إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ * وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ
يَتَغَامَزُونَ * وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ * وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءَ لَضَالُّونَ *
وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ * فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ
* هَلْ تُؤِيبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ *

بعض آيات الجنة

الانشقاق / ١٨	وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ
الأعراف / ٤٦	عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ
الأعراف / ٤٨	وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ
النور / ٧٤	وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصَّراطِ لَنَّا كُيُونَ فَأَذَنٌ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ الْأَعْرَافِ / ٤٤
	وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا الْإِنْسَانِ / ١٧
المطففين / ٢٥	يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ
الغاشية / ٥	تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ
	وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا الْجَنِّ / ١٦
	فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَظِلٍّ مُّمدَّدٍ * وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ *
الواقعة / ٢٨ - ٣٣	لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ
الواقعة / ٢٥	لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا * إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا
الرحمن / ٧٦	مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ
الرحمن / ٥٤	مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ
الدهر / ٦	يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا
الرعء / ٢٤	وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ
النساء / ٤	تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
التوبة / ٩	وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً

في ما ورد في نعيم الجنة وأهلها

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ٢٠٧

محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح

بن عقبة، عن المفضل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَتَحِفَّ أَخَاهُ التَّحِفَةَ، قلت: وأي شيء التحفة؟ قال: من مجلس ومثكأ وطعام وكسوة وسلام، فتطاول الجنة مكافأة له ويوحى الله عز وجل إليها: أَنِّي قَدْ حَرَمْتُ طَعَامَكَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَّا عَلَى نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ، فإذا كان يوم القيامة أوحى الله عز وجل إليها: أَنْ كَافِي أَوْلِيَائِي بِتَحْفِهِمْ فَيُخْرِجُ مِنْهَا وَصَفَاءَ وَوَصَائِفَ مَعَهُمْ أَطْبَاقَ مَغْطَاةٍ بِمَنَادِيلٍ مِنْ لَوْلُؤٍ، فإذا نظروا إلى جهنم وهولها وإلى الجنة وما فيها طارت عقولهم وامتنعوا أَنْ يَأْكُلُوا فَيَنَادِي مَنَادٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ حَرَّمَ جَهَنَّمَ عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ طَعَامِ جَنَّتِهِ فَيَمُدُّ الْقَوْمَ أَيْدِيَهُمْ فَيَأْكُلُونَ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٥٦.



٢- روضة الكافي ج ١ ص ٩٥ و ٩٦

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن محبوب، عن علي بن رئاب، ويعقوب السراج، عن أبي عبد الله عليه السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمَّا بُويعَ بَعْدَ مَقْتَلِ عِثْمَانَ صَعَدَ الْمَنْبَرَ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا - إِلَى أَنْ قَالَ - أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلِّ حَمْلِ عَلَيْهَا أَهْلِهَا وَأَعْطَوْا أَزْمَتَهَا فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ، وَفَتَحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُهَا وَوَجَدُوا رِيحَهَا وَطِبَّهَا وَقِيلَ لَهُمْ: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمَنِينَ». الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٢٥.

٣- اصول الكافي ج ٢ ص ١٢٥

الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الحسن بن علي الوشاء، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، قَدْ أَضَاءَ نُورُ وَجُوهِهِمْ وَنُورُ

في ما ورد في نعيم الجنة وأهلها ٢٦٥

أجسادهم ونور منابرهم كل شيء حتى يعرفوا به، فيقال: هؤلاء المتحابون في الله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٩٥.

ورواه في «المحاسن» ص ٢٦٥ عنه عن الحسن بن عليّ الوشاء بعينه سنداً ومتمناً لكنه أسقط فيه: «نور وجوههم».

٤ - أصول الكافي ج ٢ ص ٢٦١

محمد بن يحيى، عن أحمد، عن عليّ بن الحكم، عن سعدان قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن الله عز وجل يلتفت يوم القيامة إلى فقراء المؤمنين شبيهاً بالمعتذر إليهم فيقول: وعزّتي وجلالي ما أفقرتكم في الدنيا من هوان بكم عليّ، ولتروا ما أصنع بكم اليوم، فمن زوّد أحداً منكم في دار الدنيا معروفاً فخذوا بيده فأدخلوه الجنة، قال: فيقول رجل منهم: يا ربّ إن أهل الدنيا تنافسوا في دنياهم فنكحوا النساء، ولبسوا الثياب اللينة، وأكلوا الطعام، وسكنوا الدور، وركبوا المشهور من الدوابّ فأعطني مثل ما أعطيتهم، فيقول تبارك وتعالى: لك ولكل عبد منكم مثل ما أعطيت أهل الدنيا منذ كانت الدنيا إلى أن انقضت الدنيا سبعون ضعفاً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٠.

٥ - أصول الكافي ج ٢ ص ٢٦٣

عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن البرنطي، عن عيسى الفراء، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة أمر الله تبارك وتعالى منادياً ينادي بين يديه: أين الفقراء؟ فيقوم عنق من الناس كثير، فيقول: عبادي فيقولون: لبيك ربّنا، فيقول: إنّي لم أفقركم لهوان بكم عليّ ولكن إنّما اخترتكم

لمثل هذا اليوم، تصفّحوا وجوه الناس فمن صنع إليكم معروفاً لم يصنعه إلا في فكافوه عني بالجنة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٠.

٦ - التهذيب ج ٦ ص ٢٥

محمد بن أحمد بن داود عن أبي عليّ أحمد بن محمد بن عمّار الكوفي قال: حدّثنا أبي قال: حدّثنا عليّ بن الحسن بن فضال عن محمد بن عبد الله بن زرارة عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال: كنّا عند الرضا عليه السلام والمجلس غاص بأهله فتذاكروا يوم الغدير، فأنكره بعض الناس فقال الرضا عليه السلام: حدّثني أبي عن أبيه عليه السلام قال: إنّ يوم الغدير في السماء أشهر منه في الأرض، إنّ لله في الفردوس الأعلى قصراً لبنة من فضّة ولبنة من ذهب فيه مائة ألف قبة من ياقوتة حمراء ومائة ألف خيمة من ياقوت أخضر، ترابه المسك والعنبر، فيه أربعة أنهار نهر من خمر ونهر من ماء ونهر من لبن ونهر من عسل وحواليه أشجار جميع الفواكه، عليه طيور أبدانها من لؤلؤ وأجنحتها من ياقوت وتصوت بألوان الأصوات، إذا كان يوم الغدير ورد إلى ذلك القصر أهل السماوات يسبحون الله ويقصدونه ويهللون، فتطير تلك الطيور فتقع في ذلك الماء وتتمرغ على ذلك المسك والعنبر، فإذا اجتمعت الملائكة طارت فتنفض ذلك عليهم وإنّهم في ذلك اليوم ليتهادون نثار فاطمة عليها السلام فإذا كان آخر ذلك اليوم نودوا انصرفوا إلى مراتبكم فقد أمنتكم من الخطاء والزلل إلى قابل في مثل هذا اليوم تكرمة لمحمد و عليّ عليه وآله عليه السلام. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٢.

٧ - الخاصل ص ٢٥٠

أبي عن سعد عن أحمد بن هلال عن عيسى بن عبد الله الهاشمي عن أبيه عن جدّه عن آبائه عن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله أربعة أنهار من الجنة: الفرات، والنيل، وسيحان، وجيحان، فالفرات: الماء في الدنيا والآخرة. والنيل: العسل، وسيحان: الخمر، وجيحان: اللبن. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣٠.

٨ - الخصال ص ٦٣٨

حدّثنا أبي عليه السلام قال: حدّثنا سعد بن عبد الله عن محمد بن عبد الحميد العطار عن محمد بن راشد البرمكي عن عمرو بن سهل الأسدي عن سهيل بن غزوان البصريّ قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنّ امرأة من الجنّ كان يقال لها عفراء وكانت تأتي النبيّ صلى الله عليه وآله فتسمع من كلامه فتأتي صالحى الجنّ فيسلمون على يديها وإنها فقدّها النبيّ صلى الله عليه وآله فسأل عنها جبرئيل عليه السلام فقال: إنّها زادت اختاً لها تحبّها في الله، فقال النبيّ صلى الله عليه وآله: طوبى للمتحابّين في الله إنّ الله تبارك وتعالى خلق في الجنة عموداً من ياقوته حمراء عليه سبعون ألف قصر في كلّ قصر سبعون ألف غرفة خلقها الله عزّ وجلّ للمتحابّين والمتزاورين في الله. الخبر. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣٢.

٩ - عقاب الأعمال ص ٣٠٧

أبي عليه السلام قال: حدّثني سعد بن عبد الله قال: حدّثني أحمد بن الحسين بن سعيد عن عثمان بن عيسى، عن بعض أصحابه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما خلق الله خلقاً إلّا جعل له في الجنة منزلاً وفي النار منزلاً، فإذا أسكن أهل الجنة الجنة

وأهل النار النار نادى مناد يا أهل الجنة أشرفوا، فيشرفون على النار، وترفع لهم منازلهم في النار، ثم يقال لهم: هذه منازلكم التي لو عصيتم ربكم دخلتموها فلو أن أحداً مات فرحاً لمات أهل الجنة ذلك اليوم فرحاً بما صرف عنهم من العذاب، ثم ينادون يا معاشر أهل النار ارفعوا رؤوسكم فانظروا إلى منازلكم في الجنة، فيرفعون رؤوسهم فينظرون إلى منازلهم في الجنة ما فيها من النعيم، فيقال لهم: هذه منازلكم التي لو أطعتم ربكم دخلتموها، قال: فلو أن أحداً مات حزناً لمات أهل النار ذلك [اليوم حزناً، فيورث هؤلاء منازل هؤلاء، وهؤلاء منازل هؤلاء، وذلك قول الله تعالى: ﴿أولئك هم الوارثون * الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون﴾.

ورواه في «تفسير القمّي» ج ٢ ص ٨٩ مثله عن أبيه عن عثمان بن عيسى عن سماعة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام. ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ١٢٥.

١٠ - أمالي الصدوب ص ٢٩٥

حمزة العلوي، عن علي بن إبراهيم، عن النهاوندي، عن عبد الله بن حمّاد، عن الحسين بن يحيى بن الحسين، عن عمرو بن طلحة، عن أسباط بن نصر، عن عكرمة، عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: والذي بعثني بالحق بشيراً ونذيراً لا يعذب الله بالنار موحداً أبداً وإن أهل التوحيد يشفعون فيشفعون. ثم قال عليه السلام: إنه إذا كان يوم القيامة أمر الله تبارك وتعالى بقوم ساءت أعمالهم في دار الدنيا إلى النار فيقولون: يا رب كيف تدخلنا النار وقد كنّا نوحّدك في دار الدنيا؟ وكيف تحرق قلوبنا وقد عقدت على أن لا إله إلا أنت؟ أم كيف تحرق وجوهنا وقد عفرناها لك في التراب؟ أم كيف تحرق أيدينا وقد رفعناها بالدعاء إليك فيقول

الله جلّ جلاله: عبادي ساءت أعمالكم في دار الدنيا فجزاؤكم نار جهنم فيقولون: يا ربنا عفوك أعظم أم خطيئتنا؟ فيقول: بل عفوي، فيقولون رحمتك أوسع أم ذنوبنا؟ فيقول عزّ وجلّ: بل رحمتي، فيقولون: إقرارنا بتوحيديك أعظم أم ذنوبنا؟ فيقول عزّ وجلّ: بل إقراركم بتوحيدي أعظم، فيقولون يا ربنا فليسعنا عفوك ورحمتك التي وسعت كل شيء، فيقول الله جلّ جلاله: ملائكتي وعزّتي وجلالي ما خلقت خلقاً أحبّ إليّ من المقرّين لي بتوحيدي وأن لا إله غيري وحقّ عليّ أن لا أصلي بالنار أهل توحيدي أدخلوا عبادي الجنة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٨.

١١ - أمالي الصدوق ص ١٨٣

أحمد بن محمد بن حمدان، عن عبد الرحمن الصفار، عن محمد بن عيسى الدامغاني، عن يحيى بن مغيرة، عن جرير، عن الأعمش، عن عطية، عن أبي سعيد الخدري، قال قال رسول الله ﷺ لما أسري بي إلى سبع سماواته أخذ جبرئيل بيدي فأدخلني الجنة وأجلسني على درنوك من درانيك الجنة فناولني سفرجلة فانفلقت بنصفين فخرجت منها حوراء كان أشفار عينيها مقاديم النسور، فقالت: السلام عليك يا أحمد، السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا محمد، فقلت: من أنت يرحمك الله قالت أنا الراضية المرضية خلقتني الجبار من ثلاثة أنواع أسفلي من المسك، وأعلاي من الكافور ووسطي من العنبر وعجنت بماء الحيوان قال الجليل: كوني فكنت، خلقت لابن عمك ووصيك ووزيرك عليّ بن أبي طالب عليه السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٩ وفي ص ١٧٧ عن تفسير النعماني عن أمير المؤمنين عليه السلام مثله.

ورواه في «تفسير القمّي» ج ١ ص ٢١ مثله.

ورواه في «جامع الأخبار» ص ١٧٣ عن الرضا عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله مثله.

١٢ - أمالي الصدوق ص ٥٨٨

أبي عن عبد الله بن الحسن المؤدّب عن أحمد بن عليّ الاصبهانيّ عن إبراهيم بن محمد الثقفيّ عن محمد بن داود الدينوريّ عن منذر العشرانيّ عن سعيد بن زيد عن أبي قتيل (أبي قبل) عن أبي الجارود عن سعيد بن جبير عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وآله قال: إنّ حلقة باب الجنّة من ياقوتة حمراء على صفائح الذهب فإذا دقّت الحلقة على الصفحة طنّت وقالت: يا عليّ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٢٢.



١٣ - أمالي الصدوق ص ٣٢٨

العطّار عن سعد عن ابن عيسى عن ابن أبي عمير عن ابن أبي حمزة عن أبي بصير عن الصادق عليه السلام عن آبائه عن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ في الجنّة غرفاً يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها يسكنها من أمّتي من أطاب الكلام وأطعم الطعام وأفشى السلام وصلى بالليل والناس نيام؛ الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١١٨.

١٤ - أمالي الصدوق ص ٢١٠

حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القمّي رحمته الله قال حدّثنا أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني قال: حدّثنا عليّ بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه إبراهيم بن هاشم عن أحمد بن العباس و العباس بن عمرو الفقيمي قالوا حدّثنا هشام بن الحكم عن ثابت بن هرمز عن الحسن بن أبي

الحسن عن أحمد بن عبد الحميد عن عبد الله بن عليّ قال: حملت متاعاً من البصرة إلى مصر فقدمتها فبينما أنا في بعض الطريق إذا أنا بشيخ طوال شديد الأدمة أصلع أبيض الرأس واللحية عليه طمران أحدهما أسود والآخر أبيض فقلت من هذا فقالوا هذا بلال مؤذن (مولى) رسول الله ﷺ فأخذت ألواحي وأتيت فسلمت عليه ثم قلت له السلام عليك أيها الشيخ فقال: وعليك السلام ورحمة الله وبركاته قلت رحمك الله حدثني بما سمعت من رسول الله ﷺ قال: وما يدريك من أنا فقلت أنت بلال مؤذن رسول الله ﷺ قال: فبكى وبكيت حتى اجتمع الناس علينا ونحن نبكي قال: ثم قال لي: يا غلام من أي البلاد أنت قلت من أهل العراق فقال لي: بخ بخ فمكت ساعة.

ثم قال: اكتب يا أخا أهل العراق بسم الله الرحمن الرحيم سمعت رسول الله ﷺ يقول المؤذنون أمناء المؤمنين علي صلواتهم وصومهم ولحومهم ودمائهم لا يسألون الله عز وجل شيئاً إلا أعطاهم ولا يشفعون في شيء إلا شفّعوا - إلى أن قال - فقلت رحمك الله تفضل عليّ وأخبرني فإني فقير محتاج وأد إليّ ما سمعت من رسول الله ﷺ فإني قد رأيته ولم أره و صف لي كيف وصف لك رسول الله ﷺ بناء الجنة قال: اكتب بسم الله الرحمن الرحيم سمعت رسول الله ﷺ يقول: إن سور الجنة لبنة من ذهب ولبنة من فضة ولبنة من ياقوت وملاطها المسك الأذفر وشرفها الياقوت الأحمر والأخضر والأصفر قلت: فما أبوابها؟ قال: أبوابها مختلفة باب الرحمة من ياقوتة حمراء قلت فما حلقتة؟ قال: ويحك كف عني فقد كلفتني شططاً قلت ما أنا بكاف عنك حتى تؤدي إلي ما سمعت من رسول الله ﷺ في ذلك قال اكتب بسم الله الرحمن الرحيم أمّا باب الصبر فباب صغير مصراع واحد من ياقوتة حمراء لا حلق له وأمّا باب الشكر فإنه من ياقوتة بيضاء لها مصراعان مسيرة ما بينهما خمسمائة عام له ضجيج وحنين يقول اللهم جئني

بأهلي قلت هل يتكلم الباب قال نعم ينطقه ذو الجلال والإكرام وأمّا باب البلاء قلت أليس باب البلاء هو باب الصبر قال لا قلت فما البلاء قال المصائب والأسقام والأمراض والجذام وهو باب من ياقوته صفراء مصراع واحد ما أقل من يدخل منه قلت رحمك الله زدني وتفضل عليّ فإنّي فقير قال: يا غلام كلفتني شططاً أمّا الباب الأعظم فيدخل منه العباد الصالحون وهم أهل الزهد والورع و الراغبون إلى الله عزّ وجلّ المستأنسون به قلت رحمك الله فإذا دخلوا الجنة ما ذا يصنعون قال يسيرون على نهرين في مصاف في سفن الياقوت مجاذيفها اللؤلؤ فيها ملائكة من نور عليهم ثياب خضر شديدة خضرتها قلت رحمك الله هل يكون من النور أخضر قال: إنّ الثياب هي خضر ولكن فيها نور من نور ربّ العالمين جلّ جلاله يسيرون على حافتي النهر قلت فما اسم ذلك النهر قال جنة المأوى قلت هل وسطها غير هذا قال نعم جنة عدن وهي في وسط الجنان فأمّا جنة عدن فسورها ياقوت أحمر وحصباؤها اللؤلؤ قلت فهل فيها غيرها قال نعم جنة الفردوس قلت وكيف سورها قال ويحك كف عني حيرت علي قلبي قلت بل أنت الفاعل بي ذلك ما أنا بكاف عنك حتّى تتمّ لي الصفة وتخبرني عن سورها قال سورها نور فقلت والغرف التي هي فيها قال هي من نور ربّ العالمين قلت: زدني رحمك الله قال: ويحك إلى هذا انتهى إلي نبأ (انتهى بنا) رسول الله ﷺ طوبى لك إنّ أنت وصلت إلى بعض هذه الصفة وطوبى لمن يؤمن بهذا قلت يرحمك الله أنا والله من المؤمنين بهذا قال ويحك إنّ من يؤمن أو تصدق بهذا الحقّ والمنهاج لم يرغب في الدنيا ولا في زهرتها وحاسب نفسه قلت أنا مؤمن بهذا قال: صدقت ولكن قارب وسدد ولا تيأس واعمل ولا تفرط وارح وخف واحذر ثمّ بكى وشهق ثلاث شهقات فظننا أنه قد مات ثمّ قال فداكم أبي وأمّي لو رآكم محمّد ﷺ لقرت عينه حين تسألون عن هذه الصفة ثمّ قال: النجا النجا الوحا

في ما ورد في نعيم الجنة وأهلها ٢٧٣

الوحا الرحيل الرحيل العمل العمل وإيّاكم والتفريط وإيّاكم والتفريط ثمّ قال ويحكم اجعلوني في حلّ ممّا فرطت فقلت له أنت في حلّ ممّا فرطت جزاك الله الجنة كما أديت وفعلت الذي يجب عليك ثمّ ودعني وقال لي اتّق الله وأد إلى أمّة محمّد ﷺ ما أديت إليك فقلت أفعل إن شاء الله قال: أستودع الله دينك وأمانتك وزودك التقوى وأعانك على طاعته بمشيئته.

ونقله عنه في «البحار» ص ٢٥٦.

وبهذا الإسناد عن أحمد بن أبي عبدالله، عن ابن فضال، عن رجل، عن حفص بن غياث، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: السخاء شجرة في الجنة أصلها وهي مظلة عن الدنيا، من تعلّق بغصن منها اجتّره إلى الجنة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٨.



١٦ - عيون الأخبار ج ١ ص ٢٨٠

بالأسانيد الثلاثة عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال: إنّ رسول الله تـلا هذه الآية: ﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ فقال ﷺ: أصحاب الجنة من أطاعني وسلّم لعليّ بن أبي طالب بعدي، وأقرّ بولايته، وأصحاب النار من سخط الولاية، ونقض العهد، وقاتله بعدي.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٨.

١٧ - أمالي الطوسي ص ٣٨

حدّثنا محمّد بن محمّد رحمه الله، قال: أخبرني أبو الحسن أحمد بن محمّد بن الحسن، قال: حدّثني أبي، قال: حدّثنا محمّد بن يحيى العطار، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن عليّ بن النعمان، عن بشير الدهان، قال: قلت لأبي جعفر

عليه السلام جعلت فداك، أي الفصوص أفضل أركبه على خاتمي؟ فقال: يا بشير، أين أنت عن العقيق الأحمر والعقيق الأصفر والعقيق الأبيض، فإنها ثلاثة جبال في الجنة: فأما الأحمر فمطلّ على دار رسول الله صلى الله عليه وآله، وأما الأصفر فمطلّ على دار فاطمة عليها السلام، وأما الأبيض فمطلّ على دار أمير المؤمنين عليه السلام، والدور كلّها واحدة يخرج منها ثلاثة أنهار، من تحت كلّ جبل نهر أشدّ برداً من الثلج، وأحلى من العسل، وأشدّ بياضاً من اللبن، لا يشرب منها إلاّ محمّد وآله عليهم السلام وشيعتهم، ومصّبّها كلّها واحدٌ ومخرجها من الكوثر، وإنّ هذه الجبال تسبح الله وتُقدّسه وتمجّده، وتستغفر لمحبي آل محمّد عليهم السلام، فمن تختم بشيءٍ منها من شيعة آل محمّد عليهم السلام لم يرَ إلاّ الخير والحُسنى والسَّعة في رزقه، والسلامة من جميع أنواع البلاء، وهو أمانٌ من السلطان الجائر، ومن كلّ ما يخافه الإنسان ويحذره.



ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٧.

١٨ - كتاب الزهد ص ١٠٠

النضر بن سويد عن درست عن أبي المغراء عن أبي بصير قال: لا أعلمه ذكره إلاّ عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا أدخل الله أهل الجنة الجنة وأهل النار النار جبيء بالموت في صورة كبش حتّى يوقف بين الجنة والنار قال: ثمّ ينادي منادٍ يسمع أهل الدارين جميعاً: يا أهل الجنة يا أهل النار فإذا سمعوا الصوت أقبلوا قال: فيقال لهم: أتدرون ما هذا؟ هذا هو الموت الذي كنتم تخافون منه في الدنيا قال فيقولون أهل الجنة: اللّهم لا تدخل الموت علينا قال: ويقول أهل النار: اللّهم أدخل الموت علينا قال: ثمّ يذبح كما تذبح الشاة قال: ثمّ ينادي منادٍ: لا موت أبداً أيقنوا بالخلود قال: فيفرح أهل الجنة فرحاً لو كان أحد يومئذٍ يموت من فرح

لماتوا قال: ثم قرأ هذه الآية: ﴿أَفَمَا نَحْنُ بِمَمِيتِينَ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ﴾ قال: ويشهق أهل النار شهقة لو كان أحد يموت من شهيق لماتوا وهو: قول الله عز وجل: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ﴾.

١٩ - كتاب الزهد ص ١٠٣

محمد بن أبي عمير عن الحسين الأحمسي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تقول الجنة يا رب ملأت النار كما وعدتها فاملأني كما وعدتني قال: فيخلق الله تبارك وتعالى خلقاً فيدخلهم الجنة ثم قال أبو عبد الله ٧: طوبى لهم لم يروا غموم الدنيا ولا همومها.



ورواه في «تفسير القمّي» ج ٢ ص ٣٢٦.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣٣.

٢٠ - كتاب الزهد ص ١٠٢

محمد بن الحصين (الحسين) عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله خلق بيده جنة لم يرها عين (غيره) ولم يطلع عليها مخلوق يفتحها الرب تبارك وتعالى كل صباح فيقول: ازدادي طيباً ازدادي ريحاً فتقول (ويقول) قد أفلح المؤمنون وهو قول الله تعالى: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.

٢١ - محمد بن سنان قال: حدثني رجل عن أبي خالد الصيقل عن أبي جعفر عليه السلام قال: إن أهل الجنة توضع لهم موائد عليها من سائر ما يشتهونه من الأطعمة التي لا أذ منها ولا أطيب ثم يرفعون (يدفعون) عن ذلك إلى غيره.

٢٢ - كتاب الزهد ص ٩٩

حدَّثنا الحسين بن سعيد قال: حدَّثنا الحسن بن محبوب عن عليّ بن رثاب عن أبي بصير عن أحدهما عليهما السلام قال: إذا كان يوم الجمعة وأهل الجنة في الجنة وأهل النار في النار عرف أهل الجنة يوم الجمعة لما يرون من تضاعف اللذة والسرور وعرف أهل النار يوم الجمعة وذلك أنه تبطش بهم الزبانية. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٨.

كتاب الزهد ص ٣٠ و ٣١

حدَّثنا الحسين بن سعيد قال: حدَّثنا إبراهيم بن أبي البلاد عن عبد الله بن الوليد الوصافي قال: قال أبو جعفر عليه السلام: صنائع المعروف تقي مصارع السوء وكلّ معروف صدقة وأهل المعروف في الدنيا هم أهل المعروف في الآخرة وأهل المنكر في الدنيا هم أهل المنكر في الآخرة وإن أوّل أهل الجنة دخولا إلى الجنة أهل المعروف وإن أوّل أهل النار دخولا إلى النار أهل المنكر. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٧.

ورواه في «أمالى الطوسي» ص ٦٠٣ بسنده عن الوصافي عن الباقر عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلّى الله عليه وآله مثله بتفاوت يسير.

٢٤ - كتاب الزهد ص ١٠١

الحسن بن علوان عن عمرو بن خالد عن زيد بن عليّ عن آبائه عن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله: إنّ أدنى أهل الجنة منزلة من الشهداء من له اثنا عشر ألف زوجة من الحور العين وأربعة آلاف بكر واثنا عشر ألف ثيب تخدم كلّ زوجة منهنّ سبعون ألف خادم غير أن الحور العين يضعف لهنّ يطوف على

جماعتهم في كل أسبوع فإذا جاء يوم إحداهن أو ساعتها اجتمعن إليها يصوتن بأصوات لا أصوات أحلى منها ولا أحسن حتى ما يبقى في الجنة شيء إلا اهتزّ لحسن أصواتهن يقلن: ألا نحن الخالدات فلا نموت أبداً ونحن الناعمات فلا نبأس أبداً ونحن الراضيات فلا نسخط أبداً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٨.

٢٥ - كتاب الزهد ص ١٠١

الحسن بن علوان عن سعد بن طريف عن زيد بن علي عن آبائه عن عليّ عليه السلام قال: إنّ في الجنة لشجرة يخرج من أعلاها الحلل ومن أسفلها خيل بلق مسرجة ملجمة ذوات أجنحة لا تزوث ولا تبول (فيركبا) فيركب عليها أولياء الله فتطير بهم في الجنة حيث شاءوا فيقول الذين أسفل منهم: يا ربنا ما بلغ بعبادك هذه الكرامة؟ فيقول الله جلّ جلاله: إنّهم كانوا يقومون الليل ولا ينامون ويصومون النهار ولا يأكلون ويجاهدون العدو ولا يجبنون ويتصدقون ولا ييخلون.

ورواه عن «أمالى الصدوق» ص ٢٩١ عن عليّ بن عيسى عن عليّ بن محمد ماجيلويه عن البرقي عن أبيه عن الحسين علوان مثله.

ورواه في «جامع الأخبار» ص ١٧٣ عن زيد بن عليّ عن آبائه عليه السلام.

٢٦ - الاختصاص ص ٣٥٦ - ٣٥٨

وعنه، عن عوف بن عبد الله، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: الجنة محرّمة على الأنبياء حتى أدخلها، ومحرّمة على الأمم حتى يدخلها شيعة أهل البيت.

٢٧ - وعنه، عن عوف بن عبد الله، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنَّ الربَّ تبارك وتعالى يقول: أَدْخِلُوا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي، وَانْجُوا مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي، وَتَقَسَّمُوا الْجَنَّةَ بِأَعْمَالِكُمْ فَوْعَزَّتِي لِأَنْزِلَنَّكُمْ دَارَ الْخُلُودِ وَدَارَ الْكَرَامَةِ، فَإِذَا دَخَلُوهَا صَارُوا عَلَى طُولِ آدَمَ سِتِّينَ ذِرَاعاً، وَعَلَى مِلْدِ عِيسَى ثَلَاثاً وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَعَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ الْعَرَبِيَّةِ وَعَلَى صُورَةِ يُوسُفَ فِي الْحَسَنِ، ثُمَّ يَعْلُو وَجُوهَهُمُ النُّورَ، وَعَلَى قَلْبِ أَيُّوبَ فِي السَّلَامَةِ مِنَ الْغَلِّ.

٢٨ - وعنه، عن عوف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنَّ الْجَنَانَ أَرْبَعٌ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» وَهُوَ أَنَّ الرَّجُلَ يَهْجُمُ عَلَى شَهْوَةٍ مِنْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَهِيَ مَعْصِيَةٌ فَيَذْكُرُ مَقَامَ رَبِّهِ فَيَدْعُهَا مِنْ مَخَافَتِهِ فَهَذِهِ الْآيَةُ فِيهِ، فَهَاتَانِ جَنَّتَانِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالسَّابِقِينَ، وَأَمَّا قَوْلُهُ: «وَمَنْ دُونَهُمَا جَنَّتَانِ» يَقُولُ: مَنْ دُونَهُمَا فِي الْفَضْلِ وَلَيْسَ مِنْ دُونَهُمَا فِي الْقُرْبِ، وَهُمَا لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ وَهِيَ جَنَّةُ النَّعِيمِ وَجَنَّةُ الْمَأْوَى، وَفِي هَذِهِ الْجَنَانِ الْأَرْبَعِ فَوَاكِهُ فِي الْكَثْرَةِ كُورِقُ الشَّجَرِ وَالنُّجُومُ، وَعَلَى هَذِهِ الْجَنَانِ الْأَرْبَعِ حَائِطٌ مُحِيطٌ بِهَا طُولُهُ مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ، لَبَنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ، وَلَبَنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَلَبَنَةٌ دَرٍّ، وَلَبَنَةٌ يَاقُوتٍ، وَمَلَاطُهُ الْمَسْكُ وَالزَّعْفَرَانُ، وَشَرْفُهُ نُورٌ يَتَلَأَلُّ، يَرَى الرَّجُلُ وَجْهَهُ فِي الْحَائِطِ، وَفِي الْحَائِطِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ، عَلَى كُلِّ بَابٍ مَصْرَاعَانِ عَرْضُهُمَا كَحَضْرِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ سَنَةً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢١٨.

٢٩ - وعنه، عن عوف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: أَرْضُ الْجَنَّةِ رَخَامُهَا فِضَّةٌ وَتَرَابُهَا الْوَرَسُ وَالزَّعْفَرَانُ، وَكُنْسُهَا الْمَسْكُ، وَرَضْرَاظُهَا الدَّرُّ وَالْيَاقُوتُ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢١٨.

٢٩ - وعنه، عن عوف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إِنَّ أَسْرَتَهَا مِنْ دَرٍّ

وياقوت وذلك قول الله: «على سرر موضونة» يعني الوصم يغاسل أوساط السرر من قضبان الدرّ والياقوت مضروبة عليها الحجال، والحجال من درّ وياقوت، أخفّ من الريش، وألين من الحرير، وعلى السرر من الفرش على قدر ستين غرفة من غرف الدنيا بعضها فوق بعض وذلك قول الله: «وفرش مرفوعة» وقوله: «على الأرائك ينظرون» يعني بالأرائك السرر الموضونة عليها الحجال.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢١٨.

٣١ - وعنه، عن عوف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ أنهار الجنة تجري في غير أخدود، أشدّ بياضاً من الثلج وأحلى من العسل، وألين من الزبد، طين النهر مسك أذفر، وحصاه الدرّ والياقوت، تجري في عيونه وأنهاره حيث يشتهي ويريد في جنّاته وليّ الله فلو أضاف من في الدنيا من الجنّ والإنس لأوسعهم طعاماً وشراباً وحلاً وحلياً، لا ينقصه من ذلك شيء.

ونقله عنه في البحار ج ٨ ص ٢١٩.

٣٢ - وعنه، عن عوف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ نخل الجنة جذوعها ذهب أحمر؛ وكربها زبرجد أخضر، وشماريخها درّ أبيض، وسعفها حلل خضر، ورطبها أشدّ بياضاً من الفضة وأحلى من العسل وألين من الزبد، ليس فيه عجم، طول العذق اثنا عشر ذراعاً، منضودة من أعلاه إلى أسفله، لا يؤخذ منه شيء إلاّ أعاده الله كما كان، وذلك قول الله: «لا مقطوعة ولا ممنوعة» وإنّ رطبها لأمثال القلال وموزها ورمّانها أمثال الدليّ وأمشاطهم ومجامرهم الدرّ.

٣٣ - وعنه، عن عوف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: إنّ أهل الجنة جرد مرد، مكحلين، مكلّلين، مطوّقين، مسوّرين، مختمين، ناعمين، محبوبين، مكرمين، يعطى أحدهم قوّة مائة رجل في الطعام والشراب والشهوة والجماع،

قوة غذائه قوة مائة رجل في الطعام والشراب ويجد لذة غذائه مقدار أربعين سنة، ولذة عشائه مقدار أربعين سنة، قد ألبس الله وجوههم النور وأجسادهم الحرير بيض الألوان، صفر الحلبي، خضر الثياب.

٣٤ - وعنه، عن عوف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إن أهل الجنة يحيون فلا يموتون أبداً، ويستيقظون فلا ينامون أبداً، ويستغنون فلا يفتقرون أبداً، ويفرحون فلا يحزنون أبداً، ويضحكون فلا يبكون أبداً، ويكرمون فلا يهانون أبداً، ويفكّهون ولا يقطبون أبداً، ويحبرون ويسرّون أبداً، ويأكلون فلا يجوعون أبداً، ويروون فلا يظمؤون أبداً، ويكسون فلا يعرفون أبداً، ويركبون ويتزاورون أبداً، يسلم عليهم الولدان المخلّدون أبداً، بأيديهم أباريق الفضة وآنية الذهب أبداً، متّكئين على سرر أبداً على الأرائك ينظرون أبداً، تأتيهم التحيّة والتسليم من الله أبداً، نسأل الله الجنة برحمته إنه على كل شيء قدير.

ونقلها عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢١٩-٢١٧.

٣٥ - كتاب التحيص ص ٤٦

عن علي بن عفان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله ليعتذر إلى عبده المؤمن المحتاج كان في الدنيا كما يعتذر الأخ إلى أخيه، فيقول: لا وعزّتي ما أفقرتك لهوان بك عليّ فارفع هذا الغطاء فانظر ما عوّضتك من الدنيا فيكشف الغطاء فينظر إلى ما عوّضه الله من الدنيا، فيقول ما يضرّني ما منعتني مع ما عوّضتني.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٩٩.

٣٦ - مجمع البيان ج ٨ ص ٢٩٩

و عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الجنة مائة درجة ما بين كلّ

درجتين منها كما بين السماء والأرض والفردوس أعلاها سموا وأوسطها محلّة ومنها تنفجر أنهار الجنة، فقام إليه رجل وقال: إني رجل حبّب إليّ الصوت فهل لي في الجنة صوت حسن؟ فقال: أي والذي نفسي بيده إن الله تعالى يوحى إلى شجرة في الجنة أن أسمع عبادي الذين اشتغلوا بعبادتي وذكرى عن عزف البرابط والمزامير، فترفع صوتاً لم يسمع الخلائق بمثله قطّ من تسبيح الرب. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٦.

٣٧ - مجمع البيان ج ٨ ص ٢٩٨

قوله تعالى: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ﴾ قال: ابن عباس أي يكرمون وقيل: يلذّفون بالسماع، عن يحيى بن أبي كثير والأوزاعي، أخبرنا أبو الحسن عبيد الله بن محمد البيهقي قال أخبرنا جدّي الإمام أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي قال: حدّثنا جعفر بن محمد بن الحسن القرباني قال: حدّثنا سليمان بن عبد الرحمن الدمشقي قال: حدّثنا خالد بن معدان عن أبي أمامة الباهلي أن رسول الله ﷺ قال: ما من عبد يدخل الجنة إلا ويجلس عند رأسه وعند رجله ثنتان من الحور العين تغنيانه بأحسن صوت سمعه الإنس والجنّ وليس بمزمار الشيطان ولكن بتمجيد الله وتقديسه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٥.

٣٨ - عدّة الداعي ص ١٠٩

قال رسول الله ﷺ: لو أن ثوباً من ثياب أهل الجنة القى إلى أهل الدنيا لم تحتمله أبصارهم ولما توا من شهوة النظر إليه، فإذا كان هذا حال الثواب فما ظنّك بلائسه؟.

ومن هذا قول أمير المؤمنين عليه السلام : لو رميت ببصر قلبك نحو ما يوصف لك من نعيمها لزهقت نفسك ولتحملت من مجلسي هذا إلى مجاورة أهل القبور استعجالاً لها وشوقاً إليها، وهذه المبالغة حاصلة من الوصف فكيف المشاهدة؟. وقد ورد عنهم عليهم السلام : كل شيء من الدنيا سماعه أعظم من عيانه وكل شيء من الآخرة عيانه أعظم من سماعه.

وقال الله تعالى: «وإذا رأيت ثم رأيت نعيماً وملكاً كبيراً». وفي الوحي القديم: أعددت لعبادي ما لا عين رأت ولا اذن سمعت ولا خطر بقلب بشر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩١.



٣٩ - تفسير القمي ج ٢ ص ٢٤٦

وقوله: ﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ - إِلَى قَوْلِهِ - الْمِيعَادِ﴾ قال: فإنه حدثني أبي عن الحسن بن محبوب عن محمد بن إسحاق عن أبي جعفر عليه السلام قال: سأل علي عليه السلام رسول الله صلى الله عليه وآله عن تفسير هذه الآية فقال: لماذا بنيت هذه الغرف يا رسول الله؟ فقال: يا علي تلك غرف بناها الله لأوليائه بالدرّ والياقوت والزبرجد سقوفها الذهب محبوكة بالفضّة لكل غرفة منها ألف باب من ذهب على كل باب منها ملك موكل به وفيها فرش مرفوعة بعضها فوق بعض من الحرير والديباج بألوان مختلفة وحشوها المسك والعنبر والكافور وذلك قول الله ﴿وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ﴾، فإذا دخل المؤمن إلى منزله في الجنة وضع على رأسه تاج الملك والكرامة وألبس حلل الذهب والفضّة والياقوت والدرّ منظوماً في الإكليل تحت التاج وألبس سبعين حلة بألوان مختلفة منسوجة بالذهب والفضّة واللؤلؤ والياقوت الأحمر وذلك قوله: ﴿يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ

مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٨﴾، فإذا جلس المؤمن على سريره اهتزَّ سريره فرحاً فإذا استقرَّت لوليِّ الله منازلُه في الجنة استأذن عليه الملك الموكلُ بجنانه ليُهنِّيه بكرامة الله إيَّاه. فيقول له خدام المؤمن ووصفاؤه مكانك فإنَّ وليَّ الله قد اتَّكأ على أرائكه وزوَّجته الحوراء العيَّاء قد هيئت له فاصبر لولي الله حتَّى يفرغ من شغله، قال: فتخرج عليه زوجته الحوراء من خيمتها تمشي مقبلة وحولها وصفاءؤها تحنيها عليها سبعون حلَّة منسوجة بالياقوت واللؤلؤ والزبرجد صبغن بمسك وعنبر وعلى رأسها تاج الكرامة وفي رجليها نعلان من ذهب مكلَّان بالياقوت واللؤلؤ وشراكهما ياقوت أحمر فإذا أدنيت من ولي الله وهم أن يقوم إليها شوقاً تقول له يا وليَّ الله ليس هذا يوم تعب ولا نصب فلا تقم أنا لك وأنت لي فيعتنقان قدر خمسمائة عام من أعوام الدنيا لا يملها ولا تملهُ، قال: فينظر إلى عنقها فإذا عليها قلادة من قصب ياقوت أحمر وسطها لوح مكتوب أنت يا وليَّ الله حبيبي وأنا الحوراء حبيبتك إليك تباغت نفسي وإلى تباغت نفسك ثمَّ يبعث الله ألف ملك يهنئونه بالجنة ويزوجونه الحوراء.

قال: فينتهون إلى أوَّل باب من جنانه فيقولون للملك الموكلُ بأبواب الجنان استأذن لنا على وليَّ الله فإنَّ الله بعثنا مهنئين، فيقول الملك حتَّى أقول للحاجب فيعلمه مكانكم، قال فيدخل الملك إلى الحاجب وبينه وبين الحاجب ثلاث جنان حتَّى ينتهي إلى أوَّل باب فيقول للحاجب إنَّ على باب الغرفة ألف ملك أرسلهم ربِّ العالمين جاءوا يهنئون وليَّ الله، وقد سألوا أن استأذن لهم عليه فيقول له الحاجب إنَّه ليعظم عليَّ أن استأذن لأحد على وليَّ الله وهو مع زوجته قال وبين الحاجب وبين وليَّ الله جنتان فيدخل الحاجب على القيم فيقول له إنَّ على باب الغرفة ألف ملك أرسلهم ربِّ العالمين يهنئون وليَّ الله فاستأذن لهم، فيقوم القيم إلى الخدام فيقول لهم إنَّ رسل الجبَّار على باب العرصة وهم ألف ملك أرسلهم

يهنئون وليّ الله فأعلمهم مكانهم، قال فيعلمونه الخدام مكانهم قال: فيأذن لهم فيدخلون على وليّ الله وهو في الغرفة ولها ألف باب و على كلّ باب من أبوابها ملك موكل به فإذا أذن للملائكة بالدخول على وليّ الله فتح كلّ ملك بابه الذي قد وكل به فيدخل كلّ ملك من باب من أبواب الغرفة فيبلغونه رسالة الجبار، وذلك قول الله ﴿وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ﴾ يعني من أبواب الغرفة ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ وذلك قوله «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» يعني بذلك وليّ الله وما هو فيه من الكرامة والنعيم والملك العظيم وإنّ الملائكة من رسل الجبار ليستأذنون عليه فلا يدخلون عليه إلا بإذنه فذلك الملك العظيم والأنهار تجري من تحتها.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٢٨.



٤٠ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ٩٦

عن ثوير عن عليّ بن الحسين عليه السلام قال: إذا صار أهل الجنة في الجنة ودخل وليّ الله إلى جنّاته ومساكنه واتكأ كلّ مؤمن (منهم) على أريكته حفّته خدامه وتهدّلت عليه الثمار وتفجرت حوله العيون، وجرت من تحته الأنهار، وبسطت له الزرابيّ وصففت له النمارق وأتته الخدام بما شاءت شهوته من قبل أن يسألهم ذلك، قال: ويخرج عليهم الحور العين من الجنان فيمكنّون بذلك ما شاء الله، ثمّ إنّ الجبار يشرف عليهم فيقول لهم: أوليائي وأهل طاعتي وسكّان جنّتي في جوارِي ألا هل أنبئكم بخير ممّا أنتم فيه؟ فيقولون: ربّنا وأيّ شيء خير ممّا نحن فيه [نحن] فيما اشتهدت أنفسنا ولذّت أعيننا من النعم في جوار الكريم، قال: فيعود عليهم القول، فيقولون: ربّنا نعم، فأتنا بخير ممّا نحن فيه، فيقول لهم تبارك وتعالى: رضاي عنكم ومحبتّي لكم خير وأعظم ممّا أنتم فيه، قال: فيقولون: نعم يا ربّنا

رضاك عنا ومحبتك لنا خير لنا وأطيب لأنفسنا، ثم قرأ علي بن الحسين عليه السلام هذه الآية ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٤٠.

٤١ - تفسير العياشي ج ٢ ص ٢٣٨

عن عبد الله بن عطاء المكي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله ﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ قال: ينادي مناد يوم القيامة يسمع الخلائق: إنه لا يدخل الجنة إلا مسلم، ثم يودّ سائر الخلق أنهم كانوا مسلمين. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٨.



مركز تحقيقات كليات علوم حسدي

تفسير الفرات ص ٣٧٤

عن جعفر بن محمد بن سيعد الأحمسي رفعه، عن أبي ذر رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وآله في خبر العراج قال: ثم عرج بي إلى السماء السادسة فتلقطني الملائكة فسلموا [وسلموا] علي وقالوا لي مثل مقالة أصحابهم فقلت: [يا] ملائكة ربّي هل تعرفونا حقّ معرفتنا؟ فقالوا: بلى يا نبيّ الله لم لا نعرفكم وقد خلق الله جنة الفردوس وعلى بابها شجرة ليس منها ورقة إلا عليها مكتوبة حرفين بالنور لا إله إلا الله محمد رسول الله علي بن أبي طالب عروة الله الوثيقة وحبل الله المتين وعينه على الخلائق أجمعين. الحديث. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٤.

٤٣ - جامع الأخبار ص ١٧٣

وقال أمير المؤمنين عليه السلام: قال النبي صلى الله عليه وآله: إن في الجنة سوقاً ما فيها شري ولا

بيع إلا الصور من الرجال والنساء من انتهى صورة دخل فيها وإن فيها مجمع حورالعين يرفعن أصواتهن بصوت لم يسمع الخلائق بمثله نحن الناعمات فلا نبؤس أبداً ونحن الطاعمات فلا نجوع أبداً ونحن الكاسيات فلا نعري أبداً ونحن الخالدات فلا نموت أبداً ونحن الراضيات فلا نسخط أبداً ونحن المقيمات فلا نظعن أبداً فطوبى لمن كنا له وكان لنا نحن خيرات حسان أزواجنا أقوام كرام. وقال النبي ﷺ: شبر من الجنة خير من الدنيا وما فيها. وكان أمير المؤمنين عليه السلام يقول: إن أهل الجنة ينظرون إلى منازل شيعتنا كما ينظر الإنسان إلى الكواكب.

٤٤ - جامع الأخبار ص ١٧٣

قال وسئل النبي ﷺ ما بناؤها قال: لبنة من ذهب ولبنة من فضة وملاطها المسك الأذفر وترابها الزعفران وحصاؤها اللؤلؤ والياقوت من دخلها يتنعم ولا يئوس أبداً ويخلد ولا يموت أبداً ولا يبلى ثيابه ولا شبابه قال رسول الله: إذا كان يوم القيامة يخلق الله العبد المؤمن فيوقف على ذنوبه ذنباً ثم يغفر الله له لا يطلع الله عز وجل على ذلك ملكاً مقرباً ولا نبياً مرسلًا وستر عليه ما يكره أن يقف عليه أحد ثم يقول كوني حسنة.

٤٥ - جامع الأخبار ص ١٢٦

وسئل عن أنهار الجنة كم عرض نهر منها فقال عليه السلام: عرض كل نهر مسيرة خمس مائة عام يدور تحت القصور والحجب تتغنى أمواجه وتسبح وتطرب في الجنة كما يطرب الناس في الدنيا وقال عليه السلام: أكثر أنهار الجنة الكوثر تنبت الكواعب الأتراب عليه يزوره أولياء الله يوم القيامة وقال عليه السلام: خطيب أهل الجنة

أنا محمد رسول الله وقيل في شرح الكواعب ينبت الله من شطر الكوثر حوراء ويأخذها من يزور الكوثر من أولياء الله تعالى عن النبي ﷺ قال للرجل الواحد من أهل الجنة سبع مائة ضعف من الدنيا وله سبعون ألف قبة وسبعون ألف قصر وسبعون ألف حجلة وسبعون ألف إكليل وسبعون ألف حلة وسبعون ألف حوراء عيناء وسبعون ألف وصيف وسبعون ألف وصيفة على كل وصيفة سبعون ألف ذؤابة وأربعون ألف إكليل وسبعون حلة في كفه إبريق لسانه من رحمة أذنه من لؤلؤ أسفله من ذهب على رقبته منديل طوله خمسمائة سنة وعرضه مسيرة مائتي سنة أفلاله من نور مشبكة بالذهب نسجه من الله تعالى.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٤٧.



٤٦ - اعتقادات الصدوق ص

اعتقادنا في الجنة أنها دار البقاء ودار السلامة لا موت فيها ولا هرم ولا سقم ولا مرض ولا آفة ولا زمانة ولا غم ولا هم ولا حاجة ولا فقر، وإنها دار الغناء والسعادة ودار المقامة والكرامة لا يمَسُّ أهلها فيها نصب ولا لغوب - إلى أن قال - وهم أنواع على مراتب: منهم المتنعمون بتقديس الله وتسبيحه وتكبيره في جملة ملائكته، ومنهم المتنعمون بأنواع المآكل والمشارب والفواكه والأرائك وحورالعين واستخدام الولدان المخلدين والجلوس على النمارق والزرابي ولباس السندس والحرير، كل منهم إنما يتلذذ بما يشتهي ويريد حسب ما تعلقت عليه همته، ويعطى ما عبد الله من أجله - إلى أن قال - واعتقادنا أنه لا يخرج أحد من الدنيا حتى يرى مكانه من الجنة أو من النار وإن المؤمن لا يخرج من الدنيا حتى ترفع له الدنيا كأحسن ما رآها، ويرفع مكانه في الآخرة - إلى أن قال - واعتقادنا أن بالشواب يخلد أهل الجنة في الجنة وأهل النار في النار، وما من أحد يدخل الجنة حتى يعرض عليه مكانه من النار فيقال له: هذا مكانك الذي لو

عصيت الله لكنت فيه....

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٠٠.

٤٧ - تفسير القمي ج ٢ ص ٣٣

قال الصادق عليه السلام: فلا يدخل الجنة من البهائم إلا ثلاثة، حمار بلعم بن باعوراء وذئب يوسف وكلب أصحاب الكهف.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٥ لكن في البحار بزيادة: «وناقة صالح».

مما ورد في أن منزل رسول الله من الجنة في جنة عدن
والساكنين معه فيها هم الأئمة الاثنا عشر



١ - أمالي الطوسي ص ٣٩٥

أخبرنا ابن بشران، قال: أخبرنا أبو علي إسماعيل بن محمد الصفار قراءة عليه، قال: حدثنا أبو علي الحسن بن عرفة العبدي يوم الثلاثاء في ذي الحجة سنة ست وخمسين ومائتين، قال: حدثنا أبو النضر هاشم بن القاسم عن سليمان بن المغيرة عن ثابت البناني عن أنس بن مالك، قال: قال رسول الله ﷺ آتي يوم القيامة باب الجنة فأستفتح، فيقول الخازن: من أنت؟ فأقول: أنا محمد. فيقول بك أمرت أن لا أفتح لأحد قبلك.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٥.

٢ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٦٨

وبإسناده عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: وسط الجنة لي ولأهل بيتي.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٨.

٣ - كمال الدين ص ٢٩٦

روى بإسناده عن عامر بن واثلة عن يهودي قال لأمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام: أخبرني عن منزل محمد أين هو في الجنة؟ ومنم يسكن معه في منزله؟ - إلى أن قال - وأما منزل محمد صلى الله عليه وآله من الجنة في جنة عدن وهي وسط الجنان وأقربها من عرش الرحمن جلّ جلاله، قال له اليهودي: أشهد بالله لقد صدقت، قال له علي عليه السلام والذين يسكنون معه في الجنة هؤلاء الأئمة الاثنا عشر قال له اليهودي: أشهد بالله لقد صدقت. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٩.

٤ - كمال الدين ص ٣٠١ - ٣٠٠

حدثنا أبي عليه السلام قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن محمد بن عيسى، عن عبد الرحمن بن أبي هاشم، عن أبي يحيى المديني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: جاء يهودي إلى عمر يسأله عن مسائل، فأرشده إلى علي بن أبي طالب عليه السلام ليسأله فقال علي عليه السلام: سل، فقال: أخبرني كم يكون بعد نبيكم من إمام عدل؟ وفي أي جنة هو؟ ومن يسكن معه في جنة؟ فقال له علي عليه السلام: يا هاروني لمحمد صلى الله عليه وآله بعده اثنا عشر إماماً عدلاً، لا يضرهم خذلان من خذلهم ولا يستوحشون بخلاف من خالفهم، أثبت في دين الله من الجبال الرواسي، ومنزل محمد صلى الله عليه وآله في جنة عدن والذين يسكنون معه هؤلاء الاثنا عشر، فأسلم الرجل وقال: أنت أولى بهذا المجلس من هذا، أنت الذي تفوق ولا تفاق وتعلو ولا تعلو.

٥ - حدثنا أبي، ومحمد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدثنا سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن الحكم بن مسكين الثقفي،

عن صالح بن عقبة عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: لما هلك أبو بكر واستخلف عمر رجع عمر إلى المسجد فقعده فدخل عليه رجل فقال له: يا أمير المؤمنين إنني رجل من اليهود، وأنا علامتهم وقد أردت أن أسألك عن مسائل إن أجبتني عنها أسلمت، قال: وما هي؟ فقال ثلاث: وثلاث وواحدة، فإن شئت سألتك وإن كان في قومك أحد أعلم منك فأرشدني إليه، فقال: عليك بذلك الشاب (يعني علي بن أبي طالب عليه السلام) فأتى علياً عليه السلام فقال له: لم قلت: ثلاث وثلاث وواحدة، ألا قلت: سبعة؟ قال: (أنا إذا جاهل إنك) إن لم تجبني في الثلاث اكتفيت، قال: فإن أجبتك تسلم؟ قال: نعم، قال: سل، فقال: أسألك عن أول حجر وضع على وجه الأرض وأول عين نبعت على وجه الأرض، وأول شجرة نبتت على وجه الأرض، فقال عليه السلام: يا يهودي أنتم تقولون: (إن) أول حجر وضع على وجه الأرض الحجر الذي في بيت المقدس وكذبتهم بل هو الحجر الذي نزل به آدم عليه السلام من الجنة، قال: صدقت، والله إنه لبخط هارون وإملاء موسى عليه السلام قال: وأنتم تقولون: إن أول عين نبعت على وجه الأرض العين التي نبعت ببيت المقدس وكذبتهم هي عين الحياة التي غسل فيها يوشع بن نون السمكة وهي التي شرب منها الخضر وليس يشرب منها أحد إلا حيي، قال: صدقت والله إنه لبخط هارون وإملاء موسى عليه السلام، قال: وأنتم تقولون: إن أول شجرة نبتت على وجه الأرض الزيتون وكذبتهم وهي العجوة نزل بها آدم عليه السلام من الجنة، قال: صدقت والله إنه لبخط هارون وإملاء موسى عليه السلام، قال: فالثلاث الأخرى؟ قال: كم لهذه الأمة من إمام هدى، لا يضرهم من خالفهم؟ قال: اثنا عشر إماماً، قال: صدقت والله إنه لبخط هارون وإملاء موسى عليه السلام، قال: وأين يسكن نبيكم من الجنة، قال: في أعلاها درجة وأشرافها مكاناً في جنات عدن، قال: صدقت والله إنه لبخط هارون وإملاء موسى عليه السلام قال: فمن ينزل معه في منزله؟ قال: اثنا عشر إماماً، قال: صدقت والله

إنّه لبخط هارون وإملاء موسى عليه السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٥.

٦- أمالي الصدوق ص ٧٧

بالإسناد زيد بن عليّ عن آبائه عن عليّ عليه السلام قال: كان لي عشر من رسول الله صلى الله عليه وآله لم يعطهن أحد قبلي ولا يعطاهن أحد بعدي، قال لي: يا عليّ أنت أخي في الدنيا وأخي في الآخرة وأنت أقرب الناس منّي موقفاً يوم القيامة، ومنزلي ومنزلك في الجنة متواجهان كمنزل الأخوين. الحديث.

٧- أمالي الطوسي ص ١٩٣

المفيد، عن عليّ بن محمد الكاتب، عن الحسن بن عليّ الزعفراني، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، عن عثمان بن أبي شيبة، عن عمرو بن ميمون، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليه السلام، قال: قال أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام على منبر الكوفة: أيّها الناس، إنّه كان لي من رسول الله صلى الله عليه وآله عشر خصال، لهنّ أحبّ إليّ ممّا طلعت عليه الشمس قال: لي رسول الله صلى الله عليه وآله يا عليّ أنت أخي في الدنيا والآخرة وأنت أقرب الخلائق إليّ يوم القيامة في الموقف بين يدي الجبار، ومنزلك في الجنة مواجه منزلي كما يتواجه منازل الإخوين في الله عزّ وجلّ. الحديث.

ونقلهما عنهما في «البحار» ج ٨ ص ١٨٥.

في أنّ فاطمة عليها السلام حوراء انسيّة نطفتها من ثمار الجنة

١- من لا يحضره الفقيه ج ٣ ص ٢٥٣

روي عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ قال: لمّا زوج رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمة

من عليّ عليه السلام أتاه ناس من قريش فقالوا: إنك زوجت عليّاً بمهر خسيس، فقال لهم: ما أنا زوجت عليّاً ولكن الله عزّ وجلّ زوجته ليلة أسري بي عند سدره المنتهى، أوحى الله عزّ وجلّ إلى السدر أن انثري فنثرت الدرّ والجوهر على الحور العين فهنّ يتهادينه ويتفاخرن به ويقلن هذا من نثار فاطمة بنت محمد صلّى الله عليه وآله. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩١.

٢- عيون الأخبار ج ١ ص ١١٦ - ١١٥ وأمالى الصدوق ص ٤٦١

أحمد بن الجعفر الهمداني، عن عليّ، عن أبيه، عن الهروي قال: قلت للرضا عليه السلام: يا ابن رسول الله أخبرني عن الجنّة والنار أهما اليوم مخلوقتان؟ فقال: - إلى أن قال - وقال النبيّ صلّى الله عليه وآله لما عرج بي إلى السماء أخذ بيدي جبرئيل عليه السلام، فأدخلني الجنّة، فناولني من رطبها، فأكلته فتحول ذلك نطفة في صلبى، فلما هبطت إلى الأرض وقعت خديجة، فحملت بفاطمة عليها السلام ففاطمة حوراء إنسية فكلما اشتقت إلى رائحة الجنّة شممت رائحة ابنتي فاطمة صلّى الله عليه وآله.

٣- على الشرايع ص ١٨٣

وبهذا الإسناد عن محمد بن زكريا قال: حدّثنا عمر بن عمران قال: حدّثنا عبيد الله بن موسى العبسي قال: أخبرني جبلة المكي، عن طاووس اليماني، عن ابن عباس قال: دخلت عايشة على رسول الله وهو يقبل فاطمة فقالت له: أتحبّها يا رسول الله؟ قال أما والله لو علمت حبّي لها لازددت لها حبّاً، انه لما عرج بي إلى السماء الرابعة اذنّ جبرئيل وأقام ميكائيل ثمّ قيل لي اذن يا محمد، فقلت: أتقدم وأنت بحضرتي يا جبرئيل؟ قال: نعم إنّ الله عزّ وجلّ فضّل أنبيائه المرسلين على

ملائكته المقرّبين وفضلك أنت خاصّة، فدنوت فصليت بأهل السماء الرابعة ثمّ التفت عن يميني فإذا أنا بإبراهيم عليه السلام في روضة من رياض الجنة وقد اكتنفها جماعة من الملائكة ثمّ أنى صرت إلى السماء الخامسة ومنها إلى السادسة فنوديت يا محمّد نعم الأب أبوك إبراهيم ونعم الأخ أخوك عليّ فلما صرت إلى الحجب أخذ جبرئيل عليه السلام بيدي فأدخلني الجنة فإذا أنا بشجرة من نور أصلها ملكان يطويان الحلل والحلى، فقلت حبّبي جبرئيل لمن هذه الشجرة؟ فقال هذه لأخيك عليّ بن أبي طالب وهذان الملكان يطويان له الحلل والحلى إلى يوم القيامة، ثمّ تقدمت أمامي فإذا أنا برطب ألين من الزبد وأطيب رائحة من المسك وأحلى من العسل فأخذت رطبة فأكلتها فتحولت الرطبة نطفة في صلبى فلما ان هبطت إلى الأرض واقعت خديجة بفاطمة ففاطمة حوراء انسية فإذا اشتقت إلى الجنة شممت رائحة فاطمة عليها السلام. مرآة العقبات في شرح أخبار آل بيته

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٨.

٤ - علل الشرايع ص ١٨٣

حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان قال: حدّثنا الحسن بن عليّ السكري قال: أخبرنا محمّد بن زكريّا قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن عمارة الكندي قال: حدّثني أبي، عن جابر عن أبي جعفر محمّد بن عليّ عليه السلام عن جابر بن عبد الله قال: قيل يا رسول الله أنّك تلثم فاطمة وتلتزمها وتدنيها منك وتفعل بها ما لا تفعله بأحد من بناتك؟ فقال: إنّ جبرئيل عليه السلام أتاني بتفّاحة من تفّاح الجنة فأكلتها فتحولت ماء في صلبى، ثمّ واقعت خديجة فحملت بفاطمة فأنا أشمّ منها رائحة الجنة.

٥ - تفسير القمّي ج ١ ص ٢١

وبهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ لما أسرى إلى السماء - إلى أن قال - وقال أبو عبد الله عليه السلام كان رسول الله ﷺ يكثر تقبيل فاطمة عليها السلام فغضبت من ذلك عائشة وقالت يا رسول الله إنك تكثر تقبيل فاطمة عليها السلام فقال رسول الله ﷺ: يا عائشة إنه لما أسري بي إلى السماء دخلت الجنة فأدنانني جبرائيل عليه السلام من شجرة طوبى وناولني من ثمارها فأكلته فلما هبطت إلى الأرض حول الله ذلك ماء في ظهري فواقعت بخديجة فحملت بفاطمة فما قبلتها إلا وجدت رائحة شجرة طوبى منها.

ورواه في «تفسير العيّاشي» ج ٢ ص ٢١٢ عن أبان بن تغلب مثله.



٦ - أمالي الطوسي ص ٦٦٨

وبهذا الإسناد، عن الحسين، عن إسحاق بن عمار، وأبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إن الله تعالى أمهر فاطمة عليها السلام ربع الدنيا، فربعها لها، وأمهرها الجنة والنار، تدخل أعداءها النار، وتدخل أولياءها الجنة، وهي الصديقة الكبرى، وعلى معرفتها دارت القرون الأولى.

٧ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ص ٣٢٤

سفيان الثوري عن الأعمش عن أبي صالح في قوله: ﴿وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ﴾ قال: ما من مؤمن يوم القيامة إلا إذا قطع الصراط زوجه الله على باب الجنة بأربع نسوة من نساء الدنيا وسبعين ألف حورية من حور الجنة إلا علي بن أبي طالب فإنه زوج البتول فاطمة في الدنيا وهو زوجها في الآخرة في الجنة ليست له زوجة في الجنة غيرها من نساء الدنيا لكن له في الجنان سبعون ألف

حوراء لكل حوراء سبعون ألف خادم.

٨ - تفسير الفرات ص ٧٤

بإسناده عن حذيفة اليماني قال: دخلت عائشة على النبي ﷺ وهو يقبل فاطمة عليها السلام فقالت: يا رسول الله أتقبلها وهو ذات بعل؟ فقال لها وساق حديث المعراج - إلى أن قال - ثم أخذ جبرئيل عليه السلام بيدي فأدخلني الجنة وأنا مسرور فإذا أنا بشجرة من نور مكللة بالنور، في أصلها ملكان يطويان الحلي والحلل، ثم تقدمت أمامي فإذا أنا بتفاح لم أر تفاحاً هو أعظم منه، فأخذت واحدة ففلقتها فخرجت عليّ منها حوراء كأن أشفارها مقادير أجنحة النسور، فقلت: لمن أنت؟ فبكت وقالت لابنك المقتول ظلماً الحسين بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام ثم تقدمت أمامي فإذا أنا برطب ألين من الزبد وأجلى من العسل، فأخذت رطبة فأكلتها وأنا أشتهيها فتحولت الرطبة نطفة في صلبى، فلما هبطت إلى الأرض واقعت خديجة فحملت بفاطمة حوراء إنسية فإذا اشتقت إلى رائحة الجنة شممت رائحة ابنتي فاطمة عليها السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٠.

٩ - تفسير الفرات ص ٢١١

فرات قال: حدثني عبيد بن كثير معنعناً عن سلمان [رحمة الله عليه] قال: قالت بعض أزواج النبي ﷺ يا رسول الله ما لك تحب فاطمة حباً ما [لا] تحبه أحداً من أهل بيتك قال: إنه لما أسري بي إلى السماء انتهى بي جبرئيل عليه السلام إلى شجرة طوبى فعمد إلى ثمرة من أثمار طوبى ففركه بين إصبعيه [إصبعه] ثم أطعمنيه ثم مسح يده بين كتفي ثم قال: يا محمد إن الله [تبارك و] تعالى يبشرك

بفاطمة من خديجة بنت خويلد فلما أن هبطت إلى الأرض فكان الذي كان فعلت خديجة بفاطمة فإذا أنا اشتقت إلى الجنة أدنيتها فشمنت ريح الجنة فهي حوراء إنسية.

في أن للجنة ثمانية أبواب وما هو المكتوب عليها

١ - الكافي ج ٤ ص ٣٠

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن منصور بن يونس، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ للجنة باباً يقال له: المعروف لا يدخله إلا أهل المعروف وأهل المعروف في الدنيا هم أهل المعروف في الآخرة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٥٦.

ورواه في «كتاب الزهد» ص ٣٢ عن ابن أبي عمير بعينه سنداً ومتمناً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٧.

٢ - الخصال ص ٤٠٧ و ٤٠٨

حدَّثنا أحمد بن الحسن القطان قال: حدَّثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطان قال: حدَّثنا بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدَّثنا محمد بن عبد الله قال: حدَّثنا علي بن الحكم، عن أبان بن عثمان، عن محمد بن الفضيل الرزقي، عن أبي عبد الله، عن أبيه، عن جدّه عن علي عليه السلام قال: إنَّ للجنة ثمانية أبواب باب يدخل منه النبيون والصدّيقون، وباب يدخل منه الشهداء والصالحون، وخمسة أبواب يدخل منها شيعتنا ومحّبونا، فلا أزال واقفاً على الصراط أدعو وأقول: ربّ سلّم شيعتي ومحّبّي وأنصاري ومن تولّاني في دار الدنيا فإذا النداء من بطنان العرش قد أجيبت دعوتك وشفّعت في شيعتك ويشفع كلّ رجل من شيعتي ومن تولّاني

في أن للجنة ثمانية أبواب وما هو المكتوب عليها ٢٩٧

ونصرني وحارب من حاربني بفعل أو قول في سبعين ألف من جيرانه وأقربائه، وباب يدخل منه سائر المسلمين ممن شهد أن لا إله إلا الله ولم يكن في قلبه مقدار ذرة من بغضنا أهل البيت.

٣ - حدثنا أبي عليه السلام قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن أحمد بن النضر الخزّاز، عن عمرو بن شمر، عن جابر الجعفي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: أحسنوا الظن بالله واعلموا أن للجنة ثمانية أبواب عرض كلّ باب منها مسيرة أربعين سنة.

ونقلهما عنهما في «البحار» ج ٨ ص ١٢١ و ١٣١.

٤ - أمالي الصدوق ص ٥ - ٦

روى بإسناده عن الباقر عليه السلام قال: من صام من رجب يوماً واحداً - إلى أن قال - ومن صام ثمانية أيّام من رجب فتجت له أبواب الجنة الثمانية فيدخلها من أيّها شاء.

٥ - الخصال ص ٥٩٥ - ٥٩٧

حدثنا عليّ بن أحمد بن موسى عليه السلام قال: حدثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان قال: حدثنا بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدثنا عبد الرحيم بن عليّ بن سعيد الجبليّ الصيدناني، وعبد الله بن الصلت واللفظ له قالوا: حدثنا الحسن [محمّد] بن نصر الخزّاز قال: حدثني عمرو بن طلحة بن أسباط بن نصر عن عكرمة، عن عبد الله بن عبّاس، قال: قدم يهوديان أخوان من رؤساء اليهود بالمدينة قالوا: - إلى أن قال - فأين تكون الجنة، وأين تكون النار؟ قال: أمّا الجنة ففي السماء، وأمّا النار ففي الأرض، - إلى أن قال - قال: فما السبعة؟ قال: سبعة

أبواب النار متطابقات، قال: فما الثمانية؟ قال: ثمانية أبواب الجنة. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٢٧.

٦- ثواب الأعمال ص ٧٠ - ٨٠

روى بسنده عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ في حديث أنه قال: ومن صام من رجب ثمانية أيام فإن للجنة ثمانية أبواب يفتح الله له بصوم كل يوم باباً وقال له: أدخل من أي أبواب الجنان شئت. ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٥٣٥ بعينه سنداً ومتمناً.

٧- ثواب الأعمال ص ٧٧ - ٧٨

أبي ﷺ قال: حدثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي، عن أبيان بن عثمان، عن كثير النواء عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن نوحاً ركب السفينة أول يوم من رجب فأمر من معه أن يصوموا ذلك اليوم. وقال: من صام ذلك اليوم تباعدت عنه النار مسيرة سنة، ومن صام سبعة أيام أغلقت عنه أبواب النيران السبعة، ومن صام ثمانية أيام فتحت له أبواب الجنة الثمانية، ومن صام خمسة عشر يوماً أعطي مسألته، ومن زاد زاده الله عز وجل.

ورواه في «أمالى الطوسي» ص ٤٤ عن محمد بن محمد، عن أبي القاسم جعفر بن محمد، عن محمد بن الحسن بن مثنى الجوهري، عن محمد بن أحمد بن يحيى عن عمران الأشعري، عن أحمد بن أبي نصر البزنطي بعينه سنداً ومتمناً.

٨- الخصال ص ٦٣٨

حدثنا علي بن الفضل البغدادي، عن أبي الحسن علي بن إبراهيم، عن

في أن للجنة ثمانية أبواب وما هو المكتوب عليها ٢٩٩

أبي جعفر بن غالب بن حرب الضبّي التهامي، وأبو جعفر محمد بن عثمان بن أبي شيبة قالوا: حدّثنا يحيى بن سالم بن عمر والحسين بن صالح - وكان يفضّل على الحسن بن صالح - قالوا: حدّثنا مسعر عن عطية، عن جابر قال: قال رسول الله ﷺ: مكتوب على باب الجنة لا إله إلا الله محمد رسول الله، عليّ أخو رسول الله ﷺ قبل أن يخلق الله السماوات والأرض بألفي عام. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣١.

٩ - الخصال ص ٣٢٣

حدّثنا أبو عليّ الحسن بن عليّ بن محمد بن عليّ بن عمرو العطار ببلخ، وكان جدّه عليّ بن عمرو صاحب عليّ بن محمد العسكري عليه السلام وهو الذي خرج على يده لعن فارس بن حاتم بن ماهويه قال: حدّثنا سليمان بن أيّوب المطلبي قال: حدّثنا محمد بن محمد المصري قال: حدّثنا موسى بن إسماعيل بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن عليّ بن أبي طالب عن أبيه عن آبائه عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: أدخلت الجنة فرأيت على بابها مكتوباً بالذهب «لا إله إلا الله محمد حبيب الله عليّ ولي الله فاطمة أمة الله الحسن والحسين صفوة الله على مبغضيهم لعنة الله. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩١.

١٠ - معاني الأخبار ص ٤٠٩

حدّثنا أبو الحسن، قال: حدّثنا عليّ بن أحمد الطبري، قال: حدّثنا أبو سعيد قال: حدّثنا خراش، قال: حدّثني مولاي أنس بن مالك، قال: قال رسول الله ﷺ: إنّ للجنة باباً يدعى «الريّان» لا يدخل منه إلا الصائمون. - وإنّما سمّي هذا الباب «الريّان» لأنّ الصائم يجهد العطش أكثر ممّا يجهد الجوع، فإذا دخل الصائم من

هذا الباب يلقاه الريّ الذي لا يعطش بعده أبداً.

١١ - أمالي الصدوق ص ٦٦

حدّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ عليه السلام قال: حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل عليه السلام قال: حدّثنا محمّد بن أبي عبد الله الكوفي قال: حدّثنا محمّد بن إسماعيل قال: حدّثنا عبد الله بن وهب البصري قال: حدّثني ثوبة بن مسعود عن أنس بن مالك قال: توفي ابن لعثمان بن مظعون عليه السلام فاشتدّ حزنه عليه حتّى اتّخذ من داره مسجداً يتعبّد فيه فبلغ ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله فقال له: يا عثمان إنّ الله تبارك وتعالى لم يكتب علينا الرهبانيّة إنّما رهبانيّة أمّتي الجهاد في سبيل الله يا عثمان بن مظعون للجنّة ثمانية أبواب وللنار سبعة أبواب أفما يسرك أن لا تأثني باباً منها إلّا وجدت ابنك إلى جنبك أخذاً بحجزتك يشفع لك إلى ربّك قال بلى. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٠.

١٢ - أمالي الصدوق ص ٥٧٧

وبهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: للجنّة باب يقال له باب المجاهدون يمضون إليه فإذا هو مفتوح وهم متقلّدون بسيوفهم والجمع في الموقف والملائكة ترحب بهم. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٦.

١٣ - فضائل الشيعة كما في «البحار» ج ٧ ص ٢٢١

روى الصدوق بإسناده عن ابن عمر عن النبيّ صلى الله عليه وآله في حديث طويل - أنه قال: ألا ومن أحبّ عليّاً فتحت له أبواب الجنّة الثمانية يدخلها من أيّ باب شاء بغير حساب.

في أن للجنة ثمانية أبواب وما هو المكتوب عليها ٣٠١

١٤ - أمالي الطوسي ص ٣٦٨

وبهذا الإسناد، عن أمير المؤمنين عليه السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان يوم القيامة، وفرغ الله من حساب الخلائق، دفع الخالق عز وجل مفاتيح الجنة والنار إليّ، فأدفعها إليك، فيقول لك: احكم، قال علي عليه السلام والله إن للجنة أحداً وسبعين باباً، يدخل من سبعين منها شيعتي وأهل بيتي، ومن باب واحد سائر الناس. ورواه في «مناقب ابن شهر آشوب» ج ٢ ص ١٥٥. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣٩.

١٥ - تفسير القمي ج ٢ ص ٣٥١

قال الصادق عليه السلام: على باب الجنة مكتوب القرض بثمانية عشر والصدقة بعشرة، وذلك أن القرض لا يكون إلا لمحتاج والصدقة ربما وضعت في يد غير محتاج. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨١.

١٦ - كتاب الزهد ص ٣٢

ابن أبي عمير، عن منصور بن إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن للجنة باباً يقال له باب المعروف فلا يدخله إلا أهل المعروف.

١٧ - مناقب فضل بن شاذان ص ١٥٢ - ١٥١

وبالإسناد يرفعه إلى ابن مسعود أنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لما أسري بي إلى السماء قال لي جبرئيل عليه السلام قد أمرت بعرض الجنة والنار عليك قال فرأيت الجنة وما فيها من النعيم ورأيت النار وما فيها من عذاب أليم والجنة لها ثمانية

أبواب على كلّ باب منها أربع كلمات كلّ كلمة خير من الدنيا وفيها لمن يعرفها ويعلم بها. قال لي جبرئيل عليه السلام: اقرأ يا محمد ما على الأبواب قال: قلت له قرأت ذلك أمّا أبواب الجنّة فعلى الباب الأوّل مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله لكلّ شيء حيلة وحيلة العيش أربع خصال القناعة وبذل الحقّ وترك الحسد ومجالسة أهل الخير.

«وعلى الباب الثاني» مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله لكلّ شيء حيلة وحيلة السرور في الآخرة أربع مسح رؤوس اليتامى والتعطف على الأرملة والسعي في حوائج المؤمنين وتفقد للفقراء والمساكين.

«وعلى الباب الثالث» مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله، لكلّ شيء حيلة وحيلة الصحّة في الدنيا أربع خصال: قلة الكلام وقلة المنام وقلة المشي وقلة الطعام.

مركز تحقيقات كميّة علوم إسلاميّة

«وعلى الباب الرابع» مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله، فمن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم والديه من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو يسكت.

«وعلى الباب الخامس» مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله، من أراد أن لا يشتم ومن أراد أن لا يذلّ ومن أراد أن لا يظلم ولا يظلم ومن أراد أن يستمسك بالعروة الوثقى في الدنيا والآخرة فليقل لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله.

«وعلى الباب السادس» مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله، فمن أحبّ أن يكون قبره وسيعاً فسيحاً فليبن المساجد ومن أحبّ أن لا تأكله الديدان تحت الأرض فليسكن المساجد وليكنس المساكن ومن أحبّ أن تبقى طرياً مطراً لا يبلى فليكنسوا المساجد بالبسط و عن أراد أن يرى موضعه في

مما ورد أن طوبى شجرة في الجنة ٣٠٣

الجنة فليكس في المساجد.

«وعلى الباب السابع» مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله
بياض القلب في أربع خصال: عيادة المريض واتّباع الجنائز وشراء الأكفان
الموتى وردّ القرض.

«وعلى الباب الثامن» مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ وليّ الله
فمن أراد الدخول من هذه الأبواب الثمانية فليمسك بأربع خصال وهي: الصدقة
والسخاء وحسن الخلق وكف الأذى عن عباد الله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٤٤.

مما ورد أن طوبى شجرة في الجنة



١ - أمافي الصدوق ص ٢٧١

حدّثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق رحمته الله قال: حدّثنا عبد العزيز بن يحيى
الجلودي قال: حدّثنا هشام بن جعفر عن حمّاد عن عبد الله بن سليمان وكان
قارياً للكتب قال: قرأت في الإنجيل يا عيسى جدّ في أمري ولا تهزل واسمع
وأطع يا بن الطاهرة الطهر البكر البتول أتيت من غير فحل أنا خلقتك آية للعالمين
فإياي فاعبد وعليّ فتوكّل خذ الكتاب بقوة فسّر لأهل سوريا السريانية بلغ من
بين يديك إنّي أنا الله الدائم الذي لا أزول صدقوا النبيّ صلّى الله عليه وآله الأمّي صاحب الجمل
والمدرعة والتاج وهي العمامة والنعلين - إلى أن قال - طوبى لمن أدرك زمانه
وشهد أيّامه وسمع كلامه، قال عيسى: يا ربّ وما طوبى؟ قال: شجرة في الجنة أنا
غرسها تظلّ الجنان أصلها من رضوان ماؤها من تسنيم برده برد الكافور وطعمه
طعم الزنجبيل من يشرب من تلك العين شربة لا يظمأ بعدها أبداً. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١١٧ - ١١٨.

٢ - الخصال ص ٣٣١ - ٣٣٢

حدّثنا محمّد بن عليّ ماجيلويه رحمته الله قال: حدّثنا محمّد بن يحيى العطار، عن محمّد بن أحمد، عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطاب، وأحمد بن الحسن بن عليّ بن فضال، عن عليّ بن أسباط، عن الحسين بن زيد قال: حدّثني محمّد بن سالم رفعه إلى أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال عثمان بن عفان: يا رسول الله ما تفسير أبجد؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله - إلى أن قال - وأما الطاء فطوبى لهم وحسن مآب وهي شجرة غرسها الله عزّ وجلّ بيده ونفخ فيها من روحه وإنّ أغصانها لترى من وراء سور الجنة تنبت بالحلي والحلل والثمار متدلّية على أفواههم. الخبر. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٨.



٣ - خصال الصدوق ص ٤٨٣

حدّثنا أبو طالب المظفر بن جعفر بن المظفر العلويّ المصري السمرقندي رحمته الله قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسعود العيّاشي، عن أبيه أبي النضر قال: حدّثنا إبراهيم بن عليّ قال: حدّثني ابن إسحاق، عن يونس بن عبد الرحمن، عن ابن سنان، عن عبد الله بن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي جعفر محمّد بن عليّ الباقر عليه السلام قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول: إنّ لأهل التقوى علامات يعرفون بها: صدق الحديث، وأداء الأمانة، والوفاء بالعهد، وقلة الفخر والبخل، وصلة الأرحام، ورحمة الضعفاء، وقلة المواتاة للنساء وبذل المعروف وحسن الخلق وسعة الحلم واتباع العلم فيما يقرب إلى الله عزّ وجلّ. طوبى لهم وحسن مآب، وطوبى شجرة في الجنة أصلها في دار رسول الله صلى الله عليه وآله فليس من مؤمن إلّا وفي داره غصن من أغصانها لا ينوي في قلبه شيئاً إلّا أتاه ذلك الغصن به ولو أنّ راكباً مجدّاً سار في ظلّها مائة عام لم يخرج منها، ولو أنّ غراباً طار من

مما ورد أنَّ طوبى شجرة في الجنة ٣٠٥

أصلها ما بلغ أعلاها حتَّى يبياض هرماً، ألا ففي هذا فارغبوا. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣١.

ورواه في «أُمالي الصدوق» ص ٢٢١ عن ابن إدريس، عن أبيه، عن ابن عيسى، عن أبيه، عن عبدالله بن القاسم، عن أبيه، عن أبي بصير عنه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام مثله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١١٧.

ورواه في «تفسير العيّاشي» ج ٢ ص ٢١٣.

٤ - معاني الأخبار ص ١١٢

حدَّثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوي رحمه الله قال: حدَّثنا جعفر بن محمد بن مسعود، عن أبيه محمد بن مسعود العيّاشي، عن جعفر بن أحمد عن العمركي البوفكي، عن الحسن بن علي بن فضال، عن مروان بن مسلم، عن أبي بصير قال: قال الصادق عليه السلام: طوبى لمن تمسك بأمرنا في غيبة قائمنا فلم يزغ قلبه بعد الهداية. فقلت له: جعلت فداك وما طوبى؟ قال: شجرة في الجنة أصلها في دار علي بن أبي طالب عليه السلام وليس مؤمن إلا وفي داره غصن من أغصانها، وذلك قول الله عز وجل: ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾.

٥ - عيون الأخبار ج ١ ص ٣٠٣ - ٣٠٤

بالإسناد عن إبراهيم بن أبي محمود عن الرضا عليه السلام عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي أنت صاحب شجرة طوبى في الجنة أصلها في دارك وأغصانها في دور شيعتك ومحبيك. الخبر.

٦ - الاختصاص ص ٣٥٨

وعنه، عن عوف، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام، عن النبي صلى الله عليه وآله في قول الله تبارك وتعالى: ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ يعني وحسن مرجع، فأما طوبى فإنها شجرة في الجنة ساقها في دار محمد صلى الله عليه وآله ولو أن طائراً طار من ساقها لم يبلغ فرعها حتى يقتله الهرم، على كل ورقة منها ملك يذكر الله، وليس في الجنة دار إلا وفيها غصن من أغصانها وإن أغصانها لترى من وراء سور الجنة، تحمل لهم ما يشاؤون من حللها وثمارها لا يؤخذ منها شيء إلا أعاده الله كما كان، بأنهم كسبوا طيباً وأنفقوا قصداً وقدموا فضلاً فقد أفلحوا وأنجحوا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢١٩.



٧ - تفسير القمي ج ١ ص ٣٦٥

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ أي حسن مرجع.

وحدثني أبي عن الحسن بن محبوب عن علي بن رئاب عن أبي عبيدة عن أبي عبدالله عليه السلام قال: طوبى شجرة في الجنة في دار أمير المؤمنين عليه السلام وليس أحد من شيعته إلا وفي داره غصن من أغصانها وورقة من أوراقها يستظل تحتها أمة من الأمم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢ ص ٣٣٦ و ٣٣٧.

٨ - تفسير القمي ج ٢ ص ٣٣٦ و ٣٣٧

أبي عن بعض أصحابه رفعه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله : فلما دخلت الجنة رأيت في الجنة شجرة طوبى أصلها في دار علي وما في الجنة قصر ولا منزل إلا

مما ورد أن طوبى شجرة في الجنة ٣٠٧

وفيهما فرع منها أعلاها أسفاط حلل من سندس وإستبرق يكون للعبد المؤمن ألف ألف سبط، في كل سبط مائة ألف حلة ما فوقها حلة تشبه الأخرى على ألوان مختلفة، وهو ثياب أهل الجنة وسطها ظل ممدود كعرض السماء والأرض أعدت للذين آمنوا بالله ورسوله يسير الراكب في ذلك الظل مسيرة مائة عام فلا يقطعه وذلك قوله ﴿وَوَظِلٌّ مَّمْدُودٌ﴾ أسفلها ثمار أهل الجنة وطعامهم متدلل في بيوتهم يكون في القضيبي منها مائة لون من الفاكهة مما رأيت في دار الدنيا ومما لم تروه وما سمعتم به وما لم تسمعوا مثلها، وكلما يجتنى منها شيء نبت مكانها أخرى لا مقطوعة ولا ممنوعة ويجري نهر في أصل تلك الشجرة ينفجر منها الأنهار الأربعة، نهر من ماء غير آسن ونهر من لبن لم يتغير طعمه ونهر من خمر لذة للشاربين ونهر من عسل مصفى. الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣٧

٩ - تفسير العياشي ج ٢ ص ٢١١ و ٢١٢

عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي جعفر محمد بن علي عن أبيه عن آبائه قال: بينما رسول الله ﷺ جالس ذات يوم إذ دخلت عليه أم أيمن في ملحفتها شيء، فقال لها رسول الله ﷺ: يا أم أيمن أي شيء في ملحفتك؟ فقالت: يا رسول الله فلانة بنت فلانة أملكوها فنثروا عليها فأخذت من نثارها شيئا ثم إن أم أيمن بكت فقال لها رسول الله ﷺ: ما يبكيك؟ فقالت: فاطمة زوجتها فلم ينثر عليها شيئا فقال لها رسول الله ﷺ: لا تبكين فوالذي بعثني بالحق بشيرا ونذيرا، لقد شهد أملاك فاطمة جبرئيل وميكائيل وإسرافيل في ألوف من الملائكة ولقد أمر الله طوبى فنثرت عليهم من حللها وسندسها وإستبرقها ودرّها وزمرّدها وياقوتها وعطرها، فأخذوا منه حتى ما دروا ما يصنعون به، ولقد نحل الله طوبى في مهر

فاطمة، فهي في دار علي بن أبي طالب عليه السلام.

١٠ - عن أبان بن تغلب قال: كان النبي صلى الله عليه وآله يكثر تقبيل فاطمة، قال: فعاتبته على ذلك عائشة، فقالت: يا رسول الله إنك لتكثر تقبيل فاطمة، فقال لها: ويلك لما أن عرج بي إلى السماء مرّ بي جبرئيل على شجرة طوبى، فناولني من ثمرها فأكلتها، فحوّل الله ذلك إلى ظهري، فلمّا أن هبطت إلى الأرض واقعت خديجة فحملت بفاطمة عليها السلام، فما قبّلت فاطمة إلّا وجدت رائحة شجرة طوبى منها. ورواه في «تفسير القمّي» ج ١ ص ٣٦٥ عن أبي عبد الله عليه السلام. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٢٠.

١١ - عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام قال: طوبى هي شجرة يخرج من جنة عدن غرسها ربنا بيده.

مركز تحقيقات كميتر علوم حسدي

١٢ - عن أبي قتيبة تميم بن ثابت عن ابن سيرين في قوله: ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ قال: طوبى شجرة في الجنة أصلها في حجرة عليّ وليس في الجنة حجرة إلّا فيها غصن من أغصانها. ونقلهما عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٤٣.

١٣ - تفسير العياشي ج ٢ ص ٢١٣

عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال: إنّ المؤمن إذا لقي أخاه فصافحا لم تزل الذنوب تتحات عنهما ما داما متصافحين كتحات الورق عن الشجر، فإذا افترقا قال ملكاهما: جزاكما الله خيراً عن أنفسكما، فإن التزم كلّ واحد منهما صاحبه ناداهما مناد: طوبى لكما وحسن مآب، وطوبى شجرة في الجنة أصلها في دار أمير المؤمنين، وفرعها في منازل أهل الجنة، فإذا افترقا ناداهما ملكان

كريمان أبشرا يا وليي الله بكرامة الله والجنة من ورائكما.

١٤ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٦٤٦

عن رسول الله ﷺ - في حديث - إن الله عز وجل إذا كان أول يوم من شعبان أمر بأبواب الجنة فتفتح، ويأمر شجرة طوبى فتطلع أغصانها على هذه الدنيا، [ثم يأمر بأبواب النار فتفتح، ويأمر شجرة الزقوم فتطلع أغصانها على هذه الدنيا] ثم ينادي منادي ربنا عز وجل يا عباد الله هذه أغصان شجرة طوبى، فتمسكوا بها، ترفعكم إلى الجنة، وهذه أغصان شجرة الزقوم، فإياكم وإياها، لا تؤذيكم إلى الجحيم. قال رسول الله ﷺ فوالذي بعثني بالحق نبياً إن من تعاطى باباً من الخير والبر في هذا اليوم، فقد تعلّق بغصن من أغصان شجرة طوبى فهو مؤدّيه إلى الجنة، ومن تعاطى باباً من الشر في هذا اليوم، فقد تعلّق بغصن من أغصان شجرة الزقوم، فهو مؤدّيه إلى النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٦٥ و ج ٧ ص ٢١٠.

١٥ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٦٤٨ و ٦٤٩

في حديث: والذي بعث محمّداً بالحق نبياً، لقد رأيت شجرة طوبى ترتفع [أغصانها] وترفع المتعلّقين بها إلى الجنة، ورأيت منهم من تعلّق منها بغصن ومنهم من تعلّق منها بغصنين أو بأغصان على حسب اشتغالهم على الطاعات، وإنّي لأرى زيد بن حارثة قد تعلّق بعامة أغصانها فهي ترفعه إلى أعلى عاليها، فلذلك ضحكت واستبشرت ثم نظرت إلى الأرض، فوالذي بعثني بالحق نبياً، لقد رأيت شجرة الزقوم تنخفض أغصانها وتخفض المتعلّقين بها إلى الجحيم، ورأيت منهم من تعلّق بغصن، ورأيت منهم من تعلّق منها بغصنين، أو بأغصان، على

حسب اشتمالهم على القبائح، وإنني لأرى بعض المنافقين قد تعلّق بعامة أغصانها، وهي تخفضه إلى أسفل دركاتها فلذلك عبست وقطبت. - إلى أن قال - قال رسول الله ﷺ والذي بعثني بالحق نبياً لقد رأيت تلك الأغصان من شجرة طوبى عادت إلى الجنة، فنادى منادي ربنا عزّ وجلّ خزّانها: يا ملائكتي! انظروا كلّ من تعلّق بغصن من أغصان طوبى في هذا اليوم، فانظروا إلى مقدار منتهى ظلّ ذلك الغصن، فأعطوه من جميع الجوانب مثل مساحته قصوراً ودوراً وخيرات.

١٦ - التفسير الفرات ص ٢٠٧ و ٢٠٨

[قال حدثنا] فرات بن إبراهيم الكوفي معنعناً: عن ابن عباس رضيهما الله في قوله [تعالى] ﴿طُوبَى لَهُمْ [وَحُسْنُ مَآبٍ]﴾ [قال] قال النبي ﷺ: لما أسري بي [إلى السماء] فدخلت الجنة فإذا أنا بشجرة كلّ ورقة منها تغطي الدنيا وما فيها تحمل الحلي والحلل والطعام ما خلا الشراب، وليس في الجنة قصر ولا دار ولا بيت إلا فيه غصن من أغصانها، وصاحب القصر والدار والبيت حليه وحلله وطعامه فهو! منها. فقلت: يا جبرئيل ما هذه الشجرة؟ قال: هذه طوبى، فطوبى لك ولكثير من أمتك. قلت: فأين منتهاها - يعني أصلها - قال: في دار عليّ [ابن أبي طالب] ابن عمّك.

١٨ - فرات قال: حدثني الحسين بن سعيد معنعناً: عن ابن عباس رضيهما الله قال: قال رسول الله ﷺ: إنّ في الجنة لشجرة يقال لها: طوبى، ما في الجنة دار إلا وفيها غصن من أغصانها أحلى من الشهد وألين من الزبد، أصلها في داري وفرعها في دار عليّ بن أبي طالب.

١٨ - فرات قال: حدثني الحسين بن سعيد معنعناً: عن ابن عباس رضيهما الله عن رسول الله ﷺ في قوله تعالى: ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ [قال: شجرة.

فشجرة [في الجنة غرسها الله بيده ونفخ فيه من روحه تنبت الحلي والحلل والثمار متدلية على أفواه أهل الجنة وإن أغصانها لترى من وراء سور الجنة و[هي] في منزل علي بن أبي طالب عليه السلام لن يحرمها وليه ولن ينالها عدوه. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٣.

١٩ - فرات قال: حدثنا الحسين بن الحكم [قال: حدثنا حسن بن حسين قال: حدثنا حبان عن الكلبي عن أبي صالح]: عن ابن عباس [رضي الله عنه في قول الله تعالى]: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ [قال: شجرة أصلها في دار علي عليه السلام في الجنة [و] في كل دار مؤمن منها غصن يقال لها [شجرة] طوبى لهم وحسن مآب بحسن المرجع.

٢٠ - فرات قال: حدثني محمد بن أحمد بن عثمان بن دليل معنعنا: عن ابن عباس رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وآله في كلام ذكره وما طوبى! في ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ قال: شجرة في الجنة غرسها الله بيده ونفخ فيها من روحه تنبت الحلي والحلل والثمار [الأثمار] متدلية على أفواه أهل الجنة، وإنه ليقع عليها الطير المشتهي منه شواءً وقديداً فيأتيه على ما يشتهي، وإن أغصانها لترى من وراء سور الجنة وهي في منزل علي بن أبي طالب عليه السلام لن يحرمها وليه ولن ينالها عدوه.

٢١ - فرات قال: حدثني عبيد بن كثير ومحمد بن أحمد معنعنا: عن أبي جعفر عليه السلام قال: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله [عن قوله] ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ قال: شجرة في الجنة أصلها في داري وفرعها على أهل الجنة ثم سئل مرة أخرى فقال: شجرة في الجنة أصلها في دار علي وفرعها على أهل الجنة قال: قيل [قلنا] له: سألتك [سألتناك] عنها [يا رسول الله] فقلت: أصلها في داري وفرعها على أهل الجنة. فقال: إن داري ودار علي واحدة.

٢٢ - فرات قال: حدّثنا محمد بن أحمد [بن عثمان] معنعناً: عن أبي جعفر عليه السلام قال: سئل النبي صلى الله عليه وآله عن قوله: ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ قال: شجرة في الجنة أصلها في داري وفرعها على أهل الجنة ثم سئل بعد ذلك فقال: شجرة في الجنة أصلها في دار عليّ وفرعها على أهل الجنة. قالوا: يا رسول الله سألناك فقلت أصلها في داري ثم سألناك فقلت أصلها في دار عليّ. فقال: إنّ داري ودار عليّ واحدة.

٢٣ - فرات قال: حدّثنا إبراهيم بن أحمد بن عمرو الهمداني معنعناً: عن أبي جعفر عليه السلام قال: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن ﴿طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ قال: [شجرة] أصلها في داري وفرعها على أهل الجنة ثم سألوه عنها ثانية. قال: شجرة أصلها في دار عليّ وفرعها على أهل الجنة. [ف قيل له: يا رسول الله سألناك عنها فقلت أصلها في داري وفرعها على أهل الجنة]؟ فقال: إنّ داري ودار عليّ واحدة.

٢٤ - فرات قال: حدّثني محمد بن عيسى الدهقان معنعناً: عن جعفر عن أبيه عن جدّه عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طوبى شجرة في داري وأغصانها في دور أهل بيتي ثم قال بعد: طوبى شجرة في دار عليّ وأغصانها في دور أهل بيتي. فقال: عمر بن الخطاب يا رسول الله أليس حدّثتنا بالأمس أن طوبى شجرة في دارك؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: أما علمت أن داري ودار عليّ واحدة.

٢٥ - فرات قال: حدّثني إسماعيل بن إسحاق بن إبراهيم [بن إسماعيل] الفارسيّ معنعناً: عن أبي جعفر محمد بن عليّ عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لما أسري بي إلى السماء فصرت في سماء الدنيا حتّى صرت في السماء السادسة فإذا أنا بشجرة لم أر شجرة أحسن منها ولا أكبر منها فقلت [لجبرئيل]: يا حبيبي ما هذه الشجرة؟ قال: هذه طوبى يا حبيبي. قال: فقلت:

ما هذا الصوت العالي [التالي] الجهوري؟ قال: هذا صوت طوبى، قلت: أي شيء يقول؟ قال: يقول واشوقاه إليك يا علي بن أبي طالب عليه السلام.

٢٦ - فرات قال: حدَّثني محمد بن الحسن بن إبراهيم معنعناً: عن أبي جعفر [محمد بن علي] ٧ في قوله [تعالى]: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ فبلغني أنَّ طوبى شجرة في الجنة ثابتة [نابتة مثابته] في دار علي بن أبي طالب عليه السلام وهي له ولشيئته وعلى تلك الشجرة أسفاط فيها حلل من سندس وإستبرق يكون للبعد منها ألف ألف سبط في كل سبط مائة ألف حلة ليس منها حلة إلا مخالفة للون [لون] الاشخري إلا أنَّ ألوانها كلها خضر من سندس وإستبرق فهذا أعلى تلك الشجرة ووسطها ظلهم [ظلهم] يظل عليهم يسير الراكب في ظل تلك الشجرة مائة عام قبل أن يقطعها وأسفلها ثمرها [تمر بها] متدل على بيوتهم يكون منها القضيبي مثل القصب [القصبية] فيها مائة لون من الفواكه، ما رأيت ولم تر وما سمعت ولم تسمع، متدل على بيوتهم كلما قطعوا منها ثم ينبت مكانه يقول الله تعالى: ﴿لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ﴾ وتدعى تلك الشجرة طوبى ويخرج نهر من أصل تلك الشجرة فيسقي جنة عدن وهي قصر من لؤلؤة واحدة ليس فيها صدع ولا وصل لو اجتمع أهل الإسلام كلها على [في] ذلك القصر لهم فيه سعة لها ألف باب وكل [في كل] [كل] باب مصراعين من زبرجد وياقوت [عرضها] اثني عشر ميلاً لا يدخلها إلا نبي أو صديق أو شهيد أو متحاب في الله أو ضيف [ضعيف] [صنف] من المؤمنين، تلك منازلهم وهي جنة عدن.

٢٧ - تفسير الفرات ص ٢١٢

فرات قال: حدَّثنا [حدَّثني] الحسين بن القاسم والحسين بن محمد بن

مصعب وعليّ بن حمدون - زاد بعضهم على بعض الحرف و الحرفين ونقص بعضهم الحرف والحرفين والمعنى واحد إن شاء الله [تعالى] - قالوا: حدّثنا عيسى بن مهران [قال: حدّثنا محمّد بن بكار الهمداني عن يوسف السراج عن أبي هبيرة العماري عن جعفر بن محمّد عن آبائه عليهم السلام] عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: لما نزلت على رسول الله صلى الله عليه وآله [طوبى لهم وحسن مآب] قام المقداد [مقداد] بن الأسود الكندي إلى رسول الله [النبيّ] صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله وما طوبى؟ قال: يا مقداد شجرة في الجنة لو يسير الراكب الجواد لسار في ظلّها مائة عام قبل أن يقطعها، ورقها و برها برود خضر، وزهرها رياض صفر، وأفناؤها سندس وإستبرق، وثمرها حلل خضر، وطعمها [وصمغها] زنجبيل وعسل، وبطحاءها ياقوت أحمر وزمرد أخضر، وترابها مسك وعنبر [وكافور أصفر] وحشيشها [زعفران] والخوج يتأجج من غير وقود، يتفجر من أصلها السلسيل والرحيق والمعين، وظلّها مجلس من مجالس شيعة [أمير المؤمنين] عليّ بن أبي طالب ٧ يألّفونه ويتحدّث بمجمعهم [بجمعهم]، وبيناهم في ظلّها يتحدثون إذ جاءتهم الملائكة يقودون نجباً جبلت من الياقوت، ثم نفخ الروح فيها، مزومة بسلاسل من ذهب كأنّ وجوهها المصابيح نضارة وحسناً وبرها خز أحمر ومرعزي أبيض مختلطان لم ينظر الناظرون إلى مثلها [مثله] حسناً وبهاءً وذلك [ذلّ ولا أذلّ] من غير مهية [مهانة] نجباء [تجب] من غير رياضة عليها رحال ألواحها [ألوانها] من الدرّ والياقوت المفضضة [مفضضة] باللؤلؤ والمرجان صفائحها من الذهب الأحمر ملبّسة بالعقري والأرجوان فأناخوا تلك النجابي إليهم ثم قالوا لهم: ربّكم يقرؤكم السلام [ويراكم فترونه فتزورونه] وينظر إليكم ويحبّبكم و تحبّونه [وتكلّمونه ويكلّمكم] ويزيدكم من فضله وسعته فإنّه ذو رحمة واسعة وفضل عظيم.

قال: فيتحول كل رجل منهم على راحلته فينطلقون صفّاً واحداً معتدلاً لا يفوت منهم شيء شيئاً ولا يفوت إذن ناقة ناقتها ولا بركة ناقة بركها ولا يمرون بشجرة من أشجار الجنة إلا أتحتهم بأثمارها ورحلت لهم عن طريقهم كراهية أن يثلم [تثلم] طريقهم وأن يفرق بين الرجل ورفيقه.

فلما دفعوا [رفعوا] إلى الجبار جلّ جلاله قالوا: ربنا أنت السلام [ومنك السلام] ولك يحقّ الجلال والإكرام [قال فيقول الله أنا السلام ومعني السلام ولي يحقّ الجلال والإكرام] فمرحبا بعبادي الذين حفظوا وصيتي في أهل بيت نبي ورعوا حقّي وخافوني بالغيب وكانوا منّي على كلّ حال مشفقين.

فقالوا: أما وعزّتك وجلالك ما قدرناك حقّ قدرك وما أدينا إليك كلّ حقّك فائذن لنا في السجود قال لهم: ربّهم [عزّ وجلّ] إنّي قد وضعت عنكم مئونة العبادة وأرحت عليكم أبدانكم وطال ما أنصبتكم لي الأبدان وعنتم [لي] الوجوه فالآن أفضتكم [أفضيتكم] إلى روعي ورحمتي [فأسألوني ما شئتم وتمنوا علي أعطكم أمانيتكم فإنّي لن أجزيكم اليوم بأعمالكم ولكن] برحمتي وكرامتي [وطولي وارتفاع مكاني] وعظيم شأنني وبحبّكم [محبّتكم] أهل بيت نبي.

٢٨ - تفسير الفرات ص ٢١٣

فلا يزالون يا مقداد محبو عليّ بن أبي طالب عليه السلام في العطايا والمواهب حتّى أن المقصر من شيعته ليتمنى في أمنيته مثل جميع الدنيا منذ يوم خلق الله إلى يوم إفنائها [فنائها].

قال [فيقول] لهم ربّهم: لقد قصرتم في أمانيتكم ورضيتم بدون ما يحقّ لكم، فانظروا إلى مواهب ربكم. فإذا بقباب وقصور في أعلى عليّين من الياقوت الأحمر والأخضر والأصفر والأبيض [يزهر نورها] فلو لا أنه مسخر إذا التمعت

[للمعت: لتمعت. لالتمع] الأبصار منها، فما كان من تلك القصور من الياقوت الأحمر فهو مفروش بالعقري الأحمر وما كان منها من الياقوت الأخضر فهو مفروش بالسندس الأخضر، وما كان منها من الياقوت الأبيض فهو مفروش بالحرير الأبيض، وما كان منها من الياقوت الأصفر فهو مفروش بالرياض الأصفر، مبنوثة بالزمرد الأخضر والفضة البيضاء والذهب الأحمر، قواعدها وأركانها من الجواهر، ينور [يفور] من أبوابها وأعراصها بنور مثل شعاع الشمس عنده مثل الكوكب الدري في النهار المضيء، وإذا على باب كل قصر من تلك القصور ﴿جَنَّاتٍ مَّدَامَتَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّخَتَانِ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ﴾ (الواقعة: ٦٦).

فلما أرادوا أن ينصرفوا إلى منازلهم حولوا على براذين من نور بأيدي ولدان مخلصين بيد كل واحد منهم حكمة برذون من تلك البرادين، لجمها وأعتتها من الفضة البيضاء وأثغارها [وأثفارها] من الجواهر، فلما [فإذا] دخلوا منازلهم وجدوا الملائكة يهنونهم بكرامة ربهم، حق إذا استقروا قرارهم قيل لهم: ﴿فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ﴾ ربنا رضينا فارض عنا. قال: برضاي عنكم وبحبكم أهل بيت نبيي حللتكم [أحللتكم] داري وصافحتكم الملائكة فهنياً هنيئاً [عطاء] غير مجذوذ [ليس فيه تنغيص] فعندها قالوا: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ].

قال أبو موسى [عيسى بن مهران]: فحدثت به أصحاب الحديث عن [من] هؤلاء الثمانية فقلت لهم: أنا أبرأ إليكم من عهده هذا الحديث لأن فيه قوم مجهولون ولعلهم إن [لم] يكونوا صادقين، فرأيت من [في] ليلتي أو بعد كأن أتاني آت [أتياً أتاني] ومعه كتاب فيه من مخول بن إبراهيم والحسن بن الحسين

ويحيى بن الحسن بن فرات وعلي بن القاسم الكندي ولم ألق علي بن القاسم وعدة بعده لم أحفظ أساميهم كتبنا إليك من تحت شجرة طوبى فقد أنجز لنا ربنا ما وعدنا فاستمسك بهذه [بهذا] الكتب فإنك لن تقرأ منها كتاباً إلا أشرقت له الجنة.

٢٩ - تفسير الفرات ص ٢١٥

فرات قال: حدثني محمد بن أحمد معنعناً: عن [أمير المؤمنين] علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم: يا علي علمت أن جبرئيل عليه السلام أخبرني أن أمتي تغدر بك من بعدي فويل ثم ويل [ثم ويل لهم] ثلاث مرّات. قلت: يا رسول الله: وما ويل؟ قال: وادٍ في جهنم أكثر أهله معادوك والقاتلون لذريتك والناكث لبيعتك، فطوبى ثم طوبى [ثم طوبى ثلاث مرات] لمن أحببك ووفى لك. قلت: يا رسول الله وما طوبى؟ قال: شجرة في دارك في الجنة ليس دار من دور شيعتك في الجنة إلا وفيها غصن من تلك الشجرة تهدي [تهدل] عليهم [إليهم] بكل ما يشتهون.

٣٠ - فرات قال: حدثني علي بن محمد [بن عمر] الزهري معنعناً: عن زيد بن علي عليه السلام قال: دخل على النبي صلى الله عليه وآله رجل من أصحابه وجماعة معه قال: فقال: يا رسول الله أين شجرة طوبى؟ قال: في داري في الجنة قال: ثم سأله آخر فقال في دار علي [بن أبي طالب عليه السلام] في الجنة، قال: فقال الأول: يا رسول الله سألتك أنفاً فقلت في داري ثم قلت في دار علي! فقال له: إن داري وداره في الدنيا والآخرة في مكان واحد [واحدة] إلا أنا إذا هممنا بالنساء استترنا ببيوت.

٢١ - فرات قال حدثنا... معنعناً:

عن جابر بن عبد الله [رضي الله عنه] قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لما تزوجت خديجة عرج بي إلى السماء فانطلق بي جبرئيل عليه السلام إلى شجرة طوبى يستظل

بظِّلها فتناول جبرئيل من ثمرها فناولنيه فأكلته فصارت نطفة في صلبني فوافت خديجة فولدت فاطمة فإذا اشتقت إلى الجنة شملتها ففاطمة حوراء إنسية.

٣٢ - جامع الأخبار ص ١٧٤

روى عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله ﷺ: إن في الجنة شجرة يقال لها طوبى ما في الجنة دار ولا قصر ولا حجر ولا بيت إلا وفيه غصن من تلك الشجرة وإن أصلها في داري ثم أتى عليه ما شاء الله ثم حدثهم يوماً آخر فقال: إن في الجنة شجرة يقال لها طوبى ما في الجنة قصر ولا دار ولا حجر ولا بيت إلا وفيه من تلك الشجرة غصن فإن أصلها في دار عليّ عليه السلام. فقام عمر فقال: يا رسول الله أو ليس حدثتنا عن هذه الشجرة وقلت أصلها في داري ثم حدثتنا وتقول أصلها في دار عليّ فرفع النبي ﷺ رأسه فقال: يا عمر أو ما علمت أن داري ودار عليّ واحد وحجرتي وحجرة عليّ واحد وقصري وقصر عليّ واحد وبيتي وبيت عليّ واحد ودرجتي ودرجة عليّ واحد وسري وسر عليّ واحد. فقال عمر: يا رسول الله إذا أراد أحدكم أن يأتي أهله كيف يصنع؟ فقال النبي ﷺ: إذا أراد أن يأتي أهله ضرب الله بيني وبينه حجاباً من نور فإذا فرغنا من تلك الحاجة رفع الله عنا ذلك الحجاب فعرف عمر حق عليّ فلم يحسد أحد من أصحاب رسول الله ﷺ إلا ما حسد.

جملة مما ورد أنه يوجب الدخول في الجنة

منها: الصلاة والدعاء بعدها

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٨٣

عليّ بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن أبي جميلة قال: قال أبو عبد الله

عليه السلام: قال الله تبارك وتعالى: يا عبادي الصديقين تنعموا بعبادتي في الدنيا فإنكم تنعمون بها في الآخرة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٥٥.

٢ - الكافي ج ٥ ص ٣٤٤

عنه، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن سيف بن عميرة، عن أبي الصباح الكناني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا صلت المرأة خمسا وصامت شهرا وأطاعت زوجها وعرفت حق علي عليه السلام فلتدخل من أي أبواب الجنة شاءت.

٣ - الكافي ج ٣ ص ٣٤٤

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن داود العجلي مولى أبي المغرا قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ثلاث أعطين سمع الخلاق: الجنة والنار والحدور العين فإذا صلى العبد وقال: اللهم أعطني من النار وأدخلني الجنة وزوجني من الحدور العين قالت النار: يا رب إن عبدك قد سأل أن تعتقه مني فأعتقه، وقالت الجنة: يا رب إن عبدك قد سأل أن يأسكنه [في] وقالت الحدور العين: يا رب إن عبدك قد خطبنا إليك فزوجه منا، فإن هو انصرف من صلاته ولم يسأل الله شيئا من هذه قلن الحدور العين: إن هذا العبد فينا لزاهد، وقالت الجنة: إن هذا العبد في لزاهد، وقالت النار: إن هذا العبد في لجاهل.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٩٤.

٤ - كتاب الزهد ص ١٠٢

النضر بن سويد عن درست عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لو

أن حوراً من حور الجنة أشرفت على أهل الدنيا وأبدت ذؤابة من ذوائبها «لأفتن»
لأمتن أهل الدنيا - أو لأماتت أهل الدنيا - وإن المصلي ليصلي فإذا لم يسأل ربه أن
يزوجه من الحور العين قلن: ما أزهد هذا فينا.

منها: الصلاة بالليل

١ - أمالي الصدوق ص ٢٩٢

حدثنا أبي عليه السلام قال: حدثنا سعد بن عبد الله عن سلمة بن الخطاب
البرواستاني (البرواستاني) عن محمد بن الليث عن جابر بن إسماعيل عن
الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام أن رجلاً سأل علي بن أبي طالب عليه السلام عن
قيام الليل بالقرآن فقال له أبشر من صلى من الليل عشر ليله - إلى أن قال - من
صلى ربع ليله كان في أول الفائزين حتى يمر على الصراط كالريح العاصف
ويدخل الجنة بغير حساب ومن صلى ثلث ليله لم يبق ملك إلا غبطه بمنزلته من
الله عز وجل وقيل له ادخل من أي أبواب الجنة الثمانية شئت، - إلى أن قال - ومن
صلى ليله تامة تالياً لكتاب الله عز وجل راکعاً وساجداً وذاكراً أعطي من الثواب
ما أدناه يخرج من الذنوب كما ولدته أمه ويكتب له عدد ما خلق الله من الحسنات
ومثلها درجات ويثبت النور في قبره وينزع الإثم والحسد من قلبه ويجار من
عذاب القبر ويعطى براءة من النار ويبعث من الآمنين ويقول الرب تبارك وتعالى
لملائكته ملائكتي انظروا إلى عبدي أحيى ليلة ابتغاء مرضاتي أسكنوه الفردوس
وله فيها مائة ألف مدينة في كل مدينة جميع ما تشتهي الأنفس وتلذ الأعين وما لا
يخطر على بال سوى ما أعددت له من الكرامة والمزيد والقربة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٦.

ورواه في «ثواب الأعمال» ص ٦٦ بعينه سنداً ومتمناً.

٢ - أمالي الصدوق ص ٣٢٨

حدّثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار رحمته الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أبيه عن محمد بن أبي عمير عن عليّ بن أبي حمزة عن أبي بصير عن الصادق جعفر بن محمد عن آبائه عن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ في الجنّة غرفاً يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها يسكنها من أمّتي من أطاب الكلام وأطعم الطعام وأفشى السلام وصلى بالليل والناس نيام. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١١٨.

٣ - أمالي الطوسي ص ٤٥٨

أخبرنا جماعة، قالوا: حدّثنا أبو المفضل، قال: حدّثني إسحاق بن محمد بن مروان الكوفي ببغداد، قال: حدّثنا أبي، قال: حدّثنا يحيى بن سالم الفراء، عن حمّاد بن عثمان، عن جعفر بن محمد، عن آبائه عليهم السلام، عن أمير المؤمنين (صلوات الله عليه)، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لما أُسري بي إلى السماء دخلت الجنّة، فرأيت فيها قصرًا من ياقوت أحمر، يرى باطنه من ظاهره لضياءه ونوره، وفيه قبتان من درّ وزبرجد، فقلت يا جبرئيل، لمن هذا القصر؟ قال هذا لمن أطاب الكلام، وأدام الصيام، وأطعم الطعام، وتهجّد بالليل والناس نيام.

قال عليّ عليه السلام: فقلت: يا رسول الله، وفي أمّتك من يطيق هذا؟ قال: أتدري ما إطابة الكلام؟ فقلت: الله ورسوله أعلم. قال: من قال: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، أتدري ما إدامة الصيام؟ قلت: الله ورسوله أعلم. قال: من صام شهر رمضان ولم يفطر منه يوماً؛ أتدري ما إطعام الطعام؟ قلت: الله ورسوله أعلم. قال: من طلب لعياله ما يكفّ به وجوههم عن الناس؛ أتدري ما التهجّد

بالليل والناس نيام؟ قلت: الله ورسوله أعلم. قال: من لم ينم حتّى يصلي العشاء الآخرة، والناس من اليهود والنصارى وغيرهم من المشركين نيام بينهما.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٠.

ورواه في «تفسير القمّي» ج ١ ص ٢١ عن عليّ بن إبراهيم عن أبيه، عن حمّاد عن أبي عبد الله عليه السلام لكنّه بتفاوت يسير في العبارة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٨.

٤ - فلاح السائل ص ٣٦

قال صفوان قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا كان يوم القيامة نظر رضوان خازن الجنة إلى قوم لم يمرّوا به فيقول من أنتم ومن أين دخلتم؟ قال يقولون إياك عنّا فإنّا قوم عبدنا الله سرّاً فأدخلنا الله الجنة سرّاً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٤٦.

منها: صوم شهر رمضان

١ - ثواب الأعمال ص ٩٣

حدّثنا محمّد بن إبراهيم قال: حدّثنا أحمد بن متّويه الجرجانيّ المذكر قال: حدّثنا أبو إسحاق إبراهيم بن بلال قال: حدّثنا أبو محمّد قال: حدّثنا أبو عبد الله محمّد بن كرام قال: حدّثنا أحمد بن عبد الله قال: حدّثنا سفيان بن عيينة قال: حدّثنا معاوية بن أبي إسحاق، عن سعيد بن جبیر قال: سألت ابن عبّاس ما لمن صام رمضان وعرف حقّه؟ قال: تهياً يا ابن جبیر حتّى أحدثك بما لم تسمع أذنك ولم يمرّ على قلبك فرّغ نفسك لما سألتني عنه فما أردته علم الأولين والآخرين، قال سعيد بن جبیر: فخرجت من عنده فتهيّأت له من الغد فبكرت إليه من طلوع

الفجر فصلّيت الفجر، ثمّ ذكر الحديث فحوّل وجهه إليّ فقال: اسمع منّي ما أقول: سمعت رسول الله ﷺ يقول: لو علمتم ما لكم في رمضان لزدتم لله شكراً، إذا كان أوّل ليلة منه غفر الله لأمتي الذنوب كلّها سرّها وعلايتها، ورفع لكم ألفي ألف درجة، وبنا لكم خمسين مدينة. وكتب الله لكم يوم الثاني بكلّ خطوة تخطونها في ذلك اليوم عبادة سنة وثواب نبيّ وكتب لكم صوم سنة وأعطاكم الله يوم الثالث بكلّ شعرة على أبدانكم قبة في الفردوس من درّة بيضاء في أعلاها اثنا عشر ألف بيت من النور، في أسفلها اثنا عشر ألف بيت [من النور]، في كلّ بيت ألف سرير، على كلّ سرير حوراء، يدخل عليكم كلّ يوم ألف ملك، مع كلّ ملك هديّة. وأعطاكم الله يوم الرابع في جنّة الخلد سبعين ألف قصر في كلّ قصر سبعون ألف بيت، في كلّ بيت خمسون ألف سرير، على كلّ سرير حوراء، بين يدي كلّ حوراء ألف وصيفة، خمار إحداهنّ خير من الدنيا وما فيها. وأعطاكم الله يوم الخامس في جنّة المأوى ألف مدينة، في كلّ مدينة سبعون ألف بيت، في كلّ بيت سبعون ألف مائدة، على كلّ مائدة سبعون ألف قصعة، في كلّ قصعة ستون ألف لون من الطعام لا يشبه بعضه بعضاً. وأعطاكم الله يوم السادس في دار السلام مائة ألف مدينة في كلّ مدينة مائة ألف دار، في كلّ دار مائة ألف بيت، في كلّ بيت مائة ألف سرير من ذهب طول كلّ سرير ألف ذراع، على كلّ سرير زوجة من الحور العين عليها ثلاثون ألف ذؤابة منسوجة بالدرّ والياقوت، تحمل كلّ ذؤابة مائة جارية - إلى أن قال - ومن صام ثمانية وعشرين جعل الله لكم في جنّة الخلد مائة ألف مدينة من نور، وأعطاكم الله في جنّة المأوى مائة ألف قصر من فضّة، وأعطاكم الله في جنّة النعيم مائة ألف دار من عنبر أشهب وأعطاكم الله في جنّة الفردوس مائة ألف مدينة، في كلّ مدينة ألف حجرة، وأعطاكم الله في جنّة الخلد مائة ألف منبر من مسك، في جوف كلّ منبر ألف بيت من زعفران في كلّ بيت ألف

سرير من درّ وياقوت، على كلّ سرير زوجة من الحور العين. وإذا كان يوم تسعة وعشرين أعطاكم الله ألف ألف محلة، في جوف كلّ محلة قبة بيضاء، في كلّ قبة سرير من كافور أبيض على ذلك السرير ألف فراش من السندس الأخضر، فوق كلّ فراش حوراء عليها سبعون ألف حلة، وعلى رأسها ثمانون ألف ذؤابة، وكلّ ذؤابة مكلّلة بالدرّ والياقوت، فإذا تمّ ثلاثون يوماً كتب الله لكم بكلّ يوم مرّ عليكم ثواب ألف شهيد وألف صديق، وكتب الله لكم عبادة خمسين سنة، وكتب الله لكم بكلّ يوم صوم ألفي يوم ورفع لكم بعدد ما أنبت النيل درجات وكتب لكم براءة من النار وجوازاً على الصراط وأماناً من العذاب، وللجنة باب يقال لها: الرّيان لا يفتح ذلك إلى يوم القيامة، ثمّ يفتح للصّائمين والصائمات من أمة محمّد ﷺ، ثمّ ينادي رضوان خازن الجنة يا أمة محمّد هلمّوا إلى الرّيان فتدخل أمّتي من ذلك الباب إلى الجنة، فمن لم يغفر له في شهر رمضان ففي أيّ شهر يغفر له؟! ولا حول ولا قوّة إلاّ بالله العليّ العظيم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٣٧.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٤٨ بعينه سنداً ومتمناً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٣.

منها: صوم شهر شعبان

١ - ثواب الأعمال ص ٨٦

حدّثنا محمّد بن إبراهيم قال: حدّثنا محمّد بن الحسين قال: حدّثنا أبو الحسن عليّ بن محمّد بن عليّ قال: حدّثنا الحسن بن محمّد المروزي، عن أبيه، عن يحيى بن عيّاش، عن عليّ بن عامر الواسطي قال: أخبرني عطاء بن السائب، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس قال: قال رسول الله ﷺ: وقد تذاكر

أصحابه عنده فضائل شعبان قال: شهر شريف وهو شهري وحملة العرش تعظمه وتعرف حقه، وهو شهر تزداد فيه أرزاق المؤمنين لرمضان وتزيّن فيه الجنان، وإنّما سمّي شعبان لأنّه تتشعب فيه أرزاق المؤمنين [الرمضان] وهو شهر العمل فيه تضاعف الحسنة سبعين، والسيئة محطوطة، والذنب مغفور، والحسنة مقبولة، والجبار جلّ جلاله يباهي فيه بعباده وينظر من عرشه إلى صوّامه وقوّامه فيباهي بهم حملة عرشه، فقام عليّ بن أبي طالب عليه السلام: وقال بأبي أنت وأُمّي يا رسول الله صف لنا شيئاً من فضله لنزداد رغبة في صيامه وقيامه لنهجد للجليل فيه، فقال عليه السلام: من صام أوّل يوم من شعبان كتب الله له سبعين حسنة الحسنة تعادل عبادة سنة. ومن صام يومين من شعبان حطّ عنه السيئة الموبقة. ومن صام ثلاثة أيّام من شعبان رفع له سبعين درجة في الجنّان من درّ وياقوت - إلى أن قال - ومن صام ثمانية عشر يوماً من شعبان فتحت له أبواب الجنان كلّها. ومن صام تسعة عشر يوماً من شعبان أُعطي سبعين ألف قصر في الجنان من درّ وياقوت. ومن صام عشرين يوماً من شعبان زوّج سبعين ألف زوجة من الحور العين. ومن صام أحداً وعشرين يوماً من شعبان وجبت له الملائكة ومسحته بأجنحتها، ومن صام اثنين وعشرين يوماً من شعبان كسي سبعين ألف حلّة من سندس وإستبرق. - إلى أن قال - ومن صام ثلاثة وعشرين يوماً من شعبان أتى بدابة من نور عند خروجه من قبره فيركبها طياراً إلى الجنّة.

ورواه في «فضائل الشيعة» ص ٤٨ بعينه سنداً وممتناً. لكنّة ذكر بدل قوله: «يحيى بن عيّاش»: «يحيى بن عبّاس».

منها: صوم شهر رجب

١ - ثواب الأعمال ص ٨٢ - ٨٠

روى بسنده عن أبي سعيد الخدري عن النبي صلّى الله عليه وآله في حديث أنّه قال: ومن

صام من رجب أحد عشر يوماً لم يواف الله يوم القيامة عبد أفضل منه إلا من صام مثله أو زاد عليه. ومن صام من رجب اثني عشر يوماً كسي يوم القيامة حلّتين خضراوين من سندس وإستبرق و يحبرهما ولو دليت حلّة منهما إلى الدنيا لأضاءت ما بين شرقها و غربها ولصارت الدنيا أطيب من ريح المسك. ومن صام من رجب ثلاثة عشر يوماً وضعت له يوم القيامة مائدة من ياقوت أخضر في ظلّ العرش قوائمها من درّ أوسع من الدنيا سبعين مرّة، عليها صحائف الدرّ والياقوت، في كلّ صحيفة سبعون ألف لون من الطعام لا يشبه اللون اللّون ولا الريح الريح فيأكل منها والناس في شدّة شديدة وكرب عظيم. - إلى أن قال - ومن صام من رجب خمسة وعشرين يوماً فإنّه إذا خرج من قبره تلقاه سبعون ألف ملك بيد كلّ ملك منهم لواء من درّ وياقوت ومعهم طرائف الحلّيّ والحلل، فيقولون: يا ولي الله النجا إلى ربّك فهو من أوّل الناس دخولا في جنّات عدن مع المقرّبين الذين رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك الفوز العظيم. ومن صام من رجب ستّة وعشرين يوماً بنى الله له في ظلّ العرش مائة قصر من درّ وياقوت، على رأس كلّ قصر خيمة حمراء من حرير الجنان، يسكنها ناعماً والناس في الحساب. - إلى أن قال - ومن صام من رجب ثلاثين يوماً نادى من السماء يا عبد الله أمّا ما مضى فقد غفر لك فاستأنف العمل فيما بقي وأعطاه الله عزّ وجلّ في الجنان كلّها، في كلّ جنة أربعين ألف مدينة من ذهب، في كلّ مدينة أربعون ألف قصر، في كلّ قصر أربعون ألف ألف بيت، في كلّ بيت أربعون ألف ألف مائدة من ذهب، على كلّ مائدة أربعون ألف ألف قصعة، في كلّ قصعة أربعون ألف ألف لون من الطعام والشراب، لكلّ طعام وشراب من ذلك لون على حدة، وفي كلّ بيت أربعون ألف ألف سرير من ذهب، طول كلّ سرير ألف ذراع في ألفي ذراع، على كلّ سرير جارية من الحور، عليها ثلاثمائة ألف ذؤابة من نور، تحمل كلّ ذؤابة منها ألف ألف وصيفة تعلّقها بالمسك والعنبر إلى أن يوافيها صائم رجب.

منها: التهليل والحوقلة، وأن لكل تهليل درجة في الجنة ٣٢٧

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٥٣٦ و ٥٣٨ بعينه سنداً ومتمناً.

٢ - ثواب الأعمال ص ٧٨

روى بإسناده عن أبي الحسن عليه السلام قال: رجب نهر في الجنة أشدّ بياضاً من اللبن وأحلى من العسل، من صام يوماً من رجب سقاه الله عزّ وجلّ من ذلك النهر. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٥.

منها: التهليل والحوقلة، وأن لكل تهليل درجة في الجنة

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٥١٧

عنه، عن الفضيل بن عبد الوهّاب، عن إسحاق بن عبيد الله، عن عبيد الله بن الوليد الوصافي، رفعه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قال: لا إله إلا الله. غرست له شجرة في الجنة من ياقوتة حمراء، منبتها في مسك أبيض، أحلى من العسل وأشدّ بياضاً من الثلج وأطيب ريحاً من المسك، فيها أمثال ثُدَيِّ الأبقار، تعلو عن سبعين حلة، الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٣.

ورواه في «المحاسن» ص ٣٠ بعينه سنداً ومتمناً.

ورواه في «ثواب الأعمال» ص ١٦ عن أبيه عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن هلال، عن الفضيل بن عبد الوهّاب بعينه سنداً ومتمناً، لكنّه ذكر فيه: «فيها ثماراً مثال أئداء الأبقار».

٢ - أمالى الصدوق ص ٦٠٧

حدّثنا أحمد بن هارون الفامي قال: حدّثنا محمد بن عبد الله الحميري عن

أبيه عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي عن أبي عبد الله عن أبيه عن جدّه قال: قال رسول الله ﷺ: من قال سبحان الله غرس الله له بها شجرة في الجنة ومن قال الحمد لله غرس الله له بها شجرة في الجنة ومن قال لا إله إلا الله غرس الله له بها شجرة في الجنة ومن قال أكبر غرس الله له شجرة في الجنة فقال رجل من قريش يا رسول الله إنّ شجرنا في الجنة لكثير. قال: نعم ولكن إياكم أن ترسلوا عليها نيراناً فتحرقوها. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٦ عن الفامي، عن الحميري، عن أبيه، عن البرقي، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن أبي الجارود، عن الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه ﷺ.

ورواه في «ثواب الأعمال» عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه، عن محمد بن سنا، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام عن رسول الله ﷺ بعينه متناً.

٣ - ثواب الأعمال ص ٩٧

حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن الخليل بن عبد الكريم قال: حدّثنا أبو القاسم بن عبيد الله بن يعقوب بن يوسف نزيل أصبهان قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن إبراهيم المقرئ المعروف بأبي ديبس قال: حدّثنا محمد بن غالب قال: حدّثنا محمد بن عبد الله الأنصاري، عن الخليل البكري قال: سمعت بعض أصحابنا يقولون: إنّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان يقول في كلّ يوم من أيّام العشر هؤلاء الكلمات الفاضلات أولهنّ «لا إله إلا الله عدد الليالي والدهور لا إله إلا الله عدد أمواج البحور، لا إله إلا الله خير ممّا يجمعون لا إله إلا الله عدد الشوك والشجر، لا إله إلا الله عدد الشعر والوبر، لا إله إلا الله عدد الحجر والمدر، لا إله إلا الله عدد لمح العيون، لا إله إلا الله في الليل إذا عسعس وفي

منها: التهليل والحوقة، وأن لكل تهليل درجة في الجنة ٣٢٩

الصباح إذا تنفّس، لا إله إلا الله عدد الرياح في البراري والصخور، لا إله إلا الله من هذا اليوم إلى يوم ينفخ في الصور». قال الخليل: فسمعتة يقول: إن علياً عليه السلام كان يقول: من قال ذلك في كل يوم من العشر عشر مرّات أعطاه الله عزّ وجلّ بكلّ تهليلة درجة في الجنة من الدرّ والياقوت، ما بين كلّ درجتين مسيرة عام للراكب المسرع، في كلّ درجة مدينة فيها قصر من جوهر واحد، لا فصل فيها، في كلّ مدينة من تلك المدائن من الدرّ والحصون والغرف والبيوت والفرش والأزواج والسرير والحدود العين، ومن النمارق والزرابي والموائد والخدم والأنهار والأشجار والحليّ والحلل ما لا يصف خلق من الوصفين، فإذا خرج من قبره أضاءت كلّ شعرة منه نوراً وابتدره سبعون ألف ملك يمشون أمامه وعن يمينه وعن شماله حتّى ينتهي إلى باب الجنة فإذا دخلها قاموا خلفه وهو أمامهم حتّى ينتهي إلى مدينة ظاهرها ياقوتة حمراء وباطنها زبرجدة خضراء فيها أصناف ما خلق الله عزّ وجلّ في الجنة فإذا انتهوا إليها قالوا: يا وليّ الله هل تدري ما هذه المدينة؟ قال: لا، فمن أنتم؟ قالوا: نحن الملائكة الذين شهدناك في الدنيا يوم هلّلت الله عزّ وجلّ بالتهليل، هذه المدينة بما فيها ثواباً لك، وأبشر بأفضل من هذا في داره دار السلام، في جواره عطاء لا ينقطع أبداً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧٦.

٤ - صفات الشيعة ص ٥

حدّثنا أبي الله عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد والحسن بن عليّ الكوفي وإبراهيم بن هاشم كلّهم عن الحسين بن يوسف عن سليمان بن عمرو عن مهاجر بن الحسين عن زيد بن أرقم عن النبيّ ﷺ قال: من قال لا إله إلا الله مخلصاً دخل الجنة وإخلاصه بها أن يحجزه لا إله إلا الله عمّا حرّم الله.

ورواه في «ثواب الأعمال» ص ٢٠ بعينه سنداً ومتمناً لكنّه ذكر بدل «مهاجر بن الحسين»: مهاجر بن الحسن.

٥ - ثواب الأعمال ص ١٩

أبي عليه السلام قال: حدّثنا سعد بن عبد الله عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن محمد بن حمران عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من قال: لا إله إلا الله مخلصاً دخل الجنة وإخلاصه بها أن يحجزه «لا إله إلا الله عمّا حرّم الله عزّ وجلّ».

٦ - تفسير القمّي ج ١ ص ٢١

وبهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لما أسري بي إلى السماء دخلت الجنة فرأيت فيها قيعان تفق ورأيت فيها ملائكة يبنون لبنة من ذهب ولبنة من فضّة وربما أمسكوا فقلت لهم ما لكم ربما بنيتم وربما أمسكتم فقالوا: حتّى تجيئنا النفقة فقلت: وما نفقتكم؟ فقالوا: قول المؤمن في الدنيا سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر فإذا قال بنينا وإذا أمسك أمسكنا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٢٣ وفي ص ١٧٦ عن تفسير النعماني.

٧ - المحاسن ص ٣٤

وفي رواية فضيل بن عثمان عمّن رفعه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: من شهد أن لا إله إلا الله عند موته دخل الجنة.

٨ - البحار ج ٨ ص ١٤٩ عن تنبيه الخاطر

أبو أيوب الأنصاري عنه صلى الله عليه وآله: ليلة أسري بي مرّ بي إبراهيم عليه السلام فقال: مرّ

منها: قراءة القرآن وإنّ حملة القرآن عرفاء أهل الجنة ٣٣١

أُمتك أن يكثروا من غرس الجنة فإن أرضها واسعة وتربتها طيبة، قلت: وما غرس الجنة؟ قال: «لا حول ولا قوة إلا بالله».

منها: قراءة القرآن وإنّ حملة القرآن عرفاء أهل الجنة

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٦٠٦

عليّ، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ ٩: حملة القرآن عرفاء أهل الجنة، الحديث.

ورواه في «الخصال» ص ٢٨ عن أبي الحسن محمد بن أحمد بن عليّ بن أسد الأسدي، عن أبيه، وعليّ بن العباس البجليّ، والحسن بن عليّ بن نصر الطوسي قالوا: حدّثنا محمد بن عبد الرحمن بن غزوان قال: حدّثنا أبو سنان العابدّي، عن صفوان بن سليم، عن عطاء بن يسار، عن أبي سعيد الخدريّ، عنه عليه السلام مثله.

٢ - الكافي ج ٢ ص ٦٠٨

بإسناده عن أبي عبد الله - في حديث - قال: إنّ الرجل لينسى سورة من القرآن فيأتيه يوم القيامة حتّى يشرف عليه من درجة من بعض الدرجات فتقول السلام عليك، فيقول: وعليك السلام من أنت؟ فتقول: أنا سورة كذا وكذا، ضيّعني أما لو تمسّكت بي بلّغت بك هذه الدرجة، الخبر. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٢.

٣ - ثواب الأعمال ص ١٤٧

روى بإسناده عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أكثروا من قراءة «سأل سائل» فإنّ

من أكثر قراءتها لم يسأل الله تعالى يوم القيامة عن ذنب عمله، وأسكنه الجنة مع محمد ﷺ إن شاء الله.

٤ - ثواب الأعمال ص ١٤٠

بهذا الإسناد عن الحسن، عن سيف بن عميرة عن أبي عبد الله ﷺ قال: من أدام قراءة «حم عسق» بعثه الله يوم القيامة ووجهه كالثلج أو كالشمس حتى يقف بين يدي الله عز وجل فيقول: عبي أدمت قراءة «حم عسق» ولم تدر ما ثوابها؟ أما لو دريت ما هي وما ثوابها لما مللت قراءتها ولكن سأخبرك جزاك، أدخلوه الجنة وله فيها قصر من ياقوته حمراء أبوابها وشرفها ودرجها منها يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها وله فيها [جوار أتراب من الحور العين و] ألف جارية وألف غلام من الولدان المخلدون الذين وصفهم الله عز وجل. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٢.

٥ - ثواب الأعمال ص ١٤٠ - ١٣٩

بهذا الإسناد، عن الحسن، عن صندل، عن هارون بن خازجة، عن أبي عبد الله ﷺ قال: من قرأ سورة «الزمر» استخفها من لسانه أعطاه الله من شرف الدنيا والآخرة - إلى أن قال - ويبني له في الجنة ألف مدينة، في كل مدينة ألف قصر، في كل قصر مائة حوراء، وله مع هذا عينان تجريان، وعينان نضاختان، وعينان مدهامتان، وحور مقصورات في الخيام، ذوات أفنان، ومن كل فاكهة زوجان. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩١.

٦ - ثواب الأعمال ص ١٤٧

بهذا الإسناد عن الحسن عن الحسين بن هاشم، عن أبيه، عن أبي

منها: قراءة القرآن وإنّ حملة القرآن عرفاء أهل الجنة ٣٣٣

عبد الله عليه السلام قال: من كان يؤمن بالله ويقرأ كتابه لا يدع قراءة سورة «إنا أرسلنا نوحاً إلى قومه» فأبى عبد قرأها محتسباً صابراً في فريضة أو نافلة أسكنه الله تعالى مساكن الأبرار وأعطاه ثلاث جنان مع جنته كرامة من الله وزوجه مائتي حوراء وأربعة آلاف ثيب إن شاء الله.

٧- ثواب الأعمال ص ١٤٨

بهذا الإسناد، عن الحسن، عن عمرو بن جبيرة العزمي، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من قرأ «هل أتى على الإنسان» في كل غداة خميس زوجته الله من الحور العين ثمانمائة عذراء وأربع آلاف ثيب، وحوراء من الحور العين، وكان مع محمد صلّى الله عليه وآله.



٨- كتاب زيد الرزاد ص ٣ مركز تحقيق كافي علوم حسني

قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: أنا ضامن لكل من كان من شيعةنا إذا قرء في صلاة الغداة من يوم الخميس هل أتى على الإنسان ثم مات من يومه أو ليلته أن يدخل الجنة آمناً بغير حساب على ما فيه من ذنوب وعيوب ولم ينشر الله له ديوان الحساب يوم القيامة ولا يسأل مسألة القبر. الحديث. ونقله عنه في «البحار» ج ٨٢ ص ٦٧.

٩- ثواب الأعمال ص ١٤٨

بهذا الإسناد عن الحسن عن الحسين بن أبي العلاء عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام قال: من أدام قراءة «لا أقسم» وكان يعمل بها بعثه الله عز وجل مع رسول الله صلّى الله عليه وآله من قبره في أحسن صورة ويبشره ويضحك في وجهه حتى يجوز على الصراط والميزان.

١٠ - أمالي الصدوق ص ٣٥٩

حدَّثنا محمد بن عليّ ماجيلويه رحمته الله عن عمّه محمد بن أبي القاسم عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه محمد بن خالد عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر عن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام أنّه قال: عليكم بمكارم الأخلاق فإنّ الله عزّ وجلّ يحبّها وإيّاكم ومذامّ الأفعال فإنّ الله عزّ وجلّ يبغضها وعليكم بتلاوة القرآن فإنّ درجات الجنّة على عدد آيات القرآن فإذا كان يوم القيامة يقال لقارئ القرآن اقرأ وأرق فكلما قرء آية رقي درجة، الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٦.

١١ - تفسير المقي كما في «البحار» ج ٨ ص ١٣٣

روى عن أبيه، عن القاسم بن محمد، عن سليمان بن داود رفعه قال: قال عليّ بن الحسين عليه السلام عليك بالقرآن فإنّ الله خلق الجنّة بيده لبنة من ذهب ولبنة من فضّة، وجعل ملاطها المسك، وترابها الزعفران وحصباءها اللؤلؤ، وجعل درجاتها على قدر آيات القرآن فمن قرأ القرآن قال له: اقرأ وأرق ومن دخل منهم الجنّة لم يكن في الجنّة أعلى درجة منه ما خلا النبيّون والصدّيقون.

١٢ - أمالي الطوسي ص ٤٥٠

جماعة، عن أبي المفضل، عن محمد بن عبد الله بن راشد، عن أبي الصلت الهروي، عن أبيه، عن جدّه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليه السلام قال النبيّ صلّى الله عليه وآله: يؤتى بعد يوم القيامة فيوقف بين يدي الله عزّ وجلّ فيأمر به إلى النار، فيقول: أي ربّ أمرت بي إلى النار وقد قرأت القرآن؟! فيقول الله: أي عبدي إنّي أنعمت عليك فلم تشكر نعمتي. فيقول: أي ربّ أنعمت عليّ بكذا فشكرتك

مما ورد في أن الجنة والنار هما اليوم مخلوقتان ٣٣٥

بكذا، وأنعمت عليّ بكذا وشكرتك بكذا، فلا يزال يحصي النعم ويعدد الشكر، فيقول الله تعالى: صدقت عبدي إلا أنك لم تشكر من أجريت لك نعمتي على يديه، وإنّي قد آليت على نفسي أن لا أقبل شكر عبد لنعمة أنعمتها عليه حتّى يشكر سائقها من خلقي إليه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٣.

١٣ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٥٢٢ و ٥٢٤

قال عليه السلام في بيان ثواب الصلاة: وإذا قال: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فقرأ فاتحة الكتاب وسورة قال الله تعالى لملائكته: أما ترون عبدي هذا كيف تلذذ بقراءة كلامي؟ أشهدكم يا ملائكتي لأقولنّ له يوم القيامة: اقرأ في جناني وأرق درجاتها، فلا يزال يقرأ ويرقى درجة بعدد كلّ حرف، درجة من ذهب، ودرجة من فضّة، ودرجة من لؤلؤ، ودرجة من جوهر، ودرجة من زبرجد أخضر، ودرجة من زمرد أخضر، ودرجة من نور ربّ العالمين - وساقه إلى أن قال في بيان الزكاة -: فإن من أعطى الزكاة طيبة بها نفسه، أعطاه الله بكلّ حبة منها قصرًا في الجنة من ذهب وقصرًا من فضّة، وقصرًا من لؤلؤ، وقصرًا من زبرجد، وقصرًا من زمرد، وقصرًا من جوهر، وقصرًا من نور ربّ العالمين.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨١.

مما ورد في أن الجنة والنار هما اليوم مخلوقتان

١ - عيون الأخبار ج ١ ص ١١٥ - ١١٦ وأمالى الصدوق ص ٤٦١

حدّثنا أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني رحمته الله، قا: حدّثنا عليّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه إبراهيم بن هاشم، عن عبد السلام بن صالح الهروي، قال: قلت

لعلي بن موسى الرضا عليه السلام: يا ابن رسول الله صلى الله عليه وآله ما تقول في الحديث الذي يرويه أهل الحديث: أن المؤمنين يزورون ربهم في منازلهم في الجنة؟ فقال ٧: يا أبا الصلت إن الله تبارك وتعالى فضل محمداً صلى الله عليه وآله على جميع خلقه - إلى أن قال - قال: قلت له: يا ابن رسول الله، فأخبرني عن الجنة والنار أهما اليوم مخلوقتان؟ فقال: نعم وإن رسول الله صلى الله عليه وآله قد دخل الجنة ورأى النار لما عرج به إلى السماء، قال: فقلت له: إن قوماً يقولون: إنهما اليوم مقدرتان غير مخلوقتين، فقال عليه السلام: لا هم منا ولا نحن منهم، من أنكر خلق الجنة والنار فقد كذب النبي صلى الله عليه وآله وكذبنا وليس من ولا يتنا على شيء ويخلد في نار جهنم، قال الله تعالى: ﴿هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ﴾. الحديث.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ١١٩.



٢ - الخصال ص ٣٥٨ و ٣٥٩

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمته الله قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن عبد الله بن هلال عن العلاء بن رزين، عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: لقد خلق الله عز وجل في الأرض منذ خلقها سبعة عالمين ليس هم ولد آدم، خلقهم من أديم الأرض فأسكنهم فيها واحداً بعد واحد مع عالمه، ثم خلق الله عز وجل آدم أبا هذا البشر وخلق ذريته منه، ولا والله ما خلت الجنة من أرواح المؤمنين منذ خلقها، ولا خلت النار من أرواح الكفار والعصاة منذ خلقها عز وجل، لعلكم ترون أنه كان يوم القيامة وصير الله أبدان أهل الجنة مع أرواحهم في الجنة، وصير أبدان أهل النار مع أرواحهم في النار أن الله عز وجل لا يعبد في بلاده ولا يخلق خلقاً يعبدونه ويوحّدونه ويعظمونه؟ بلى والله ليخلقن الله خلقاً من غير

مما ورد في أَنَّ الجنة والنار هما اليوم مخلوقتان ٣٣٧

فحولة ولا إناث يعبدونه ويوحّدونه ويعظّمونه ويخلق لهم أرضاً تحملهم وسماء تظّلهم، أليس الله عزّ وجلّ: يقول ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ﴾ وقال الله عزّ وجلّ ﴿أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٧٤.

البحار ج ٨ ص ٢٠٠ نقلاً عن اعتقادات الصدوق: واعتقادنا في الجنة والنار أنّهما مخلوقتان، وأنّ النبي ﷺ قد دخل الجنة ورأى الناس حين عرج له.

٣ - خصال الصدوق ص ٥٩٥ - ٥٩٧

حدّثنا عليّ بن أحمد بن موسى عليه السلام عن أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان، عن بكر بن عبد الله بن حبيب عن عبد الرحيم بن عليّ بن سعيد الجبلي الصيداني وعبد الله بن الصلت واللفظ له قالاً: حدّثنا الحسن [محمّد] بن نصر الخزّاز، عن عمرو بن طلحة بن أسباط بن نصر عن عكرمة عن عبد الله بن عباس قال: قدم يهوديان أخوان من رؤساء اليهود بالمدينة فقالا: يا قوم إنّ نبينا حدّثنا عنه أنّه قد ظهر نبيّ بتهامة يسفّه أحلام اليهود - إلى أن قال - فأين تكون الجنة وأين تكون النار؟ قال - أي عليّ عليه السلام - أمّا الجنة ففي السماء وأمّا النار ففي الأرض. الخبر.

٤ - صفات الشيعة ص ٥٠

عن القطّان، عن ابن زكريّا، عن ابن حبيب، عن ابن بهلول، عن ابن عمارة، عن أبيه قال: قال الصادق عليه السلام ليس من شيعتنا من أنكر أربعة أشياء: المعراج، والمسائلة في القبر، وخلق الجنة والنار، والشفاعة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٦.

٥ - صفات الشيعة ص ٥٠

وعن ابن عبدوس، عن ابن قتيبة، عن الفضل، عن الرضا عليه السلام قال: من أقرّ بتوحيد الله - إلى أن قال -: أقر بالرجعة والمتعتين، وآمن بالمعراج، والمسائلة في القبر والحوض والشفاعة، وخلق الجنة والنار، والصراط والميزان والبعث والنشور، والجزاء والحساب، فهو مؤمن حقاً وهو من شيعتنا أهل البيت. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٧.

٦ - تفسير المقي ج ٢ ص ٨٢

حدثني أبي عن ابن أبي عمير عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام جعلت فداك يا ابن رسول الله شوقني فقال: يا أبا محمد إن من أدنى نعيم الجنة يوجد ريحها من مسيرة ألف عام من مسافة الدنيا وإن أدنى أهل الجنة منزلاً لو نزل به أهل الثقلين الجن والإنس لوسعهم طعاماً وشراباً ولا ينقص ممّا عنده شيء وإن أيسر أهل الجنة منزلة من يدخل الجنة فيرفع له ثلاث حدائق فإذا دخل أدناهن رأى فيها من الأزواج والخدم والأنهار والأثمار ما شاء الله ممّا يملأ عينه قرّة وقلبه مسرة فإذا شكر الله وحمده قيل له ارفع رأسك إلى الحديقة الثانية ففيها ما ليس في الأخرى فيقول: يا رب أعطني هذه فيقول الله تعالى إن أعطيتك إياها سألتني غيرها فيقول: رب هذه هذه فإذا هو دخلها شكر الله وحمده قال: فيقال افتحوا له باب الجنة ويقال له ارفع رأسك فإذا قد فتح له باب من الخلد ويرى أضعاف ما كان فيما قبل فيقول عند تضاعف مسراته رب لك الحمد الذي لا يحصى إذ مننت عليّ بالجنان ونجيتني من النيران.

قال أبو بصير: فبكيت قلت له: جعلت فداك زدني قال يا أبا محمد إن في الجنة نهراً في حافته جوار نابتات إذا مرّ المؤمن بجارية أعجبتة قلعتها وأنبت الله مكانها

ما ورد مَنْ لا يدخل الجنة ولم يجد ريحها ٣٣٩

أخرى. قلت: جعلت فداك زدني. قال: المؤمن يزوج ثمانمائة عذراء وأربعة آلاف ثيب وزوجتين من الحور العين. قلت: جعلت فداك ثمانمائة عذراء؟ قال: نعم. ما يفرش [يفترش يفترس] فيهنّ شيئاً إلاّ وجدها كذلك قلت: جعلت فداك من أي شيء خلقنّ الحور العين؟ قال: من تربة الجنة النورانية ويرى مخّ ساقها من وراء سبعين حلّة كبدها مرآته وكبده مرآتها، قلت: جعلت فداك ألهنّ كلام يكلمن به أهل الجنة؟ قال: نعم كلام يتكلّمن به لم يسمع الخلائق بمثله، قلت ما هو قال يقلن نحن الخالدات فلا نموت ونحن الناعمات فلا نبؤس ونحن المقيمات فلا نظعن ونحن الراضيات فلا نسخط طوبى لمن خلق لنا وطوبى لمن خلقنا له نحن اللواتي لو أن قرن إحدانا علّق في جوّ السماء لأغشى نوره الأبصار فهاتان الآيتان وتفسيرهما ردّ على من أنكر خلق الجنة و النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٢٠

ما ورد مَنْ لا يدخل الجنة ولم يجد ريحها

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٣٤٨

أبو عليّ الأشعريّ، عن الحسن بن عليّ الكوفيّ، عن عبيس بن هشام، عن صالح الحدّاء، عن يعقوب بن شعيب، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا كان يوم القيامة كشف غطاء من أغطية الجنة فوجد ريحها من كانت له روح من مسيرة خمسمائة عام إلاّ صنف واحد، قلت: من هم؟ قال: العاق لوالديه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٤.

٢ - أمالي الصدوق ص ٢٠٠

حدّثنا عليّ بن الحسين بن شاذويه المؤدّب رحمه الله قال: حدّثنا محمّد بن

عبد الله بن جعفر بن جامع عن أبيه قال: حدثني يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبي عمير عن أبان بن عثمان عن أبان بن تغلب عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عن أبيه علي بن الحسين سيّد العابدين عن أبيه الحسين بن علي سيّد الشهداء، عن أبيه علي بن أبي طالب سيّد الأوصياء عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من صلى عليّ ولم يصلّ على آلي لم يجد ريح الجنّة وإنّ ريحها لتوجد من مسيرة خمس مائة عام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٨٦.

ورواه في «أمالى الطوسي» ص ٤٢٤ - وبهذا الإسناد، عن الحسين بن أحمد بن إدريس، عن أبيه، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علي عليه السلام، عن أبيه، عن جدّه، عن رسول الله صلى الله عليه وآله بعينه متناً.



٣ - معاني الأخبار ص ٣٣٠

حدثنا أبي عليه السلام قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أخبرني جبرئيل عليه السلام أن ريح الجنّة يوجد من مسيرة ألف عام ما يجدها عاق، ولا قاطع رحم، ولا شيخ زان، ولا جارّ إزاره خيلاء، ولا فتان ولا منّان ولا جعظري. قال: قلت: فما الجعظري؟ قال: الذي لا يشبع من الدنيا. وفي حديث آخر: ولا حيوّف وهو النبّاش، ولا زنوق وهو المخنث، ولا جواض وهو الجلف الجافي ولا جعظري وهو الذي لا يشبع من الدنيا. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٣.

٤ - أمالي الصدوق ص ٤٠٤

ابن إدريس، عن أبيه، عن ابن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن معاوية بن وهب، عن أبي سعيد هاشم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أربعة لا يدخلون الجنة: الكاهن، والمنافق، ومدمن الخمر، والقتات - وهو النمام -.

٥ - الخصال ص ١٨٠

أبي عن سعد عن البرقي، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن بعض رجاله، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ثلاثة لا يدخلون الجنة: السفّاك للدم، وشارب الخمر، ومشاء بنميمة.



٦ - الخصال ص ١٥١

أبي عن أحمد بن إدريس، عن الأشعري، عن سهل، عن محمد بن الحسين بن زيد، عن محمد بن سنان، عن منذر بن يزيد، عن أبو هارون المكفوف قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: يا أبا هارون إن الله تبارك وتعالى آلى على نفسه أن لا يجاوره خائن قال: قلت: وما الخائن؟ قال: من ادّخر عن مؤمن درهماً أو حبس عنه شيئاً من أمر الدنيا، قال: أعوذ بالله من غضب الله فقال: إن الله تبارك وتعالى آلى على نفسه أن لا يسكن جنته أصنافاً ثلاثة، رادّ على الله عزّ وجلّ، أو رادّ على إمام هدى، أو من حبس حقّ امرئ مؤمن، قال: قلت: يعطيه من فضل ما يملك؟ قال: يعطيه من نفسه وروحه، فإن بخل عليه بنفسه فليس منه إنّما هو شرك الشيطان.

٧ - الخصال ص ٧٨

أخبرني الخليل بن أحمد قال: أخبرنا ابن معاذ قال: حدّثنا الحسين

المروزي، قال: حدّثنا محمد بن عبيد قال: حدّثنا داود الأودي عن أبيه، عن أبي هريرة، عن النبي ﷺ قال: إنّ أوّل ما يدخل به النار من أمتي الأجوفان، قالوا: يا رسول الله و ما الأجوفان قال: الفرج والفم، وأكثر ما يدخل به الجنّة تقوى الله وحسن الخلق.

ورواه في «الاختصاص» ص ٢٢٨.

٨ - الخصال ص ٤٣٥

حدّثنا أبي ﷺ عن عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن الحسين بن الحسن الفارسي، عن سليمان بن حفص البصري، عن عبد الله بن الحسين بن زيد بن عليّ بن الحسين بن عليّ بن أبي طالب ﷺ عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن آبائه، عن عليّ ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: إنّ الله عزّ وجلّ لمّا خلق الجنّة خلقها من لبنتين، لبنة من ذهب ولبنة من فضّه وجعل حيطانها الياقوت وسقفها الزبرجد وحصباءها اللؤلؤ، وترابها الزعفران والمسك الأذفر. فقال لها: تكلمي، فقالت: لا إله إلّا أنت الحيّ القيّوم، قد سعد من يدخلني. فقال عزّ وجلّ: بعزّتي وعظمتي وجلالي وارتفاعي لا يدخلها مدمن خمر، ولا سكّير، ولا قتّات وهو النّمّام، ولا ديّوث وهو القلطبّان، ولا قلاع وهو الشرطي، ولا زنوق وهو الخنثى، ولا خيوف وهو النباش، ولا عشار، ولا قاطع رحم ولا قدري.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٣٢.

٩ - الخصال ص ٤٣٥

حدّثنا أبي، ومحمد بن الحسن قالوا: حدّثنا أحمد بن إدريس ومحمد بن يحيى العطار جميعاً عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري قال:

ما ورد مَنْ لا يدخل الجنة ولم يجد ريحها ٣٤٣

حدّثني محمّد بن الحسين بإسناد له يرفعه قال: قال رسول الله ﷺ: لا يدخل الجنة مدمن خمر، ولا سكّير، ولا عاق، ولا شديد السواد، ولا ديّوث، ولا قلاع وهو الشرطيّ، ولا زنّوق وهو الخنثى، ولا خيّوف وهو النبّاش ولا عشار، ولا قاطع رحم ولا قدرّي.

١٠ - كتاب الزهد ص ١٠٢

إبراهيم بن أبي البلاد، عن بعض أصحابهم (به) الفقهاء قال: لما خلق الله الجنة وأجرى أنهارها و(تدالي) هذل أثمارها وزخرفها قال: وعزّتي لا يجاوزني رني فيك بخيل.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٨.



١١ - المحاسن ص ١١٥

وفي رواية محمّد بن قيس عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: عرض إبليس لنوح عليه السلام وهو قائم يصلي، فحسده على حسن صلاته، فقال: يا نوح إنّ الله عزّ وجلّ خلق جنة عدن بيده وغرس أشجارها واتّخذ قصورها وشقّ أنهارها، ثمّ اطّلع إليها فقال: قد أفلح المؤمنون لا وعزّتي وجلالي لا يسكنها ديّوث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٥.

١٢ - نوادر الراوندي ص ١٧

قال: قال رسول الله ﷺ: لمّا خلق الله تعالى جنة عدن خلق لبنها من ذهب يتلأأ ومسك مدوف، ثمّ أمرها فاهتزت فقالت أنت الله لا إله إلا أنت الحيّ القيّوم، فطوبى لمن قدّر له دخولي، قال الله تعالى: وعزّتي وجلالي وارتفاع مكاني لا

يدخلك مدمن خمر، ولا مصرّ على رباً ولا قتّات وهو النّمّام، ولا ديّوث وهو الذي لا يغار ويجتمع في بيته على الفجور، ولا قلاع وهو الذي يسعى بالناس عند السلطان ليهلكهم، ولا خيّوف وهو الغيّاش، ولا خشار وهو الذي لا يوفي بالعهد. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٩٩.

٣ - فضال الشيعة كما في «البحار» ج ٧ ص ٢٢١

روى الصدوق بإسناده عن ابن عمر عن النبي ﷺ في - حديث طويل - أنّه قال: ألا ومن مات على بغض آل محمّد لم يشمّ رائحة الجنّة.

١٤ - المناقب للخوارزمي كما في «البحار» ج ٢٧ ص ١٩٤

عن عليّ عليه السلام عن النبي ﷺ قال: يا عليّ لو أنّ عبداً عبد الله مثل ما قام نوح في قومه وكان له مثل أحد ذهباً فأنفقه في سبيل الله ومدّ في عمره حتّى حجّ ألف عام على قدميه ثمّ قتل بين الصفا والمروة مظلوماً ثمّ لم يوالك يا عليّ لم يشمّ رائحة الجنّة ولم يدخلها.

آيات العذاب في القيامة

- | | | | |
|--|-----|---|--------|
| (١) وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ | ٨٥ | م | البقرة |
| (٢) أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ | | | |
| | ٨٦ | م | البقرة |
| (٣) وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ | ٩٠ | م | البقرة |
| (٤) وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ | ١٠٤ | م | البقرة |
| (٥) وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ | ١٢٦ | م | البقرة |

البقرة	م	١٦٢	خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ
البقرة	م	٧	(٦) وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
البقرة	م	١٠	(٧) وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ
البقرة	م	٤٩	(٨) وَإِذْ تَجَنَّبَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
البقرة	م	٨٥	(٩) وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ
البقرة	م	٨٦	(١٠) فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ
البقرة وَمَا	م	٩٠	(١١) فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ
البقرة	م	٩٦	(١٢) هُوَ بِمُزْجِجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن يَعْصَرَ
البقرة	م	١٠٤	(١٣) وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ
البقرة	م	١١٤	(١٤) لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
البقرة	م	١٢٦	(١٥) قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِغُهُ قَلِيلًا ثُمَّ اضْطَرَّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ
البقرة	م	١٦٢	(١٦) خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ
البقرة	م	١٦٥	(١٧) وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا
البقرة	م	١٦٥	(١٨) وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ
البقرة	م	١٦٦	(١٩) إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ
البقرة	م	١٧٤	(٢٠) وَلَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
البقرة	م	١٧٥	(٢١) أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ وَالْعَذَابِ بِالْمَغْفِرَةِ
البقرة	م	١٧٨	(٢٢) فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ
البقرة	م	٢٠١	(٢٣) آتَيْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
آل عمران	م	٤	(٢٤) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
آل عمران	م	١٦	(٢٥) رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
آل عمران	م	٢١	(٢٦) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
آل عمران	م	٧٧	(٢٧) وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آل عمران	م	٨٨	(٢٨) خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ
آل عمران	م	٩١	(٢٩) أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ
آل عمران	م	١٠٥	(٣٠) وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
آل عمران	م	١٠٦	(٣١) أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
آل عمران	م	١٧٦	(٣٢) يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
آل عمران	م	١٧٧	(٣٣) لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
آل عمران	م	١٧٨	(٣٤) إِنَّمَا نُمِلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ
آل عمران	م	١٨١	(٣٥) وَتَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ
آل عمران	م	١٨٨	(٣٦) فَلَا تَحْسَبَنَّاهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
آل عمران	م	١٨٨	(٣٧) وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
آل عمران	م	١٩١	(٣٨) رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
النساء	م	١٤	(٣٩) يُدْخِلُهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ 
النساء	م	٢٥	(٤٠) فَعَلَيْنَهُنَّ نَصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ
النساء	م	٥٦	(٤١) كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ
المائدة	م	٣٣	(٤٢) ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
المائدة	م	٣٦	(٤٣) لِيُقْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ
المائدة	م	٣٦	(٤٤) وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
المائدة	م	٣٧	(٤٥) وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ
المائدة	م	٤١	(٤٦) لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
المائدة	م	٧٣	(٤٧) لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
المائدة	م	٨٠	(٤٨) أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ
المائدة	م	٩٤	(٤٩) فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ
الأنعام	ك	١٥	(٥٠) قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

الأنعام	ك	٣٠	(٥١) قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
الأنعام	ك	٤٠	(٥٢) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ
			(٥٣) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ
الأنعام	ك	٤٧	
الأنعام	ك	٤٩	(٥٤) وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ
الأنعام	ك	٧٠	(٥٥) لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ
الأنعام	ك	٩٣	(٥٦) الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ
الأنعام	ك	١٢٤	(٥٧) سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ
الأنعام	ك	١٥٧	(٥٨) سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ
الأعراف	ك	٣٩	(٥٩) فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْهَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ
الأعراف	ك	٥٩	(٦٠) إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الأعراف	ك	٧٣	(٦١) وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ
الأعراف	ك	١٦٥	(٦٢) وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ
الأعراف	ك	١٦٧	(٦٣) لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
الكهف	ك	٨٧	(٦٤) قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ
آل عمران	م	٥٦	(٦٥) فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا
البقرة	م	٢٨٤	(٦٦) فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
آل عمران	م	١٢٩	(٦٧) يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
			(٦٨) يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
المائدة	م	١٨	
المائدة	م	٤٠	(٦٩) يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
العنكبوت	ك	٢١	(٧٠) يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ
الأحزاب	م	٢٤	(٧١) لَيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ

الأحزاب	م	٧٣	(٧٢) لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ
الفتح	م	٦	(٧٣) وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ
الفجر	ك	٢٥	(٧٤) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ
المائدة	م	١٨	(٧٥) قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ
التوبة	م	٣٩	(٧٦) إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ
الإسراء	ك	٥٤	(٧٧) رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يُرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ
الفتح	م	١٦	(٧٨) وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
الفتح	م	١٧	(٧٩) وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا
الغاشية	ك	٢٤	(٨٠) إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ. فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ
آل عمران	م	١٢٨	(٨١) لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبْهُمْ
النساء	م	١٧٣	(٨٢) وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفَوْا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا
التوبة	م	٧٤	(٨٣) وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمْ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
التوبة	م	١٠٦	(٨٤) وَآخَرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ
الأنفال	م	١٤	(٨٥) ذَلِكَمُ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ
الأنفال	م	٣٢	(٨٦) فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ اثْنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
الأنفال	م	٣٥	(٨٧) فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
الأنفال	م	٥٠	(٨٨) يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ
الأنفال	م	٦٨	(٨٩) لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
التوبة	م	٣	(٩٠) وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
التوبة	م	٣٤	(٩١) وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
التوبة	م	٥٢	(٩٢) وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ
التوبة	م	٦١	(٩٣) وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
التوبة	م	٦٨	(٩٤) هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

التوبة	م	٧٩	(٩٥) فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
التوبة	م	٩٠	(٩٦) سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
التوبة	م	١٠١	(٩٧) سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ
يونس	ك	٤	(٩٨) لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ
يونس	ك	١٥	(٩٩) إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
يونس	ك	٥٢	(١٠٠) ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ
يونس	ك	٥٤	(١٠١) وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ
يونس	ك	٧٠	(١٠٢) ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ
يونس	ك	٨٨	(١٠٣) وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
يونس	ك	٩٧	(١٠٤) وَلَوْ جَاءَ نَهُم كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
هود	ك	٣	(١٠٥) وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ
هود	ك	٨	(١٠٦) وَلَكِنَّ آخِرَنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ
هود	ك	٢٠	(١٠٧) وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ
هود	ك	٢٦	(١٠٨) أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ
هود	ك	٣٩	(١٠٩) فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنِ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ
هود	ك	٣٩	(١١٠) وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ
هود	ك	٤٨	(١١١) وَأَمُّهُمْ سَنُنَمِّتُهُمْ ثُمَّ يَمْسُهُمْ مِّتًا عَذَابٌ أَلِيمٌ
هود	ك	٥٨	(١١٢) وَنَجِّنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ
هود	ك	٧٦	(١١٣) إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ
هود	ك	٨٤	(١١٤) إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ
هود	ك	١٠٣	(١١٥) إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّمَنِ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ
الرعد	م	٣٤	(١١٦) وَلِلْعَذَابِ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ وَّاقٍ
إبراهيم	ك	٢	(١١٧) وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

إبراهيم	ك	١٧	(١١٨) وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ
إبراهيم	ك	٢١	(١١٩) إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ
إبراهيم	ك	٢٢	(١٢٠) إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
إبراهيم	ك	٤٤	(١٢١) وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ
الحجر	ك	٥٠	(١٢٢) وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ
النحل	ك	٦٣	(١٢٣) فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ وَآلِهِمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
النحل	ك	٨٥	(١٢٤) وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ
النحل	ك	٨٨	(١٢٥) زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ
النحل	ك	٩٤	(١٢٦) وَتَذُقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
النحل	ك	١٠٤	(١٢٧) لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
النحل	ك	١٠٦	(١٢٨) فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
النحل	ك	١١٧	(١٢٩) مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
الإسراء	ك	٥٧	(١٣٠) إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا
مريم	ك	٧٩	(١٣١) كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا
طه	ك	١٢٧	(١٣٢) وَلِلْعَذَابِ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى
الأنبياء	ك	٤٦	(١٣٣) وَلَكِنَّ مَسْئَلَهُمْ تَفْحَةً مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا
الحج	م	٢	(١٣٤) وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ
الحج	م	٤	(١٣٥) كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ
الحج	م	٩	(١٣٦) لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ
الحج	م	١٨	(١٣٧) وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ
الحج	م	٢٢	(١٣٨) أُعِيدُوا فِيهَا وَذُقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ
الحج	م	٥٥	(١٣٩) حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ
الحج	م	٥٧	(١٤٠) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ



المؤمنون	ك	٦٤	(١٤١) حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ
النور	م	١١	(١٤٢) وَالَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ
			(١٤٣) إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
النور	م	١٩	(١٤٤) لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
النور	م	٢٣	(١٤٥) فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
النور	م	٦٣	(١٤٦) وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلَّ سَبِيلًا
الفرقان	ك	٤٢	(١٤٧) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ
الفرقان	ك	٦٥	(١٤٨) يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا
الشعراء	ك	١٣٥	(١٤٩) إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الشعراء	ك	١٥٦	(١٥٠) وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الشعراء	ك	١٥٨	(١٥١) فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ
الشعراء	ك	١٨٩	(١٥٢) فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ يَوْمَ الظُّلَّةِ
الشعراء	ك	١٨٩	(١٥٣) إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الشعراء	ك	٢٠١	(١٥٤) لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
النمل	ك	٥	(١٥٥) أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخَسَرُونَ
القصص	ك	٦٤	(١٥٦) فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ
العنكبوت	ك	٢٣	(١٥٧) أُولَٰئِكَ يَسْأَلُونَ رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
العنكبوت	ك	٥٣	(١٥٨) وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ
العنكبوت	ك	٥٤	(١٥٩) يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ
العنكبوت	ك	٥٥	(١٦٠) يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ
الروم	م	١٦	(١٦١) فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ

لقمان	ك	٦	(١٦٢) أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ
لقمان	ك	٧	(١٦٣) كَانَ فِي أُذُنَيْهِ وَقَرًّا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
لقمان	ك	٢١	(١٦٤) أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ
لقمان	ك	٢٤	(١٦٥) نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ
السجدة	ك	١٤	(١٦٦) وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
السجدة	ك	٢٠	(١٦٧) وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ
السجدة	ك	٢١	(١٦٨) دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
سبأ	ك	٥	(١٦٩) وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
سبأ	ك	١٢	(١٧٠) وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ
سبأ	ك	٣٨	(١٧١) أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ
سبأ	ك	٤٢	(١٧٢) ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ
سبأ	ك	٤٦	(١٧٣) إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ كَذَّبْتُمْ عَنْهُ
فاطر	ك	٧	(١٧٤) الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
فاطر	ك	١٠	(١٧٥) وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
ص	ك	٢٦	(١٧٦) إِنَّ الَّذِينَ يَصْلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
الزمر	ك	١٣	(١٧٧) قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
الزمر	ك	١٩	(١٧٨) أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ
الزمر	ك	٢٤	(١٧٩) أَفَمَنْ يَتَّبِعِ بَوَاجْهَهُ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الزمر	ك	٢٦	(١٨٠) وَلِلْعَذَابِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
الزمر	ك	٤٠	(١٨١) مَنْ يَأْتِ بِهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ
الزمر	ك	٤٠	(١٨٢) وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ
الزمر	ك	٤٧	(١٨٣) لَا تَقْتَدُوا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
الزمر	ك	٥٤	(١٨٤) وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

الزمر	ك	٥٥	(١٨٥) مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ
الزمر	ك	٥٨	(١٨٦) أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً
الزمر	ك	٧١	(١٨٧) قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ
غافر	ك	٧	(١٨٨) فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ
غافر	ك	٤٦	(١٨٩) وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ
فصلت	ك	١٦	(١٩٠) وَلِلْعَذَابِ الْآخِرَةِ أَخْرَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ
فصلت	ك	١٧	(١٩١) فَأَخَذْتَهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
فصلت	ك	٥٠	(١٩٢) فَلَنَنْبِتَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ
الشورى	م	١٦	(١٩٣) حُجَّتْهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
الشورى	م	٢١	(١٩٤) وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَضْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
الشورى	م	٢٦	(١٩٥) وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
الشورى	م	٤٢	(١٩٦) وَيَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُوتِيكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
الشورى	م	٢٦	(١٩٧) وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
الشورى	م	٤٢	(١٩٨) وَيَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُوتِيكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
الشورى	م	٤٥	(١٩٩) إِلَّا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ
الزخرف	ك	٣٩	(٢٠٠) وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
الزخرف	ك	٦٥	(٢٠١) فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ
الزخرف	ك	٧٤	(٢٠٢) إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ
الدخان	ك	١١	(٢٠٣) يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ
الدخان	ك	٤٨	(٢٠٤) ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ
الدخان	ك	٥٦	(٢٠٥) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ
الجاثية	ك	٨	(٢٠٦) ثُمَّ يُصْرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
الجاثية	ك	٩	(٢٠٧) وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

٢٠٨	وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ	١٠	ك	الجاثية
٢٠٩	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ	١١	ك	الجاثية
٢١٠	فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ	٢٠	ك	الأحقاف
٢١١	أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	٢١	ك	الأحقاف
٢١٢	بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ	٢٤	ك	الأحقاف
٢١٣	يَغْفِرْ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجْزِكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ	٣١	ك	الأحقاف
٢١٤	قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ	٣٤	ك	الأحقاف
٢١٥	الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقَيْنَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ	٢٦	ك	ق
٢١٦	وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ	٣٧	ك	الذاريات
٢١٧	إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ	٧	ك	الطور
٢١٨	فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ النَّحِيمِ	١٨	ك	الطور
٢١٩	فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ	٢٧	ك	الطور
٢٢٠	وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِيرٌ	٣٨	ك	القمر
٢٢١	وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ	٢٠	م	الحديد
٢٢٢	وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ	٤	م	المجادلة
٢٢٣	وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ	٥	م	المجادلة
٢٢٤	فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ	١٦	م	المجادلة
٢٢٥	لَعَذَابُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ	٣	م	الحشر
٢٢٦	ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ	١٥	م	الحشر
٢٢٧	هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ	١٠	م	الصف
٢٢٨	فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ	٥	م	التغابن
٢٢٩	وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ	٥	ك	الملك
٢٣٠	وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَيَبْسُ الْمَصِيرُ	٦	ك	الملك

٢٨	ك	الملك	(٢٣١) فَمَنْ يُجِيزُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ
٣٣	ك	القلم	(٢٣٢) وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
١	ك	المعارج	(٢٣٣) سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ. لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ
١١	ك	المعارج	(٢٣٤) يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ
٢٧	ك	المعارج	(٢٣٥) وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عَذَابٍ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ
٢٨	ك	المعارج	(٢٣٦) إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ
١	ك	نوح	(٢٣٧) أَنْ أَنْذِرَ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
٢٤	ك	الانشقاق	(٢٣٨) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
١٠	ك	البروج	(٢٣٩) ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ
١٠	ك	البروج	(٢٤٠) وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ
٢٤	ك	الغاشية	(٢٤١) إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ. فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ
٥٦	م	آل عمران	(٢٤٢) فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا لِقَتْلِهِمْ ظِلْفًا كَبِيرًا
١٨	م	النساء	(٢٤٣) وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
٣٧	م	النساء	(٢٤٤) وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا
٩٣	م	النساء	(٢٤٥) وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا
١٠٢	م	النساء	(٢٤٦) إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا
١٣٨	م	النساء	(٢٤٧) بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
١٥١	م	النساء	(٢٤٨) وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا
١٦١	م	النساء	(٢٤٩) وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
١٧٣	م	النساء	(٢٥٠) وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
٣٨	ك	الأعراف	(٢٥١) رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ
٧٤	م	التوبة	(٢٥٢) وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
٨٨	ك	النحل	(٢٥٣) زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

الإسراء	ك	١٠	(٢٥٤) وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
			(٢٥٥) وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا
الإسراء	ك	٥٨	عَذَابًا شَدِيدًا
الكهف	ك	٨٧	(٢٥٦) ثُمَّ يَرْدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا
الفرقان	ك	١٩	(٢٥٧) وَمَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نُدِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا
الأحزاب	م	٨	(٢٥٨) وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا
الأحزاب	م	٥٧	(٢٥٩) لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا
ص	ك	٦١	(٢٦٠) قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ
فصلت	ك	٢٧	(٢٦١) فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا
الفتح	م	١٧	(٢٦٢) وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا
المجادلة	م	١٥	(٢٦٣) أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
الطلاق	م	١٠	(٢٦٤) أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ
المزمل	ك	١٣	(٢٦٥) إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالًا وَجَحِيمًا. وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا
الإنسان	م	٣١	(٢٦٦) وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
النبا	ك	٣٠	(٢٦٧) فَذُوقُوا فَلَنْ نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا
النبا	ك	٤٠	(٢٦٨) إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا
الفجر	ك	٢٥	(٢٦٩) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ
الفرقان	ك	٦٥	(٢٧٠) رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا
فاطر	ك	٣٦	(٢٧١) لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا
الحجر	ك	٥٠	(٢٧٢) وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ
الشعراء	ك	٢١٣	(٢٧٣) فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ

آيات النار في الآخرة

(١) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ			٣٩	م	البقرة
(٢) فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ			٢٤	م	البقرة
(٣) بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ			٨١	م	البقرة
(٤) وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ			١٦٧	م	البقرة
(٥) وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ			٢٧٥	٢	م
(٦) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ			١٠	م	آل عمران
(٧) أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ			١١٦	م	آل عمران
(٨) وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ			١٣١	م	آل عمران
(٩) وَمَا وَاهُمُ النَّارُ وَبُسْ مَشْوَى الظَّالِمِينَ			١٥١	م	آل عمران
(١٠) فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ			١٨٥	م	آل عمران
(١١) فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ			١٩١	م	آل عمران
(١٢) وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ			١٤	م	النساء
(١٣) وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ					
عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا			٣٠	م	النساء
(١٤) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ			٥٦	م	النساء
جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ			١٤٥	م	النساء
(١٥) إِنَّ الْمُتَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ			١٧	م	التوبة
(١٦) وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ					



			(١٧) مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوْفٌ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ
هود	ك	١٦ و ١٥	
			(١٨) وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ
هود	ك	١٧	
			(١٩) وَوَعُقِبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ
الرعد	م	٣٥	
			(٢٠) إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا
الكهف	ك	٢٩	
			(٢١) فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ. يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ
الحج	م	٢٠ و ١٩	
			تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ
المؤمنون	ك	١٠٤	
			(٢٢) وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ
النور	م	٥٧	
			(٢٣) وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ
العنكبوت	ك	٢٥	
			(٢٤) وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ
السجدة	ك	٢٠	
			(٢٥) يَوْمَ ثَقُلَتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ
الأحزاب	م	٦٦	
			(٢٦) فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ
ص	ك	٢٧	
			(٢٧) لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ
الزمر	ك	١٦	
			(٢٨) أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ
الزمر	ك	١٩	
			(٢٩) وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ
المؤمن	ك	٦	
			(٣٠) وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ
المؤمن	ك	٤٣	
			(٣١) وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ
الأحقاف	ك	٢٠	
			(٣٢) وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا
الأحقاف	ك	٣٤	
			(٣٣) يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ
الرحمن	ك	٤٨	

٣٤	وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ	١٠	م	التغابن
٣٥	وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً	٣١	ك	المدثر
٣٦	وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى	١٢ و ١١	ك	الأعلى
٣٧	فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى	١٤	ك	الليل
٣٨	كَأَلَّا لَيَبْدَنَنَّ فِي الْحُطَمَةِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ			
	الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ	٧	ك	الهمزة

الآيات الحاكية لجهنم

١	وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ	٢٠٦	م	البقرة
٢	قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ	١٢	م	آل عمران
٣	أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمَ	١٦٢	م	آل عمران
٤	مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ	١٩٧	م	آل عمران
٥	فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا	٥٥	م	النساء
٦	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءُوهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا	٩٣	م	النساء
٧	فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا	٩٧	م	النساء
٨	وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ	١١٥	م	النساء
٩	أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا	١٢١	م	النساء
١٠	إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا	١٤٠	م	النساء
١١	إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرًا	١٦٩	م	النساء
١٢	لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ	١٨	ك	الأعراف
١٣	لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ	٤١	ك	الأعراف
١٤	وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ	١٧٩	ك	الأعراف

الأنفال	م	١٦	(١٥) فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَيَبْسُ الْمَصِيرُ
الأنفال	م	٣٦	(١٦) وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ
			(١٧) وَيَجْعَلُ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ
الأنفال	م	٣٧	(١٨) يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ
التوبة	م	٣٥	(١٩) إِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ
التوبة	م	٤٩	(٢٠) أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا
التوبة	م	٦٣	(٢١) وَعَدَ اللَّهُ الْمُتَافِقِينَ وَالْمُتَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
التوبة	م	٦٨	(٢٢) جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ
التوبة	م	٧٣	(٢٣) قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ
التوبة	م	٨١	(٢٤) فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ
التوبة	م	٩٥	(٢٥) أَمْ مَن أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ
التوبة	م	١٠٩	(٢٦) وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
هود	ك	١١٩	(٢٧) أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَيَبْسُ الْمِهَادُ
الرعد	م	١٨	(٢٨) مَّن وَّرَأَيْهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ
إبراهيم	ك	١٦	(٢٩) جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقَرَارُ
إبراهيم	ك	٢٩	(٣٠) وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ
الحجر	ك	٤٣	(٣١) فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلْيَبْسُ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ
النحل	ك	٢٩	(٣٢) وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا
الإسراء	ك	٨	(٣٣) ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا
الإسراء	ك	١٨	(٣٤) وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا
الإسراء	ك	٣٩	(٣٥) قَالَ اذْهَبْ فَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا
الإسراء	ك	٦٣	

الإسراء	ك	٩٧	(٣٦) مَا أَوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا
الكهف	ك	١٠٠	(٣٧) وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا
الكهف	ك	١٠٢	(٣٨) إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا
الكهف	ك	١٠٦	(٣٩) ذَلِكَ جزاءُ وهم جَهَنَّمُ بما كفروا واتَّخَذُوا آيَاتِي ورُسُلِي هُزُؤًا
مريم	ك	٦٨	(٤٠) فَوَرَّبُّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًا
مريم	ك	٨٦	(٤١) وَتَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا
طه	ك	٧٤	(٤٢) إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى
الأنبياء	ك	٢٩	(٤٣) وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّن دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ
الأنبياء	ك	٩٨	(٤٤) إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ
المؤمنون		١٠٣	(٤٥) وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ
الفرقان	ك	٣٤	(٤٦) الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا
الفرقان	ك	٦٥	(٤٧) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا
العنكبوت	ك	٥٤	(٤٨) يَسْتَغْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ
العنكبوت	ك	٦٨	(٤٩) أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ
السجدة	ك	١٣	(٥٠) وَلَكِنَّ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
فاطر	ك	٣٦	(٥١) وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا
يس	ك	٦٣	(٥٢) هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ
ص	ك	٥٦	(٥٣) وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرًّا مَّآبٍ، جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيَسْسُ الْمِهَادُ
ص	ك	٨٥	(٥٤) لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ
الزمر	ك	٣٢	(٥٥) أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ
الزمر	ك	٦٠	(٥٦) أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ
الزمر	ك	٧١	(٥٧) وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا
الزمر	ك	٧٢	(٥٨) قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ

(٥٩) وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا

مِّنَ الْعَذَابِ

٤٩ ك غافر

(٦٠) إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

٦٠ ك غافر

(٦١) ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ

٧٦ ك غافر

(٦٢) إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ خَالِدُونَ

٧٤ ك الزخرف

(٦٣) مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمَ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا

١٠ ك البجائية

(٦٤) وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

٦ م الفتح

(٦٥) أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

٢٤ ك ق

(٦٦) يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ

٣٠ ك ق

(٦٧) يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً

١٣ ك الطور



(٦٨) هَذِهِ جَهَنَّمَ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ

٤٣ م الرحمن

مركز تحقيقات كليات علوم

(٦٩) حَسْبُهُمْ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ

٨ م المجادلة

(٧٠) وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

٩ م التحريم

(٧١) وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

٦ ك الملك

(٧٢) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا

١٥ ك الجن

(٧٣) وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا

٢٣ ك الجن

(٧٤) إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

٢١ ك النبأ

(٧٥) إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ

جَهَنَّمَ

١٠ م البروج

(٧٦) وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى

٢٣ ك الفجر

(٧٧) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

خَالِدِينَ فِيهَا

٦ م البيئنة

آيات الجحيم

البقرة	م	١١٩	(١) وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ
المائدة	م	١٠	(٢) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
المائدة	م	٨٦	(٣) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
التوبة	م	١١٣	(٤) وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
الحج	م	٥١	(٥) وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
الشعراء	ك	٩١	(٦) وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ
الصفات	ك	٢٣	(٧) فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ
الصفات	ك	٥٥	(٨) فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ
الصفات	ك	٦٤	(٩) إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ
الصفات	ك	٦٨	(١٠) ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ
الصفات	ك	١٦٣	(١١) مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ. إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ
غافر	ك	٧	(١٢) فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ
الدخان	ك	٤٧	(١٣) خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ
الدخان	ك	٥٦	(١٤) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ
الطور	ك	١٨	(١٥) فَاكْهِنَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ
الواقعة	ك	٩٤	(١٦) فَنَزَّلُ مِنْ حَمِيمٍ. وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ
الحديد	م	١٩	(١٧) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
الحاقة	ك	٣١	(١٨) خُذُوهُ فَغُلُّوهُ. ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ
النازعات	ك	٣٦	(١٩) وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ
النازعات	ك	٣٨	(٢٠) فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ. وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا. فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ
التكوير	ك	١٢	(٢١) وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ
الانفطار	ك	١٤	(٢٢) وَإِنَّ الْفُجَارَ لَفِي جَحِيمٍ

المطففين	ك	١٦	(٢٣) ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ
التكاثر	ك	٦	(٢٤) كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ
المزمل	ك	١٢	(٢٥) إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا

آيات السقر

القمر	ك	٤٨	(١) يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ
المدثر	ك	٢٦	(٢) سَأُصْلِيهِ سَقَرَ
المدثر	ك	٢٧	(٣) وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ
المدثر	ك	٤٢	(٤) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ

آيات أصحاب الشمال

الواقعة	ك	٤١	(١) وَأَصْحَابُ الشُّمَالِ
الواقعة	ك	٤١	(٢) مَا أَصْحَابُ الشُّمَالِ فِي سُمُومٍ وَحَمِيمٍ
الحاقة	ك	٢٥	(٣) وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهٗ

في صفة الجهنم و عذابها

١ - أمالي الصدوق ص ٦٧٢

أبي عن محمد العطار، عن الأشعري، عن الحسن بن علي الكوفي عن العباس بن عامر عن أحمد بن رزق، عن يحيى بن أبي العلاء، عن جابر عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: إنَّ عبداً مكث في النار سبعين خريفاً والخريف سبعون سنة، قال: ثمَّ إنَّه سأل الله بحقَّ محمد وأهل بيته لمَّا رحمتني قال: فأوحى الله جلَّ جلاله إلى جبرئيل عليه السلام: إنَّ اهبط إلى عبيد فأخرجه قال: يا ربَّ وكيف لي بالهبوط في النار؟ قال: إني قد أمرتها أن تكون عليك برداً وسلاماً قال: يا ربَّ فما علمي بموضعه؟ قال: إنَّه في جبٍّ من سجّين قال: فهبط في النار فوجده وهو معقول على

وجهه فأخرجه فقال عزّ وجلّ: يا عبدي كم لبثت تناشدني في النار، قال: ما أحصيه يا ربّ قال: أمّا وعزّتي لو لا ما سألتني به لأطلت هوانك في النار، ولكنّه حتم على نفسي أن لا يسألني عبد بحقّ محمّد وأهل بيته إلّا غفرت له ما كان بيني وبينه وقد غفرت لك اليوم.

ورواه في «المعاني الأخبار» ص ٢٢٦ عن أبيه عن سعد عن الحسن بن عليّ الكوفيّ مثله.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ٢٨٢.

٢ - معاني الأخبار ص ٢٢٠

أبي، عن سعد، عن ابن يزيد، عن جعفر بن محمّد بن عقبة، عمّن رواه، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ: ﴿لَا يَتَّبِعُ فِيهَا أَحْقَابًا﴾ قال: الأحقاب ثمانية أحقاب، والحقبة ثمانون سنة، والسنة ثلاثمائة وستون يوماً، واليوم كالف سنة ممّا تعدون.

٣ - أمالي الطوسي ص ١٣٨

بإسناده عن كثير بن طارق، قال: سألت زيد بن عليّ بن الحسين عن قول الله تعالى: ﴿لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُوراً وَاحِداً وَادْعُوا ثُبُوراً كَثِيراً﴾. فقال: يا كثير إنك رجل صالح ولست بمتّهم، وإنّي خائف عليك أن تهلك إن كلّ إمام جائر فإنّ أتباعهم إذا أمر بهم إلى النار نادوا باسمه فقالوا: يا فلان يا من أهلكنا هلّم الآن فخلّصنا ممّا نحن فيه ثمّ يدعون بالويل والثبور فعندها يقال لهم: لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُوراً وَاحِداً وَادْعُوا ثُبُوراً كَثِيراً ثمّ قال زيد بن عليّ عليه السلام: حدّثني أبي عليّ بن الحسين عن أبيه الحسين بن عليّ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعليّ عليه السلام: يا عليّ أنت وأصحابك

في الجنة أنت وأتباعك يا عليّ في الجنة.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٧٨.

٤ - الاختصاص ص ٣٥٩

سعيد بن جناح، قال: حدّثني عوف بن عبد الله الأزديّ، عن جابر بن يزيد الجعفيّ، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا أراد الله قبض روح الكافر قال: يا ملك الموت انطلق أنت وأعوانك إلى عدوّي، فإنّي قد ابتليته فأحسن البلاء، ودعوته إلى دار السلام فأبى إلا أن يشتمني، وكفر بي وبنعمتي، وشتمني على عرشي فاقبض روحه حتّى تكبّه في النار، قال: فيجيئه ملك الموت بوجه كريح كالح، عيناه كالبرق الخاطف، صوته كالرعد القاصف، لونه كقطع الليل المظلم، نفسه كلهب النار رأسه في السماء الدنيا ورجل في المشرق ورجل في المغرب، وقدماه في الهواء معه سفود كثير الشعب، معه خمسمائة ملك معهم سياط من قلب جهنّم، تلهب تلك السياط وهي من لهب جهنّم؛ ومعهم مسح أسود وجمرة من جمر جهنّم، ثمّ يدخل عليه ملك من خزّان جهنّم يقال له: سحقطائيل فيسقيه شربة من النار، لا يزال منها عطشاً حتّى يدخل النار، فإذا نظر إلى ملك الموت شخص بصره وطار عقله، قال: يا ملك الموت ارجعون، قال: فيقول ملك الموت: «كلاً إنّها كلمة هو قائلها» قال: فيقول: يا ملك الموت فإلى من أدع مالي وأهلي وولدي وعشيرتي وما كنت فيه من الدنيا فيقول: دعهم لغيرك واخرج إلى النار، وقال: فيضربه بالسفود ضربة فلا يبقى منه شعبة إلا أنشبهها في كلّ عرق ومفصل، ثمّ يجذبه جذبة فيسلّ روحه من قدميه بسطاً فإذا بلغت الركبتين أمر أعوانه فأكبّوا عليه بالسياط ضرباً، ثمّ يرفعه عنه فيذيقه سكراته وغمراته قبل خروجها، كأنّما ضرب بألف سيف، فلو كان له قوّه الجنّ والإنس لاشتكى كلّ عرق منه على حياله بمنزلة سفود كثير

الشعب ألقى على صوف مبتل، ثمّ يطوقه فلم يأت على شيء إلا انتزعته، كذلك خروج نفس الكافر من عرق وعضو ومفصل وشعرة، فإذا بلغت الحلقوم ضربت الملائكة وجهه ودبره وقيل: «أخرجوا أنفسكم اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون على الله غير الحقّ وكنتم عن آياته تستكبرون» وذلك قوله: «يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذٍ للمجرمين ويقولون حجراً محجوراً فيقولون: حراماً عليكم الجنّة محرّماً، وقال: تخرج روحه فيضعها ملك الموت بين مطرقة وسندان فيفضخ أطراف أنامله وآخر ما يشدخ منه العينان، فيسطع لها ريح منتن يتأذى منه أهل السماء كلّهم أجمعون فيقولون: لعنة الله عليها من روح كافرة منتنة خرجت من الدنيا، فيلعنه الله ويلعنه اللاعنون، فإذا أتى بروحه إلى السماء الدنيا أغلقت عنه أبواب السماء وذلك قوله: «لا تفتح لهم أبواب السماء ولا يدخلون الجنّة حتّى يلج الجمل في سمّ الخياط وكذلك نجزي المجرمين» يقول الله: ردّها عليه فمنها خلقتهم وفيها أعيدهم ومنها أخرجهم تارة أخرى، فإذا حمل سريرته حملت نعشه الشياطين فإذا انتهوا به إلى قبره قالت كلّ بقعة منها: اللهم لا تجعله في بطني حتّى يوضع في الحفرة التي قضاها الله فإذا وضع في لحده قالت له الأرض: لا مرحباً بك يا عدوّ الله أما والله لقد كنت أبغضك وأنت على متني وأنا لك اليوم أشدّ بغضاً وأنت في بطني، أما وعزّة ربّي لأسيئنّ جوارك ولأضيّقنّ مدخلك ولأوحشن مضجعك ولأبدلنّ مطعمك إنّما أنا روضة من رياض الجنّة أو حفرة من حفر النيران، ثمّ ينزل عليه منكر ونكير وهما ملكان أسودان أزرقان يبحثن القبر بأنبياهما ويطنّان في شعورهما، حدقتاهما مثل قدر النحاس وكلامهما مثل الرعد القاصف وأبصارهما مثل البرق اللامع فينتهرانه ويصيحان به فيتقلّص نفسه حتّى يبلغ حنجرتة فيقولان له: من ربّك وما دينك ومن نبيّك ومن إمامك؟ فيقول: لا أدري قال: فيقولان: شاكّ في الدنيا وشاكّ اليوم، لا دريت ولا هديت، قال:

فيضربانه ضربة فلا يبقى في المشرق ولا في المغرب شيء إلا سمع صيحته إلا الجن والإنس، قال: فمن شدة صيحته يلوذ الحيتان بالطين وينفر الوحش في الخياس ولكنكم لا تعلمون.

قال: ثم يسلط عليه حيتين سوداوتين زرقاوتين تعذبانه بالنهار خمس ساعات وبالليل ست ساعات لأنه كان يستخفي من الناس ولا يستخفي من الله فبعداً لقوم لا يؤمنون، قال: ثم يسلط الله عليه ملكين أصميين أعميين معهما مطرقتان من حديد من نار، يضربانه فلا يخطئانه، ويصيح فلا يسمعانه إلى يوم القيامة.

فإذا كانت صيحة القيامة اشتعل قبره ناراً فيقول: لي الويل إذا اشتعل قبري ناراً، فينادي مناد ألا الويل قد دنا منك والهوان، قم من نيران القبر إلى نيران لا تطفأ، فيخرج من قبره مسوداً وجهه مزرقه عيناه، قد طال خرطومه وكسف باله، منكساً رأسه يسارق النظر فيأتيه عمله الخبيث فيقول: والله ما علمتك إلا كنت عن طاعة الله مبطناً وإلى معصيته مسرعاً قد كنت تركبني في الدنيا فأنا أريد أن أركبك اليوم كما كنت تركبني وأقودك إلى النار، قال: ثم يستوي على منكبيه فيركل قفاه حتى ينتهي إلى عجرة جهنم، فإذا نظر إلى الملائكة قد استعدوا له بالسلاسل والأغلال قد عضوا على شفاههم من الغيظ والغضب، فيقول: «يا ويلتي ليتني لم أوت كتابيه» ويناد الجليل جيئوا به إلى النار، فصارت الأرض تحته ناراً والشمس فوقه ناراً، وجاءت ناراً فأحدقت بعنقه، فنادى وبكى طويلاً يقول: وأعقباه، قال: فتكلمه النار فتقول: أبعد الله عقبك عقباً ممّا أعقبت في طاعة الله، قال: ثم تجيء صحيفة تطير من خلف ظهره وتقع في شماله، ثم يأتيه ملك فيثقب صدره إلى ظهره، ثم يفتل شماله إلى خلف ظهره.

ثم يقال له: اقرء كتابك، قال: فيقول: أيها الملك كيف أقرء وجهنم أمامي؟ قال:

فيقول الله: دُقّ عنقه واكسر صلبه وشدّ ناصيته إلى قدميه، ثمّ يقول: خذوه فغلّوه قال: فيبتدره لتعظيم قول الله سبعون ألف ملك غلاظ شداد، فمنهم من ينتف لحيته، ومنهم من يحطم عظامه قال: فيقول: أما ترحموني؟ قال: فيقولون: يا شقيّ كيف نرحمك ولا يرحمك أرحم الراحمين، أفيوّذك هذا؟ قال: فيقول: أشدّ الأذى، قال: فيقولون: يا شقيّ وكيف لو قد طرحناك في النار؟ قال: فيدفعه الملك في صدره دفعة فيهوي سبعين ألف عام قال: فيقولون: «يا ليتنا أطعنا الله وأطعنا الرسول» قال: فيقرن معه حجر عن يمينه وشيطان عن يساره، حجر كبريت من نار، يشتعل في وجهه ويخلق الله له سبعين جلداً كلّ جلد غلظته أربعون ذراعاً بذراع الملك الذي يعذّبه وبين الجلد إلى الجلد أربعون ذراعاً وبين الجلد إلى الجلد حيّات وعقارب من نار وديدان من نار رأسه مثل الجبل العظيم، وفخذه مثل جبل ورقان - وهو جبل بالمدينة - مشفره أطول من مشفر الفيل، فيسحبه سحباً وأذناه عضوضان بينهما سراق من نار تشتعل، قد أطلعت النار من دبره على فؤاده، فلا يبلغ درين سامهما حتّى يبدّل له سبعون سلسلة للسلسلة سبعون ذراعاً، ما بين الذراع إلى الذراع حلق عدد القطر والمطر، لو وضعت حلقة منها على جبال الأرض لأذابتها، قال: وعليه سبعون سربالاً من قطران من نار، وتغشّي وجوههم النار، وعليه قلنسوة من نار، وليس في جسده موضع فتر إلا وفيه حلقة من نار، وفي رجليه قيود من نار، على رأسه تاج ستّون ذراعاً من نار، قد نقب رأسه ثلاث مائة وستّين نقباً، يخرج من ذلك النقب الدخان من كلّ جانب وقد غلى منها دماغه حتّى يجري على كتفيه يسيل منها ثلاث مائة نهر وستّون نهراً من صديد، يضيق عليه منزله كما يضيق الرمح في الزجّ، فمن ضيق منازلهم عليهم ومن ريحها وشدة سوادها وزفيرها وشهيقها وتغيّظها وتنتها، اسودّت وجوههم، وعظمت ديدانهم فينبت لها أظفار كأظفار السنّور والعقبان تأكل لحمه، وتقرض عظامه، وتشرب

دمه، ليس لهنّ ما أكل ولا مشربٌ غيره.

ثمّ يدفع في صدره دفعةً فيهوي على رأسه سبعين ألف عام حتّى يواقع الحطمة فإذا واقعها دقت عليه وعلى شيطانه وجاذبه الشيطان بالسلسلة كلّما وقع رأسه نظر إلى قبح وجهه، كبح في وجهه، قال: فيقول: «يا ليت بيني وبينك بعد المشرقين فبئس القرين» ويحك بما أغويتني أحمل عنّي من عذاب الله من شيء فيقول: يا شقيّ كيف أحمل عنك من عذاب الله من شيء وأنا وأنت اليوم في العذاب مشتركون.

ثمّ يضرب على رأسه ضربةً فيهوي سبعين ألف عام حتّى ينتهي إلى عين يقال لها: آنية يقول الله تعالى: «تسقى من عين آنية» وهي عين ينتهي حرّها وطبخها وأوقد عليها مذ خلق الله جهنّم، كلّ أودية النار تنام وتلك العين لا تنام من حرّها وتقول الملائكة: يا معشر الأشقياء ادينوا فاشربوا منها، فإذا أعرضوا عنها ضربتهم الملائكة بالمقامع، وقيل لهم: «ذوقوا عذاب الحريق ذلك بما قدّمت أيديكم وأنّ الله ليس بظلام للعبيد».

قال: ثمّ يؤتون بكأس من حديد فيه شربة من عين آنية، فإذا أدنى منهم تقلّصت شفاههم وانتثرت لحوم وجوههم فإذا شربوا منها وصار في أجوافهم يصهر به ما في بطونهم والجلود.

ثمّ يُضرب على رأسه ضربةً فيهوي سبعين ألف عام حتّى يواقع السعير، فإذا واقعها سعّرت في وجوههم، فعند ذلك غشيت أبصارهم من نفحها.

ثمّ يضرب على رأسه ضربةً فيهوي سبعين ألف عام حتّى ينتهي إلى شجرة الزقوم «شجرة تخرج في أصل الجحيم * طلعها كأنّه رؤس الشياطين، عليها سبعون ألف غصن من نار في كلّ غصن سبعون ألف ثمرة من نار، كلّ ثمرة كأنّها رأس الشيطان قبحاً ورتناً تنشب على صخرة مملسة سوخاء كأنّها مرآة زلقة، بين

أصل الصخرة إلى الصخرة سبعون ألف عام، وأغصانها تشرب من نار، ثمارها نار، وفروعها نار، فيقال له: يا شقيّ اصعد، فكلّما صعد زلق، وكلّما زلق صعد، فلا يزال كذلك سبعين ألف عام في العذاب، وإذا أكل منها ثمرة يجدها أمرّ من الصبر، وأنتن من الجيف، وأشدّ من الحديد، فإذا واقعت بطنه غلت في بطنه كغلي الحميم، فيذكرون ما كانوا يأكلون في دار الدنيا من طيب الطعام، فبيناهم كذلك إذ تجذبهم الملائكة فيهبون دهرًا في ظلم متراكبة، فإذا استقرّوا في النار سمع لهم صوت كصيح السمك على المقلّي أو كقضب القصب، ثم يرمي نفسه من الشجرة في أودية مذابّة من صفر من نار وأشدّ حرًّا من النار تغلي بهم الأودية وترمي بهم في سواحلها، ولها سواحل كسواحل بحر كم هذا، فأبعدهم منها باع والثاني ذراع والثالث فتر فتحمل عليهم هوامّ النار الحيات والعقارب كأمثال البغال الدلم لكلّ عقرب ستون فقارًا، في كلّ فقار قلّة من سمّ، وحيات سودّ زرق، مثال البخاتي، فيتعلّق بالرجل سبعون ألف حيّة وسبعون ألف عقرب، ثمّ كبّ في النار سبعين ألف عام، لا تحرقه قد اكتفى بسمّها، ثمّ تعلّق على كلّ غصن من الزقوم سبعون ألف رجل، ما ينحني ولا ينكسر، فتدخل النار أدبارهم فتطلع على الأفئدة؛ تقلّص الشفاه وتطيّر الجنان، تنضج الجلود وتذوب الشحوم.

ويغضب الحيّ القيوم فيقول: يا مالك قلّ لهم: ذوقوا فلن نزيدكم إلاّ عذابًا، يا مالك سّعّر سّعّر قد اشتدّ غضبي على من شتمني على عرشي واستخفّ بحقّي وأنا الملك الجبار، فينادي مالك: يا أهل الضلال والاستكبار والنعمة في دار الدنيا كيف تجدون مسّ سقر؟ قال: فيقولون: قد أنضجت قلوبنا، وأكلت لحومنا، وحطمت عظامنا، فليس لنا مستغيث، ولا لنا معين، قال: فيقول مالك: وعزّة ربّي لا أزيدكم إلاّ عذابًا، فيقولون: إن عذبنا ربّنا لم يظلمنا شيئًا، قال: فيقول مالك: «فاعترفوا بذنبيهم فسحقاً لأصحاب السعير» يعني بعداً لأصحاب السعير.

ثم يغضب الجبار فيقول: يا مالك سَعْر سَعْر، فيغضب مالك فيبعث عليهم سحابة سوداء تظل أهل النار كلهم، ثم يناديهم فيسمعها أولهم وآخرهم وأفضلهم وأدناهم، فيقول: ماذا تريدون أن أمطركم؟ فيقولون: الماء البارد وا عطشاه! وأطول هواناه؟ فيمطرهم حجارة وكلايباً، وخطاطيفاً، وغسليناً، وديداناً من نار، فينضج وجوههم وجباههم ويعمي أبصارهم ويحطم عظامهم، فعند ذلك ينادون وا ثبوراه! فإذا بقيت العظام عوارى من اللحوم اشتد غضب الله فيقول: يا مالك اسجرها عليهم كالخطب في النار، ثم يضرب أمواجهاً أرواحهم سبعين خريفاً في النار، ثم يطبق عليهم أبوابها، من الباب إلى الباب مسيرة خمسمائة عام، وغلظ الباب مسيرة خمسمائة عام، ثم يجعل كل رجل منهم في ثلاث توابيت من حديد من النار بعضها في بعض، فلا يسمع لهم كلاماً أبداً إلا أن لهم فيها شهيق كشهيق البغال، وزفير مثل نهيق الحمير، وعواء كعواء الكلاب، صم بكم عمي، فليس لهم فيها كلام إلا أنين، فيطبق عليهم أبوابها وينسد عليهم عمدتها فلا يدخل عليهم روح أبداً، ولا يخرج منهم الغم أبداً، وهي عليهم مؤصدة - يعني مطبقة - ليس لهم الملائكة شافعون ولا من أهل الجنة صديق حميم، وينسأهم الرب ويمحو ذكرهم من قلوب العباد فلا يُذكرون أبداً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٢١ - ٢١٨.

٥ - الاختصاص ص ٤٧

عن ابن عباس قال: سأل ابن سلام النبي ﷺ عن مسائل فكان فيها سأله: أخبرني ما السبعة عشر؟ قال: سبعة عشر اسماً من أسماء الله تعالى مكتوباً بين الجنة والنار، ولولا ذلك لزفرت جهنم زفرأ فتحرف من في السماوات ومن في الأرض.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣١٥.

٦ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٨١

حدّثني أبي عن محمّد بن أبي عمير عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: يا ابن رسول الله خوفني فإن قلبي قد قسا فقال: يا أبا محمّد استعد للحياة الطويلة فإنّ جبرائيل جاء إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وهو قاطب وقد كان قبل ذلك يجيء وهو مبتسّم فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا جبرئيل جئتني اليوم قاطباً؟ فقال: يا محمّد قد وضعت منافخ النار، فقال: وما منافخ النار يا جبرئيل؟ فقال: يا محمّد إنّ الله عزّ وجلّ أمر بالنار فنفع عليها ألف عام حتّى أبيضت ونفع عليها ألف عام حتّى أحمرت ثمّ نفع عليها ألف عام حتّى أسودت، فهي سوداء مظلمة لو أن قطرة من الضريع قطرت في شراب أهل الدنيا لمات أهلها من نتنها ولو أن حلقة من السلسلة التي طولها سبعون ذراعاً وضعت على الدنيا لذابت الدنيا من حرّها، ولو أن سربالاً من سراويل أهل النار علّق بين السماء والأرض لمات أهل الأرض من ريحه ووهجه، فبكى رسول الله صلى الله عليه وآله وبكى جبرئيل فبعث الله إليهما ملكاً فقال لهما: إنّ ربكما يقرؤكما السلام ويقول قد آمنتكما أن تذنباً ذنباً أعذبكما عليه، فقال أبو عبد الله عليه السلام: فما رأى رسول الله صلى الله عليه وآله جبرئيل مبتسماً بعد ذلك ثمّ قال: إنّ أهل النار يعظمون النار وإنّ أهل الجنّة يعظمون الجنّة والنعيم وإنّ أهل جهنّم إذا دخلوها هبوا فيها مسيرة سبعين عاماً فإذا بلغوا أعلاها قمعوا بمقامع الحديد وأعيدوا في دركها هذه حالهم وهو قول الله عزّ وجلّ: ﴿كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا... إلخ﴾ ثمّ تبدل جلودهم جلوداً غير الجلود التي كانت عليهم فقال أبو عبد الله عليه السلام حسبك يا أبا محمّد؟ قلت: حسبي حسبي.

٧ - تفسير القمّي ج ١ ص ٣٧٢

﴿إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ قال: تبقى أعينهم مفتوحة من

هول جهنم لا يقدر أن يطر فوها.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٨٨.

٨ - تفسير القمي كما نقله عنه في البحار ج ٨ ص ٢٨٨

قال أبو عبد الله عليه السلام: إن ناركم هذه جزء من سبعين جزءاً من نار جهنم وقد أطفأت سبعين مرة بالماء ثم التهمت ولولا ذلك ما استطاع آدمي أن يطبقها (يطفأها خ ل) وإنه ليؤتى بها يوم القيامة حتى توضع على النار فتصرخ صرخة لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل إلا جثا على ركبتيه فزعاً من صرختها.

ورواه في «كتاب الزهد» ص ١٠١ عن ابن علوان عن عمرو بن خالد عن زيد بن علي عن آبائه عن علي عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله مثله.



٩ - تفسير القمي ج ٢ ص ١٧٠

قال علي بن إبراهيم في قوله: ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا﴾ قال: إن جهنم إذا دخلوها هبوا فيها مسيرة سبعين عاماً، فإذا بلغوا أسفلها زفرت بهم جهنم، فإذا بلغوا أعلاها قمعوا بمقامع الحديد فهذه حالهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٩٢.

١٠ - تفسير القمي ج ٢ ص ١١٢

﴿إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾ قال: من مسيرة سنة ﴿سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيرًا وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا﴾ أي فيها ﴿مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ﴾ قال: مقيدين بعضهم مع بعض ﴿دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٢٨.

١١ - تفسير القمي ج ٢ ص ٣٤٢

قوله تعالى: ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ﴾ قال: أي في عذاب، وسعر وادٍ في جهنم عظيم.

وفي ص: ٤٠٧

﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾ قال: تتحول البحار التي هي حول الدنيا كلها نيراناً. ونقلهما عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣١٤ - ٣١٣.

١٢ - تفسير القمي ج ٢ ص ٤٠١

﴿لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَاباً﴾ قال: الأحقاب: السنين. والحقب ثمانون سنة، والسنة مائة وستون يوماً، واليوم كالف سنة ممّا تعدّون، أخبرنا أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن درست بن أبي منصور، عن الأحول، عن حمران بن أعين قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله: لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَاباً لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا قال: هذه في الذين لا يخرجون من النار.

وقال علي بن إبراهيم في قوله: ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا﴾ قال البرد النوم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٩٥.

١٣ - تفسير القمي ج ١ ص ٢٣١

وأما قوله: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾ فإنه حدثني أبي عن فضالة

عن أبان بن عثمان عن ضريس عن أبي جعفر عليه السلام قال: نزلت هذه الآية في طلحة والزبير والجمل جملهم، والدليل على أن جنان الخلد في السماء قوله: ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ﴾ والدليل أيضاً على أن النيران في الأرض قوله في سورة مريم «وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئاً فَوَرَّبُّكَ لَنُحْشِرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينُ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا﴾ ومعنى حَوْلَ جَهَنَّمَ البحر المحيط بالدنيا يتحول نيراناً وهو قوله ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾ ثم يحضرهم الله حول جهنم ويوضع الصراط من الأرض إلى الجنان وقوله جِثِيًّا أي على ركبهم. الخبر.

١٤ - تفسير القمي ج ١ ص ٣٦٨

وقال علي بن إبراهيم في قوله ﴿مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ﴾ قال: ما يخرج من فروج الزواني وقوله ﴿يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ﴾ قال: يقرب إليه فيكرهه وإذا أدنى منه شوى وجهه ووقعت فروة رأسه فإذا شرب تقطعت أمعاؤه ومزقت إلى تحت قدميه وإنه ليخرج من أحدهم مثل الوادي صديداً وقيحاً ثم قال: وإنهم ليبكون حتى تسيل من دموعهم فوق وجوههم جداول ثم تنقطع الدموع فتسيل الدماء حتى لو أن السفن أجريت فيها لجرت وهو قوله ﴿وَسُقُوا مَاءً حَمِيماً فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ وقوله ﴿مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ﴾ قال: من لم يقر بولاية أمير المؤمنين عليه السلام بطل عمله مثل الرماد الذي يجيء الريح فتحمله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٨٨.

١٥ - كتاب الزهد ص ١٠٣

ابن أبي عمير عن عاصم بن سليمان ذكر في قول الله تبارك وتعالى: ﴿تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ﴾ قال: يسمع لها أنين من شدة حرّها.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣١٤.

١٦ - نوادر الراوندي ص ٢٨

وبهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: رأيت في النار صاحب العباء التي قد غلّها ورأيت في النار صاحب المحجن الذي كان يسرق الحجاج بمحجنه، ورأيت في النار صاحبة الهرة تنهشها مقبلة ومدبرة كانت أو ثقتها لم تكن تطعمها لم ترسلها تأكل من حشاش الأرض، وبخلت الجنة فرأيت صاحب الكلب الذي أرواه من الماء.



ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣١٦.

١٧ - تفسير الفرات ص ٤٣٦ و ٤٣٧

قال: حدّثنا أبو القاسم الحسنی [العلوي] قال: حدّثنا فرات بن إبراهيم الكوفي قال: حدّثني الحسن بن علي بن بزيع والحسين بن سعيد قالا: حدّثنا إسماعيل بن إسحاق قال: حدّثنا يحيى بن سالم الفراء عن فطر عن موسى بن طريف عن عباية بن ربعي في قوله تعالى: ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ فقال: النبي ﷺ وعليّ بن أبي طالب عليهما السلام.

١٨ - قال: حدّثني جعفر بن محمد بن مروان قال: حدّثني أبي قال: حدّثنا

[ثني] عبيد بن يحيى بن مهران الثوري عن محمد بن الحسين [بن عليّ العلوي العمري] عن أبيه عن جدّه عن عليّ بن أبي طالب عليهما السلام في قوله [تعالى] ﴿الْقِيَا فِي

جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٩﴾ قال: فقال [لي] النبي ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا جَمَعَ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ كُنْتُ أَنَا وَأَنْتَ يَوْمئِذٍ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَيَقَالُ لِي وَلَكَ: قَوْمًا فَأَلْقِيَا مِنْ أَبْغَضِكُمَا وَخَالَفَكُمَا وَكَذَبَكُمَا فِي النَّارِ.

١٩ - فرات قال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ ظَبْيَانَ [قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ]: عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ قال: قال لي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا جَمَعَ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ كُنْتُ أَنَا وَأَنْتَ يَوْمئِذٍ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ [ثم] يَقُولُ اللَّهُ [تَبَارَكَ وَتَعَالَى] لِي وَلَكَ: قَوْمًا وَأَلْقِيَا مِنْ أَبْغَضِكُمَا وَخَالَفَكُمَا وَكَذَبَكُمَا فِي النَّارِ.

٢٠ - قال: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ يَعْنَى ابْنُ يَزِيدَ الْبَاهِلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَجَّافِ السَّلْمِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ: يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ فهما الملقيان في النار.

٢١ - قال: حَدَّثَنِي [ثنا] عَثْمَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ وَاللَّفْظُ لِلْحُسَيْنِ مَعْنَعْنًا: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَصَبَ مِنْبَرٍ يعلو المنابر فيتطاول الخلائق لذلك المنبر إذ طلع رجل عليه حلتان خضراوان متزر بواحدة مترد بأخرى، فيمرّ بالملائكة [إذا] فيقولون: هَذَا مِنَّا فَيَجُوزُهُمْ، ثُمَّ يَمُرُّ بِالشَّهَدَاءِ فيقولون: هَذَا مِنَّا فَيَجُوزُهُمْ وَيَمُرُّ بِالنَّبِيِّينَ فيقولون: هَذَا مِنَّا فَيَجُوزُهُمْ حَتَّى يَصْعَدَ الْمَنْبَرِ.

ثُمَّ يَغِيْبَانِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يَطْلَعَانِ فَيَعْرِفَانِ مُحَمَّدَ ﷺ وَعَلِيَّ وَعَنْ يَسَارِ النَّبِيِّ مَلِكٌ وَعَنْ يَمِينِهِ مَلِكٌ فَيَقُولُ الْمَلِكُ الَّذِي عَنْ يَمِينِهِ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَنَا رِضْوَانُ خَازِنِ الْجَنَّةِ أَمَرَنِي اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَطَاعَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَطَاعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

طالب عليه السلام وهو قول الله تعالى ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ يا محمّد يا عليّ، ويقول الملك الذي عن يساره: يا معشر الخلائق أنا خازن جهنم أمرني الله بطاعته و طاعة محمّد وعليّ [عليهم الصلاة والسلام].

٢٢ - البحار ج ٨ ص ٣٠٢

من كتاب زهد النبي صلى الله عليه وآله عن أبي جعفر أحمد القميّ، عن عليّ عليه السلام أنّ النبي صلى الله عليه وآله قال: والذي نفس محمّد بيده لو أنّ قطرة من الزقوم قطرت على جبال الأرض لساخت إلى أسفل سبع أرضين ولما أطاقته، فكيف بمن هو شرابه؟ والذي نفسي بيده لو أنّ مقمّاعاً واحداً ممّا ذكره الله في كتابه وضع على جبال الأرض لساخت إلى أسفل سبع أرضين ولما أطاقته فكيف بمن يقع عليه يوم القيامة في النار؟



٢٣ - البحار ج ٨ ص ٣٠٥

ومن الكتاب المذكور أنّ جبرئيل عليه السلام أتى النبي صلى الله عليه وآله عند الزوال في ساعة لم يأتها فيها وهو متغيّر اللون، وكان النبي صلى الله عليه وآله يسمع حسّه وجرسه فلم يسمعه يومئذٍ، فقال له النبي صلى الله عليه وآله: يا جبرئيل ما لك جئتني في ساعة لم تكن تجيئني فيها؟ وأرى لونك متغيّراً، وكنت أسمع حسّك وجرسك فلم أسمعه؟ فقال: إنّني جئت حين أمر الله بمنافخ النار فوضعت على النار فقال النبي صلى الله عليه وآله: أخبرني عن النار يا جبرئيل حين خلقها الله تعالى، فقال: إنّ سبحانه أوقد عليها ألف عام فاحمرت، ثمّ أوقد عليها ألف عام فابيضت، ثمّ أوقد عليها ألف عام فأسودّت فهي سوداء مظلمة لا يضيء جمرها ولا ينطفئ لهبها، والذي بعثك بالحقّ نبياً لو أنّ مثل خرق إبرة خرج منها على أهل الأرض لا احترقوا عن آخرهم ولو أنّ رجلاً دخل جهنّم ثمّ

أخرج منها لهلك أهل الأرض جميعاً حين ينظرون إليه، لما يرون به، ولو أن ذراعاً من السلسلة التي ذكره الله تعالى في كتابه وضع على جميع جبال الدنيا لذابت عن آخرها، ولو أن بعض خزّان جهنم التسعة عشر نظر إليه أهل الأرض لماتوا حين ينظرون إليه، ولو أن ثوباً من ثياب أهل جهنم أخرج إلى الأرض لمات أهل الأرض من تنن ريحه، فأكبّ النبي ﷺ وأطرق يبكي وكذلك جبرئيل، فلم يزالا يبكيان حتى ناداهما ملك من السماء: يا جبرئيل ويا محمد إن الله قد أمّنكما من أن تعصياه فيعذّبكما.

في الأعية الواردة للاستخلاص من النار منها دعاء جوشن كبير:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ، يَا كَرِيمُ، يَا مُقِيمُ، يَا عَظِيمُ، يَا قَدِيمُ، يَا عَلِيمُ، يَا حَلِيمُ، يَا حَكِيمُ، سُبْحَانَكَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ، يَا رَبِّ. (٢) يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ، يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ، يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ، يَا مُعْطِيَ الْمَسْأَلَاتِ، يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ، يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ، يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ. (٣) يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ، يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ، يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ، يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ، يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ، يَا خَيْرَ الْحَامِدِينَ، يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ، يَا خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ، يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ. (٤) يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ، يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ، يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ، يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ، يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثَّقَالِ، يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ، يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ، يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ، يَا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ، يَا مَنْ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ. (٥) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا

دَيَّانُ، يَا بُرْهَانُ، يَا سُلْطَانُ، يَا رِضْوَانُ، يَا غُفْرَانُ، يَا سُبْحَانَ، يَا مُسْتَعَانَ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْبَيَانِ. (٦) يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، يَا مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ، يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ، يَا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ، يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ، يَا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِإِذْنِهِ، يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، يَا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ. (٧) يَا غَافِرَ الْخَطَايَا، يَا كَاشِفَ الْبَلَايَا، يَا مُنْتَهَى الرَّجَايَا، يَا مُجْزِلَ الْعَطَايَا، يَا وَاهِبَ الْهَدَايَا، يَا رَازِقَ الْبَرَايَا، يَا قَاضِيَ الْمَنَايَا، يَا سَامِعَ الشُّكَايَا، يَا بَاعِثَ الْبَرَايَا، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارَى. (٨) يَا ذَا الْحَمْدِ وَالثَّنَاءِ، يَا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ، يَا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ، يَا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ، يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ، يَا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقَاءِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ، يَا ذَا الْإِلَاءِ وَالنِّعْمَاءِ. (٩) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا مَانِعُ، يَا دَافِعُ، يَا رَافِعُ، يَا صَانِعُ، يَا نَافِعُ، يَا سَامِعُ، يَا جَامِعُ، يَا شَافِعُ، يَا وَاسِعُ، يَا مُوسِعُ. (١٠) يَا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يَا خَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ، يَا رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ، يَا مَالِكُ كُلِّ مَمْلُوكٍ، يَا كَاشِفُ كُلِّ مَكْرُوبٍ، يَا فَارِجُ كُلِّ مَهْمُومٍ، يَا رَاحِمُ كُلِّ مَرْحُومٍ، يَا نَاصِرُ كُلِّ مَخْذُولٍ، يَا سَاتِرُ كُلِّ مَعْيُوبٍ، يَا مَلْجَأُ كُلِّ مَطْرُودٍ. (١١) يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي، يَا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي، يَا مُؤْنِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي، يَا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي عِنْدَ نِعْمَتِي، يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي، يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي، يَا غِنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي، يَا مَلْجَأِي عِنْدَ اضْطِرَارِي، يَا مُعِينِي عِنْدَ مَفْزَعِي. (١٢) يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ، يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ، يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، يَا طَبِيبَ الْقُلُوبِ، يَا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ، يَا أُنِيسَ الْقُلُوبِ، يَا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ، يَا مُنَفِّسَ الْغُمُومِ. (١٣) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا جَلِيلُ، يَا جَمِيلُ، يَا وَكِيلُ، يَا كَفِيلُ، يَا دَلِيلُ، يَا قَبِيلُ، يَا مُدِيلُ، يَا مُنِيلُ، يَا مُقِيلُ، يَا مُحِيلُ. (١٤) يَا دَلِيلَ الْمُتَحِيرِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ،

يا أمان الخائفين، يا عون المؤمنين، يا راحم المساكين، يا ملجأ العاصين، يا غافر المذنبين، يا مجيب دعوة المضطرين. (١٥) يا ذا الجود والإحسان، يا ذا الفضل والإمتنان، يا ذا الأمن والأمان، يا ذا القدس والسبحان، يا ذا الحكمة والبيان، يا ذا الرحمة والرضوان، يا ذا الحجّة والبرهان، يا ذا العظمة والسلطان، يا ذا الرأفة والمستعان، يا ذا العفو والغفران. (١٦) يا من هو ربّ كل شيء، يا من هو إله كل شيء، يا من هو خالق كل شيء، يا من هو صانع كل شيء، يا من هو قبل كل شيء، يا من هو بعد كل شيء، يا من هو فوق كل شيء، يا من هو عالم بكل شيء، يا من هو قادر على كل شيء، يا من هو يبقى ويفنى كل شيء. (١٧) اللهم إني أسألك، يا مؤمن، يا مهيمن، يا مكوّن، يا ملقّن، يا مبين، يا مهوّن، يا ممكّن، يا مزيّن، يا معلّن، يا مقسّم. (١٨) يا من هو في ملكه مقبم، يا من هو في سلطانه قديم، يا من هو في جلاله عظيم، يا من هو على عبادته رحيّم، يا من هو بكل شيء عليم، يا من هو بمن عصاه حليم، يا من هو بمن رجاءه كريم، يا من هو في صنعه حكيم، يا من هو في حكمته لطيف، يا من هو في لطفه قديم. (١٩) يا من لا يرزجني إلا فضله، يا من لا يسأل إلا عفوه، يا من لا ينظر إلا برّه، يا من لا يخاف إلا عدله، يا من لا يدوم إلا ملكه، يا من لا سلطان إلا سلطانه، يا من وسعت كل شيء رحمته، يا من سبقت رحمته غضبه، يا من أحاط بكل شيء علمه، يا من ليس أحد مثله. (٢٠) يا فارح الهم، يا كاشف الغم، يا غافر الذنب، يا قابل التوب، يا خالق الخلق، يا صادق الوعد، يا موفي العهد، يا عالم السرّ، يا فالق الحبّ، يا رازق الأنام. (٢١) اللهم إني أسألك باسمك، يا عليّ، يا وفيّ، يا غنيّ، يا مليّ، يا حفيّ، يا رضيّ، يا زكيّ، يا بديّ، يا قويّ، يا وليّ. (٢٢) يا من أظهر الجميل، يا من ستر القبيح، يا من لم يؤاخذ بالجريرة، يا من لم يهتك الستّر، يا عظيم العفو، يا حسن التجاوز، يا واسع المغفرة، يا باسط اليدين بالرحمة، يا صاحب كل نجوى، يا منتهى كل شكوى. (٢٣) يا ذا

النُّعْمَةِ السَّابِغَةِ، يا ذا الرَّحْمَةِ الواسِعَةِ، يا ذا المِنَّةِ السَّابِقَةِ، يا ذا الحِكْمَةِ البالِغَةِ، يا ذا
 القُدْرَةِ الكاملَةِ، يا ذا الحُجَّةِ القاطِعَةِ، يا ذا الكَرَامَةِ الظَّاهِرَةِ، يا ذا العِزَّةِ الدَّائِمَةِ، يا ذا
 القُوَّةِ المتينَةِ، يا ذا العِظَمَةِ المَنِيعَةِ. (٢٤) يا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ، يا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ، يا
 رَاحِمَ العَبْرَاتِ، يا مُقِيلَ العَثَرَاتِ، يا سَاتِرَ العُورَاتِ، يا مُخَيِّ الأَمْوَاتِ، يا مُنْزِلَ
 الآيَاتِ، يا مُضَعِّفَ الحَسَنَاتِ، يا مَاحِي السَّيِّئَاتِ، يا شَدِيدَ النِّقَمَاتِ. (٢٥) اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يا مُصَوِّرُ، يا مُقَدِّرُ، يا مُدَبِّرُ، يا مُطَهِّرُ، يا مُنَوِّرُ، يا مُبَسِّرُ، يا مُبَشِّرُ، يا
 مُنْذِرُ، يا مُقَدِّمُ، يا مُؤَخِّرُ. (٢٦) يا رَبَّ البَيْتِ الحَرَامِ، يا رَبَّ الشَّهْرِ الحَرَامِ، يا رَبَّ
 البَلَدِ الحَرَامِ، يا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، يا رَبَّ المَشْعَرِ الحَرَامِ، يا رَبَّ المَسْجِدِ الحَرَامِ،
 يا رَبَّ الحِلِّ وَالْحَرَامِ، يا رَبَّ النُّورِ وَالظُّلَامِ، يا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، يا رَبَّ القُدْرَةِ
 فِي الأَنَامِ. (٢٧) يا أَحْكَمَ الحَاكِمِينَ، يا أَعْدَلَ العَادِلِينَ، يا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ، يا
 أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ، يا أَحْسَنَ الخَالِقِينَ، يا أَسْرَعَ الحَاسِبِينَ، يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يا
 أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ، يا أَكْرَمَ الأَكْرَمِينَ. (٢٨) يا عِمَادَ مَنْ لا عِمَادَ لَهُ،
 يا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، يا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، يا حِزْزَ مَنْ لا حِزْزَ لَهُ، يا غِيَاثَ مَنْ لا
 غِيَاثَ لَهُ، يا فَخْرَ مَنْ لا فَخْرَ لَهُ، يا عِزَّ مَنْ لا عِزَّ لَهُ، يا مُعِينَ مَنْ لا مُعِينَ لَهُ، يا أُنَيْسَ
 مَنْ لا أُنَيْسَ لَهُ، يا أَمَانَ مَنْ لا أَمَانَ لَهُ. (٢٩) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يا عَاصِمُ، يا
 قَائِمُ، يا دَائِمُ، يا رَاحِمُ، يا سَالِمُ، يا حَاكِمُ، يا عَالِمُ، يا قَاسِمُ، يا قَابِضُ، يا بَاسِطُ.
 (٣٠) يا عَاصِمَ مَنْ اسْتَعْصَمَهُ، يا رَاحِمَ مَنْ اسْتَرْحَمَهُ، يا غَافِرَ مَنْ اسْتَغْفَرَهُ، يا نَاصِرَ
 مَنْ اسْتَنْصَرَهُ، يا حَافِظَ مَنْ اسْتَحْفَظَهُ، يا مُكْرِمَ مَنْ اسْتَكْرَمَهُ، يا مُرْشِدَ مَنْ
 اسْتَرْشَدَهُ، يا صَرِيخَ مَنْ اسْتَصْرَخَهُ، يا مُعِينَ مَنْ اسْتَعَانَهُ، يا مُغِيثَ مَنْ اسْتَعَاثَهُ.
 (٣١) يا عَزِيزاً لا يُضَامُ، يا لَطِيفاً لا يُرَامُ، يا قَيُّوماً لا يَنَامُ، يا دَائِماً لا يَفُوتُ، يا حَيّاً
 لا يَمُوتُ، يا مَلِكاً لا يَزُولُ، يا بَاقِياً لا يَفْنَى، يا عَالِماً لا يَجْهَلُ، يا صَمِداً لا يُطْعَمُ، يا
 قَوِيّاً لا يَضْعَفُ. (٣٢) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يا أَحَدُ، يا وَاحِدُ، يا شَاهِدُ، يا

ماجد، يا حامد، يا راشد، يا باعث، يا وارث، يا ضار، يا نافع. (٣٣) يا أعظم من كل عظيم، يا أكرم من كل كريم، يا أرحم من كل رحيم، يا أعلم من كل عليم، يا أحكم من كل حكيم، يا أقدم من كل قديم، يا أكبر من كل كبير، يا ألطف من كل لطيف، يا أجل من كل جليل، يا أعز من كل عزيز. (٣٤) يا كريم الصفح، يا عظيم المن، يا كثير الخير، يا قديم الفضل، يا دائم اللطف، يا لطيف الصنع، يا منفس الكرب، يا كاشف الضر، يا مالك الملك، يا قاضي الحق. (٣٥) يا من هو في عهده وفي، يا من هو في وفائه قوي، يا من هو في قوته علي، يا من هو في علوه قريب، يا من هو في قربيه لطيف، يا من هو في لطفه شريف، يا من هو في شرفه عزيز، يا من هو في عزه عظيم، يا من هو في عظمته مجيد، يا من هو في مجده حميد. (٣٦) اللهم إني أسألك باسمك، يا كافي، يا شافي، يا وافي، يا معافي، يا هادي، يا داعي، يا قاضي، يا راضي، يا عالي، يا باقي. (٣٧) يا من كل شيء خاضع له، يا من كل شيء خاشع له، يا من كل شيء كائن له، يا من كل شيء موجود به، يا من كل شيء منيب إليه، يا من كل شيء خائف منه، يا من كل شيء قائم به، يا من كل شيء صائر إليه، يا من كل شيء هالك إلا وجهه. (٣٨) يا من لا مفر إلا إليه، يا من لا مقصد إلا إليه، يا من لا منجى منه إلا إليه، يا من لا يرغب إلا إليه، يا من لا حول ولا قوة إلا به، يا من لا يستعان إلا به، يا من لا يتوكل إلا عليه، يا من لا يرجى إلا هو، يا من لا يعبد إلا هو. (٣٩) يا خير المرهوبين، يا خير المرغوبين، يا خير المطلوبين، يا خير المسؤولين، يا خير المقصودين، يا خير المذكورين، يا خير المشكورين، يا خير المحبوبين، يا خير المدعوين، يا خير المستأنسين. (٤٠) اللهم إني أسألك باسمك، يا غافر، يا ساتر، يا قادر، يا قاهر، يا فاطر، يا كاسر، يا جابر، يا ذاكر، يا ناظر، يا ناصر. (٤١) يا من خلق فسوى، يا من قدر فهدى، يا من يكشف البلى، يا من يسمع النجوى، يا من ينقذ الغرقى، يا من ينجي الهلكى، يا

مَنْ يَشْفِي الْمَرَضَى، يَا مَنْ أَضْحَكَ وَأَبْكَى، يَا مَنْ أَمَاتَ وَأَحْيَا، يَا مَنْ خَلَقَ
 الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى. (٤٢) يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ، يَا مَنْ فِي الْآفَاقِ آيَاتُهُ،
 يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ، يَا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ، يَا مَنْ فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ، يَا مَنْ
 فِي الْقِيَامَةِ مُلْكُهُ، يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ، يَا مَنْ فِي الْمِيزَانِ قِضَاؤُهُ، يَا مَنْ فِي
 الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ، يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ. (٤٣) يَا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفْرَعُ
 الْمُذْنِبُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصِدُ الْمُتَنَبِّهُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يُلْجَأُ
 الْمُتَحَيِّرُونَ، يَا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُرِيدُونَ، يَا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ، يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ
 يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمُوقِنُونَ، يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ. (٤٤)
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا حَبِيبُ، يَا طَبِيبُ، يَا قَرِيبُ، يَا رَقِيبُ، يَا حَسِيبُ، يَا
 مَهِيبُ، يَا مُثِيبُ، يَا مُجِيبُ، يَا خَبِيرُ، يَا بَصِيرُ. (٤٥) يَا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ، يَا أَحَبَّ
 مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ، يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ، يَا أَخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ، يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ
 شَرِيفٍ، يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ، يَا أَقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ، يَا أَغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ، يَا أَجْوَدَ
 مِنْ كُلِّ جَوَادٍ، يَا أَرْأَفَ مِنْ كُلِّ رَوْوَفٍ. (٤٦) يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا صَانِعًا غَيْرَ
 مَصْنُوعٍ، يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوقٍ، يَا مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوكٍ، يَا قَاهِرًا غَيْرَ مَقْهُورٍ، يَا رَافِعًا
 غَيْرَ مَرْفُوعٍ، يَا حَافِظًا غَيْرَ مَحْفُوظٍ، يَا نَاصِرًا غَيْرَ مَنْصُورٍ، يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ، يَا
 قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ. (٤٧) يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُنَوَّرَ النُّورِ، يَا خَالِقَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ النُّورِ، يَا
 مُقَدِّرَ النُّورِ، يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا قَبْلَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا بَعْدَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا فَوْقَ
 كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا لَيْسَ كَمَثَلِهِ نُورٌ. (٤٨) يَا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِيفٌ، يَا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ، يَا
 مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ، يَا مَنْ إِحْسَانُهُ قَدِيمٌ، يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ، يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ، يَا مَنْ
 عَفْوُهُ فَضْلٌ، يَا مَنْ عَذَابُهُ عَذْلٌ، يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلُوٌّ، يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ. (٤٩) اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا مُسَهِّلُ، يَا مُفَصِّلُ، يَا مُبَدِّلُ، يَا مُذَلِّلُ، يَا مُنْزِلُ، يَا مُنَوِّلُ، يَا مُفْضِلُ،
 يَا مُجْزِلُ، يَا مُمَهِّلُ، يَا مُجْمِلُ. (٥٠) يَا مَنْ يَرَى وَلَا يُرَى، يَا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا يُخْلَقُ، يَا

مَنْ يَهْدِي وَلَا يَهْدِي، يَا مَنْ يُحْيِي وَلَا يُحْيِي، يَا مَنْ يَسْأَلُ وَلَا يُسْأَلُ، يَا مَنْ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعِمُ، يَا مَنْ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ، يَا مَنْ يَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْهِ، يَا مَنْ يَحْكُمُ وَلَا يُحْكَمُ عَلَيْهِ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. (٥١) يَا نِعَمَ الْحَسِيبِ، يَا نِعَمَ الطَّيِّبِ، يَا نِعَمَ الرَّقِيبِ، يَا نِعَمَ الْقَرِيبِ، يَا نِعَمَ الْمُجِيبِ، يَا نِعَمَ الْحَبِيبِ، يَا نِعَمَ الْكَفِيلِ، يَا نِعَمَ الْوَكِيلِ، يَا نِعَمَ الْمَوْلَى، يَا نِعَمَ النَّصِيرِ. (٥٢) يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ، يَا مُنَى الْمُحِبِّينَ، يَا أُنَيْسَ الْمُرِيدِينَ، يَا حَبِيبَ التَّوَّابِينَ، يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ، يَا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ، يَا مُنْفَسَّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. (٥٣) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا رَبَّنَا، يَا إِلَهَنَا، يَا سَيِّدَنَا، يَا مَوْلَانَا، يَا نَاصِرَنَا، يَا حَافِظَنَا، يَا دَلِيلَنَا، يَا مُعِينَنَا، يَا حَبِيبَنَا، يَا طَبِيبَنَا. (٥٤) يَا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَالْأَبْرَارِ، يَا رَبَّ الصَّدِّيقِينَ وَالْأَخْيَارِ، يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، يَا رَبَّ الصَّغَارِ وَالْكِبَارِ، يَا رَبَّ الْحُبْلَاوِبِ وَالْثَّمَارِ، يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ وَالْأَشْجَارِ، يَا رَبَّ الصَّحَارِي وَالْقِفَارِ، يَا رَبَّ الْبَرَارِي وَالْبِحَارِ، يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، يَا رَبَّ الْإِعْلَانِ وَالْإِشْرَارِ. (٥٥) يَا مَنْ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرَهُ، يَا مَنْ لَحَقَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ، يَا مَنْ لَا تُحْصِي الْعِبَادُ نِعَمَهُ، يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ، يَا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْأَفْهَامُ جَلَالَهُ، يَا مَنْ لَا تَنَالُ الْأَوْهَامُ كُنْهَهُ، يَا مَنْ الْعِظَمَةُ وَالْكِبَرِيَاءُ رِداؤُهُ، يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادُ قِضَاءَهُ، يَا مَنْ لَا مُلْكَ إِلَّا مُلْكُهُ، يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَاؤُهُ. (٥٦) يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى، يَا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا، يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى، يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ الْمَأْوَى، يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى، يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ، يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفَضَاءُ، يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالثَّرَى، يَا مَنْ لَهُ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى. (٥٧) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا عَفْوُ، يَا غَفُورُ، يَا صَبُورُ، يَا شَكُورُ، يَا رَوْوَفُ، يَا عَطُوفُ، يَا مَسْئُورُ، يَا وَدُودُ، يَا سُبُّوحُ، يَا قُدُّوسُ. (٥٨) يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمَتُهُ، يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ، يَا مَنْ

فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلِيلُهُ، يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ، يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ، يَا مَنْ يُبْدِئُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ، يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ، يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ، يَا مَنْ تَصَرَّفَ فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ. (٥٩) يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ، يَا طَبِيبَ مَنْ لَا طَبِيبَ لَهُ، يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ، يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ، يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ، يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ، يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ، يَا أُنِيسَ مَنْ لَا أُنِيسَ لَهُ، يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ، يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ. (٦٠) يَا كَافِيَ مَنْ اسْتَكْفَاهُ، يَا هَادِيَ مَنْ اسْتَهْدَاهُ، يَا كَالِيَّ مَنْ اسْتَكْلَاهُ، يَا رَاعِيَ مَنْ اسْتَرْعَاهُ، يَا شَافِيَ مَنْ اسْتَشْفَاهُ، يَا قَاضِيَ مَنْ اسْتَقْضَاهُ، يَا مُغْنِيَ مَنْ اسْتَغْنَاهُ، يَا مُوفِيَ مَنْ اسْتَوْفَاهُ، يَا مُقْوِيَّ مَنْ اسْتَقْوَاهُ، يَا وَلِيَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ. (٦١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا خَالِقُ، يَا رَازِقُ، يَا نَاطِقُ، يَا صَادِقُ، يَا فَالِقُ، يَا فَارِقُ، يَا فَاتِقُ، يَا رَاتِقُ، يَا سَابِقُ. (٦٢) يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، يَا مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالْأَنْوَارَ، يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ، يَا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ، يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ، يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، يَا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ. (٦٣) يَا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُرِيدِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ، يَا مَنْ يَسْمَعُ أُنِينَ الْوَاهِنِينَ، يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ، يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ، يَا مَنْ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ، يَا مَنْ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ لَا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ، يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ. (٦٤) يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ، يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ، يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ، يَا غَافِرَ الْخَطَا، يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ، يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ، يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ، يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ. (٦٥) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا سَتَّارُ، يَا غَفَّارُ، يَا قَهَّارُ، يَا جَبَّارُ، يَا صَبَّارُ، يَا بَارُّ، يَا مُخْتَارُ، يَا فَتَّاحُ، يَا نَفَّاحُ، يَا مُرْتَّاحُ. (٦٦) يَا مَنْ خَلَقَنِي وَسَوَّانِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي، يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي، يَا مَنْ

قَرَّبَنِي وَأَدْنَانِي، يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَانِي، يَا مَنْ حَفَظَنِي وَكَلاَّنِي، يَا مَنْ أَعَزَّنِي
وَأَغْنَانِي، يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَدَانِي، يَا مَنْ أَنْسَنِي وَأَوَانِي، يَا مَنْ أَمَاتَنِي وَأَحْيَانِي.
(٦٧) يَا مَنْ يُحَقِّقُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ، يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ
الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ، يَا
مَنْ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ، يَا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ، يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ، يَا مَنْ
السَّمَاوَاتِ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ. (٦٨) يَا مَنْ
جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا، يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا، يَا مَنْ
جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا، يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا، يَا مَنْ جَعَلَ
النَّوْمَ سُبَاتًا، يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً، يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَزْوَاجًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ
مِرْصَادًا. (٦٩) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا سَمِيعُ، يَا شَفِيعُ، يَا رَفِيعُ، يَا مَنِيعُ، يَا
سَرِيعُ، يَا بَدِيعُ، يَا كَبِيرُ، يَا قَدِيرُ، يَا خَبِيرُ، يَا مُجِيرُ. (٧٠) يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، يَا
حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ، يَا
حَيُّ الَّذِي لَا يَحْتَاجُ إِلَى حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ
حَيٍّ، يَا حَيًّا لَمْ يَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ
لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ. (٧١) يَا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسَى، يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفَأُ، يَا مَنْ لَهُ
نِعَمٌ لَا تُعَدُّ، يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ، يَا مَنْ لَهُ ثَنَاءٌ لَا يُحْصَى، يَا مَنْ لَهُ جَلَالٌ لَا يُكَيَّفُ
، يَا مَنْ لَهُ كَمَالٌ لَا يُدْرَكُ، يَا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا يُرَدُّ، يَا مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدَّلُ، يَا مَنْ لَهُ
نُعُوتٌ لَا تُغَيَّرُ. (٧٢) يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ، يَا ظَهَرَ
اللَّاجِئِينَ، يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ، يَا مَنْ
يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ. (٧٣) اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يَا شَفِيقُ، يَا رَفِيقُ، يَا حَفِيطُ، يَا مُحِيطُ، يَا مُقِيتُ، يَا مُغِيثُ، يَا
مُعِزُّ، يَا مُذِلُّ، يَا مُبْدِيٌّ، يَا مُعِيدٌ. (٧٤) يَا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلَا ضِدٍّ، يَا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلَا نِدٍّ،

يا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلا عَيْبٍ، يا مَنْ هُوَ وَثَرٌ بِلا كَيْفٍ، يا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلا حَيْفٍ، يا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلا وَزِيرٍ، يا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بِلا ذُلٍّ، يا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلا فَقْرٍ، يا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِلا عَزَلٍ، يا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلا شَبِيهِه . (٧٥) يا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، يا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، يا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِينَ، يا مَنْ طَاعَتُهُ نَجاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ، يا مَنْ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنِيِّينَ، يا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاظِرِينَ، يا مَنْ كِتَابُهُ تَذَكُّرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ، يا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّائِعِينَ وَالْعَاصِينَ، يا مَنْ رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ . (٧٦) يا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ، يا مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ، يا مَنْ لا إِلَهَ غَيْرُهُ، يا مَنْ جَلَّ ثَنَاؤُهُ، يا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، يا مَنْ يَدُومُ بَقَاؤُهُ، يا مَنْ الْعَظَمَةُ بِهَاؤُهُ، يا مَنْ الْكِبَرِيَاءُ رِداؤُهُ، يا مَنْ لا تُحْصَى آلاؤُهُ، يا مَنْ لا تُعَدُّ نِعْمَاؤُهُ . (٧٧) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يا مُعِينُ، يا أَمِينُ، يا مُبِينُ، يا مَتِينُ، يا مَكِينُ، يا رَشِيدُ، يا حَمِيدُ، يا مَجِيدُ، يا شَدِيدُ، يا شَهِيدُ . (٧٨) يا ذا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، يا ذا الْقَوْلِ السَّدِيدِ، يا ذا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ، يا ذا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يا ذا الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ، يا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ، يا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ، يا مَنْ هُوَ قَرِيبٌ غَيْرُ بَعِيدٍ، يا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ، يا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ . (٧٩) يا مَنْ لا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، يا مَنْ لا شَبِيهِ لَهُ وَلَا نَظِيرَ، يا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ، يا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، يا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، يا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَاسِرِ، يا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يا مَنْ هُوَ بَعْبَادِهِ خَيْرٌ بَصِيرٌ، يا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٨٠) يا ذا الْجُودِ وَالنَّعَمِ، يا ذا الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ، يا خَالِقَ اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ، يا بَارِيَّ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ، يا ذا الْبَأْسِ وَالنَّقَمِ، يا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، يا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهِمَمِ، يا رَبَّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ، يا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ . (٨١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يا فَاعِلُ، يا جَاعِلُ، يا قَابِلُ، يا كَامِلُ، يا فَاصِلُ، يا وَاصِلُ، يا عَادِلُ، يا غَالِبُ، يا طَالِبُ، يا وَاهِبُ . (٨٢) يا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ، يا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ، يا مَنْ جَادَ

بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، يَا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ، يَا مَنْ حَكَّمَ بِتَدْبِيرِهِ، يَا مَنْ دَبَّرَ
بِعِلْمِهِ، يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ دَنَا فِي عُلُوِّهِ، يَا مَنْ عَلَا فِي دُنُوِّهِ. (٨٣) يَا مَنْ
يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ،
يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ
يَشَاءُ، يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ. (٨٤) يَا
مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي
حُكْمِهِ أَحَدًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا، يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا، يَا مَنْ
جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا، يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا، يَا مَنْ
أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا. (٨٥) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ، يَا أَوَّلَ، يَا آخِرَ، يَا ظَاهِرَ، يَا بَرَّ، يَا حَقَّ، يَا فَرْدَ، يَا وَثَرَ، يَا صَمَدَ، يَا سَرْمَدَ.
(٨٦) يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ، يَا أَفْضَلَ مَعْبُودٍ عُبدَ، يَا أَجَلَ مَشْكُورٍ شُكِرَ، يَا أَعَزَّ
مَذْكُورٍ ذُكِرَ، يَا أَعْلَى مَحْمُودٍ حُمِدَ، يَا أَقْدَمَ مَوْجُودٍ طُلِبَ، يَا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وُصِفَ،
يَا أَكْبَرَ مَقْصُودٍ قُصِدَ، يَا أَكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ، يَا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ. (٨٧) يَا حَبِيبَ
الْبَاكِينَ، يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ، يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أُنَيْسَ الذَّاكِرِينَ،
يَا مَفْزَعَ الْمَلْهُوفِينَ، يَا مُنْجِيَ الصَّادِقِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، يَا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ، يَا إِلَهَ
الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. (٨٨) يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ، يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ، يَا مَنْ
عَبَدَ فَشَكَرَ، يَا مَنْ عَصَى فَغَفَرَ، يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ، يَا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، يَا مَنْ
لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ، يَا رَازِقَ الْبَشَرِ، يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ. (٨٩) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ،
يَا حَافِظَ، يَا بَارِيَّ، يَا ذَارِيَّ، يَا بَاذِخَ، يَا فَارِجَ، يَا فَاتِحَ، يَا كَاشِفَ، يَا ضَامِنَ، يَا
آمِرَ، يَا نَاهِيَّ. (٩٠) يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ يَصْرِفُ الشُّوءَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ
لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُتِمُّ النِّعْمَةَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ
لَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ.

(٩١) يا مُعِينِ الضُّعَفَاءِ، يا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ، يا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ، يا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ، يا رَافِعَ السَّمَاءِ، يا أَنِيسَ الْأَصْفِيَاءِ، يا حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ، يا كَنَزَ الْفُقَرَاءِ، يا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ، يا أَكْرَمَ الْكُرَمَاءِ. (٩٢) يا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، يا قَائِمًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، يا مَنْ لَا يَشْبِهُهُ شَيْءٌ، يا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ، يا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ، يا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ، يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، يا مَنْ لَا يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ، يا مَنْ هُوَ خَيْرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، يا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ. (٩٣) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يا مُكْرِمٌ، يا مُطْعِمٌ، يا مُنْعِمٌ، يا مُعْطِي، يا مُغْنِي، يا مُقْنِي، يا مُفْنِي، يا مُحْيِي، يا مُرْضِي، يا مُنْجِي. (٩٤) يا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ، يا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ، يا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَصَانِعَهُ، يا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَهُ، يا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَاسِطَهُ، يا مُبْدِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعِيدَهُ، يا مُنْشِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُقَدِّرَهُ، يا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُحَوِّلَهُ، يا مُحْيِي كُلِّ شَيْءٍ وَمُمِيتَهُ، يا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهُ. (٩٥) يا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَمَذْكُورٍ، يا خَيْرَ شَاكِرٍ وَمَشْكُورٍ، يا خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ، يا خَيْرَ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ، يا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُوٍّ، يا خَيْرَ مُجِيبٍ وَمُجَابٍ، يا خَيْرَ مُؤْنِسٍ وَأَنْيسٍ، يا خَيْرَ صَاحِبٍ وَجَلِيسٍ، يا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ، يا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمَحْبُوبٍ. (٩٦) يا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ، يا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ حَبِيبٌ، يا مَنْ هُوَ إِلَى مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ، يا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَحِيمٌ، يا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ، يا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ أَرَادَهُ عَلِيمٌ. (٩٧) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، يا مُسَبِّبٌ، يا مُرْغِبٌ، يا مُقَلِّبٌ، يا مُعَقِّبٌ، يا مُرْتَبٌ، يا مُخَوِّفٌ، يا مُحْذِرٌ، يا مُذَكِّرٌ، يا مُسَخِّرٌ، يا مُغَيِّرٌ. (٩٨) يا مَنْ عِلْمُهُ سَابِقٌ، يا مَنْ وَعْدُهُ صَادِقٌ، يا مَنْ لُطْفُهُ ظَاهِرٌ، يا مَنْ أَمْرُهُ غَالِبٌ، يا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ، يا مَنْ قِضَاؤُهُ كَائِنٌ، يا مَنْ قَرَأَنَهُ مَجِيدٌ، يا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ، يا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ، يا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمٌ. (٩٩) يا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ

عَنْ فِعْلٍ، يَا مَنْ لَا يُلْهِيهُ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ، يَا مَنْ لَا يُغْلِطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ، يَا مَنْ لَا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلْحِجِينَ، يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ. (١٠٠) يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ، يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ، يَا صَادِقًا لَا يُخْلِفُ، يَا وَهَّابًا لَا يَمَلُّ، يَا قَاهِرًا لَا يُغْلَبُ، يَا عَظِيمًا لَا يُوصَفُ، يَا عَدْلًا لَا يَحِيفُ، يَا غَنِيًّا لَا يَفْتَقِرُ، يَا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ، يَا حَافِظًا لَا يَغْفُلُ سُبْحَانَكَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثُ الْغَوْثُ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ.

ومنها: دعاء يستشير

نقله السيّد في «مهج الدعوات» عن أمير المؤمنين عليه السلام كما في «المفاتيح»
للشيخ القمي ص ١٥٢



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، الْمُدَبِّرُ بِلاَ وَزِيرٍ، وَلَا خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ، الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ، وَالْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ، الْعَظِيمُ الرَّبُّوبِيَّةِ، نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَفَاطِرُهُمَا وَمُبْتَدِعُهُمَا، بِغَيْرِ عَمَدٍ خَلَقَهُمَا وَفَتَقَهُمَا فَتَقًا، فَقَامَتِ السَّمَاوَاتِ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ، ثُمَّ عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى، فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ، وَلَا مُعَزِّلَ لِمَنْ أَذَلَّتْ، وَلَا مُذِلَّ لِمَنْ أَعَزَّزْتَ، وَلَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيَتْ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ، وَلَا أَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ، وَلَا شَمْسٌ مُضِيَّةٌ، وَلَا لَيْلٌ مُظْلِمٌ، وَلَا نَهَارٌ مُضِيٌّ، وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ، وَلَا جَبَلٌ

رأس، ولا نجم سار، ولا قمر منير، ولا ربح تهب، ولا سحاب يسكب، ولا برق يلمع، ولا رعد يسبح، ولا روح تنفس، ولا طائر يطير، ولا نار تتوقد، ولا ماء يطرد، كنت قبل كل شيء، وكونت كل شيء، وقدرت على كل شيء، وابتدعت كل شيء وأغنيت وأفقرت، وأمت وأحييت وأضحكت وأبكيت وعلى العرش استويت فتباركت يا الله وتعاليت، أنت الله الذي لا إله إلا أنت الخالق المعين، أمرك غالب وعلمك نافذ، وكيدك غريب ووعدك صادق وقولك حق وحكمك عدل، وكلامك هدى، ووحيك نور، ورحمتك واسعة وعفوك عظيم وفضلك كثير وعطاؤك جزيل، وحبلك متين وإمكانك عتيد وجارك عزيز وبأسك شديد ومكرك مكيد، أنت يارب موضع كل شكوى حاضر كل ملاء وشاهد كل نجوى، منتهى كل حاجة، مفرج كل حزن، غنى كل مسكين، حصن كل هارب أمان كل خائف، حرز الضعفاء، كنز الفقراء، مفرج الغمائم، معين الصالحين، ذلك الله ربنا لا إله إلا هو، تكفي من عبادك من توكل عليك، وأنت جار من لا ذبك وتضرع إليك، عصمة من اعتصم بك، ناصر من انتصر بك، تغفر الذنوب لمن استغفرك، جبار الجبابرة، عظيم العظماء، كبير الكبراء، سيد السادات، مولى الموالى، صريح المستصرخين، منفس عن المكر وبين، مجيب دعوة المضطرين، أسمع السامعين، أبصر الناظرين، أحكم الحاكمين، أسرع الحاسبين، أرحم الراحمين، خير الغافرين، قاضي حوائج المؤمنين، معيذ الصالحين، أنت الله لا إله إلا أنت رب العالمين، أنت الخالق وأنا المخلوق، وأنت المالك وأنا المملوك، وأنت الرب وأنا العبد، وأنت الرازق وأنا المرزوق، وأنت المعطي وأنا السائل، وأنت الجواد وأنا البخيل، وأنت القوي وأنا الضعيف، وأنت العزيز وأنا الدليل، وأنت الغني وأنا الفقير، وأنت السيد وأنا العبد، وأنت الغافر وأنا المسيء، وأنت العالم وأنا الجاهل، وأنت الحليم وأنا العجول، وأنت الرحمن وأنا المرحوم، وأنت المعافي وأنا المبتلى، وأنت المجيب وأنا

المُضْطَرُّ، وَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْمُعْطِي عِبَادَكَ بِلَا سُؤَالٍ، وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْمُتَفَرِّدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَاشْتُرْ عَلَيَّ عُيُوبِي، وَافْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَرِزْقًا وَاسِعًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

منها: دعاء المجير

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ، تَعَالَيْتَ يَا رَحْمَنُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا رَحِيمُ، تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مَلِكُ، تَعَالَيْتَ يَا مَالِكُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسُ، تَعَالَيْتَ يَا سَلَامُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُؤْمِنُ، تَعَالَيْتَ يَا مُهَيِّمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا عَزِيزُ، تَعَالَيْتَ يَا جَبَّارُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُتَكَبِّرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَجَبِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا خَالِقُ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِيءُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُصَوِّرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُقَدِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا هَادِي، تَعَالَيْتَ يَا بَاقِي، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا وَهَّابُ، تَعَالَيْتَ يَا تَوَّابُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا فَتَّاحُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَّاحُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدِي، تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَايَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا قَرِيبُ، تَعَالَيْتَ يَا مُبْدِيءُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا حَمِيدُ، تَعَالَيْتَ يَا مُجِيدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا قَدِيمُ، تَعَالَيْتَ يَا عَظِيمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ، تَعَالَيْتَ يَا شَكُورُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا شَاهِدُ، تَعَالَيْتَ يَا شَهِيدُ، أَجِرْنَا

مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا حَنَّانُ، تَعَالَيْتَ يَا مَنَّانُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا بَاعِثُ، تَعَالَيْتَ يَا وَارِثُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُحْيِي،
تَعَالَيْتَ يَا مُمِيتُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا شَفِيقُ، تَعَالَيْتَ يَا رَفِيقُ، أَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا أَنِيسُ، تَعَالَيْتَ يَا مُؤْنِسُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ، تَعَالَيْتَ يَا جَمِيلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا خَبِيرُ،
تَعَالَيْتَ يَا بَصِيرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا حَفِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا مَلِيٌّ، أَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مَعْبُودُ، تَعَالَيْتَ يَا مُوجُودُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا غَفَّارُ، تَعَالَيْتَ يَا قَهَّارُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مَذْكُورُ،
تَعَالَيْتَ يَا مَشْكُورُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا جَوَادُ، تَعَالَيْتَ يَا مَعَادُ، أَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا جَمَالُ، تَعَالَيْتَ يَا جَلَالُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا سَابِقُ، تَعَالَيْتَ يَا رَازِقُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا صَادِقُ،
تَعَالَيْتَ يَا فَالِقُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا سَمِيعُ، تَعَالَيْتَ يَا سَرِيعُ، أَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا رَفِيعُ، تَعَالَيْتَ يَا بَدِيعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا فَعَّالُ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا قَاضِ،
تَعَالَيْتَ يَا رَاضِ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا قَاهِرُ، تَعَالَيْتَ يَا طَاهِرُ، أَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا عَالِمُ، تَعَالَيْتَ يَا حَاكِمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا دَائِمُ، تَعَالَيْتَ يَا قَائِمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا عَاصِمُ،
تَعَالَيْتَ يَا قَاسِمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا غَنِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا مُغْنِيٌّ، أَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا وَفِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا قَوِيٌّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا كَافٍ، تَعَالَيْتَ يَا شَافٍ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُقَدِّمُ، تَعَالَيْتَ
يَا مُؤَخِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا أَوَّلُ، تَعَالَيْتَ يَا آخِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ
يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا ظَاهِرُ، تَعَالَيْتَ يَا بَاطِنُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَامُجِيرُ. سُبْحَانَكَ

يَا رَجَاءُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَجَى، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْمَنِّ، تَعَالَيْتَ
يَا ذَا الطَّوْلِ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا حَيُّ، تَعَالَيْتَ يَا قَيُّوْمُ، أَجْرُنَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا وَاحِدُ، تَعَالَيْتَ يَا أَحَدُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ
يَا سَيِّدُ، تَعَالَيْتَ يَا صَمَدُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا قَدِيرُ، تَعَالَيْتَ يَا كَبِيرُ،
أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا وَالِي، تَعَالَيْتَ يَا مَتَعَالِي، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا عَلِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا أَعْلَى، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا وَلِيُّ، تَعَالَيْتَ
يَا مَوْلَى، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا ذَارِيَّ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِيَّ، أَجْرُنَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ، تَعَالَيْتَ يَا رَافِعُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ
يَا مُقْسِطُ، تَعَالَيْتَ يَا جَامِعُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُعِزُّ، تَعَالَيْتَ يَا مُدِلُّ،
أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا قَادِرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُقْتَدِرُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا عَلِيمُ، تَعَالَيْتَ يَا حَلِيمُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُعْطِي،
تَعَالَيْتَ يَا مَانِعُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا ضَارُّ، تَعَالَيْتَ يَا نَافِعُ، أَجْرُنَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُجِيبُ، تَعَالَيْتَ يَا حَسِيبُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا عَادِلُ، تَعَالَيْتَ يَا فَاصِلُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا لَطِيفُ،
تَعَالَيْتَ يَا شَرِيفُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا رَبُّ، تَعَالَيْتَ يَا حَقُّ، أَجْرُنَا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مَاجِدُ، تَعَالَيْتَ يَا وَاحِدُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ.
سُبْحَانَكَ يَا عَفُوُّ، تَعَالَيْتَ يَا مُنْتَقِمُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا وَاسِعُ، تَعَالَيْتَ
يَا مُوسِّعُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا رَوْوُفُ، تَعَالَيْتَ يَا عَظُوفُ، أَجْرُنَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا فَرْدُ، تَعَالَيْتَ يَا وَثَرُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ
يَا مُقَيِّتُ، تَعَالَيْتَ يَا مُحِيطُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا وَكِيلُ، تَعَالَيْتَ
يَا عَدْلُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُبِينُ، تَعَالَيْتَ يَا مَتِينُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ
يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا بَرُّ، تَعَالَيْتَ يَا وَدُودُ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا رَشِيدُ،

تَعَالَيْتَ يَا مُرْشِدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا نُورُ، تَعَالَيْتَ يَا مُنَوِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرُ، تَعَالَيْتَ يَا نَاصِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ
يَا صَبُورُ، تَعَالَيْتَ يَا صَابِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُحْصِي، تَعَالَيْتَ
يَا مُنْشِيءُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا سُبْحَانَ، تَعَالَيْتَ يَا دَيَّانُ، أَجِرْنَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا مُغِيثُ، تَعَالَيْتَ يَا غِيَاثُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ
يَا فَاطِرُ، تَعَالَيْتَ يَا حَاضِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ. سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ،
تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَبَرُوتِ وَالْجَلَالِ. سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ،
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

ومنها: ما قاله صاحب المفاتيح رحمته الله في تعليقه عليه ص ٢٦٧: روى أن
رسول الله صلوات الله عليه وآله يقول سبع مرّة: «هذا مقام العائذ بك من النار».

في طبقات جهنم و دركاتها

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٣١٠

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن ابن بكير، عن أبي عبد
الله عليه السلام قال: إن في جهنم لوادياً للمتكبرين يقال له: سقر، شكا إلى الله عز وجل
شدة حرّه وسأله أن يأذن له أن يتنفس فتنفس فأحرق جهنم.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٦٥ عن محمد بن الحسن، عن محمد بن
الحسن الصفار، عن يعقوب بن يزيد عن ابن عمير بعينه سنداً ومتمناً.
ورواه في «تفسير القمي» ج ٢ ص ٢٥١ عن أبيه عن ابن أبي عمير بعينه سنداً
ومتماً.

و رواه في «المحاسن» ص ١٢٣ مرفوعاً عن ابن بكير بعينه متناً.
و رواه في «كتاب الزهد» ص ١٠٣ عن ابن أبي عمير بعينه سنداً ومتناً.
و رواه في «أعلام الدين» ص ٤٠١ عن أبي عبد الله عليه السلام .

٢- من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٦٨

وروي عن حنان بن سدير عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل ﴿ أَنَّهُ
مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا ﴾ قال: هو
وادي في جهنم لو قتل الناس جميعاً كان فيه ولو قتل نفساً واحدة كان فيه.

٣- الخصال ص ٣٥٢

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمه الله قال: حدثني محمد بن يحيى العطار،
عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن إسماعيل بن مهران،
وعلي بن أسباط فيما أعلم، عن بعض رجالهما قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن من
العلماء من يحب أن يخزن علمه ولا يؤخذ عنه، فذاك في الدرك الأول من النار،
ومن العلماء من إذا أعظم أنف وإذا وعظ عنف فذاك في الدرك الثاني من النار،
ومن العلماء من يرى أن يضع العلم عند ذوي الثروة والشرف، ولا يرى له في
المساكين وضعاً فذاك في الدرك الثالث من النار، ومن العلماء من يذهب في علمه
مذهب الجبابرة والسلاطين فإن ردّ عليه شيء من قوله أو قصر في شيء من أمره
غضب فذاك في الدرك الرابع من النار، ومن العلماء من يطلب أحاديث اليهود
والنصارى ليغزروا به ويكثر به حديثه فذاك في الدرك الخامس من النار، ومن
العلماء من يضع نفسه للفتيا ويقول: سلوني ولعلّه لا يصيب حرفاً واحداً والله
لا يحب المتكلفين فذاك في الدرك السادس من النار، ومن العلماء من يتخذ علمه

مروءة وعقلاً فذاك في الدرك السابع من النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣١٠.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٩٧.

ورواه في «روضة الواعظين» ج ١ ص ٧.

٤ - علل الشرايع ص ٢٢٧

حدَّثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق قال: أخبرنا أحمد بن محمد الهمداني عن علي بن الحسن الفضال، عن أبيه، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام قال: من ترك السعي في حوائجه يوم عاشوراء قضى الله له حوائج الدنيا والآخرة، ومن كان يوم عاشوراء يوم مصيبته وحزنه وبكائه يجعل الله عزّ وطجل يوم القيامة يوم فرحه وسروره وقرت بنا في الجنان عنه، ومن سمى يوم عاشوراء يوم بركة وادّخر لمنزله شيئاً لم يبارك له فيما ادّخر وحشر يوم القيامة مع يزيد وعبيد الله ابن زياد وعمر بن سعد (لعنهم الله) إلى أسفل درك من النار.

٥ - عقاب الأعمال ص ٣٠٣

أبي رحمه الله قال: حدَّثني محمد بن يحيى العطار قال: حدَّثني محمد بن أحمد، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن عمرو، عن صالح بن سعيد، عن أخيه سهل الحلواني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: بينا عيسى ابن مريم عليه السلام في سياحته إذ مرّ بقرية فوجد أهلها موتى في الطريق والدور، فقال: إنّ هؤلاء ماتوا بسخطة ولو ماتوا بغيرها تدافنوا، قال: فقال أصحابه: وددنا تعرّفنا قصّتهم، ف قيل له: نادهم يا روح الله، فقال: يا أهل القرية: فأجابه مجيبٌ منهم لبّيك يا روح الله، قال: ما حالكم وما قصّتكم؟ قال: أصبحنا في عافية وبتنا في الهاوية، فقال: ما الهاوية؟ قال: بحار

من نار فيها جبال من النار، قال: وما بلغ بكم ما أرى؟ قال حب الدنيا وعبادة الطاغوت، قال: وما بلغ بكم من حبكم الدنيا؟ قال كحب الصبي لأمه إذا أقبلت فرح، وإذا أدبرت حزن، قال: وما بلغ من عبادتكم الطاغوت؟ قال: كانوا إذا أمرونا أطعناهم، قال: فكيف أجبتني من دونهم، قال: لأنهم ملجمون بلجم من نار، عليهم ملائكة غلاظ شداد وأنني كنت فيهم ولم أكن منهم، فلمّا أصابهم العذاب أصابني معهم، فأنا معلق بشعرة، أخاف أن أكبكب في النار، قال: فقال عيسى عليه السلام لأصحابه: النوم على المزابل وأكل خبز الشعير يسير مع سلامة الدين.

ورواه في «علل الشرايع» ص ٤٦٦ عن أبيه، عن سعد بن عبدالله عن يعقوب بن يزيد بعينه سنداً ومتمناً.



٦- عقاب الأعمال ص ٣٢٣

حدّثني محمد بن الحسن عليه السلام قال: حدّثني محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن عبد الله بن هلال، عن عقبة بن خالد، عن ميسر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنّ في جهنّم لجبالاً يقال له: الصعدى، وإنّ في الصعدى لوادياً يقال له: سقر، وإنّ في سقر لجبّاً يقال له: هيهب، كلّما كشف غطاء ذلك الجبّ ضجّ أهل النار من حرّه، وذلك منازل الجبارين.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٩٧.

ورواه «المحاسن» ص ١٢٣ عن ميسر، عنه عليه السلام بعينه متمناً.

٧- عقاب الأعمال ص ٢٩٤

حدّثني عليّ بن أحمد قال: حدّثني محمد بن جعفر الأسديّ قال: حدّثني موسى بن عمران النخعيّ قال: حدّثني الحسين بن يزيد النوفليّ، عن محمد بن

سنان، عن المفضل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: روي عن المغيرة أنه قال: إذا عرف الرجل ربه ليس عليه وراء ذلك شيء؟ قال: ما له لعنه الله أليس كلما ازداد بالله معرفة فهو أطوع له، فيطيع الله عز وجل من لا يعرفه، إن الله عز وجل أمر محمداً صلى الله عليه وآله وسلم بأمر، وأمر محمد صلى الله عليه وآله وسلم المؤمنين بأمر، فهم عاملون به إلى أن يجيء نهيه، والأمر والنهي عند المؤمن سواء. قال: ثم قال: لا ينظر الله عز وجل إلى عبد ولا يزكّيه إذا ترك فريضة من فرائض الله وارتكب كبيرة من الكبائر، قال: قلت: لا ينظر الله إليه؟ قال: نعم قد أشرك بالله، قال: قلت: أشرك؟ قال: نعم إن الله عز وجل أمر بأمر وأمر إبليس بأمر فترك ما أمر الله عز وجل به وصار إلى ما أمر إبليس به، فهذا مع إبليس في الدرك السابع من النار.



٨- أمالي الصدوق ص ٢٧-٢٩

حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال: حدثنا محمد بن سعيد بن أبي شحمة قال: حدثنا أبو محمد عبد الله بن سعيد بن هاشم القناني البغدادي سنة خمس وثمانين و مائتين قال: حدثنا أحمد بن صالح قال: حدثنا حسان بن عبد الله الواسطي قال: حدثنا عبد الله بن لهيعة عن أبي قبيل عن عبد الله بن عمر قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كان من زهد يحيى بن زكريا عليه السلام - إلى أن قال - وكان زكريا عليه السلام إذا أراد أن يعظ بني إسرائيل يلتفت يمينا وشمالا فإن رأى يحيى عليه السلام لم يذكر الجنة ولا نارا فجلس ذات يوم يعظ بني إسرائيل وأقبل يحيى قد لف رأسه بعباءة فجلس في غمار الناس والتفت زكريا يمينا وشمالا فلم ير يحيى فأنشأ يقول: حدثني حبيبي جبرئيل عن الله تبارك وتعالى إن في جهنم جبلا يقال له السكران في أصل ذلك الجبل وادٍ يقال له: الغضبان لغضب الرحمن تبارك وتعالى في ذلك الوادي جبّ قامته مائة عام في ذلك الجبّ توايت من نار في تلك التوايت صناديق من نار

و ثياب من نار و سلاسل من نار وأغلال من نار فرفع يحيى عليه السلام رأسه فقال: وا غفلتاه من السكران. الحديث.

٩ - المحاسن ص ١٥٢

عنه، عن أبيه، عن حمزة بن عبد الله الجعفري، عن جميل بن درّاج، عن أبي حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين عليهما السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: في الجنة ثلاث درجات، وفي النار ثلاث دركات، فأعلى درجات الجنة لمن أحبنا بقلبه ونصرنا بلسانه ويده، وفي الدرجة الثانية من أحبنا بقلبه ونصرنا بلسانه، وفي الدرجة الثالثة من أحبنا بقلبه، وفي أسفل درك من النار من أبغضنا بقلبه وأعان علينا بلسانه ويده، وفي الدرك الثانية من النار من أبغضنا بقلبه وأعان علينا بلسانه، وفي الدرك الثالثة من النار من أبغضنا بقلبه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ٩٣.

١٠ - المحاسن ص ٩٠

عنه، عن محمد بن حسان السلمي، عن محمد بن جعفر، عن أبيه عليه السلام قال: نزل جبرئيل عليه السلام على النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا محمد، السلام يقرئك السلام ويقول: «خلقت السماوات السبع وما فيهنّ، والأرضين السبع وما عليهنّ، وما خلقت خلقاً أعظم من الركن والمقام، ولو أنّ عبداً دعاني منذ خلقت السماوات والأرضين ثمّ لقيني جاحداً لولاية عليّ لأكبته في سقر.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٥٠ بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن محمد بن حسان بعينه سنداً ومتمناً.

١١ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٢٩

حدّثني أبي، عن ابن أبي عمير، عن سيف بن عميرة يرفعه إلى عليّ بن الحسين عليهما السلام قال: إنّ في جهنّم وادياً يقال له سَعِيرٌ إذا خبت جهنّم فتحت سَعِيرُها وهو قوله: ﴿كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾ أي كلما انطفت. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٩١.

١٢ - تفسير القمّي ج ١ ص ٣٧٦

وفي رواية أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام في قوله ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ فوقوفهم على الصراط ﴿وَأَمَّا لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ﴾ فبلغني والله أعلم أنّ الله جعلها سبع درجات أعلاها: الجحيم يقوم أهلها على الصفا منها تغلي أدمغتهم فيها كغلي القدور بما فيها والثانية: لظى نزاعة للشوى تدعو من أدبر وتولّى وجمع فأوعى والثالثة: سقر لا تبقي ولا تذر لواحة للبشر عليها تسعة عشر، والرابعة: الحطمة ترمي بشرر كالقصر كأنّها جمالات صفر، تدق كلّ من صار إليها مثل الكحل، فلا تموت الروح كلّما صاروا مثل الكحل عادوا، والخامسة: الهاوية فيها ملك يدعون يا مالك أغثنا فإذا أغاثهم جعل لهم آنية من صفر من نار فيها صديد ماء يسيل من جلودهم كأنّه مهل فإذا رفعوه ليشربوا منه تساقط لحم وجوههم فيها من شدة حرّها وهو قول الله ﴿وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ ومن هوى فيها هوى سبعين عاماً في النار كلّما احترق جلده بدل جلد غيره، والسادسة: السعير فيها ثلاث مائة سراق من نار، في كلّ سراق ثلاث مائة قصر من نار، في كلّ قصر ثلاث مائة بيت من نار، وفي كلّ بيت ثلاث مائة لون من عذاب النار، فيها حيّات من نار وعقارب من نار وجوامع من نار وسلاسل وأغلال من نار وهو الذي يقول

الله: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا﴾ والسابعة جهنم وفيها الفلق وهو جبّ في جهنم إذا فتح أسعر النار سعراً وهو أشدّ النار عذاباً، وأمّا صعود، فجبل من صفر من نار وسط جهنم، وأمّا أثاماً فهو وادٍ من صفر مذاب يجري حول الجبل فهو أشدّ النار عذاباً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٨٩.

١٣ - تفسير القمي ج ٢ ص ٤٤٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ قال: الفلق جبّ في جهنم يتعوذ أهل النار من شدة حرّه فسأل الله أن يأذن له أن يتنفس، فأذن له فتنفس فأحرق جهنم قال: وفي ذلك الجبّ صندوق من نار يتعوذ أهل الجبّ من حرّ ذلك الصندوق، وهو التابوت ستة من الأولين وستّة من الآخرين فأما الستّة التي من الأولين، فابن آدم الذي قتل أخاه، ونمرود إبراهيم الذي ألقى إبراهيم في النار، وفرعون موسى، والسامري الذي اتخذ العجل، والذي هود اليهود، والذي نصر النصارى، وأما الستّة التي من الآخرين فهو الأوّل والثاني والثالث والرابع وصاحب الخوارج وابن ملجم لعنهم الله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٩٦.

١٤ - كتاب الزهد ص ١٠٠

الحسن بن محبوب، عن عليّ بن رثاب (رباب) عن أبي عبيدة عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنّ في جهنم لوادياً يقال له: غساق فيه ثلاثون وثلاث مائة قصر في كلّ قصر ثلاثون وثلاث مائة بيت في كلّ بيت ثلاثون وثلاث مائة عقرب في حمة كلّ عقرب ثلاثون وثلاث مائة قلة سمّ لو أن عقرباً منها نضحت (نفخت) سمها

على أهل جهنم لوسعتهم سماً.

ونقله عنه فى «البحار» ج ٨ ص ٣١٤.

١٥ - تفسير عليّ بن إبراهيم القمّي ج ٢ ص ٢٤٢

﴿فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ﴾ قال: الغساق وادٍ فى جهنم فيه ثلاثمائة وثلاثون قصرًا فى كلّ قصر ثلاثمائة بيت فى كلّ بيت أربعون زاوية فى كلّ زاوية شجاع فى كلّ شجاع ثلاثمائة وثلاثون عقرباً فى جمجمة كلّ عقرب ثلاثمائة وثلاثون قلة من سمّ لو أنّ عقرباً منها نضحت سمّها على أهل جهنم لوسعتهم بسمّها. ونقله عنه فى «البحار» ج ٨ ص ٣١٤.



١٦ - جامع الأخبار ص ١٤٩

عن عليّ بن عندليب بن موسى، عن إسماعيل بن سلمان عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله ﷺ: إنّ فى جهنم لوادٍ يستغيث منه أهل النار كلّ يوم سبعين ألف مرّة وفى ذلك الوادي بيت من نار وفى ذلك البيت جبّ من النار وفى ذلك الجبّ تابوت من النار وفى ذلك التابوت حيّة لها ألف رأس وفى كلّ رأس ألف فم فى كلّ فم عشرة آلاف ناب وكلّ ناب ألف ذراع قال أنس قلت: يا رسول الله لمن يكون هذا العذاب؟ قال: لشارب الخمر من حملة القرآن.

فى أنواع عذاب النار

١ - الكافي ج ٣ ص ٣٢٨

عليّ بن محمّد، عن سهل بن زياد، عن يعقوب بن يزيد، عن زياد بن مروان قال: كان أبو الحسن عليه السلام يقول فى سجوده: «أعوذ بك من نار حرّها لا

يطفأ، وأعوذ بك من نار جديدة لا يبلى، وأعوذ بك من نار عطشانها لا يروى، وأعوذ بك من نار مسلوبها لا يكسى.

٢ - الكافي ج ٥ ص ٥٥١ و ٥٥٢

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن إسحاق بن جرير قال: سألتني امرأة أن أستاذن لها على أبي عبد الله عليه السلام فأذن لها فدخلت ومعها مولاة لها، فقال: يا أبا عبد الله قول الله عز وجل: ﴿زيتونة لا شرقية ولا غربية﴾ ما عني بهذا؟ فقال: أيتها المرأة إن الله لم يضرب الأمثال للشجر إنما ضرب الأمثال لبني آدم سلي عما تريدن، فقالت: أخبرني عن اللواتي مع اللواتي ما حدّهنّ فيه؟ قال: حدّ الزنا إنه إذا كان يوم القيامة يؤتى بهنّ قد ألبنن مقطّعات من نار وقنّعن بمقانع من نار وسرولن من النار وادخلن في أجوافهن إلى رؤوسهن أعمدة من نار وقذف بهنّ في النار، الحديث.

ورواه في «المحاسن» ص ١١٣ عن البرقي عن أحمد بن محمد مثله.

٣ - الكافي ج ٥ ص ٥٥٢

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن عمرو بن عثمان، عن يزيد النخعي، عن بشير النبال قال: رأيت عند أبي عبد الله عليه السلام رجلاً فقال له: جعلت فداك ما تقول في اللواتي مع اللواتي؟ فقال له: لا أخبرك حتّى تحلف لتخبرنّ بما أحدثك به النساء قال: فحلف له، قال: فقال: هما في النار وعليهما سبعون حلّة من نار فوق تلك الحلل جلد جاف غليظ من نار، عليهما نطاқан من نار وتاجان من نار فوق تلك الحلل وخفّان من نار وهما في النار.

٤ - المحاسن ص ١٠٧

يحيى بن المغيرة، عن حفص، عن زيد بن عليّ قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا كان يوم القيامة أهبط الله ريحاً منتنة يتأذى بها أهل الجمع حتى إذا همّت أن تمسّك بأنفاس الناس ناداهم مناد هل تدرون ما هذه الريح التي قد آذتكم؟ فيقولون: لا فقد آذتنا وبلغت منا كلّ المبلغ، فيقال: هذه ريح فروج الزناة الذين لقوا الله بالزناء ثمّ لم يتوبوا، فالعنوهم لعنهم الله، قال: فلا يبقى في الموقف أحد إلا قال: اللهمّ العن الزناة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٧.

٥ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٩ - ٢

روي عن شعيب بن واقد، عن الحسين بن زيد، عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه، عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن الأكل على الجنابة - إلى أن قال - وقال عليه السلام من شهد شهادة زور على أحد من الناس علّق بلسانه مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار. الحديث.

٦ - عقاب الأعمال ص ٢٩٥ وأمالى الصدوق ص ٥٨١

حدّثني عليّ بن أحمد قال: حدّثني محمد بن جعفر قال: حدّثني موسى بن عمران قال: حدّثني الحسين بن يزيد قال: حدّثني حفص بن غياث، عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أربعة يؤذون أهل النار على ما بهم من الأذى، يسقون من الحميم والجحيم، ينادون بالويل والثبور، فيقول أهل النار بعضهم لبعض: ما بال هؤلاء الأربعة قد آذونا على ما بنا من الأذى، فرجل معلق

عليه تابوت من جمر، ورجل يجرّ أمعاؤه، ورجل يسيل فوه قيحاً ودماً، ورجل يأكل لحمه، فيقال لصاحب التابوت: ما بال الأبعد قد آذانا على ما بنا من الأذى؟ فيقول: إنّ الأبعد مات وفي عنقه أموال الناس لم يجد لها في نفسه أذاءً [ولا مخلصاً] ولا وفاءً، ثمّ يقال للذي يجرّ أمعاؤه: ما بال الأبعد قد آذانا على ما بنا من الأذى؟ فيقول: إنّ الأبعد كان لا يبالي أين أصاب البول من جسده، ثمّ يقال للذي يسيل فوه قيحاً ودماً: ما بال الأبعد قد آذانا على ما بنا من الأذى؟ فيقول: إنّ الأبعد كان يحاكي، فينظر إلى كلّ كلمة خبيثة فيفسد بها ويحاكي بها، ثمّ يقال للذي يأكل لحمه: ما بال الأبعد قد آذانا على ما بنا من الأذى؟ فيقول: إنّ الأبعد كان يأكل لحوم الناس بالغيبة ويمشي بالنميمة.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ٢٨١.



٧ - عقاب الأعمال ص ٢٥٧

حدّثني محمّد بن الحسن عليه السلام قال: حدّثني محمّد بن الحسن الصفّار عن إبراهيم بن هاشم، عن عثمان بن عيسى، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ في النار منزلةً لم يكن يستحقّها أحد من الناس إلّا بقتل الحسين بن عليّ صلوات الله عليهما ويحيى بن زكريّا ٧.

٨ - عقاب الأعمال ص ٢٥٢

روى بإسناده عن الحارث عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: إنّ أرواح القدرية يعرضون على النار غدوّاً وعشيّاً حتّى تقوم الساعة فإذا قامت الساعة عذبوا مع أهل النار بألوان العذاب فيقولون: يا ربّنا عذبنا خاصّةً وتعذبنا عامّةً فيردّ عليهم «ذوقوا مسّ سقر. إنّنا كلّ شيء خلقناه بقدر».

٩ - عقاب الأعمال ص ٢٥٥

حدّثني محمّد بن الحسن عليه السلام عنه قال: حدّثني محمّد بن الحسن الصّفّار، عن العباس بن معروف، عن الحسن المحبوب، عن حنان بن سدير قال: حدّثني رجلٌ من أصحاب أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: إنّ أشدّ الناس عذاباً يوم القيامة لسبعة نفر أوّلهم ابن آدم الذي قتل أخاه، ونمرود الذي حاجّ إبراهيم في ربّه، واثنان في بني إسرائيل هوّدا قومهما ونصّراهما، وفرعون الذي قال: «أنا ربّكم الأعلى» واثنان من هذه الأمّة أحدهما شرّهما في تابوت من قوارير تحت الفلق في بحار من نار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣١٣.

ورواه في «الخصال» ص ٣٤٦ بعينه سنداً وممتناً، لكنّه ذكر الحديث إلى قوله: أحدهما شرّهما إلخ.

١٠ - عقاب الأعمال ص ٢٥٥

أبي عليه السلام قال: حدّثني سعد بن عبد الله، عن محمّد بن عيسى، عن محمّد بن عبد الرحمن، عن محمّد بن سنان، عن أبي الجارود قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أخبرني بأوّل من يدخل النار، قال: إبليس ورجلٌ عن يمينه ورجل عن يساره.

١١ - عقاب الأعمال ص ٢٧٨

أبي عليه السلام قال: حدّثني سعد بن عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن محمّد بن أبي عمير، عن عبد الله بن مسكان، عن محمّد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ فقال: ما من عبد منع

زكاة ماله شيئاً إلا جعل الله ذلك [له] يوم القيامة ثعباناً من نار طوقاً في عنقه ينهش من لحمه حتى يفرغ من الحساب، وهو قوله عز وجل: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ قال: ما بخلوا به من الزكاة.

ورواه في «من لا يحضره الفقيه» ج ٢ ص ٦ عن محمد بن مسلم لكنه من قوله ﷺ: ما من عبد منع... إلخ.

١٢ - عقال الأعمال ص ٢٧٩

حدثني محمد بن الحسن رحمه الله عنه قال: حدثني محمد بن الحسن الصفار، عن أيوب بن نوح، عن ابن سنان، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إن الله عز وجل يبعث يوم القيامة ناساً من قبورهم، مشدودة أيديهم إلى أعناقهم، لا يستطيعون أن يتناولوا بها قيس أنملة، معهم ملائكة يعيرونهم تعبيراً شديداً ويقولون: هؤلاء الذين ضيّعوا خيراً قليلاً من خير كثير، هؤلاء الذين أعطاهم الله عز وجل فمنعوا حق الله عز وجل في أموالهم.

١٣ - أبي رحمه الله قال: حدثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه، عن خلف بن حماد، عن حريز قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ما من ذي مال ذهب ولا فضة يمنع زكاة ماله إلا حبسه الله يوم القيامة بقاع قرقر وسلط عليه شجاعاً أقرع يريد به وهو يحيد عنه، فإذا رأى أنه لا يتخلص منه وأمكنه من يده فقضمها كما يقضم الفجل حتى يصير طوقاً في عنقه وذلك قول الله عز وجل: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ وما من ذي مال إبل أو بقر أو غنم يمنع زكاة ماله إلا حبسه الله يوم القيامة بقاع قرقر، يطأه كل ذي ظلف بظلفها، وينهشه كل ذي ناب بنابها. الخبر.

ورواه في «من لا يحضره الفقيه» ج ٢ ص ٥ عن حريز بعينه متناً.

١٤ - أمالي الصدوق ص ٥٥٧

وبهذا الإسناد عن الحسن بن عليّ بن أبي حمزة، عن إسماعيل بن دينار، عن عمرو بن ثابت، عن أبي جعفر محمد بن عليّ الباقر عليه السلام قال: إنّ أهل النار يتعاونون فيها كما يتعاونى الكلاب والذئاب ممّا يلقون من ألم «أليم» العذاب ما ظنّك يا عمرو بقوم لا يقضى عليهم فيموتوا ولا يخفف عنهم من عذابها عطاش فيها جياع كليلّة أبصارهم صمّ بكم عمي مسودة وجوههم خاسئين فيها نادمين مغضوب عليهم فلا يرحمون ومن العذاب فلا يخفف عنهم وفي النار يسجرون ومن الحميم يشربون ومن الزقوم يأكلون وبكلائب النار يحطمون وبالمقامع يضربون والملائكة الغلاظ الشداد لا يرحمون وهم «فهم» في النار يسحبون على وجوههم ومع الشياطين يقرنون وفي الأنكال والأغلال يصفدون إن دعوا لم يستجب لهم وإن سألوا حاجة لم تقض لهم هذه حال من دخل النار. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٨١.

١٥ - الخصال ص ٢٩٦

حدّثنا أبي عليه السلام قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميري، قال: حدّثني هارون بن مسلم، عن مسعدة بن زياد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام أنّ عليّاً عليه السلام قال: إنّ في جهنّم رحي تطحن خمساً أفلا تسألون ما طحنها؟ فقل له: فما طحنها يا أمير المؤمنين؟ قال: العلماء الفجرة، والقراء الفسقة، والجبابرة الظلمة، والوزراء الخونة، والعرفاء الكذبة. وإنّ في النار لمدينة يقال لها: الحصينة أفلا تسألوني ما فيها؟ فقل: وما فيها يا أمير المؤمنين؟ فقال: فيها أيدي الناكثين. ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٠٢ عن محمد بن عليّ ماجيلويه عن عمّه عن هارون بن مسلم بعينه سنداً ومتناً.

١٦ - معاني الأخبار ص ٢٢٧

أبي عليه السلام قال: حدّثنا محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي، الكوفي، عن عثمان بن عيسى، عن معاوية بن وهب قال: كنّا عند أبي عبد الله عليه السلام فقرأ رجل: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ فقال الرجل: وما الفلق؟ قال: صدع في النار فيه سبعون ألف دار، في كلّ دار سبعون ألف بيت، في كلّ بيت سبعون ألف أسود، في جوف كلّ أسود سبعون ألف جرّة سمّ لا بدّ لأهل النار أن يمرّوا عليها.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٧٨.

١٧ - عيون الأخبار ج ٢ ص ١٠

حدّثنا عليّ بن عبد الله الوراق رحمته الله قال: حدّثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن سهل بن زياد الأدمي، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني، عن محمد بن عليّ الرضا، عن أبيه الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن عليّ، عن أبيه عليّ بن الحسين، عن أبيه الحسين بن عليّ، عن أبيه أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: دخلت أنا وفاطمة على رسول الله صلى الله عليه وآله، فوجدته يبكي بكاءً شديداً فقلت: فداك أبي وأُمّي يا رسول الله ما الذي أبكاك؟ فقال: يا عليّ ليلة أُسري بي إلى السماء رأيت نساء من أُمّتي في عذاب شديد، فأنكرت شأنهنّ، فبكيت لما رأيت من شدّة عذابهنّ، ورأيت امرأة معلقة بشعرها يغلى دماغ رأسها ورأيت امرأة معلقة بلسانها والحميم يصب في حلقها ورأيت امرأة معلقة بشديها ورأيت امرأة تأكل لحم جسدها والنار توقد من تحتها، ورأيت امرأة قد شدّ رجلاها إلى يديها وقد سلط عليها الحيّات والعقارب، ورأيت امرأة صماء عمياء خرساء في تابوت من نار يخرج دماغ رأسها من منخرها وبدنها متقطع من الجذام والبرص، ورأيت امرأة معلقة برجليها في تنور من نار،

ورأيت امرأة تقطع لحم جسدها من مقدمها ومؤخرها بمقاريض من نار ورأيت امرأة يحرق وجهها ويدها وهي تأكل أمعائها ورأيت امرأة رأسها رأس الخنزير وبدنها بدن الحمار وعليها ألف ألف لون من العذاب، ورأيت امرأة على صورة الكلب و لنار تدخل في دبرها وتخرج من فيها والملائكة يضربون رأسها وبدنها بمقامع من نار فقالت فاطمة عليها السلام: حبيبي وقرّة عيني أخبرني ما كان عملهنّ وسيرتهنّ حتّى وضع الله عليهنّ هذا العذاب؟

فقال: يا بنيتي أمّا المعلقة بشعرها فإنّها كانت لا تغطي شعرها من الرجال.

وأمّا المعلقة بلسانها فإنّها كانت تؤذي زوجها.

وأمّا المعلقة بثديها فإنّها كانت تمتنع من فراش زوجها.

وأمّا المعلقة برجليها فإنّها كانت تخرج من بيتها بغير إذن زوجها.

وأمّا التي كانت تأكل لحم جسدها فإنّها كانت تزين بدنّها للناس.

وأمّا التي شدّ يداها إلى رجليها وسلّط عليها الحيّات والعقارب، فإنّها كانت قدرة الوضوء قدرة الثياب وكانت لا تغتسل من الجنابة والحيض ولا تنتظف وكانت تستهين بالصلاة.

وأمّا الصمّاء العمياء الخرساء، فإنّها كانت تلد من الزناء فتعلقه في عنق زوجها.

وأمّا التي كانت تقرض لحمها بالمقاريض، فإنّها كانت تعرض نفسها على الرجال.

وأمّا التي كانت تحرق وجهها وبدنها وهي تأكل أمعاءها، فإنّها كانت قوادة.
وأمّا التي كان رأسها رأس الخنزير وبدنها بدن الحمار، فإنّها كانت نمّامة كذّابة.

وأمّا التي كانت على صورة الكلب والنار تدخل في دبرها وتخرج من فيها،

فإنها كانت قينة نواحة حاسدة.

ثم قال عليه السلام: ويل لامرأة أغضبت زوجها وطوبى لامرأة رضي عنها زوجها.

١٨ - كتاب الزهد ص ١٠١

الحسن بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن زيد بن علي، عن آبائه، عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن ناركم هذه لجزء من سبعين جزء من نار جهنم ولقد أطفئت سبعين مرة بالماء ثم التهبت ولولا ذلك لما استطاع آدمي أن يطبقها (يطفأها خ ل) إذا التهبت وإنه ليؤتى بها يوم القيامة حتى توضع على النار فتصرخ صرخة «ما» لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل إلا جثا على ركبته (الركبته) فزعاً من صرختها.

ورواه في «تفسير القمي» عن أبي عبد الله عليه السلام مثله.
ونقله عنهما في «البحار» ج ٨ ص ١٤١.

١٩ - تفسير القمي ج ١ ص ١٤١

وقوله ﴿كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ ف قيل لأبي عبد الله عليه السلام كيف تبدل جلود غيرها؟ قال: رأيت لو أخذت لبنة فكسرتها وصيرتها تراباً ثم ضربتها في القالب أهي التي كانت، إنما هي ذلك وحدث تفسيراً آخر والأصل واحد.
ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٨٨.

٢ - تفسير القمي ج ٢ ص ٢٥٧

حدّثني أبي، عن ابن أبي عمير، عن منصور بن يونس، عن أبي عبد الله عليه السلام

قال: إنَّ فى النار لئاراً يتعوذ منها أهل النار ما خلقت إلّا لكلّ متكبرّ جبّار عنيد و لكلّ شيطان مريد ولكلّ متكبرّ لا يؤمن بيوم الحساب ولكلّ ناصب العداوة لآل محمد، وقال: إنَّ أهون الناس عذاباً يوم القيامة لرجل فى ضحضاح من نار عليه نعلان من نار و شراكان من نار يغلي منها دماغه كما يغلي المرجل، ما يرى أنّ فى النار أحداً أشدّ عذاباً منه وما فى النار أحداً أهون عذاباً منه.
ونقله عنه فى «البحار» ج ٨ ص ٢٩٥.

٢١ - تفسير القمّي ج ٢ ص ١٧٠

قال عليّ بن إبراهيم فى قوله: ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا﴾ قال: إنَّ جهنم إذا دخلوها هبوا فيها مسيرة سبعين عاماً فإذا بلغوا أسفلها زفرت بهم جهنم، فإذا بلغوا أعلاها قمعوا بمقامع الحديد فهذه حالهم.

ونقله عنه فى «البحار» ج ٨ ص ٢٩٢.

٢٢ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ٢٢٣

عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه إذا كان يوم القيامة يؤتى بإبليس فى سبعين غلاً وسبعين كبلاً فينظر الأوّل إلى زفر فى عشرين ومائة كبل وعشرين ومائة غلّ فينظر إبليس فيقول: من هذا الذي أضعفه الله له العذاب وأنا أغويت هذا الخلق جميعاً؟ فيقال: هذا زفر، فيقول ز بما حدّد له هذا العذاب؟ فيقال: ببغيه على عليّ عليه السلام فيقول له إبليس: ويل لك وثبور لك، أما علمت أنّ الله أمرني بالسجود لآدم فعصيته، وسألته أن يجعل لي سلطاناً على محمد وأهل بيته وشيعته فلم يجبني إلى ذلك، وقال: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» وما

عرفتهم حين استنأهم إذ قلت: ﴿وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾ فمنتك به نفسك غروراً فتوقف بين يدي الخلائق فقال له: ما الذي كان منك إلى عليّ وإلى الخلق الذي اتبعوك على الخلاف؟ فيقول الشيطان - وهو زفر - لإبليس: أنت أمرتني بذلك، فيقول له إبليس: فلم عصيت ربك وأطعتني؟ فيرد زفر عليه ما قال الله: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ﴾ إلى آخر الآية.

٢٣ - تفسير العياشي ج ٢ ص ٢٢٣

عن مسعدة بن صدقة، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنَّ أهل النار لما غلب الزقوم والضريع في بطونهم كغلي الحميم سألوا الشراب، فأتوا بشراب غساق وصدید يتجرّعه ولا يكاد يسيغه ويأتيه الموت من كلّ مكان وما هو بميت، ومن ورائه عذاب غليظ، وحميم يغلي به جهنم منذ خلقت كالمهل يشوي الوجوه، بئس الشراب وساءت مرتفقاً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٠٢.

٢٤ - مصباح المتجّد ص ٧٧ - ٧٦

وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَدْعُوَ بِدُعَاءِ الْعَشْرَاتِ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ وَأَفْضَلُهُ بَعْدَ الْعَصْرِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَهُوَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ آثَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي

الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبَرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ، الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ الْمُهِيمِ الْعَزِيزِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ، سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى، سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَلَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَخَيْرٍ وَبَرَكَهٍ وَعَافِيَةٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَخَيْرَكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَافِيَتَكَ بِنِجَاةٍ مِنَ النَّارِ، وَارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَعَافِيَتَكَ وَفَضْلَكَ وَكَرَامَتَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْتُ وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيََاءَكَ وَرُسُلَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِيكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُحْيِي وَتُمِيتُ وَتُمِيتُ وَتُحْيِي، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا حَقًّا وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ هُمُ الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ الْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ الضَّالِّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ، وَأَنَّهُمْ أَوْلِيَاؤُكَ الْمُصْطَفَوْنَ وَحِزْبُكَ الْغَالِبُونَ وَصَفْوَتُكَ وَخَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَنُجَبَاؤُكَ الَّذِينَ انتَجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ

حَتَّى تُلَقِّنِيهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ.
 اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهُ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ
 لَكَ السَّمَاءُ كَنَفِيهَا وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا أَبَدًا
 لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَفَادَ، وَلَكَ يَنْبَغِي وَإِلَيْكَ يَنْتَهِي فِيَّ وَعَلَيَّ وَلَدَيَّ وَمَعِيَ وَقَبْلِي
 وَبَعْدِي وَأَمَامِي وَفَوْقِي وَتَحْتِي وَإِذَا مِتُّ وَبَقِيتُ فَرْدًا وَحِيدًا ثُمَّ فَنِيتُ، وَلَكَ الْحَمْدُ
 إِذَا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ، اللَّهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى
 جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
 عَلَى كُلِّ أَكْلَةٍ وَشَرْبَةٍ وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ وَفِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
 خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
 لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَجْرَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
 حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ،
 وَلَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَلَكَ
 الْحَمْدُ، مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ، وَلَكَ
 الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ وَفِي الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَائِمَ الْمَجْدِ،
 وَلَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ
 عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَمُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ مُبَدِّلَ
 السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَجَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَقَابِلَ
 التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقَابِ ذَا الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ
 إِذَا يَغْشَى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَلَكَ
 الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَمَلَكٍ فِي السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّرَى وَالْحَصَى وَالنَّوَى
 وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبَحَارِ، وَلَكَ
 الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَاقِ الْأَشْجَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي وَجْهِ الْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

مَا أَحْصَى كِتَابُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَالْهَوَامِّ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالسَّبَّاحِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ.

ثُمَّ تَقُولُ عَشْرًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. ويقول عَشْرًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وتقول عَشْرًا: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. وتقول عَشْرًا: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ. وتقول عَشْرًا: يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ. وتقول عَشْرًا: يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ. وتقول عَشْرًا: يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. وتقول عَشْرًا: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. وتقول عَشْرًا: يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ. وتقول عَشْرًا: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ. وتقول عَشْرًا: يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. وتقول عَشْرًا: يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. وتقول عَشْرًا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وتقول عَشْرًا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وتقول عَشْرًا: اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ. وتقول عَشْرًا: آمِينَ آمِينَ. وتقول عَشْرًا: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِلَى آخِرِهِ.

وتقول بعد ذلك عَشْرًا: اللَّهُمَّ اصْنَعْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَصْنَعْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا فَارْحَمْنِي يَا مَوْلَايَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. وتقول عَشْرًا: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا.

وتقول من غير الدعاء: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ لَيْلَتِي هَذِهِ وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ لَيْلَتِي هَذِهِ وَشَرِّ مَا فِيهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَكْتُبَ عَلَيَّ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَكَفِّنِي خَطِيئَتَهَا وَإِثْمَهَا وَأَعْطِنِي يُمْنَهَا وَبَرَكَتَهَا وَنُورَهَا اللَّهُمَّ نَفْسِي خَلَقْتَهَا وَبِيَدِكَ حَيَاتُهَا وَمَوْتُهَا، اللَّهُمَّ فَإِنْ أُمْسَكَتَهَا فَإِلَى رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةِ وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لَهَا وَارْحَمْهَا.

وقل: رَبِّي اللَّهُ، حَسْبِيَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، أَشْهَدُ وَأَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، إِلَهِي أُمْسِ خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآمِنِّي فَإِنَّكَ لَا تَخْذُلُ مَنْ آمَنَتْهُ، إِلَهِي أُمْسِ جَهْلِي مُسْتَجِيرًا بِحِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعُدْ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ وَفَضْلِكَ، إِلَهِي أُمْسِ فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْهَنِيِّ الْمَرِيِّ، إِلَهِي أُمْسِ ذَنْبِي مُسْتَجِيرًا بِمَغْفِرَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْمًا لَا تُغَادِرُ لِي ذَنْبًا وَلَا أَرْتَكِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّمًا، إِلَهِي أُمْسِ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِزَّنِي عِزًّا لَا ذُلَّ بَعْدَهُ أَبَدًا، إِلَهِي أُمْسِ ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا بِقُوَّتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي، إِلَهِي أُمْسِ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَفْنَى فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجِرْنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَمِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْيُسْرُ وَالْعَافِيَةُ وَالنَّجَاحُ وَالرِّزْقُ الْكَثِيرُ الطَّيِّبُ الْحَلَالُ الْوَاسِعُ، اللَّهُمَّ بَصِّرْنِي سَبِيلَهُ وَهَيِّئْ لِي مَخْرَجَهُ وَمَنْ قَدَّرْتَ لِحَلْقِكَ عَلَيَّ مَقْدَرَةً بِسُوءٍ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخُذْهُ عَنِّي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ وَالْجَمَّ لِسَانَهُ وَقَصِّرْ يَدَهُ وَأَخْرِجْ صَدْرَهُ وَامْنَعُهُ مِنْ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ أَوْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِي وَمَنْ يَغْنِينِي أَمْرُهُ أَوْ شَيْءٌ مِمَّا خَوَّلْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَأَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ

قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ بِسُوءٍ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَخَلْقُهُ بِالْمَنْزِلِ الْأَدْنَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَرْضَ عَنِّي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَرْحَمَنِي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تُبِّ عَلَيَّ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَرْزُقْنِي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَفْضُلْ عَلَيَّ بِقَضَاءِ حَوَائِجِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

مِمَّا وَرَدَ مِنْ أَنَّ لَجَهَنَّمَ سَبْعَةَ أَبْوَابَ

يَدْخُلُ فِي كُلِّ وَاحِدٍ قَوْمٌ خَاصٌّ



مركز تحقيقات كافي في علوم اسلامی

١- أمالي الصدوق ص

حدَّثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رحمته الله قال: حدَّثنا محمد بن أبي إسحاق «محمد بن إسحاق» بن أحمد الليثي قال: حدَّثنا محمد بن الحسين الرازي قال: حدَّثنا أبو حسين علي بن محمد بن علي المفتي قال: حدَّثنا الحسن بن محمد المروزي عن أبيه عن يحيى بن عيَّاش قال: حدَّثنا علي بن عاصم قال: حدَّثنا أبو هارون العبدي، عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا إنَّ رجب شهر الله الأصم وهو شهر عظيم - إلى أن قال - من صام من رجب سبعة أيَّام فإنَّ لجهنَّمَ سبعة أبواب يغلق الله عنه بصوم كلِّ يوم باباً من أبوابها وحرم الله عزَّ وجلَّ جسده على النار.

ورواه في «فضائل الأشهر الثلاثة» ص ٢٦ عن محمد بن إسحاق بن أحمد الليثي، لكنّه ذكر بدل «أبو حسين»: «أبو الحسن» وبدل «يحيى بن عيَّاش»: «يحيى بن عبَّاس».

٢ - الخصال ص ٣٦١

حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان قال: حدّثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان قال: حدّثنا بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدّثني محمّد بن عبد الله قال: حدّثني عليّ بن الحكم، عن أبان بن عثمان، عن محمّد بن الفضيل الرزقي، عن أبي عبد الله، عن أبيه، عن جدّه عليه السلام قال: للنار سبعة أبواب: باب يدخل منه فرعون وهامان وقارون، وباب يدخل منه المشركون والكفار ممّن لم يؤمن بالله طرفة عين، وباب يدخل منه بنو أميّة هو لهم خاصّة، لا يزاحمهم فيه أحد، وهو باب لظى، وهو باب سقر، وهو باب الهاوية تهوي بهم سبعين خريفاً وكلّما هوى بهم سبعين خريفاً فار بهم فورة قذف بهم في أعلاها سبعين خريفاً ثمّ تهوي بهم كذلك سبعين خريفاً فلا يزالون هكذا أبداً خالدين مخلّدين، وباب يدخل منه مبغضونا ومحاربونا وخاذلونا وأنّه لأعظم الأبواب وأشدّها حرّاً. قال محمّد بن الفضيل الرزقي: فقلت لأبي عبد الله عليه السلام: الباب الذي ذكرت عن أبيك عن جدّك عليه السلام أنّه يدخل منه بنو أميّة يدخله من مات منهم على الشرك أو من أدرك منهم الإسلام؟ فقال: لا أمّ لك، ألم تسمعه يقول: وبابٌ يدخل منه المشركون والكفار فهذا الباب يدخل فيه كلّ مشرك وكلّ كافر لا يؤمن بيوم الحساب وهذا الباب الآخر يدخل منه بنو أميّة لأنّه هو لأبي سفيان ومعاوية وآل مروان خاصّة يدخلون من ذلك الباب فتحطّمهم النار حطماً لا تسمع لهم فيها واعيّة، ولا يحيون فيها ولا يموتون. ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٨٥.

فيما هو المكتوب على أبواب جهنّم

١ - مناقب فضل بن شاذان ص ١٥٣ - ١٥١

وبالإسناد، يرفعه إلى ابن مسعود أنّه قال: قال رسول الله ﷺ: لمّا اسرى بي إلى السماء قال لي جبرئيل عليه السلام: قد أمرت بعرض الجنّة والنار عليك، قال:

منها: شرب النبيذ على أنه حلال ٤٢٣

فرأيت - إلى أن قال - ثم رأيت أبواب جهنم، فإذا على الباب الأول منها مكتوب ثلاث كلمات وهي: من رجا الله سعد ومن خاف الله تعالى أمن والهالك المغرور من رجا غير الله وخاف سواه.

وعلى الباب الثاني مكتوب ثلاث كلمات: من أراد أن لا يكون عرياناً يوم القيامة فليكس الجلود العارية في الدنيا. ومن أراد أن لا يكون عطشاناً يوم القيامة فليسق العطشان في الدنيا. ومن أراد أن لا يكون يوم القيامة جائعاً في القيامة فليطعم البطون الجائعة في الدنيا.

وعلى الباب الثالث مكتوب ثلاث كلمات: لعن الله الكاذبين، لعن الله الباخلين، لعن الله الظالمين.

وعلى الباب الرابع مكتوب ثلاث كلمات: أذل الله من أهان الإسلام. أذل الله من أهان أهل بيت النبي. لعن الله من أعان الظالمين على ظلم المخلوقين.

وعلى الباب الخامس مكتوب ثلاث كلمات: لا تتبع الهوى، فإن الهوى بجانب الإيمان، ولا تكثر منطقتك فيما لا يعنك، فتنقط من رحمة الله، ولا تكن عوناً للظالمين.

وعلى الباب السادس مكتوب: أنا حرام على المجتهدين، أنا حرام على الصائمين.

وعلى الباب السابع مكتوب ثلاث كلمات: حاسبوا أنفسكم قبل أن تحاسبوا، ووبّخوا أنفسكم قبل أن توبّخوا، أدعو الله عز وجل قبل أن تردّوا عليه ولا تقدرون على ذلك.

جملة مما ورد أنه يوجب الخلود في النار

منها: شرب النبيذ على أنه حلال

١ - الكافي ج ٦ ص ٣٩٨

الحسين بن محمد، عن جعفر بن محمد، عن محمد بن الحسين، عن عليّ

الصوفي، عن خضر الصيرفي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من شرب النبيذ على أنه حلال خلّد في النار، ومن شربه على أنه حرام عذب في النار. منها: الزنا، وأنّ للزاني خمس أو ستّ خصال.

٢ - الكافي ج ٥ ص ٥٤٢

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن حمّاد بن عيسى، عن حريز بن عبد الله، عن الفضيل، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: في الزنا خمس خصال: يذهب بماء الوجه ويورث الفقر وينقص العمر ويسخط الرحمن ويخلّد في النار، نعوذ بالله من النار.



٣ - الكافي ج ٥ ص ٥٤١

عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن جعفر بن محمّد الأشعري، عن عبد الله بن ميمون القدّاح، عن أبي عبد الله، عن أبيه عليه السلام قال: للزاني ستّ خصال ثلاث في الدنيا وثلاث في الآخرة، أمّا التي في الدنيا - إلى أن قال - وأمّا التي في الآخرة فسخط الربّ وسوء الحساب والخلود في النار.

ورواه في «من لا يحضره الفقيه» ج ٣ ص ٣٧٥ عن عبد الله بن ميمون. ورواه في «الخصال» ص ٣٢١ عن محمّد بن عليّ ماجيلويه، عن عمّه محمّد بن أبي القاسم، عن محمّد بن عليّ الكوفي، عن ابن فضال عن عبد الله بن ميمون بعينه متنّاً.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣١١ عن محمّد بن عليّ بن ماجيلويه بعينه سنداً ومتناً.

ورواه في «المحاسن» ص ١٠٦ عن البرقي عن محمّد به عليّ بعينه سنداً ومتناً.

٤ - الخصال ص ٣٢٠

أخبرنا أبو العباس الفضل بن الفضل الكندي بهمدان منصرفي من الحج قال: أخبرنا أبو الحسن أحمد بن سعيد الدمشقي قال: حدثنا هشام بن عمار قال: حدثنا مسلمة بن علي، عن الأعمش، عن شقيق، عن حذيفة بن اليمان قال: قال رسول الله ﷺ: يا معشر المسلمين إياكم والزنا فإن فيه ست خصال، ثلاث في الدنيا وثلاث في الآخرة، فأما التي في الدنيا فإنه يذهب بالبهاء، ويورث الفقر، وينقص العمر، وأما التي في الآخرة فإنه يوجب سخط الرب وسوء الحساب والخلود في النار. ثم قال النبي ﷺ: «سوّلت لهم أنفسهم أن سخط الله عليهم وفي العذاب هم خالدون».

٥ - حدثنا محمد بن علي بن الشاه قال: حدثنا أبو حامد قال: حدثنا أبو يزيد قال: حدثنا محمد بن أحمد بن صالح التميمي، عن أبيه قال: حدثنا أنس بن محمد أبو مالك عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه، عن علي بن أبي طالب عليه السلام عن النبي ﷺ أنه قال في وصيته له: يا علي في الزنا ست خصال: ثلاث منها في الدنيا وثلاث في الآخرة، فأما التي في الدنيا فيذهب بالبهاء، ويعجل الفناء، ويقطع الرزق، وأما التي في الآخرة فسوء الحساب، وسخط الرحمن، والخلود في النار.

ورواه في «من لا يحضره الفقيه» ج ٤ ص ٢٦٦ في وصية النبي ﷺ لعلي عليه السلام عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد جميعاً عن جعفر بعينه متناً.

٦ - علل الشرايع ص ٤٧٩

أخبرني علي بن حاتم قال: حدثنا أبو محمد النوفلي قال: حدثنا أحمد بن هلال عن علي بن أسباط عن ابن إسحاق الخراساني عن أبيه: إن علياً عليه السلام قال:

إيّاكم والزنا فإنّ فيه ستّ خصال، ثلاث في الدنيا وثلاث في الآخرة فأما اللواتي في الدنيا، فيذهب بالبهاء ويقطع الرزق الحلال ويعجل الفناء إلى النار، وأما اللواتي في الآخرة فسوء الحساب وسخط الرحمان والخلود في النار.

منها: عداوة عليّ عليه السلام، والشكّ فيه يوجب الخلود في النار

١ - أمالي الطوسي ص ١٨٨

أخبرنا محمد بن محمد، قال: أخبرني أبو الحسن أحمد بن محمد بن الحسن، قال: حدّثني أبي، عن سعد بن عبد الله، قال: حدّثنا عبد الله بن هارون قال: حدّثنا محمد بن عبد الرحمن العزمي، قال حدّثني المعلّى بن هلال، عن الكلبي، عن أبي صالح، عن ابن عبّاس، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: أعطاني الله خمساً، وأعطى علياً خمساً - إلى أن قال - يا بن عبّاس، لا تشكّ في عليّ، فإنّ الشكّ فيه يخرج عن الإيمان ويوجب الخلود في النار.

١٢ - كتاب الزهد ص ٩٦

عثمان بن عيسى عن ابن مسكان عن أبي بصير قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: إنّ قوماً يحرقون في (با) النار حتّى إذا صاروا (حميماً) حمماً أدركتهم الشفاعة قال: فينطلق بهم إلى نهر يخرج من رشح أهل الجنّة فيغتسلون فيه فتنبت لحومهم ودماءؤهم وتذهب عنهم قشف النار ويدخلون الجنّة فيسمون الجهنّميون (الجهنّميّين خ ل) فينادون بأجمعهم: اللهمّ أذهب عنا هذا الاسم قال: فيذهب عنهم ثمّ قال: يا أبا بصير إنّ أعداء عليّ هم خالدون في النار لا تدركهم الشفاعة.

منها: من اغتاب مؤمناً بما فيه

١ - جامع الأخبار ص ١٤٦

قال صلى الله عليه وآله: من اغتاب مؤمناً بما فيه لم يجمع الله بينهما في الجنّة أبداً، ومن

ثلاثة لا ينظر الله اليهم و لا يكلمهم يوم القيامة ٤٢٧

اغتاب مؤمناً بما ليس فيه انقطعت العصمة بينهما وكان المغتاب في النار خالداً فيها وبئس المصير.

ثلاثة لا ينظر الله اليهم و لا يكلمهم يوم القيامة

١- أصول الكافي ج ١ ص ٣٧٤

الحسين بن محمد، عن معلّى بن محمد، عن أبي داود المسترق، عن عليّ بن ميمون، عن ابن أبي يعفور قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ثلاثة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة ولا يزكّيهم ولهم عذاب أليم: من ادّعى إمامة من الله ليست له، ومن جحد إماماً من الله، ومن زعم أنّ لهما في الإسلام نصيباً.

ورواه في «الخصال» ص ١٠٦ عن أبيه، عن سعد، عن عليّ بن إسماعيل الأشعريّ، عن محمد بن سنان، عن أبي مالك الجهني عن أبي عبد الله عليه السلام مثله. وفيه: من ادّعى إماماً ليست إمامته من الله.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٧ ص ٢١٣ و ٢١٢.

ورواه في «تفسير العيّاشي» ج ١ ص ١٧٩ عن عليّ بن ميمون عن ابن أبي يعفور عنه عليه السلام مثله.

٢- أصول الكافي ج ٢ ص ٣١١

محمد بن جعفر، عن محمد بن عبد الحميد، عن عاصم بن حميد، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة لا يكلمهم الله ولا ينظر إليهم يوم القيامة ولا يزكّيهم ولهم عذاب أليم: شيخ زان وملك جبار وطمقل مختال.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٣.

ورواه في «تفسير العيّاشي» ج ١ ص ١٧٩ عن أبي حمزة عنه عليه السلام بعينه.

٣ - الخصال ص ١٠٦

حدثنا أبي عليه السلام عنه، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن خالد الطيالسي، عن عبد الرحمن بن عون، عن ابن أبي نجران التميمي، عن عاصم بن حميد الحنّاط عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ولا ينظر إليهم ولا يزكّيهم ولهم عذاب أليم: الناتف شبيهه والناكح نفسه والمنكوح في دبره.

٤ - الخصال ص ١٨٤

أخبرني الخليل بن أحمد عن ابن عليه السلام عن أبي موسى، عن عبد الرحمن عن سفيان عن الأعمش، عن سليمان بن مسهر، عن خرشة بن الحرّ، عن أبي ذرّ، عن النبي صلى الله عليه وآله قال: ثلاثة لا يكلمهم الله: المنان الذي لا يعطي شيئاً إلاّ بمَنّ، والمسبل إزاره والمنفق سلعته بالحلف الفاجر.

٥ - الخصال ص ٢٠٢

روى بإسناده عن أبي أمّامة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أربعة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة: عاق، ومنّان، ومكذب بالقدر، ومدمن خمر. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٣.

٦ - أمالي الصدوق ص ٤١٦ و٤١٧

روى بسنده عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله في

و لا يقبل الله عمل كل ناصب ومبغض في القيامة ٤٢٩

«حديث» قال: أقسم ربي جلّ جلاله فقال: لا يشرب عبد لي خمرًا في الدنيا إلا سقيته يوم القيامة مثل ما شرب منها من الحميم معذباً بعداً أو مغفوراً له، وقال عليه السلام: لا تجالسوا شارب الخمر ولا تزوجوه ولا تتزوجوا إليه وإن مرض فلا تعودوه وإن مات فلا تشيعوا جنازته، إن شارب الخمر يجيء يوم القيامة مسوداً وجهه مزرقة عيناه مائلاً شذقه سائلاً لعبه دالاً لسانه من قفاه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٧.

٧- المحاسن ص ٢٢٨

عن المفضل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تفقهوا في دين الله، ولا تكونوا أعراباً، فإنه من لم يتفقه في دين الله لم ينظر الله إليه يوم القيامة ولم يرك له عمله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٣.

مركز تحقيق كتب علوم السدي

في جملة ممّا ورد أنّ غير الشيعة مذموم يوم القيامة
و لا يقبل الله عمل كل ناصب ومبغض في القيامة

١- أصول الكافي ج ١ ص ٤٢٩

وبهذا الاسناد، عن يونس، عن صباح المزني، عن أبي حمزة، عن أحدهما عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ: ﴿بلى من كسب سيئة وأحاطت به خطيئته﴾ قال: إذا جحد إمامة أمير المؤمنين عليه السلام (فأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون).

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٨.

٢- روضة الكافي ج ٢ ص ١٣ و ١٤

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عمرو بن أبي المقدام قال:

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: خرجت أنا وأبي حتى إذا كنا بين القبر والمنبر إذا هو بأناس من الشيعة فسلم عليهم ثم قال: إني والله لأحب رياحكم - إلى أن قال - ألا وإن لكل شيء إماماً وإمام الأرض أرض تسكنها الشيعة، والله لولا ما في الأرض منكم ما رأيت بعين عشباً أبداً والله لولا ما في الأرض منكم ما أنعم الله على أهل خلافكم ولا أصابوا الطيبات ما لهم في الدنيا ولا لهم في الآخرة من نصيب، كل ناصب وإن تعبد واجتهد منسوب إلى هذه الآية ﴿عاملة ناصبة﴾ * تصلى ناراً حامية ﴿فكل ناصب مجتهد فعمله هباء﴾. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٦.

ورواه في «تفسير الفرات» ص ٥٥٠ عن جعفر بن أحمد رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٤٧ بسنده عن أبان بن تغلب عن الصادق عليه السلام من قوله: «كل ناصب...» إلى قوله: «ناراً حامية».

ونقله عنها في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٦.

٣ - أصول الكافي ج ١ ص ٤٢٩

محمد بن يحيى، عن حمدان بن سليمان، عن عبد الله بن محمد اليماني، عن منيع الحجّاج، عن يونس، عن صباح المزني، عن أبي حمزة، عن أحدهما عليه السلام في قول الله عز وجل: «بلى من كسب سيئة وأحاطت به خطيئته» قال: إذا جحد إمامة أمير المؤمنين ﴿فأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون﴾.

٤ - روضة الكافي ج ١ ص ٢٣٦

عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن ابن فضال، عن حنان، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: لا يبالي الناصب صلى أم زنى وهذه الآية نزلت فيهم «عاملة ناصبة تصلى ناراً حامية».

و لا يقبل الله عمل كل ناصب ومبغض في القيامة ٤٣١

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٦.

٥ - عقاب الأعمال ص ٢٤٥

روى باسناده عن أبي عبد الله عليه السلام قال: منّا الإمام المفروض طاعته من جحده مات يهودياً أو نصرانياً والله ما ترك الأرض منذ قبض الله عز وجل آدم عليه السلام إلا وفيها إمام يهتدى به إلى الله حجة على العباد، من تركه هلك ومن لزمه نجا حقاً على الله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٧٧.

٦ - عقاب الأعمال ص ٢٤٣

محمد بن الحسن بن الوليد رحمته الله عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن فضال عن المثنى عن إسماعيل الجعفي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يبغضنا أهل البيت أحد إلا بعثه الله يوم القيامة أجذم. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٢.

٧ - أمالي الصدوق ص ٢٦٨

ما جيلويه، عن محمد بن العطار عن الأشعري عن ابن أبي الخطاب عن نضر بن شعيب عن خالد بن ماد عن القندي عن جابر الجعفي عن أبي جعفر عن آبائه عليهم السلام قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله أكل من قال: لا إله إلا الله مؤمن؟ قال: إن عداوتنا تلحق باليهود والنصارى إنكم لا تدخلون الجنة حتى تحبوني، وكذب من زعم أنه يحبني ويبغض هذا يعني علياً عليه السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ٧٥.

٨ - أمالي الصدوق ص ٢٥٦

حدّثنا الحسين بن إبراهيم بن ناتانة رحمه الله قال: حدّثنا عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن هشام بن سالم، عن عمارة بن موسى الساباطي، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال: من صلى الصلوات المفروضة في أوّل وقتها فأقام حدودها رفعها الملك إلى السماء بيضاء - إلى أن قال - ثم قال الصادق عليه السلام: إن أوّل ما يسئل عنه العبد إذا وقف بين يدي الله جلّ جلاله الصلوات (عن الصلوات) المفروضة وعن الزكاة المفروضة وعن الصيام المفروض وعن الحجّ المفروض وعن ولايتنا أهل البيت فإن أقرّ بولايتنا ثم مات عليها قبلت منه صلاته وصومه وزكاته وحجّه وإن لم يقرّ بولايتنا بين يدي الله جلّ جلاله لم يقبل الله عزّ وجلّ منه شيئاً من أعماله.



ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٦٨

٩ - عيون الأخبار ج ١ ص ٥٨

بإسناده عن المفضل بن عمر، عن الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لمّا أسري بي إلى السماء أوحى إليّ ربّي جلّ جلاله، وساق الحديث في محمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام - إلى أن قال: - يا محمّد لو أنّ عبداً عبدني حتّى ينقطع ويصير كالشن البالي ثم أتاني جاحداً لولايتهم ما أسكنته جنّتي ولا أظللته تحت عرشي، الخبر.

ونقلها عنها في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٧.

١٠ - أمالي المفيد ص ١١٥

روى بسنده عن مرازم عن الصادق جعفر بن محمّد عليهما السلام قال: قال

ولا يقبل الله عمل كل ناصب ومبغض في القيامة ٤٣٣

رسول الله ﷺ ما بال أقوام من أمتي إذا ذكر عندهم إبراهيم وآل إبراهيم استبشرت قلوبهم وتهللت وجوههم وإذا ذكرت وأهل بيتي اشمأزت قلوبهم وكلحت وجوههم؟ والذي بعثني بالحق نبياً لو أن رجلاً لقي الله بعمل سبعين نبياً ثم لم يأت بولاية أولي الأمر من أهل البيت ما قبل الله منه صرفاً ولا عدلاً. ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٩٢.

١١ - بصائر الدرجات ص ٣٦٤

محمد بن الحسين عن جعفر بن بشير عن أبي كهمش عن الحكم أبي محمد عن عمرو عن القاسم بن عروة عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: صعد على منبر الكوفة فحمد الله وأثنى عليه وشهد بشهادة الحق ثم قال: إن الله بعث محمداً بالرسالة واختصه بالنبوة وأنبأه بالوحي فأنال الناس وأنال وفينا أهل البيت معاقل العلم وأبواب الحكم وضياء الأمر فمن يحبنا أهل البيت ينفعه إيمانه ويقبل منه عمله ومن لا يحبنا أهل البيت فلا ينفعه إيمانه ولا يقبل منه عمله ولو صام النهار وقام الليل.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٨١.

١٢ - الفضائل لابن شاذان كما في البحار ج ٢٧ ص ١٩٦

بالإسناد يرفعه إلى أبي هريرة قال: مرّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام بنفر من قريش في المسجد فتغامزوا عليه فدخل على رسول الله ﷺ فشكاهم إليه فخرج عليه السلام وهو مغضب فقال لهم: أيها الناس ما لكم إذا ذكر إبراهيم وآل إبراهيم أشرق وجوهكم، وإذا ذكر محمد وآل محمد قست قلوبكم وعبست وجوهكم؟ والذي نفسي بيده لو عمل أحدكم عمل سبعين نبياً لم يدخل الجنة حتى يحب هذا أخي

عليّاً وولده ثمّ قال عليه السلام: إنّ الله حقّاً لا يعلمه إلّا أنا وعليّ وإنّ لي حقّاً لا يعلمه إلّا الله وعليّ، وله حقّ لا يعلمه إلّا الله وأنا.

١٣ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٤١٨

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾ يعني قد أتاك يا محمّد حديث القيامة ومعنى الغاشية أي تغشى الناس ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ﴾ وهم الذين خالفوا دين الله وصلّوا وصاموا ونصبوا لأمر المؤمنين عليه السلام وهو قوله «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ» عملوا ونصبوا فلا يقبل منهم شيء من أفعالهم (تصلّي) وجوههم ﴿نَارًا حَامِيَةً تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ﴾ قال لها أنين من شدة حرّها ﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ﴾ قال عرق أهل النار وما يخرج من فروج الزواني ﴿لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾.



ونقله عنه في «البحار» ج ٢ ص ٤١٩.

١٤ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٤١٩

وحدّثنا جعفر بن أحمد عن عبد الكريم عن محمّد بن عليّ عن محمّد بن الفضيل، عن أبي حمزة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من خالفكم وإن عبد واجتهد منسوب إلى هذه الآية: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٦.

١٥ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٣٥٨

﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً﴾ قال: إذا كان يوم القيامة جمع الله الذين غصبوا

آل محمد حقهم فيعرض عليهم أعمالهم فيحلفون له أنهم لم يعملوا منها شيئاً كما حلفوا لرسول الله ﷺ في الدنيا حين حلفوا أن لا يردوا الولاية في بني هاشم، وحين همّوا بقتل رسول الله ﷺ في العقبة، فلما أطلع الله نبيه ﷺ وأخبره حلفوا له أنهم لم يقولوا ذلك ولم يهّموا به فأنزل الله على رسوله: ﴿يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ﴾ قال: إذا عرض الله ذلك عليهم في القيامة ينكرونه ويحلفون له كما حلفوا لرسول الله ﷺ وهو قوله تعالى: ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ﴾ أي غلب عليهم الشيطان ﴿أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ﴾ أي أعوانه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٩.

١٦ - تفسير القمي ج ٢ ص ٤١٩

وفي رواية أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام في قوله ﴿إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ﴾ يريد من لم يتعظ ولم يصدقك وجحد ربوبيتي وكفر نعمتي ﴿فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ﴾ يريد الغليظ الشديد الدائم ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾ يريد مصيرهم ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ يريد جزاءهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٦.

١٧ - تفسير الفرات ص ٥٤٩

فرات بن إبراهيم الكوفي معنعناً، عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: كل عدو لنا ناصب منسوب إلى هذه الآية: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ غَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَىٰ نَاراً

حَامِيَةً تُسْقِي مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴿٢٠٢﴾.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٢.

١٨ - تفسير الفرات ص ٣٧٢ - ٣٧١

فرات قال: حدّثني جعفر بن محمد بن سعيد الأحمسي معنعناً: عن أبي ذرّ الغفاري رضي الله عنه [رحمة الله عليه] قال: كنت عند رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم في منزل أمّ سلمة رضي الله عنها ورسول الله يحدثني وأنا له مستمع إذ دخل عليّ بن أبي طالب ٧ - إلى أن قال - يا أبا ذرّ يؤتى بجاحد حقّ عليّ وولايته يوم القيامة أصمّ وأبكم وأعمى يتككب في ظلمات يوم القيامة ينادي منادٍ (يا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ...) والقي [ب (خ ل): يلقى. في. ب] عنقه طوف من نار [ر: النار] ولذلك الطوف ثلاثمائة شعبة على كل شعبة شيطان يتقل في وجهه الكلح [ز: ويكلح] من جوف قبره إلى النار.

١٩ - تفسير الفرات ص ٥٣٤

القاسم بن الحسن بن حازم القرشي معنعناً عن أبي حمزة الثمالي قال: دخلت على محمد بن عليّ عليه السلام وقلت: يا ابن رسول الله حدّثني بحديث ينفعني، قال: يا أبا حمزة كلّ يدخل الجنّة إلّا من أبي، قال: قلت: يا ابن رسول الله أحد يا بني يدخل الجنّة؟ قال: نعم، قال: قلت: من؟ قال: من لم يقل لا إله إلّا الله محمد رسول الله، قال: قلت: يا ابن رسول الله لا أروي هذا الحديث عنك، قال: ولم؟ قلت: إنني تركت المرجئة والقدرية والحرورية وبني أمية كلّ يقولون: لا إله إلّا الله محمد رسول الله، قال: أيهاات أيهاات إذا كان يوم القيامة سلبهم الله تعالى إيّاها لا يقولها إلّا نحن وشيعتنا، والباقون براء، أما سمعت الله يقول: ﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ

و لا يقبل الله عمل كل ناصب ومبغض في القيامة ٤٣٧

صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿ قَالَ: مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٦.

٢٠ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٣٠٤

في قوله تعالى: ﴿بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾. قال: السيئة المحيطة به أن تخرجه عن جملة دين الله، وتنزعه عن ولاية الله، وتؤمنه في سخط الله وهي الشرك بالله والكفر به، والكفر بنبوّة محمد ﷺ والكفر بولاية علي بن أبي طالب عليه السلام وخلفائه، كل واحد من هذه سيئة تحيط به، أي تحيط بأعماله فتبطلها وتمحقها فأولئك عاملوا هذه السيئة المحيطة، أصحاب النار هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٣٥٨.

٢١ - أعلام الدين ص ٣٥٧

عن أبي سعيد الخدري قال: كان رسول الله ﷺ جالساً وعنده نفر من أصحابه، وفيهم علي بن أبي طالب عليه السلام، فقال رسول الله ﷺ: مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ فَقَالَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِهِ: فَنَحْنُ نَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّمَا تَقْبَلُ شَهَادَةَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ هَذَا وَمِنْ شِيعَتِهِ، وَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيٍّ، وَقَالَ لَهُمَا: مِنْ عَلَامَةِ ذَلِكَ أَنْ لَا تَجْلِسَا مَجْلِسَهُ وَلَا تَكْذِبَا قَوْلَهُ.

وقال رسول الله ﷺ: مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَلْفَ سَنَةٍ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ بَغِيرَ وَلَا يَتَنَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ، وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ وَاللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ

منذ قبض آدم إلّا وفيها إمام يهتدى به حجة على العباد من تركه هلك ومن لزمه نجا.

٢٢ - البحار ج ٧ ص ١٩٣ عن كنز الفوائد

بإسناده عن جابر الجعفي، عن أبي جعفر، عن أبيه عن جدّه عليه السلام أنّ النبي صلّى الله عليه وآله قال لعليّ عليه السلام: يا عليّ ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ فِي جَنّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ والمجرمون هم المنكرون لولايتك ﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ﴾ فيقول لهم أصحاب اليمين: ليس من هذا أتيتم فما الذي سلككم في سقر يا أشقياء؟ قالوا: ﴿وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ﴾ فقالوا لهم: هذا الذي سلككم في سقر يا أشقياء، ويوم الدين ويوم الميثاق حيث جحدوا وكذبوا بولايتك وعتوا عليك واستكبروا.

٢٣ - البحار ج ٨ ص ٣٦٨ - ٣٦٥ نقلاً عن شرح الياقوت

ثمّ قال: واعتقادنا فيمن جحد إمامة أمير المؤمنين والأئمة من بعده عليهم السلام أنّه بمنزلة من جحد نبوة الأنبياء عليهم السلام واعتقادنا فيمن أقرّ بأمر المؤمنين وأنكر واحداً ممّن بعده من الأئمة عليهم السلام أنّه بمنزلة من آمن بجميع الأنبياء وأنكر نبوة محمد صلّى الله عليه وآله، وقال الصادق عليه السلام: المنكر لآخرنا كالمنكر لأوّلنا.

وقال الشيخ المفيد رحمته الله في كتاب المسائل: اتّفقت الإماميّة على أن من أنكر إمامة أحد من الأئمة وجحد ما أوجبه الله تعالى له من فرض الطاعة فهو كافر ضالّ مستحقّ للخلود في النار.

وقال المحقّق الطوسي روّح الله روحه القدّوسيّ في قواعد العقائد: أصول

منها: أكل أموال اليتامى ظلماً ٤٣٩

الإيمان عند الشيعة ثلاثة: التصديق بوحدة الله تعالى في ذاته والعدل في أفعاله، والتصديق بنبوّة الأنبياء ﷺ والتصديق بإمامة الأئمة المعصومين من بعد الأنبياء.

وقال الشيخ الطوسي نور الله ضريحه في تلخيص الشافي: عندنا أنّ من حارب أمير المؤمنين كافر - إلى أن قال - وقد روت العامة والخاصة متواتراً من مات ولم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهليّة، ... وقد أوردت أخباراً متواترة أنّه لا يبقل عمل من الأعمال إلّا بالولاية.

جملة ممّا ورد أنّه من الموجبات في النار



منها: أكل أموال اليتامى ظلماً
١ - عقاب الأعمال ص ٢٧٧

أبي جعفر قال: حدّثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن عليّ، عن عبد العزيز العبديّ، عن عبيد بن زرارة قال: قلت: لأبي عبد الله عليه السلام: أخبرني عن الكبائر؟ قال: هي خمس وهنّ ممّا أوجب الله عزّ وجلّ عليهنّ النار، قال الله عزّ وجلّ: إنّ الله لا يغفر أن يشرك به وقال: إنّ الذين يأكلون أموال اليتامى ظلماً إنّما يأكلون في بطونهم نارا وسيصلون سعيراً وقال: «يا أيّها الذين آمنوا إذا لقيتم الذين كفروا زحفاً فلا تولّوهم الأدبار - إلى آخر الآية». ورمي المحصنات الغافلات، وقتل مؤمن متعمداً على دينه.

ورواه في «الخصال» ص ٢٧٣ بعينه سنداً وممتناً.

٢ - عقاب الأعمال ص ٢٧٧

أبي جعفر قال: حدّثني عبد الله بن جعفر الحميريّ، عن أحمد بن محمد بن

عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن علي بن رئاب، عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن في كتاب علي عليه السلام: إن أكل مال اليتامى ظلماً سيدركه وبال ذلك في عقبه من بعده في الدنيا، فإن الله عز وجل يقول: «وليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذريةً ضعافاً خافوا عليهم فليتقوا الله وليقولوا قولاً سديداً» وأما في الآخرة فإن الله عز وجل يقول: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾.

٣- أبي عليه السلام قال: حدثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن أخيه الحسن، عن زرعة بن محمد الحضرمي، عن سماعة بن مهران قال: سمعته يقول: إن الله عز وجل وعد في مال اليتيم عقوبتين أما أحدهما فعقوبة الآخرة النار، وأما عقوبة الدنيا فهو قوله عز وجل: ﴿وليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذريةً ضعافاً خافوا عليهم فليتقوا الله وليقولوا قولاً سديداً﴾ يعني بذلك ليخش أن أخلفه في ذريته كما صنع هو بهؤلاء اليتامى.

منها: إطاعة المرأة في بعض الموارد

١- الكافي ج ٥ ص ٥١٧

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أطاع امرأته أكبه الله على وجهه في النار، قيل: وما تلك الطاعة؟ قال: تطلب منه الذهاب إلى الحمّامات والعرسات والعيادات والنياحات والثياب الرقاق.

ورواه في «من لا يحضره الفقيه» ج ٤ ص ٢٦٢ عن علي عليه السلام في وصية النبي صلى الله عليه وآله له، لكنه لم يذكر فيه كلمة: «العيادات».

ورواه في «الخصال» ص ١٩٦ بسنده عن السكوني عن جعفر بن محمد عن آبائه عنه صلى الله عليه وآله، وعن أنس بن مالك عن أبيه، عن جعفر، عن آبائه عنه صلى الله عليه وآله.

ويدخلون النار عطاشاً..... ٤٤١

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٦٧ عن أبيه عن علي بن إبراهيم بعينه
سنداً ومتمناً. لكنّه عن علي عليه السلام .
ورواه في «أعلام الدين» ص ٤٠٢.

منها: أهل الري في الدنيا أهل النار يحشرون عطاشاً
ويدخلون النار عطاشاً.

١ - الكافي ج ٦ ص ٤٠٠

عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن محمد بن خالد، عن مروق، عن
رجل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ أهل الري في الدنيا من المسكر يموتون
عطاشاً ويحشرون عطاشاً ويدخلون النار عطاشاً.

ورواه في «من لا يحضره الفقيه» ج ٣ ص ٣٧٣.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٩٠ عن أبيه عن محمد بن يحيى، عن
محمد بن أحمد عن يعقوب بن يزيد عن مروق بن عبيد بعينه سنداً ومتمناً لكنّه ذكر
بدل كلمة عطاشاً: عطشاناً.

٢ - الكافي ج ٦ ص ٣٩٧

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن بعض أصحابه، عن
أبي عبد الله عليه السلام قال: شارب الخمر يوم القيامة يأتي مسوداً وجهه مائلاً شقّه،
مدلّعا لسانه ينادي العطش العطش.

٣ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٦٠

بإسناد التميمي عن الرضا عليه السلام، عن آبائه، عن علي عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله:
ترد شيعتك يوم القيامة رواء غير عطاش، ويرد عدوك عطاشاً يستسقون

فلا يسقون.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٠.

٤ - تفسير العياشي ج ٢ ص ١٩

إبراهيم بن عبد الحميد عن أحدهما قال: إِنَّ أَهْلَ النَّارِ يَمُوتُونَ عَطَاشًا، وَيَدْخُلُونَ قُبُورَهُمْ عَطَاشًا [ويحشرون عطاشاً]، وَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ عَطَاشًا، فَيَرْفَعُ [لَهُمْ] قَرَابَاتُهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ، فَيَقُولُونَ: ﴿أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ﴾.

٥ - تفسير العياشي ج ١ ص ٣٧٠

عن سلام عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: ﴿الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ﴾ قال: العطش يوم القيامة.



ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٦.

٦ - جامع الأخبار ص ١٤٩

وقال صلى الله عليه وآله والذي بعثني بالحقّ إنّ شارب الخمر يموت عطشاناً وفي القبر عطشان ويبعث يوم القيامة وهو عطشان وينادي واعطشاه ألف سنة فيؤتى بماء كالمهل يشوي الوجوه بئس الشراب فينضج وجهه ويتناثر أسنانه وعيناه في ذلك الإناء فليس له بعد من أن يشرب فصهر ما في بطنه.

منها: إنكار حقّ عليّ عليه السلام والأئمة الطاهرين عليهم السلام

١ - أمالي الطوسي ص ٤١٧

روى بإسناده عن عمّار بن موسى الساباطي، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إنّ أبا أمية يوسف بن ثابت حدث عنك أنك قلت: لا يضرّ مع الإيمان عمل، ولا ينفع

مع الكفر عمل؟ - إلى أن قال - ثم قال أبو عبد الله عليه السلام : من جاء يوم القيامة بولاية إمام جائر ليس من الله وجاء منكراً لحقنا جاحداً بولايتنا، أكبه الله تعالى يوم القيامة في النار.

٢ - أمالي الطوسي ص ٢٩٠

قال أبو محمد الفحام: وفي هذا المعنى حدثني أبو الطيب محمد ابن الفرحان الدوري، قال: حدثنا محمد بن عطلي بن فرات الدهان، قال: حدثنا سفيان ابن وكيع، عن أبيه، عن الأعمش، عن ابن المتوكل الناجي، عن أبي سعيد الخدري، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله يقول الله (تعالى) يوم القيامة لي ولعلي بن أبي طالب: أدخلوا الجنة من أحببكم، وأدخلوا النار من أبغضكم؛ وذلك قوله (تعالى): ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾.



مركز تحقیقات فقه وعلوم اسلامی

٣ - أمالي الطوسي ص ٤٨٧

أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، قال: حدثنا محمد بن جعفر الرزاز القرشي (رحمه الله)، قال: حدثنا الحسن بن موسى الخشاب، قال: حدثني محمد بن المثنى الحضرمي، عن زرعة، يعني ابن محمد الحضرمي، عن المفضل بن عمر الجعفي، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد، عن آبائه عليهم السلام رفعه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله : إن الله عز وجل. نصب علياً علماً بينه وبين خلقه، فمن عرفه كان مؤمناً ومن أنكره كان كافراً، ومن جهله كان ضالاً، ومن عدل بينه وبين غيره كان مشركاً، ومن جاء بولايته دخل الجنة، ومن جاء بعداوته دخل النار.

٤ - وفي ص ٤١٠

إبراهيم الأحمر، قال: حدثني محمد بن الحسين، عن الأصم، عن زرعة بن محمد الحضرمي، عن المفضل، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله.

٥ - أمالي الطوسي ص ٣٠٨

حدّثنا أبو منصور السكّري، قال: حدّثني جدّي عليّ بن عمر، قال: حدّثني العباس بن يوسف الشكلي، قال: حدّثنا عبد الله بن هشام، قال: حدّثنا محمّد بن مصعب القرقيساني، قال: حدّثنا الهيثم بن جمار، عن يزيد الرقاشي، عن أنس بن مالك، قال: رجعنا مع رسول الله ﷺ قافلين من تبوك، فقال لي في بعض الطريق: ألقوا لي الأحلاس والأقتاب، ففعلوا فصعد رسول الله ﷺ فخطب، فحمد الله وأثنى عليه بما هو أهله، ثمّ قال: معاشر الناس، ما لي إذا ذكر آل إبراهيم ﷺ تهلّلت وجوهكم، وإذا ذكر آل محمّد ﷺ كأنّما يُفقا في وجوهكم حبّ الرمان، فوالذي بعثني بالحقّ نبياً، لو جاء أحدكم يوم القيامة بأعمال كأمثال الجبال ولم يجيء بولاية عليّ بن أبي طالب لأكبّه الله (عزّ وجلّ) في النار.



٦ - أمالي الطوسي ص ٢١

أخبرنا محمّد بن محمّد قال: أخبرنا أبو بكر محمّد بن عمر الجعابي، قال: حدّثنا عبد الكريم بن محمّد، قال: حدّثنا سهل بن زنجلة الرازي، قال: حدّثنا ابن أبي أويس، قال: حدّثني أبي، عن حميد بن قيس، عن عطاء، عن ابن عباس، قال: قال رسول الله ﷺ يا بني عبد المطلب، إنّي سألت الله لكم أن يعلم جاهلكم، وأن يثبت قائمكم، وأن يهدي ضالّكم، وأن يجعلكم نجداً جوداء رحماء، أما والله لو أنّ رجلاً صفّ قدميه بين الركن والمقام مصلياً فلقي الله ببغضكم أهل البيت دخل النار.

٧ - وفي ص ٢٤٧

روى عن أبي العباس، عن عبد الله بن أحمد بن مستورد، عن نصر بن مزاحم، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن تميم، وعن أبي الطفيل، عن بشر بن غالب، وعن سالم بن عبد الله، كلّهم ذكروا عن ابن عباس، عنه ﷺ لكنّه بتفاوت يسير.

٨ - أمالي المفيد ص ٢١٦

روى بسنده عن أبي سعيد الخدري، عن النبي ﷺ في حديث: قال: والذي نفسي بيده لا يبغضنا أهل البيت أحد إلا أكبه الله على وجهه في نار جهنم.

٩ - الخصال ص ١٥٠

حدثنا محمد بن الحسن رضي الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن عبد الله بن محمد الحجال، عن نصر العطار، عن عمّن رفعه بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ لعليّ عليه السلام: ثلاث أقسم أنهنّ حقّ: إنك والأوصياء من بعدك عرفاء لا يعرف الله إلا بسبيل معرفتكم، وعرفاء لا يدخل الجنة إلا من عرفكم وعرفتموه، وعرفاء لا يدخل النار إلا من أنكركم وأنكرتموه.



١٠ - المحاسن ص ٩٠ - ٩١

عنه، عن محمد بن عليّ عن الحكم بن مسكين، عن أبي سعيد المكاربي، عن رجل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: أصبح عدونا على شفا حفرة من النار وكان شفا حفرة قد انهارت به في نار جهنم فتعسا لأهل النار مثواهم، إن الله عزّ وجلّ يقول: ﴿فَبَشِّرْهُم بِمَثْوَاهُمْ﴾ وما من أحد نقص عن حبنا لخير يجعله الله عنده.

١٢ - المحاسن ص ١٥٠

عنه، عن ابن فضال، عن عاصم بن حميد، عن فضيل الرّسان، عن أبي داود، عن أبي عبد الله الجدلي، قال: قال لي أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب صلوات الله عليه: يا أبا عبد الله ألا أحدثك بالحسنة التي من جاء بها آمن من فزع يوم القيامة،

وبالسيئة التي من جاء بها أكبه الله على وجهه في النار، قلت: بلى، قال: الحسنه حبنا والسيئة بغضنا.

١٣ - تفسير العياشي ج ٢ ص ١٥٩

عن مسعدة بن صدقة قال: قصّ أبو عبد الله عليه السلام قصص أهل الميثاق من أهل الجنة وأهل النار، فقال في صفات أهل الجنة: فمنهم من لقي الله شهيداً لرسوله ثمّ من [مرّ] في صفتهم حتّى بلغ من قوله ثمّ جاء الاستثناء من الله في الفريقين جميعاً، فقال الجاهل بعلم التفسير: إنّ هذا الاستثناء من الله إنّما هو لمن دخل الجنة والنار، وذلك أنّ الفريقين جميعاً يخرجان منهما فيبقيان فليس فيهما أحد وكذبوا لكن عني بالاستثناء أنّ ولد آدم كلّهم وولد الجانّ معهم على الأرض والسموات تظلمهم، فهو ينقل المؤمنين حتّى يخرجهم إلى ولاية الشياطين وهي النار، فذلك الذي عني الله في أهل الجنة وأهل النار ما دامت السماوات والأرض يقول في الدنيا والله تبارك وتعالى ليس بمخرج أهل الجنة منها أبداً ولا كلّ أهل النار منها أبداً، وكيف يكون ذلك وقد قال الله في كتابه ﴿مَا كَثِيرٌ فِيهِ أَبَداً﴾ ليس فيهما استثناء، وكذلك قال أبو جعفر من دخل في ولاية آل محمّد دخل الجنة، ومن دخل في ولاية عدوّهم دخل النار، وهذا الذي عني الله من الاستثناء في الخروج من الجنة والنار والدخول.

١٤ - أعلام الدين ص ٤٠٠

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أبغضنا أهل البيت بعثه الله يهودياً، ولو أن عبداً عبد الله بين الركن والمقام ألف سنة، ثمّ لقي الله بغير ولايتنا، لأكبه الله على منخريره في النار.

١٥ - أعلام الدين ص ٤٠٧

وقال عليه السلام: «من رَوَّع مؤمناً بسلطان، ليصيبه منه مكروه فلم يصبه، فهو في النار (فإن أصابه) فهو مع فرعون وآل فرعون في النار. وإذا كان يوم القيامة، نادى مناد: أين المؤذون لأوليائي؟ فيقوم قوم ليس على وجوههم لحم، فيقول: هؤلاء الذين آذوا المؤمنين، ونصبوا لهم العداوة، وعاندوهم وعنفوهم في دينهم، ثم يؤمر بهم إلى جهنم.

منها: البخل وعبوس الوجه

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ١٠٣

عنه، عن أبيه، عن حماد، عن ربعي، عن فضيل قال: صنائع المعروف وحسن البشر يكسبان المحبة ويدخلان الجنة والبخل وعبوس الوجه يبعدان من الله ويدخلان النار.

٢ - الخصال ص ١١١

حدثنا أبي عليه السلام قال: حدثنا سعد بن عبد الله قال: حدثني أحمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن العباس بن معروف، عن أبي همام - إسماعيل بن همام - عن محمد بن سعيد بن غزوان، عن السكوني، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عن علي عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله قال: تكلم النار يوم القيامة ثلاثة أميراً وقارياً وذا ثروة من المال، فتقول للأمر: يا من وهب الله له سلطاناً فلم يعدل فتزدرده كما يزدر الطير حب السمس وتقول للقاريء: يا من تزین للناس وبارز الله بالمعاصي فتزدرده. وتقول للغني: يا من وهب الله له دنيا كثيرة واسعة فيضاً وسأله الفقير اليسير قرضاً فأبى إلا بخلاً فتزدرده.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ٢٨٥.

٣ - أمالي الطوسي ص ٣٧٣ - ٤٧٥

روى بسنده عن جعفر بن محمد عليه السلام، قال: حدثني أبي، عن أبيه، عن جدّه (صلوات الله عليهم)، عن عليّ عليه السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ السخاء شجرة من أشجار الجنّة، لها أغصان متدلّية في الدنيا، فمن كان سخيّاً تعلق بغصن من أغصانها، فساقه ذلك الغصن إلى الجنّة، والبخل شجرة من أشجار النار لها أغصان متدلّية في الدنيا، فمن كان بخيلاً تعلق بغصن من أغصانها، فساقه ذلك الغصن إلى النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٨ ص ١٧١.



منها: التعقيب

١ - عقاب الأعمال ص ٢٦٣

وبهذا الإسناد، عن صفوان، عن حفص، عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من تعصّب عصبه الله عزّ وجلّ بعصاة من نار.

٢ - أمالي الطوسي ص ٥٢٧

يا أباذرّ يطلّع قوم من أهل الجنّة إلى قوم من أهل النار فيقولون ما أدخلكم النار، وإنّما دخلنا الجنّة بفضل تأديبكم وتعليمكم! فيقولون إنا كنّا نأمركم بالخير ولا نفعله.

ورواه في «أعلام الدين» ص ١٩٠.

منها: عدم المبالاة في كسب الدنيا والدرهم

١ - الاختصاص ص ٢٤٩

قال صلى الله عليه وآله: من اكتسب مالاً من غير حلّه كان رادّه إلى النار. وقال صلى الله عليه وآله: أيضاً: قال الله عزّ وجلّ: من لم يبال من أيّ باب اكتسب الدينار والدرهم لم أبال يوم القيامة من أيّ أبواب النار أدخلته. ورواه في «أعلام الدين» ص ١٩٩.

منها: تعلّم العلم للممارات

١ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٢٦٢

روى بإسناده عن عليّ بن أبي طالب عن النبي صلى الله عليه وآله أنّه قال له: يا عليّ... - إلى أن قال - يا عليّ: من تعلّم علماً ليماري به السفهاء أو يجادل به العلماء أو ليدعو الناس إلى نفسه فهو من أهل النار، الحديث.

٢ - الخصال ص ٣٩

حدّثنا محمد بن عليّ ماجيلويه رحمته الله قال: حدّثني عمّي محمد بن أبي القاسم، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه محمد بن خالد، عن محمد بن أبي عمير رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام قال: الناس اثنان عالم ومتعلّم، وسائر الناس همج والهمج في النار.

٣ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٤٠٢

وقال أمير المؤمنين عليه السلام: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: من سئل عن علم فكتمه حيث يجب إظهاره، ويزول عنه التقيّة، جاء يوم القيامة ملجماً بلجام من النار.

منها: إهانة العالم

١ - جامع الأخبار ص ٣٨

روى عن أبي هريرة أنه قال: خطبنا رسول الله ﷺ يا أيها الناس - إلى أن قال - ألا ومن أهان عالماً فقد أهانني ومن أهانني فقد أهان الله فمصيره إلى النار.

منها: تعليق السوط بين يدي الظالم

وتولّى عرافة قوم من غير إحسان فيهم

١ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ١٠ - ٢

روي عن شعيب بن واقد عن الحسين بن زيد عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: نهى رسول الله ﷺ عن الأكل على الجنابة - إلى أن قال - «ألا ومن علّق سوطاً بين يدي سلطان جائر جعل الله ذلك السوط يوم القيامة ثعباناً من نار طوله سبعون ذراعاً يسلّطه الله عليه في نار جهنّم وبئس المصير».

- إلى أن قال - ألا ومن تولّى عرافة قوم أتى يوم القيامة ويداه مغلولتان إلى عنقه فإن قام فيهم بأمر الله عزّ وجلّ أطلقه الله، وإن كان ظالماً هوي به في نار جهنّم وبئس المصير.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٤١٥ و ٤١٩ مثله.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٣٩ هكذا: ومن تولّى عرافة قوم ولم يحسن فيهم حبس على شفير جهنّم بكلّ يوم ألف سنة، وحشر ويده مغلوّلة إلى عنقه، فإن كان قام فيهم بأمر الله تعالى أطلقه الله تعالى، وإن كان ظالماً لما هوي به في نار جهنّم سبعين خريفاً.

٢ - أمالي الطوسي ص ٢٦٤

أبو عمرو، عن ابن عقدة، عن أحمد بن يحيى، عن عبد الرحمن، عن أبيه، عن الوصّاف، عن أبي بريدة، عن النبي ﷺ قال: لا يؤمّر رجل على عشرة فما فوقهم إلّا جيئ به يوم القيامة مغلوله يده إلى عنقه، فإن كان محسنًا فكّ عنه، وإن كان مسيئًا زيد غلاً إلى غلّه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١١.

منها: السعاية إلى سلطان بأخيه

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٣٧

يونس، عن العلاء، عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: يحشر العبد يوم القيامة وما ندى دماً فيدفع إليه شبه المحجمة أو فوق ذلك فيقال له: هذا سهمك من دم فلان، فيقول: يا ربّ إنّك لتعلم أنّك قبضتني وما سفكت دماً فيقول: بلى سمعت من فلان رواية كذا وكذا، فرويتها عليه فنقلت حتّى صارت إلى فلان الجبّار فقتله عليها وهذا سهمك من دمه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠٢.

٢ - عقاب الأعمال ص ٣٣٧

روى بسنده عن أبي هريرة وعبد الله بن عباس عنه عليه السلام في خطبة قال: ومن سعى بأخيه إلى سلطان، لم يبد له منه سوء ولا مكروه أحبط الله عزّ وجلّ كلّ عمل عمله، فإن وصل إليه منه سوء أو مكروه أو أذى جعله الله في طبقة مع هامان في جهنّم.

٣ - الاختصاص ص ٢٢٧

وقال النبي ﷺ: من أكل بأخيه المؤمن أو شرب أو لبس به ثوباً أطعمه الله بها أكلة من نار جهنم وسقاه سقية من حميم جهنم وكساه ثوباً من سراويل جهنم.

منها: السحق

١ - الكافي ج ٥ ص ٥٥١

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن إسحاق بن جرير، قال: سألتني امرأة أن أستاذن لها على أبي عبد الله ﷺ فأذن لها - إلى أن قال - أخبرني عن اللواتي مع اللواتي ما حدّهنّ فيه؟ قال: حدّ الزنا، إنه إذا كان يوم القيامة يؤتى بهنّ قد ألبسن مقطّعات من نار وقنّعن بمقانع من نار، وسرولن من النار، وادخل في أجوافهنّ إلى رؤوسهنّ أعمدة من نار، وقذف بهنّ في النار، أيتها المرأة إنّ أوّل من عمل هذا العمل قوم لوط فاستغنى الرجال بالرجال فبقي النساء بغير رجال ففعلن كما فعل رجالهنّ.

ورواه في «المحاسن» ص ١١٣ و ١١٤ عن البرقي بعينه سنداً ومتمناً.

ونقله عنهما في «الوسائل» ج ١٤ ص ٢٦١.

منها: السؤال من غير حاجة

١ - الكافي ج ٤ ص ١٩

علي بن محمد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن سنان، عن مالك بن حصين السكوني قال: قال: أبو عبد الله ﷺ: ما من عبد يسأل من غير حاجة فيموت حتّى يحوجه الله إليها ويثبت الله له بها النار.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٢٥ عن أبيه، عن سعد بن عبد الله عن أحمد

بن محمد بن خالد عن يعقوب بن يزيد بعينه سنداً ومتمناً لكنه ذكر بدل حصين السكوني «حسين السلولي».

٢ - عقاب الأعمال ص ٣٢٥

حدثني محمد بن الحسن رحمته الله عن محمد بن الحسن الصفار، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن أبي المعز، عن عنبة بن مصعب، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من سأل الناس وعنده قوت ثلاثة أيام لقي الله تعالى يوم يلقاه وليس في وجهه لحم. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٢.



منها: سوء الخلق

١ - عقاب الأعمال ص ٣٣٩

روى بسنده عن أبي هريرة وعبد الله بن عباس قالاً: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وآله قبل وفاته - إلى أن قال - ومن صبر على سوء خلق امرأة واحتسبه أعطاه الله تعالى بكل يوم وليلة يصبر عليها من الثواب ما أعطى أيوب عليه السلام على بلائه، وكان عليها من الوزر في كل يوم وليلة مثل رمل عالج، فإن ماتت قبل أن تعينه وقبل أن يرضى عنها حشرت يوم القيامة منكوسة مع المنافقين - في الدرك الأسفل من النار.

٢ - الخصال ص ١٥٨ - ١٥٩

حدثنا محمد بن الحسن رحمته الله قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان، عن العلاء بن فضيل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ثلاث إذا كن في الرجل فلا تخرج أن تقول: إنه في جهنم:

الجفاء والجبن والبخل، وثلاث إذا كنّ في المرأة فلا تخرج أن تقول: إنّها في جهنّم البذاء والخيلاء والفجر.

٣ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٣١

وبهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: عليكم بحسن الخلق فإنّ حسن الخلق في الجنّة لا محالة وإيّاكم وسوء الخلق، فإنّ سوء الخلق في النار لا محالة.

منها: إيذاء المؤمنين والنصب والعناد لهم في دينهم

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٣٥١

عنه، عن أحمد بن محمد، عن ابن سنان، عن منذر بن يزيد، عن المفضل بن عمر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا كان يوم القيامة نادى مناد: أين الصدود لأوليائي فيقوم قوم ليس على وجوههم لحم، فيقال: هؤلاء الذين آذوا المؤمنين ونصبوا لهم وعاندوهم وعنفوهم في دينهم ثمّ يؤمر بهم إلى جهنّم. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠١.

منها: الشكّ والشرك بالله تعالى

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٤٠٠

الحسين بن محمد، عن أحمد بن إسحاق، عن بكر بن محمد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ الشكّ والمعصية في النار، ليسا منّا ولا إلينا. ورواه في «من لا يحضره الفقيه» ج ٣ ص ٣٧٥ عن بكر بن محمد بعينه متناً. ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٠٨ عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن بكر بن محمد بعينه متناً.

٢ - ثواب الأعمال ص ١٥

أبي عليه السلام قال: حدّثني سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سيف، عن أخيه عليّ عن أبيه قال: حدّثني الحجّاج بن أرطاة، قال: حدّثني أبو الزبير، عن جابر بن عبد الله، عن النبيّ صلى الله عليه وآله قال: الموجبتان: قال من مات يشهد أن لا إله إلا الله دخل الجنّة، ومن مات يشرك بالله دخل النار. ورواه في «جامع الأخبار» ص ٥٠.

٣ - عقاب الأعمال ص ٢٥٣

ابن المتوكّل، عن موسى بن جعفر، عن موسى بن عمران، عن النوفلي، عن السكوني، عن الصادق عليه السلام عن آبائه، عن عليّ عليه السلام قال: يجاء بأصحاب البدع يوم القيامة فترى القدرية من بينهم كالسامة البيضاء في الثور الأسود، فيقول الله عزّ وجلّ: ما أردتم؟ فيقولون: أردنا وجهك، فيقول الله: قد أقلتكم عثراتكم وغفرت لكم زلاتكم إلا القدرية فإنهم قد دخلوا في الشرك من حيث لا يعلمون. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٢.

٤ - عيون الأخبار ج ٢ ص ٣٤

وبهذا الإسناد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ الله عزّ وجلّ يحاسب كلّ خلق إلا من أشرك بالله، فإنّه لا يحاسب يوم القيامة ويؤمر به إلى النار.

منها: شهادة الزور على مسلم وبهته بما ليس فيه

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٣٥٨

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن

مالك بن عطيّة، عن ابن أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من بهت مؤمناً أو مؤمنة بما ليس فيه بعثه الله في طينة خبال حتى يخرج ممّا قال، قلت: وما طينة خبال؟ قال: صديد يخرج من فروج المومسات.

ورواه في «المحاسن» ص ١٠١ عن البرقي عن ابن محبوب بعينه سنداً ومتمناً، ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٨٦ عن محمد بن موسى بن المتوكل عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب بعينه سنداً ومتمناً.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٩

روى بسنده في حديث مناهي الرسول صلى الله عليه وآله: من شهد شهادة زور على أحد من الناس علّق بلسانه مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ٣ ص ٣٥

وروى جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من كتم الشهادة أو شهد بها ليهدر بها دم امرئ مسلم أو ليتوي مال امرئ مسلم أتى يوم القيامة ولوجهه ظلمة مدّ البصر وفي وجهه كدوح تعرفه الخلائق باسمه ونسبه، الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٨.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٦٨ - وبهذا الاسناد عن أحمد بن محمد عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن أبي جميلة عن جابر مثله.

٤ - عقاب الأعمال ص ٣٣٦

روى بسنده عن أبي هريرة وعبد الله بن عباس، في خطبة من رسول الله صلى الله عليه وآله

وهي آخر خطبها بالمدينة: ومن شهد شهادة زور على مسلم أو ذمّي أو من كان من الناس علّق بلسانه يوم القيامة، وهو مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار.

٥ - أمالي الصدوق ص ٤٨٢

حدّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمهم الله قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن عليّ بن الحكم عن أبان بن الأحمر عن صالح بن ميثم عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: ما من رجل يشهد شهادة زور على رجل مسلم ليقطعه إلّا كتب الله عزّ وجلّ مكانه صكاً إلى النار. ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٦٨ بعينه سنداً ومتمناً لكنّه ذكر في السند بعد

أبان بن الأحمر: عن رجل، عن صالح.  ورواه في «أعلام الدين» ص ٤٠٢.

٦ - أمالي الصدوق ص ٤٨٢

حدّثنا أبي رحمهم الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام قال: شاهد الزور لا تزول قدماه حتّى تجب له النار.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٦٨ بعينه سنداً ومتمناً.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٤٠٢.

منها: الضحك عند الذنب

١ - عقاب الأعمال ص ٢٦٦

أبي رحمهم الله قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميريّ، عن أحمد بن محمد، عن أبيه،

عن بكر بن صالح، عن الحسن بن عليّ، عن عبد الله بن إبراهيم قال: حدّثني جعفر الجعفريّ، عن جعفر بن محمّد، عن أبيه عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أذنب ذنباً وهو ضاحك دخل النار وهو باك.

٢ - أعلام الدين ص ٢٢٠

يا موسى... ولا تتبّع الخطايا فتندم، فإنّ الخطايا موعدها النار.

منها: البدعة وكلّ بدعة ضلالة

١ - جامع الأخبار ص ١٨٢

وقال عليه السلام: كلّ حديث بدعة وكلّ بدعة ضلالة وكلّ ضلالة في النار.



منها: الغيبة ومن اغتاب غازياً

١ - الاختصاص ص ٢٤٠

وقال الصادق عليه السلام: من عاب أخاه بعيب فهو من أهل النار.

٢ - نوادر الراوندي ص ٢١

قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله من اغتاب غازياً أو آذاه أو خلفه في أهله بخلافة سوء نصب له يوم القيامة علم فليستفزع لحسابه ويركس في النار.

٣ - أعلام الدين ص ١٨٧

من كلام أمير المؤمنين عليه السلام لنوف البكالي:

«اجتنب الغيبة فإنّها أدام كلام النار».

٤ - جامع الأخبار ص ١٤٧

قال عليه السلام: من روى على أخيه المؤمن رواية يريد بها شينه وهدم مروته وقفه الله تعالى في طينة خبال في الدرك الأسفل من النار.

منها: قتل النفس متعمداً

١ - الكافي ج ٧ ص ٢٧٢

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن منصور بن يونس، عن أبي حمزة، عن أحدهما عليه السلام قال: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله ف قيل له: يا رسول الله قتل في جهنمة فقام رسول الله صلى الله عليه وآله يمشي حتى انتهى إلى مسجدهم قال: وتسامع الناس فأتوه فقال: من قتل ذا؟ قالوا: يا رسول الله ما ندري، فقال: قتل بين المسلمين لا يدري من قتله والذي بعثني بالحق لو أن أهل السماء والأرض شركوا في دم امرئ مسلم ورضوا به لأكبهم الله على مناخرهم في النار، أو قال: على وجوههم.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٢٨ عن أبيه، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير بعينه سنداً ومتمناً، لكنه ذكر بدل قوله، قتل بين المسلمين: «قتل من المسلمين بين ظهرائي المسلمين».

وروى في «أمالى المفيد» ص ٢١٦.

عن أبي الحسن علي بن خالد المراغي قال: حدثنا علي بن سليمان قال: حدثنا محمد بن الحسن النهاوندي قال: حدثنا أبو الخزرج الأسدي قال: حدثنا محمد بن الفضيل قال: حدثنا أبان بن أبي عياش قال: حدثنا جعفر بن إياس، عن أبي سعيد الخدري، مثله.

٢ - الكافي ج ٧ ص ٢٧٢

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن منصور بن يونس، عن أبي حمزة الثمالي، عن عليّ بن الحسين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يغرنكم ربح الذراعين بالدم فإنّ له عند الله عزّ وجلّ قاتلاً لا يموت، قالوا: يا رسول الله وما قاتل لا يموت؟ فقال: النار.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٢٨ باسناده عن أبي عبدة عن أبي جعفر عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله إلى قولهم قاتلاً لا يموت.

٣ - الكافي ج ٧ ص ٢٧٢

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، ومحمّد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان جميعاً عن حمّاد بن عيسى، عن ربعيّ بن عبد الله، عن محمّد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: «من قتل نفساً بغير نفس فكأنما قتل الناس جميعاً» قال: له في النار مقعد لو قتل الناس جميعاً لم يرد إلّا إلى ذلك المقعد.

٤ - الكافي ج ٧ ص ٢٧٢

محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد، عن محمّد بن سنان، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام قال: ما من نفس تقتل برّة ولا فاجرة إلّا وهي تحشر يوم القيامة متعلّقة بقاتله بيده اليمنى ورأسه بيده اليسرى وأوداجه تشخب دماً، يقول: يا ربّ سل هذا فيم قتلني، فإن كان قتله في طاعة الله أثيب القاتل الجنّة واذهب بالمقتول إلى النار، وإن قال: في طاعة فلان قيل له: اقتله كما قتلك، ثمّ يفعل الله عزّ وجلّ فيهما بعد مشيئة.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٢٧ عن محمّد بن موسى بن المتوكّل عن

محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن محمد بن سنان بعينه سنداً ومتمناً.

٥ - من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٣٠٩

وروى محمد بن سنان عن المفضل بن عمر عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من ركب زاملة ثم وقع منها فمات دخل النار.

قال مصنف هذا الكتاب عليه السلام كان الناس يركبون الزوامل فإذا أراد أحدهم النزول وقع عن راحلته من غير أن يتعلق بشيء من الرحل فنهوا عن ذلك لئلا يسقط أحدهم متعمداً فيموت فيكون قاتل نفسه ويستوجب بذلك دخول النار، فهذا معنى الحديث وذلك أن الناس في أيام النبي صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام كانوا يركبون الزوامل فلا يمنعون ولا ينكر عليهم ذلك.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

٦ - عقاب الأعمال ص ٣٢٦

وبهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبي عمير، عن علي بن عقبة، عن أبي خالد القمّاط، عن حمّان قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: قول الله عزّ و جلّ: ﴿من أجل ذلك كتبنا على بني إسرائيل أنه من قتل نفساً بغير نفس أو فساد في الأرض فكأنما قتل الناس جميعاً﴾ وإنّما قتل واحداً؟ فقال: يوضع في موضع من جهنّم إليه ينتهي شدة عذاب أهلها لو قتل الناس جميعاً، كان إنّما يدخل ذلك المكان، قلت: فإن قتل آخر؟ قال: يضاعف عليه.

ورواه في «معاني الأخبار» ص ٣٧٩ بعينه سنداً ومتمناً.

٧ - عقاب الأعمال ص ٣٢٦

أبي عليه السلام قال: حدّثني عبد الله بن جعفر الحميري، عن أحمد بن محمد، عن

الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن أبان، عمّن أخبره، عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه سئل
عمّن قتل نفساً متعمداً قال: جزاؤه النار.

٨ - المحاسن ص ١٠٥

عنه، عن محمد بن عليّ عن محمد بن أسلم الجبليّ، عن عبد الرحمن بن
أسلم، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من قتل مؤمناً متعمداً أثبت الله على قاتله
جميع الذنوب و برّاً المقتول منها وذلك قول الله تبارك وتعالى: ﴿إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ
بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾.

وفي رواية سليمان بن خالد، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: أوحى الله
عزّ وجلّ إلى موسى بن عمران عليه السلام «يا موسى قل للملأ من بني إسرائيل: إيّاكم
وقتل النفس الحرام بغير حقّ، فمن قتل منكم نفساً في الدنيا قتله الله في النار مائة
ألف قتلة مثل قتله صاحبه.

مركز تحقيق كافي علوم حسني

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٢٧ عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن أحمد
بن محمد، عن عليّ بن الحكم، عن هشام، عن سليمان بن خالد بعينه متناً.

منها: من قرأ القرآن يريد به السمعة

ومن قرأ القرآن يأكل به الناس

١ - عقاب الأعمال ص ٣٣٧

ومن قرأ القرآن يريد به السمعة والتماس شيء لقي الله عزّ وجلّ يوم القيامة
ووجهه مظلم ليس عليه، لحم وزجّ القرآن في قفاه حتّى يدخله النار، ويهوي فيها
مع من يهوي

ومن قرأ القرآن ولم يعمل به حشره الله يوم القيامة أعمى، فيقول: «ربّ
لم حشرتني أعمى وقد كنت بصيراً. قال كذلك أتتك آياتنا فنسيتها وكذلك اليوم

تنسى» فيؤمر به إلى النار.

٢ - عقاب الأعمال ص ٣٢٩

حدّثني حمزة بن محمّد العلويّ، عن عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفليّ، عن السكونيّ، عن الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال: قال عليّ عليه السلام: من قرأ القرآن يأكل به الناس يوم القيامة ووجهه عظم لا لحم فيه.

٣ - الخصال ص ١٧٤

باسناده عن جابر قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: يجيء يوم القيامة ثلاثة يشكون: المصحف، والمسجد، والعترّة، يقول المصحف: يا ربّ حرّقوني ومزّقوني، ويقول المسجد: يا ربّ عطّلوني وضيّعوني، وتقول العترّة: يا ربّ قتلونا وطرّدونا وشرّدونا فأجثوا للركبتين للخصومة فيقول الله جلّ جلاله لي: أنا أولى بذلك.

ونقلهما عنهما في «البحار» ج ٧ ص ٢٢٢.

منها: الريا في الأعمال

١ - كتاب الزهد ص ٦٢

القاسم بن محمّد، عن عليّ بن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: يجاء بعبد يوم القيامة قد صلّى فيقول: يا ربّ صلّيت ابتغاء وجهك، فيقال له: إنّك صلّيت ليقال: ما أحسن صلاة فلان، اذهبوا به إلى النار، ويجاء بعبد قد قاتل فيقول: يا ربّ قاتلت ابتغاء وجهك، فيقال له: بل قاتلت ليقال: ما أشجع فلاناً، اذهبوا به إلى النار، ويجاء بعبد قد تعلّم القرآن فيقول: يا ربّ تعلّمت القرآن ابتغاء وجهك فيقال له: بل تعلّمت ليقال: ما أحسن صوت فلان، اذهبوا به إلى النار،

ويجاء بعبد قد أنفق ماله فيقول يا رب أنفقت مالي ابتغاء وجهك فيقال له: بل أنفقته ليقال: ما أسخى فلاناً، اذهبوا به إلى النار.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٠.

منها: القضاء بغير حق

١ - الخصال ص ٢٤٧

حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكل عليه السلام قال: حدّثنا علي بن الحسين السعد آبادي قال: حدّثنا أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمير رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام، قال: القضاة أربعة: قاض قضى بالحق وهو لا يعلم أنّه حقّ فهو في النار، وقاض قضى بالباطل وهو لا يعلم أنّه باطل فهو في النار، وقاض قضى بالباطل وهو يعلم أنّه باطل فهو في النار، وقاض قضى بالحق وهو يعلم أنّه حقّ فهو في الجنة. مرآة العقبات في شرح أصول

منها: تقبيل الغلام من شهوة

١ - الكافي ج ٥ ص ٥٤٨

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن يحيى، عن طلحة بن زيد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قبّل غلاماً من شهوة الجمه الله يوم القيامة بلجام من نار.

ونقله عنه في «الوسائل» ج ١٤ ص ٢٥٥.

منها: القيادة

١ - عقاب الأعمال ص ٣٣٧

روى باسناده عن أبي هريرة وعبد الله بن عباس عنه صلى الله عليه وآله في خطبة قال: ومن

منها: الكذب على الله، وعلى الرسول وعلى الأوصياء ٤٦٥

قاد بين رجل وامرأة حراماً حرّم الله عليه الجنّة، ومأواه جهنّم وساءت مصيراً، ولم يزل في سخط الله حتّى يموت.

ونقله عنه في «الوسائل» ج ١٤ ص ٢٦٦.

منها: الكذب على الله، وعلى الرسول وعلى الأوصياء عليهم السلام

١ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٢٦٤

روى بإسناده عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله أنّه قال له: يا عليّ... - إلى قان قال - يا عليّ: من كذب عليّ متعمداً فليتبوّأ مقعده من النار، الحديث.



٢ - المحاسن ص ١١٨

عنه، عن محمّد بن عليّ، وعليّ بن عبد الله، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأسديّ، عن أبي خديجة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الكذب على الله وعلى رسوله وعلى الأوصياء من الكبائر، وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: من قال عليّ ما لم أقله فليتبوّأ مقعده من النار.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣١٨ عن محمّد بن عليّ ماجيلويه عن عمّه عن محمّد بن عليّ القرشيّ عن عبد الرحمن بن محمّد الأسدي بعينه سنداً ومتمناً.

٣ - تفسير العيّاشي ج ٢ ص ١١

عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله عليه السلام من زعم أنّ الله أمر بالسوء والفحشاء فقد كذب على الله، ومن زعم أنّ الخير والشرّ بغير مشيئة منه فقد أخرج الله من سلطانه، ومن زعم أنّ المعاصي عملت بغير قوّة الله فقد كذب على الله، ومن كذب على الله أدخله الله النار.

منها: المتكبرين

١ - الكافي ج ٢ ص ٣١١

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان، عن داود بن فرقد، عن أخيه قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنّ المتكبرين يجعلون في صور الذرّ حتى يتوطّوهم الناس حتى يفرغ الله من الحساب.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠١.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٦٥ باسناده عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه، عن محمد بن سنان بعينه سنداً ومتمناً.

٢ - عقاب الأعمال ص ٢٦٤

أبي عليه السلام عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن أبي عبد الله عن عثمان بن عيسى، عن العلاء بن الفضل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أبو جعفر عليه السلام: العزّ رداء الله، والكبرياء إزاره، فمن تناول شيئاً منه كبّه الله في جهنّم.

٣ - عقاب الأعمال ص ٢٦٤

حدّثني محمد بن عليّ ماجيلويه رحمته الله عن عمّه محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن عليّ الكوفي، عن أبي جميلة المرادي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الكبرياء رداء الله فمن نازعه شيئاً من ذلك كبّه الله في النار.

٤ - أمالي الطوسي ص ٥٣٨

روى باسناده عن أبي ذرّ، في وصيّة النبي صلى الله عليه وآله لأبي ذرّ رضي الله عنه يا أبا ذرّ، من أحبّ أن يتمثّل له الرجال قياماً فليتبوأ مقعده من النار.

ورواه في «أعلام الدين» ص ٢٠٢.

٥ - وفي ص ٥٣٨

يا أبا ذرّ، من مات وفي قلبه مثقال ذرّة من كبر، لم يجد رائحة الجنّة إلاّ أن يتوب.

٦ - وفي ص ٥٣٨

يا أباذرّ، أكثر من يدخل النار المستكبرون.
ورواه في «أعلام الدين» ص ٢٠٣.

٧ - كتاب الزهد ص ٦٢

ابن أبي عمير عن محمّد بن أبي حمزة وحسين بن عثمان عن إسحاق بن
عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الكبر رداء الله فمن نازع الله ردائه أكبه الله في النار
على وجهه.

مركز تحقيقات كميتر علوم و معارف

منها: من لقي المسلمين بوجهين ولسانين

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٣٤٣

محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد بن عيسى، عن محمّد بن سنان، عن عون
القلانسيّ، عن ابن أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من لقي المسلمين
بوجهين ولسانين جاء يوم القيامة وله لسانان من نار.

ورواه في «الخصال» ص ٣٨

ورواه في «الخصال» ص ٣٨

عن أبيه عليه السلام قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن محمّد بن أحمد بن يحيى بن
عمران الأشعري، عن موسى بن عمر، عن ابن سنان، بعينه سنداً ومتمناً لكنّه ذكر بدل
قوله: المسلمين: «المؤمنين».

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣١٩ عن أبيه، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن سنان بعينه سنداً ومتمناً.
ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٣٣٧ عن محمد بن الحسن عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن موسى بن عمر، عن ابن سنان بعينه سنداً ومتمناً لكنه ذكر بدل قوله: لقي المسلمين بوجهين ولسانين: «لقي الناس بوجه وغابهم بوجه».

ورواه في «معاني الأخبار» ص ١٨٥ بعين ما في «الأمالي» سنداً ومتمناً.
ورواه في «روضة الواعظين» ج ٢ ص ٤٧٠.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٢٥٤

روى حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن جعفر بن محمد عن أبيه، عن جدّه عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال له: يا علي... إلى أن قال - يا عليّ من خاف الناس لسانه فهو من أهل النار. الحديث.

٣ - الخصال في حديث أربعمائة ص ٦٣٥:

باللسان كبّ أهل النار في النار، وباللسان أعطي أهل النور فاحفظوا ألسنتكم واشغلوها بذكر الله عزّ وجلّ. الخبر.

٤ - عقاب الأعمال ص ٣١٩

حدّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن المنبّه بن عبدالله، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن زيد بن عليّ عن آبائه عن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يجرى يوم القيامة ذوالوجهين دالماً لسانه في

منها: منع حقّ المؤمن أو حبسه عن ماله وهو محتاج إليه ٤٦٩

قفاه وآخر قدّامه يلتهبان ناراً حتّى يلهّبا جسده ثمّ يقال له: هذا الذي كان في الدنيا ذا وجهين ولسانين، يعرف بذلك يوم القيامة.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٨.

٥ - الخصال ص ٣٨

أخبرني الخليل بن أحمد قال: أخبرنا ابن منيع قال: حدّثنا أبو بكر بن أبي شيبة قال: حدّثنا شريك، عن الرّكين عن نعيم بن حنظلة، عن عمّار قال: قال رسول الله ﷺ: من كان له وجهان في الدنيا كان له يوم القيامة لسانان من نار.

٦ - أمالي الطوسي ص ٥٣٦ في وصيّة النبي ﷺ لأبي ذرّ رضي الله عنه: يا أباذرّ، وهل يكبّ الناس على مناخرهم في النار إلا حصائد ألسنتهم، إنك لا تزال سالماً ما سكت، فإذا تكلمت كتب لك أو عليك.

ورواه في «كتاب الزهد» ص ١٠ عن إبراهيم بن أبي البلاد عن أبيه، رفعه عنه ﷺ لكنّه إلى قوله: «حصائد ألسنتهم».
ورواه في «أعلام الدين» ص ٢٠١.

٧ - جامع الأخبار ص ٩٤

قال الشيخ: من كان ذا لسانين في الدنيا جعل له يوم القيامة لسانين من نار.

منها: منع حقّ المؤمن أو حبسه عن ماله وهو محتاج إليه

١ - اصول الكافي ج ٢ ص ٣٦٧

ابن سنان، عن يونس بن ظبيان قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا يونس من حبس

حقّ المؤمن أقامه الله عزّ وجلّ يوم القيامة خمسمائة عام على رجله حتّى يسيل عرقه أو دمه، وينادي منادٍ من عند الله: هذا الظالم الذي حبس عن الله حقّه، قال: فيوبّخ أربعين يوماً، ثمّ يؤمر به إلى النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠١.

ورواه في «المحاسن» ص ١٠٠ عن محمّد بن سنان عن يونس بعينه متناً.
ورواه في «الخصال» ص ٣٢٨ عن أبيه عن محمّد بن يحيى، عن محمّد بن أحمد، عن سهل بن زياد عن محمّد بن سنان بعينه سنداً ومتناً.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٨٦ عن محمّد بن الحسن، عن محمّد بن أبي القاسم، عن محمّد بن عليّ الكوفيّ، عن محمّد بن سنان، عن المفضل عن يونس لكنّه ذكر بدل قوله: عن الله حقّه، «عن المؤمن حقّه».

ورواه في «أعلام الدين» ص ٤٠٤ عن أمير المؤمنين عليه السلام.

٢ - أصول الكافي ج ٢ ص ٣٦٧

العدّة، عن أحمد بن محمّد، وأبو عليّ الأشعري، عن محمّد بن حسان، جميعاً، عن محمّد بن عليّ، عن محمّد بن سنان، عن فرات بن أحنف، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أيّما مؤمن منع مؤمناً شيئاً ممّا يحتاج إليه وهو يقدر عليه من عنده أو من عند غيره أقامه الله يوم القيام مسودّاً وجهه، مزرقة عيناه، مغلولة يداه إلى عنقه فيقال: هذا الخائن الذي خان الله ورسوله، ثمّ يؤمر به إلى النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠١.

ورواه في «المحاسن» ص ١٠٠ عنه عن محمّد بن عليّ بن محمّد بن سنان بعينه سنداً ومتناً.

ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٨٦ عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن

منها: منع حقّ المؤمن أو حبسه عن ماله وهو محتاج إليه ٤٧١

محمّد بن الحسين، عن محمّد بن سنان بعينه سنداً ومتناً.
ورواه في «أعلام الدين» ص ٢٦٩ عن الصادق عليه السلام وفي ص ٤٠٤ عن
أمير المؤمنين عليه السلام بعينه متناً.

٣ - الكافي ج ٣ ص ٥٠٢

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن مسكان، عن
محمّد بن مسلم قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ
مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ فقال: يا محمّد ما من أحد يمنع من زكاة ما له شيئاً إلّا
جعل الله عزّ وجلّ ذلك يوم القيامة ثعباناً من نار مطوّقاً في عنقه ينهش من لحمه
حتى يفرغ من الحساب، ثمّ قال: هو قول الله عزّ وجلّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ
يَوْمَ الْقِيَمَةِ﴾ يعني: ما بخلوا به من الزكاة.
ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٠٥.

ورواه في «من لا يحضره الفقيه» ج ٢ ص ٦ عن محمّد بن مسلم عن
أبي جعفر عليه السلام مثله.
ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٢٧٨ عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن
يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن مسكان، عن محمّد بن مسلم،
عن أبي جعفر عليه السلام مثله.

٤ - من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٦

وروى عبيد بن زرارة عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه قال: ما من رجل يمنع درهماً
في حقّه إلّا أنفق اثنين في غير حقّه، وما من رجل يمنع حقّاً في ماله إلّا طوّقه الله به
حيّة من نار يوم القيامة.

٥ - أمالي الطوسي ص ٦٩٤

الحسين بن إبراهيم القزويني، عن محمد بن وهبان، عن محمد بن أحمد بن زكريا عن الحسن بن فضال، عن علي بن عتبة عن أسباط بن سالم، عن أيوب بن راشد قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: مانع الزكاة يطوق بحية قرعاء، تأكل من دماغه وذلك قول الله تعالى: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾. ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ١٨٣.

٦ - عقاب الأعمال ص ٢٨٦

وبهذا الإسناد، عن محمد بن سنان، عن المفضل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أيما مؤمن حبس مؤمناً عن ماله وهو محتاج إليه لم يذق والله من طعام الجنة، ولا يشرب من الرحيق المختوم.  ورواه في «المحاسن» ص ١٤٠ عن المفضل عنه عليه السلام بعينه متناً.

٧ - عقاب الأعمال ص ٢٧١

حدثني محمد بن موسى بن المتوكل رحمته الله قال: حدثني علي بن الحسين السعد آبادي عن أحمد بن أبي عبد الله، عن البرنطي، عن علي، عن حريز، عن بعض أصحابه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: اليمين الغموس التي توجب النار، الرجل يحلف على حق امرئ مسلم على حبس ماله. ورواه في «المحاسن» ص ١١٩ عن البرقي عن أحمد بن محمد، عن علي بعينه سنداً ومتمناً.

٨ - عقاب الأعمال ص ٢٩٨

أبي رحمته الله قال: حدثني محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي الكوفي، عن

محمد بن سنان، عن فرات بن الأحنف قال: قال علي بن الحسين عليه السلام من كان عنده فضل ثوب فعلم أن بحضرته مؤمناً محتاجاً إليه فلم يدفعه إليه أكبه الله عز وجل في النار على منخريه.

ورواه في «المحاسن» ص ٩٨ عنه عن محمد بن علي عن محمد بن سنان بعينه سنداً ومتمناً.

٩ - عقاب الأعمال ص ٣٢٢

حدثني محمد بن الحسن رحمته الله عن محمد بن الحسن الصفار، عن يعقوب بن يزيد، عن حماد بن عيسى، عن ربعي بن عبدالله، عن فضيل بن يسار قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: من أكل من مال أخيه ظلماً ولم يردّه عليه أكل جذوة من النار يوم القيامة.



ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢١٩.

١٠ - أعلام الدين ص ٢٥٤

وقال الصادق عليه السلام: من سأل أخوه المؤمن حاجة وعنده قضاؤها ولم يقضها بأنعم الله عنده فقد كفر بها وباء بغضب، مأواه جهنم وبئس المصير.

منها: المكر والخديعة

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ٣٣٧

علي، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يجيء كل غادر يوم القيامة بإمام مائل شذقه حتى يدخل النار ويجيء كل ناكث ببيعة إمام أجذم حتى يدخل النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٧ ص ٢٠١.

٢ - أصول الكافي ج ٢ ص ٣٣٦

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم رفعه قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: «لولا أن المكر والخديعة في النار لكنت أمكر الناس». ورواه في «عقاب الأعمال» ص ٣٢٠ عن محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير بعينه سنداً ومتمناً، لكنه ذكر بدل قوله أمكر الناس: «أمكر العرب».

٣ - عقاب الأعمال ص ٣٢٠

حدثني أحمد بن محمد قال: حدثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن أبي الجارود قال: حدثني حبيب بن سنان، عن زاذان قال: سمعت علياً عليه السلام يقول: «لولا أنني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «إن المكر والخديعة والخيانة في النار» لكنت أمكر العرب».

٤ - عقاب الأعمال ص ٢٦٢

حدثني محمد بن علي ماجيلويه رحمته الله قال: حدثني عمي محمد بن أبي القاسم عن محمد بن علي الكوفي، عن محمد بن عقبة رفعه، عن محمد بن الحسن بن علي بن أبي طالب عن أبيه عن جدّه عليه السلام أنه كان يقول: المكر والخديعة في النار.

٥ - أمالي الصدوق ص ٢٧٠

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمته الله قال: حدثنا علي بن إبراهيم عن أبيه إبراهيم بن هاشم عن علي بن معبد عن الحسين بن خالد عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من كان مسلماً فلا يمكر ولا يخدع فإنني سمعت جبرئيل يقول: إن المكر والخديعة في النار. الحديث».

كتاب البرزخ

قال الله تعالى: ﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾

سورة المؤمنون / الآية ١٠٠

ويشمل على عقبات:

العقبة الأولى: سكرات الموت.

العقبة الثانية: العذيلة عند الموت.

العقبة الثالثة: ضغطة القبر وعذابه.

العقبة الرابعة: سؤال منكر ونكير.

العقبة الخامسة: الأرواح في البرزخ.

خاتمة: في ذكر جملة من آثار حبّ عليّ عليه السلام في الميّت.

تفسير القمّي ج ٢ ص ٩٣ و ٩٤

حدّثني أبي عن خالد عن حمّاد عن حريز عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث قال: البرزخ هو أمر بين أمرين وهو الثواب والعقاب بين الدنيا والآخرة. قال المصنّف: وهو ردّ على من أنكر عذاب القبر والثواب والعقاب قبل القيامة وهو قول الصادق عليه السلام: والله ما أخاف عليكم إلّا البرزخ فأما إذا صار الأمر إلينا فنحن أولى بكم.

عقبة سكرة الموت

قال الله تعالى: ﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾

سورة / ق آية ١٩

الحديث الأول

كنز العمال ٤٢٢١٠/٥٦٩/١٥ نقلاً عن تاريخ بغداد عن أنس.

عنه صلى الله عليه وآله : لمعالجة ملك الموت أشد من ألف ضربة بالسيف.

ورواه في ج ١٥ ص ٨٩٤ عن أبي مارك الأشعري عنه صلى الله عليه وآله.

الحديث الثاني

كنز العمال ٤٢٢٠٨/٥٦٩/١٥ نقلاً عن ابن أبي الدنيا في ذكر الموت عن

الضحّاك بن حمزة.

عنه صلى الله عليه وآله : أدنى جذات الموت بمنزلة مائة ضربة بالسيف.

الحديث الثالث

من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٠ باب غسل الميت ح ١٧

وقال (الصادق) عليه السلام : إنّ بين الدنيا والآخرة ألف عقبة أهونها وأيسرها

الموت.

الحديث الرابع

الخصال ج ١ ص ١١٩ ح ١٠٨

حدثنا أبي عليه السلام قال: حدثنا سعد بن عبد الله قال: حدثني القاسم بن محمد عن سليمان بن داود قال: حدثنا عبد الرزاق عن معمر عن الزهري قال: قال علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام أشدّ ساعات ابن آدم ثلاث ساعات، الساعة التي يعاين فيها ملك الموت، والساعة التي يقوم فيها من قبره، والساعة التي يقف فيها بين يدي الله تبارك وتعالى، فإمّا إلى الجنة وإمّا إلى النار، ثمّ قال: إنّ نجوت يا ابن آدم عند الموت فأنت أنت وإلاّ هلكت، وإنّ نجوت يا ابن آدم حين توضع في قبرك فأنت أنت وإلاّ هلكت، وإنّ نجوت حين يحمل الناس على الصراط فأنت أنت، وإلاّ هلكت، وإنّ نجوت حين يقوم الناس لربّ العالمين فأنت أنت وإلاّ هلكت ثمّ تلا ﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ قال هو القبر وإنّ لهم فيه لمعيشة ضنكاً، والله إنّ القبر لروضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النار، ثمّ أقبل على رجل من جلسائه فقال له: لقد علم ساكن السماء ساكن الجنة من ساكن النار فأيّ الرجلين أنت وأيّ الدارين دارك.

ورواه في «دعوات الراوندي» ص ٢٢٤.

الحديث الخامس

الكافي ج ٣ ص ٢٥٣

عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث إنّ النبي صلى الله عليه وآله قال: يا عليّ إنّ ملك الموت إذا نزل فقبض روح الكافر نزل معه بسفود من نار فينزع روحه به فيصيح جهنّم، فقال عليّ عليه السلام: هل يصيب ذلك أحداً من أمّتك؟ قال: نعم، حاكم جائر وآكل مال اليتيم ظلماً وشاهد زور.

ونقله عنه في «الوسائل» ج ١٨ ص ٢٣٧.

الحديث السادس

إرشاد القلوب ص ٦٢

وقال النبي ﷺ : ما من بيت إلا ملك الموت يأتيه في كل يوم خمس مرات فإذا وجد الرجل قد أنقطع أجله ونفذ أكله ألقى عليه غمّ الموت فغشيته كرباته وغمرته غمراته، فمن أهل بيتته الناشرة شعرها والضاربة وجهها والباكية شجوها والصارخة بويلها فيقول ملك الموت: ويلكم فما الجزع والفرع والله ما اذهبت لواحد منكم رزقاً ولا قرّبت له أجلاً ولا أتية حتّى امرت ولا قبضت روحه حتّى استأمرت.

في تمثّل المال والولد والعمل للميّت عند موته

من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٢ باب غسل الميّت ح ٢٨

وقال أمير المؤمنين عليه السلام: إنّ العبد إذا كان في آخر يوم من الدنيا وأوّل يوم من الآخرة مثّل له ماله وولده وعمله، فيلتفت إلى ماله ويقول والله إنّي كنت عليك لحريصاً شحيحاً فما ذا عندك فيقول: خذ منّي كفنك، فيلتفت إلى ولده فيقول: والله إنّي كنت لكم محبباً وإنّي كنت عليكم لمحامياً فما ذا عندكم؟ فيقولون نوّدّيك إلى حفرتك ونواريك فيها، فيلتفت إلى عمله فيقول: والله إنك كنت عليّ لثقيلاً وإنّي كنت فيك لزاهداً فما ذا عندك؟ فيقول أنا قرينك في قبرك ويوم حشرك حتّى أعرض أنا وأنت على ربّك.

في موت المؤمن المطيع لله

كتاب الاعتقادات للصدوق ص ٥١ - ٥٧

قيل لأمر المؤمنين عليّ عليه السلام صف لنا الموت ؟

فقال عليه السلام: «على الخبر سقطتم، هو أحد ثلاثة أمور يرد عليه:
إمّا بشارة بنعيم الأبد، وإمّا بشارة بعذاب الأبد، وإمّا بتحزين وتهويل وأمر
مبهم لا يدري من أي الفرق هو.

أمّا وليّنا والمطيع لأمرنا فهو المبشر بنعيم الأبد.
وأمّا عدوّنا والمخالف لأمرنا، فهو المبشر بعذاب الأبد.
وأمّا المبهم أمره الذي لا يدري ما حاله، فهو المؤمن المسرف على نفسه
لا يدري ما يؤول حاله يأتيه الخبر مبهماً مخوفاً ثمّ لن يسويه الله بأعدائنا،
ويخرجه من النار بشفاعتنا.

فاعلموا وأطيعوا ولا تتكلّوا، ولا تستصغروا عقوبة الله، فإنّ من المسرفين من
لا يلحقه شفاعتنا إلّا بعد عذاب ثلاثمائة ألف سنة».

ورواه عنه عليه السلام مسنداً في «معاني الأخبار» ص ٢٨٨ باب معنى الموت ح ٢
وقال في الاعتقادات بعد ذلك:

وسئل الحسن بن عليّ عليه السلام، ما الموت الذي جهلوه؟

فقال عليه السلام: «أعظم سرور يرد على المؤمنين إذ نقلوا عن دار النكد إلى نعيم
الأبد، وأعظم ثبور يرد على الكافرين إذ نقلوا عن جنتهم إلى نار لا تبيد ولا
تنفد».

ولما اشتدّ الأمر بالحسين بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام : نظر إليه من كان معه
فإذا هو بخلافهم، لأنّهم إذا اشتدّ بهم الأمر تغيّرت ألوانهم، وارتعدت فرائصهم،
ووجلّت قلوبهم، ووجبت جنوبهم. وكان الحسين عليه السلام وبعض من معه من خواصّه
تشرق ألوانهم، وتهدأ جوارحهم، وتسكن نفوسهم.

فقال بعضهم لبعض: أنظروا إليه لا يبالي بالموت.

فقال لهم الحسين عليه السلام: «صبراً بني الكرام، فما الموت إلّا قنطرة تعبر بكم عن

البؤس والضر إلى الجنان الواسعة والنعم الدائمة، فأَيُّكم يكره أن ينتقل من سجن إلى قصر، وهؤلاء أعداؤكم كمن ينتقل من قصر إلى سجن وعذاب أليم. إنَّ أبي حدَّثني عن رسول الله: إنَّ الدنيا سجن المؤمن وجنَّة الكافر. والموت جسر هؤلاء إلى جنَّاتهم، وجسر هؤلاء إلى جحيمهم، ما كَذبت ولا كُذِّبت.

وقيل لعليّ بن الحسين: ما الموت؟

فقال عليه السلام: «للمؤمن كنز ثياب وسخة قملة، وفك قيود وأغلال ثقيلة، والاستبدال بأفخر الثياب وأطيبها روائح، وأوطأ المراكب، وأنس المنازل. وللکافر كخلع ثياب فاخرة، والنقل عن منازل أنيسة، والاستبدال بأوسخ الثياب وأخشنها، وأوحش المنازل، وأعظم العذاب».

وقيل لمحمّد بن عليّ عليه السلام: ما الموت؟

فقال: «هو النوم الذي يأتِيكم في كلِّ ليلة، إلّا أنّه طويل مدّته لا ينتبه منه إلّا يوم القيامة. فمنهم من رأى في منامه من أصناف الفرح ما لا يقادر قدره، ومنهم من رأى في نومه من أصناف الأهوال ما لا يقادر قدره، فكيف حال من فرح في الموت ووجل فيه! هذا هو الموت فاستعدّوا له».

وقيل للصادق عليه السلام: صف لنا الموت؟

فقال: «هو للمؤمنين كأطيب ريح يشمّه فينعس لطيبه فينقطع التعب والألم كلّه عنه. وللکافر كلسع الأفاعي وكلدغ العقارب وأشد».

قيل: فإنّ قوماً يقولون هو أشدّ من نشر بالمناشير، وقرض بالمقاريض، ورضخ بالحجارة، وتدوير قطب الأرحية في الأحداق؟

فقال: «كذلك هو على بعض الكافرين والفاجرين، ألا ترون منهم من يعاين تلك الشدائد فذلك الذي هو أشدّ من هذا [إلّا من عذاب الآخرة فإنّه أشدّ] من عذاب الدنيا».

قيل: فما لنا نرى كافراً يسهل عليه النزع فينطفئ، وهو يتحدث ويضحك ويتكلم، وفي المؤمنين من يكون أيضاً كذلك، وفي المؤمنين والكافرين من يقاسي عند سكرات الموت هذه الشدائد؟

قال عليه السلام: «ما كان من راحة هناك للمؤمنين فهو عاجل ثوابه، وما كان من شدة فهو تمحيصه من ذنوبه، ليرد إلى الآخرة نقيّاً نظيفاً مستحقاً لثواب الله ليس له مانع دونه. وما كان من سهولة هناك على الكافرين فليوفى أجر حسناته في الدنيا، ليرد الآخرة وليس له إلا ما يوجب عليه العذاب، وما كان من شدة على الكافر هناك فهو ابتداء عقاب الله عند نفاذ حسناته، ذلكم بأن الله عدل لا يجوز».

ودخل موسى بن جعفر عليه السلام على رجل قد غرق في سكرات الموت وهو لا يجيب داعياً، فقالوا له: يا بن رسول الله، وددنا لو عرفنا كيف حال صاحبنا، وكيف يموت؟ فقال: «طأن الموت هو المصفاة: يصفى المؤمنين من ذنوبهم، فيكون آخر ألم يصيبهم كفارة آخر وزر عليهم. ويصفى الكافرين من حسناتهم، فتكون آخر لذة أو نعمة أو رحمة تلحقهم هو آخر ثواب حسنة تكون لهم. أمّا صاحبكم فقد نخل من الذنوب نخلًا وصفي من الآثام تصفية، وخلص حتى نقي كما ينقى ثوب من الوسخ، وصلاح لمعاشرتنا أهل البيت في دارنا دار الأبد».

ومرض رجل من أصحاب الرضا عليه السلام فعاده، فقال: «كيف تجدك؟» فقال: لقيت الموت بعدك، يريد به ما لقي من شدة مرضه.

فقال: «كيف لقيته؟» فقال: أليماً شديداً.

فقال: «ما لقيته، ولكن لقيت ما ينذرك به، ويعرفك بعض حاله. إنّما الناس رجالان: مستريح بالموت، ومستراح منه فجدد الإيمان بالله وبالولاية تكن مستريحاً. ففعل الرجل ذلك والحديث طويل أخذنا منه موضع الحاجة.

وقيل لمحمد بن علي بن موسى عليه السلام: ما بال هؤلاء المسلمين يكرهون

الموت؟

فقال: «لأنّهم جهلوه فكرهوه، ولو عرفوه وكانوا من أولياء الله حقّال لأحبّوه، ولعلموا أنّ الآخرة خير لهم من الدنيا».

ثمّ قال: «يا عبد الله، ما بال الصبي والمجنون يمتنع من الدواء المنقي لبدنه والنافي للألم عنه؟». فقال: لجهلهم بنفع الدواء.

فقال: «والذي بعث محمّداً بالحقّ نبياً، إنّ من قد استعد للموت حقّ الاستعداد فهو أنفع لهم من هذا الدواء لهذا المتعالج، أمّا إنهم لو علموا ما يؤدّي إليه الموت من النعم، لاستدعوه وأحبّوه أشدّ ممّا يستدعي العاقل الحازم الدواء، لدفع الآفات واجتلاب السلامة».

ودخل عليّ بن محمّد عليه السلام على من رضى من أصحابه وهو يبكي ويجزع من الموت، فقال له: «يا عبد الله، تخاف من الموت لأنّك لا تعرفه، رأيته إذا اتسخت ثيابك وتقذرت، وتأذيت بما عليك من الوسخ والقذرة، وأصابك قروح وجرب، وعلمت أنّ الغسل في حمام يزيل عنك ذلك كلّهُ، أما تريد أن تدخله فتغسل فيزول ذلك عنك، أو ما تكره أن لا تدخله فيبقى ذلك عليك؟ قال: بلى يا ابن رسول الله. قال: «فذلك الموت هو ذلك الحمّام، وهو آخر ما بقي عليك من تمحيص ذنوبك وتنقيتك من سيئاتك، فإذا أنت وردت عليه وجاوزته، فقد نجوت من كلّ غمّ وهمّ وأذى ووصلت إلى سرور وفرح». فسكن الرجل ونشط واستسلم وغمض عين نفسه ومضى لسبيله.

وسئل الحسن بن عليّ عليه السلام عن الموت، ما هو؟ فقال: «هو التصديق بما لا يكون. إنّ أبي حدّثني عن أبيه عن جدّه عن الصادق عليه السلام أنّه قال: إنّ المؤمن إذا مات لم يكن ميّتاً، وإنّ الكافر هو الميّت، إنّ الله عزّ وجلّ يقول: ﴿يخرج الحيّ من الميّت ويخرج الميّت من الحيّ﴾ يعني المؤمن من الكافر، والكافر من المؤمن».

وجاء رجل إلي النبي ﷺ، فقال يا رسول الله، ما بالي لا أحبّ الموت؟ قال: «ألك مال؟». قال: نعم. قال: «قدّمته؟». قال: لا. قال: «فمن ثمّ لا تحبّ الموت؟».

وقال رجل لأبي ذرّ - رحمه الله عليه - : ما لنا نكره الموت؟ فقال : لأنّكم عمّرتُم الدنيا وخرّبتُم الآخرة، فتكرهون أن تنقلوا من عمران إلى خراب. وقيل له: كيف ترى قدومنا على الله؟ قال: أمّا المحسن فكالغائب يقدم على أهله، وأمّا المسيء فكالآبق يقدم على مولاه.

قيل: فيكف ترى حالنا عند الله؟ فقال: اعرضوا أعمالكم على كتاب الله، يقول الله تعالى: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾. قال الرجل: فأين رحمة الله؟ قال: ﴿إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾.



مما ورد في كيفية قبض روح المؤمن

الاختصاص ص ٣٤٥

حدّثنا أبو جعفر أحمد بن محمد بن عيسى، قال: حدّثني سعيد بن جناح عن عوف بن عبد الله الأزدي، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قال رسول الله ﷺ: إذا أراد الله تبارك وتعالى قبض روح المؤمن قال: يا ملك الموت إنطلق أنت وأعوانك إلى عبدي، فطال ما نصب نفسه من أجلي فأنتي بروحه لأريحه عندي، فيأتيه ملك الموت بوجه حسن و ثياب طاهرة وريح طيبة فيقوم بالباب فلا يستأذن بواباً ولا يهتك حجاباً ولا يكسر باباً، معه خمسمائة ملك أعوان معهم طينان الريحان والحرير الأبيض والمسك الأذفر فيقولون: السلام عليك يا وليّ الله أبشر فإنّ الرّبّ يقرئك السلام أمّا إنّهُ عنك راضٍ غير غضبان، وأبشر بروح وريحان وجنّة نعيم، الحديث بطوله.

في أن حبَّ النبي ﷺ وأهل بيته ينفع عند الموت الحديث الأول

الخصال ص ٣٦٠

حدَّثنا الحسن بن عبد الله بن سعيد العسكري قال: أخبرنا محمد بن أحمد بن حمدان القشيري قال: حدَّثنا المغيرة بن محمد بن المهلب، قال: حدَّثنا عبد الغفار محمد بن بكير الكلابي الكوفي عن عمرو بن ثابت عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام عن علي بن الحسين عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ حبي وأهل بيتي نافع في سبعة مواطن أهوالهنَّ عظيمة: عند الوفاة وفي القبر وعند النشور وعند الكتاب وعند الحساب وعند الميزان وعند الصراط.

ونقله في «البحار» ج ٢٧ ص ١٥٨ عنه وعن «الأمال» ثم قال رواه في الفردوس عن ابن شبرويه عن علي عليه السلام عن النبي ﷺ مثله.



الحديث الثاني

تفسير العياشي ج ١ ص ٢١٠

محمد بن يونس، عن بعض أصحابنا، قال: قال لي أبو جعفر عليه السلام: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ أَوْ مَنْشُورَةٌ» كذا نزل بها على محمد ﷺ، إنه ليس أحد من هذه الأمة إلا سينشرون، فأما المؤمنون فيبشرون إلى قرّة عين، وأما الفجار فيبشرون إلى خزي الله إياهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٨.

الحديث الثالث

المحاسن ص ١٧٧

عنه، عن أبيه، عن النضر، عن يحيى الحلبي، عن قتيبة الأعشى، عن

أبي عبد الله عليه السلام قال: أما إنَّ أحوج ما تكونون فيه إلى حبّتنا حين تبلغ نفس أحدكم هذه (وأومى بيده إلى نحره) ثمّ قال: لا، بل إلى هاهنا (وأومى بيده إلى حنجرته)، فيأتيه البشير فيقول: أمّا ما كنت تخافه فقد أمنت منه.
ونقله عنه في «البحار» ج ص ١٨٧.

في رؤية المومن عند الموت منزله من الجنّة كتاب الزهد ص ٨٤

النضر (بن سويد) عن يحيى الحلبي عن سليمان بن داود عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما معنى قول الله تبارك وتعالى: ﴿فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ فَلَوْ لَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالَ: إِنَّ نَفْسَ (النفس) المحتضر إذا بلغت الحلقوم وكان مؤمناً رأى منزلة في (من) الجنّة فيقول: ردوني إلى الدنيا حتّى أخبر أهلها بما أرى فيقال (له) ليس إلى ذلك سبيل (٢٣٠).

في أنّ المومن عند موته يبعث الله إليه بريحتين من الجنّة: أحدهما تسخيه والأخرى تنسيه الدنيا

الأمالى لشيخ الطائفة أبي جعفر الطوسي ص ٤١٤ ح ٩٣٢

أخبرنا محمد بن محمد، قال: أخبرني أبو حفص عمر بن محمد بن عليّ الصوفي، قال: حدّثنا أبو عليّ محمد بن همام الإسكافي، قال: حدّثنا جعفر بن محمد بن مالك الفزاري قال: حدّثني سعيد بن عمرو قال: حدّثني الحسن بن ضوء عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال عليّ بن الحسين زين العابدين عليهما السلام قال الله عزّ وجلّ: ما من شيء أتردّد فيه مثل تردّدي عند قبض روح المومن، يكره الموت،

وأنا أكره مسأئته، فإذا حضره أجله الذي لا تأخير فيه بعثنا إليه بريحانتين من الجنة تسمي إحداهما المسخية والأخرى المنسية، فأما المسخية فتسخره عن ماله، وأما المنسية فتنسيه أمر الدنيا.

ليس لشيعة عليّ حسرة عند الموت ولا وحشة في القبور ولا غمّ يوم النشور
منازل الآخرة ص ٣١

عن أبي سعيد الخدري قال: سمعت رسول الله يقول: سرّ يا عليّ وأبشر ليس لشيعتك حسرة عند الموت ولا وحشة في القبور ولا غمّ يوم النشور.

في أنّه يؤمر الملكان للمؤمن عند موته
أمال الطوسي ص ١٩٥



أخبرنا محمد بن محمد، قال: حدّثنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، قال: حدّثني أبي، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن حنان بن سدير، عن أبيه، قال كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فذكر عنده المؤمن وما يجب من حقّه، فالتفت إليّ أبو عبد الله عليه السلام فقال لي: يا أبا الفضل، ألا أحدثك بحال المؤمن عند الله؟ فقلت: بلى فحدّثني جُعِلت فداك.

فقال: إذا قبض الله روح المؤمن صعد ملكاه إلى السماء فقالا: «يا ربّ عبدك ونعم العبد، كان سريعاً إلى طاعتك، بطيئاً عن معصيتك، وقد قبضته إليك، فما تأمرنا من بعده فيقول الجليل الجبار: إهبطاً إلى الدنيا وكوناً عند قبر عبدي وسبّحاني ومجّداني وهلّلاني وكبّراني واكتباً ذلك لعبدي حتّى أبعثه من قبره. ثمّ قال لي ألا أزيذك؟ قلت: بلى. فقال: إذا بعث الله المؤمن من قبره خرج معه مثال يقدمه، الحديث.

الحديث الثاني

مما ما ورد في كيفية قبض روح الكافر

الاختصاص ص ٣٥٩

سعيد بن جناح، قال: حدّثني عوف بن عبد الله الأزدي، عن جابر بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا أراد الله قبض روح الكافر قال: يا ملك الموت انطلق وأعوانك إلى عدوّي، فإنّي قد ابتليته فأحسن البلاء ودعوته إلى دار السلام فأبى إلا أن يشتمني وكفر بي وبنعمتي وشتمني على عرشي فاقبض روحه حتّى تكبّه في النار، قال: فيجيئه ملك الموت بوجه كريح كالح، عيناه كالبرق الخاطف، صوته كالرعد القاصف، ولونه كقطع الليل المظلم، نفسه كلهب النار رأسه في السماء الدنيا ورجل في المشرق ورجل في المغرب، وقدماه في الهواء معه سفود كثير الشعب، معه خمسمائة ملك معهم سياط من قلب جهنّم، تلتهب تلك السياط وهي من لهب جهنّم، ومعهم مسح أسود وجمرة من جمر جهنّم، ثمّ يدخل عليه ملك من خزّان جهنّم يقال له: سحقطائيل فيسقيه شربة من النار، لا يزال منها عطشاناً حتّى يدخل النار، فإذا نظر إلى ملك الموت شخص بصره وطار عقله، الحديث بطوله.

في ما يعاين الكافر ومبغض أهل البيت عليهم السلام عند الموت

الحديث الأوّل

كتاب الزهد ص ٨٥

النضر، عن يحيى الحلبيّ، عن أيّوب قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنّ أشدّ ما يكون عدوّكم كراهيةً لهذا الأمر حين تبلغ نفسه هذه - وأوماً بيده إلى حنجرته - ثمّ قال: إنّ رجلاً من آل عثمان كان سبّابة لعليّ عليه السلام فحدّثني مولاه له

كانت تأتينا قالت: لما احتضر قال: ما لي ولهم؟ قلت: جعلني الله فداك ما له قال هذا؟ فقال: لما أري من العذاب، أما سمعت قول الله تبارك وتعالى: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً»؟ هيهات هيهات! لا والله حتى يكون ثبات الشيء في القلب وإن صلي وصام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٧٧.

الحديث الثاني

تفسير نور الثقلين ج ٣ ص ٥٥٢

في أمالي الصدوق عليه السلام عن الصادق عليه السلام حديث طويل وفيه يقول: إذا مات الكافر شيعة سبعون ألفاً من الزبانية إلى قبره، وإنه ليناشد حامله بصوت يسمعه كل شيء إلا الثقلان ويقول: «لو أن لي كرة فأكون من المؤمنين» ويقول: «ربّ أرجعوني لعلّي أعمل صالحاً فيما تركت» فتجيبه الزبانية «كلا إنها كلمة أنت قائلها».

في أن المؤمن عند الموت يحب لقاء الله والكافر عند الموت يبغض لقاء الله

كتاب الزهد ص ٨٣

القاسم بن محمد عن عبد الصمد بن بشير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: أصلحك الله من أحب لقاء الله أحب لقاءه؟ ومن أبغض لقاء الله أبغض لقاءه؟ قال: نعم قلت فو الله إنا لنكره الموت فقال: ليس ذاك حيث تذهب إنما ذلك (ذاك) عند المعاينة إن المؤمن إذا رأى ما يحب (عابن الموت) فليس شيء أحب إليه من أن (يقدم على الله) يتقدم والله يحب لقاءه وهو

يحبّ لقاء الله (حينئذٍ) وإذا رأى ما يكره فليس شيء أبغض إليه من لقاء الله عزّ وجلّ والله عزّ وجلّ يبغض لقاءه.

في وجه سهولة الموت لبعض الكفار وشدّته لبعض المؤمنين الحديث الأوّل

علل الشرايع ص ٢٩٨

حدّثنا محمّد القاسم المعروف بابي الحسن الجرجاني رحمته الله قال: حدّثنا أحمد بن الحسن الحسيني، عن الحسن بن عليّ الناصر عن أبيه عن محمّد بن عليّ عن أبيه الرضا عن أبيه موسى بن جعفر عليهما السلام قال: قيل للصادق عليه السلام صف لنا الموت؟ قال: للمؤمن كأطيب ريح يشمّه فينعس لطيبه وينقطع التعب والألم كلّه عنه، وللکافر كلسع الأفاعي ولذع العقارب أو أشدّ، قيل: فان قوما يقولون إنه أصعب من نشر بالمناشير وقرض بالمقاريض ورضخ بالأحجار وتدوير قطب الأرحية في الأحداق، قال: كذلك هو على بعض الكافرين والفاجرين بالله عزّ وجلّ ألا ترون منهم من يعاني الشدائد فذلکم الذي هو أشدّ من هذا ألا ان من عذاب الآخرة فإنّه أشدّ من عذاب الدنيا، قيل فما بالنّا نرى کافراً يسهل عليه النزاع فينطفي وهو يحدث ويضحك ويتكلّم، وفي المؤمنين أيضاً من يكون كذلك وفي المؤمنين والکافرين من يقاسي عند سكرات الموت هذه الشدائد فقال: ما كان من راحة للمؤمن هناك فهو عاجل ثوابه وما كان من شديدة فتمحيصه من ذنوبه ليرد الآخرة نقياً نظيفاً مستحقّاً لثواب الأبد لا مانع له دونه وما كان من سهولة هناك على الكافر فليوف أجر حسناته في الدنيا ليرد الآخرة وليس له إلا ما يوجب عليه العذاب وما كان من شدّة على الكافر هناك فهو ابتداء عذاب الله له بعد حسناته ذلکم بان الله عدل لا يجور.

ورواه في «عيون أخبار الرضا ج ١ ص ٢٧٤ بعينه سنداً وممتناً ورواه في «أمالى الشيخ الطوسي ص ٦٥١» عن الحسين بن عبيد الله عن علي بن محمد العلوي عن الحسن بن علي بن صالح الصوفي الخزّاز، عن أحمد بن الحسن الحسيني بعينه سنداً وممتناً إلى قوله ولدغ العقارب أو أشدّ.

الحديث الثاني

علل الشرايع ص ٢٩٧

حدّثنا أبي رحمه الله قال: حدّثنا محمد بن أبي القاسم ماجيلويه عن محمد بن علي الكوفي عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام يا مفضل إياك والذنوب وحذرّها شيعتنا فوالله ما هي إلى أحد أسرع منها إليكم، إنّ أحدكم لتصيبه المعرة من السلطان وما ذاك إلا بذنوبه وإنّه ليصيبه السقم وما ذاك إلا بذنوبه وإنّه ليحبس عنه الرزق، وما هو إلا بذنوبه وإنّه ليشدّد عليه عند الموت وما هو إلا بذنوبه حتّى يقول من حضره لقد غمّ بالموت فلمّا رأى ما قد دخلني قال أتدري لم ذاك يا مفضل؟ قال: قلت لا أدري جعلت فداك قال ذاك والله أنّكم لا تؤاخذون بها في الآخرة وعجّلت لكم في الدنيا.

جملة ممّا ورد أنّها تهون لسكرات الموت

في أنّ صلة الرحم وبرّ الوالدين يهوّن سكرات الموت

الأمالى لشيخ الطائفة أبي جعفر الطوسي ص ٤٣٢ ح ٩٦٧

وبالإسناد، قال حدّثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار، قال حدّثنا أبي قال حدّثني محمد بن عبد الجبّار، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، قال أخبرني داود بن كثير الرقي، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من أحبّ أن يخفّف الله عنه

سكرات الموت، فليكن لقربته وصولاً وبوالديه بارّاً، فإذا كان كذلك هوّن الله عليه سكرات الموت، ولم يصبه في حياته فقر أبداً.

في أنّ ممّا يهوّن سكرات الموت المحافظة على الصلاة الحديث الأوّل

وسائل الشيعة ج ٣ ص ١٩

محمّد بن عليّ بن الحسن قال: قال الصادق ٧ في حديث: إنّ ملك الموت يدفع الشيطان عن المحافظ على الصلاة ويلقّنه شهادة أن لا إله إلاّ الله وأنّ محمّداً رسول الله في تلك الحالة العظيمة.



الحديث الثاني

التهذيب ج ٢ ص ٢٣٨

عن سعد عن موسى بن جعفر عن بعض أصحابنا عن عبيد الله بن عبد الله الدهقان عن واصل بن سليمان عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: ما من صلاة يحضر وقتها إلاّ نادى ملك بين يدي الله (الناس) أيّها الناس قوموا إلى غير أنّكم التي اوقدتموها على ظهوركم فاطفوها بصلاتكم ورواه الصدوق.

ونقله عنه في «الوسائل» ج ٣ ص ٨٨.

في أنّ ممّا يهوّن سكرات الموت صوم يوم من آخر رجب فضائل الأشهر الثلاثة ص ١٨

روى بسنده عن عليّ بن سالم، عن أبيه، عن الصادق جعفر بن محمّد في فضل

صوم شهر رجب، وفيه: من صام يوماً من آخر هذا الشهر كان ذلك أماناً له من شدة سكرات الموت وأماناً له من هول المطلع وعذاب القبر، الحديث.
ورواه في «أمالي الصدوق» ص ١٩ بسنده عنه ٧.

في أن ممّا يهون سكرات الموت صوم رمضان احتساباً فضائل الأشهر الثلاثة ص ١٠١ و ١٠٢

روى بسنده عن البرقي عن الحسن بن عليّ عليه السلام من النبي صلى الله عليه وآله في حديث قال: ما من مؤمن يصوم شهر رمضان احتساباً إلا أوجب الله عزّ وجلّ له سبع خصال، أولها يذوب الحرام في جسده، والثانية يقرب من رحمة الله، والثالثة يكون قد كفر خطيئة أبيه آدم، والرابعة يهون عليه سكرات الموت، والخامسة يعطيه الله براءة من النار، والسابعة يطعمه الله عزّ وجلّ من طيبات الجنة.

في فائدة الوضوء وبرّ الوالدين عند الموت فضائل الأشهر الثلاثة ص ١١٢

حدّثنا صالح بن عيسى العجلي قال: حدّثنا محمد بن علي بن علي قال: حدّثنا محمد بن الصلت قال: حدّثنا محمد بن بكير قال: حدّثنا عباد بن عباد المهلب قال: حدّثنا سعد بن عبد الله عن هلال بن عبد الله عن يعلي بن زيد بن جذعان عن سعيد بن المسيب عن عبد الرحمن بن هبيرة قال: كنّا عند رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً فقال: رأيت البارحة عجائب قال: فقلنا يا رسول الله وما رأيت حدّثنا فداك أنفسنا وأهلونا وأولادنا فقال: رأيت رجلاً من أمّتي قد أتاه ملك الموت لقبض روحه فجاءه برّه بوالديه فمنعه منه ورأيت رجلاً من أمّتي عليه عذاب القبر فجاءه وضوؤه فمنعه منه.

فى أنّ ممّا يخفّف سكرات الموت قراءة سورة يس

الحديث الأول

ثواب الأعمال ص ١٣٨

حدثني محمد بن الحسن قال حدثني محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن الحسن بن أبي الخطاب عن علي بن أسباط عن يعقوب بن سالم عن أبي الحسن العبدى عن جابر الجعفي عن أبي جعفر عليه السلام قال: من قرأ يس في عمره مرة واحدة كتب الله له بكلّ خلق في الدنيا وبكلّ خلق في الآخرة وفي السماء وبكل واحد ألفي ألف حسنة ومحا عنه مثل ذلك ولم يصبه فقر ولا غرم ولا هدم ولا نصب ولا جنون ولا جذام ولا وسواس ولا داء يضرّه وخفّف الله عنه سكرات الموت وأهواله، الحديث.



ورواه في «دعوات الراوندي» ص ٢٥٤ ملخصاً.

الحديث الثاني

ثواب الأعمال ص ١٣٨

وبهذا الإسناد عن الحسن بن الحسين بن أبي العلاء عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ لكلّ شيء قلباً وإنّ قلب القرآن يس - إلى أن قال - من قرئها في ليلة قبل أن ينام - إلى أن قال - وإن مات في يومه أدخله الله الجنة وحضر غسله ثلاثون ألف ملك كلّهم يستغفرون له ويشيّعونه إلى قبره بالاستغفار له فإذا أدخل في لحده كانوا في جوف قبره يعبدون الله وثواب عبادتهم له وفسح له في قبره مدّ بصره وأؤمن من ضغطة القبر ولم يزل له في قبره نور ساطع إلى عنان السماء إلى أن يخرج الله من قبره، الحديث.

الحديث الثالث

مصباح الكفعمي ص ٤٤٢

سورة المؤمنون عنه عليه السلام من قرأها بشرته الملائكة بالروح والريحان وما تقرّ عينه عند نزول ملك الموت.

في أنّ ممّا يخفّف سكرات الموت المداومة على قراءة إذا زلزلت

تفسير نور الثقلين ج ٥ ص ٦٤٧

في أصول الكافي عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن عليّ بن معبد، عن أبيه، عمّن ذكره عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه قال: لا تملّوا من قراءة «إذا زلزلت الأرض زلزالها» فإنّه من كانت قراءته بها في نوافله لم يصنم الله عزّ وجلّ بزلزلة أبداً، ولم يمت بها ولا بصاعقة ولا بآفة من آفات الدنيا حتّى يموت، وإذا مات نزل عليه ملك كريم من عند ربّه فيقعد عند رأسه فيقول: يا ملك الموت ارفق بولي الله فإنّه كان كثيراً ما يذكرني، الحديث.

في فائدة إدمان قراءة سورة النور لمن يموت

ثواب الأعمال ص ١٤٥

بهذا الإسناد عن الحسن عن أبي عبد الله المؤمن عن ابن مسكان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: حصّنوا أموالكم وفروجكم بتلاوة سورة النور وحصّنوا بها نساءكم قال من أدام قراءتها في كلّ يوم أو في كلّ ليلة لم يزن أحد من أهل بيته أبداً حتّى يموت فإذا هو مات شيعة إلى قبره سبعون ألف ملك كلّهم يدعون ويستغفرون الله له حتّى يدخل في قبره.

في أن يهون سكرات الموت تعليم سورة يوسف لارقائه

مصباح الكفعمي ص ٤٤٠

عن الصادق ٧: علّموا سورة يوسف ارقابكم فمن علّمها إرقائه وما ملكت يمينه هوّن الله تعالى عليه سكرات الموت.

في أن ممّا يهون سكرات الموت قراءة سورة الحجرات

مصباح الكفعمي ص ٤٤٥

سورة الحجرات عنه صلى الله عليه وآله من قرئها هوّن الله تعالى عليه سكرات الموت.

في أن ممّا يخفّف سكرات الموت قرأته سورة الملك



مصباح الكفعمي ص ٤٥٨

سورة الملك يخفّف عن الميّت ويُنَجِّيه من عذاب القبر.

دعوات الراوندي ص ٢٧٩

وقال ابن عباس رضي الله عنه: إن رجلاً ضرب خباءه على قبر ولم يعلم أنّه قبر، فقرء «تبارك الذي بيده الملك» فسمع صائحا يقول: هي المنجية، فذكر ذلك لرسول الله صلى الله عليه وآله فقال: هي المنجية من عذاب القبر.

في أن منها قراءة سورة إذا زلزلت

ثواب الأعمال ص ١٥٢

بهذا الإسناد عن الحسن عن عليّ بن معبد عن أبيه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا تملّوا من قراءة إذا زلزلت الأرض فإن من كانت قراءته في نوافله لم يصبه الله عزّ وجلّ بزلزلة أبداً ولم يمت بها ولا بصاعقة ولا بآفة من آفات الدنيا، فإذا مات

أمر به إلى الجنة فيقول الله عز وجل: عبدي أبحتك جنتي فاسكن منها حيث شئت وهويت لا ممنوعاً ولا مدفوعاً.

في أن ممّا تهون سكرة الموت الدعاء

١ - دعوات الراوندي ص ٢١٥

وقال الصادق عليه السلام: من قال سبعين مرة «يا أسمع السامعين ويا أبصر المبصرين (في البحار يا أبصر الناظرين) ويا أسرع الحاسبين، ويا أحكم الحاكمين» فأنا ضامن له في دنياه وآخرته أن يلقاه الله ببشارة عند الموت، وله بكل كلمة بيت في الجنة.

٢ - مصباح الكفعمي ص ٨٣ في التعليقة

عن النبي صلى الله عليه وآله: من قال «أعدهت لكلّ هو لا إله إلا الله ولكلّ همّ وغمّ ما شاء الله ولكلّ نعمة الحمد لله ولكلّ رخاء الشكر لله ولكلّ اعجوبة سبحان الله ولكلّ ذنب استغفر الله ولكلّ مصيبة إنا لله وإنا إليه راجعون ولكلّ ضيق حسبي الله ولكلّ قضاء وقدر توكلت على الله ولكلّ عدوّ اعتصمت بالله ولكلّ طاعة ومعصية لا حول ولا قوّة إلا بالله العليّ العظيم» غفر الله له أربعة آلاف كبيرة وكفى شرّ الموت وضغطة القبر والنشور والحساب والصراط والميزان وأهوال القيامة كلّها ومائة ألف هولة أهونها الموت ووقى من شرّ إبليس وجنوده وقضى دينه وكشف همّه وغمّه وفرّج كربه.

في أن ممّا يهون سكرات الموت اكساء المؤمن

١ - أصول الكافي ج ٢ ص ١٦٣

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عمر بن عبد العزيز، عن

جميل بن درّاج ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : من كسا أخاه كسوة شتاء أو صيف كان حقاً على الله أن يكسوه من ثياب الجنة وأن يهوّن عليه سكرات الموت وأن يوسّع عليه في قبره وأن يلقي الملائكة إذا خرج من قبره بالبشرى وهو قول الله عزّ وجلّ في كتابه: «وتلقّاهم الملائكة هذا يومكم الذي كنتم توعدون».

٢ - إرشاد القلوب ص ٦٢

قال النبي صلى الله عليه وآله : إنّ المؤمن إذا حضره الموت جاءت إليه ملائكة الرحمان بجريدة بيضاء فيقولون لنفسه اخرجي راضية مرضية إلى روح وريحان وربّ غير غضبان فتخرج كالطيب من المسك حتّى يتناولها بعض من بعض فينتهى بها إلى باب السماء فيقول سكّانها ما أطيب رائحة هذه النفس وكلما صعدوا بها من سماء إلى سماء قال: أهلها مثل ذلك حتّى يوتى بها إلى الجنة مع أرواح المؤمنين فيستريح من غمّ الدنيا وأما الكافر فيأتيه ملائكة العذاب فيقولون لنفسه اخرجي كارهة مكروهة إلى عذاب الله ونكاله وربّ عليك غضبان، الحديث.

العقبة الثانية: العديلة عند الموت

في تشكيك الشيطان كلّ من يحضره الموت وأنّه نفع لدفعه التلقين.

١ - الكافي ج ٣ ص ١٢٣

عليّ بن محمّد بن بندار، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن محمّد بن عليّ، عن عبد الرحمن ابن أبي هاشم، عن أبي خديجة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما من أحد يحضره الموت إلّا وكلّ به إبليس من شيطانه أن يأمره بالكفر ويشكّكه في دينه حتّى تخرج نفسه فمن كان مؤمناً لم يقدر عليه فإذا حضرتم موتاكم فلقنوهم

شهادة أن لا إله إلا الله وأنّ محمّداً رسول الله ﷺ حتى يموت.
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٩٥.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٧٩ باب غسل الميت ح ٨
قال الصادق عليه السلام ما: من أحد يحضره الموت إلا وكلّ به إبليس من شياطينه
من يأمره بالكفر ويشكّكه في دينه حتى يخرج نفسه فإذا حضرتم موتكم فلقنوهم
شهادة أن لا إله إلا الله وأنّ محمّداً رسول الله ﷺ حتى يموتوا.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٠ باب غسل الموت ح ١٨
قال الصادق عليه السلام: إنّ الشيطان ليأتي الرجل من أوليائنا عند موته
عن يمينه و عن شماله ليضلّه عمّا هو عليه فيأبى الله عزّ وجلّ ذلك و ذلك قول الله
تعالى «ويثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة».
ورواه في «تفسير العياشي ج ٢ ص ٢٢٥ عن صفوان عن أبي عبد الله عليه السلام.

تلقين الإقرار بالتوحيد لله ورسالة محمّد ﷺ وإمامة عليّ عليه السلام والأئمة الاثنى
عشر واحد بعد واحد

١ - الكافي ج ٣ ص ١٢٤

سهل بن زياد، عن محمّد بن الحسن بن شمّون، عن عبد الله بن عبد الرحمن،
عن عبد الله بن القاسم، عن أبي بكر الحضرمي قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: والله لو
أن عابد وثن وصف ما تصفون عند خروج نفسه ما طعمت النار من جسده شيئاً
أبداً.

٢ - الكافي ج ٣ ص ١٢٢

محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد ، عن الحسين بن سعيد ، عن النضر بن سويد عن داود بن سليمان الكوفي ، عن أبي بكر الحضرمي قال : مرض رجل من أهل بيتي فأتته عائداً ، فقلت له : يا ابن أخي إن لك عندي نصيحة أتقبلها؟ فقال : نعم ، فقلت : قل : «أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له» فشهد بذلك ، فقلت : إن هذا لا تنتفع به إلا أن يكون منك على يقين ، فذكر أنه منه على يقين ، فقلت : قل : «أشهد أن محمداً عبده ورسوله» فشهد بذلك ، فقلت : إن هذا لا تنتفع به حتى يكون منك على يقين ، فذكر أنه منه على يقين ، فقلت : قل : «أشهد أن علياً وصيه وهو الخليفة من بعده والامام المفترض الطاعة من بعده» فشهد بذلك ، فقلت له : إنك لن تنتفع بذلك حتى يكون منك على يقين ، فذكر أنه منه على يقين ، ثم سميت الأئمة عليهم السلام رجلاً رجلاً فأقر بذلك ، وذكر أنه على يقين فلم يلبث الرجل أن توفي فجزع أهله عليه جزعاً شديداً قال : فغبت عنهم ثم أتيتهم بعد ذلك فرأيت عراءاً حسناً ، فقلت : كيف تجدونكم؟ كيف عزاؤك أيتها المرأة؟ فقالت : والله لقد أصبنا بمصيبة عظيمة بوفاة فلان - رحمه الله - وكان ممّا سخا بنفسه لرؤيا رأيته الليلة ، فقلت : وما تلك الرؤيا؟ قالت : رأيت فلاناً - تعني الميت - حياً سليماً ، فقلت : فلان؟ قال : نعم ، فقلت له : أما كنت متاً؟ فقال : بلى ولكن نجوت بكلمات لقّنيها أبو بكر ولولا ذلك لكدت أهلك .

الكافي ج ٣ ص ١٢٣

عنه ، عن أحمد بن محمد ، عن الحسين بن سعيد ، عن القاسم بن محمد ، عن علي بن أبي حمزة ، عن أبي بصير ، عن أبي جعفر عليه السلام قال : كنّا عنده وعنده حمران إذ دخل عليه مولى له فقال : جعلت فداك هذا عكرمة في الموت وكان يرى

رأي الخوارج وكان منقطعاً إلى أبي جعفر عليه السلام فقال لنا أبو جعفر عليه السلام: أنظروني حتى أرجع إليكم فقلنا: نعم، فما لبث أن رجع فقال: أما إنني لو أدركت عكرمة قبل أن تقع النفس موقعها لعلمته كلمات ينتفع بها ولكنني أدركته وقد وقعت النفس موقعها، قلت: جعلت فداك وما ذاك الكلام؟ قال: هو والله ما أنتم عليه فلقنوا موتاكم عند الموت شهادة أن لا إله إلا الله والولاية.

في شهود النبي صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام بنظر الميت عند موته

في شهود النبي صلى الله عليه وآله بنظر الميت عند موته

١ - الكافي ج ٣ ص ١٣٣

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن معاوية بن وهب، عن يحيى بن سابور قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول في الميت: تدمع عينه عند الموت، فقال: ذلك عند معاينة رسول الله صلى الله عليه وآله فيرى ما يسره ثم قال: أما ترى الرجل يرى ما يسره وما يحب فتدمع عينه لذلك ويضحك. ورواه في «علل الشرائع» ص ٣٠٩ عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن إبراهيم بن مهزيار عن أخيه علي بن مهزيار عن فضالة بن أيوب عن معاوية بن وهب عن يحيى بن سابور بعينه.

ورواه في من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨١ باب غسل الميت ح ١٩. ورواه في «كتاب الزهد» ص ٨٣ عن فضالة عن معاوية بن وهب عن يحيى بن سابور.

ورواه في «مناقب ابن شهر آشوب» ج ٣ ص ٢٢٤.

٢ - تفسير العياشي ج ١ ص ٢٨٣

عن الحارث بن المغيرة، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ

الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً» قال: هو رسول الله ﷺ.

٣- وفي ج ١ ص ٢٨٤

عن ابن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله في عيسى عليه السلام: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً» فقال: إيمان أهل الكتاب إنما هو لمحمد ﷺ.

٣- وفي ج ١ ص ٢٨٤

عن المشرقي، عن غير واحد في قوله: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» يعني بذلك محمداً ﷺ، أنه لا يموت يهودي ولا نصراني أبداً حتى يعرف أنه رسول الله، وأنه قد كان به كافراً.

٣- الخصال ص ٦١٤

قال أمير المؤمنين عليه السلام: تمسكوا بما أمركم الله به، فما بين أحدكم وبين أن يغتبط ويرى ما يحب إلا أن يحضره رسول الله ﷺ، وما عند الله خير وأبقى؛ وتأتيه البشارة من الله عز وجل فتقر عينه ويحب لقاء الله.

٤- الكافي ج ٣ ص ١٣٣

العدة، عن سهل، عن ابن محبوب، عن عبد العزيز العبدي، عن ابن أبي يعفور قال: كان خطاب الجهني خليطاً لنا وكان شديد النصب لآل محمد ﷺ وكان يصحب نجدة الحروري، قال: فدخلت عليه أعوده للخلطة والتقية فإذا هو مغمي

عليه في حدّ الموت، فسمعتة يقول: مالي ولك يا عليّ؟ فأخبرت بذلك أبا عبد الله عليه السلام فقال أبو عبد الله عليه السلام: رآه وربّ الكعبة، رآه وربّ الكعبة، رآه وربّ الكعبة.

٥ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٢ باب غسل الميت ح ٢٧

وقال الصادق عليه السلام: إنّ وليّ عليّ عليه السلام يراه في ثلاثة مواطن حيث يسرّه عند الموت، وعند الصراط و عند الحوض، وملك الموت يدفع الشيطان عن المحافظ على الصلاة ويلقّنه شهادة أن لا إله إلاّ الله وأنّ محمّداً رسول الله في تلك الحالة العظيمة.

٦ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ص ٢٢٣

الحافظ أبو نعيم بالإسناد عن هند الجملي عن أمير المؤمنين عليه السلام وروى الشعبي وجماعة من أصحابنا عن الحارث الأعور عنه عليه السلام ولا يموت عبد يحبّني إلّا رآني حيث يحبّ ولا يموت عبد يبغضني إلّا رآني حيث يكره. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٩١.

٧ - رجال كشي ص ٣٣٥

محمّد بن مسعود، عن جعفر بن أحمد بن أيّوب، عن العمركيّ، عن ابن فضال، عن يونس بن يعقوب، عن سعيد بن يسار أنّه حضر أحد ابني سابور وكان لهما ورع وإخبات، فمرض أحدهما - ولا أحسبه إلّا زكريّا بن سابور - قال: فحضرتة عند موته قال: فبسط يده ثمّ قال: ابيضّت يدي يا عليّ قال: فدخلت على أبي عبد الله عليه السلام - وعنده محمّد بن مسلم - فلمّا قمت من عنده ظننت أن محمّد بن

مسلم أخبره بخبر الرجل فأتبعني برسول فرجعت إليه فقال: أخبرني خبر الرجل الذي حضرته عند الموت، أي شيء سمعته يقول؟ قلت بسط يده فقال: ابيضت يدي يا عليّ؛ فقال أبو عبد الله عليه السلام: رآه والله رآه والله رآه والله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٩٢ وعن «الكافي» محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضالة مثله.

في شهود عليّ عليه السلام ينظر الميّت عند الموت

١ - الكافي ج ٣ ص ١٣٠

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن فضال، عن يونس بن يعقوب، عن سعيد بن يسار أنه حضر أجد ابني سابور وكان لهما فضل وورع وإخبات فمرض أحدهما وما أحسبه إلا زكريّا بن سابور قال: فحضرته عند موته فبسط يده ثم قال: ابيضت يدي يا عليّ، قال: فدخلت على أبي عبد الله عليه السلام وعنده محمد بن مسلم قال: فلما قمت من عنده ظننت أن محمدًا يخبره بخبر الرجل فأتبعني برسول فرجعت إليه فقال: أخبرني عن هذا الرجل الذي حضرته عند الموت أي شيء سمعته يقول؟ قال: قلت بسط يده ثم قال: ابيضت يدي يا عليّ، فقال أبو عبد الله عليه السلام: والله رآه، والله رآه، والله رآه.

ورواه في «المختصر» علي ما رواه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٦٤.

٢ - الأمالي للشيخ المفيد ص ٣

أخبرني أبو الحسن عليّ بن محمد بن الزبير قال حدثنا محمد بن عليّ بن مهدي قال حدثنا محمد بن علي بن عمرو قال حدثنا أبي عن جميل بن صالح، عن أبي خالد الكابلي، عن الأصبع بن نباته قال: دخل الحارث الهمداني على

أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام في نفر من الشيعة و كنت فيهم، فجعل الحارث يتأوّد في مشيئته ويخبط الأرض بمحجنه وكان مريضاً فأقبل عليه أمير المؤمنين عليه السلام - وكانت له منه منزلة - فقال: كيف تجدك يا حارث، إلى أن قال: وأبشرك يا حارث لتعرفني عند الممات، وعند الصراط، وعند الحوض، وعند المقاسمة.

قال الحارث: وما المقاسمة؟ قال: مقاسمة النار أقاسمها قسمة صحيحة، الحديث.

قال جميل بن صالح: وأنشدني أبو هاشم السيّد الحميري رحمته الله فيما تضمّنه هذا الخبر:

قول عليّ لحارث عجب	كم ثمّ أعجوبة له حملاً
يا حار همدان من يمت يرني	من مؤمن أو منافق قبلاً
يعرفني طرفه وأعرفه	بنعته واسمه وما عملاً
وأنت عند الصراط تعرفني	فلا تخف عشرة ولا زلاً
أسقيك من بارد على ظمأ	تخاله في الحلاوة العسلاً
أقول للنار حين توقف للعرض	دعّيه لا تقتلي الرجال
دعّيه لا تقربه إنّ له	حبلاً بحبل الوصيّ متّصلاً

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٧٠ - ١٨٠.

ورواه في «كنز الفوائد» ص ٣٢٥ - ٣٢٧ إلى قوله لقيت الموت أو لقيني.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٥٩.

٣ - أمالي الصدوق على ما في البحار ج ٦ ص ١٩١

لي: حمدويه وإبراهيم معاً، عن أيّوب بن نوح، عن صفوان، عن عاصم بن

حميد، عن فضيل الرّسان، عن أبي عمرو البزّاز، عن الشعبيّ عن الحارث الأعور قال: أتيت أمير المؤمنين عليه السلام ذات ليلة فقال: يا أعور ما جاء بك؟ قال: فقلت يا أمير المؤمنين جاء بي والله حبّك، قال: أمّا إنّي سأحدثك لشكرها، أمّا إنّه لا يموت عبد يحبّني فتخرج نفسه حتّى يراني حيث يحبّ، ولا يموت عبد يبغضني فتخرج نفسه حتّى يراني حيث يكره؛ قال: ثمّ قال لي الشعبيّ بعد: أمّا إنّ حبّه لا ينفعك، وبغضه لا يضرّك.

٤ - أمالي الطوسي ص ٦٢٥

جماعة، عن أبي المفضل، عن محمّد بن عليّ بن مهديّ الكنديّ العطار وغيره، عن محمّد بن عليّ بن عمرو، عن أبيه، عن حميد بن صالح، عن أبي خالد الكابليّ، عن ابن نباتة، قال: دخل الحارث الهمدانيّ على أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام في نفر من الشيعة وكنت فيهم، فجعل - يعني الحارث - يتأوّد في مشيّه ويخبط الأرض بمحجنه، وكان مريضاً، فأقبل عليه أمير المؤمنين عليه السلام وكانت له منه منزلة، فقال: كيف تجدك، يا حارث؟ - إلى أن قال - والذي فلق الحبة وبرأ النسمة، وليّ وعدوّي في مواطن شتّى، ليعرفني عند الممات وعند الصراط وعند المقاسمة. فقال: وما المقاسمة يا مولاي؟ قال: مقاسمة النّار، أقاسمها قسمة صحاحاً، أقول:

هذا وليّ، وهذا عدوّي.

وقام يجرّ رداءه جذلاً -: ما أبالي - وربّي - بعد هذا متى لقيت الموت أو لقيني، قال جميل بن صالح: فأنشدني السيّد بن محمّد في كتابه:

قول عليّ لحارث عجب	كم ثمّ أعجوبة له حملا
يا حار همدان من يمت يرني	من مؤمن أو منافق قبلا

يعرفني طرفه وأعرفه بنعته واسمه وما فعلا
وأنت عند الصراط تعرفني فلا تخف عثرة ولا زللا
أسقيك من بارد على ظماء تخاله في الحلاوة العسلا
أقول للنار حين تعرض للعر ض دعيه لا تقبلي الرّجلا
دعيه لا تقربه إن له حبلاً بحبل الوصي متّصلا

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٢٤٠.

٥ - وفي ص ٤٨

الفيد، عن المراغي، عن محمد بن صالح السبيعي، عن صالح ابن أحمد، عن عيسى بن عبد الرحمن، عن الحسن بن الحسين العرنّي، عن يحيى بن عليّ، عن أبان بن تغلب، عن أبي داود الأنصاري، عن الحارث الهمداني، قال: دخلت على أمير المؤمنين عليّ ابن أبي طالب عليه السلام فقال: ما جاء بك؟ فقلت: حبّي لك يا أمير المؤمنين؛ فقال: يا حارث أتحبّني؟ قلت: نعم والله، يا أمير المؤمنين؛ قال: أما لو بلغت نفسك الحلقوم رأيتني حيث تحبّ، ولو رأيتني وأنا أذود الرجال عن الحوض ذود غريبة الإبل لرأيتني حيث تحبّ؛ ولو رأيتني وأنا مارٌّ على الصراط بلواء الحمد بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله لرأيتني حيث تحبّ.

٦ - وفي ص ٤٩

المفيد، عن المرزباني، عن عبد الله بن الحسن، عن محمد بن رشيد، قال آخر شعر قاله السيّد بن محمد رحمته الله قبل وفاته بساعة، وذلك أنّه أغمي عليه واسودّ لونه ثمّ أفاق وقد ابيضّ وجهه وهو يقول:
أحبّ الذي من مات من أهل ودّه تلقّاه بالبشرى لدى الموت يضحك

ومن مات يهوي غيره من عدوّه فليس له إلّا إلى النار مسلك
أبا حسن! تفديك نفسي وأسرّتي ومالي و ما أصبحت في الأرض أملك
أبا حسن! إنّي بفضلك عارف وإنّي بحبل من هواك لممسك
وأنت وصيّ المصطفى وابن عمّه وإنّا نعادي مبغضيك ونترك
مواليك ناج، مؤمن، بيّن الهدى وغاليك معروف الضلالة، مشرك
ولاح لحاني في عليّ وحزبه فقلت لحاك الله إنك أعفك
ومعنى أعفك أحمق.

توضيح: لحا الله فلاناً قبّحه ولعنه؛ ولحيت الرجل ألحاه لحياً: لمتّه، والملاحاة: المنازعة.

ونقلهما عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨١.



٧- الدعوت للراوندي ص ٢٤٦

وروي عن الحارث الهمداني رحمته الله (أنّه) قال: أتيت أمير المؤمنين عليه السلام ذات يوم نصف النهار: ما جاء بك ؟
قلت: حبّك والله.

قال عليه السلام : إن كنت صادقاً لتراني في ثلاثة مواطن:
حيث تبلغ نفسك هذه - وأوماً بيده إلى حنجرته - وعند الصراط، وعند
الحوض.

٨- مشارق أنوار اليقين ص ١٤٢

قال لحارث همدان: يا حارث! قال: نعم يا مولاي. فقال: لو قد بلغت نفسك
التراقي لتراني حيث تحبّ.

٩ - الكافي ج ٣ ص ١٣٢

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن ابن مسكان، عن عبد الرحيم قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: حدثني صالح بن ميثم، عن عباية الأسدي أنه سمع علياً عليه السلام يقول: والله لا يبغضني عبد أبداً يموت على بغضي إلا رأيته عند موته حيث يكره ولا يحبني عبد أبداً فيموت على حبي إلا رأيته عند موته حيث يحب. فقال أبو جعفر عليه السلام: نعم ورسول الله باليمين.

في شهود النبي صلى الله عليه وآله وعلي عليه السلام ينظر الميت عند الموت

١ - الكافي ج ٣ ص ١٣١

٤ - محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان قال: حدثني من سمع أبا عبد الله عليه السلام يقول: منكم والله يقبل ولكم والله يغفر، إنه ليس بين أحدكم وبين أن يغتبط ويرى السرور وقرّة العين إلا أن تبلغ نفسه ههنا - وأوماً بيده إلى حلقه - ثم قال: إنه إذا كان ذلك واحتضر حضره رسول الله صلى الله عليه وآله وعلي عليه السلام وجبرئيل وملك الموت عليه السلام فيدنو منه علي عليه السلام فيقول: يا رسول الله إن هذا كان يحبنا أهل البيت فأحبّه، ويقول رسول الله صلى الله عليه وآله: يا جبرئيل إن هذا كان يحب الله ورسوله وأهل بيت رسول الله فأحبّه ويقول جبرئيل لملك الموت: إن هذا كان يحب الله ورسوله وأهل بيت رسول الله فأحبّه وأرفق به، فيدنو منه ملك الموت، فيقول: يا عبد الله أخذت فكاك رقبتك أخذت أمان براءتك تمسكت بالعصمة الكبرى في الحياة الدنيا؟ قال: فيوفقه الله عز وجل فيقول: نعم فيقول: وما ذلك؟ فيقول: ولاية علي بن أبي طالب عليه السلام، فيقول: صدقت أمّا الذي كنت تحذره فقد آمنك الله منه وأمّا الذي كنت ترجوه فقد أدركته، أبشر بالسلف الصالح مرافقة

رسول الله ﷺ وعليّ وفاطمة عليهما السلام ثم يسَلّ نفسه سَلًّا رفيقاً.

ثمَّ ينزل بكفنه من الجنّة وحنوطه من الجنّة بمسك أذفر، فيكفّن بذلك الكفن ويحنّط بذلك الحنوط ثمَّ يكسى حلّة صفراء من حلل الجنّة فإذا وضع في قبره فتح له باب من أبواب الجنّة يدخل عليه من روحها وريحانها، ثمَّ يفسح له عن أمامه مسيرة شهر وعن يمينه وعن يساره، ثمَّ يقال له: نم نومة العروس على فراشها أبشر بروح وريحان وجنّة نعيم وربّ غير غضبان، ثمَّ يزور آل محمّد في جنان رضوي فيأكل معهم من طعامهم ويشرب من شرابهم ويتحدّث معهم في مجالسهم حتّى يقوم قائمنا أهل البيت فإذا قام قائمنا بعثهم الله فأقبلوا معه يلبّون زمراً زمراً فعند ذلك يرتاب المبطلون ويضمحلّ المحلّون وقليل ما يكونون، هلكت المحاضير ونجى المقرّبون من أجل ذلك قال رسول الله ﷺ لعليّ عليه السلام: أنت أخي وميعاد ما بيني وبينك وادي السّلام، قال: وإذا احتضر الكافر حضره رسول الله ﷺ وعليّ عليه السلام وجبرئيل عليه السلام وملك الموت عليه السلام فيدنو منه عليّ عليه السلام فيقول: يا رسول الله إنّ هذا كان يبغضنا أهل البيت فأبغضه، ويقول رسول الله ﷺ: يا جبرئيل: إنّ هذا كان يبغض الله ورسوله وأهل بيت رسول الله فأبغضه، فيقول جبرئيل: يا ملك الموت إنّ هذا كان يبغض الله ورسوله وأهل بيت رسول الله فأبغضه وأعنف عليه، فيدنو منه ملك الموت فيقول: يا عبد الله أخذت فكاك رهانك، أخذت أمان براءتك تمسّكت بالعصمة الكبرى في الحياة الدُّنيا فيقول: لا، فيقول: أبشر يا عدوّ الله بسخط الله عزّ وجلّ وعذابه والنّار، أمّا الذي كنت تحذره فقد نزل بك، ثمَّ يسَلّ نفسه سَلًّا عنيفاً، ثمَّ يوكل بروحه ثلاثمائة شيطان كلّهم يبزق في وجهه ويتأذّى بروحه، فإذا وضع في قبره فتح له باب من أبواب النّار فيدخل عليه من قيحها ولهبها.

٢ - الكافي ج ٣ ص ١٣٤

أبو عليّ الأشعريّ، عن محمّد بن عبد الجبّار، عن صفوان بن يحيى، عن أبي المستهلّ، عن محمّد بن حنظلة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك حديث سمعته من بعض شيعتك ومواليك يرويه عن أبيك، قال: وما هو؟ قلت: زعموا أنّه كان يقول: أغبط ما يكون امرءٌ بما نحن عليه إذا كانت النفس في هذه، فقال: نعم إذا كان ذلك أتاها نبيّ الله صلى الله عليه وآله وأتاها عليّ وأتاها جبرئيل وأتاها ملك الموت عليه السلام فيقول: ذلك الملك لعليّ عليه السلام: يا عليّ إنّ فلانا كان موالياً لك ولأهل بيتك، فيقول: نعم كان يتولّانا ويتبرّأ من عدوّنا، فيقول ذلك نبيّ الله لجبرئيل عليه السلام فيرفع ذلك جبرئيل إلى الله عزّ وجلّ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٢٣٩.



٣ - الكافي ج ٣ ص ١٢٨

العدّة، عن سهل، عن ابن فضّال، عن عليّ بن عقبة، عن أبيه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لن تموت نفس مؤمنة حتّى ترى رسول الله صلى الله عليه وآله وعليّاً عليه السلام يدخلان جميعاً على المؤمن، فيجلس رسول الله صلى الله عليه وآله عند رأسه وعليّ عند رجله، فيكبّ عليه رسول الله صلى الله عليه وآله فيقول: يا وليّ الله أبشر أنا رسول الله إني خير لك ممّا تركت من الدّنيا، ثم ينهض رسول الله صلى الله عليه وآله فيقوم عليّ عليه السلام حتّى يكبّ عليه فيقول: يا وليّ الله أبشر أنا عليّ بن أبي طالب الذي كنت تحبّ، أما لأنفعنك؛ ثمّ قال: إنّ هذا في كتاب الله، فقلت: أين جعلني الله فداك؟ قال: في يونس: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٢٢٧.

٤ - الكافي ج ٣ ص ١٣٣

أبان بن عثمان، عن عقبة أنه سمع أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنَّ الرَّجُلَ إذا وقعت نفسه في صدره يرى، قلت: جعلت فداك وما يرى؟ قال: يرى رسول الله صلى الله عليه وآله فيقول له رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا رسول الله أبشر ثمَّ يرى عليَّ بن أبي طالب عليه السلام فيقول: أنا عليُّ بن أبي طالب الذي كنت تحبّه تحبّ أن أنفعك اليوم، قال: قلت له: أيكون أحدٌ من الناس يرى هذا ثمَّ يرجع إلى الدُّنيا؟ قال: قال: لا، إلا رأى هذا أبداً مات وأعظم ذلك، قال: وذلك في القرآن قول الله عزَّ وجلَّ: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ».

٥ - المحاسن ص ١٧٥

عنه، عن ابن فضال، عن عليِّ بن عتبة، عن عقبة بن خالد، قال: دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام أنا ومعلّى بن خنيس فقال: يا عقبة لا يقبل الله من العباد يوم القيامة إلا هذا الذي أنتم عليه، وما بين أحدكم وبين أن يرى ما تقرّ به عينه إلا أن تبلغ نفسه هذه وأوماً بيده إلى الوريد، (قال:) ثمَّ اتكأ وغمز إليّ المعلّى أن سله فقلت: يا بن رسول الله إذا بلغت نفسه هذه فأني شيء يرى فردّد عليه بضعة عشر مرّة «أي شيء يرى؟» فقال في كلّها: «يرى» لا يزيد عليها ثمَّ جلس في آخرها، فقال: يا عقبة: قلت: لبّيك وسعديك، فقال: أبيت إلا أن تعلم؟ - فقلت: نعم يا بن رسول الله أنما ديني مع دمي فاذا ذهب دمي كان ذلك وكيف بك يا بن رسول الله كلّ ساعة وبكيت، فرّق لي فقال: يراهما والله قلت بأبي أنت وأمّي من هما - فقال: ذاك رسول الله صلى الله عليه وآله وعليّ عليه السلام يا عقبة لن تموت نفس مؤمنة أبداً حتى تراهما، قلت: فإذا نظر إليهما المؤمن أيرجع إلى الدنيا؟ - قال: لا، بل يمضي أمامه، فقلت له: يقولان شيئاً جعلت فداك؟ - فقال: نعم، يدخلان جميعاً على المؤمن فيجلس

رسول الله ﷺ عند رأسه وعليّ السَّلَامُ عند رجله فيكبّ عليه رسول الله ﷺ فيقول: يا وليّ الله أبشر أنا رسول الله، إنّي خير لك ممّا تترك من الدنيا ثمّ ينهض رسول الله، فيقدم عليه عليّ صلوات الله عليه حتّى يكبّ عليه فيقول: يا وليّ الله أبشر أنا عليّ بن أبي طالب الذي كنت تحبّتي أمّا لأنفعنك (ثمّ قال أبو عبد الله السَّلَامُ: أمّا إنّ هذا في كتاب الله عزّ وجلّ، قلت: اين هذا جعلت فداك من كتاب الله - قال: في سورة يونس قول الله تبارك وتعالى ها هنا «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».

٦ - الكافي ج ٣ ص ١٢٩ باب ما يعاين المؤمن والكافر

علي بن ابراهيم عن محمّد بن عيسى عن يونس عن خالد بن عمارة عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله السَّلَامُ: إذا حيل بينه وبين الكلام أتاه رسول الله ﷺ ومن شاء الله فجلس رسول الله ﷺ عن يمينه والآخر عن يساره فيقول له رسول الله ﷺ: أمّا ما كنت ترجو فهوذا امامك، وأمّا ما كنت تخاف منه فقد أمنت منه، ثمّ يفتح له باب الجنة فيقول: هذا منزلك من الجنّة فان شئت رددناك الى الدنيا ولك فيها ذهب وفضة، فيقول: لا حاجة لي في الدّنيا فعند ذلك يبيضّ لونه ويرشح جبينه وتقلّص شفّته وتنتشر منخراه وتدمع عينه اليسرى فأبى هذه العلامات رأيت فاكتف بها فإذا خرجت النفس من الجسد فيعرض عليها كما عرض عليه وهي في الجسد فتختار الآخرة فتغسله فيمن يغسله وتقلّبه فيمن يقلّبه فإذا أدرج في أكفانه ووضع على سريره خرجت روحه تمشي بين أيدي القوم قدماً وتلقاه أرواح المؤمنين يسلمون عليه ويبشرونه بما أعدّ الله له جلّ ثناؤه من النعيم فإذا وضع في قبره ردّ إليه الرّوح إلى وركيه ثمّ يسأل عمّا يعلم فإذا

جاء بما يعلم فتح له ذلك الباب الذي أراه رسول الله ﷺ فيدخل عليه من نورها وضوئها وبردّها وطيب ريحها.

قال: قلت: جعلت فداك فأين ضغطة القبر؟ فقال: هيهات ما على المؤمنين منها شيء والله إن هذه الأرض لتفتخر على هذه، فيقول: وطأ على ظهري مؤمن ولم يطأ على ظهرك مؤمن وتقول له الأرض: والله لقد كنت أحببك وأنت تمشي على ظهري فأما إذا وليتكَ فستعلم ماذا أصنع بك، فتفسح له مدّاً بصره.

٧- الاصول الستة عشر ص ٦٠ - ٦٩ كتاب الحضرمي

روى بسنده عن جابر بن يزيد الجعفي - في حديث - عن أبي جعفر عليه السلام قال سمعته يقول: ما من مؤمن يحضره الموت إلا رأى محمداً وعلياً حيث تقرر عينه ولا مشرك يموت إلا رآهما حيث يسوءه



٨- كتاب الزهد ص ٨٣

النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن ابن مسكان عن عبد الرحيم القصير قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: حدثني صالح بن ميثم عن عباية الأسدي انه سمع علياً عليه السلام يقول: والله لا يبغضني عبد أبداً فيموت على بغضي الا رآني عند موته حيث يكره (بحيث ما يكره) ولا يحبني عبد أبداً فيموت على حبي الا رآني عند موته حيث الزهد (بحيث ما) يحب فقال أبو جعفر عليه السلام: نعم ورسول الله ﷺ باليمين «باليمنى».

٩- كتاب الزهد ص ٨٤

حماد بن عيسى عن حسين بن المختار عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام انه

قال: ان المؤمن إذا مات رأى رسول الله ﷺ وعليه السلام بحضرته.
ورواه في «تفسير فرات الكوفي» ص ١٠٤ ح ٩٦ معنعناً عن أبي بصير.

١٠ - المحاسن ص ١٧٥

عنه، عن ابن فضال، عن محمد بن فضيل، عن عبد الله بن أبي يعفور، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: قد استحييت ممّا أردّد هذا الكلام عليكم؛ ما بين أحدكم وبين أن يغتبط إلا أن تبلغ نفسه هذه وأهوى بيده إلى حنجرته، يأتيه رسول الله ﷺ وعليه السلام فيقولان له: أمّا ما كنت تخاف منه فقد أمّنك الله منه، وأمّا ما كنت ترجو فأمامك.



١١ - المحاسن ص ١٧٥

عنه، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي عن عبد الحميد الطائي قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إنّ أشدّ ما يكون عدوّكم كراهة لهذا الأمر إلى أن بلغت نفسه هذه وأومى بيده إلى حلقه، وأشدّ ما يكون أحدكم اغتباطاً بهذا الأمر إذا بلغت نفسه إلى هذه وأومى بيده إلى حلقه فينقطع عنه أهوال الدنيا وما كان يحاذر فيها ويقال: أمّا رسول الله ﷺ وعليه السلام وفاطمة عليها السلام ثم قال: أمّا فاطمة فلا تذكرها.
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٤.

١٢ - المحاسن ص ١٧٥

عنه، عن ابن فضال، عن حمّاد بن عثمان، عن عبد الحميد بن عواض قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إذا بلغت نفس أحدكم هذه قيل له: أمّا ما كنت تحزن من هم الدنيا وحزنها فقد أمّنت منه ويقال له: أمّا رسول الله ﷺ وعليه السلام وفاطمة

صلوات الله عليهما. ورواه عن ابن فضال، عن أبي جميلة، عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي عبد الله عليه السلام، وزاد فيه الحسن والحسين عليهما السلام». ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٤.

١٣ - البحار ج ٢٧ ص ١٦٤

كتاب المحتضر للحسن بن سليمان ناقلاً من كتاب جمعه السيّد حسن بن كبش الحسيني بإسناده عن المفيد رفع الحديث إلى أمّ سلمة قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعليّ عليه السلام: يا عليّ إخوانك يفرحون في أربعة مواطن عند خروج أنفسهم وأنا وأنت شاهدهم، وعند المسائلة في قبورهم، وعند العرض، وعند الصراط.



١٤ - المحاسن ص ١٧٧

عنه، عن محمد بن علي، عن محمد بن مسلم، عن الخطّاب الكوفي ومصعب الكوفي، عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه قال لسدير: والذي بعث محمّداً بالنبوة وعجلّ روحه إلى الجنة ما بين أحدكم وبين أن يغتبط ويرى السرور أو تبين له الندامة والحسرة إلا أن يعاين ما قال الله عزّ وجلّ في كتابه: «عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ» وأتاه ملك الموت يقبض روحه فينادي روحه فتخرج من جسده، فأما المؤمن فما يحسّ بخروجها وذلك قول الله تبارك وتعالى «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» ثمّ قال: ذلك لمن كان ورعاً مواسياً لاخوانه وصولاً لهم، وإن كان غير ورع ولا وصولاً لاخوانه قيل له: ما منعك من الورع والمواساة لأخوانك؟ أنت ممّن انتحل المحبة بلسانه ولم يصدق ذلك بفعل، وإذا لقي رسول الله صلى الله عليه وآله وأمير المؤمنين صلوات الله عليه لقيهما معرضين، مقطّبين في وجهه، غير شافعين له، قال سدير: من جدع الله أنفه، قال أبو عبد الله عليه السلام فهو ذلك.

١٥ - تفسير فرات الكوفي ص ١٠٤ ح ٩٥

حدثني جعفر بن محمد الفزاري معنعناً عن معلى بن خنيس قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا أحد الوالدين وعليّ الآخر، وهما عند الموت يعاينان (وهما يعينان عند الموت).

١٦ - تفسير العياشي ج ٢ ص ١٢٦

عن أبي حمزة الثمالي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: ما يصنع بأحدنا عند الموت؟ قال: أما والله يا أبا حمزة ما بين أحدكم وبين أن يرى مكانه من الله ومكانه منّا إلا أن يبلغ نفسه ههنا - ثم أهوى بيده إلى نحره - ألا أبشرك يا أبا حمزة؟ فقلت: بلى جعلت فداك، فقال: إذا كان ذلك أتاه رسول الله صلى الله عليه وآله وعليّ عليه السلام معه، يقعد عند رأسه، فقال له - إذا كان ذلك - رسول الله صلى الله عليه وآله: أما تعرفني؟ أنا رسول الله هلمّ إلينا، فما أمامك خير لك ممّا خلفت، أمّا ما كنت تخاف فقد أمنت، وأمّا ما كنت ترجو فقد هجمت عليه، أيتها الروح اخرجي إلى روح الله ورضوانه؛ ويقول له عليّ عليه السلام: مثل قول رسول الله صلى الله عليه وآله. ثم قال: يا أبا حمزة؟ ألا أخبرك بذلك من كتاب الله؟ قول الله: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» الآية. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٧٨.

١٧ - أعلام الدين ص ٤٥٦

وعن ابن أبي يعفور قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: قد استحييت ممّا أكرّر هذا الكلام عليكم: إنّما بين أحدكم وبين أن تبلغ نفسه ههنا - وأهوى بيده إلى حنجرته - يأتيه رسول الله صلى الله عليه وآله وعليّ عليه السلام فيقولان له: أمّا ما كنت تخاف فقد آمنك الله منه، وأمّا ما كنت ترجو فأمامك فأبشروا أنتم الطيّبون ونساؤكم الطيّبات،

كُلُّ مُؤْمِنَةٍ حَوْرَاءَ عَيْنَاءَ، كُلُّ مُؤْمِنٍ صَدِيقٌ شَهِيدٌ.
ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٦٣.

١٨ - تفسير العيّاشي ج ١ ص ٢٨٤
عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» قال: ليس من أحد من جميع الأديان يموت إلا رأى رسول الله صلى الله عليه وآله وأمير المؤمنين حقاً من الأولين والآخرين.
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٨.

١٩ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ص ٢٢٣
زريق، عن الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» قال:
هو أن يبشّراه بالجنة عند الموت، يعني محمداً وعلياً عليهما السلام.
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٩١.

٢٠ - مشارق أنوار اليقين ص ١٣٩
روى ابن بابويه عن الصادق عليه السلام ٧ أنه قال: ما من مؤمن يموت إلا يحضره محمد وعليّ فاذا رآهما استبشر.

٢١ - مشارق أنوار اليقين ص ١٩٠
في كتاب بصائر الدرجات عن أبي عبد الله عليه السلام قال ما من ميت يموت في شرق الأرض وغربها محبّ لنا أو مبغض إلا ويحضره أمير المؤمنين عليه السلام ورسول الله صلى الله عليه وآله فيبشّره أو يلعنه، وكذا إذا انفخ في الصور ويعثر ما في القبور.

في شهود النبي ﷺ وعليّ ﷺ والحسن والحسين ﷺ عند الموت

١ - كتاب الزهد ص ٨٤

القاسم عن كليب الأسدي قال: قلت لأبي عبد الله ﷺ: جعلني الله فداك بلغنا (بلغني) عنك حديث قال: وما هو؟ قلت: قولك: انما يغتبط صاحب هذا الأمر إذا كان في (بلغت) هذه - وأومات بيدك إلى حلقك - فقال: نعم انما يغتبط أهل هذا الأمر إذا بلغت هذه - وأوما بيده إلى حلقه - اماما كان يتخوف من الدنيا فقد ولى عنه وامامه رسول الله ﷺ وعليّ والحسن والحسين صلوات الله عليهم. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٧٧.

٢ - المحاسن ص ١٧٤

أبي، عن حمزة بن عبد الله، عن جميل بن درّاج، عن كليب بن معاوية الأسديّ قال: قال أبو عبد الله ﷺ: ما بين من وصف هذا الأمر وبين أن يغتبط ويرى ما تقرّ به عينه إلا أن تبلغ نفسه هذه، فيقال: أمّا ما كنت ترجو فقد قدمت عليه، وأمّا ما كنت تتخوّف فقد أمنت منه، وإنّ إمامك لإمام صدق أقدم على رسول الله ﷺ وعليّ والحسن والحسين عليهم السلام. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٣.

٣ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٢٦٥

أبي، عن ابن أبي عمير، عن ابن سنان، عن أبي عبد الله ﷺ قال: ما يموت موال لنا مبغض لأعدائنا إلا ويحضره رسول الله ﷺ وأمير المؤمنين والحسن والحسين صلوات الله عليهم فيرونه ويبشرونه، وإن كان غير موال لنا يراهم بحيث يسوؤه والدليل على ذلك قول أمير المؤمنين ﷺ لحارث الهمدانيّ:

يا حار همدان من يمت يرني من مؤمن أو منافق قبلاً

مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ص ٢٢٣

الفضيل بن يسار عن الباقر بن علي عليه السلام قالاً حرام على روح ان تفارق جسدها حتى ترى محمداً وعلياً وحسناً وحسيناً بحيث تقرّ عينها ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٩١.

٤ - تفسير العياشي ج ٢ ص ١٢٤

عن عبد الرحيم قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إنما أحدكم حين يبلغ نفسه ههنا ينزل عليه ملك الموت فيقول: أمّا ما كنت ترجو فقد أعطيتك، وأمّا كنت تخافه فقد أمنت منه، ويفتح له باب إلى منزله من الجنة، ويقال له: انظر إلى مسكنك في الجنة، وانظر هذا رسول الله وعليّ والحسن والحسين عليهم السلام رفقاؤك، وهو قول الله: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ».

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٧٧.

٥ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٢١١

إنّ المؤمن الموالي لمحمد وآله الطيّبين، المتخذ لعليّ بعد محمد إمامه الذي يحتذي مثاله، وسيّده الذي يصدّق أقواله ويصوّب أفعاله ويطيعه بطاعة من يندبه من أطائب ذرّيّته لأُمور الدين وسياسته، إذا حضره من أمر الله تعالى ما لا يردّ ونزل به من قضائه ما لا يصدّ، وحضره ملك الموت وأعوانه وجد عند رأسه محمداً رسول الله، ومن جانب آخر عليّاً سيّد الوصيّين، وعند رجله من جانب الحسن سبط سيّد النبيّين، ومن جانب آخر الحسين سيّد الشهداء أجمعين، وحواليه بعدهم

خيار خواصّهم ومحبيّهم، الذين هم سادة هذه الأمّة بعد ساداتهم من آل محمّد، ينظر العليل المؤمن إليهم، فيخاطبهم - بحيث يحجب الله صوته عن آذان حاضريه كما يحجب رؤيتنا أهل البيت ورؤية خواصّنا عن أعينهم ليكون إيمانهم بذلك أعظم ثواباً لشدّة المحنة عليهم -.

فيقول المؤمن: بأبي أنت وأمّي يا رسول ربّ العزّة، بأبي أنت وأمّي يا وصيّ رسول ربّ الرحمة، بأبي أنتما وأمّي يا شبلي محمّد وضرغاميه، يا ولديه وسبطيه، يا سيّدي شباب أهل الجنّة المقرّبين من الرحمة والرضوان، مرحباً بكم يا معاشر خيار أصحاب محمّد وعليّ وولديهما، ما كان أعظم شوقي إليكم؛ وما أشدّ سروري الآن بلقاءكم؛ يا رسول الله هذا ملك الموت قد حضرني ولا أشكّ في جلالتي في صدره لمكانك ومكان أخيك.

فيقول رسول الله ﷺ: كذلك هو؛ فأقبل رسول الله ﷺ على ملك الموت فيقول: يا ملك الموت استوص بوصيّة الله في الإحسان إلى مولانا وخادمنا ومحبّنا ومؤثّرنا، فيقول له ملك الموت: يا رسول الله مره أن ينظر إلى ما قد أعدّ الله له في الجنان، فيقول له رسول الله ﷺ: لينظر إلى العلوّ فينظر إلى ما لا يحيط به الأبواب، ولا يأتي عليه العدد والحساب.

فيقول ملك الموت: كيف لا أرفق بمن ذلك ثوابه، وهذا محمّد وعترته زوّاره؟ يا رسول الله لو لا أنّ الله جعل الموت عقبة لا يصل إلى تلك الجنان إلّا من قطعها لما تناولت روحه، ولكن لخادمك ومحبّك هذا أسوة بك وبسائر أنبياء الله ورسله وأوليائه الذين أذيقوا الموت بحكم الله تعالى.

ثمّ يقول محمّد: يا ملك الموت هاك أخانا قد سلّمناه إليك فاستوص به خيراً، ثمّ يرتفع هو ومن معه إلى ربض الجنان وقد كشف عن الغطاء والحجاب لعين ذلك المؤمن العليل فيراهم المؤمن هناك بعد ما كانوا حول فراشه فيقول: يا ملك الموت

الوحي الوحي، تناول روعي ولا تلبثني هاهنا، فلا صبر لي عن محمد وأعزته، وألحقني بهم، فعند ذلك يتناول ملك الموت روعي فيسلها كما يسأل الشعرة من الدقيق، وإن كنتم ترون أنه في شدة فليس في شدة بل هو في رخاء ولذة، فإذا أدخل قبره وجد جماعتنا هناك.

وإذا جاء منكر ونكير قال أحدهما للآخر: هذا محمد وعليّ والحسن والحسين وخيار صحابتهم بحضرة صاحبنا فلتتضع لهما فيأتيان فيسلمان على محمد سلاماً منفرداً، ثم يسلمان على عليّ سلاماً منفرداً، ثم يسلمان على الحسين سلاماً يجمعانهما فيه، ثم يسلمان على سائر من معنا من أصحابنا، ثم يقولان: قد علمنا يا رسول الله زيارتك في خاصتك لخادمك ومولاك، ولولا أن الله يريد إظهار فضله لمن بهذه الحضرة من أملاكه ومن يسمعنا من ملائكته بعدهم لما سألناه، ولكن أمر الله لا بدّ من امتثالنا، ثم يسألانه فيقولان: من ربك؟ وما دينك؟ ومن نبيك؟ ومن إمامك؟ وما قبلتك؟ ومن إخوانك؟

فيقول: الله ربّي، ومحمد نبيّ، وعليّ وصيّ محمد إمامي، والكعبة قبلتي، والمؤمنون الموالون لمحمد وعليّ وآلهما وأوليائهما والمعادون لأعدائهما إخواني، أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، وأن أخاه عليّاً وليّ الله، وأن من نصبهم للإمامة من أطائب عترته وخيار ذريّته خلفاء الأمة وولاة الحقّ، والقوامون بالصدق؛ فيقولان: على هذا حييت، وعلى هذا متّ، وعلى هذا تبعث إن شاء الله تعالى، وتكون مع من تتولاه في دار كرامة الله ومستقرّ رحمته.

قال رسول الله ﷺ: وإن كان لأوليائنا معادياً ولأعدائنا موالياً ولأضدادنا بألقابنا ملقباً فإذا جاءه ملك الموت لنزع روعي مثل الله عزّ وجلّ لذلك الفاجر سادته الذين اتّخذهم أرباباً من دون الله، عليهم من أنواع العذاب ما يكاد نظره

إليهم يهلكه ولا يزال يصل إليه من حرّ عذابهم ما لا طاقة له به، فيقول له ملك الموت: يا أيّها الفاجر الكافر تركت أولياء الله إلى أعدائه، فاليوم لا يغنون عنك شيئاً، ولا تجد إلى مناص سبيلاً، فيرد عليه من العذاب ما لو قسم أدناه على أهل الدنيا لأهلكهم، ثمّ إذا دلّي في قبره رأى باباً من الجنّة مفتوحاً إلى قبره يرى منه خيراتها؛ فيقول له منكر ونكير: انظر إلى ما حرمت من تلك الخيرات؛ ثمّ يفتح له في قبره باب من النار يدخل عليه منه من عذابها. فيقول: ربّ لا تقم الساعة يا ربّ لا تقم الساعة.

بيان: الضرغام بالكسر الأسد.

في شهود النبي ﷺ وعليّ ﷺ وفاطمة عليها السلام والحسن والحسين عند الموت

١ - أمالي الطوسي ص ٦٢٧

جماعة، عن أبي المفضل، عن يحيى بن عليّ بن عبد الجبار، عن عمّه محمّد بن عبد الجبار، عن عليّ بن الحسين بن أبي حرب، عن أبيه الحسين بن عون قال: دخلت على السيّد بن محمّد الحميريّ عائداً في علّته التي مات فيها، فوجدته يساق به ووجدت عنده جماعة من جيرانه، وكانوا عثمانيّة، وكان السيّد جميل الوجه رحب الجبهة عريض ما بين السالفتين، فبدت في وجهه نكتة سوداء مثل النقطة من المداد، ثمّ لم تزل تزيد وتنمي حتّى طبقت وجهه - يعني اسوداداً - فاغتم لذلك من حضر من الشيعة وظهر من الناصبة سرور وشماتة، فلم يلبث بذلك إلا قليلاً حتّى بدت في ذلك المكان من وجهه لمعة بيضاء، فلم تزل تزيد أيضاً وتنمي حتّى اسفرّ وجهه وأشرق، وأفتر السيّد ضاحكاً وأنشأ يقول:

كذب الزّاعمون أنّ عليّاً لن ينجّي محبّه من هناة
قد وربّي دخلت جنّة عدن وعفا لي الإله عن سيئات

فابشروا اليوم أولياء عليّ
 وتولّوا عليّ حتّى الممات
 ثمّ من بعده تولّوا بنيه
 واحداً بعد واحد بالصفّات
 ثمّ أتبع قوله هذا: «أشهد أن لا إله إلا الله حقّاً حقّاً، أشهد أن محمّداً
 رسول الله ﷺ حقّاً حقّاً، أشهد أن عليّاً أمير المؤمنين حقّاً حقّاً، وأشهد أن لا إله إلا
 الله، ثمّ أغمض عينه لنفسه فكأنّما كانت روحه زبالة طفئت أو حصاة سقطت.
 قال عليّ بن الحسين: قال لي أبي؛ الحسين بن عون: وكان أذينة حاضراً فقال:
 الله أكبر ما من شهد كمن لم يشهد، أخبرني - وإلا فصمتنا - الفضيل بن يسار عن أبي
 جعفر وعن جعفر عليه السلام أنّهما قالوا: حرام على روح أن تفارق جسدها حتّى ترى
 الخمسة حتّى ترى محمّداً وعليّاً وفاطمة وحسناً وحسيناً عليه السلام بحيث تقرّ عينها أو
 تسخن عينها فانتشر هذا القول في الناس، فشهد جنازته - والله - الموافق
 والمفارق.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

ونقله عنه في «البحار» ج ٣٩ ص ٢٤١ وكذا في ج ٦ ص ١٩٢ عنه وعن
 مناقب ابن شهر آشوب وكشف الغمّة مثله.

٢ - بشارة المصطفى كما في البحار ج ٦ ص ١٩٤

محمّد بن أحمد بن شهر يار، عن محمّد بن محمّد النوسي، عن محمّد بن عليّ
 القرشي، عن جعفر بن محمّد بن عمر الأحمسي، عن عبيد بن كثير الهلالي، عن
 يحيى بن مساور، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر، عن آبائه عليه السلام، عن
 النبي ﷺ؛ قال: يحيى بن مساور: أخبرنا أبو خالد الواسطي عن زيد بن عليّ، عن
 أبيه عليه السلام قالوا: قال رسول الله ﷺ: والذي نفسي بيده لا تفارق روح جسد
 صاحبها حتّى تأكل من ثمار الجنة أو من شجرة الزقوم، وحين ترى ملك الموت
 تراني وترى عليّاً وفاطمة وحسناً وحسيناً عليه السلام، فإن كان يحبّنا قلت: يا ملك

الموت ارفق به إنه كان يحبّتي ويحبّ أهل بيتي، وإن كان يبغضنا قلت: يا ملك الموت: شدّد عليه إنه كان يبغضني ويبغض أهل بيتي.

في شهود النبي والأئمة الاثنى عشر بأجمعهم عند الموت

١ - الكافي ج ٣ ص ١٢٧

عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن محمد بن سليمان عن أبيه عن سدير الصيرفي قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام جعلت فداك يا ابن رسول الله؛ هل يكره المؤمن على قبض روحه قال: لا والله انه إذا اتاه» ملك الموت لقبض روحه جزع عند ذلك فيقول له ملك الموت يا وليّ الله لا تجزع فوالذي بعث محمداً ﷺ لأنا أبرّ بك وأشفق عليك من والد رحيم لو حضرك افتح عينك فانظر، قال: ويمثل له رسول الله ﷺ وأمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين والأئمة رفقاءك، قال: فيفتح عينه فينظر فينادي روحه منادٍ من قبل ربّ العزة فيقول: يا أيتها النفس المطمئنة (الى محمّد وأهل بيته) ارجعي الى ربّك راضية (بالولاية) مرضية (بالثواب) فادخلي في عبادي (يعني محمداً وأهل بيته) وادخلي جنّتي، فما شئ أحبّ إليه من استئلال روحه واللحوق بالمنادي.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨١ باب غسل الميت ح ٢٤

وقال أمير المؤمنين عليه السلام إن المؤمن اذا حضره الموت وثقه ملك من الموت فلو لا ذلك لم يستقرّ، وما من أحد يحضره الموت إلّا مثلّ له النبي ﷺ والحجج صلوات الله عليهم أجمعين حتّى يراهم، فان كان مؤمناً رآهم بحيث يحبّ وان كان غير مؤمن رآهم بحيث يكره وقال الله تبارك «فلو لا اذا بلغت الحلقوم وانتم حينئذ تنظرون ونحن أقرب اليه منكم ولكن لا تبصرون.

٣- كتاب الزهد ص ٨٤

النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن عبد الحميد الطائي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول ان اشد ما يكون عدوكم (كراهة) (كراهته) لهذا الامر اذا بلغت نفسه هذه واشد ما يكون أحدكم اغتباطا به اذا بلغت نفسه هذه - وأشار الى حلقة - فينقطع (فتقطع) عنه احوال الدنيا وما كان يحاذر عنها (فيها) ويقال له: امامك رسول الله صلى الله عليه وآله وعلي والأئمة عليهم السلام.

٤- كتاب الزهد ص ٨١ ح ٢١٩

حدثنا الحسين بن سعيد قال حدثنا محمد بن سنان عن عمار بن مروان قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: منكم والله يقبل ولكم والله يغفر انه ليس بين أحدكم وبين ان يغتبط ويرى السرور وقرّة العين ألا ان تبلغ نفسه هاهنا - وأوماً بيده الى حلقة - ثم قال: انه اذا كان ذلك واحتضر حضره رسول الله صلى الله عليه وآله والأئمة وعلي وجبرئيل وملك الموت عليه السلام فيدنو منه جبرئيل (علي عليه السلام) فيقول لرسول الله إن هذا كان يحبكم (يحبنا) أهل البيت فاحبه فيقول رسول الله صلى الله عليه وآله: يا جبرئيل ان هذا كان يحب الله ورسوله وآل (وآله) رسوله فأحبه وارفق به (ويقول جبرئيل لملك الموت: ان هذا كان يحب الله ورسوله وأهل بيت رسوله فأحبه وارفق به) فيدنو منه ملك الموت فيقول له: يا عبد الله أخذت فكاك رقبتك؟ أخذت أمان برائتك؟ تمسكت بالعصمة الكبرى في الحياة الدنيا؟ قال: فيوفقه (فيرفعه) الله عز وجل فيقول: نعم فيقول (له) وما ذاك؟ فيقول: ولاية علي بن أبي طالب فيقول: صدقت أما الذي كنت تحذر (ه) فقد آمنك الله عنه (منه) وأما الذي كنت ترجو (ه) فقد أدركته أبشر بالسلف الصالح مرافقة رسول الله صلى الله عليه وآله وعلي (وفاطمة) والأئمة من ولده عليهم السلام ثم يسلم نفسه سلا رفيقا ثم ينزل بكفنه من الجنة وحنوطه حنوط

كالمسك الاذفر فيكفن (بذلك الكفن) ويحنط بذلك الحنوط ثم يكسى حلة صفراء من حلل الجنة (فاذا وضع في قبره فتح الله له باباً من أبواب الجنة) يدخل عليه من روحها وريحانها «ثم يفسح له عن أمامه مسيرة شهر وعن يمينه وعن يساره» ثم يقال له: نم نومة العروس على فراشها ابشر بروح وريحان وجنة نعيم ورب غير غضبان (ثم يزور آل محمد في جنان رضوى فياكل معهم من طعامهم ويشرب معهم من شرابهم ويتحدث معهم في مجالسهم حتى يقوم قائماً أهل البيت فاذا قام قائماً بعثهم الله فاقبلوا معه يلبّون زمراً زمراً فعند ذلك يرتاب المبطلون ويضمحل المحلون - وقليل ما يكونون - هلكت المحاضير ونجا المقربون من أجل ذلك قال رسول الله ﷺ لعلي عليه السلام أنت: اخي وميعاد ما بيني وبينك وادي السلام) قال: واذا حضر الكافر الوفاة حضره رسول الله ﷺ وعلي والأئمة وجبرئيل (وميكائيل) وملك الموت عليهم السلام فيدنو منه جبرئيل (عليه السلام) فيقول: يا رسول الله ان هذا كان مبغضاً لكم أهل البيت فابغضه فيقول رسول الله ﷺ: يا جبرئيل ان هذا كان يبغض الله ورسوله وأهل بيت رسوله فابغضه (واعنف عليه) (ويقول جبرئيل: يا ملك الموت ان هذا كان يبغض الله ورسوله وأهلبيت رسوله فابغضه واعنف عليه) فيدنو منه ملك الموت فيقول يا عبد الله اخذت فكاك رهانك (رقبتك)؟ أخذت امان برائتك (من النار)؟ تمسكت بالعصمة الكبرى في الحياة الدنيا؟

(فيقول: لا) فيقول: ابشر يا عدو الله بسخط الله عز وجل وعذابه والنار، أما الذي كنت ترجو فقد فاتك وأما الذي كنت تحذر (ه) فقد نزل بك ثم يسئل نفسه سلاعيفاً ثم يوكل بروحه ثلاثمائة شيطان (يبزقون) (يبصقون) (كلهم يبزق في وجهه) ويتأذى بريحه (بروحه) فاذا وضع في قبره فتح له باب من أبواب النار فيدخل عليه من (نفح ريحها) (فتح ريحها) قيحها ولهبها «لهيبها»

٥ - دعوات الراوندي ص ٢٤٨

عن محمد بن عليّ عليه السلام قال: مرض رجل من أصحاب الرضا عليه السلام فعاده فقال: كيف تجدك؟ قال لقيت الموت بعدك - يريد ما لقيه من شدة مرضه - فقال: كيف لقيته؟ قال: شديداً أليماً، قال: ما لقيته إنما لقيت ما يبدوك به ويعرفك بعض حاله؛ إنما الناس رجالان: مستريح بالموت، ومستراح منه، فجدد الإيمان بالله وبالولاية تكن مستريحاً؛ ففعل الرجل ذلك ثم قال: يا بن رسول الله هذه ملائكة ربّي بالتحيات والتحف يسلمون عليك وهم قيام بين يديك فأذن لهم في الجلوس، فقال الرضا عليه السلام: اجلسوا ملائكة ربّي، ثم قال للمريض: سلهم أمروا بالقيام بحضرتي؟ فقال المريض: سألتهم فذكروا أنه لو حضرك كل من خلقه الله من ملائكته لقاموا لك ولم يجلسوا حتّى تأذن لهم، هكذا أمرهم الله عزّ وجلّ ثم غمّض الرجل عينيه وقال: السلام عليك يا بن رسول الله هذا شخصك ماثل لي مع أشخاص محمد ومن بعده من الأئمة عليهم السلام، وقضى الرجل.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٩٤.

٦ - التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٢٣٩

قوله عزّ وجلّ: الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ الَّذِينَ يَقْدَرُونَ أَنَّهُمْ يَلْقَوْنَ رَبَّهُم اللقاء الذي هو أعظم كراماته، وإنما قال: يظنون لأنهم لا يرون بما ذا يختم لهم، والعاقبة مستورة عنهم «وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» إلى كراماته، ونعيم جنانه، لإيمانهم وخشوعهم، لا يعلمون ذلك يقيناً لأنهم لا يأمنون أن يغيّروا ويبدّلوا؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يزال المؤمن خائفاً من سوء العاقبة، ولا يتيقن الوصول إلى رضوان الله حتّى يكون وقت نزع روحه وظهور ملك الموت له.

وذلك أن ملك الموت يرد على المؤمن وهو في شدة علة، وعظيم ضيق

صدره، بما يخلف من أمواله، ولما هو عليه من اضطراب أحواله في معامليه وعياله، وقد بقيت في نفسه مرارتها وحسراتها، واقتطع دون أمانيه فلم ينلها، فيقول له ملك الموت: مالك تجرع غصصك؟ قال: لا اضطراب أحوالي واقتطاعك لي دون آمالي، فيقول له ملك الموت: وهل يحزن عاقل من فقد درهم زائف واعتياض ألف ألف ضعف الدنيا؟ فيقول: لا، فيقول ملك الموت: فانظر فوقك، فينظر فيرى درجات الجنة وقصورها التي يقصر دونها الأمانى، فيقول ملك الموت: تلك منازلك ونعمك وأموالك وأهلك وعيالك، ومن كان من أهلك ههنا وذريتك صالحاً فهم هناك معك، أفترضى به بدلاً ممّا هناك؟ فيقول: بلى والله.

ثم يقول: انظر فينظر فيرى محمّداً وعليّاً والطيبين من آلها في أعلى عليين، فيقول: أو تراهم؟ هؤلاء ساداتك وأئمتك، هم هناك جلاسك وآناسك، أفما ترضى بهم بدلاً ممّن تفارق ههنا؟ فيقول: بلى وربّي، فذلك ما قال الله تعالى: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا**» فما أمامكم من الأهوال كفيتموها، ولا تحزنوا على ما تخلفونه من الذراريّ والعيال، فهذا الذي شاهدتموه في الجنان بدلاً منهم، **وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ** هذه منازلكم وهؤلاء ساداتكم آناسكم وجلاسكم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٧٦.

٧- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٥٧٢

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ» قال الإمام عليه السلام: قال الله تعالى: **«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ فِي رُدِّهِمْ نُبُوءَةَ مُحَمَّدٍ ﷺ، وولاية عليّ بن أبي طالب عليه السلام و آلها عليهم السلام»** «وَمَاتُوا» على كفرهم **«وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ»**

يوجب الله تعالى لهم البعد من الرحمة والسحق من الثواب «وَالْمَلَأْتُكَ» وعليهم لعنة الملائكة يلعنونهم «وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» كلّ يلعنهم، لأنّ كلّاً من المأمورين المنتهين يلعنون الكافرين والكافرون أيضاً يقولون: لعن الله الكافرين، فهم في لعن أنفسهم أيضاً «خَالِدِينَ فِيهَا» في اللّعة، في نار جهنّم «لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ» يوماً ولا ساعة «وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ» لا يؤخّرون ساعة إلاّ يحلّ بهم العذاب. قال عليّ بن الحسين عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنّ هؤلاء الكاتمين لصفة رسول الله صلى الله عليه وآله والجاحدين لحلية عليّ وليّ الله إذا أتاهم ملك الموت ليقبض أرواحهم أتاهم بأفطع المناظر وأقبح الوجوه؛ فيحيط بهم عند نزع أرواحهم مردة شياطينهم الذين كانوا يعرفونهم، ثمّ يقول ملك الموت: ابشري أيّتها النفس الخبيثة الكافرة برّبّها بجحد نبوة نبيّها صلى الله عليه وآله وإمامة عليّ عليه السلام بلعنة من الله وغضب؛ ثمّ يقول: ارفع رأسك وطرفك وانظر، فيرى دون العرش محمّداً صلى الله عليه وآله على سرير بين يدي عرش الرحمن ويرى عليّاً عليه السلام على كرسيّ بين يديه، وسائر الأئمّة عليهم السلام على مراتبهم الشريفة بحضرته ثمّ يرى الجنان قد فتحت أبوابها، ويرى القصور والدرجات والمنازل التي تقصر عنها أمانيّ المتمنّين، فيقول له: لو كنت لأوليائك موالياً كانت روحك يعرج بها إلى حضرتهم، وكان يكون مأواك في تلك الجنان، وكانت تكون منازلك وأوليائك ومجاوروك ومقاربوك، فانظر فيرفع حجب الهاوية فيراها بما فيها من بلاياها ودواهيها وعقاربها وحيّاتها وأفاعيها وصروف عذابها ونكالها، فيقال له: فتلك إذاً منازلك. ثمّ تمثّل له شياطينه هؤلاء الذين كانوا يغوونه ويقبل منهم مقرّنين هناك في الأصفاد والأغلال، فيكون موته بأشدّ حسرة وأعظم أسف.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٩.

٨ - تفسير فرات الكوفي ص ٥٥٣

قال: حدثنا أبو القاسم العلوي [قال: حدثنا فرات بن إبراهيم الكوفي] [معنعنا]:
عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك يستكره المؤمن على
خروج نفسه؟ قال: فقال: لا والله، قال: قلت: وكيف ذاك؟ قال: إن المؤمن إذا
حضرته الوفاة حضر رسول الله صلى الله عليه وآله وأهل بيته أمير المؤمنين علي بن أبي طالب
وفاطمة والحسن والحسين وجميع الأئمة عليهم الصلاة والسلام و[التحية
والإكرام. أ] ولكن إلتوا [ب: كنو. ر: اكنوا] عن إسم فاطمة ويحضره جبرئيل
وميكائيل وإسرافيل وعزرائيل عليهم السلام قال: فيقول أمير المؤمنين: يا رسول الله إنه
كان ممن يحبنا ويتولانا فأحبه. قال: فيقول رسول الله صلى الله عليه وآله: يا جبرئيل إنه كان
ممن يحبّ علياً وذريته فأحبه، قال: فيقول جبرئيل عليه السلام لميكائيل وإسرافيل مثل
ذلك قال: ثم يقولون جميعاً لملك الموت: إنه كان يحب محمداً وآله ويتولى علياً
وذريته فارفق به. قال: فيقول ملك الموت: والذي اختاركم وكرّمكم واصطفى
محمداً صلى الله عليه وآله بالنبوة وخصّه بالرسالة لأننا أرفق به من والدٍ رفيق وأشفق من أخٍ
شفيق.

ثم مال إليه ملك الموت فيقول له: يا عبد الله أخذت فكاك رقبتك؟ أخذت
رهان أمانك؟ فيقول: نعم، فيقول: فماذا؟ فيقول: بحبي محمداً وآله وبولايتي علياً
وذريته. فيقول: أما ما كنت تحذر فقد أملك الله منه وأما ما كنت ترجو فقد أتاك الله
به، افتح عينيك فانظر إلى ما عندك. قال: فيفتح عينيه فينظر إليهم واحداً واحداً
ويفتح له باب إلى الجنة فينظر إليها فيقول له: هذا ما أعدّ الله لك وهؤلاء رفقاؤك
أفتحب اللحاق بهم أو الرجوع إلى الدنيا؟ قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام: أما رأيت
شخصته ورفع حاجبيه إلى فوق من قوله: لا حاجة لي إلى الدنيا ولا الرجوع إليها،
ويناديه منادٍ من بطنان العرش يسمعه ويسمع من بحضرته: (يا أَيُّهَا النَّفْسُ

الْمُطْمَئِنَّةُ) إِلَى مُحَمَّدٍ وَوَصِيهِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ (ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً) بِالْوَلَايَةِ [ب: بَوَلَايَةِ عَلِيٍّ] (مَرْضِيَّةً) بِالثَّوَابِ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي مَعَ مُحَمَّدٍ [ص. أ.] وَأَهْلَ بَيْتِهِ [عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . ب] (وَادْخُلِي جَنَّتِي) غَيْرَ مَشُوبَةٍ.

٩ - تفسير فرات الكوفي ص ٥٥٤

فرات قال: حدثنا محمد بن عيسى بن زكريا الدهقان معنعنا: عن محمد بن سليمان الديلمي قال: حدثنا أبي قال: سمعت الأفریقی يقول: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المؤمن أيستكره على قبض روحه؟ قال: لا والله. قلت: وكيف ذاك؟ قال: لأنّه إذا حضره ملك الموت [عليه السلام . أ، ب] جزع فيقول له ملك الموت: لا تجزع فوالله لأنّا [أ: أنا] أبرّ بك وأشفق [عليك . ب] من والد رحيم لو حضرك؛ افتح عينيك فانظر [ر: وانظر]. قال: ويتهلل [ب: يتمثل] له رسول الله [صلى الله عليه وآله . أ، ب] وأمير المؤمنين والحسن والحسين والأئمة من بعدهم وفاطمة عليهم [الصلاة و. ر] السلام [والتحية والاكرام، قال: فينظر إليهم فيستبشر بهم، فما رأيت شخصته تلك؟ قلت: بلى. قال: فانما ينظر إليهم.

قال: قلت: جعلت فداك قد يشخص المؤمن والكافر؟! قال: ويحك إن الكافر يشخص منقلباً إلى خلفه لأنّ ملك الموت إنّما يأتيه ليحمله من خلفه، والمؤمن ينظر أمامه، وينادي روحه منادٍ من قبل ربّ العزة من بطنان العرش فوق الأفق الأعلى ويقول (يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ) إلى محمد وآله (ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي) فيقول ملك الموت: أنّي قد امرت أن أخيرك الرجوع إلى الدنيا والمضي (قال) فليس شيء أحبّ إليه من اسلال (ب: اسلال) روحه.

تلقين الأدعية عند الموت

«منها» قول: لا إله إلا الله محمد رسول الله

١ - دعوات الراوندي ص ٢٥٠

وعن النبي ﷺ «لقنوا موتاكم لا إله إلا الله» فان من كان آخر كلامه «لا إله إلا الله» دخل الجنة.

قيل: يا رسول الله ﷺ ان شدائد الموت وسكراته (تشغلنا) عن ذلك، فنزل في الحال جبرئيل عليه السلام وقال: يا محمد! قل لهم حتى يقولوا الآن في الصحة: لا إله إلا الله عدة (لذلك الوقت) أو كما قال.

٢ - دعوات الراوندي ص ٢٤٩ و ٢٥٠

كان أمير المؤمنين عند الوفاة يقول لا إله إلا الله حتى توفي.

٣ - الكافي ج ٣ ص ١٢٢

عنه، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن أبي أيوب، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام؛ وحفص بن البختري، عن أبي عبد الله عليه السلام: قال: إنكم تلقنون موتاكم عند الموت لا إله إلا الله ونحن نلقن موتانا محمد رسول الله ﷺ.

ومنها: اللهم أعني على سكرات الموت

دعوات الراوندي ص ٢٥٠

وكان عند النبي ﷺ قدح فيه ماء وهو في الموت ويدخل يده فيه القدح ويمسح وجهه بالماء ويقول عليه السلام «اللهم أعني على سكرات الموت».

ومنها سورة قل يا أيها الكافرون

دعوات الراوندي ص ٢٤٩

وقال رسول الله ﷺ : نابذوا عند الموت، فقل: كيف ننابد يا رسول الله ؟
قال ﷺ : قولوا «قل يا أيها الكافرون لا أعبد ما تعبدون».

ومنها سبحان الله وبحمده واستغفر الله وأتوب إليه

١ - دعوات الراوندي ص ٢٤٩

وكان ﷺ يكثر قبل موته أن يقول «سبحان الله وبحمده وأستغفر الله وأتوب إليه».



ومنها اللهم ارحمني فإنك كريم اللهم ارحمني فإنك رحيم

دعوات الراوندي ص ٢٥٠

وكان زين العابدين عليه السلام يقول عند الموت «اللهم ارحمني فإنك كريم، اللهم ارحمني فإنك رحيم» فلم يزل يرددّها حتى توفي عليه السلام.

ومنها اللهم أغفر لي الكثير من معاصيك واقبل منّي اليسير من طاعتك

الكافي ج ٣ ص ١٢٤

محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن عبد الرحمن بن أبي هاشم، عن سالم بن أبي سلمة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: حضر رجلاً الموت فقل: يا رسول الله إن فلاناً قد حضره الموت، فنهض رسول الله ﷺ ومعه ناس من أصحابه حتى أتاه وهو مغمى عليه، قال: فقال: يا ملك الموت كفّ عن الرجل حتى أسأله، فأفاق الرجل فقال النبي ﷺ: ما رأيت وقال: رأيت بياضاً كثيراً وسواداً كثيراً فقال:

فأيّهما كان أقرب اليك؟ فقال السواد فقال النبي ﷺ اللهم اغفر لي الكثير من معاصيك واقبل مني اليسير من طاعتك فقال له ثم أغمي عليه فقال يا ملك الموت خفف عنه ساعة حتى أسأله فأفاق الرجل فقال: ما رأيت؟ قال رأيت بياضاً كثيراً وسواداً كثيراً قال فايهما كان اقرب اليك فقال البياض فقال رسول الله غفر الله لصاحبكم قال فقال ابو عبد الله إذا حضرتم ميتاً فقولوا له هذا الكلام ليقوله. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٩٥.

ومنها كلمات الفرّج

١ - الكافي ج ٣ ص ١٢٢

عليّ، عن أبيه، عن حماد بن عيسى، عن حريز، عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا أدركت الرجل عند النزع فلقنه كلمات الفرّج: «لا إله إلا الله الحليم الكريم، لا إله إلا الله العليّ العظيم؛ سبحان الله ربّ السماوات السبع وربّ الأرضين السبع وما فيهنّ وما بينهنّ وما تحتهنّ وربّ العرش العظيم والحمد لله ربّ العالمين» قال: فقال أبو جعفر عليه السلام: لو أدركت عكرمة عند الموت لنفعته، فقل لأبي عبد الله عليه السلام: بماذا كان ينفعه؟ قال: يلقنه ما أنتم عليه.

٢ - دعوات الراوندي ص ٢٤٥

وعن الصادق عليه السلام قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام إذا حضر من أهل بيته أحداً الموت قال له: «قل لا إله إلا الله الحليم الكريم لا إله إلا الله العليّ العظيم، سبحان الله ربّ السماوات السبع [وربّ الأرضين السبع] وما فيهنّ وما بينهنّ وربّ العرش العظيم، والحمد لله ربّ العالمين» فإذا قالها المريض قال: اذهب ليس عليك بأس.

ومنها هذا الدعاء

دعوات الراوندي ص ٢٥٠

ومن دعائهم عليه السلام «اللهم بارك لي في الموت، اللهم أعني على الموت، اللهم أعني على سكرات الموت، اللهم أعني على غمرات الموت، [اللهم أعني على غم القبر] اللهم على ضيق القبر، اللهم أعني على ظلمة القبر، اللهم اعنني على وحشة القبر، اللهم اعنني على أهوال يوم القيامة، اللهم بارك لي في طول يوم القيامة، اللهم زوّجني من الحور العين.

في أنّ التلقين أولى الناس بالميت ينفع في المسائلة عنه في قبره

١ - علل الشرايع ص ٣٠٨ باب ٢٥٧

أبي رحمه الله قال: حدثنا علي بن إبراهيم عن أبيه عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ينبغي أن يتخلف عند قبر الميت أولى الناس به بعد انصراف الناس عنه ويقبض على التراب بكفيه ويلقنه ويرفع صوته فاذا فعل ذلك كفى الميت المسائلة في قبره.

٢ - دعوات الراوندي ص ٢٧٠

وعن يحيى بن عبد الله، قال: سمعت الصادق عليه السلام يقول: ما على أهل الميت منكم أن يدروا عن ميتهم لقاء منكر ونكير. قال: قلت: كيف يصنع؟ قال: إذا أفرد الميت فليتخلف عنده أولى الناس به فيضع فمه عند رأسه فينادي بأعلى صوته: يا فلان بن فلان أو يا فلانة بنت فلان! «هل أنت على العهد الذي فارقنا عليه من شهادة أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأن محمداً عبده ورسوله سيد المرسلين، وأن علياً أمير المؤمنين وسيد الوصيين، وأن ما جاء به محمد صلّى الله عليه وآله حق، وأن

الموت حق، والبعث حق، وأن الله يبعث من في القبور». قال: فيقول منكر ونكير: انصرف بنا عن هذا فقد لقن حجته.

تارك حجة الإسلام ومانع الزكاة قد ورد أنهما يموتان يهودياً أو نصرانياً

١ - الكافي ج ٤ ص ٢٦٨ و ٢٦٩

أبو علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن يحيى عن ذريح المحاربي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من مات ولم يحجّ حجة الإسلام لم يمنعه من ذلك حاجة تجحف به أو مرض لا يطيق فيه الحجّ أو سلطان يمنعه فليمت يهودياً أو نصرانياً.

ورواه من أحمد بن محمد عن محمد بن أحمد النهدي عن محمد بن الوليد عن ابان بن عثمان عن ذريح المحاربي يعينه.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٥٠٥

أبو علي الأشعري فمن ذكره عن حفص بن عمر عن سالم عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من منع قيراطاً من الزكاة فليمت إن شاء يهودياً أو نصرانياً.

وكذا من قتل رجلاً مؤمناً

عقاب الأعمال ص ٣٢٧

حدثني محمد بن علي ماجيلويه عن عمّه محمد بن أبي القاسم عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن سعيد الأزرق عن أبي عبد الله عليه السلام في رجل قتل رجلاً مؤمناً قال: يقال له: مت أيّ مية شئت أن شئت يهودياً وإن شئت نصرانياً وإن شئت مجوسياً.

مانع الزكاة يسأل الرجعة عند الموت

تفسير نورالثقلين ج ٣ ص ٥٥٢

أحمد بن محمد عن علي بن الحسين عن وهيب بن حفص عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من منع الزكاة سأل الرجعة عند الموت، وهو قول الله تعالى: «رب ارجعون لعلي أعمل صالحاً فيما تركت». وفي من لا يحضره الفقيه في وصية النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: يا علي تارك الزكاة يسأل الرجعة الى الدنيا، وذلك قول الله عز وجل: «حتى اذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون» الآية.



في موت المؤمن الإمامي القائل بالحق
١ - أمالي الطوسي ص ٤٤

أحمد بن عبدون عن علي بن محمد بن الزبير عن علي بن الحسن بن فضال عن العباس بن عامر عن عبد الله بن الوليد قال: دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام فسلمنا عليه وجلسنا بين يديه فسألنا من أنتم؟ قلنا: من أهل الكوفة، فقال: أما إنه ليس من بلد من البلدان أكثر محباً لنا من أهل الكوفة، ثم هذه العصاة خاصة إن الله هداكم لأمر جهله الناس، أحببتمونا وأبغضنا الناس، وصدقتمونا وكذبنا الناس واتبعتمونا وخالفنا الناس، فجعل الله محياكم محيانا ومماتكم مماتنا، فأشهد على أبي أنه كان يقول: ما بين أحدكم وبين أن يرى ما تقر به عينه أو يغتبط إلا أن تبلغ نفسه ههنا - ثم أهوى بيده إلى حلقه - ثم قال: وقد قال الله في كتابه: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً» فنحن ذرية رسول الله صلى الله عليه وآله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٦٥.

٢ - كتاب الزهد ص ٨٥

صفوان، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام قال: ما بين أحدكم وبين أن يرى ما تقرّ به عينه إلا أن تبلغ نفسه هذه، فيأتيه ملك الموت فيقول: أمّا ما كنت تطمع فيه من الدنيا فقد فاتك، فأمّا ما كنت تطمع فيه من الآخرة فقد أشرفت عليه، وأمّا ما سلف صدق رسول الله صلى الله عليه وآله وعليّ وإبراهيم. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٩٠.

٣ - المحاسن للبرقي ص ١٠٤

عنه عن أبيه عن النضر عن يحيى الحلبي عن شجرة أخى بشير النبال قال قال أبو عبد الله عليه السلام: ما بين أحدكم وبين أن يعاين ما تقرّ به عينه إلا أن تبلغ نفسه هذه وأومى بيده إلى حلقه.



٤ - المحاسن ص ١٧٧

عنه، عن أبيه، عن يحيى الحلبي، عن بشير الكناسي، قال: دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام فقال: حدّث أصحابكم أنّ أبي كان يقول: ما بين أحدكم وبين أن يغتبط إلا أن تبلغ نفسه هذه (وأومى بيده إلى حلقه). ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٨.

٥ - المحاسن ص ١٧٤

ابن فضال، عن علي بن عقبة، عن عبد الله بن الوليد النخعي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: أشهد على أبي عليه السلام أنّه كان يقول: ما بين أحدكم وبين أن يغتبط ويرى ما تقرّ به عينه إلا أن تبلغ نفسه هذه - وأومأ بيده إلى حلقه - وقد قال الله

تبارك وتعالى: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً» فنحن والله ذُرِّيَّة رسول الله ﷺ.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٣.

٦- أعلام الدين ص ٤٥٠

وروى جابر بن عبد الله قال: بينا نحن عند رسول الله ﷺ إذا التفت إلى عليّ عليه السلام فقال: يا أبا الحسن هذا جبرئيل عليه السلام يقول: إن الله تعالى أعطى شيعةك ومحبيك سبع خصال: الرفق عند الموت، والأنس عند الوحشة، والنور عند الظلمة والأمن عند الفرع، والقسط عند الميزان، والجواز على الصراط، ودخول الجنة قبل الناس، يسعى نورهم بين أيديهم.



ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٦٢

٧- دعوات الراوندي ص ٢٨١ و ٢٨٢

وروي: ان المحتضر يحضره صف من الملائكة عن يمينه، عليهم لباس خضر، وصف عن يساره عليهم لباس سود، ينتظر كل واحد من الفريقين في قبض روحه والمريض ينظر الى هؤلاء مرة والى هؤلاء (مرة اخرى، ويكاد يموت من الفرع ويتضرع الى الله تعالى في نفسه ويقول «يا مجيب دعوة المضطرين») فيبعث الله الى ذلك المؤمن ملكاً من بطنان السماء يبشره، [ويأمر ملك الموت أن يتراءى له في أحسن صورة.

فاذا أخذ في قبض روحه وارتقى إلى ركبته شفع إلى جبرئيل وقد أمره الله أن ينزل الى عبده أن يرخص له في توديع أهله وولده، فيقول له: أنت مخير بين أن أمسح عليك جناحي، أو تنظر الى ميكائيل. فيقول: أين ميكائيل؟ فاذا به وقد نزل

في جوق من الملائكة فينظر إليه ويسلم عليه.
فاذا بلغت الروح الى بطنه وسرته شفّع الى ميكائيل أن يمهلّه فيقول له: أنت
مخير بين أن أمسح عليك جناحي، أو تنظر الى الجنة، فيختار النظر الى الجنة
فيتضحك، ويأمر الله ملك الموت أن يرفق به.

فاذا فارقت روحه تبعاه الملكان الذان كانا موكلين به بيبكيان ويترحمان عليه
ويقولان: رحم الله هذا العبد كم أسمعنا الخير، وكم أشهدنا على الصالحات. وقالوا:
يا ربنا انا كنا موكلين به وقد نقلته الى جوارك، فما تأمرنا؟

فيقول تعالى: تلزمان قبره وتترحمان عليه وتستغفران له الى يوم القيامة، فاذا
كان يوم القيامة أتياه بمركب فأركباه وأمشيا بين يديه الى الجنة واخدهما في
الجنة].



ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٧٢

٨ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٤٢٢

«يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» قال: إذا حضر
المؤمن الوفاة نادى مناد من عند الله يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي رَاضِيَةً بَوْلَاءِ
عَلَيَّ مَرْضِيَّةً بِالثَّوَابِ، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي؛ فلا يكون له همّة إلا
اللّحوق بالنداء.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٢.

٩ - الكافي ج ٣ ص ١٣٣

حميد بن زياد، عن الحسن بن محمّد الكندي، عن غير واحد، عن ابان بن
عثمان، عن عامر بن عبد الله بن جذاعة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: إِنَّ

النفس إذا وقعت في الحلق أتاه ملك فقال له: يا هذا - أو يا فلان - أمّا ما كنت ترجو فأيس منه وهو الرجوع إلى الدُّنيا وأمّا ما كنت تخاف فقد أمنت منه.

١٠ - أعلام الدين ص ٤٥٨

وعن صفوان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: والله إنكم لعلّى دين الله ودين ملائكته، وإنكم والله لعلّى الحقّ فاتّقوا الله وكفّوا ألسنتكم وصلّوا في مساجدكم وعودوا مرضاكم، فإذا تميّز النَّاس فتميّزوا، فإنّ ثوابكم لعلّى الله، وإنّ أغبط ما تكونون إذا بلغت نفس أحدكم إلى هذه - وأوماً إلى حلقه - قرّت عينه. ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٦٤.



١١ - أعلام الدين ص ٤٥٨

وعن عبد الرّحيم قال: قال لي أبو جعفر عليه السلام: إنّما يغتبط أحدكم حين تبلغ نفسه ههنا، فينزل عليه ملك فيقول: أمّا ما كنت ترجو فقد أعطيته، وأمّا ما كنت تخافه فقد أمنت منه، فيفتح له باب إلى منزله من الجنّة ويقال له: انظر إلى مسكنك من الجنّة وانظر هذا رسول الله وفلان وفلان وفلان هم رفقاؤك، وهو قوله تعالى: «الذين آمنوا وكانوا يتّقون لهم البشري في الحياة الدّنيا وفي الآخرة».

١٢ - أعلام الدين ص ٤٥٧

وقال أبو عبد الله عليه السلام لأصحابه ابتداء منه: أحببتمونا وأبغضنا النَّاس، وصدّقتمونا وكذّبنا النَّاس، ووصلتمونا وجفّانا النَّاس، فجعل الله محياكم محيانا ومماتكم مماتنا.

أما والله ما بين الرجل منكم وبين أن يقرّ الله عينه إلّا أن تبلغ نفسه هذا المكان - وأوماً إلى حلقه فمدّ الجلدة - ثمّ أعاد ذلك فوالله ما رضى حتّى حلف، فقال: والله

الذي لا إله إلا هو، لحدثني أبي محمد بن عليّ بذلك، إنّ الناس أخذوا ههنا وههنا وإنّكم أخذتم حيث أخذ الله، إنّ الله اختار من عباده محمدًا ﷺ، واخترتم خيرة الله فاتّقوا الله وأدّوا الأمانات إلى الأسود والأبيض وإن كان حروريًا وإن كان شاميًا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٦٤.

١٣ - أعلام الدين ص ٤٥٠

وعن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا بلغت نفس أحدكم هذه - وأوماً إلى حلقه - قيل له: أمّا ما كنت تحذر من همّ الدّنيا فقد أمنتته، ثمّ يعطى بشارته.

العقبة الثالثة ضغطة القبر

١ - إرشاد القلوب ص ٦٤

قال البراء بن عازب بينما نحن من رسول الله ﷺ إذ أبصر بجنازة تدفن فبادر إليها مسرعاً حتّى وقف عليها ثمّ بكى حتّى بلّ ثوبه ثمّ التفت إلينا فقال يا اخوتي لمثل هذا فليعمل العاملون احذروا هذا واعملوا له.

إرشاد القلوب ص ١٩٣

وقال عليه السلام: إنّ الله ملكاً ينادي في كلّ يوم تهيبّوا للموت واجمعوا للفناء وابنوا للخراب.

٢ - كتاب الزهد ص ٨٨

فضالة عن ابان عن بشير النبال قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: خاطب رسول الله ﷺ قبر سعد فمسحه بيده واختلج بين كتفيه فقليل له يا رسول الله

رأيناك خاطبت واختلج بين كتفك وقلت: سعد يفعل به هذا؟ فقال: انه ليس من مؤمن الاوله ضمة.

٣ - الكافي ج ٣ ص ٢٤١

حميد بن زياد، عن الحسن بن محمد بن سماعة، عن غير واحد، عن أبان، عن أبي بصير، عن أحدهما عليهما السلام قال: لما ماتت رقية ابنة رسول الله صلى الله عليه وآله قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الحقي بسلفنا الصالح عثمان بن مظعون وأصحابه؛ قال: وفاطمة عليها السلام على شفير القبر تنحدر دموعها في القبر، ورسول الله صلى الله عليه وآله يتلقاه بثوبه قائم يدعو، قال: إنني لأعرف ضعفها وسألت الله عز وجل أن يجيرها من ضمة القبر. «ف ١ ج ١ ص ٦٦» ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٦.

ورواه في «كتاب الزهد» ص ٨٧

 مركز تحقيقات كافي علوم اسلامی

٤ - الكافي ج ٣ ص ٢٣١ - ٢٣٣

علي، عن أبيه، عن عمرو بن عثمان؛ وعدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن البرنظي والحسن بن علي جميعاً، عن أبي جميلة، عن جابر، عن عبد الأعلى، وعلي بن إبراهيم عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن إبراهيم بن عبد الأعلى، عن سويد بن غفلة مثله؛ وقال في آخره: وقال جابر: قال أبو جعفر عليه السلام: قال النبي صلى الله عليه وآله: إنني كنت أنظر إلى الإبل والغنم وأنا أرهاها - وليس من نبي إلا وقد رعى الغنم - وكنت أنظر إليها قبل النبوة وهي متمكنة في المكنة ما حولها شيء يهيجها حتى تذعر فتطير، فأقول: ما هذا؟ وأعجب، حتى حدثني جبرئيل عليه السلام أن الكافر يضرب ضربة ما خلق الله شيئاً إلا سمعها ويدع لها إلا الثقلين؛ فقلنا: ذلك لضربة الكافر، فنعوذ بالله من عذاب القبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٦.

٥ - دعوات الراوندي ص ٢٩٢

قال أمير المؤمنين عليه السلام : صبرك على محارم الله أيسر من صبرك على عذاب القبر من صبر على الله وصل إليه.

في أن القبر روضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النار

١- تفسير القمي ج ٢ ص ٩٤

وقال علي بن الحسين عليهما السلام : إن القبر روضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النيران.

٢ - الخصال ص ١١٩

حدثنا أبي رضي الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثني القاسم بن محمد عن سليمان بن داود قال حدثنا عبد الرزاق عن معمر عن الزهري قال قال علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام : أشدّ ساعات ابن آدم ثلاث ساعات - إلى أن قال - ثم تلا و مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قال: هو القبر وإنّ لهم فيه لمعيشة ضنكاً، والله إن القبر لروضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النار، الحديث.

٣ - دعوات الراوندي ص ٢٣٦

وقال أمير المؤمنين عليه السلام : ليس بيننا وبين الجنة أو النار إلا الموت. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٧٠.

٤ - أمالي الطوسي ص ٢٥ - ٢٨

فيما كتبه أمير المؤمنين عليه السلام إلى محمد بن أبي بكر: يا عباد الله ما بعد الموت

لمن لم يغفر له اشدّ من الموت: القبر، فاحذروا ضيقه وضنكه وظلمته وغرْبته، إنّ القبر يقول كل يوم: انا بيت الغربة، انا بيت التراب، انا بيت الوحشة، انا بيت الدود والهوام، والقبر روضة من رياض الجنّة او حفرة من حفر النيران - الى ان قال - وإنّ معيشه الضنك التي حذر الله منه عدوّه عذاب القبر، إنّهُ سلّط على الكافر في قبره تعسة وتسعين تيّناً فينهشن لحمه ويكسرن عظمه يتردّدن عليه كذلك إلى يوم يبعث، لو أنّ تيّناً منها نفخ في الأرض لم تنبت زرعاً، يا عباد الله إنّ انفسكم الضعيفة واجسادكم الناعمة الرقيقة التي يكفيها اليسير تضعف عن هذا فان استطعتم أن تجزعوا لاجسادكم وانفسكم ممّا لا طاقة لكم به ولا صبر لكم عليه فاعملوا بما احبّ الله واتركوا ما كره الله، الحديث.



في أنّ القبر روح وريحان للمقرّبين وتزيل من حميم للمكذّبين الضالّين

تفسير القمّي ج ٢ ص ٣٥٠

أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمّد، عن ابن أبي عمير، عن إسحاق بن عبد العزيز، عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ قَالَ فِي قَبْرِهِ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ قَالَ فِي الْآخِرَةِ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ» في القبر «وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ» في الآخرة. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢١٧.

في أنّ الضغطة تصيب الميّت حتّى الصلوب

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٤١

عليّ بن إبراهيم، عن محمّد بن عيسى، عن يونس قال: سألته عن المصلوب: يعذب عذاب القبر؟ قال: فقال: نعم إنّ الله عزّ وجلّ يأمر الهواء أن يضغطه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٦.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ١٢٢ باب النوادر ح ٢٦
وسئل الصادق عليه السلام عن المصلوب يصيبه عذاب القبر؟ فقال: إنَّ ربَّ الارض
هو ربَّ الهواء فيوحى الله عز وجل الى الهواء فيضغطه اشدَّ من ضغطة القبر.

في أنَّ عذاب القبر من الغيبة والنميمة والبول

١ - علل الشرايع ص ٣٠٩ باب ٢٦١

اخبرنى علي بن حاتم قال: حدثنا احمد بن محمد الهمداني قال اخبرني
المنذر بن محمد قراءة قال: حدثني الحسين بن محمد قال: حدثنا علي بن القاسم
عن ابي خالد عن زيد بن علي عن ابيه عن جده عن علي عليه السلام قال: عذاب القبر
يكون من النميمة، والبول، وعزب الرجل عن اهله.

٢ - دعوات الراوندي ص ٢٧٩ و ٢٨٠

وقال ابن عباس عليه السلام: عذاب القبر ثلاثة اثلاث ثلث للغيبة، وثلث للنميمة،
وثلث للبول.

٣ - المحاسن ص ٧٨

عثمان بن عيسى، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ جلَّ عذاب القبر
في البول .

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٣.

ورواه في «الدعوات» ص ٢٨٠.

في بعض ما يستلزم عذاب القبر

علل الشرايع ص ٣٠٩ باب ٢٦١

حدثنا محمد بن الحسن عليه السلام قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن السندي بن محمد عن صفوان بن يحيى عن صفوان بن مهران بن الحسن عن أبي عبد الله عليه السلام قال أقعد رجل من الاحبار في قبره فقيل له جالدوك مائة جلدة من عذاب الله فقال لا اطيعها فلم يفعلوا حتى انتهوا الى جلده واحدة فقالوا ليس منها بد قال فيما تجلدونها قالوا نجلدك لأنك صليت يوماً بغير وضوء، ومررت على ضعيف فلم تنصره، قال: فجلدوه جلدة من عذاب الله تعالى فامتلى قبره ناراً.

في نداء الكافر حملته عند حملة إلى القبر بالشكوى ممّا وقع فيه



الكافي ج ٣ ص ٢٣٣

العدة، عن سهل، عن الحسن بن عليّ، عن بشير الدهان، عن أبي عبد الله عليه السلام؛ وعليّ بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن أبي جميلة، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام، عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا حمل عدوّ الله إلى قبره نادى حملته: ألا تسمعون يا إخوتاه، إنّي أشكو إليكم ما وقع فيه أخوكم الشقيّ: إنّ عدوّ الله خدعني فأوردني ثمّ لم يصدرني. وأقسم لي إنّّه ناصح لي فغشّني وأشكو إليكم دنياً غرّتني حتّى إذا اطمأننت إليها صرعتني، وأشكو إليكم أخلاء الهوى منوني ثمّ تبرّؤوا منّي وخذلوني، وأشكو إليكم أولاداً حميت عنهم وآثرتهم على نفسي فأكلوا مالي وأسلموني، وأشكو إليكم ما لا منعت فيه حقّ الله فكان وباله عليّ وكان نفعه لغيري، وأشكو إليكم داراً أنفقت عليها حريّتي وصار سكّانها غيري وأشكو إليكم طول الثوى في قبري ينادي: أنا بيت الدود، أنا بيت الظلمة والوحشة والضيق، يا إخوتاه فاحبسوني ما استطعتم، واحذروا مثل ما

لقيت، فإنني قد بشرت بالنار والذل والصغار وغضب العزيز الجبار واحسرتاه على ما فرطت في جنب الله ويا طول عولتاه فما لي من شفيع يطاع، ولا صديق يرحمني، فلو أن لي كرامة فأكون من المؤمنين.
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٥٨.

في إنَّ للقبر أهوالاً عظيمة فليتعوذ حامل الميت بالله من هول المطلع

١ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ١٠٧ باب الصلاة على الميت ح ٤٤
وفي رواية سماعة بن مهران عن أبي عبد الله عليه السلام ... وإذا حمل الميت الى قبره فلا يفاجأ به القبر لأنَّ للقبر أهوالاً عظيمة ويتعوذ حامله بالله من هول المطلع ويضعه قرب شفير القبر ويصبر عليه هنيئاً ثمَّ يقدمه ويصبر عليه هنيئاً لياخذ اهنته ثمَّ يقدمه الى شفير القبر ويدخله القبر من يأمره ولي الميت إن شاء شفعا وإن شاء وتراً ويقال عند النظر الى القبر «اللهم اجعله روضة من رياض الجنة ولا تجعله حفرة من حفر النيران.

٢ - أمالي الصدوق ص ٢٢٢

الطالقاني عن أبي سعيد الهمداني عن علي بن الحسن بن فضال عن أبيه عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال لما حضرت الحسن بن علي بن أبي طالب الوفاة بكى فقليل له: يا ابن رسول الله أتبكي ومكانك من رسول الله صلى الله عليه وآله الذي انت به وقد قال فيك رسول الله ما قال: وقد حججت عشرين حجة ماشياً؟ وقد قاسمت ربك مالك ثلاث مرات حتى النعل والنعل فقال عليه السلام إنما ابكي لخصلتين: لهول المطلع وفراق الاحبة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٣ ص ٣٣٢.

٣ - أمالي الصدوق ص ١٧٨

علي بن أحمد عن الاسدي عن النخعي عن النوفلي عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال قال الصادق عليه السلام حدثني أبي عن أبيه عليه السلام ان الحسن بن علي بن أبي طالب عليه السلام كان اعبد الناس في زمانه وازهدهم وافضلهم وكان اذا حجّ حجّ ماشياً وربما مشى حافياً وكان إذا ذكر الموت بكى وإذا ذكر القبر بكى وإذا ذكر البعث والنشور بكى وإذا ذكر الممّر على الصراط بكى وإذا ذكر العرض على الله تعالى ذكره شهقة يغشى عليه منها وكان اذا قام في صلاته ترتعد فرائصه بين يدي ربّه عز وجل وكان إذا ذكر الجنة والنار اضطرب اضطراب السليم وسأل الله الجنة وتعوّذ به من النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٣ ص ٣٣١.



في أنّ الغلظ على الأهل يقتضى ضمة للميت في القبر

١ - علل الشرايع ص ٣٠٩ باب ٢٦١

حدثنا أبو الحسن علي بن الحسين بن سفيان بن يعقوب بن الحارث بن ابراهيم الهمداني في منزله بالكوفة قال: حدثنا أبو عبد الله جعفر بن أحمد بن يوسف الأزدي قال حدثنا علي بن نوح الحنّاط قال حدثنا عمرو بن اليسع عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام قال: أتى رسول الله فقيل ان سعد بن معاذ قد مات فقام رسول الله صلى الله عليه وآله وقام أصحابه معه، فأمر بغسل سعد وهو قائم على عضادة الباب، فلما أن حنّط وكفن وحمل على سريره تبعه رسول الله صلى الله عليه وآله بلا حذاء ولا رداء، ثمّ كان يأخذ يمينه السرير مرّة ويسرة السرير مرّة حتّى انتهى به إلى القبر، فنزل رسول الله صلى الله عليه وآله حتّى لحّده وسوى اللّبن عليه، وجعل يقول: ناولوني حجراً، ناولوني تراباً رطباً؛ يسدّ به ما بين اللّبن، فلما أن فرغ وحثا

التراب عليه وسوى قبره قال رسول الله ﷺ: إني لأعلم أنه سيبلى ويصل البلى إليه، ولكن الله يحبّ عبداً إذا عمل عملاً أحكمه، فلما أن سوى التربة عليه قالت أمّ سعد: يا سعد هنيئاً لك الجنة، فقال رسول الله ﷺ: يا أمّ سعدمه، لا تجزمي على ربّك فإنّ سعداً قد أصابته ضمّة؛ قال: فرجع رسول الله ﷺ ورجع الناس فقالوا له: يا رسول الله لقد رأيناك صنعت على سعد ما لم تصنعه على أحد، إنك تبعت جنازته بلا رداء ولا حذاء، فقال ﷺ: إن الملائكة كانت بلا رداء ولا حذاء، فتأسّيت بها، قالوا: وكنت تأخذ يمينة السرير مرّةً، ويسرة السرير مرّةً، قال: كانت يدي في يد جبرئيل آخذ حيث يأخذ، قالوا: أمرت بغسله وصليت على جنازته ولحدّته في قبره ثمّ قلت: إنّ سعداً قد أصابته ضمّة؛ قال: فقال ﷺ: نعم إنّه كان في خلقه مع أهله سوء.



ونقله عنهما في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٠.

ورواه في «أمالى الصدوق» ص ٣٨٤ وفي «أمالى الطوسي» ص ٤٢٧.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٦

عدّة من أصحابنا، عن «البرقي»، عن عثمان بن عيسى، عن علي بن ابي حمزة - احمد بن محمد بن خالد البطائي عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله: أيّفلت من ضغطة القبر أحد؟ قال: فقال: نعوذ بالله منها، ما أقلّ من يفلت من ضغطة القبر؛ إنّ رقيّة لما قتلها عثمان وقف رسول الله ﷺ على قبرها فرفع رأسه إلى السماء فدمعت عيناه وقال للناس: إني ذكرت هذه وما لقيت، فرققت لها واستوهبتها من ضغطة القبر، قال: فقال: اللهمّ هب لي رقيّة من ضغطة القبر فوهبها الله له. قال: وإنّ رسول الله ﷺ خرج في جنازة سعد وقد شيّعه سبعون ألف ملك فرفع رسول الله ﷺ رأسه إلى السماء ثمّ قال: مثل سعد يضمّ؟ قال: قلت: جعلت

فذاك إنّا نحدّث أنّه كان يستخفّ بالبول، فقال: معاذ الله إنّما كان من زعارة في خلقه على أهله، قال: فقالت أمّ سعد: هنيئاً لك يا سعد، قال: فقال لها رسول الله ﷺ: يا أمّ سعد لا تحتمي على الله.

٣- كتاب الزهد ص ٨٧

القاسم وعثمان بن عيسى عن علي عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ان سعداً لما مات شيّعه سبعون ألف ملك فقام رسول الله ﷺ على قبره فقال ومثل سعد يضم؟ فقالت امه: هنيئاً لك يا سعد وكرامة فقال لها رسول الله: يا ام سعد لا تحتمي على الله فقالت يا رسول الله قد سمعناك وما تقول في سعد فقال: ان سعداً كان في لسانه غلظ على أهله.



مما ورد أنّه يستلزم عذاب القبر ردّ حاجة المؤمن وهو يقدر على قضائها
الاختصاص ص ٢٥٠

عن علي بن جعفر عن اخيه موسى بن جعفر عليه السلام قال سمعته يقول: من أتاه اخوه المؤمن في حاجة فأنما هي رحمة من الله تبارك وتعالى ساقها اليه فان قبل ذلك فقد وصله بولايتنا وهو موصول بولاية الله تبارك وتعالى وإن ردّه عن حاجته وهو يقدر على قضائها سلّط الله تبارك وتعالى عليه شجاعاً من نار ينهشه في قبره الى يوم القيامة مغفوراً له أو معذباً فان عذّره الطالب كان اسوء حالاً.

في أنّ من نجا من القبر فما بعده أيسر منه

دعوانت الراوندي ص ٢٥٩ ح ٧٣٧

وقال زوروا موتاكم وسلّموا عليهم فانّ لكم فيهم عبرة، ثمّ قال: القبر اول

منزل من منازل الآخرة فان نجا منه فما بعده ايسر منه وان لم ينج منه فما بعده شر منه.

روى ذيله في «جامع الاخبار» كما في البحار ج ٦ ص ٢٤٢.

فى أنّه ما من قبرٍ إلّا وينادى كلّ يوم أنا بيت الدود الخ

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٢

عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن الحسن بن عليّ، عن غالب بن عثمان، عن بشير الدهان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ للقبر كلاماً في كلّ يوم، يقول: أنا بيت الغربة، أنا بيت الوحشة، أنا بيت الدود، أنا القبر، أنا روضة من رياض الجنّة أو حفرة من حفر النار.



ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٧.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٤١

محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن عبد الرحمن بن أبي هاشم، عن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما من قبرٍ إلّا وهو ينطق كلّ يوم ثلاث مرّات: أنا بيت التراب، أنا بيت البلى، أنا بيت الدود؛ قال: فإذا دخله عبد مؤمن قال: مرحباً وأهلاً، أما والله لقد كنت أحبّك وأنت تمشي على ظهري فكيف إذا دخلت بطني؟! فسترى ذلك قال: فيفسح له مدّ البصر ويفتح له باب يرى مقعده من الجنّة، قال: ويخرج من ذلك رجل لم تر عيناه شيئاً أحسن منه فيقول: يا عبد الله ما رأيت شيئاً قطّ أحسن منك، فيقول: أنا رأيك الحسن الذي كنت عليه وعملك الصالح الذي كنت تعمله؛ قال: ثمّ تؤخذ روحه فتوضع في الجنّة حيث رأى منزله، ثمّ يقال له: نم قرير العين، فلا تزال نفحة من الجنّة تصيب جسده، يجد لذّتها وطيبها حتّى يبعث؛

قال: وإذا دخل الكافر قالت: لا مرحباً بك ولا أهلاً، أما والله لقد كنت أبغضك وأنت تمشي على ظهري، فكيف إذا دخلت بطني؟ سترى ذلك؛ فتضمّ عليه فتجعله رميماً ويعاد كما كان، ويفتح له باب إلى النار فيرى مقعده من النار؛ ثم قال: ثم إنه يخرج منه رجل أقبح من رأى قطّ قال: فيقول: يا عبدالله من أنت؟ ما رأيت شيئاً أقبح منك! قال: فيقول: أنا عمك السيّء الذي كنت تعمله، ورأيت الخبيث، قال: ثم تؤخذ روحه فتوضع حيث رأى مقعده من النار، ثم لم تزل نفحة من النار تصيب جسده فيجد ألمها وحرّها يوم البعث، ويسلّط على روحه تسعة وتسعون تيّناً تنهشه ليس فيها تين تنفخ على ظهر الأرض فتنبت شيئاً. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٦.

في أن ضغطة القبر للمؤمن كفارة لذنوبه
أمالى الصدوق ص ٥٤٠

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار قال حدثنا ابراهيم بن هاشم عن الحسين بن يزيد النوفلي عن إسماعيل بن مسلم السكوني عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن علي بن أبي طالب قال قال رسول الله ﷺ ضغطة القبر للمؤمن كفارة لما كان منه من تضييع النعم. ورواه في «ثواب الأعمال» ص ٢٤٣ عينه سنداً ومتمناً. ورواه في «علل الشرائع» ص ٣٠٩ عن علي بن ابراهيم عن أبيه عن النوفلي مثله.

جملة ممّا ورد أنّه يجبر من عذاب القبر

١ - دعوات الراوندي ص ٢٨٠

وعن ثوبان قال: كنا مع النبي ﷺ في مقبرة فوقف، ثم مر، ثم وقف ثم مر،

فقلت: وما وقوفك؟ فبكى، ثم قال: هؤلاء يعذبون في قبورهم فدعوت الله أن يخفف عنهم ففعل، فلو صاموا من رجب وقاموا ليله ما عذبوا في قبورهم.

٢ - ثواب الأعمال ص ٧٨ و ٧٩

حدثنا محمد بن اسحاق قال حدثنا محمد بن الحسن الرازي قال حدثنا أبو الحسن علي بن محمد بن علي المفتي قال حدثنا الحسن بن محمد المروزي عن ابيه عن يحيى بن عيَّاش قال: حدثنا علي بن عاصم قال حدثنا ابو هارون العبدى عن ابي سعيد الخدري قال قال رسول الله ﷺ: ألا إن رجباً شهر الله الاصم - الى ان قال - ومن صام من رجب اربعة ايام عوفي من البلايا كلها من الجنون والجذام والبرص وفتنة الدجال واجير من عذاب القبر، الحديث.

ورواه في «فضائل الاشهر الثلاثة» ص ٢٤.

ورواه في «الاقبال» ص ١٥٠ نقلاً عن ثواب الاعمال وامالي الصدوق.

٣ - فضائل الأشهر الثلاثة ص ٢٤ - ٢٩

روى بسنده عن ابي سعيد الخدري قال قال رسول الله ﷺ: ألا إن رجب شهر الله الاصم وهو شهر عظيم - الى أن قال - ومن صام من رجب أربعة وعشرين يوماً إذا نزل به ملك الموت يرى له في صورته شاب عليه حلة من ديباج أخضر على فرس من أفراس الجنان وبيده حرير أخضر ممسك بالمسك الاذفر وبيده قدح من ذهب مملوء من شراب الجنان فسقاه إياه عند خروج نفسه فهون عليه سكرات الموت ثم يأخذ روحه في تلك الحرية فيفوح منها رائحة يستنشقها أهل سبع .

سماوات فيظل في قبره ريان ويبعث من قبره ريان حتى يرد حوض النبي ﷺ - الى ان قال - ومن صام من رجب سبعة وعشرين يوماً وسَّع الله عليه القبر مسيرة اربعمئة الف عام وملاء جميع ذلك مسكاً وعنبراً، الحديث.

ورواه في «ثواب الاعمال» ص ٧٨ وبعد.

٤ - إقبال الأعمال ص ١٢٠

عن النبي ﷺ من صَلَّى المغرب في اول ليلة من رجب ثمَّ يصلي بعدها عشرين ركعة يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وقل هو الله أحد مرّة ويسلم بين كل ركعتين قال رسول الله ﷺ: أتدرون ما ثوابه؟ قالوا: الله ورسوله أعلم، قال: فإنَّ الروح الامين علّمني ذلك وحسر رسول الله عن ذراعيه وقال: حفظ والله في نفسه وأهله وماله وولده واجير من عذاب القبر وجاز على الصراط كالبرق الخاطف من غير حساب.



٥ - إقبال الأعمال ص ١٣٤

روى سلمان الفارسي رضوان الله عليه قال قال رسول الله ﷺ: يا سلمان ألا اعلمك شيئاً من غرائب الكنز، قلت بلى يا رسول الله، قال: اذا كان اول يوم من رجب تصلي عشر ركعات تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرّة وقل هو الله احد ثلاث مرّات غفر الله لك ذنوبك كلّها من اليوم الذي جرى عليك القلم الى هذه الليلة ووقاك الله فتنة القبر وعذاب يوم القيامة وصرف عنك الجذام والبرص وذات الجنب.

٦ - إقبال الأعمال ص ١٥١

عن النبي ﷺ قال: من صَلَّى في الليلة السابعة من رجب أربع ركعات بالحمد مرة وقل هو الله احد ثلاث مرّات، وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس ويصلي على النبي ﷺ عند الفراغ عشر مرّات ويقول: الباقيات الصالحات

سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر عشر مرّات اظلّه الله في ظلّ عرشه ويعطيه ثواب من صام شهر رمضان واستغفرت له الملائكة حتى يفرغ من هذه الصلاة، ويسهّل عليه النزع وضغطه القبر ولا يخرج من الدنيا حتّى يرى مكانه من الجنة وآمنه الله من الفزع الأكبر.

٧- إقبال الأعمال ص ١٥٧

في صلاة النّصف من رجب رأينا من حديث النبي ﷺ بما معناه أنّ من صلّى ثلاثين ركعة بالحمد وقل هو الله أحد، عشر مرّات لم يخرج من صلاته حتّى يعطى ثواب سبعين شهيداً ويجيئ يوم القيامة ونوره يضيئ لاهل الجمع كما بين مكة والمدينة واعطاه الله براءة من النار وبرائة من النفاق ويرفع عنه عذاب القبر.

قال: ووجدت في رواية باسناد متّصل عن النبي ﷺ: من صلّى ليلة خمس عشر من رجب ثلاثين ركعة يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرّة وقل هو الله أحد عشر مرات اعتقد الله من النار وكتب له بكلّ ركعة عبادة اربعين شهيداً واعطاء الله بكلّ آية اثني عشر نوراً وبني له بكلّ مرّة يقرأ قل هو الله أحد اثني عشر مدينة من مسك وعنبر وكتب الله له ثواب من صام وصلّى في ذلك الشهر من ذكر وانثى فان مات ما بينه وبين السنّة القابلة مات شهيداً ووقي فتنة القبر.

٨- إقبال الأعمال ص ١٦٠

باسناد متّصل الى النبي ﷺ أنّ من صلّى في النصف من رجب يوم خمسة عشر عند ارتفاع النهار خمسين ركعة يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرّة وقل هو الله أحد مرّة وقل أعوذ برّب الفلق مرّة وقل أعوذ برّب الناس مرّة خرج من ذنوبه كيوم ولدته أمّه وحشر من قبره مع الشهداء ويدخل الجنة مع النبيّين ولا يعذب في القبر ويرفع عنه ضيق القبر وظلمته وقام من قبره ووجهه يتلألأ.

٩ - إقبال الأعمال ص ١٧٠

وجدناه مروياً عن النبي ﷺ قال: ومن صَلَّى في الليلة السادسة عشر من شهر رجب ثلاثين ركعة بالحمد وقل هو الله أحد عشر مرات لم يخرج من صلاته حتّى يعطى ثواب سبعين شهيداً ويجيئ يوم ونوره يضيئ لأهل الجمع كما بين مكة والمدينة وأعطاه الله براءة من النار وبراءة عن النفاق ويرفع عنه عذاب القبر.

١٠ - إقبال الأعمال ص ١٧١

وجدنا في طرق المراحم وموافق المكارم مروياً عن النبي ﷺ قال: ومن صَلَّى في الليلة السابعة عشر من رجب ثلاثين ركعة بالحمد مرّة قل هو الله أحد عشر مرّات لم يخرج من صلاته حتّى يعطى ثواب سبعين شهيداً ويجيئ يوم القيامة ونوره يضيئ لأهل الجمع كما بين مكة والمدينة وأعطاه الله براءة من النار وبراءة عن النفاق ويرفع عنه عذاب القبر.

١١ - إقبال الأعمال ص ٢٠٤

وجدنا مروياً عن النبي ﷺ قال: من صَلَّى في الليلة السادسة من شعبان أربع ركعات يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرّة وخمسين مرّة قل هو الله أحد قبض الله روحه على السعادة ووسّع عليه في قبره ويخرج من قبره ووجهه كالقمر وهو يقول: أشهد أن لا إله إلا الله وأنّ محمّداً عبده ورسوله.

١٢ - إقبال الأعمال ص ٢٣٩

وجدنا مروياً عن النبي ﷺ قال: ومن صَلَّى في الليلة الرابعة والعشرين من شعبان ركعتين يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وإذا جاء نصر الله والفتح عشر

مرّات اكرمه الله تعالى بالعتق من النار والنجاة من العذاب وعذاب القبر والحساب
اليسير وزيارة آدم ونوح والنبیین والشفاعة.

١٣ - فضائل الأشهر الثلاثة ص ٤٦ و ٤٧ حديث ٢٤

روى بسنده عن ابن عباس قال رسول الله ﷺ وقد تذاكروا عنده فضائل
شعبان فقال شهر شريف وهو شهري - الى ان قال:
ومن صام تسعة أيام من شعبان عطف عليه منكر ونكير عند ما يسألانه.
ومن صام عشرة أيام من شعبان وسع الله عليه قبره سبعين ذراعاً.
ومن صام أحد عشر يوماً من شعبان ضرب على قبره إحدى عشرة منارة من
نور ومن صام اثني عشر يوماً من شعبان زاره في قبره كل يوم سبعون ألف ملك
إلى النفخ في الصور.



فضائل الأشهر الثلاثة ص ٦٣ و ٦٤

روى بسنده عن امير المؤمنين علي بن أبي طالب رضي الله عنه قال قال رسول
الله ﷺ شعبان شهري ورمضان شهر الله عز وجل فمن صام شهري كنت له شافعاً
يوم القيامة، ومن صام شهر الله عز وجل أنس الله وحشته في قبره ووصل وحدته.

١٤ - مصباح الكعفي ص ٤٤٣

سورة الاحزاب، عنه ﷺ: من قرئها وعلمها أهله وما ملكت يمينه اعطى
الأمان من عذاب القبر.

١٥ - ثواب الأعمال ص ١٥٣

أبي حمزة قال: حدثني محمد بن يحيى العطار قال حدثني محمد بن احمد عن

سهل بن زياد عن جعفر بن محمد بن يسار عن عبد الله الدهقان عن درست عن
ابي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من قرء الهيكم التكاثر، عند النوم وقي
من فتنة القبر.

١٦ - ثواب الأعمال ص ١٣١

حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل قال حدثنا محمد بن يحيى عن محمد بن
احمد عن محمد بن حسان عن اسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي عن علي
بن عابس عن ابي مريم عن المنهال عن عمرو بن زر بن حبيش عن أمير
المؤمنين عليه السلام قال: من قرء سورة النساء في كل جمعة او من من ضغطة القبر.



١٧ - ثواب الاعمال ص ٤٧

وبهذا الاسناد عن الحسن، عن علي بن ميمون الصائغ قال: قال أبو عبد
الله عليه السلام من قرء سورة ن والقلم في فريضة أو نافلة آمنه الله عز وجل من أن يصيبه
فقر وأعاده الله اذ مات من ضمة القبر.

ورواه في «دعوات الراوندي» ص ٢٤٣.

ورواه في «مصباح الكفعمي» ص ٤٤٨.

١٨ - دعوات الراوندي ص ٢٧٩ ح ٨١١

وقال ابن عباس رضي الله عنهما : إن رجلاً ضرب خبائة على قبر ولم يعلم أنه قبر فقراء
«تبارك الذي بيده الملك» فسمع صائحاً يقول : هي المنجية، فذكر ذلك لرسول
الله صلى الله عليه وآله فقال : هي المنجية من عذاب القبر.

١٩ - ثواب الأعمال ص ١٤١

بهذا الاسناد عن الحسن عن ابي المغرا عن ابي بصير قال قال ابو جعفر عليه السلام:
من اوّمن قراءة حم الزخرف آمنه الله في قبره من هوام الارض وضغطة القبر حتى
يقف بين يدي الله عزّ وجلّ ثمّ جاءت حتّى تدخله الجنّة بامر الله تبارك وتعالى.
ورواه في «دعوات الراوندي» ص ٢٤٣.

٢٠ - دعوات الراوندي ص ٢٤٣

وقال عليه السلام: من قرأ سورة الذاريات نور له في قبره بسراج يزهر الى يوم
القيامة.



٢١ - دعوات الراوندي ص ٢٤٣

وقال عليه السلام: من قرأ سورة الحديد والمجادلة في صلاة فريضة أدامنها لم يعذبه
الله حين يموت.

٢٢ - الاصول الستة عشر ص ٩٣ اصل الحضرمي

عبدالله بن جبلة عن عمرو بن أبي المقدام عن محمد بن مروان عن أبي
عبدالله عليه السلام قال: من قرأ آية الكرسي رفع الله عنه ألف مكروه من مكاره الدنيا
أيسره الفقر وألف مكروه من مكاره الآخرة أيسره عذاب القبر.

٢٣ - دعوات الراوندي ص ٢٧٢ ح ٧٧٨

وعن الرضا عليه السلام قال عليكم بصلاة الليل فما من عبد يقوم آخر الليل فيصلّي

ثمانى ركعات وركعتين للشفع وركعة للوتر ثمّ قنت واستغفر الله في قنوته سبعين مرّة إلاّ أجبر من عذاب النار ومدّ له في عمره ووسّع عليه في معيشته.

٢٤ - دعوات الراوندى ص ٢٤٤

وأوحى الله الى موسى عليه السلام: قم في ظلمة الليل (بين يدي) أجعل قبرك روضة من رياض الجنة.

٢٥ - منازل الآخرة ص ٣١

قال ما ترجمته: روى أنّ الصادق عليه السلام كان في آخر الليل لما قام كان يرفع صوته بما يسمته أهل بيته ويقول: اللهم اعنّي على هول المطلع ووسّع عليّ ضيق المضجع وارزقني خير ما قبل الموت وارزقني خير ما بعد الموت.

٢٦ - ثواب الأعمال ص ٢٢

أبي قال حدثني سعد بن عبد الله عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبي يوسف عن محمد بن أبي عميرة عن مالك بن أعين عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من قال في كل يوم مائة مرة لا اله إلاّ الله الملك الحقّ المبين أعاده الله من الفقر وأنس وحشته من الفقر وأنس وحشته في القبر واستجلب الغنى واستقرع باب الجنة. ورواه في «دعوات الراوندى» ص ١١٧.

٢٧ - مصباح الكفعمي ص ٤٠٧

عنه عليه السلام: من صلّى ليلة الجمعة ركعتين بالحمد والزلزلة خمس عشر مرّة آمنه الله من عذاب القبر ومن أهوال يوم القيامة.

٢٨ - ثواب الاعمال ص ٥٥

حدثني محمد بن موسى بن المتوكل رحمته الله عن محمد بن يحيى العطار عن محمد بن أحمد عن السندي بن الربيع عن سعيد بن جناح قال كنت عند أبي جعفر عليه السلام في منزله بالمدينة فقال مبتدئاً: من أتم ركوعه لم تدخله وحشة في قبره.

ورواه في «دعوات الراوندي» ص ٢٧٦.

٢٩ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٨ باب مس الميت ح ٣

ومرّ رسول الله صلى الله عليه وآله على قبر يعذب صاحبه فدعا بجريدة فشققها نصفين فجعل واحدة عند رأسه والاخرى عند رجله وروي أن صاحب القبر كان قيس بن فهد الانصاري، وروي قيس بن قمير،  وانه قيل له لم وضعتهما فقال: انه يخفف من عذاب القبر ما كانتا خضراوين مركز تحقيق كافي نور علم روي

وروى في الاصول الستة عشر ص ٨٧- اصل مثني الحضرمي.

٣٠ - الكافي ج ٣ ص ١٥٣

عليّ، عن أبيه، عن عبد الله بن المغيرة، عن حريز، وفضيل وعبد الرحمن قالوا: قيل لأبي عبد الله عليه السلام: لأي شيء يوضع مع الميت الجريدة؟ قال: إنه يتجافى عنه ما دامت رطبة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢١٥.

ورواه في من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٨ باب مس الميت ح ٤.

٣١ - الكافي ج ٣ ص ١٥٣

عليّ، عن أبيه، عن حمّاد، عن حريز، عن زرارة قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام:

أرأيت الميّت إذا مات لم تجعل معه الجريدة؟ قال: يتجافى عنه العذاب والحساب ما دام العود رطباً، قال: والعذاب كلّهُ في يوم واحد، في ساعة واحدة، قدر ما يدخل القبر ويرجع القوم، وإنّما جعلت السعفتان لذلك فلا يصيبه عذاب ولا حساب بعد جفوفهما إن شاء الله.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢١٥.

ورواه في من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٩ باب غسل الميت ح ٨.

٣٢ - الكافي ج ٣ ص ١٥١

أبو عليّ الأشعريّ، عن محمّد بن عبد الجبّار، ومحمّد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان جميعاً، عن صفوان، عن ابن مسكان، عن الحسن بن زياد الصيقل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الجريدة تنفع المؤمن والكافر. «ف ج ١ ص ٤٢»
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢١٦.

٣٣ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٨ باب مسّ الميّت ح ٥

وكتب علي بن بلال الى ابي الحسن الثالث عليه السلام: الرجل يموت في بلاد ليس فيها نخل فهل يجوز مكان الجريدة شيء من الشجر غير النخل فانه قد جاء عن آبائكم عليهم السلام أنّه يتجافى عنه العذاب ما دامت الجريدتان رطبتين وأنها تنفع المومن والكافر، فاجاب عليه السلام: يجوز من شجر آخر رطب.

٣٤ - الكافي ج ٣ ص ٢٠٠

علي عن ابيه عن ابن ابي عمير عن بعض اصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام في رشّ الماء على القبر قال يتجافى عنه العذاب ما دام الندى في التراب.

ورواه الصدوق في «العلل» عن محمد بن موسى بن المتوكل عن السعد آبادي عن احمد بن أبي عبدالله البرقي عن محمد بن أبي عمير مثله.
ونقله عنه في «الوسائل» ج ٢ ص ٨٥٩.

٣٥ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٣ باب غسل الميت ح ٢٩
وقال رسول الله ﷺ: من مات يوم الجمعة أو ليلة الجمعة رفع الله عنه عذاب القبر.

٣٦ - المحاسن للبرقي ص ٦٠ ح ١٠٠
عنه عن ابن فضال عن المفضل بن صالح عن سعد بن طريف عن ابي جعفر عليه السلام قال: من مات ليلة الجمعة كتب له براءة من عذاب النار، ومن مات يوم الجمعة اعتق من النار، وقال أبو جعفر عليه السلام: بلغني أن النبي ﷺ قال: من مات يوم الجمعة أو ليلة الجمعة رفع عنه عذاب القبر.

٣٧ - المحاسن للبرقي ص ٥٨ ح ٩٤
عنه عن ابن محبوب رفعه قال قال ابو عبدالله عليه السلام: إن المؤمن ليدعو فيؤخر الله حاجته التي سأل إلى يوم الجمعة ليخصه بفضل يوم الجمعة، وقال: من مات يوم الجمعة كتب الله براءة من ضغطة القبر.

٣٨ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٣ باب غسل الميت ح ٣١
وقال أبو جعفر عليه السلام: ليلة الجمعة ليلة غراء ويومها يوم أزهى وليس على وجه الارض يوم تغرب فيه الشمس فيه اكثر معتقاً من النار من يوم الجمعة.

ومن مات يوم الجمعة كتب الله له براءة من عذاب القبر، ومن مات يوم الجمعة اعتق من النار.

٣٩ - فضائل الا شهر الثلاثة ص ١١٢

روى حديثاً مسنداً عن رسول الله ﷺ قال: رأيت البارحة عجائب - الى أن قال - ورأيت رجلاً من امتي عليه عذاب القبر فجاءه وضوءه فمنعه منه.

٤٠ - دعوات الراوندي ص ١٤١

وقال عليه السلام من أطعم أخاه حلاوة أذهب الله عنه مرارة الموقف.



في أن من مات بين زوال الشمس من زوم الخميس إلى زوال الشمس من يوم الجمعة اعيد من ضغطة القبر

١ - من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٢٩٤ باب نوادر آخر الكتاب ح ٧٢ بسنده عن امير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: من مات يوم الخميس بعد زوال الشمس الى يوم الجمعة وقت الزوال وكان مؤمناً أعاده الله من ضغطة القبر وقبل شفاعته في مثل ربيعة ومضر، ومن مات يوم السبت الى آخر الحديث المشتمل على فضل الموت وسائر ايام الاسبوع. وذكر في فضائل للشيعة.

٢ - أمالي الصدوق ص ٢٨١

حدثنا محمد بن الحسن قال حدثني سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن خالد عن عبد الرحمان بن ابي نجران والحسين بن سعيد عن حماد بن عيسى عن حريز بن عبد الله السجستاني عن أبان بن تغلب عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام

انه قال: من مات ما بين زوال الشمس يوم الخميس الى زوال الشمس من يوم الجمعة من المؤمنين اعاده الله من ضغطة القبر .
ورواه في «دعوات الراوندي» ص ٢٤٣.

٣- روى في من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٨٣ باب غسل الميت ح ٣٠
قال وقال الصادق عليه السلام: من مات ما بين زوال الشمس الخ.

العقبة الرابعة

سؤال القبر

في أن السؤال في القبر من الميت عن رسول الله صلى الله عليه وآله
الحديث الاول

مركز تحقيقات كميتر علوم حسيني

١- كتاب الزهد ص ٨٨

علي بن النعمان عن ابن مسكان عن سليمان بن خالد قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عما يلقي صاحب القبر فقال: ان ملكين يقال لهما: منكر ونكير يأتیان صاحب القبر فيسألانه عن رسول الله صلى الله عليه وآله فيقولان: ما تقول في هذا الرجل الذي خرج فيكم؟ فيقول: من هو فيقولان: الذي كان يقول: انه رسول الله، أحق ذلك؟ قال: فاذا كان من اهل الشك قال: ما ادري قد سمعت الناس يقولون فلست أدري أحق ذلك أم كذب فيضربانه ضربة يسمعها أهل السماوات وأهل الأرض الا المشركين واذا كان متيقناً فانه لا يفزع فيقول: أعن رسول الله تسألاني؟ فيقولان ا تعلم انه رسول الله؟ فيقول: اشهد انه رسول الله حقاً جاء بالهدى ودين الحق قال فيرى مقعده من الجنة ويفسح له عن قبره ثم يقولان له: نم نومة ليس فيها حلم في أطيب ما يكون النائم.

٢ - أمالي الشيخ صدوق ص ٢٩٠

اخبرني علي بن حاتم القزويني قال حدثني علي بن الحسين النحوي قال حدثني احمد بن أبي عبد الله البرقي عن ابيه محمد بن خالد عن ابي ايوب سليمان بن مقبل المديني عن موسى بن جعفر، عن أبيه عليه السلام قال: إذا مات المؤمن شيعة سبعون ألف ملك إلى قبره، فإذا أدخل قبره أتاه منكر ونكير فيقعدانه ويقولان له: من ربك؟ وما دينك؟ ومن نبيك؟ فيقول: ربّي الله، ومحمد نبيي، والإسلام ديني، فيفسحان له في قبره مدّ بصره، ويأتياه بالطعام من الجنة، ويدخلان عليه الروح والريحان، وذلك قوله عز وجل: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ يَغْنِي فِي قَبْرِهِ» (وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ) يعني في الآخرة، ثم قال عليه السلام: إذا مات الكافر شيعة سبعون ألفاً من الزبانية إلى قبره، وإنه ليناشد حامله بصوت يسمعه كل شيء إلا الثقلان ويقول: لو أن لي كرة فأكون من المؤمنين، ويقول: ارجعون لعلّي أعمل صالحاً فيما تركت، فتجيبه الزبانية: كلاً إنها كلمة أنت قائلها، ويناديهم ملك: لو ردّ لعاد لما نهى عنه، فإذا أدخل قبره وفارقه الناس أتاه منكر ونكير في أهول صورة فيقيمانه ثم يقولان له: من ربك؟ وما دينك؟ ومن نبيك؟ فيتلجلج لسانه ولا يقدر على الجواب، فيضربانه ضربة من عذاب الله يذعر لها كل شيء، ثم يقولان له: من ربك؟ وما دينك؟ ومن نبيك؟ فيقول: لا أدري فيقولان له: لا دريت ولا هديت ولا أفلحت؛ ثم يفتحان له باباً إلى النار وينزلان إليه الحميم من جهنم، وذلك قول الله عز وجل: «وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزِّلٌ مِنْ حَمِيمٍ» يعني في القبر «وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ» يعني في الآخرة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٢.

٣ - تفسير القمّي على ما في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٤

أبي، عن النضر، عن يحيى الحلبي، عن عبد الحميد الطائي، عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ العبد إذا أدخل قبره أتاه منكر ففرع منه يسأل عن النبي صلى الله عليه وآله فيقول له: ما تقول في هذا الرجل الذي كان بين أظهركم؟ فإن كان مؤمناً قال: أشهد أنه رسول الله جاء بالحق، فيقال له: ارقد رقدة لا حلم فيها، ويتنحى عنه الشيطان، ويفسح له في قبره سبعة أذرع، ويرى مكانه من الجنة؛ قال: وإذا كان كافراً قال: ما أدري، فيضرب ضربة يسمعها كل من خلق الله إلا الإنسان ويسلّط عليه الشيطان، وله عينان من نحاس أو نار كالبرق الخاطف فيقول له: أنا أخوك، ويسلّط عليه الحيّات والعقارب، ويظلم عليه قبره، ثمّ يضغطه ضغطةً يختلف أضلاعه عليه، ثمّ قال بأصابعه فشرحها.



٤ - تفسير العياشي ج ١ ص ٧١

عن زيد الشحام قال: سئل أبو عبد الله عليه السلام عن عذاب القبر، قال: إنَّ أبا جعفر عليه السلام حدّثنا أنَّ رجلاً أتى سلمان الفارسي فقال: حدّثني؛ فسكت عنه، ثمّ عاد فسكت، فأدبر الرجل وهو يقول ويتلو هذه الآية: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ» فقال له: أقبل، إنّا لو وجدنا أميناً لحدّثناه، ولكن أعدّ لمنكر ونكير إذا أتياك في القبر فسألاك عن رسول الله صلى الله عليه وآله، فإن شككت أو التويت ضرباك على رأسك بمطرقة معهما تصير منه رماداً، قال: فقلت: ثمّ مه؟ قال: تعود، ثمّ تعذب، قلت: وما منكر ونكير؟ قال: هما قعيدا القبر، قلت: أملك أن يعذبان الناس في قبورهم؟ فقال: نعم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٥.

مما ورد في كيفية سؤال منكر ونكير من الكافر

الإختصاص ص ٣٥٩ و ٣٦٠

سعيد بن جناح قال حدثني عوف بن عبدالله الأزدي عن جابر بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر عليه السلام - في حديث في موت الكافر - ثم ينزل عليه منكر ونكير وهما ملكان أسودان أزرقان يبحثان القبر يأتيا بهما ويطئان في شعورهما حدقتاهما مثل قدر النحاس وكلامهما مثل الرعد القاصف وابصارهما مثل البرق الأعمع فينتهران به فيتقلص نفسه حتى يبلغ حنجرته فيقولان له: من ربك وما دينك؟ ومن نبيك ومن إمامك؟ فيقول: لا أدري، فيقولان شاك في الدنيا وشاك اليوم لا دريت ولا هديت، قال: فيضربانه ضربة فلا يبقى في المشرق ولا في المغرب شيء إلا سمع صيحته يلوذ الخيطان بالطين وينفر الوحش في الخياس ولكن لا تعلمون، ثم يسأله عليه عليه السلام حيتين سودا وتين زرقاوتين تعذبانه بالنهار خمس ساعات وبالليل ست ساعات لأنه كان يستخفي من الناس ولا يستخفي من الله فبعداً لقوم لا يؤمنون، قال: ثم يسأله الله عليه ملكين اصميين معهما مطرقتان من حديد من نار يضربانه فلا يخطئانه ويصيح ولا يسمعانه الى يوم القيامة، الحديث بطوله.

في أن السؤال في الصبر من الميت عن ربه ودينه ونبيه وإمامه

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٨

محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن إبراهيم بن أبي البلاد عن بعض أصحابه عن أبي الحسن موسى عليه السلام قال: يقال للمؤمن في قبره: من ربك؟ قال: فيقول: الله، فيقال له ما دينك؟ فيقول: الاسلام، فيقال له: من نبيك؟ فيقول: محمد، فيقال: من إمامك؟ فيقول: فلان فيقال كيف علمت بذلك؟ فيقول:

امر هدايني الله له وثبتني عليه، فيقال له نم نومة لا حلم فيها نومة العروس، ثم يفتح له باب إلى الجنة فيدخل عليه من روحها وريحانها فيقول يا رب عجل قيام الساعة لعلني ارجع الى اهلي ومالي، ويقال للكافر من ربك؟ فيقول: الله، فيقال: من نبيك فيقال: ما دينك؟ فيقول: الإسلام: فيقال من أين علمت ذلك؟ فيقول: سمعت الناس يقولون فقلته فيضربانه بمرزبة لو اجتمع عليها الثقلان الإنس والجن لم يطيقوها، قال: فيذوب كما يذوب الرصاص ثم يعيدان فيه الروح فيوضع قلبه بين لوحين من نار، فيقول: يا رب آخر قيام الساعة.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٩

محمد بن يحيى عن احمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن القاسم بن محمد عن علي بن ابي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن المومن اذا اخرج من بيته شيعة الملائكة الى قبره يزدحمون عليه حتى اذا انتهى به الى قبره قالت له الارض مرحباً بك واهلاً، اما والله لقد كنت احب أن يمشي عليّ مثلك لترين ما اصنع بك، فيوسع له مدبصره ويدخل عليه في قبره ملكا القبر وهما قعيدا القبر منكر ونكير فيلقيان فيه الروح الى حقويه فيقعدانه ويسألانه فيقولان: من ربك، فيقول: الله، فيقولان ما دينك، فيقول: الاسلام فيقولان: ومن نبيك؟ فيقول محمد ﷺ فيقولان ومن امامك؟ فيقول فلان، قال: فينادي مناد من السماء صدق عبيد أفرشوا له في قبره من الجنة وافتحوا له في قبره باباً إلى الجنة وألبسوه من ثياب الجنة حتى يأتينا وما عندنا خير له ثم يقال له نم نومة عروس، نم نومة لا حلم فيها، قال وان كافراً خرجت الملائكة تشيعة الى قبره يلعنونه حتى اذا انتهى به الى قبره قالت له الأرض لا مرحباً بك ولا اهلاً، أما والله لقد كنت ابغض أن يمشي عليّ مثلك، لا جرم لترين ما اصنع بك اليوم فتضيق عليه حتى

تلتقي جوانحه، قال: ثم يدخل عليه ملكا القبر وهما قعيدا القبر منكر ونكير. قال ابو بصير جعلت فداك يدخلان على المؤمن والكافر في صورة واحدة؟ فقال لا، قال فيقعدانه ويلقيان فيه الروح الى حقويه فيقولان له من ربك؟ فيتلجلج ويقول قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لا دريت، ويقولان له ما دينك؟ فيتلجلج، فيقولان له لا دريت، ويقولان له: من نبيك؟ فيقول: قد سمعت الناس يقولون، فيقولان له: لا دريت. ويسأل عن امام زمانه، قال فينادي مناد من السماء: كذب عبيدي؟ أفرشوا له في قبره من النار وألبسوه من ثياب النار وافتحوا له باباً الى النار حتى يأتينا وما عندنا شر له فيضربانه بمرزبة ثلاث ضربات ليس منها ضربة إلا يتطاير قبره ناراً لو ضرب بتلك المرزبة جبال تهامة لكانت رميماً. وقال أبو عبد الله عليه السلام: ويسلّط الله عليه في قبره الحيات تنهشه نهشاً، والشيطان يغمّه غمّاً، قال: ويسمع عذابه من خلق الله إلا الجن والإنس، قال: وإنه ليسمع خفق نعالهم ونقض أيديهم، وهو قول الله عزّ وجلّ: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ».

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٣ - ٢٦٤. بعده عن «تفسير العياشي» مثله.

٣ - أمالي الشيخ الصدوق ص ٥٠٣ ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٣ أبي، عن الحميري، عن ابن عيسى، عن ابن محبوب، عن عبد الله بن غالب، عن أبيه، عن سعيد بن المسيّب قال: كان عليّ بن الحسين صلوات الله عليه يعظ الناس ويزهّدهم في الدنيا، ويرغبهم في أعمال الآخرة بهذا الكلام في كلّ جمعة في مسجد الرسول صلّى الله عليه وآله وحفظ عنه وكتب، كان يقول: أيّها الناس اتّقوا الله، واعلموا أنّكم إليه ترجعون، فتجد كلّ نفسٍ ما عملت في هذه الدنيا من خيرٍ

مُحْضَرًا وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَيَحْكُ ابْنُ آدَمَ الْغَافِلَ! وَلَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ! ابْنُ آدَمَ إِنَّ أَجَلَكَ أَسْرَعَ شَيْءٍ إِلَيْكَ، قَدْ أَقْبَلَ نَحْوَكَ حَثِيثًا يَطْلُبُكَ، وَيُوشِكُ أَنْ يَدْرِكَكَ، وَكَأَنَّ قَدْ أُوفِيَتْ أَجَلَكَ، وَقَبْضُ الْمَلِكِ رُوحَكَ، وَصَرْتُ إِلَى مَنْزِلٍ وَحِيدًا فَرَدًّا إِلَيْكَ فِيهِ رُوحَكَ، وَاقْتَحَمَ عَلَيْكَ فِيهِ مَلَكَاكَ: مَنْكَرٌ وَنَكِيرٌ لِمَسَاءِ لَتِكَ وَشَدِيدِ امْتِحَانِكَ، أَلَا وَإِنَّ أَوَّلَ مَا يَسْأَلُكَ عَنْ رَبِّكَ الَّذِي كُنْتَ تَعْبُدُهُ، وَعَنْ نَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلَ إِلَيْكَ، وَعَنْ دِينِكَ الَّذِي كُنْتَ تَدِينُ بِهِ، وَعَنْ كِتَابِكَ الَّذِي كُنْتَ تَتْلُوهُ، وَعَنْ إِمَامِكَ الَّذِي كُنْتَ تَتَوَلَّاهُ، ثُمَّ عَنْ عَمْرِكَ فِيمَا أَفْنَيْتَهُ؟ وَمَالِكَ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبْتَهُ وَفِيمَا أَتْلَفْتَهُ؟ فَخُذْ حَذْرَكَ وَانْظُرْ لِنَفْسِكَ، وَأَعِدَّ لِلْجَوَابِ قَبْلَ الْامْتِحَانِ وَالْمَسَاءِلَةِ وَالْإِخْتِبَارِ، فَإِنَّكَ تَكُ مُؤْمِنًا تَقِيًّا، عَارِفًا بِدِينِكَ، مُتَّبِعًا لِلصَّادِقِينَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ لِقَاكَ اللَّهُ حَجَّتَكَ، وَأَنْطِقْ لِسَانَكَ بِالصَّوَابِ فَأَحْسَنْتَ الْجَوَابَ، فَبَشَّرْتَ بِالْجَنَّةِ وَالرَّضْوَانِ مِنَ اللَّهِ، وَالْخَيْرَاتِ الْحَسَنَاتِ، وَاسْتَقْبَلْتِكَ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ وَالرِّيحَانِ، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ كَذَلِكَ تَلْجُلُجُ لِسَانَكَ، وَدَحَضْتَ حَجَّتَكَ، وَعَمِيتَ عَنِ الْجَوَابِ، وَبَشَّرْتَ بِالنَّارِ، وَاسْتَقْبَلْتِكَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ بِنَزْلِ مَنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةِ جَحِيمٍ.

٤ - البصائر ص ٤٩٨

الحسين بن محمد، عن المعلّي، عن أبي الفضل المديني، عن أبي مريم الأنصاري، عن منهال بن عمرو، عن زرّ بن حبیش قال: سمعت عليّاً عليه السلام يقول: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أُدْخِلَ حَفْرَتَهُ أَتَاهُ مَلَكَانِ اسْمُهُمَا: مَنْكَرٌ وَنَكِيرٌ، فَأَوَّلُ مَنْ يَسْأَلُكَ عَنْ رَبِّهِ، ثُمَّ عَنْ نَبِيِّهِ، ثُمَّ عَنْ وَلِيِّهِ، فَإِنْ أَجَابَ نَجَا، وَإِنْ عَجَزَ عَذِّبَاهُ؛ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا لِمَنْ عَرَفَ رَبَّهُ وَنَبِيَّهَ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلِيِّه؟ فَقَالَ: مَذْبُذِبٌ لَا إِلَى هُوَ لَا، وَلَا إِلَى هُوَ لَا، وَمَنْ يُضِلِّلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا، ذَلِكَ لَا سَبِيلَ لَهُ. وَقَدْ قِيلَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: مَنْ الْوَلِيُّ يَا نَبِيَّ

الله؟ قال: وليكم في هذا الزمان علي، ومن بعده وصيّه، ولكل زمان عالم يحتاج الله به لئلا يكون كما قال الضلال قبلهم حين فارقتهم أنبياءهم: «رَبَّنَا لَوْ لَأَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى» تمام ضلالتهم جهالتهم بالآيات وهم الأوصياء، فأجابهم الله: «قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى» وإنما كان تربصهم أن قالوا: نحن في سعة عن معرفة الأوصياء حتى نعرف إماماً، فغيرهم الله بذلك، والأوصياء هم أصحاب الصراط، وقوف عليه، لا يدخل الجنة إلا من عرفهم وعرفوه، ولا يدخل النار إلا من أنكرهم وأنكروه لأنهم عرفاء الله، عرفهم عليهم عند أخذ المواثيق عليهم، ووصفهم في كتابه فقال جلّ وعزّ: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ» هم الشهداء على أوليائهم، والنبىّ الشهيد عليهم، أخذ لهم مواثيق العباد بالطاعة، وأخذ النبىّ ﷺ عليهم المواثيق بالطاعة، فحرت نبوته عليهم، وذلك قول الله: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثاً».

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٣.

في أن السؤال في القبر من الميت عن ربّه ونبيّه وعن إمامة عليّ

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٩

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم ابن محمد، عن عليّ بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله ﷺ قال: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ شَيَّعَتْهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ يَزِدُّهُمْ عَلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَتْ لَهُ الْأَرْضُ: مَرْحَباً بِكَ وَأَهلاً أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَحَبَّ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلُكَ لَتَرِينَ مَا أَصْنَعُ بِكَ فَتَوْسَّعَ لَهُ مَدَّ بَصْرَهُ وَيدخل عليه في قبره ملكا

القبر وهما قعيدا القبر منكر ونكير فيلقيان فيه الرُّوح إلى حقويه فيقعدانه ويسأله فيقولان له: من ربك؟ فيقول: الله، فيقولان: ما دينك؟ فيقول: الإسلام، فيقولان: ومن نبيك؟ فيقول: محمد ﷺ، فيقولان: ومن إمامك؟ فيقول: فلان، قال: فينادي مناد من السماء: صدق عبي افرشوا له في قبره من الجنة وافتحوا له في قبره باباً إلى الجنة وألبسوه من ثياب الجنة حتى يأتينا وما عندنا خيرٌ له، ثمَّ يقال له: نم نومة عروس، نم نومة لا حلم فيها، قال: وإن كان كافراً خرجت الملائكة تشيِّعه إلى قبره تلعنونه حتى إذا انتهى به إلى قبره قالت له الأرض: لا مرحباً بك ولا أهلاً أما والله لقد كنت أبغض أن يمشي عليّ مثلك لا جرم لترينَّ ما أصنع بك اليوم فتضيق عليه حتى تلتقي جوانحه، قال: ثمَّ يدخل عليه ملكا القبر وهما قعيدا القبر منكر ونكير.

قال أبو بصير: جعلت فداك يدخلان على المؤمن والكافر في صورة واحدة؟ فقال: لا، قال: فيقعدانه ويلقيان فيه الرُّوح إلى حقويه فيقولان له: من ربك؟ فيتلجلج ويقول: قد سمعت الناس يقولون، فيقولان له: لا دريت ويقولان له: ما دينك؟ فيتلجلج، فيقولان له: لا دريت، ويقولان له: من نبيك؟ فيقول: قد سمعت الناس يقولون، فيقولان له: لا دريت ويسأل عن إمام زمانه، قال: فينادي مناد من السماء: كذب عبي افرشوا له في قبره من النار وألبسوه من ثياب النار وافتحوا له باباً إلى النار حتى يأتينا وما عندنا شرٌّ له، فيضربانه بمرزبة ثلاث ضربات ليس منها ضربة إلاَّ يتطاير قبره ناراً لو ضرب بتلك المرزبة جبال تهامة لكانت رميماً.

وقال أبو عبد الله عليه السلام: ويسلِّط الله عليه في قبره الحيَّات تنهشه نهشاً والشيطان يغمّه غمّاً، قال: ويسمع عذابه من خلق الله إلاَّ الجنَّ والإنس قال: وإنه ليسمع خفق نعالهم ونقض أيديهم وهو قول الله عزَّ وجلَّ «يثبَّت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدُّنيا وفي الآخرة ويضللَّ الله الظالمين ويفعل الله ما

يشاء».

وروى مثله في «جامع الاخبار» مع تفاوت

٢ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ص ٢٢٤

كتاب الشيرازي وسفيان بن عيينة عن الزهري عن ابي سلمة عن أبي هريرة في قوله تعالى (يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ) يعني بقوله لا اله الا الله محمد رسول الله في الحياة الدنيا، ثم قال (وَفِي الْآخِرَةِ قَالَ هَذَا فِي الْقَبْرِ يَدْخُلَانِ عَلَيْهِ مَلَكَانِ فَظَّانَ غَلِيظَانِ يَحْفِرَانِ الْقَبْرَ بَاثِيَابَهُمَا وَاصَوَاتُهُمَا كَالْبَرْقِ الْعَاصِفِ وَمَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مَرْزَبَةٌ فِيهَا ثَلَاثُمِائَةٌ وَسِتُونَ عَقْدَةً فِي كُلِّ عَقْدَةٍ ثَلَاثُمِائَةٌ وَسِتُونَ حَلْقَةً وَزَنَ كُلِّ حَلْقَةٍ كَوْزَنَ حَدِيدِ الدُّنْيَا لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَنْ يَقْلُوهَا مَا أَحْلَوْهَا، هِيَ فِي أَيْدِيهِمْ أَخْفَ مِنْ جَنَاحَةِ بَعُوضٍ فَيَدْخُلَانِ الْقَبْرَ عَلَى الْمَيِّتِ وَيَجْلِسَانِهِ فِي قَبْرِهِ وَيَسْأَلَانِهِ مِنْ رَبِّكَ فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُ اللَّهُ رَبِّي، ثُمَّ يَقُولَانِ فَمَنْ نَبِيِّكَ، فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُ مُحَمَّدٌ نَبِيِّي فَيَقُولَانِ مَا قَبْلَتِكَ فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُ الْكَعْبَةَ قَبْلَتِي فَيَقُولَانِ لَهُ مِنْ إِمَامِكَ فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُ إِمَامِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَيَقُولَانِ لَهُ صَدَقْتَ، ثُمَّ قَالَ (وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ) يَعْنِي عَنْ وَلَايَةِ عَلِيٍّ فِي الْقَبْرِ وَاللَّهُ لَيَسْئَلَنَّ عَنْ وَلَايَتِهِ عَلَى الصِّرَاطِ وَاللَّهُ لَيَسْئَلَنَّ عَنْ وَلَايَتِهِ يَوْمَ الْحِسَابِ.

٣ - فضائل ابن شاذان ص ١٠٢

قيل: لما ماتت فاطمة بنت أسد أم أمير المؤمنين ٧ أقبل علي بن أبي طالب عليه السلام باكياً فقال له النبي صلى الله عليه وآله: ما يبكيك؟ لا أبكي الله عينك، قال: توفت والدتي يا رسول الله، قال له النبي صلى الله عليه وآله: بل ووالدتي يا علي فلقد كانت تجوع أولادها وتشبعني، وتشعث أولادها وتدهنني، والله لقد كان في دار أبي طالب

نخلة فكانت تسابق إليها من الغداة لتلتقط، ثم تجنيه - رضي الله عنها - فإذا خرجوا بنو عمي تناولني ذلك؛ ثم نهض عليه السلام فأخذ في جهازها وكفنها بقميصه صلى الله عليه وآله، وكان في حال تشييع جنازتها يرفع قدماً ويتأني في رفع الآخر، وهو حافي القدم، فلما صلى عليها كبر سبعين تكبيرة، ثم لحدها في قبرها بيده الكريمة بعد أن نام في قبرها، ولقنها الشهادة، فلما أهيل عليها التراب وأراد الناس الانصراف، جعل رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لها: ابنك، ابنك، ابنك، لا جعفر، ولا عقيل، ابنك، ابنك: علي بن أبي طالب، قالوا: يا رسول الله فعلت فعلاً ما رأينا مثله قط: مشيك حافي القدم، وكبرت سبعين تكبيرةً، ونومك في لحدها، وقميصك عليها، وقولك لها: ابنك، ابنك، لا جعفر، ولا عقيل، فقال صلى الله عليه وآله: أمّا التائي في وضع أقدامي ورفعها في حال التشييع للجنازة فلكثرة ازدحام الملائكة، وأمّا تكبيري سبعين تكبيرةً فإنّها صلى عليها سبعون صفّاً من الملائكة، وأمّا نومي في لحدها فإنّي ذكرت في حال حياتها ضغطة القبر فقالت: واضعاه، فتمت في لحدها لأجل ذلك حتّى كفيتها ذلك، وأمّا تكفيني لها بقميصي فإنّي ذكرت لها في حياتها القيامة و حشر الناس عراةً فقالت: واسوأته، فكفنتها به، لتقوم يوم القيامة مستورة، وأمّا قولي لها: ابنك، ابنك، لا جعفر ولا عقيل فإنّها لما نزل عليها الملكان وسألاها عن ربّها فقالت: الله ربّي، وقالوا: من نبيك؟ قالت: محمّد نبيّ، فقالوا: من وليك وإمامك؟ فاستحيت أن تقول: ولدي، فقلت لها: قلّي: ابنك علي بن أبي طالب عليه السلام: فأقرّ الله بذلك عينها.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤١.

في سؤال منكر ونكير عن ولاية أمير المؤمنين علي عليه السلام

١ - تفسير الامام العسكري عليه السلام ص ٣٤٦

قال علي بن أبي طالب عليه السلام: من قوى مسكيناً في دينه، ضعيفاً في معرفته على

ناصب مخالف فأفحمه لقنه الله يوم يدلى في قبره أن يقول: الله ربّي، ومحمد نبّي وعليّ وليّ، والكعبة قبلتي، والقرآن بهجتي وعدّتي، والمؤمنون إخواني، والمؤمنات أخواتي، فيقول الله: أدليت بالحجّة فوجبت لك أعالي درجات الجنّة، فعند ذلك يتحوّل عليه قبره أنزه رياض الجنّة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٨.

٢ - كشف اليقين على ما في البحار ج ٦ ص ٢١٦

من تفسير الحافظ محمد بن مؤمن الشيرازي بإسناده رفعه قال: أقبل صخر بن حرب حتّى جلس إلى رسول الله ﷺ فقال: يا محمد هذا الأمر لنا بعدك أم لمن؟ قال: يا صخر الأمر بعدي لمن هو منّي بمنزلة هارون من موسى، فأنزل الله تعالى: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» يعني يسألك أهل مكّة عن خلافة عليّ بن أبي طالب «عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» منهم المصدّق بولايته وخلافته، ومنهم المكذب «كُلًّا» ردّ عليهم «سَيَعْلَمُونَ» سيعرفون خلافته بعدك إنّها حقّ يكون «ثُمَّ كُلًّا سَيَعْلَمُونَ» سيعرفون خلافته وولايته إذ يُسألون عنها في قبورهم فلا يبقى ميّت في شرق ولا غرب ولا في برّ ولا في بحر إلا ومنكر ونكير يسأله عن ولاية أمير المؤمنين بعد الموت، يقولان للميّت: من ربّك؟ وما دينك؟ ومن نبّيك؟ ومن إمامك؟.

٣ - مشارق انوار اليقين ص ٤١

روى ابن عباس عن النبي ﷺ في حديث قال ﷺ إنّ العبد إذا دخل حفرته جاءه ملكان فسألاه من ربّه ونبيّه ووليه فإن اجاب نجا وإن أنكر هوى.

٤ - دعوات الراوندي ص ٢٨٠

وروي عن النبي ﷺ: إن ملكين لله تعالى يقال: ناكر ونكير ينزلان على الميت فيسألانه عن ربه ونبيه ودينه وإمامه، فإن أجاب بالحق سلّموه الى ملائكة النعيم وأن ارتج عليه سلّموه الى ملائكة العذاب.

في السؤال في القبر عن سائر الأئمة المعصومين

١ - رجال كشي ص ٤٤٤

محمد بن الحسين، عن أبي عليّ الفارسيّ، عن محمد بن عيسى، عن يونس قال: دخلت على الرضا عليه السلام فقال لي: مات عليّ بن أبي حمزة؟ قلت: نعم، قيل: قد دخل النار، قال: ففزعته من ذلك، قال: أما إنّه سئل عن الإمام بعد موسى أبي فقال: لا أعرف إماماً بعده، فقيل: لا؟ ففرض في قبره ضربة اشتعل قبره ناراً. بيان: فقيل: لا هذا استفهام إنكاريّ.

٢ - رجال الكشي ص ٤٤٤

روى أصحابنا أنّ أبا الحسن الرضا عليه السلام قال بعد موت ابن أبي حمزة: إنّهُ أقعد في قبره فسئل عن الأئمة عليهم السلام فأخبر بأسمائهم حتّى انتهى إليّ فسئل فوقف، ففرض على رأسه ضربة امتلأ قبره ناراً. ونقلهما عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٢.

في أنّه إنّما يسأل في القبر من محض الإيمان محضاً أو محض الكفر محضاً

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٥

أبو عليّ الأشعريّ، عن محمد بن عبد الجبار، عن الحجّال، عن ثعلبة عن أبي

بكر الحضرمي قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لا يسأل في القبر إلا من محض الإيمان محضاً، أو محض الكفر محضاً، والآخر يلهون عنهم.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٥

عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنما يسأل في قبره من محض الإيمان والكفر محضاً، وأمّا ما سوى ذلك فيلهي عنه. ونقلهما عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٠.

٣ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٥

أبو علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار عن محمد بن اسماعيل عن منصور بن يونس عن ابن بكير عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنما يسأل في قبره من محض الإيمان محضاً وأمّا ما سوى ذلك فيلهي عنه.

٤ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٦

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن بريد بن معاوية، عن محمد بن مسلم قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لا يسأل في القبر إلا من محض الإيمان محضاً، أو محض الكفر محضاً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٠.

٥ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٧

عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الحسن بن شمون، عن عبد

الله بن عبد الرحمن، عن عبد الله بن القاسم، عن أبي بكر الحضرمي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أصلحك الله من المسؤولون في قبورهم؟ قال: من محض الإيمان ومن محض الكفر، قال: قلت: فبقية هذا الخلق؟ قال: يلهون والله عنهم ما يعابهم، قال: وقلت: وعمّ يسألون؟ قال: عن الحجّة القائمة بين أظهركم فيقال للمؤمن: ما تقول في فلان بن فلان؟ فيقول: ذاك إمامي، فيقول: نعم أنا الله عينيك، ويفتح له باب من الجنة فما يزال يتحفه من روحها إلى يوم القيامة؛ ويقال للكافر: ما تقول في فلان بن فلان؟ قال: فيقول: قد سمعت به وما أدري ما هو! فيقال له: لا دريت، قال: ويفتح له باب من النار فلا يزال يتحفه من حرّها إلى يوم القيامة. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٢.

٦ - البحار ج ٦ ص ٢٣٥ نقلاً عن منتخب البصائر

عن سعد، عن ابن عيسى، ومحمد بن عبد الجبار معاً، عن ابن بزيع عن منصور بن يونس، عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي جعفر عليه السلام قال: لا يسأل في القبر إلا من محض الإيمان محضاً، أو محض الكفر محضاً؛ فقلت له: فسائر الناس؟ فقال: يلهي عنهم.

٧ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ١١٣ باب التعزية ح ٢٩

وقال الصادق عليه السلام: لا يسئل في القبر إلا من محض الإيمان محضاً أو محض الكفر محضاً والباقون ملهؤ عنهم إلى يوم القيامة.

٨ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٨

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن حديد، عن جميل، عن عمرو بن الأشعث أنه سمع أبا عبد الله عليه السلام يقول: يسأل الرجل في قبره

فإذا أثبت فسح له في قبره سبعة أذرع وفتح له باب إلى الجنة، وقيل له: نم نومة العروس قرير العين.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٢.

٩ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٤

محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن عمرو بن عثمان عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله في عدو الله إذا حمل إلى قبره... فما يفتري ينادي حتى يدخل قبره، فإذا أدخل حفرته ردت الروح في جسده، وجاء ملكا القبر فامتحناه، قال: وكان أبو جعفر عليه السلام يبكي إذا ذكر هذا الحديث.



١٠ - بصائر الدرجات ص ٢٨٧

ابراهيم بن هاشم، عن علي بن أسباط، عن بكر بن جناح، عن رجل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما ماتت فاطمة بنت أسد أم أمير المؤمنين، جاء علي إلى النبي صلى الله عليه وآله، فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أبا الحسن مالك؟ قال: أمي ماتت؛ قال: فقال النبي صلى الله عليه وآله: وأمّي والله، ثم بكى، وقال: وا أمّاه ثم قال لعلي عليه السلام: هذا قميصي فكفنها فيه، وهذا ردائي فكفنها فيه، فإذا فرغتم فأذنوني؛ فلما أخرجت صلي عليها النبي صلى الله عليه وآله صلاة لم يصل قبلها ولا بعدها على أحد مثلها، ثم نزل على قبرها فاضطجع فيه، ثم قال لها: يا فاطمة! قالت: لبيك يا رسول الله، فقال: فهل وجدت ما وعد ربك حقاً؟ قالت: نعم فجزاك الله خير جزاء، وطالت مناجاته في القبر، فلما خرج قيل: يا رسول الله لقد صنعت بها شيئاً في تكفينك إياها ثيابك، ودخولك في قبرها، وطول مناجاتك، وطول صلاتك، ما رأيك نعته بأحد قبلها؛ قال: أمّا تكفيني إياها فإنني لما قلت لها: يعرض الناس يوم يحشرون من قبورهم فصاحت

وقالت واسوأ تأه! فلبّستها ثيابي وسألت الله في صلاتي عليها أن لا يبلي أكفانها حتّى تدخل الجنّة فأجابني إلى ذلك؛ وأمّا دخولي في قبرها فإنّي قلت لها يوماً: إنّ الميّت إذا أدخل قبره وانصرف الناس عنه دخل عليه ملكان: منكر ونكير فيسألانه، فقالت: واغوثاه بالله، فما زلت أسأل ربّي في قبرها حتّى فتح لها باب من قبرها إلى الجنّة فصار روضةً من رياض الجنّة.

ورواه في «الخرائج» ص ٩٠ مع اختلاف يسير.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٢.

في أنّ السؤال في القبر بواسطة ملكين

١ - كتاب الاعتقادات للصدوق ص ٥٨

باب الاعتقاد في المسألة في القبر

قال الشيخ - رحمه الله -: اعتقادنا في المسألة في القبر أنّها حق لا بد منها، فمن أجاب بالصواب فاز بروح وريحان في قبره، وبنجّة نعيم في الآخرة، ومن لم يأت بالصواب فله نزل من حميم في قبره وتصلية جحيم في الآخرة.

٢ - أمالي الشيخ الصدوق ص ٢٩٤ على ما في البحار ج ٦ ص ٢٢٣

القطّان، عن السكريّ، عن الجوهريّ، عن ابن عمارة، عن أبيه قال: قال الصادق عليه السلام: من أنكر ثلاثة أشياء فليس من شيعة: المعراج، والمسألة في القبر، والشفاعة.

٣ - كتاب الزهد ص ٨٨

ابن أبي البلاد، عن أبيه، عن بعض أصحابه يرفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله أنّه قال لبعض

أصحابه: كيف أنت إذا أتاك فتانا القبر؟ فقال: يا رسول الله ما فتانا القبر؟ قال: ملكان فظان غليظان، أصواتهما كالرعد القاصف، وبصارهما كالبرق الخاطف، يطئان في أشعارهما، ويحفران بأنيابهما، فيسألانك؛ قال: وأنا على مثل هذه الحال؟ قال: وأنت على مثل حالك هذه، قال: إذن أكفيهما.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢١٥.

٤ - نهج البلاغة خطبه ٨٢ ص ١٩٦

قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبة: حتى إذا انصرف المشييع ورجع المتفجع أقعد في حفرة نجياً لبهته السؤال و عثرة الامتحان، وأعظم ما هنالك بليّة نزل الحميم، وتصلية الجحيم، وفورات السعير، لا فترة مريحة، ولا دعة مزيحة، ولا قوّة حاجزة، ولا موة ناجزة، ولا سينة مسلية بين أطوار الموتات وعذاب الساعات.

بيان: بهته: أخذه بغتة، وبهت أي دهش وتحير. وفورة الحرّ: شدّته.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٤٣.

في أنّ الميّت إذا وضع في قبره أتاه ملكان عن يمينه وشماله وأقام الشيطان بين يديه

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٥

عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن عاصم بن حميد، عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إذا وضع الرجل في قبره أتاه ملكان: ملك عن يمينه، وملك عن يساره، وأقيم الشيطان بين عينيه، عيناه من نحاس فيقال له: كيف تقول في الرجل الذي كان بين ظهرانكما قال

فيفزع له فزعة، فيقول اذا كان مؤمناً: أعن محمد رسول الله ﷺ تسألاني؟ فيقولان له: نم نومة لا حلم فيها، ويفسح له في قبره تسعة أذرع، ويرى مقعده من الجنة، وهو قول الله عز وجل يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ فَإِذَا كَانَ كَافِرًا قَالَا لَهُ: من هذا الرجل الذي خرج بين ظهرائكم؟ فيقول لا ادري فيخليا بينه وبين الشيطان.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٢.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٦

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي، عن غالب بن عثمان، عن بشير الدهّان، عن أبي عبد الله عليه السلام. قال: يجيء الملكان: منكر ونكير إلى الميت حين يدفن، أصواتهما كالرعد القاصف، وأبصارهما كالبرق الخاطف، يخطآن الأرض بأنياهما، ويطنان في شعورهما، فيسألان الميت: من ربك وما دينك؟ قال: فإذا كان مؤمناً قال: الله ربي، وديني الإسلام؛ فيقولان له: ما تقول في هذا الرجل الذي خرج بين ظهرائكم؟ فيقول: أعن محمد رسول الله ﷺ تسألاني؟ فيقولان له: تشهد أنه رسول الله ﷺ؟ فيقول: أشهد أنه رسول الله، فيقولان له: ثم نومة لا حلم فيها؛ ويفسح له في قبره تسعة أذرع، ويفتح له باب إلى الجنة ويرى مقعده فيها، وإذا كان كافراً دخلاً عليه وأقيم الشيطان بين يديه، عيناه من نحاس، فيقولان له: من ربك؟ وما دينك؟ وما تقول في هذا الرجل الذي قد خرج من بين ظهرائكم، فيقول: لا أدري فيخليا بينه وبين الشيطان.

فيسلّط عليه في قبره تسعة وتسعين تنيناً، ولو أن تنيناً واحداً منها نفخ في الأرض ما أنبتت شجراً أبداً، ويفتح له باب إلى النار ويرى مقعده فيها.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦١.
ورواه في «كتاب الزهد» ص ٨٦ عن الحسين بن سعيد قال: حدثنا النضر بن
سويد عن عاصم بن حميد عن أبي بصير بعينه.

٣ - تفسير العياشي ج ٢ ص ٢٢٧

عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا وضع الرجل في قبره أتاه
ملك عن يمينه، وملك عن شماله، وأقيم الشيطان بين يديه، عيناه من
نحاس، فيقال له: كيف تقول في هذا الرجل الذي خرج بين ظهرائكم؟ قال: فيفزع
لذلك، فيقول - إن كان مؤمناً - عن محمد تسألاني؟ فيقولان له عند ذلك: نم نومة لا
حلم فيها، ويفسح له في قبره سبعة أذرع، ويرى مقعده من الجنة؛ وإن كان كافراً
قيل له: ما تقول في هذا الرجل الذي خرج بين ظهرائكم؟ فيقول: ما أدري!
ويخلّى بينه وبين الشيطان.

ويضرب بمرزبة من حديد يسمع صوته كلّ شيء وهو قول الله: «يُثَبِّتُ اللَّهُ
الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ
يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ».

ورواه في ج ٢ ص ٢٢٥ عن زرارة، وحرمان، ومحمد بن مسلم، عن
أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام مثله.

في أنّه يسأل الميت في القبر وهو مضغوط

الكافي ج ٣ ص ٢٣٦

بهذا الإسناد، عن يحيى الحلبي، عن هارون بن خارجة، عن أبي بصير قال:
قال أبو عبد الله عليه السلام: يسأل وهو مضغوط.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٠.
 لعلّ المعنى أنّ الضغطة والسؤال متلازمان، فكلّ من لا يضغط لا يسأل
 وبالعكس؛ أو يسأل في حالة الضغطة، ويحتمل أن يكون الغرض إثبات الحالتين
 حسب.

في جملة ممّا ورد أنّه تدرء به هول منكر ونكير منها: إحياء ليلة الثالثة والعشرين من رمضان وصلاة مائة ركعة

فضائل الأشهر الثلاثة ص ١٣٨

حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال: حدثنا الحسن بن علي السكري قال:
 حدثنا محمد بن زكريا الجوهري قال: حدثنا جعفر بن محمد بن عمار عن أبيه
 عن جابر بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر صلوات الله عليهما
 قال: من أحيى ليلة ثلاث وعشرين من شهر رمضان وصلى فيها مائة ركعة وسع الله
 عليه معيشته وكفاه أمر من يعاديه وأعاده من الغرق والهدم والسرقة من شر الدنيا
 ورفع عنه هول منكر ونكير وخرج من قبره ونوره يتلأأ لا لاهل الجمع ويعطى كتابه
 بيمينه ويكتب له براءة من النار وجواز على الصراط وأمان من العذاب ويدخل
 الجنة بغير حساب ويجعل فيه رفقاء النبيين والصديقين والشهداء والصالحين
 وحسن أولئك رفيقاً.

ورواه في «الاقبال» ص ٥٠٦.

ومنها: صلاة الليل

ارشاد القلوب ص ١٩١

وروى عن الصادق عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ:

صلاة الليل مرضاة للرب - الى ان قال - وشفيع بين صاحبها وبين ملك الموت وسراج في قبره وفراش من تحت جنبيه وجواب منكر ونكير ومونس وزائر في قبره، الحديث.

ومنها: الدفن في الغرى

ارشاد القلوب ص ١٩١

ومن خواص تربته (اي الغرى وهو النجف) اسقاط عذاب القبر وترك محاسبة منكر ونكير للمدفون هناك كما وردت به الاخبار الصحيحة عن اهل البيت عليهم السلام.
ونقله عنه في «البحار» ج ٩٧ ص ٢٣٢.



ومنها: صوم تسعة ايام من شعبان

إقبال الاعمال ص ٢٠٥

روينا باسنادها الى ابي جعفر بن بابويه فيما ذكره في كتاب اماليه وكتاب ثواب الاعمال باسناده الى النبي صلى الله عليه وآله قال: ومن صام تسعة ايام من شعبان عطف عليه منكر ونكير عند ما يسألانه.

ومنها: قراءة سورة «الذين كفروا»

ثواب الاعمال ص ١٤٢

بهذا الاسناد عن الحسن عن ابي المغرا عن ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من قرء سورة «الذين كفروا» لم يرب ابداً ولم يدخله شك في دينه ابداً ولم يقبله الله بفقر ابداً ولا خوف من سلطان ابداً ولم يزل محفوظاً من الشك والكفر ابداً حتى يموت، فاذا مات وكل الله به في قبره الف ملك يصلون في قبره ويكون ثواب

صلاتهم له ويشيّعونه حتى يوقفونه موقف الآمنين عند الله عز وجل ويكون في
 امان الله و امان محمد ﷺ .

ومنها قراءة سورة هل أتى في صلاة الصبح يوم الخميس الأصول الستة عشر ص ٣ أصل زيد الزرّاد

بالسند عن زيد الزرّاد قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: أنا ضامن لكل من
 كان من شيعتنا اذا قرء في صلاة الغداة من يوم الخميس هل اتى على الانسان ثم
 مات من يومه او ليلته ان يدخل الجنة آمناً بغير حساب على ما فيه من ذنوب
 وعيوب ولم ينشر الله له ديوان الحساب يوم القيامة ولا يسئل مسئلة القبر،
 الحديث.



ونقله عنه في «البحار» ج ٨٢ ص ٢٦٦

في أنّ من فوائد الصيام في رمضان توسعة القبر ورفع الظلمة والوحشة وهول
 منكر و نكير

فضائل الأشهر الثلاثة ص ٨١ - ٨٤

روى بسنده عن ابن عباس عن رسول الله ﷺ قال: لو علمتم ما لكم في شهر
 رمضان لزدتم لله شكراً، اذا كان اول ليلة غفر الله تعالى لامتي الذنوب كلها سرّها
 وعلايتها - الى ان قال - ويوم احد وعشرين وسع الله عليكم القبر ألف فرسخ
 ويرفع عنكم الظلمة والوحشة ويجعل قبوركم كقبور الشهداء ويجعل وجوهكم
 كوجه يوسف بن يعقوب عليه السلام.

ويوم اثنين وعشرين يبعث الله عز وجل اليكم ملك الموت كما يبعث إلى
 الأنبياء عليهم السلام ويرفع عنكم هول منكر ونكير ويرفع عنكم هم الدنيا والآخرة.

ويوم ثلاث و عشرين تمرون على الصراط مع النبيين والصديقين والشهداء فكأنما اشبعتم كل يتيم في امتي وكسوتم كل عريان من امتي.

ويوم اربعة وعشرين لا تخرجون من الدنيا حتى يرى كل واحد منكم مكانه من الجنة ويعطى كل واحد ثواب ألف مريض وألف غريب خرجوا في طاعة الله عز وجل واعطاكم ثواب الف رقبة من ولد اسماعيل.

ويوم خمس وعشرين منه بنى الله عز وجل لكم تحت العرش الف قبة خضراء على رأس كل قبة خيمة من نور يقول الله تبارك الله تعالى يا امة محمد انا ربكم وانتم عبيدي وإمائي استظلوا بظل عرشي في هذه القباب وكلوا واشربوا هنيئاً فلا خوف عليكم ولا انتم تحزنون يا امة محمد وعزتي وجلالي لا بعثنكم إلى الجنة يتعجب منكم الأولون والآخرون ولا توجن كل واحد منكم بألف تاج من نور ولاركبن كل واحد منكم على ناقة خلقت من نور، زمامها من نور، وفي ذلك الزمام الف حلقة من ذهب في كل حلقة ملك قائم عليها من الملائكة بيد كل ملك عمود من نور حتى يدخل الجنة بغير حساب.

وإذا كان يوم ستة وعشرين ينظر الله إليكم بالرحمة فيغفر لكم الذنوب كلها الى الرشاء، الحديث.

ومنها: التلقين:

تقدّم الأحاديث الدالة عليه في عقبة الموت ومنها:

دعوات الراوندي ص ٢٧٠

عن يحيى بن عبد الله قال سمعت الصادق عليه السلام يقول: ما على أهل الميت منكم ان يدروا عن ميتهم لقاء منكر ونكير. قال: قلت: كيف يصنع؟ قال: إذا افرد الميت فليتحلف عنده اولى الناس به فيضع فمه عند رأسه فينادي بأعلى صوته يا

فلان بن فلان او يا فلانة بنت فلان «هل أنت على العهد الذي فارقنا عليه من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمداً عبده ورسوله سيد المرسلين وان علياً أمير المؤمنين وسيد الوصيين وان ما جاء به محمد ﷺ حق وان الموت حق والبعث حق وان الله يبعث من في القبور، قال فيقول منكر ونكير: إنصرف بنا عن هذا فقد لقن حجته.

ومنه الدعاء:

مصباح المتهجد للشيخ الطوسي ص ٥٥٥ و ٥٥٦

يستحب ان يدعو هذا الدعاء كل يوم من شهر رجب: اللهم يا ذا المنن السابغة - الى ان قال - وتول أنت نجاتي من مسائلة البرزخ وادراء عني منكراً ونكيراً وأرعيني مبشراً وبشيراً - الى آخر الدعاء.

الدعاء لكمال الدين بعد كل صلاة فريضة

منازل الآخرة ص ٢١

روى الشيخ الطوسي عن محمد بن سلميان الديلمي قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: علّمني دعاء لو قرئتها كمل ايماني ولا يزول قال قل بعد كل صلاة، واجبة: رضيت بالله رباً وبمحمد صلى الله عليه وآله نبياً وبالاسلام ديناً وبالقرآن كتاباً وبالكعبة قبله وبعلي ولياً وإماماً وبالحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة بن الحسن صلوات الله عليهم أئمة اللهم إني رضيت بهم أئمة فارضني لهم انك على كل شيء قدير.

في الاستعانة بالورع والاجتهاد على كون دينه حقاً في حدّ الآخرة:

١ - المحاسن ص ١٧٧

عنه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزين، عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: اتّقوا الله واستعينوا على ما أنتم عليه بالورع والاجتهاد في طاعة الله، فإنّ أشدّ ما يكون أحدكم اغتباطاً ما هو عليه لو قد صار في حدّ الآخرة وانقطعت الدّنيا عنه، فإذا كان في ذلك الحدّ عرف أنّه قد استقبل النّعيم والكرامة من الله والبشرى بالجنّة، وأمن ممّن كان يخاف، وأيقن أنّ الذي كان عليه هو الحقّ، وأنّ من خالف دينه على باطل هالك.

٢ - نهج البلاغة ص ٧٦٣ خطبة ٢٣٢

قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبة: وبأدروا الموت في غمراته، وامهدوا له قبل حلوله، وأعدّوا له قبل نزوله، فإنّ الغاية القيامة وكفى بذلك واعظاً لمن عقل، ومعتبراً لمن جهل، وقبل بلوغ الغاية ما تعلمون من ضيق الأرماس، وشدة الإبلاس، وهول المطلع، وروعات الفزع، واختلاف الأضلاع، واستكاك الأسماع، وظلمة اللّحد، وخيفة الوعد، وغمّ الضريح، وردم الصفيح. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٤.

بيان: الأرماس جمع الرمس وهو القبر، والإبلاس: اليأس والانكسار والحزن. وقال الجزريّ: المطلع: مكان الاطلاع من الموضع العالي، ومنه الحديث: لا فتديت من هول المطلع أي الموقف يوم القيامة، أو ما يشرف عليه من أمر الآخرة عقيب الموت، فشبهه بالمطلع الذي يشرف عليه من موضع عال. واختلاف الأضلاع: كناية عن ضغطة القبر، إذ يحصل بسببها تداخل الأضلاع واختلافها. والضريح: الشقّ في وسط القبر، واللّحد في الجانب. والصفيح: الحجر، والمراد بردمه هنا سدّ القبر به.

ومنها الخضاب

ثواب الأعمال ص ٣٨

حدثني أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عن محمد بن أحمد عن إبراهيم بن إسحاق عن محمد بن علي البغدادي عن عبد الله بن المبارك عن عبد الله بن زيد رفع الحديث قال قال رسول الله ﷺ درهم في الخضاب أفضل من نفقة ألف درهم في سبيل الله وفيه أربع عشر خصلة يطرد الريح من الأذنين ويجلو الغشاوة من البصر ويلين الخياشم ويطيب النكهة ويشد اللثة ويذهب الصنان ويقلّ وسوسة الشيطان وتفرح به الملائكة ويستبشر به المؤمن ويغبط به الكافر وهي زينة وطيب وبرائة له في قبره ويستحي منه منكر ونكير.

في أنه يمثل للميت في القبر عمله ويقول له: كنّا ثلاثة رزقك وأهلك ذهباً وبقيت معك

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٠

علي بن محمد، عن محمد بن أحمد الخراساني، عن أبيه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا وضع الميت في قبره مثل له شخص فقال له: يا هذا كنّا ثلاثة كان رزقك فانقطع بانقطاع أجلك وكان أهلك فخلّفوك وانصرفوا عنك وكنت عمّلك فبقيت معك أما إنّي كنت أهون الثلاثة عليك.

٢ - تفسير القمي ج ١ ص ٣٦٩

أبي، عن علي بن مهزيار، عن عمرو بن عثمان، عن المفضل بن صالح، عن جابر، عن إبراهيم بن العلاء، عن سويد بن غفلة، عن أمير المؤمنين صلوات الله عليه قال: إنّ ابن آدم إذا كان في آخر يوم من أيام الدنيا وأوّل يوم من أيام الآخرة

مثّل له ماله وولده وعمله، فيلتفت إلى ماله فيقول: والله إنّي كنت عليك لحريصاً شحيحاً، فمالى عندك؟ فيقول: خذ منّي كفنك، ثمّ يلتفت إلى ولده فيقول: والله إنّي كنت لكم لمحّبّاً، وإنّي كنت عليكم لمحامياً، فماذا عندكم؟ فيقولون: نوّدّيك إلى حفرتك ونواريك فيها؛ ثمّ يلتفت إلى عمله فيقول: والله إنّي كنت فيك لزاهداً، وإنّك كنت عليّ لثقيلاً، فماذا عندك؟ فيقول: أنا قرينك في قبرك، ويوم حشرك حتّى أعرّض أنا وأنت على ربّك، فإن كان لله وليّاً أتاه أطيب الناس ريحاً، وأحسنهم منظراً، وأزينهم ريشاً، فيقول: ابشر بروح من الله وريحان وجنّة نعيم، وقد قدمت خير مقدّم، فيقول: من أنت؟ فيقول: أنا عمّلك الصالح، ارتحل من الدنيا إلى الجنّة، وإنّه ليعرف غاسله، ويناشد حامله أن يعجّله، فإذا أدخل قبره أتاه ملكان وهما فتّانا القبر، يجرّان أشعارهما، وينحّتان الأرض بأنيابهما، وأصواتهما كالرعد القاصف، وأبصارهما كالبرق الخاطف، فيقولان له: من ربّك ومن نبيّك وما دينك؟ فيقول: الله ربّي، ومحمّد نبيّي، والإسلام ديني، فيقولان: ثبتك الله فيما تحبّ وترضى، وهو قول الله: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» الآية، فيفسحان له في قبره مدّ بصره، ويفتحان له باباً إلى الجنّة، ويقولان له: نمّ قرير العين نوم الشابّ الناعم، وهو قوله: «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرّاً وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا» وإذا كان لربّه عدوّاً فإنّه يأتيه أقبح خلق الله ريشاً، وأنتنه ريحاً، فيقول له: ابشر بنزل من حميم، وتصلية جحيم؛ وإنّه ليعرف غاسله، ويناشد حامله أن يحبسه، فإذا أدخل قبره أتياه ممتحنا القبر فألقيا أكفانه، ثمّ قالّا له: من ربّك؟ ومن نبيّك؟ وما دينك؟ فيقول: لا أدري! فيقولان له: لا دريت ولا هديت، فيضربانه بمرزبة ضربة ما خلق الله دابةً إلّا وتذعر لها ما خلا الثقلين، ثمّ يفتحان له باباً إلى النار، ثمّ يقولان له: نمّ بشرّ حال؛ فهو من الضيق مثل ما فيه القنا من الزجّ حتّى أنّ دماغه يخرج مما بين ظفره ولحمه، ويسلّط عليه حيّات الأرض وعقاربها

وهو أمّها فتنهشه حتّى يبعثه الله من قبره وإنّه ليتمنّى قيام الساعة ممّا هو فيه من الشرّ.

٣ - وفي أمالي الطوسي ص ٣٤٧

ابن الصلت، عن ابن عقدة، عن قاسم بن جعفر بن أحمد، عن عباد بن أحمد القزويني، عن عمّه، عن أبيه، عن جابر، عن إبراهيم بن عبد الأعلى، عن سويد بن غفلة ذكر أنّ عليّ بن أبي طالب وعبد الله بن عبّاس ذكرّا أنّ ابن آدم إذا كان في آخر يوم من الدنيا وأوّل يوم من الآخرة مثّل له ماله وولده وعمله. وساق الحديث مثل ما مرّ.

ورواه في «تفسير العياشي» ج ٢ ص ٢٢٧ عن ابن غفلة مثله.
ونقله عنهما في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٥ - ٢٢٦.

٤ - منازل الآخرة ص ٥٦

روى الصادق حديثاً ملخصه أنّ رسول الله ﷺ قال في مواعظه لقيس بن عاصم وجماعة من بني تميم: لا بدّ لك يا قيس من قرين يدفن معك فان كان كريماً يكرمك وإن كان لثيماً فلا تحشر أنك ولا تبعث إلّا معه وهو عمّلك فان كان صالحاً تستأنس به وان كان فاسداً لا توحش إلّا منه.

الأعمال الصالحة تحيط الميّت في القبر

فمنها: الولاية لآل محمد

المحاسن ص ٢٨٨

عن البرقي، عن عبد الرحمن بن نجران وأحمد بن أبي نصر، عن عاصم بن

حميد عن أبي بصير، عن أحدهما عليه السلام قال: إذا مات العبد المؤمن دخل معه في قبره ستة صور، فيهنّ صورة هي أحسنهنّ وجهاً، وأبهاهنّ هيئة، وأطيبهنّ ريحاً، وانظفهنّ صورة، قال: فيقف صورة عن يمينه، وأخرى عن يساره، وأخرى بين يديه، وأخرى خلفه، وأخرى عند رجله، ويقف التي هي أحسنهنّ فوق رأسه، فإن أتى عن يمينه منعته التي عن يمينه، ثمّ كذلك إلى أن يؤتى من الجهات الستّ قال: فتقول أحسنهنّ صورة: من انتم جزاكم الله عنّي خيراً؟ فتقول التي عن يمين العبد: انا الصلاة وتقول التي عن يساره: انا الزكاة، وتقول التي بين يديه: انا الصيام، وتقول التي خلفه: انا الحج والعمرة، وتقول التي عند رجله: انا برّ من وصلت من اخوانك، ثم يقلن: من انت؟ - فانت احسننا وجهاً، وأطيبنا ريحاً، وأبهانا هيئة، فتقول: انا الولاية لآل محمد صلّى الله عليه وآله.



ومنها: الصبر:

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٠

عليّ بن إبراهيم عن أبيه، عن ابن محبوب، عن عبد الله بن كولوم، عن أبي سعيد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا دخل المؤمن قبره كانت الصلاة عن يمينه والزكاة عن يساره والبرّ يطلّ عليه ويتنحّى الصبر ناحية وإذا دخل عليه الملكان اللذان يليان مسأئلته قال الصبر للصلاة والزكاة: دونكما صاحبكم فإن عجزتم عنه فأنا دونه.

٢ - ثواب الاعمال ص ٢٠٣

أبي، عن سعد، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن عبد الله بن مرحوم عن ابن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا دخل المؤمن قبره كانت الصلاة عن

يمينه والزكاة عن يساره؛ والبرّ مطلق عليه، ويتنحّى الصبر ناحية؛ قال: إذا دخل عليه الملكان اللذان يليان مساء لته قال الصبر للصلاة والزكاة والبرّ: دونكم صاحبكم، فإن عجزتم عنه فأنا دونه.

بيان: أطلّ عليه: أشرف، وفي بعض النسخ بالطاء المعجمة.
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٠.

٣ - الدعوات للراوندي ص ٢٨١

وعنهم عليه السلام: الخير كله بعد الموت والشر كله بعد الموت، ان الملكين اذا أتيا العبد الصالح ليعذباه قعدا من عند رأسه فتقول صلاته: لا يؤتى من قبلي قرب ليلة قد بات فيها ساهراً حذراً (لهذا) المضجع، فيؤتى من قبل رجليه، فيقول مشيه الى المساجد والى عيادة اخوانه: ولا يؤتى من قبلي، ومن يمينه الصدقة وله الصوم، ثم يفسح الله ويفتح له باب منه الى الجنة.

في أن فائدة تقوية الضعيف في معرفته على مخالف تصيب في القبر
التفسير المنسوب إلى العسكري عليه السلام ص ٣٤٦ ح ٢٢٨
وقال علي بن ابي طالب عليه السلام: من قوى مسكيناً في دينه ضعيفاً في معرفته على ناصب مخالف فافحمه لقنه الله تعالى يوم يدلى في قبره أن يقول:
الله ربّي ومحمّد نبّيّ وعليّ وليّ والكعبة قبلتي والقرآن بهجتي وعدّتي
والمؤمنون إخواني، فيقول الله: أدليت بالحجّة فوجبت لك أعالي درجات الجنة.

في أن من أثقله ذكر الموت وجد قبره روضة من رياض الجنة

جامع الاخبار ص ١٦٥

قال النبي صلى الله عليه وآله في حديث وأفضل التفكير ذكر الموت، فمن أثقله ذكر الموت

وجد قبره روضة من رياض الجنة.

الدنيا سجن المؤمن والقبر بيته والدنيا جنة الكافر والقبر سجنه

دعوات الراوندي ص ٢٨٠

وروي عن أبي محمد عليه السلام **﴿ قال ﴾** الدنيا سجن المؤمن، والقبر بيته، والجنة مأواه، والدنيا جنة الكافر، والقبر سجنه، والنار مأواه.

في أن مخزن الذهب والفضة للمؤمن قبره

الأمالي لشيخ الطائفة أبي جعفر الطوسي ص ٧٠٢ ح ١٥٠١

وعنه عن العبد الصالح عليه السلام قال: سئل ابوذر ما مالك؟ قال عملي، قيل له انما نسألك عن الذهب والفضة؟ فقال ما أصبح  فلا أمسى وما أمسى فلا أصبح لنا كندوج (الكندوج يطلق على الخزانة الصغيرة) نرفع فيه خير متاعنا سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: كندوج المؤمن قبره.

في أن الصلوات على النبي صلى الله عليه وآله نور في القبر

دعوات الراوندي ص ٢١٦ ح ٥٨١

وقال النبي صلى الله عليه وآله: اكثرُوا الصلاة عليّ، فإن الصلاة عليّ نور في القبر ونور على الصراط ونور في الجنة.

في أن صلاة الليل نور في القبر

١ - ارشاد القلوب ص ١٩١

روى باسناده عن النبي صلى الله عليه وآله قال: صلاة الليل سراج لصاحبها في ظلمة القبر وقول لا إله إلا الله يطرو الشيطان عن قائلها.

٢ - ثواب الاعمال ص ١٤٣

وبهذا الاسناد عن الحسن عن صندل عن داود بن فرقد عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من قرء سورة والذاريات في يومه او في ليلته اصرح الله له معيشته واتاه رزق واسع ونور له في قبره بسراج يزهر الى يوم القيامة.

في تنور القبر بالتعليم والتعلم

دعوات الراوندي ص ٢٧٦

وأوحى الله الى موسى عليه السلام: تعلم الخير وعلمه الناس، فإني منور لمعلم الخير ومتعلميه قبورهم حتى لا يستوحشوا بمكانهم.



زيارة الملائكة لقبر بعض المؤمنين

اقبال الأعمال ص ٢٠٦

رويناه باسنادنا الى ابي جعفر بن بابويه فيما ذكره في كتاب ثواب الاعمال واماليه باسناده الى النبي صلى الله عليه وآله قال: ومن صام من شعبان اثني عشر يوماً زاره كل يوم في قبره تسعون الف ملك الى النفخ في الصور.

في أن صلاة ليلة عاشوراء نور في القبر

إقبال الأعمال ص ٢٩

في كتاب دستور المذكّرين باسناده المتّصل عن ابي امامة قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من صلّى ليلة عاشوراء مائة ركعة بالحمد مرّة وقل هو الله احد ثلاث مرّات ويسلم بين كل ركعتين فاذا فرغ من جميع صلاته قال: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوّة الا بالله العليّ العظيم سبعين مرّة قال

قال رسول الله ﷺ: من صَلَّى هذه الصلاة من الرجال والنساء ملاً الله قبره اذا مات مسكاً وعنبراً ويدخل الى قبره في كل يوم نور الى ان ينفخ في الصور - الى ان قال - فاذا نفخ في الصور يخرج من قبره كهيئته الى الجنان كما يزف العروس الى بيت زوجها، الحديث.

في أنه يعلم المؤمن بمن يزور قبره ويستأنس به زيارة القبر

دعوات الراوندي ص ٢٧١ ح ٧٧٥

وعن اسحاق بن عمار قال قلت لابي الحسن عليه السلام يعلم المؤمن بمن يزور قبره؟ قال: نعم، فلا يزال مستأنساً به ما دام عند قبره فاذا قام وانصرف من قبره دخله من انصرافه وحشة.



مركز تحقيقات كليات علوم إيسدي

كيفية زيارة القبر

دعوات الراوندي ص ٢٧٠

وروي أنه ينبغي أن تضع يدك على قبره عند رأسه تفرج أصابعك عليه بعد ما تنضح على القبر وتقول: «ختمت عليك من الشيطان أن يدخلك ومن العذاب ان يمسك ثم ينصرف ويستغفر له.

الدعاء بالمأثور عند دفن الميت

دعوات الراوندي ص ٢٧٠

وقال النبي ﷺ: ما من أحد يقول عند قبر ميت إذا دفن، ثلاث مرات «اللهم اني أسألك بحق محمد وآل محمد أن لا تعذب هذا الميت» الا دفع الله عنه العذاب الى يوم ينفخ في الصور.

في وصول العبادات والصدقة والدعاء له اليه في قبره

١ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ١١٧ باب التعزية ح ٥٦

وقال عليه السلام: يدخل على الميت في قبره الصلاة والصوم والحج والصدقة والبر والدعاء، ويكتب اجره للذي يفعله وللميت.

٢ - جامع الاخبار ص ١٦٩

قال النبي ﷺ ما تصدقت لميت فياخذها ملك في طبق من نور ساطع ضوئها يبلغ سبع سماوات ثم يقوم على شفير الخندق فينادي السلام عليكم يا اهل القبور اهلكم اهدى اليكم بهذه الهدية فياخذها ويدخل بها في قبره فيوسّع عليه مضاجعه فقال عليه السلام ألا من اعطى لميت بصدقة فله عند الله من الاجر مثل احد ويكون يوم القيامة في ظل عرش الله يوم لا ظل الا ظله العرش وحي وميت نجى بهذه الصدقة.

٣ - منازل الآخرة ص ٤٦

قد ورد في حديث من تصدق لميت امر الله جبرئيل أن يأتي قبره مع سبعين الف ملك وبيد كل واحد منهم طبق من النعم الالهية ويسلمون عليه ويقولون له هذه هدية فلان.

٤ - منازل الآخرة ص ٤٣ ما ملخصه:

عن لبّ الباب لقطب الراوندي في الحديث أن الأموات تجيء في كلّ ليلة جمعة من شهر رمضان وينادون بالصوت الحزين والبكاء يا ولدي وأقربائي تحنّوا لنا بشيئ يرحمكم الله ولا تنسونا وارحموا لنا ولغربتنا فأننا بقينا في سجن ضيق فارحموا لنا بالدعاء والصدقة فان ما بيدكم من زائد الأموال كان لنا فلم

نصرفه في سبيل الله ومنعنا حق الله، وينادون ما أقرب ان تبكوا على أنفسكم كما نبكى ولا تنفع لنا.

الدعاء للميت

١ - دعوات الراوندي ص ٢٧٦

وقال عليه السلام : ما الميت في القبر الا كالغريق المتشحط بدمه ينتظر دعوة تلحقه من أخ أو صديق أو أبوين، فإذا لحقته كانت أحب اليه ممن جاءت به الدنيا.

٢ - الفقه المنسوب الى الرضا عليه السلام ص ١٨٧ في الصلاة على الميت

قال عليه السلام تكبر ثم يصلى على النبي صلى الله عليه وآله واهل بيته ثم تقول... وافسخ له في قبره... الى ان قال: وان كان ناصباً فقل... اللهم فاحشي جوفه ناراً وقبره ناراً وعجله الى النار.

٣ - الفقه المنسوب الى الرضا عليه السلام ص ١٨٥

قال العالم عليه السلام : وكان علي بن الحسين عليهما السلام اذا ادخل الميت على القبر قام على قبره ثم قال: اللهم جاف الارض عن حنبيه (جنبه).

٤ - الفقه المنسوب الى الرضا عليه السلام ص ١٧٠

قال: واذا حملته الى قبره فلا تفاجئ به القبر فانّ للقبر أهوالاً عظيمة ونعوذ بالله من هول المطلع... وقل اذا نظرت الى القبر: اللهم اجعلها روضة من رياض الجنة ولا تجعلها حفرة من حفر النيران.

٥ - الاصول الستة عشر ص ١٦٨ كتاب درست بن ابي منصور
 روى عن اسحاق بن عمار قال قلت لابي الحسن عليه السلام الدعاء ينفع الميت؟
 قال: نعم حتّى إنه ليكون في ضيق فيوسع عليه ويكون مسخوطاً عليه فيرضى عنه،
 قال قلت فيعلم من دعا له قال نعم قال قلت فان كانا ناصبيين قال فقال ينفعهما
 والله ذلك يخفّف عنها.

الدعاء للميت عند دفنه

دعوات الراوندي ص ٢٧٠

وقال النبي صلى الله عليه وآله: ما من احد يقول عند قبر ميت اذا دفن ثلاث مرات «اللهم
 اني اسألك بحق محمد وآل محمد أن لا تعذب هذا الميت» إلا دفع الله عنه العذاب
 الى يوم ينفخ في الصور.



في أنّه يفرح الميت بصلاة مؤمن نيابة عنه

منازل الآخرة ص ٢٦

روى بسند صحيح عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ربّما يكون الميت في ضيق وشدة
 يوسع الله له ويرفع عنه الضيق ويقال له إنّ ذلك بسبب صلاة صلاها لك اخوك
 المؤمن، قلت هل لي إشراك ميّتين في صلاة واحدة؟ قال نعم قال: ويفرح الميت
 بالدعاء والاستغفار له كما يفرح الحيّ بالهدية اليه.
 وفي الحديث: أنّ من عمل عملاً صالحاً لميت ضاعف الله له اجره وانتفع به
 الميت.

في صلاة ليلة الدفن

١ - مصباح الكفعمي ص ٤١١

صلاة هديّة الميت ليلة الدفن ركعتان في الاولى الحمد وآية الكرسي وفي

الثانية الحمد والقدر عشراً فإذا سلّم قال: اللهم صلّ على محمد وآل محمد وابعث ثوابها الى قبر فلان .

أقول: وفي منازل الآخرة ص ٢٩:

روى السيد ابن طاووس عن النبي ﷺ قال لا تمرّ على الميت ساعة أشد من ليلة الدفن فارحموا موتاكم بالصدقة فان لم تجدوا شيئاً للصدقة فليصلّ احدكم ركعتين فذكر الصلاة بالكيفية المتقدمة ثم قال يبعث الله الى قبره في تلك الساعة ألف ملك ويوسع في قبر الى يوم ينفخ في الصور واعطى على المصلي من الحسنات بعدد ما يطلع عليه الشمس ويرفع له اربعون درجة.



٢- مصباح الكفعمي ص ٤١١

وفي رواية اخرى بعد الحمد التوحيد مرّتين في الاولى، وفي الثانية بعد الحمد التكاثر عشراً ثم الدعاء المذكور.

في الصلاة للوالدين في كلّ يوم

منازل الآخرة ص ٢٥

روى في حديث صحيح أنّ ابا عبدالله الصادق عليه السلام كان يصلّي لولده في كل ليلة ولوالديه في كل يوم ركعتين يقرأ في الركعة الاولى سورة إنّنا أنزلناه وفي الركعة الثانية سورة إنّنا أعطيناك.

في إحسان بالوالديه بعد موتهما

اصول الكافي ج ٢ ص ١٣٠

الحسين بن محمد عن معلّى بن محمد عن الحسن بن علي عن عبد الله بن

سنان عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنَّ العبد ليكون بارًّا بوالديه في حياتهما ثمَّ يموتان فلا يقضي عنهما ديونهما ولا يستغفر لهما فيكتبه الله عاقًّا، وإنَّه ليكون عاقًّا لهما في حياتهما غير بارٍّ بهما فاذا ماتا قضى دينهما واستغفر لهما فيكتبه الله بارًّا.

في رفع عذاب القبر بالعمل الصالح من ابنه أمالي الصدوق ص ٥١١

حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار قال حدثنا أبي عن أحمد بن أبي عبد الله عن محمد بن علي الكوفي عن شريف بن سابق التفليسي عن إبراهيم بن محمد عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آباءه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله مر عيسى بن مريم عليه السلام بقبر يعذب صاحبه ثمَّ مرَّ به من قابل فاذا هو ليس يعذب فقال يا رب مررت بهذا القبر عام أول فكان صاحبه يعذب ثمَّ مررت به العام فاذا هو ليس يعذب فأوحى الله عز وجل إليه يا روح الله انه ادرك له ولد صالح فاصلح طريقا وآوى يتيما فغفرت له بما عمل ابنه قال وقال عيسى بن مريم عليه السلام ليحيى بن زكريا عليه السلام اذا قيل فيك ما فيك فاعلم انه ذنب ذكرته فاستغفر الله منه وان قيل فيك ما ليس فيك فاعلم انها حسنة كتبت لك لم تتعب فيها.

في الاعتقاد ببقاء الارواح بعد الموت كتاب الاعتقادات للصدوق ص ٤٧

قال الشيخ أبو جعفر - رحمته الله - : اعتقادنا في النفوس أنَّها هي الأرواح التي بها الحياة، وأنَّها الخلق الأوَّل، لقول النبي صلى الله عليه وآله: «انَّ أوَّل ما ابدع الله سبحانه وتعالى هي النفوس المقدسة المطهرة، فانطقتها بتوحيده، ثم خلق بعد ذلك سائر خلقه».

واعتقادنا فيها أنها خلقت للبقاء ولم تخلق للفناء، لقول النبي ﷺ: «ما خلقتُم للفناء بل خلقتُم للبقاء، وإنَّما تنقلون من دار إلى دار». وأنها في الأرض غريبة، وفي الأبدان مسجونة. واعتقدنا فيها أنها إذا فارقت الأبدان فهي باقية، منها منعمة، ومنها معذبة، إلى أن يردها الله تعالى بقدرته إلى أبدانها. وقال عيسى بن مريم للحواريين: «بحق أقول لكم، أنه لا يصعد إلى السماء إلا ما نزل منها».

وقال تعالى: ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ﴾ فما لم يرفع منها إلى الملكوت بقي يهوى في الهاوية، وذلك لأن الجنة درجات والنار دركات.



وقال تعالى: ﴿تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ﴾. وقال تعالى: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾.

وقال تعالى: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾.

وقال تعالى: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾.

وقال النبي ﷺ: «الأرواح جنود مجنّدة، فما تعارف منها ائتلف، وما تناكر منها اختلف».

وقال الصادق - عليه السلام -: «إنَّ الله تعالى آخى بين الأرواح في الأظلة قبل أن يخلق الأبدان بألفي عام، فلو قد قام قائلنا أهل البيت لو رث الأخ الذي آخى

بينهما في الأظلة، ولم يرث الأخ من الولادة».

وقال - عليه السلام -: «إنَّ الأرواح لتلتقي في الهواء فتعارف فتساءل، فإذا أقبل روح من الأرض قالت الأرواح: دعوه فقد أفلت من هول عظيم، ثمَّ سألوه ما فعل فلان وما فعل فلان، فكلَّما قال قد بقي رجوه أن يلحق بهم، وكلَّما قال قد مات قالوا هوى هوى».

وقال تعالى: ﴿وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى﴾.

وقال تعالى: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ * نَارٌ حَامِيَةٌ﴾.

ومثل الدنيا وصاحبها كمثل البحر والملاح والسفينة.

وقال لقمان - عليه السلام -: «يا بني، إنَّ الدنيا بحر عميق وقد هلك فيها عالم كثير، فاجعل سفينتك فيها الايمان بالله، واجعل زادك فيها تقوى الله، واجعل شراعها التوكل على الله. فان نجوت فبرحمة الله، وإن هلكت فبذنوبك».

وأشد ساعات ابن آدم ثلاث ساعات: يوم يولد، ويوم يموت، يوم يبعث حيًّا. ولقد سلَّم الله تعالى على يحيى في هذه الساعات، فقال الله تعالى: ﴿وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا﴾.

وقد سلَّم فيها عيسى على نفسه فقال: ﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾. والاعتقاد في الروح أنه ليس من جنس البدن، وأنه خلق آخر، لقوله تعالى: ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾.

واعتقدنا في الأنبياء والرسل والأئمة - عليهم السلام - أن فيهم خمسة أرواح: روح القدس، وروح الايمان، وروح القوة، وروح الشهوة، وروح المدرج. وفي الكافرين والبهائم ثلاثة أرواح: روح القوة، روح الشهوة، وروح المدرج.

وأما قوله تعالى: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾ فإنه خلق أعظم من جبرئيل وميكائيل، كان مع رسول الله والأئمة - عليهم السلام - ومع الملائكة، وهو من الملكوت.

في وقوع رؤية النبي ﷺ بعد موته وكذلك رؤية بعض الأئمة وغيرهم بعد الموت
١ - الإختصاص ص ٢٧٤

أحمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن الربيع بن محمد المسلي عن عبد الله بن سليمان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما أخرج علي ملبباً وقف عند قبر النبي ﷺ فقال يا ابن أم إن القوم استضعفوني وكادوا يقتلونني، قال: فخرجت يد من قبر رسول الله ﷺ يعرفون أنها يده وصوت يعرفون أنه صوته نحو أبي بكر: يا هذا أكفرت بالذي خلقك من تراب ثم من نطفة ثم سويك رجلاً.

مركز تحقيقات كميتر علوم حسدي

٢ - البصائر ص ٢٧٤

محمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، وعلي بن الحكم، عن الحكم بن مسكين، عن أبي عمارة، عن أبي عبد الله عليه السلام؛ وعثمان بن عيسى، عن أبان بن تغلب، عن أبي عبد الله عليه السلام إن أمير المؤمنين عليه السلام لقي أبا بكر فاحتج عليه ثم قال له: أما ترضى برسول الله ﷺ بيني وبينك؟ قال: وكيف لي به؟ فأخذ بيده وأتى مسجد قبا، فإذا رسول الله ﷺ فيه فقضى على أبي بكر فرجع أبو بكر مذعوراً فلقي عمر فأخبره فقال: تباً لك، أما علمت سحر بني هاشم؟
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٧.

٣ - بصائر الدرجات ص ٢٧٤

عن معاوية بن حكيم، عن الوشاء قال: قال لي الرضا عليه السلام بخراسان: رأيت

رسول الله ﷺ ههنا والتزمته .

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٧.

٤ - بصائر الدرجات ص ٢٧٦

الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن عبد الله بن بشير، عن عثمان بن مروان، عن سماعة قال: كنت عند أبي الحسن عليه السلام فأطلت الجلوس عنده فقال: أ تحب أن ترى أبا عبد الله عليه السلام فقلت: وددت والله، فقال: قم وادخل ذلك البيت، فدخلت البيت فإذا أبو عبد الله عليه السلام قاعد.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٨.



٥ - بصائر الدرجات ص ٤٠٥

أحمد بن محمد، عن جعفر بن محمد بن مالك، عن محمد بن عمار، عن أبي بصير قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فركض برجله الأرض فإذا بحر فيه سفن من فضة فركب وركبت معه حتى انتهى إلى موضع فيه خيام من فضة فدخلها ثم خرج فقال: رأيت الخيمة التي دخلتها أولا؟ فقلت: نعم، قال: تلك خيمة رسول الله ﷺ، والأخرى خيمة أمير المؤمنين والثالثة خيمة فاطمة، والرابعة خيمة خديجة، والخامسة خيمة الحسن، والسادسة خيمة الحسين، والسابعة خيمة علي بن الحسين، والثامنة خيمة أبي، والتاسعة خيمتي، وليس أحد منا يموت إلا وله خيمة يسكن فيها.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٥.

٦ - أمالي الشيخ الصدوق ص ٥٩٣ مجلس ٨٧

حدثنا الشيخ الجليل ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه

القمي قال حدثنا ابو عبد الله احمد بن محمد بن محمد الخليلي عن محمد بن ابي بكر الفقيه عن أحمد بن محمد بن محمد النوفلي، عن إسحاق بن يزيد، عن حماد بن عيسى، عن زرعة بن محمد، عن المفضل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: كيف كان ولادة فاطمة عليها السلام؟ فقال عليه السلام - وساق الحديث إلى أن قال - فبينما هي كذلك إذ دخل عليها أربع نسوة سمر طوال كأنهن من نساء بني هاشم ففرغت منهن لَمَّا رأتهم، فقالت إحديهن: لا تحزني يا خديجة إنا رسل ربك إليك، ونحن أخواتك، أنا سارة، وهذه آسية بنت مزاحم وهي رفيقتك في الجنة، وهذه مريم بنت عمران، وهذه كلثم أخت موسى، بعثنا الله إليك لنلي منك ما تلي النساء من النساء. الحديث.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٦ و ٢٤٧.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

٧ - بحار الأنوار ج ٦ ص ٢٤٣ نقلاً عن كتاب المختصر للحسن بن سليمان ومن الكتاب المذكور للفضل عن محمد بن إسماعيل، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن زيد الشحام، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ أرواح المؤمنين يرون آل محمد عليهم السلام في جبال رضوى فتأكل من طعامهم، وتشرب من شرابهم، وتحدث معهم في مجالسهم حتَّى يقوم قائمنا أهل البيت عليهم السلام فإذا قام قائمنا بعثهم الله وأقبلوا معه يلبّون زمراً فزماً، فعند ذلك يرتاب المبطلون، ويضمحلّ المنتحلون، وينجو المقرّبون.

٨ - بصائر الدرجات على ما في البحار ج ٦ ص ٢٣٠

سلمة بن خطاب، عن عبد الله بن محمد، عن عبد الله بن القاسم، عن عيسى بن شلقان قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنَّ أمير المؤمنين علياً عليه السلام كانت له

خوؤلة في بني مخزوم، وإنَّ شاباً منهم أتاه فقال: يا خالي إنَّ أخي وابن أبي مات، وقد حزنت عليه حزناً شديداً، قال: فتشتهي أن تراه؟ قال: نعم، قال: فأرني قبره، فخرج ومعه برد رسول الله السحاب، فلما انتهى إلى القبر تلملت شفتاه ثم ركضه برجله فخرج من قبره وهو يقول: رميكا - بلسان الفرس - فقال له عليّ عليه السلام: ألم تمت وأنت رجل من العرب؟ قال: بلى، ولكننا متنا على سنة فلان وفلان فانقلبنا ألسنتنا.

٩ - البصائر ص ٢٨٢

محمد بن عيسى عن عثمان بن عيسى عن خبره عن عباية الاسدي قال دخلت على أمير المؤمنين عليه السلام وعنده رجل رث الهيئة وأمير المؤمنين عليه السلام مقبل عليه يكلمه، فلما قام الرجل قلت: يا أمير المؤمنين من هذا الذي أشغلك عنا قال: هذا وصي موسى عليه السلام.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣١.

ثم قال: قد أوردنا أمثال تلك الأخبار الدالة على الأجساد المثالية في باب احتجاج أمير المؤمنين عليه السلام على أبي بكر، وفي باب غصب الخلافة، وفي باب كفر الثلاثة، وفي باب أن الأئمة عليهم السلام يظهرون بعد الموت، وفي أبواب المعجزات، فلا نوردها هنا حذراً من الإطالة والتكرار.

في تعذيبهم المؤمنين بعد موتهم في جنة الدنيا وتعذيب الكفار بعد موتهم بالنار في الدنيا

١ - جامع الأخبار ص ١٧١

روي عن يونس بن ظبيان أنه قال كنت عند أبي عبد الله عليه السلام جالسا فقال عليه السلام

ما يقول الناس في ارواح المؤمنين؟ قلت: يقولون في حواصل طير خضر في قناديل تحت العرش، فقال أبو عبد الله عليه السلام سبحانه الله المؤمن أكرم على الله من أن يجعل روحه في حوصلة طائر خضر، يا يونس المؤمن إذا قبضه الله تعالى صير روحه في قالب كقالبه في الدنيا فيأكلون ويشربون فاذا قدم عليهم القادم عرفوه بتلك الصورة التي كانت في الدنيا وفي رواية أخرى روي عن أبي بصير أنه قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن ارواح المؤمنين فقال: في الجنة على صورة ابدانهم لو رأيته لقلت فلاناً.

٢ - تفسير القمي ج ٢ ص ٢٥٨

«النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا» قال: ذلك في الدنيا قبل القيامة وذلك أن في القيامة لا يكون غدوًّا ولا عشيًّا، لأنَّ الغدوَّ والعشاء إنما يكون في الشمس والقمر وليس في جنان الخلد ونيرانها شمس ولا قمر، قال: وقال رجل لأبي عبد الله عليه السلام: ما تقول في قول الله عزَّ وجل: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا»؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام: ما يقول الناس فيها؟ فقال: يقولون: إنها في نار الخلد وهم لا يعذبون فيما بين ذلك، فقال عليه السلام: فهم من السعداء، فقليل له: جعلت فداك فكيف هذا؟ فقال: إنما هذا في الدنيا فأما في نار الخلد فهو قوله: «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ».

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٧٥.

٣ - تفسير فرات ص ٢٩٣

عن أحمد بن علي بن عيسى الزهري رفعه إلى أصبغ بن نباتة قال: توجهت إلى أمير المؤمنين عليه السلام لأسلم عليه فلم ألبث أن خرج فقمت قائماً على رجلي

فاستقبلته فضرب بكفه إلى كفي فشبك أصابعه في أصابعي ثم قال لي: يا أصبغ بن نباتة قلت: لبيك وسعديك يا أمير المؤمنين، فقال: إنَّ وليَّنا وليَّ الله، فإذا مات كان في الرفيق الأعلى، وسقاه الله من نهر أبرد من الثلج، وأحلى من الشهد؛ فقلت: جعلت فداك وإن كان مذنباً؟ قال: نعم ألم تقرأ كتاب الله: «فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً».

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٦.

في أنه ينادي روح الميِّت أهله من فوق نعشه عند حمله إلى القبر

١ - إرشاد القلوب ص ٦٢

قال النبي: ما من بيت إلا ومملك الموت يأتيه في كل يوم خمس مرّات فإذا وجد الرجل قد انقطع أجله ونفدا كله القى عليه غمّ الموت فغشيتة كرباته وغمرته غمراته فمن أهل بيته الناشرة شعرها والضاربة وجهها والباكية شجوها والصارخة بويلها فما الجزع والفرع والله ما اذهبت لواحد منكم رزقاً ولا قرّبت له اجلاً، ولا أميته حتّى امرت ولا قبضت روحه حتّى استأمرت وإنّ لي فيكم عودة ثمّ عودة حتّى لا يبقى منكم احد ثمّ قال: والذي نفسي بيده لو يرون مكانه ويسمعون كلامه لذهلوا عن ميّتهم ولبكوا على نفوسهم حتّى إذا حمل الميِّت في نعشه رفرفت روحه فوق نعشه تنادي يا أهلي ويا ولدي لا تلعبنّ بلكم الدنيا كما لعبت بي مال معته من حلّه وغير حلّه وخلفته لكم فالمهنا لكم والتبعة عليّ فاحذروا مثل ما قد نزل بي.

ورواه في جامع الأخبار ص ٢٧٠.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٤

عليّ بن إبراهيم، عن محمّد بن عيسى، عن يونس، عن عمرو بن شمر، عن

جابر قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: ما ندري كيف نصنع بالناس؟! إن حدثناهم بما سمعنا من رسول الله صلى الله عليه وآله ضحكوا، وإن سكتنا لم يسعنا. قال: فقال ضمرة بن معبد: حدثنا، فقال: هل تدرون ما يقول عدو الله إذا حمل على سريرته؟ قال: فقلنا: لا؛ قال: فإنه يقول لحملته: ألا تسمعون؟ إنني أشكو إليكم عدو الله خدعني وأوردني ثم لم يصدرني، وأشكو إليكم إخواناً واختهم فخذلوني، وأشكو إليكم داراً أنفقت فيها حرييتي فصار سكانها غيري، فارقوا بي ولا تستعجلوا. قال ضمرة: يا أبا الحسن إن كان هذا يتكلم بهذا الكلام يوشك أن يشب على أعناق الذين يحملونه، قال: فقال علي بن الحسين عليه السلام: اللهم إن كان ضمرة هزاً من حديث رسولك فخذ به أخذ أسف، قال: فمكث أربعين يوماً ثم مات، فحضره مولى له قال: فلما دفن أتى علي بن الحسين عليه السلام فجلس إليه فقال له: من أين جئت يا فلان؟ قال: من جنازة ضمرة، فوضعت وجهي عليه حين سوّى عليه فسمعت صوته والله أعرفه كما كنت أعرفه وهو حي وهو يقول: ويلك يا ضمرة بن معبد! اليوم خذلك كل خليل وصار مصيرك إلى الجحيم فيها مسكنك ومبيتك والمقيل. قال: فقال علي بن الحسين عليه السلام: أسأل الله العافية، هذا جزاء من يهزأ من حديث رسول الله صلى الله عليه وآله.

توضيح: حريبة الرجل ماله الذي يعيش به .

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٥٩.

٣ - البحار ج ٥٨ ص ٧

قوله صلى الله عليه وآله في خطبة طويلة له «حتى إذا حمل الميت على نعشه رفر ف روحه فوق النعش ويقول: يا أهلي ويا ولدي لا تلعبن بكم الدنيا كما لعبت بي، جمعت المال من حلّه ومن غير حلّه، فالمهناً لغيري والتبعة عليّ، فاحذروا مثل ما حلّ بي».

٤ - بحار الأنوار ج ٦ ص ٢٤٣

و من كتاب الشفاء والجلاء عن عليّ بن الحسين عليهما السلام قال: إنّ المؤمن ليقال لروحه وهو يغسل: أيسرّك أن تردّ إلى الجسد الذي كنت فيه؟ فيقول: ما أصنع بالبلاء والخسران والغمّ.

في أنّ روح المؤمن بعد الموت يأتي أهله ويزورهم.

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٠

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن عليّ بن الحكم، عن عليّ بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما من مؤمن ولا كافر إلاّ وهو يأتي أهله عند زوال الشمس، فإذا رأى أهله يعملون بالصالحات حمد الله على ذلك، وإذا رأى الكافر أهله يعملون بالصالحات كانت عليه حسرة.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٥٧.

٢ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ١١٥ باب التعزية ح ٤١

وسأل اسحاق بن عمار ابا الحسن الاول عليه السلام عن المومن يزور اهله فقال نعم قال في كم؟ فقال على قدر فضائلهم، منهم من يزور في كلّ يوم ومنهم من يزور في كلّ يومين ومنهم من يزور في كلّ ثلاثة ايام، قال ثم رأيت في مجرى كلامه انه يقول ادناهم جمعة فقال له في اي ساعة؟ قال عند زوال الشمس او قبيل ذلك فيبعث الله معه ملكاً يريه ما يسرّ به ويستتر عنه ما يكرهه فيرى سروراً ويرجع الى قرة عين.

٣ - جامع الأخبار ص ١٦٩

قال صلى الله عليه وآله: إنّ ارواح المؤمنين تأتي كل جمعة الى السماء الدنيا بحذاء دورهم

وبيوتهم ينادي كل واحد منهم بصوت حزين باكين يا اهلي ويا ولدي ويا ابي ويا امي واقربائي اعطفوا علينا يرحمكم الله بالذي كان في ايدينا والويل والحساب علينا والمنفعة لغيرنا وينادي كل واحد منهم الى اقربائه اعطفوا علينا بدرهم أو برغيف أو بكسوة يكسوكم الله من لباس الجنة ثم بكى النبي ﷺ وبكىنا معه فلم يستطع النبي ﷺ ان يتكلم من كثرة بكائه ثم قال اولئك اخوانكم في الدين فصاروا تراباً رميماً بعد السرور والنعيم فينادون بالويل والثبور على أنفسهم يقولون يا ويلنا لو انفقنا ما كان في ايدينا في طاعة الله ورضائه ما كنا نحتاج اليكم فيرجعون بحسرة وندامة وينادون اسرعوا صدقة الاموات.

٤ - سعد السعود ص ٢٣٦

حديث ابي القاسم عبد الواحد بن عبد الله بن يونس الموصلي اخبرنا محمد بن علي اخبرنا ابي جعفر بن عبد الجبار عن ابراهيم بن عبد الحميد عن ابي الحسن عليه السلام قال: كان أبو الحسن في دار عائشة فتحول منها بعياله فقلت له جعلت فداك أتحوّلت من دار ابيك؟ فقال: اني احببت أن اوسع على عيال ابي انهم كانوا في ضيق واحببت ان اوسع عليهم حتى يعلم اني وسعت على عياله، فقلت: هذا للامام خاصة؟ قال: وللمؤمنين، ما من مؤمن إلا وهو يلمّ باهله كل جمعة فان رأى خيراً حمد الله عز وجل وإن رأى غير ذلك استغفر واسترجع.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٥٨.

٥ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٠

العدة، عن سهل، عن ابن محبوب، عن إسحاق بن عمار، عن أبي الحسن الأول عليه السلام قال: سألته عن الميت يزور أهله؟ قال: نعم، فقلت: في كم يزور؟ قال:

في الجمعة وفي الشهر وفي السنة على قدر منزلته، فقلت: في أي صورة يأتيهم؟ قال: في صورة طائر لطيف يسقط على جدرهم ويشرف عليهم، فإن رآهم بخير فرح، وإن رآهم بشرّ وحاجة وحزن اغتمّ. نقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٥٧.

٦ - الكافي ج ٣ ص ٢٣١

العدّة، عن سهل، عن محمد بن سنان، عن إسحاق بن عمّار، قال: قلت لأبي الحسن الأول عليه السلام: يزور المؤمن أهله؟ فقال: نعم، فقلت: في كم؟ قال على قدر فضائلهم، منهم من يزور في كلّ يوم، ومنهم من يزور في كلّ يومين، ومنهم من يزور في كلّ ثلاثة أيّام؛ قال: ثمّ رأيت في مجرى كلامه يقول: أدناهم منزلة يزور كلّ جمعة؛ قال: قلت: في أيّ ساعة؟ قال: عند زوال الشمس ومثل ذلك، قال: قلت: في أيّ صورة؟ قال: في صورة العصفور أو أصغر من ذلك، يبعث الله عزّ وجلّ معه ملكاً فيريه ما يسرّه، ويستر عنه ما يكره، فيرى ما يسرّه ويرجع إلى قرّة عين.

٧ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٠

العدّة، عن سهل، عن إسماعيل بن مهران، عن درست الواسطيّ عن إسحاق بن عمّار، عن عبد الرحيم القصير قال: قلت له: المؤمن يزور أهله؟ فقال: نعم يستأذن ربّه فيأذن له فيبعث معه ملكين فيأتيهم في بعض صور الطير يقع في داره ينظر إليهم ويسمع كلامهم.

نقلهما عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٥٧.

٨ - الكافي ج ٣ ص ٢٣٠

عليّ، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حفص بن البختريّ، عن

أبي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيُزُورُ أَهْلَهُ فَيَرَى مَا يَحِبُّ وَيَسْتَرِ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ، وَإِنَّ الْكَافِرَ لِيُزُورَ أَهْلَهُ فَيَرَى مَا يَكْرَهُ وَيَسْتَرِ عَنْهُ مَا يَحِبُّ؛ قَالَ: وَمِنْهُمْ مَنْ يُزُورُ كُلَّ جُمُعَةٍ وَمِنْهُمْ مَنْ يُزُورُ عَلَى قَدَرِ عَمَلِهِ .
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٥٦.

٩ - الأصول الستة عشر ص ٤٣ و ٤٤، كتاب زيد النرسي

حدثنا الشيخ ابو محمد هرون بن موسى بن احمد التلعكبري ايده الله قال حدثنا ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد الهمداني قال حدثنا جعفر بن عبد الله العلوي ابو عبد الله المحمدي قال: حدثنا محمد بن ابي عمير عن زيد النرسي عن ابي عبد الله عليه السلام قال سمعته يقول اذا كان يوم الجمعة ويوم العيدين امر الله رضوان خازن الجنان ان ينادي في ارواح المؤمنين وهم في عرصات الجنان ان الله قد اذن لكم الجمعة بالزيارة الى اهاليكم واحباؤكم من اهل الدنيا ثم يامر الله رضوان ان يأتي لكل روح بناقة من نوق الجنة عليها قبة من زبرجدة خضراء غشائها من ياقوتة رطبة صفراء على النوق جلال وبراقع من سندس الجنان واستبرقها فيركبون تلك النوق عليهم حلل الجنة متوجون بتيجان الدر الرطب تضييء كما تضييء الكواكب الدرية في جو السماء من قرب الناظر اليها لا من البعد فيجتمعون في العرصة ثم يامر الله جبرئيل في اهل السموات ان تستقبلوهم فتستقبلهم ملائكة كل سماء وتشيعهم الى السماء الاخرى فينزلون بوادي السلام وهو واد بظهر الكوفة ثم يتفرقون في البلدان والامصار حتى يزورون اهاليهم الذي كانوا معهم في دار الدنيا ومعهم ملائكة يصرفون وجوههم عما يكرهون النظر اليه الى ما يحبون ويزورون حفر الابدان حتى ما اذا صلى الناس وراح اهل الدنيا الى منازلهم من مصلاهم نادى فيهم جبرئيل بالرحيل الى غرفات الجنان فيرحلون قال فبكى رجل في المجلس فقال جعلت فداك هذا للمؤمن فما حال الكافر فقال

ابو عبد الله عليه السلام ابدان ملعونة تحت الثرى في بقاع النار وارواح خبيثة ملعونة تجري بوادي برهوت من بئر الكبريت في مركبات الخبيثات الملعونات تؤدى ذلك الفرع والاهوال الى الابدان الملعونة الخبيثة تحت الثرى في بقاع النار فهي بمنزلة النائم إذا رأى الاهوال فلا تزال تلك الابدان فزعة زعرة وتلك الارواح معذبة بانواع العذاب في انواع المركبات المسخوطات الملعونات المصفوفات مسجونات فيها لا ترى روحاً ولا راحة الى مبعث قائمنا فيحشرها الله من تلك المركبات فتد في الابدان وذلك عند النشرات (النشات خ د) فتضرب اعناقهم ثم تصير الى النار ابد الابدن ودهر الداهرين؟
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٩٢.

في أن أرواح الشيعة بعد الموت لتصعد إلى السماء أمالى الصدوق ص ٥٦١ مركز تحقيقات كافي علوم حسدى

حدثنا ابي عليه السلام قال حدثنا سعد بن عبدالله قال حدثنا احمد بن خالد عن القاسم بن يحيى، عن جدّه الحسن بن راشد، عن أبي عبدالله، عن آبائه عليهم السلام عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله - وساق الحديث إلى أن قال - : يا عليّ إنّ أرواح شيعتك لتصعد إلى السماء في رقادهم ووفاتهم، فتنظر الملائكة إليها كما ينظر الناس إلى الهلال، شوقاً إليهم ولما يرون من منزلتهم عند الله عزّ وجلّ (الخبر).

في أن أرواح المؤمنين بعد الموت في الجنة

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٥

محمّد، عن أحمد، عن الحسين بن سعيد، عن أخيه الحسن، عن زرعة، عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام : إنّنا نتحدّث عن أرواح المؤمنين أنّها في

حواصل طيور خضر ترعى في الجنة وتأوي إلى قناديل تحت العرش؟ فقال: لا، إذا ما هي في حواصل طير، قلت: فأين هي؟ قال: في روضة كهيئة الأجساد في الجنة.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٤

عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن مثنى الحنّاط، عن أبي بصير قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إنَّ أرواح المؤمنين لفي شجرة من الجنة يأكلون من طعامها ويشربون من شرابها ويقولون: ربّنا أقم الساعة لنا وأنجز لنا ما وعدتنا والحق آخرنا بأولنا.



٣ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٤

سهل بن زياد، عن إسماعيل بن مهران، عن درست بن أبي منصور، عن ابن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ الأرواح في صفة الأجساد في شجرة في الجنة تعارف وتساءل فإذا قدمت الروح على الأرواح يقول: دعوها فإنّها قد أفلتت من هول عظيم ثمّ يسألونها ما فعل فلان وما فعل فلان؟ فإن قالت لهم: تركته حيّاً ارتجوه وإن قالت لهم: قد هلك قالوا: قد هوى هوى.

٤ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٤

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن محمد بن عثمان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن أرواح المؤمنين، فقال: في حجرات في الجنة يأكلون من طعامها ويشربون من شرابها ويقولون: ربّنا أقم الساعة لنا وأنجز لنا ما وعدتنا والحق آخرنا بأولنا.

٥ - أمالي الطوسي ص ٤١٨

المفيد، عن ابن قولويه، عن محمد بن همام، عن الحميري، عن ابن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد، عن الحسين بن أحمد، عن ابن ظبيان قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فقال: ما يقول الناس في أرواح المؤمنين بعد موتهم؟ قلت: يقولون: في حواصل طيور خضر، فقال: سبحان الله المؤمن أكرم على الله من ذلك، إذا كان ذلك أتاه رسول الله صلى الله عليه وآله وعليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام ومعهم ملائكة الله عزّ وجلّ المقربون، فإن أنطق الله لسانه بالشهادة له بالتوحيد، وللنبي صلى الله عليه وآله بالنبوة، والولاية لأهل البيت عليهم السلام شهد على ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله وعليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام والملائكة المقربون معهم؛ وإن اعتقل لسانه خصّ الله نبيه صلى الله عليه وآله بعلم ما في قلبه من ذلك فشهد به، وشهد على شهادة النبي صلى الله عليه وآله وعليّ وفاطمة والحسن والحسين على جماعتهم من الله أفضل الصلاة والسلام، ومن حضر معهم من الملائكة، فإذا قبض الله روحه إليه صير تلك الروح إلى الجنة في صورة كصورته فيأكلون ويشربون، فإذا قدم عليهم القادم عرفهم بتلك الصورة التي كانت في الدنيا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٩.

٦ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٤

عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن مثنى الحنّاط عن أبي بصير قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إنّ أرواح المؤمنين لفي شجرة من الجنة يأكلون من طعامها، ويشربون من شرايها، ويقولون: ربّنا أقم لنا الساعة، وأنجز لنا ما وعدتنا، وألحق آخرنا بأوّلنا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٨.

٧ - تفسير القمي ج ١ ص ٣٣٨

﴿وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾ فهذا هو في نار الدنيا قبل القيامة ﴿﴾، وأما قوله: ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا﴾ يعني في جنان الدنيا التي تنقل إليها أرواح المؤمنين «ما دامت السماوات والأرض إلا ما شاء ربك عطاء غير مجذوذ» يعني غير مقطوع من نعيم الآخرة في الجنة يكون متصلاً به.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٥.

٨ - المحاسن ص ١٧٨

ابن محبوب، عن إبراهيم بن إسحاق الجازي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أين أرواح المؤمنين؟ فقال: أرواح المؤمنين في حجرات في الجنة، يأكلون من طعامها، ويشربون من شرابها، ويتزاوون فيها، ويقولون: ربنا أقم لنا الساعة لتنجز لنا ما وعدتنا، قال: قلت: فأين أرواح الكفار؟ فقال في حجرات النار، يأكلون من طعامها، ويشربون من شرابها ويتزاوون فيها، ويقولون: ربنا لا تقم لنا الساعة لتنجز لنا ما وعدتنا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٤.

٩ - المحاسن ص ١٧٨

أبي، عن حمزة بن عبد الله، عن جميل بن دراج قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن المؤمنين إذا أخذوا مضاجعهم أوصد الله بأرواحهم إليه، فمن قضى له عليه الموت جعله في رياض الجنة كنوز رحمته، ونور عزته؛ وإن لم يقدر عليها الموت بعث بها

مع أمنائه من الملائكة إلى الأبدان التي هي فيها.
ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٤.

١٠ - كتاب الزهد ص ٨٩

محمد بن أبي عمير عن علي عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن
أرواح المؤمنين فقال: في حجرات في الجنة يأكلون من طعامها ويشربون من
شرابها ويقولون: ربنا اقم لنا الساعة وانجز لنا ما وعدتنا والحق آخرنا باولنا.

١١ - تفسير قمي ج ٢ ص ٤٠٣

في رواية أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا» يعني
أرواح المؤمنين، سبق أرواحهم إلى الجنة بمثل الدنيا، وأرواح الكافرين إلى النار
بمثل ذلك.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٢٨.

في أن الله جنة في المغرب يخرج إليها أرواح المؤمنين وناراً في المشرق يسكنها
أرواح الكفار

الكافي ج ٣ ص ٢٤٦

العدة، عن أحمد بن محمد، وسهل بن زياد، وعلي بن إبراهيم، عن أبيه جميعاً،
عن ابن محبوب، عن ابن رثاب، عن ضريس الكناسي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام
أن الناس يذكرون أن فراتنا يخرج من الجنة فكيف هو وهو يقبل من المغرب
وتصب فيه العيون والأودية؟ قال: فقال أبو جعفر عليه السلام - وأنا أسمع - إن الله جنة
خلقها الله في المغرب وماء فراتكم هذه يخرج منها، وإليها تخرج أرواح المؤمنين

من حفرهم عند كل مساء، فتسقط على ثمارها وتأكل منها وتتنعم فيها وتتلاقى وتتعارف، فإذا طلع الفجر هاجت من الجنة فكانت في الهواء فيما بين السماء والأرض تطير ذاهبةً وجائيةً وتعهد حفرها إذا طلعت الشمس وتتلاقى في الهواء وتتعارف؛ قال: وإنَّ لله ناراً في المشرق خلقها ليسكنها أرواح الكفار، ويأكلون من زقومها، ويشربون من حميمها ليلهم، فإذا طلع الفجر هاجت إلى واد باليمن يقال له: برهوت أشدَّ حرّاً من نيران الدنيا كانوا فيه يتلاقون ويتعارفون، فإذا كان المساء عادوا إلى النار فهم كذلك إلى يوم القيامة؛ قال: قلت: أصلحك الله ما حال الموحّدين المقرّين بنبوّة محمد ﷺ من المسلمين المذنبين الذين يموتون وليس لهم إمام ولا يعرفون ولا يتكلم؟ فقال: أمّا هؤلاء فإنهم في حفرهم لا يخرجون منها، فمن كان منهم له عمل صالح ولم تظهر منه عداوة فإنّه يخذّ له خدّاً إلى الجنة التي خلقها الله في المغرب فيدخل عليه منها الروح في حفرته إلى يوم القيامة، فيلقى الله فيحاسبه بحسناته وسيئاته، فإمّا إلى الجنة، أو إلى نار، فهؤلاء موقوفون لأمر الله، قال: وكذلك يفعل الله بالمستضعفين والبله والأطفال وأولاد المسلمين الذين لم يبلغوا الحلم، فأما النصاب من أهل القبلة فإنهم يخذّ لهم خدّاً إلى النار التي خلقها الله في المشرق فيدخل عليهم منها اللهب والشرر والدخان وفورة الحميم إلى يوم القيامة، ثمّ مصيرهم إلى الحميم ثمّ في النار يُسَجَّرُونَ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ: أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ؟ أَيْنَ إِمَامُكُمْ الَّذِي اتَّخَذْتُمُوهُ دُونَ الْإِمَامِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٩ و ٢٩٠.

في أنّ الأرواح بعد الموت يتلاقون ويتزاورون

١ - المحاسن ص ١٧٨

عنه، عن ابن فضال، عن حمّاد بن عثمان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام

قال: ذكر الأرواح أرواح المؤمنين فقال: يلتقون، قلت: يلتقون؟ - فقال: يتساءلون ويتعارفون حتى إذا رأيته قلت: فلان.

٢ - المحاسن ص ١٧٨

عنه، عن الحسن بن محبوب، عن ابراهيم بن اسحاق الجازي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أين أرواح المؤمنين؟ - فقال: أرواح المؤمنين في حجرات في الجنة، يأكلون من طعامها ويشربون من شرابها ويتزاورون فيها ويقولون: «ربنا أقم لنا الساعة لتنجز لنا ما وعدتنا»، قال: قلت: فأين أرواح الكفار؟ - فقال: في حجرات في النار، يأكلون من طعامها ويشربون من شرابها ويتزاورون فيها ويقولون: «ربنا لا تقم لنا الساعة لتنجز لنا ما وعدتنا».

ونقلهما عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٣٤.

مركز تحقيقات كافي علوم حسني

في أن أرواح المؤمنين بعد الموت في أبدان كأبدانهم

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٤

علي بن ابراهيم، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي ولاد الحنّاط عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: جعلت فداك يروون أن أرواح المؤمنين في حواصل طيور خضر حول العرش؟ فقال: لا، المؤمن أكرم على الله من أن يجعل روحه في حوصلة طير ولكن في أبدان كأبدانهم.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٥

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد، عن القاسم بن محمد، عن الحسين بن أحمد، عن يونس بن ظبيان قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فقال: ما يقول الناس في أرواح المؤمنين؟ فقلت: يقولون: تكون في

حواصل طيور خضر في قناديل تحت العرش فقال أبو عبد الله عليه السلام: سبحان الله المؤمن أكرم على الله من أن يجعل روحه في حوصلة طير، يا يونس إذا كان ذلك أتاه محمد عليه وآله وعلي عليه السلام وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام والملائكة المقربون عليهم السلام فإذا قبضه الله عز وجل صير تلك الروح في قالب كقالبه في الدنيا فيأكلون ويشربون فإذا قدم عليهم القادم عرفوه بتلك الصورة التي كانت في الدنيا.

٣ - كتاب الزهد ص ٨٩

القاسم عن الحسين بن حماد عن يونس بن ظبيان قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فقال لي: ما تقول الناس في أرواح المؤمنين؟ فقلت: يقولون: (تكون) في حواصل طيور خضر في قناديل تحت العرش فقال أبو عبد الله عليه السلام: سبحان الله المؤمن أكرم على الله من أن يجعل روحه في حوصلة طير أخضر يا يونس إذا كان ذلك أتاه محمد عليه وآله وعلي عليه السلام وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام والملائكة المقربون عليهم السلام فإذا قبضه (الله عز وجل) صير تلك الروح في قالب كقالبه في الدنيا فيأكلون ويشربون فإذا قدم عليهم القادم عرفوه بتلك الصورة التي كانت في الدنيا.

حديث فيه: تكلم الميت، وأخباره عن شدة سكرات الموت، وقبض الروح وضغطة القبر وإتيان نكير ومنكر وسؤال القبر ورؤيته الجنة والنار في القبر

الفضائل لابن شاذان ص ٨٦ - ٩٢

«حكاية وفاة سلمان الفارسي عليه السلام» حدثنا الامام شيخ الاسلام ابو الحسن بن علي بن محمد المهدى بالاسناد الصحيح عن الاصبع بن نباتة انه قال كنت مع سلمان الفارسي عليه السلام وهو امير المدائن في زمان أمير المؤمنين علي بن ابي

طالب عليه السلام وذلك انه قد ولاه المدائن عمر ابن الخطاب فقام إلى أن ولي الأمر علي بن ابي طالب عليه السلام قال الاصبع فأتيته يوما زائراً وقد مرض مرضه الذي مات فيه قال فلم أزل اعوده في مرضه حتى اشتد به وايقن بالموت قال فالتفت الي وقال يا اصبع عهدي برسول الله صلى الله عليه وآله وقد اردفني يوما وراءه فالتفت الي وقال لي يا سلمان سيكلمك ميت اذا دنت وفاتك وقد اشتهيت ان ادري وفاتي دنت أم لا فقال الاصبع ماذا تأمرني به يا سلمان قال له يا اخي تخرج وتأتيني بسرير وتفرش عليه ما يفرش للموتى ثم تحملني بين اربعة فتأتون بي الى المقبرة فقال الاصبع حباً وكرامة قال فخرجت مسرعاً وغبت ساعة وأتيته بسرير وفرشت عليه ما يفرش للموتى ثم أتيته بقوم حملوه حتى اتوا به الى المقبرة فلما وضعوه فيها قال لهم يا قوم استقبلوا بوجهي القبلة فلما استقبل القبلة بوجهه نادى بعلو صوته السلام عليكم يا أهل عرصة البلاد السلام عليكم يا محتجبين من الدنيا قال فلم يجبه احد فنادى ثانية السلام عليكم يا من جعلت المنايا لهم غذاء السلام عليكم يا من جعلت الارض عليهم غطاء السلام عليكم يا من لقوا اعمالهم في دار الدنيا السلام عليكم يا منتظرين النفخة الاولى سألتكم بالله العظيم والنبي الكريم إلا اجابني منكم مجيب فانا سلمان الفارسي مولى رسول الله صلى الله عليه وآله وانه صلى الله عليه وآله قال لي يا سلمان اذا دنت وفاتك سيكلمك ميت وقد اشتهيت ان ادري دنت وفاتي أم لا فلما سكت سلمان من كلامه فاذا هو بميت قد نطق من قبره وهو يقول السلام عليكم ورحمة الله وبركاته يا اهل البناء والفناء المشتغلون بعرصة الدنيا ها نحن لكلامك مستمعون ولجوابك مسرعون فسل عما بدا لك يرحمك الله تعالى قال سلمان ايها الناطق بعد الموت المتكلم بعد حسرة الفوت أمن اهل الجنة انت بعفوه أم من اهل النار بعدله فقال يا سلمان انا ممن انعم الله تعالى عليه بعفوه وكرمه وادخله جنته برحمته فقال له سلمان الآن يا عبد الله صف لي الموت كيف وجدته وماذا لقيت

منه وما رأيت وما عاينت قال مهلا يا سلمان فوالله ان قرضا بالمقاريض ونشراً بالمناشير لأهون علي من غصص الموت ولسبعون ضربة بالسيف أهون علي من نزعة من نزعات الموت فقال سلمان ما كان حالك في دار الدنيا قال اعلم اني كنت في دار الدنيا ممن الهمني الله تعالى الخير وكنت اعمل به واؤدي فرائضه واتلو كتابه واحرص في بر الوالدين واجتنب المحارم وانزع عن المظالم واكد الليل والنهار في طلب الحلال خوفاً من وقفة السؤال فينا انا في الدار العيش وغبطة وفرح وسرور اذ مرضت وبقيت في مرضي اياما حتى انقضت من الدنيا مدتي وقرب موتي فاتاني عند ذلك شخص عظيم الخلقة فطبع المنظر فوقف مقابل وجهي لا الى السماء صاعداً ولا الى الارض نازلاً فأشار إلى بصرى فأعماه والى سمعي فأصمه وإلى لساني فأخرسه فصرت لا ابصر ولا اسمع فعند ذلك بكى اهلي واعواني وظهر خبري الى اخواني وجيراني فقلت له عند ذلك من انت يا هذا الذي اشغلتنى من مالي واهلي وولدي فقال انا ملك الموت اتيتك لأتقلك من الدنيا الى الآخرة فقد انقطعت مدتك وجاءت منيتك فبينما هو كذلك يخاطبني اذا اتاه شخصان وهما احسن خلق الله ما رأيت أحسن منهما فجلس احدهما عن يميني والآخر عن شمالي فقالا لي السلام عليك ورحمة الله وبركاته قد جئناك بكتابك فخذ الآخرة الآن وانظر ما فيه فقلت لهم اي كتاب لي اقرأه قالوا نحن الملكان الذان كنا معك في دار الدنيا نكتب مالك وما عليك وهذا كتاب عملك فنظرت في كتاب الحسنات وهو بيد الرقيب فسرني ما فيه وما رأيت من الخير فضحكت عند ذلك وفرحت فرحاً شديداً ونظرت الى كتاب السيئات وهو بيد العتيد فساءني بما رأيت وابكاني فقالا لي ابشر فلك الخير ثم دنا مني الشخص الاول ف جذب الروح فليس من جذبة يجذبها إلا وهي تقوم مقام كل شدة من السماء الى الارض فلم يزل كذلك حتى صارت الروح في صدري ثم اشار الي بجذبة لو انها وضعت على

الجبال لذابت فقبض روعي من عرين انفي فعلا من أهلي عند ذلك الصراخ وليس من شيء يقال ويفعل إلا وأنا به عالم فعلا اشتد صراخ القوم وبكاؤهم جزعا علي التفت اليهم ملك الموت بغيظ وقنوط وقال معاشر القوم مم بكاؤكم فوالله ما ظلمناه فتشكوا ولا اعتدينا عليه فتضجوا وتبكوا ولكن نحن وانتم عبيد رب واحد ولو امرتم فينا كما امرنا فيكم لامثلتم فينا كما امثلنا فيكم والله ما اخذناه حتى فني رزقه وانقطعت مدته وصار الى رب كريم يحكم فيه كما يشاء وهو على كل شيء قدير فان صبرتم اجرتم وإن جزعتم اثمتم كم لي من رجعة اليكم اخذ البنين والبنات والاباء والأمهات ثم انصرف عند ذلك عني والروح معه فعند ذلك أتانا ملك آخر فاخذها منه وتركها في ثوب اخضر من حرير وصعد بها ووضعها بين يدي الله في أقل من طبقة جفن على جفن فلما حصلت الروح بين يدي ربي سبحانه وتعالى سألتها عن الصغيرة والكبيرة وعن الصلاة والصيام في شهر رمضان وحج بيت الله الحرام وقراءة القرآن والزكاة والصدقات وسائر الاوقات والايام وطاعة الوالدين وعن قتل النفس بغير الحق واكل مال اليتيم وعن مظالم العباد وعن التهجد بالليل والناس نيام وما يشاكل ذلك ثم من بعد ذلك ردت الروح الى الارض باذن الله تعالى فعند ذلك أتاني غاسل فجردني من اثوابي واخذ في تغسيلي فنادته الروح يا عبد الله رفقا بالبدن الضعيف فوالله ما خرجت من عرق إلا انقطع ولا عضو إلا انصدع فوالله لو سمع الغاسل ذلك القول لما غسل ميتا ابداً ثم انه اجرى على الماء وغسلني ثلاثة اغسال وكفني في ثلاث أثواب وحنطني في حنوط وهو الزاد الذي خرجت به الى دار الآخرة ثم جذب الخاتم من يدي اليمن بعد فراغه من الغسل ودفعه الى الاكبر من ولدي وقال أجرك الله تعالى في ابك وأحسن لك الاجر والعزاء ثم ادرجني في الكفن ولفني ونادى أهلي وجيرانني وقال هلموا اليه بالوداع فأقبلوا عند ذلك لوداعي فلما فرغوا من وداعي حملت

على سرير من خشب والروح عند ذلك بين وجهي وكفني حتى وضعت الصلاة فصلوا علي فلما فرغوا من الصلاة حملت الى قبري ودلت فيه فعاينت هولا عظيما يا سلمان يا عبد الله اعلم اني لما وقعت من سريري إلى لحدي تخيل لي اني قد سقطت من السماء الى الارض في لحدي وشرح علي اللبن وحشى التراب علي وواروني فعند ذلك سلبت الروح من اللسان وانقلب السمع والبصر فلما نادى المنادي بالانصراف اخذت في الندم وبكيت من القبر وضيقه وضغطه وقلت يا ليتني كنت من الراجعين لعملت عملا صالحا فجاءوني مجيب من جانب القبر « كلا انها كلمة هو قائلها ومن ورائهم برزخ الى يوم يبعثون » فقلت له من انت يا هذا الذي يكلمني وتحدثني فقال انا منبه فقلت له من انت يا منبه قال انا ملك وكلني الله عز وجل بجميع خلقه لا نبههم بعد مماتهم ليكتبوا اعمالهم على انفسهم بين يدي الله عز وجل ثم جذبني واجلسني وقال لي اكتب عملك فقلت اني لا احصيه فقال لي اما سمعت قول ربكم « احصاه الله ونسوه » ثم قال لي اكتب وانا املي عليك فقلت اين البياض فجذب جانبا من كفني فاذا هو رق فقال هذه صحيفتك فقلت من اين القلم قال سبابتك فقلت من اين المداد قال ريقك ثم املى علي ما فعلته في دار الدنيا فلم يبق من اعماله صغيرة ولا كبيرة ثم تلا علي « لا يغادر صغيرة ولا كبيرة الا احصاها ووجدوا ما علموا حاضرا ولا يظلم ربك أحدا » ثم انه اخذ الكتاب وختمه بخاتم وطوقه في عنقي فخيّل لي ان جبال الدنيا جميعا قد طوقوها في عنقي فقلت له يا منبه ولم تفعل بي هكذا قال ألم تسمع قول ربك (وكل انسان أزمانه طأثره في عنقه ونخرج له يوم القيامة كتابا يلقاه منشورا) (اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيبا) فهذا تخاطب به يوم القيامة ويؤتى بك وبكتابك بين عينيك منشورا تشهد فيه على نفسك ثم انصرف عني فأتاني منكر باعظم منظر وأوحش شخص ويده عمود من الحديد لو اجتمعت عليه اهل الثقلين

ما حركوه من ثقله فروعني وازعجني وهددني ثم انه قبض بلحيتي واجلسني ثم انه صاح بي صيحة لو سمعها أهل الارض لماتوا جميعا ثم قال لي يا عبد الله اخبرني من ربك وما دينك ومن نبيك وما أنت عليه وما قولك في دار الدنيا فاعتقل لساني من فزعه وتحيرت في امري وما أدري ما اقول وليس في جسمي عضو إلا فارقني من الفرع وانقطعت اعضائي وأوصالي من الخوف فالتفتني رحمة من ربي فامسك بها قلبي وأطلق بها لساني فقلت له يا عبد الله لم تفرعني وانا مؤمن اعلم اني اشهد ان لا إله إلا الله وان محمداً رسول الله ﷺ وان الله ربي ومحمد نبي والاسلام ديني والقرآن كتابي والكعبة قبلتي وعليها امامي والمؤمنين اخواني وان الموت حق والسؤال حق والصراط حق والجنة حق والنار حق وان الساعة لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور فهذا قلبي واعتقادي وعليه القى ربي في معادى فعند ذلك قال لي الآن ابشر يا عبد الله بالسلامة فقد نجوت ومضى عني واتاني نكير وصاح بي صيحة هائلة أعظم من الاولى فاشتبكت اعضائي بعضها في بعض كاشتباك الاصابع ثم قال هات الآن عملك يا عبد الله فبقيت حائراً متفكراً في رد الجواب فعند ذلك صرف الله عني شدة الروع والفرع وألهمني حاجتي وحسن اليقين والتوفيق فقلت عند ذلك يا عبد الله رفقا بي ولا تزعجني فاني قد خرجت من الدنيا وانا اشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده رسوله وان امير المؤمنين علي بن ابي طالب والأئمة الطاهرين من ذريته أئمتي وان الموت حق والصراط حق والميزان حق والحساب حق ومساءلة منكر ونكير حق والبعث حق وان الجنة وما وعد الله من النعيم حق وان النار وما وعد الله فيها من العذاب حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور فقال يا عبد الله ابشر بالنعيم الدائم والخير المقيم ثم انه اضجعني وقال نم نومة العروس ثم انه فتح لي بابا من عند رأسي إلى الجنة وبابا من عند رجلي إلى النار

ثم قال يا عبد الله انظر الى ما صرت إليه من الجنة والنعيم والى ما نجوت منه من نار الجحيم ثم سد الباب الذي من عند رجلي وابقى الباب الذي من عند رأسي مفتوحا الى الجنة فجعل يدخل على من روح الجنة ونعيمها واوسع لحدي مد البصر واسرج لي سراجا أضوا من الشمس والقمر ومضى عني فهذه صفتي وحديثي وما لقيته من شدة الاهوال وانا اشهد ان مرارة الموت في حلقي الى يوم القيامة فراقب الله ايها السائل خوفا من وقفة المسائل وخف من هول المطلاع وما قد ذكرته لك هذا الذي لقيته وانا من الصالحين قال ثم انقطع عند ذلك كلامه. فقال سلمان عليه السلام للاصبغ ومن كان معه هلموا الي واحملوني فلما وصل الى المنزل قال حطوني رحمكم الله فانزلناه الى الارض فقال اسندوني فاسندناه ثم رمق بطرفه الى السماء وقال يا من بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون وهو يجير ولا يجار عليه بك آمنت ولنبيك اتبعت وبكتابك صدقت وقد اتاني ما وعدتني يا من لا يخلف الميعاد اقبضني الى رحمتك وأرلني كرامتك فاني أشهد أن لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك واشهد ان محمداً عبدك ورسولك وان عليا أمير المؤمنين وامام المتقين والائمة من ذريته ائمتي وسادتي فلما كمل شهادته قضى نحبه ولقي ربه عليه السلام قال فبينما نحن كذلك اذ اتى رجل على بغلة شهباء ملتئما فسلم علينا فرددنا السلام عليه فقال يا صبغ جدوا في امر سلمان فأخذنا في امره فأخذ معه حنوطا وكفنا فقال هلموا فان عندي ما ينوب عنه فاتيناه بماء ومغسل فلم يزل يغسله بيده حتى فرغ وكفنه وصلينا عليه ودفناه ولحده بيده فلما فرغ من دفنه وهم بالانصراف تعلقنا به وقلنا له من أنت فكشف لنا عن وجهه عليه السلام فسطع النور من ثناياه كالبرق الخاطف فاذا هو أمير المؤمنين فقلت له يا أمير المؤمنين كيف كان مجيئك ومن اعلمك بموت سلمان قال فالتفت الي عليه السلام وقال آخذ عليك يا اصبغ عهداً لله وميثاقه انك لا تحدث بها احداً ما دمت في دار الدنيا فقلت يا امير المؤمنين أموت قبلك فقال لا يا اصبغ بل يطول عمرك قلت له يا

امير المؤمنين خذ علي عهداً وميثاقاً اني لك سامع مطيع اني لا احدث به احداً حتى يقضي الي من امرك ما يقضي وهو على كل شيء قدير فقال يا اصبح بذا عهد الي رسول الله ﷺ اني قد صليت هذه الساعة بالكوفة وقد خرجت اريد منزلي فلما وصلت الي منزلي اضطجعت فاتاني آت في منامي وقال يا علي ان سلماً قد قضى فركبت بغلتي واخذت معي ما يصلح للموتى فجعلت اسير فقرب الله لي البعيد فجئت كما تراني وبهذا اخبرني رسول الله ﷺ ثم انه دفنه وواراه فلم أدر أصدع الي السماء ام في الارض نزل. قبل ان يأتي الكوفة والمنادي ينادي لصلاة المغرب فحضر عندهم علي عليه السلام وهذا ما كان من حديث وفاة سلمان الفارسي رضي الله عنه على التمام والكمال والحمد لله حق حمده.



في أن أرواح المؤمنين يتلاقون بعد الموت

١ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ح ١٢٣ باب النوادر ح ٣٥

وقال الصادق عليه السلام: إن الأرواح في صفة الأجساد في شجرة من الجنة تتسائل وتتعارف، فاذا قدمت الروح على الأرواح تقول دعوها فقد أفلتت من هول عظيم ثم يسألونها ما فعل فلان؟ وما يفعل فلان؟ فان قالت لهم تركته حياً ارتجوه وان قالت لهم قد هلك، قالوا هوى هوى.

٢ - المحاسن ص ١٧٨

ابن فضال، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ذكر الأرواح: أرواح المؤمنين، فقال: يلتقون؛ قلت: يلتقون؟ قال: نعم ويتساءلون ويتعارفون حتى إذا رأيته قلت: فلان.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٤.

في أنّ أرواح الكفار بعد الموت في النار

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٥

عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن محمد بن عثمان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن أرواح المشركين فقال: في النار يعذبون يقولون: ربّنا لا تقم لنا الساعة ولا تنجز لنا ما وعدتنا ولا تلحق آخرنا بأولنا.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٥

عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن مثنى، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ أرواح الكفار في نار جهنّم يعرضون يقولون: ربّنا لا تقم لنا الساعة ولا تنجز لنا ما وعدتنا ولا تلحق آخرنا بأولنا.

٣ - الكافي على ما في البحار ج ٦ ص ٢٤٣

بعض أصحابنا، عن عليّ بن العباس، عن الحسن بن عبد الرحمن، عن أبي الحسن عليه السلام قال: إنّ الأحلام لم تكن في ما مضى في أوّل الخلق، وإنّما حدثت، فقلت: وما العلة في ذلك؟ فقال: إنّ الله عزّ ذكره بعث رسولا إلى أهل زمانه فدعاهم إلى عبادة الله وطاعته فقالوا: إنّ فعلنا ذلك فما لنا؟ ما أنت بأكثرنا مالا ولا بأعزّنا عشيرة، فقال: إنّ أطعتموني أدخلكم الله الجنّة، وإن عصيتموني أدخلكم الله النار، فقالوا: وما الجنّة والنار؟ فوصف لهم ذلك، فقالوا: متى نصير إلى ذلك؟ فقال: إذا متّم، فقالوا: لقد رأينا أمواتنا صاروا عظاماً ورفاتا، فازدادوا له تكديباً وبه استخفافاً، فأحدث الله عزّ وجلّ فيهم الأحلام فأتوه فأخبروه بما رأوا

وما أنكروا من ذلك، فقال: إنّ الله عزّ ذكره أراد أن يحتجّ عليكم بهذا هكذا تكون أرواحكم إذا متّم وإن بليت أبدانكم تصير الأرواح إلى عقاب حتّى تبعث الأبدان.

٤ - كتاب الزهد ص ٨٩

ابن أبي عمير عن علي عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال سألته عن ارواح المشركين فقال في النار يعذبون (و) يقولون: ربنا لا تقم لنا الساعة ولا تنجز لنا ما وعدتنا ولا تلحق آخرنا بأولنا.

في أنّ الميّت من الشيعة شهيد وإن مات على فراشه

١ - المحاسن ص ١٦٤

عن النضر، عن يحيى الحلبي، عن ابن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال لي: يا أبا محمد إنّ الميّت منكم على هذا الأمر شهيد، قلت: وإن مات على فراشه؟ قال: وإن مات على فراشه حيّ عند ربّه يرزق.

٢ - تفسير القمّي ج ١ ص ١٢٧

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» الآية، فإنّه حدّثني أبي، عن ابن محبوب، عن أبي عبيدة الحذاء، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: هم والله شيعتنا، إذا دخلوا الجنّة واستقبلوا الكرامة من الله استبشروا بمن لم يلحق بهم من إخوانهم من المؤمنين في الدنيا «أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» وهو ردّ على من يبطل الثواب والعقاب بعد الموت.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢١٤.

في تجسّم روح قابيل بن آدم معذباً

تفسير القمّي ج ١ ص ٣٦١

أبي، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام

قال: جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال: يا رسول الله رأيت أمراً عظيماً، فقال: وما رأيت؟ قال: كان لي مريض ونعت له من ماء بئر الأحقاف يستشفى به في برهوت، قال: فتهيأت ومعى قربة وقدرح لآخذ من مائها وأصب في القربة إذا شيء قد هبط من جو السماء كهيئة السلسلة وهو يقول: يا هذا اسقني، الساعة أموت، فرفعت رأسي ورفعت إليه القدرح لأسقيه فإذا رجل في عنقه سلسلة فلما ذهبت أناوله القدرح اجتذب حتى علق بالشمس، ثم أقبلت على الماء أغترف إذ أقبل الثانية وهو يقول: العطش العطش يا هذا اسقني الساعة أموت، فرفعت القدرح لأسقيه فاجتذب حتى علق بعين الشمس حتى فعل ذلك الثالثة، وشددت قربتي ولم أسقه فقال رسول الله ﷺ: ذاك قابيل بن آدم قتل أخاه، وهو قوله عز وجل: «وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ».

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٩١.

في بقاء الروح بعد خروجه من البدن

١ - الاحتجاج ج ٢ ص ٣٤٤ ونقله عنه في البحار ج ٥٨ ص ٣٣

عن هشام بن الحكم أنه سأل الصادق عليه السلام قال: فاخبرني عما قال بتناسخ الأرواح - إلى أن قال - أفتلا شيء الروح بعد خروجه عن قلبه أم هو باق؟ قال: بل هو باق إلى وقت ينفخ الصور.

٢ - الاحتجاج ص ٣٤٩

في حديث الزنديق الذي سأل الصادق عليه السلام عن مسائل أن قال: أخبرني عن السراج إذا انطفأ أين يذهب نوره؟ قال: يذهب فلا يعود؛ قال: فما أنكرت أن يكون

الإنسان مثل ذلك إذا مات وفارق الروح البدن لم يرجع إليه أبداً كما لا يرجع ضوء السراج إليه إذا انطفأ؟ قال: لم تصب القياس إن النار في الأجسام كامنَةٌ والأجسام قائمة بأعيانها كالحجر والحديد، فإذا ضرب أحدهما بالآخر سطعت من بينهما نار تقتبس منها سراج له الضوء، فالنار ثابتة في أجسامها والضوء ذاهب، والروح جسم رقيق قد ألبس قالباً كثيفاً ليس بمنزلة السراج الذي ذكرت؛ إن الذي خلق في الرحم جنيناً من ماء صاف، وركب فيه ضروباً مختلفة من عروق وعصب وأسنان وشعر وعظام وغير ذلك هو يحييه بعد موته ويعيده بعد فنائه، قال: فأين الروح؟ قال: في بطن الأرض حيث مصرع البدن إلى وقت البعث؛ قال: فمن صلب أين روحه؟ قال: في كف الملك الذي قبضها حتى يودعها الأرض؛ قال أفيتملاشي الروح بعد خروجه عن قالبه أم هو باق؟ قال: بل هو باق إلى وقت ينفخ في الصور، فعند ذلك تبطل الأشياء وتفنى، فلا حِسَّ ولا محسوس، ثم أُعيدت الأشياء كما بدأها مدبرها، وذلك أربعمئة سنة تسبت فيها الخلق، وذلك بين النفختين.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢١٦.

في الآيات الدالة على جنة الدنيا ونارها

الآيات، مريم «١٩» جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا * لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ٦١ - ٦٢.

الحج «٢٢» وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ * لَيَدْخِلُنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ٥٨ - ٥٩.

يس «٣٦» إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ * قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي

يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ٢٥-٢٧.

المؤمن «٤٠» وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ * النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ٤٥-٤٦.

نوح «٧١» مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخِلُوا نَاراً ٢٥.

تفسير: «جَنَّاتِ عَدْنٍ» أي جنات إقامة التي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ» أي وعدها إياهم وهي غائبة عنهم، أو وهم غائبون عنها، أو وعدهم بإيمانهم بالغيب «إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ» الذي هو الجنة «مَأْتِيًّا» يأتيها أهلها الموعد لهم. وقيل: المفعول بمعنى الفاعل أي آتياً «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا» أي فضول كلام «إِلَّا سَلَامًا» أي ولكن يسمعون قولاً يسلمون صباحاً ومساءً أفيعدّون؛ وعن نافع عن ابن عمر أن رسول الله ﷺ قال: إنَّ أحدكم إذا مات عرض عليه مقعده بالغداة والعشي، إن كان من أهل الجنة من الجنة، وإن كان من أهل النار فمن النار، يقال: هذا مقعدك حتى يبعثك الله يوم القيامة، ألم تسمع قوله عز وجل: «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ».

وقال البيضاوي: «مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ» أي من أجل خطيئاتهم و«ما» مزيدة للتأكيد والتفخيم «أُغْرِقُوا» بالطوفان «فَأَدْخِلُوا» نارا، المراد عذاب القبر أو عذاب الآخرة والتعقيب لعدم الاعتداد بما بين الإغراق والإدخال، أو لأنَّ المسبب كالمتعقب للسبب وإن تراخى عنه لفقد شرط أو وجود مانع.

١ - تفسير القمّي ج ١ ص ٤٣

أبي رفعه قال: سئل الصادق عليه السلام عن جنّة آدم أمن جنان الدنيا كانت أم من جنان الآخرة؟ فقال: كانت من جنان الدنيا تطلع فيها الشمس والقمر، ولو كانت من جنان الآخرة ما خرج منها أبداً الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٥.

٢ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٥٢

«وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» قال: ذلك في جنّات الدنيا قبل القيامة، والدليل على ذلك قوله: «بُكْرَةً وَعَشِيًّا» فالبكرة والعشي لا تكونان في الآخرة في جنّات الخلد، وإنما يكون الغدوّ والعشي في جنّات الدنيا التي تنقل إليها أرواح المؤمنين، وتطلع فيها الشمس والقمر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٥.

٣ - تفسير النعماني على ما في البحار ج ٦ ص ٢٤٥

فيما سيأتي في كتاب القرآن بإسناده عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: وأمّا الردّ على من أنكر الثواب والعقاب في الدنيا بعد الموت قبل القيامة فيقول الله تعالى: «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» الآية «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ» يعني السماوات والأرض قبل القيامة، فإذا كانت القيامة بدلت السماوات والأرض، ومثل قوله تعالى: «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» وهو أمر بين أمرين، وهو الثواب والعقاب بين الدنيا والآخرة، ومثله قوله تعالى: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ» والغدوّ والعشي لا يكونان في القيامة التي هي دار الخلود، وإنما يكونان في الدنيا، وقال الله تعالى في أهل الجنة: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» والبكرة والعشي إنما يكونان من الليل والنهار في جنّة الحياة قبل يوم القيامة، قال الله تعالى: «لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا» ومثله قوله سبحانه: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» الآية.

في تجسّم روح معاوية بعد موته معذباً

١ - الاختصاص ص ٢٧٥

أيوب بن نوح، والحسن بن علي بن عبد الله بن المغيرة، عن العباس بن عامر القصباني، عن أبان بن عثمان، عن بشير النبال، عن أبي جعفر عليه السلام قال: كنت خلف أبي عليه السلام وهو على بغلته فنظرت فإذا رجل في عنقه سلسلة ورجل يتبعه، فقال: يا علي بن الحسين اسقني. فقال الرجل: لا تسقه لا سقاه الله وكان معاوية لعنه الله.

٢ - الاختصاص ص ٢٧٦

علي بن محمد الحجاج، عن الحسن بن الحسين اللؤلؤي، عن محمد بن سنان، عن عبد الملك بن عبد الله القمي، عن أخيه إدريس بن عبد الله قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: بينا أنا وأبي متوجهين إلى مكة وأبي قد تقدمني في موضع يقال له: ضجنان إذ جاء رجل في عنقه سلسلة يجرّها فأقبل عليّ فقال: اسقني اسقني، فصاح بي أبي: لا تسقه لا سقاه الله، قال: وفي طلبه رجل يتبعه، ف جذب سلسلته جذبة طرحه بها في أسفل درك من النار.

٣ - الاختصاص ص ٢٧٦

أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن أبان بن عثمان، عن بشير النبال قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: كنت مع أبي بعسفان في واد بها أو بضجنان فنفرت بغلته فإذا رجل في عنقه سلسلة و طرفها في يد آخر يجرّها فقال: اسقني فقال الرجل: لا تسقه لا سقاه الله، فقلت لأبي: من هذا؟ فقال: هذا معاوية.

٤ - الاختصاص ص ٢٧٦

وعنه، عن الحسين بن سعيد، عن إبراهيم بن أبي البلاد، عن علي بن المغيرة، قال: نزل أبو جعفر عليه السلام بضجنان، فقال ثلاث مرّات: لا غفر الله لك، فلمّا قال: قال: أتدرون لمن قلت؟ أو قال له بعض أصحابنا، فقال: مرّ بي معاوية بن أبي سفيان يجرّ سلسلته قد دلع لسانه يسألني أن أستغفر له، ثمّ قال: إنه واد من أودية جهنّم.

٥ - الاختصاص ص ٢٧٦

وعنه، عن علي بن الحكم، عن مالك بن عطية، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كنت أسير مع أبي في طريق مكّة ونحن على ناقتين، فلمّا صرنا بوادي ضجنان خرج علينا رجل في عنقه سلسلة يسحبها فقال: يا ابن رسول الله اسقني سقاك الله فتبعه رجل آخر فاجتذب السلسلة وقال: يا ابن رسول الله لا تسقه لا سقاه الله، فالتفت إليّ أبي فقال: يا جعفر عرفت هذا؟ هذا معاوية لعنه الله.

في محلّ أرواح المؤمنين ومحلّ أرواح الكفار بعد الموت

١ - الخصال ص ٤٤٠

حدثنا أبي عليه السلام قال: حدّثنا علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن عبد الرحمان بن أبي نجران عن عاصم بن حميد عن محمّد بن قيس عن أبي جعفر عليه السلام - في حديث - قال لحسن عليه السلام (للشامي) سلني عمّا بدا لك فقال الشامي... وما العين التي تأوي إليها أرواح المشركين، وما العين التي تأوي إليها أرواح المؤمنين... فقال الحسن بن علي عليه السلام... وأمّا العين التي تأوي إليها أرواح المشركين فهي عين يقال لها برهوت وأمّا العين التي تأوي إليها أرواح المؤمنين فهي عين يقال لها سلمى، الحديث.

٢ - تفسير علي بن إبراهيم ج ٢ ص ٢٧١

ثم سأل الملك الحسن عليه السلام عن سبعة أشياء - إلى أن قال - ثم سأله عن أرواح المؤمنين أين تكون إذا ماتوا قال: تجتمع عند صخرة بيت المقدس في كل جمعة - إلى أن قال - ثم سأله عن أرواح الكفار أين تجتمع؟ قال: تجتمع في وادي حزموت وراء مدينة اليمن ثم يبعث الله ناراً من المغرب ويتبعهما بريحين شديتين فيحشر الناس عند صخرة بيت المقدس فيحشر أهل الجنة - عن يمين الصخرة ويزلف الميعاد وتصير جهنم عن يسار الصخرة في تخوم الأرضين السابعة وفيها الفلق والسجين فتفرق الخلائق من عند الصخرة فمن وجبت له الجنة دخلها ومن وجبت له النار دخلها وذلك قوله تعالى « فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي النَّارِ » الحديث.



٣ - مشارق أنوار اليقين ص ٨١ و ٨٢

ومن ذلك ما رواه الرضا عليه السلام عن آبائه الطاهرين عليهم السلام أن يهودياً جاء إلى أبي بكر في ولايته وقال له: إن أبي قد مات وخلف كنوزاً، ولم يذكر أين هي، فإن أظهرتها كان لك ثلث وللمسلمين ثلث آخر، ولي ثلث وأدخل في دينك، فقال أبو بكر: لا يعلم الغيب إلا الله، فجاء إلى عمر فقال له مقالة أبي بكر، ثم دله على علي عليه السلام فسأله فقال: رح إلى بلد اليمن واسأل عن وادي برهوت بحزموت، فإذا حضرت الوادي فاجلس هناك إلى غروب الشمس فسيأتيك غرابان سود مناقيرها تتعب فاهتف باسم أبيك وقل له: يا فلان أنا رسول وصي رسول الله صلى الله عليه وآله إليك كلمني فإنه يكلمك فاسأله عن الكنوز فإنه يدلك على أماكنها، فمضى اليهودي إلى اليمن واستدل على الوادي وقعد هناك، وإذا بالغرابين قد أقبلا فنادى أباه فأجابه، وقال: ويحك ما أقدمك إلى هذا الموطن؟ وهو من مواطن أهل النار؟

فقال: جئت أسألك عن الكنوز، أين هي؟ فقال: في موضع كذا وفي حائط كذا، ثم قال: ويلك اتبع دين محمد تسلم فهو النجاة ثم انصرف الغرابان، ورجع اليهودي فوجد كنزاً من ذهب وكنزاً من فضة، فأقر بغيراً وجاء به إلى أمير المؤمنين عليه السلام وهو يقول: أشهد أن لا إله إلا الله وأنّ محمداً رسول الله وأنت وصي رسول الله وأخوه وأمير المؤمنين حقاً كما سميت، وهذه الهدية فاصرفها حيث شئت فإنك وليه في العالمين.

٤ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٦

عليّ، عن أبيه، عن النوفليّ، عن السكونيّ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: شرّ اليهود يهود بيسان، وشرّ النصارى نصارى نجران، وخير ماء على وجه الأرض ماء زمزم، وشرّ ماء على وجه الأرض ماء برهوت، وهو واد بحضرموت ترد عليه هام الكفار وصداهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٩.

بيان: قال الجزريّ:

والمراد بالهام والصدى في الخبر أرواح الكفار، وإنّما عبّر عنها بهما لأنّهم كانوا هكذا يعبرون عنها، وإن كان ما زعموه في ذلك باطلاً.

٥ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٣

عليّ بن محمد، عن عليّ بن الحسن، عن الحسين بن راشد، عن المرتجل بن معمر، عن ذريح المحاربيّ، عن عباية الأسديّ، عن حبة العرنّيّ قال: خرجت مع أمير المؤمنين عليه السلام إلى الظهر فوقف بوادي السلام كأنه مخاطب لأقوام فقامت بقيامه حتّى أعيت، ثمّ جلست حتّى مللت، ثمّ قمت حتّى نالني مثل ما نالني أولاً،

ثمّ جلست حتّى مللت، ثمّ قمت وجمعت ردائي فقلت: يا أمير المؤمنين إنّي قد أشفقت عليك من طول القيام فراحة ساعة، ثمّ طرحت الرداء ليجلس عليه فقال: يا حبة إن هو إلّا محادثة مؤمن أو مؤانسته، قال: قلت: يا أمير المؤمنين وإنّهم لكذلك؟ قال: نعم ولو كشف لك لرأيتهم حلقاتاً حلقاتاً محتبين يتحدّثون، فقلت أجسام أم أرواح؟ فقال: أرواح، وما من مؤمن يموت في بقعة من بقاع الأرض إلّا قيل لروحه: الحقّي بوادي السلام؛ وإنّها لبقعة من جنة عدن. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٧.

٦ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٦

العدّة عن سهل وعليّ بن إبراهيم، عن أبيه جميعاً، عن جعفر بن محمّد الأشعريّ، عن القدّاح، عن أبي عبد الله، عن آبائه عليهم السلام قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: شرّ ماء على وجه الأرض ماء برهوت، وهو الذي بحضرموت يردّه هام الكفار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٩.

٧ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٣

عدّة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن الحسن بن عليّ، عن أحمد بن عمر رفعه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: إنّ أخي ببغداد وأخاف أن يموت بها، فقال: ما تبالي حيثما مات، أمّا إنّه لا يبقى مؤمن في شرق الأرض وغربها إلّا حشره الله روحه إلى وادي السلام، فقلت له: وأين وادي السلام؟ قال: ظهر الكوفة، أمّا إنّي كأني بهم حلق حلق قعود يتحدّثون.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٨.

٨ - البصائر ص ٢٨٦

محمد بن الحسين، عن موسى بن سعدان، عن الحسين بن أبي العلاء، عن هارون بن خارجة، عن يحيى ابن أمّ طويل قال: صحبت عليّ بن الحسين عليه السلام في المدينة إلى مكة وهو على بغلته وأنا على راحلة، فجزنا وادي ضجنان فإذا نحن برجل أسود في رقبتة سلسلة قال وهو يقول: يا عليّ بن الحسين اسقني، فوضع رأسه على صدره ثم حرّك دابّته، قال: فالتفتُ فإذا رجل يجذبه وهو يقول: لا تسقه لا سقاه الله، قال: فحرّكت براحتي فألحقت بعليّ بن الحسين عليه السلام فقال لي: أيّ شيء رأيت؟ فأخبرته فقال: ذاك معاوية لعنه الله. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٨.



٩ - الاختصاص ص ٣٢١

الحسن بن أحمد، عن سلمة، عن الحسن بن عليّ بن بقّاح عن ابن جبلة، عن عبد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الحوض فقال لي: حوض ما بين بصرى إلى صنعاء أتحبّ أن تراه؟ قلت: نعم جعلت فداك، قال: فأخذ بيدي وأخرجني إلى ظهر المدينة ثمّ ضرب رجله فنظرت إلى نهر يجري لا تدرك حافتيه إلاّ الموضع الذي أنا فيه قائم، فإنّه شبيه بالجزيرة فكنت أنا وهو وقوفاً فنظرت إلى نهر يجري من جانبه هذا ماء أبيض من الثلج، ومن جانبه هذا لبن أبيض من الثلج، وفي وسطه خمر أحسن من الياقوت، فما رأيت شيئاً أحسن من تلك الخمر بين اللبن والماء، فقلت له: جعلت فداك من أين يخرج هذا؟ ومن أين مجراه؟ فقال: هذه العيون التي ذكرها الله في كتابه أنهار في الجنة، عين من ماء، وعين من لبن، وعين من خمر تجري في هذا النهر؛ ورأيت حافتيه عليهما شجر فيهن حور معلقات برؤوسهنّ شعر ما رأيت شيئاً أحسن منهنّ وبأيديهنّ آنية ما

رأيت آنية أحسن منها ليست من آنية الدنيا، فدنا من إحديهن فأوماً إليها بيده لتسقيه فنظرت إليها وقد مالت لتغرف من النهر فمال الشجر معها فاغترفت ثم ناولته فشرب ثم ناولها وأوماً إليها فمالت لتغرف فمالت الشجرة معها فاغترفت ثم ناولته فناولني فشربت فما رأيت شراباً كان ألين منه ولا ألذ منه. وكانت رائحته رائحة المسك، فنظرت في الكأس فإذا فيه ثلاثة ألوان من الشراب، فقلت له: جعلت فداك ما رأيت كالיום قطّ، ولا كنت أرى أن الأمر هكذا، فقال لي: هذا أقلّ ما أعدّه الله لشيعتنا، إنّ المؤمن إذا توفّي صارت روحه إلى هذا النهر ورعت في رياضه وشربت من شرابه، وإنّ عدوّنا إذا توفّي صارت روحه إلى وادي برهوت فأخلدت في عذابه، وأطعمت من زقومه، وأسقيت من حميمه، فاستعيذوا بالله من ذلك الوادي.



ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٧.

١٠ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٦، باب في أرواح الكفار

محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، بإسناد له قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: شرّ بئر في النار برهوت الذي فيه أرواح الكفار.

١١ - روضة الكافي ج ٢ ص ٧٥

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن أبي يحيى الواسطي، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ من وراء اليمن وادياً يقال له: وادي برهوت، ولا يجاور ذلك الوادي إلّا الحيّات السود والبوم من الطيور في ذلك الوادي بئر يقال لها: بلهوت يغدى ويراح إليها بأرواح المشركين يسقون من ماء الصديد، الحديث.

١٢ - كامل الزيارات ص ٣٢٦

وبهذا الإسناد عن عبد الله الأصم عن عبد الله بن بكر الأرجاني قال: صحبت أبا عبد الله عليه السلام في طريق مكة من المدينة فنزلنا منزلاً يقال له عُسفان ثم مررنا بجبل أسود على يسار الطريق موحش فقلت له: يا بن رسول الله ما أوحش هذا الجبل ما رأيت في الطريق مثل هذا فقال لي يا بن بكر أتدري أي جبل هذا قلت لا. قال هذا جبل يقال له الكمد وهو على واد من أودية جهنم، وفيه قتلة أبي الحسين عليه السلام، استودعهم فيه، تجري من تحتهم مياه جهنم من الغسلين والصدید والحميم، وما يخرج من جبّ الجوّى، وما يخرج من الفلق، وما يخرج من اثم، وما يخرج من طينة الخبال، وما يخرج من جهنم وما يخرج من لظي ومن الحطمة، وما يخرج من سقر، وما يخرج من الحميم، وما يخرج من الهاوية، وما يخرج من السّعر، وما مررت بهذا الجبل في سفري فوقفت به ألا رأيتهما يستغيثان إليّ، وأنّي لأنظر إلى قتلة أبي وأقول لهما: انّما هؤلاء فعلوا ما أسستما، لم ترحمونا إذ وليتم، وقتلتمونا وحرمتمونا، ووثبتم على قتلنا، واستبددتم بالأمر دوننا، فلا رحم الله من يرحمكما، ذوقا وبال ما قدّمتما، وما الله بظلام للعبيد، وأشدّهما تضرّعاً واستكانة الثاني، فربّما وقفت عليهما ليتسلّى عني بعض ما في قلبي، وربّما طويت الجبل الذي هما فيه، وهو جبل الكمد. قال: قلت له: جعلت فداك فإذا طويت الجبل فما تسمع، قال: اسمع أصواتهما يناديان: عرّج علينا نكلّمك فأنّا نتوب، واسمع من الجبل صارخاً يصرخ بي: اجبهما، وقل لهما: اخسؤوا فيها ولا تكلمون. قال: قلت له: جعلت فداك ومن معهم، قال: كلّ فرعون عتا على الله وحكى الله عنه فعاله وكلّ من علّم العباد الكفر. فقلت: من هم، قال: نحو بولس الذي علّم اليهود أنّ يد الله مغلولة، ونحو نسطور الذي علّم النصارى أنّ المسيح ابن الله، وقال لهم: هم ثلاثة، ونحو فرعون موسى الذي قال: انا ربّكم الأعلى، ونحو نمرود الذي قال: قهرت

أهل الأرض وقتلت من في السماء، وقاتل أمير المؤمنين عليه السلام، وقاتل فاطمة ومحسن، وقاتل الحسن والحسين عليهما السلام، فأما معاوية وعمر و فمما يطمعان في الخلاص، ومعهم كل من نصب لنا العداوة، وأعان علينا بلسانه ويده وماله. قلت له: جعلت فداك فأنت تسمع ذا كله ولا تفرع، قال: يا بن بكير انّ قلوبنا غير قلوب الناس، انا مطيعون مصفون مصطفىون، نرى ما لا يرى الناس ونسمع ما لا يسمعون، وان الملائكة تنزل علينا في رحالنا وتتقلب في فرشنا، وتشهد طعامنا، وتحضر موتانا، وتأتينا باخبار ما يحدث قبل أن يكون وتصلّي معنا وتدعو لنا، وتلقي علينا أجنتها، وتتقلب على أجنتها صبياننا، الحديث.

ورواه الشيخ المفيد في «الاختصاص» ص ٣٤٣ و ٣٤٤.

وفي آخره: قلت جعلت فداك إلى أين منتهى هذا الجبل.

قال: إلى الأرض السادسة وفيها جهنم وهو على واد من أوديتها عليها ملائكة حفظة أكثر من نجوم السماء وقطر المطر وعدد ماء البحار وعدد الثرى وقد وكل الله كل ملك منهم بشيء فهو مقيم لا يفارقه.

١٣ - مشارق أنوار اليقين ص ١٤٢

عن الفضل بن شاذان من كتاب صحائف الابرار إن أمير المؤمنين عليه السلام اضطجع في نجف الكوفة على الحصى فقال قنبر: يا مولاي ألا أفرش لك ثوبي تحتك؟ فقال: لا إن هي إلا تربة مؤمن، أو مزاحمته في مجلسه، فقال الأصبع بن نباتة: أمّا تربة مؤمن فقد علمنا أنّها كانت أو ستكون، فما معنى مزاحمته في مجلسه؟ فقال: يا بن نباتة إن في هذا الظهر أرواح كل مؤمن ومؤمنة في قوالب من نور على منابر من نور.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٧.

١٤ - البحار ج ٦ ص ٢٤٢ نقلاً عن كتاب المحتضر

للحسن بن سليمان قال: روى الفضل بن شاذان في كتاب القائم عليه السلام عن ابن طريف، عن ابن نباتة في حديث طويل يذكر فيه أنَّ أمير المؤمنين عليه السلام خرج من الكوفة ومَرَّ حتَّى أتى الغريين فجازاه فلحقناه وهو مستلق على الأرض بجسده ليس تحته ثوب، فقال له قنبر: يا أمير المؤمنين ألا أبسط ثوبي تحتك؟ قال: لا، هل هي إلا تربة مؤمن أو مزاحمته في مجلسه؟ قال الأصبغ: فقلت: يا أمير المؤمنين تربة مؤمن قد عرفناه كانت أو تكون، فما مزاحمته في مجلسه؟ فقال: يا ابن نباتة لو كشف لكم لرأيتم أرواح المؤمنين في هذا الظهر حلقاً يتزاورون ويتحدّثون، إنَّ في هذا الظهر روح كلِّ مؤمن، وبوادي برهوت نسمة كلِّ كافر.



١٥ - مشارق أنوار اليقين ص ١٤٢

قال أمير المؤمنين عليه السلام للأصبغ بن نباتة في نجف الكوفة: يا أصبغ إنَّ في هذا الظهر أرواح كلِّ مؤمن ومؤمنة فلو كشف لك ما كشف لي لرأيتم خلفاً يتحدّثون على منابر من نور.

١٦ - الاختصاص ص ٢٧٦

عليّ بن محمّد الحجّال، عن اللؤلؤيّ، عن محمّد بن سنان، عن عبد الملك بن عبد الله القميّ، عن أخيه إدريس قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: بينا أنا وأبي متوجّهين إلى مكّة وأبي قد تقدّمني في موضع يقال له: ضجنان، إذ جاء رجل في عنقه سلسلة يجرّها فأقبل عليّ فقال: اسقني اسقني، فصاح بي أبي: لا تسقه لا سقاه الله، قال: وفي طلبه رجل يتبعه، ف جذب سلسلته جذبة طرحه بها في أسفل درك من النار.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٧.

١٧ - تفسير القمي ج ٢ ص ٢٧٢

الحسين بن عبد الله السكيني عن أبي سعيد البجلي، عن عبد الملك بن هارون، عن أبي عبد الله عليه السلام عن آبائه صلوات الله عليهم قال: كان فيما سأل ملك الروم الحسن بن علي عليه السلام أن سألته عن أرواح المؤمنين أين يكونون إذا ماتوا؟ قال: تجتمع عند صخرة بيت المقدس في ليلة الجمعة، وهو عرش الله الأدنى منها يبسط الله الأرض وإليها يطويها وإليه المحشر ومنها استوى ربنا إلى السماء والملائكة؛ ثم سأل عن أرواح الكفار أين تجتمع؟ قال: تجتمع في وادي حزموت وراء مدينة اليمن.



ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٦.

١٨ - البصائر ص ٥٠٨

محمد بن الحسين، عن البرنطي، عن عبد الكريم، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: جاء أعرابي إلى أبي جعفر عليه السلام فقال: من أين جئت يا أعرابي قال: من الأحقاف أحقاف عاد، قال: رأيت وادياً مظلماً فيه الهام والبوم لا يبصر قعره قال: وتدرى ما ذاك الوادي؟ قال: لا والله ما أدري، قال: ذاك برهوت فيه نسمة كل كافر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٩٢.

إذا مات الميت اجتمعوا عنده يسألونه عمّن مضى

١ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٤

علي، عن أبيه، عن محسن بن أحمد، عن محمد بن حمّاد، عن يونس بن

يعقوب، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا مات الميت اجتمعوا عنده يسألونه عمّن مضى وعمّن بقي فإن كان مات ولم يرد عليهم قالوا: قد هوى هوى ويقول بعضهم لبعض: دعوه حتّى يسكن ممّا مرّ عليه من الموت.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٤

سهل بن زياد، عن إسماعيل بن مهران، عن درست بن أبي منصور، عن ابن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنّ الأرواح في صفة الأجساد في شجرة في الجنة تعارف وتساءل، فإذا قدمت الروح على الأرواح تقول: دعوها فإنّها قد أفلتت من هول عظيم، ثمّ يسألونها: ما فعل فلان؟ وما فعل فلان؟ فإن قالت لهم: تركته حيّاً ارتجوه، وإن قالت لهم: قد هلك قالوا: قد هوى هوى.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٩.

في خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام

١ - البصائر ص ٣٥٦

عن عباد بن سليمان، عن محمّد بن سليمان، عن هارون بن الجهم، عن محمّد بن مسلم: عن أبي جعفر قال: بينا أمير المؤمنين جالس في مسجد الكوفة وقد احتبى بسيفه وألقى ترسه خلف ظهره إذ أتته امرأة تستعدي على زوجها، فقضى للزوج عليها، فغضبت فقالت: والله ما هو كما قضيت، والله ما تقضي بالسويّة، ولا تعدل في الرعيّة، ولا قضيتك عند الله بالمرضيّة. قال: فغضب أمير المؤمنين عليه السلام فنظر إليها مليّاً ثمّ قال: كذبت يا جريّة! يا بديّة! يا سلسع! يا سلفع! يا التي لا تحيض مثل النساء! قال: فولّت هاربة وهي تقول: ويلي! ويلي! فتبعها عمرو بن حريث فقال: يا أمة الله، قد استقبلت ابن أبي طالب بكلام سررتني به، ثمّ نزعك

بكلمة فوليت منه هاربةً تولولين! قال: فقالت: يا هذا، ابن أبي طالب أخبرني بالحق، والله ما رأيت حيضاً كما تراه المرأة قال: فرجع عمرو بن حريث إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال له: يا ابن أبي طالب ما هذا التكهن؟ قال: ويلك يا ابن حريث ليس مني هذا كهانة، إن الله تبارك وتعالى خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام، ثم كتب بين أعينها مؤمن أو كافر، ثم أنزل بذلك قرآناً على محمد صلى الله عليه وآله: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» فكان رسول الله صلى الله عليه وآله من المتوسمين، وأنا بعده والأئمة من ذريتي منهم.

وروى في ص ٣٥٤ عن إبراهيم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان عن إبراهيم بن أيوب عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام مثله وروى في «الاختصاص» ص ٣٠٢ عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب وإبراهيم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان مثله.  مركز تحقيقات كليات علوم حسینی ونقله عنهما في «البحار» ج ٥٨ ص ١٣٧ و ١٣٨.

٢- رجال الكشي ص ٣٩٣ ح ٧٤١

روى حديثاً عن كتاب أبي محمد جبرئيل بن أحمد الفاريابي بخطه مسنداً عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث: إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: خلق الله الأرواح قبل الأجساد بألفي عام ثم أسكنها الهواء فما تعارف منها ائتلف هيهنا وما تناكر منها ثم اختلف هيهنا، الحديث.

٣- اصول الكافي ج ١ ص ٣٣٦

عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن بكير بن أعين، قال: كان أبو جعفر عليه السلام يقول: إن الله أخذ ميثاق شيعتنا بالولاية لنا وهم ذرّ

يوم أخذ الميثاق على الذرّ بالإقرار بالربوبية ولمحمد ﷺ بالنبوة، وعرض الله عزّ وجلّ على محمد أمته في الطين وهم أظلة، وخلقهم من الطينة التي خلق منها آدم وخلق الله أرواح شيعتنا قبل أبدانهم بألفي عام، عرضهم عليه وعرفهم رسول الله، وعرفهم عليّاً، ونحن نعرفهم في لحن القول.

ونقله عنه في «البحار» ج ٥٨ ص ١٣٥.

٤ - معاني الأخبار ص ١٠٨

عن أحمد بن محمد بن الهيثم، عن أحمد بن يحيى بن زكريّا عن بكر بن عبد الله، عن تميم بن بهلول، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إنّ الله تبارك وتعالى خلق الأرواح قبل الأجساد بألفي عام، فجعل أعلاها وأشرفها أرواح محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة بعدهم عليهم السلام فعرضها على السماوات والأرض والجبال فغشيها نورهم (الحديث).

ونقله عنه في «البحار» ج ٥٨ ص ١٣٦.

٥ - البصائر ص ٨٨

عن أبي محمد، عن عمران بن موسى، عن إبراهيم بن مهزيار عن محمد بن عبد الوهاب، عن إبراهيم بن أبي البلاد، عن أبيه، عن بعض أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام قال: دخل عبد الرحمان بن ملجم - لعنه الله - على أمير المؤمنين عليه السلام - وساق الحديث إلى أن قال: - قال عليه السلام: إنّ الله خلق الأرواح قبل الأجساد بألفي عام فأسكنها الهواء، فما تعارف منها هنالك ائتلف في الدنيا، وما تناكر منها هناك اختلف في الدنيا، وإنّ روعي لا تعرف رويك.

٦- البصائر ص ٨٦ و ٨٧

عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن صالح بن سهل عن أبي عبد الله عليه السلام: إن رجلاً جاء إلى أمير المؤمنين عليه السلام وهو مع أصحابه فسلم عليه ثم قال: أما والله أحبك وأتولأك، فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: ما أنت كما قلت، ويملك إن الله خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام عرض علينا المحب لنا فوالله ما رأيت روحك فيمن عرض علينا، فأين كنت؟ فسكت الرجل عند ذلك ولم يراجعه.

٧- البصائر ص ٨٧

عن الحسن بن علي بن عبد الله، عن عيسى بن هشام، عن عبد الكريم عن سماعة بن مهران، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: بينا أمير المؤمنين عليه السلام في مسجد الكوفة إذ أتاه رجل فقال: يا أمير المؤمنين عليه السلام والله إنني لأحبك. قال: ما تفعل. قال: بلى والله الذي لا إله إلا هو، قال: والله الذي لا إله إلا هو ما تحبني. فقال: يا أمير المؤمنين إنني أحلف بالله أنني أحبك وأنت تحلف بالله ما أحبك! والله كأنك تخبرني أنك أعلم بما في نفسي! قال: فغضب أمير المؤمنين عليه السلام - وإنما كان الحديث العظيم يخرج منه عند الغضب - قال: فرفع يده إلى السماء وقال كيف يكون ذلك وهو ربنا تبارك وتعالى خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام، ثم عرض علينا المحب من المبغض فوالله ما رأيتك فيمن أحب، فأين كنت؟

ونقلهما عنه في «البحار» ج ٥٨ ص ١٣٨.

بيان: «ما تفعل» أي ما تحب، أو ما تعمل بمقتضاه، أو للاستفهام أي: أي شيء تقصد بإظهار الحب؟ فيكون تعريضاً بالنفي، والأول أظهر.

٨- البصائر ص ٨٧

عن إبراهيم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن أبي محمد المشهدي عن آل

رجاء البجلي؛ عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رجل لأمير المؤمنين عليه السلام: أنا والله لأحبك. فقال له: كذبت إن الله خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام فأسكنها الهواء ثم عرضها علينا أهل البيت، فوالله ما منها روح إلا وقد عرفنا بدنه، فوالله ما رأيتك فيها فأين كنت؟ (الخبر).

ونقله عنه في «البحار» ج ٥٨ ص ١٣٦.

٩ - البصائر ص ٨٨

عن أبي محمد، عن عمران بن موسى، عن يونس بن جعفر، عن علي بن أسباط، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي عبد الله عليه السلام أن رجلاً قال لأمير المؤمنين عليه السلام: والله إنني لأحبك - ثلاث مرّات - فقال علي عليه السلام: والله ما تحبني، فغضب الرجل فقال: كأنك والله تخبرني ما في نفسي! قال له علي عليه السلام: لا، ولكن الله خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام، فلم أر روحك فيها.

١٠ - البصائر ص ٨٨

عن عبد الله بن محمد، عن إبراهيم بن محمد، عن عبد الرحمان بن أبي هاشم عن سلام بن أبي عمير، عن عمارة، قال: كنت جالساً عند أمير المؤمنين عليه السلام إذ أقبل رجل فسلم عليه ثم قال: يا أمير المؤمنين والله إنني لأحبك، فسأله ثم قال له: إن الأرواح خلقت قبل الأبدان بألفي عام، ثم أسكنت الهواء، فما تعارف منها ثم ائتلف ههنا، وما تناكر منها ثم اختلف ههنا، وإن روحي أنكر روحك.

١١ - البصائر ص ٨٧

عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير، عن آدم أبي الحسين عن إسماعيل بن أبي حمزة، عمّن حدّثه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: جاء رجل إلى أمير

المؤمنين عليه السلام فقال: والله يا أمير المؤمنين إنني لأحبك، فقال: كذبت. فقال الرجل: سبحان الله! كأنك تعرف ما في قلبي. فقال علي عليه السلام: إن الله خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام ثم عرضهم علينا، فأين كنت لم أرك؟!

١٢ - البصائر ص ٨٧

عن بعض أصحابنا، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن مسلم، عن إبراهيم بن أيوب، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام فلما ركب الأرواح في أبدانها كتب بين أعينهم مؤمن أو كافر، وما هم به مبتلون، وما هم عليه من سيئ أعمالهم وحسنها في قدر أذن الفأرة، ثم أنزل بذلك قرآناً على نبيّه فقال: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَكَانَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله هو المتوسّم؛ وأنا بعده. والأئمة من ذريّتي هم المتوسّمون» روى

وروى في «تفسير الفرات» ص ٢٣٠ عن أحمد بن يحيى، معنعناً عن أبي جعفر عليه السلام مثله.

ونقلها عنه في «البحار» ج ٥٨ ص ١٣١ و ١٣٢.

١٣ - البحار ج ٥٨ ص ١٣٥

لمحمد بن علي بن إبراهيم قال: العلة في خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام قال إنما عني به أن الأرواح خلقت قبل آدم بألفي عام.

١٤ - البحار ج ٥٨

كتاب محمد بن المثنى الحضرمي: عن جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي عن حميد بن شعيب، عن جابر بن يزيد، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

الأرواح جنود مجنّدة، فما تعارف منها ائتلف في الأرض، وما تناكر عند الله اختلف في الأرض.

في أن الموتى يعلمون بمن يزورهم

١ - الاصول الستة عشر ص ١٢٦ - نوادر على بن أسباط

عثمان بن عيسى عن رجل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا زدتُم موتاكم قبل طلوع الشمس سمعوا وأجابوكم وإذا زرتُم بعد طلوع الشمس سمعوا ولم يجيبوكم.

٢ - أمالي الطوسي ص ٦٧٧

محمد بن أحمد بن شاذان القمي عن أبي عبد الله محمد بن عليّ، عن محمد بن جعفر بن بطّة، عن محمد بن الحسن بن حمزة بن يعلى، عن محمد بن داود النهديّ، عن عليّ بن الحكم، عن الربيع بن محمد المسليّ عن عبد الله بن سليمان عن الباقر عليه السلام قال: سألتُه عن زيارة القبور، قال: إذا كان يوم الجمعة فزرهم، فإنّه من كان منهم في ضيق وسّع عليه ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس يعلمون بمن أتاهم في كلّ يوم، فإذا طلعت الشمس كانوا سدى؛ قلت: فيعلمون بمن أتاهم فيفرحون به؟ قال: نعم ويستوحشون له إذا انصرف عنهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٥٦.

بيان: السدى بالضمّ ويفتح: المهمل، ولعلّ المعنى: أنّهم يوم الجمعة بعد طلوع الشمس أيضاً مهملون غير معذبين، أو المعنى أنّه يوسّع عليهم في يوم الجمعة أو الزيارة في يوم الجمعة تصير سبباً لذلك. وقوله: ما بين طلوع الفجر استئناف كلام. أي في كلّ يوم يطلعون على زوّارهم في ذلك الوقت لأنّهم في القبور فإذا طلعت الشمس يرخص لهم فيخرجون من قبورهم.

٣ - من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ١١٥ باب التعزية ح ٣٩

وروي محمد بن مسلم أنه قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام الموتى من نزورهم؟ فقال: نعم قلت: فيعلمون بنا إذا أتيناهم؟ فقال: إي والله إنهم ليعلمون بكم ويفرحون بكم ويستأنسون إليكم، قال قلت فأَيُّ شيء نقول إذا أتيناهم؟ قال: قل: اللهم جاف الأرض عن جنوبهم وصاعد إليك أرواحهم ولقّهم منك رضواناً وأسكن إليهم من رحمتك ما تصل به وجدتهم وتؤنس به وحشتهم إنك على كل شيء قدير.

في مسح بني أمية بعد موتهم وزغاً

الخراج ج ١ ص ٢٨٣

روى عبد الله بن طلحة قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الوزغ، قال: هو الرجس، مسح، فإذا قتلته فاغتسل يعني شكراً - وقال: إن أبي كان قاعداً في الحجر ومعه رجل يحدثه فإذا هو الوزغ يقول بلسانه، فقال أبي عليه السلام للرجل: أتدري ما يقول هذا الوزغ؟ قال الرجل: لا أعلم ما يقول، قال: فإنه يقول: لئن ذكرت عثمان لأسبّ عليّاً؛ وقال: إنه ليس يموت من بني أمية ميت إلا مسح وزغاً؛ وقال عليه السلام: إن عبد الملك لما نزل به الموت مسح وزغاً فكان عنده ولده ولم يدروا كيف يصنعون، وذهب ثم فقدوه، فأجمعوا على أن أخذوا جذعاً فصنعوه كهيئة رجل ففعلوا ذلك، وألبسوا الجذع، ثم كفّوه في الأكفان، لم يطلع عليه أحد من الناس إلا ولده وأنا.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٥.

في إحياء النبي الأكرم صلى الله عليه وآله والأئمة المعصومين لبعض الأموات وإعادة روحها إليها أو إحضارها واستنطاقها

وإنما يقع الأحياء بإذن الله كما يشهد به القرآن في حق عيسى عليه السلام إذ قال:

وابرئ الأكمه والأبرس وأحيى الموتى بإذن الله.
جملة مما ورد في صدورها عن النبي الأكرم ٩.

١ - الخرائج للراوندي ج ١ ص ٣٧

روي أن رجلاً جاء إلى النبي ﷺ فقال: إنني قدمت من سفر لي فبينما بنيت خماسية تدرج حولي في صبغها وحليها أخذت بيدها فانطلقت بها إلى وادي كذا فطرحتها فيه، فقال ﷺ: انطلق معي وأرني الوادي، فانطلق مع رسول الله ﷺ إلى الوادي فقال لأبيها: ما اسمها؟ قال: فلانة. فقال: يا فلانة أحيي بإذن الله، فخرجت الصبية تقول: لبيك يا رسول الله وسعديك، فقال: إن أبويك قد أسلما، فإن أحببت أردك عليهما، قالت: لا حاجة لي فيهما، وجدت الله خيراً لي منهما.

ونقله عنه في «البحار» ج ١٨ ص ٦٠

٢ - بصائر الدرجات ص ٢٨٧

إبراهيم بن هاشم، عن علي بن أسباط، عن بكر بن جناح، عن رجل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما ماتت فاطمة بنت أسد أم أمير المؤمنين جاء علي إلى النبي ﷺ فقال له رسول الله ﷺ: يا أبا الحسن مالك؟ قال: أمي ماتت، فقال النبي ﷺ: وأمي والله، ثم بكى. وقال: وأُمّاه، ثم قال لعلي عليه السلام: هذا قميصي فكفنها فيه، وهذا ردائي فكفنها فيه، فإذا فرغتم فأذنوني، فلما أخرجت صلي عليها النبي ﷺ صلاة لم يصل قبلها ولا بعدها على أحد مثلها، ثم نزل على قبرها فاضطجع فيه، ثم قال لها: يا فاطمة، قالت: لبيك يا رسول الله، فقال: فهل وجدت ما وعد ربك حقاً؟ قالت: نعم، فجزاك الله خيراً، وطالت مناجاته في القبر، فلما خرج قيل: يا رسول الله لقد صنعت بها شيئاً في تكفينك إياها ثيابك ودخولك في

قبرها وطول مناجاتك وطول صلاتك ما رأيك صنعته بأحد قبلها، قال: أمّا تكفيني إياها فإنّي لمّا قلت لها: يعرض الناس يوم يحشرون من قبورهم، فصاحت وقالت: وا سواتاه فلبستها ثيابي، وسألت الله في صلاتي عليها أن لا يبلى أكفانها حتّى تدخل الجنّة، فأجابني إلى ذلك، وأمّا دخولي في قبرها فإنّي قلت لها يوماً: إنّ الميت إذا أدخل قبره وانصرف الناس عنه دخل عليه ملكان: منكر ونكير فيسألانه، فقالت: وا غوثاه بالله، فما زلت أسأل ربّي في قبرها حتّى فتح لها باباً من قبرها إلى الجنّة وجعله روضة من رياض الجنّة.

ونقله عنه في «البحار» ج ١٨ ص ٦.

٣ - بحار الأنوار ج ١٨ ص ١٦ نقلاً عن الخرائج

روي أنّه كان لبعض الأنصار عناق فذبحها، وقال لأهله: اطبخوا بعضاً، واشووا بعضاً، فلعلّ رسولنا يشرفنا ويحضر بيتنا الليلة ويفطر عندنا. وخرج إلى المسجد، وكان له ابنان صغيران، وكانا يريان أباهما يذبح العناق، فقال أحدهما للآخر: تعال حتّى أذبحك، فأخذ السكين وذبحه، فلمّا رأتهما الوالدة صاحت. فعدى الذابح فهرب فوق من الغرفة فمات. فسترتهما وطبخت وهيأت الطعام، فلمّا دخل النبي ﷺ دار الأنصاريّ نزل جبرئيل عليه السلام وقال: يا رسول الله استحضر ولديه. فخرج أبوهما يطلبهما فقالت والدتهما: ليسا حاضرين، فرجع إلى النبي ﷺ وأخبره بغيبتهما، فقال: لا بدّ من إحضارهما، فخرج إلى أمّهما فأطلعته على حالهما فأخذهما إلى مجلس النبي ﷺ فدعا الله فأحياهما وعاشا سنين.

٤ - الخرائج والجرائح ج ١ ص ١٨٩

روي عن شريك بن عبد الله وهو يومئذ قاض - أن النبي ﷺ بعث عليّاً عليه السلام

وأبا بكر وعمر إلى أصحاب الكهف، فقال: اتتوهم فأبلغوهم مني السلام، فلما خرجوا من عنده، قالوا لعلي: تدري أين هم، فقال: ما كان رسول الله يبعثنا إلى مكان إلا هدانا الله له، فلما أوقفهم على باب الكهف قال: يا أبا بكر سلم، فإنك استننا، فسلم فلم يجب، ثم قال: يا أبا حفص سلم، فإنك أسن مني، فسلم فلم يجب، فسلم علي بن أبي طالب عليه السلام فردوا السلام وحيوه، وأبلغهم سلام رسول الله صلى الله عليه وآله، فردوا عليه فقال أبو بكر: سلهم ما لهم سلّمنا عليهم فلم يسلموا علينا؟ قال: سلهم أنت فسألهم فلم يتكلموا، ثم سألهم عمر فلم يكلموه، فقالا: يا أبا الحسن سلهم أنت. قال علي عليه السلام: إن صاحبي هذين سألاني أن أسألكم: لم ردّتم علي ولم تردّوا عليهما؟ قالوا لأننا لا نكلّم إلا نبيّاً أو وصيّ نبي.

جملة ممّا ورد في صدورهما عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام

١ - الخرائج للراوندي ج ١ ص ١٩٢-١٩٤

روي عن الرضا عن آبائه عليهم السلام أن غلاماً يهودياً قدم على أبي بكر في خلافته فقال: السلام عليك يا أبا بكر، فوجأ عنقه وقيل له: لم لا تسلم عليه بالخلافة؟ ثم قال له أبو بكر: ما حاجتك؟ قال: مات أبي يهودياً وخلف كنوزاً وأموالاً، فإن أنت أظهرتها وأخرجتها لي أسلمت على يدك وكنت مولاك، وجعلت لك ثلث ذلك المال وثلثاً للمهاجرين والأنصار وثلثاً لي، فقال أبو بكر: يا خبيث وهل يعلم الغيب إلا الله؟ ونهض أبو بكر؛ ثم انتهى اليهودي إلى عمر فسلم عليه وقال: إنني أتيت أبا بكر أسأله عن مسألة فأوجعت ضرباً. وأنا أسألك عن المسألة وحكى قصّته، قال: وهل يعلم الغيب إلا الله؟ ثم خرج اليهودي إلى علي عليه السلام وهو في المسجد، فسلم عليه وقال: يا أمير المؤمنين، وقد سمعه أبو بكر وعمر، فوكزوه وقالوا: يا خبيث هلا سلّمت على الأوّل كما سلّمت على عليّ والخليفة أبو بكر؟ فقال اليهودي: والله ما سمّيته بهذا الاسم حتّى وجدت ذلك في كتب آبائي

وأجدادي في التّوراة، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: وتفي بما تقول؟ قال: نعم وأشهد الله وملائكته وجميع من يحضرني، قال: نعم، فدعا برقّ أبيض فكتب عليه كتاباً ثمّ قال: تحسن أن تكتب؟ قال: نعم، قال: خذ معك ألواحاً وصر إلى بلاد اليمن وسل عن وادي برهوت بحضرموت، فإذا صرت بطرف الوادي عند غروب الشمس فاقعد هناك فإنّه سيأتيك غرايب سود مناقيرها وهي تنعب، فإذا نعبت هي فاهتف باسم أبيك وقل: يا فلان أنا رسول وصيّ محمّد صلّى الله عليه وآله فكلّمني، فإنّه سيجيبك أبوك، ولا تقر عن سؤاله عن الكنوز التي خلفها، فكلّ ما أجابك به في ذلك الوقت وتلك السّاعة فاكتب في ألواحك، فإذا انصرفت إلى بلادك بلاد خيبر فتتبع ما في ألواحك واعمل بما فيها، فمضى اليهوديّ حتّى انتهى إلى وادي اليمن. وقعد هناك كما أمره، فإذا هو بالغرايب السّود قد أقبلت تنعب فهتف اليهوديّ فأجابه أبوه وقال: ويلك ما جاء بك في هذا الوقت إلى هذا الموطن وهو من مواطن أهل النّار؟ قال: جئتكم أسألكم عن كنوزك أين خلفتها؟ قال: في جدار كذا في موضع كذا في حيّطان كذا، فكتب الغلام ذلك، ثمّ قال: ويلك اتّبع دين محمّد، وانصرفت الغرايب ورجع اليهوديّ إلى بلاد خيبر، وخرج بغلماناه وفعلته وإبل وجواليق وتتبع ما في ألواحها فأخرج كنزاً من أواني الفضة وكنزاً من أواني الذهب، ثمّ أوقر عيراً وجاء حتّى دخل على عليّ عليه السلام فقال: يا أمير المؤمنين أشهد أن لا إله إلاّ الله وأنّ محمّداً رسول الله وأنّك وصيّ محمّد وأخوه وأمير المؤمنين حقّاً كما سمّيت، وهذه عير دراهم ودنانير فاصرفها حيث أمرك الله ورسوله، واجتمع النّاس فقالوا لعلّي: كيف علمت هذا؟ قال: سمعت رسول الله صلّى الله عليه وآله وإن شئت خبرتكم بما هو أصعب من هذا، قالوا: فافعل، قال: كنت ذات يوم تحت سقيفة مع رسول الله صلّى الله عليه وآله وإنّي لأحصي ستّاً وستّين وطأة، كلّ ملائكة، أعرفهم بلغاتهم وصفاتهم وأسمائهم ووطئهم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤١ ص ١٩٦.

٢ - الخرائج والجرائح ج ٢ ص ٥٤٨

روي عن سليمان الأعمش، عن سمرة بن عطية، عن سلمان الفارسي قال: إن امرأة من الأنصار يقال لها أم فروة تحض على نكث بيعة أبي بكر وتحث على بيعة علي عليه السلام، فبلغ أبا بكر فأحضرها واستتابها فأبت عليه، فقال: يا عدوة الله أتحضين على فرقة جماعة اجتمع عليها المسلمون فما قولك في إمامتي؟ قالت: ما أنت بامام، قال: فمن أنا؟ قالت: أمير قومك وولوك فإذا أكرموك فالإمام المخصوص من الله ورسوله لا يجوز عليه الجور، وعلى الأمير والإمام المخصوص أن يعلم ما في الظاهر والباطن وما يحدث في المشرق والمغرب من الخير والشر، فإذا قام في شمس أو قمر فلا فيء له، ولا يجوز الإمامة لعابدوثن ولا لمن كفر ثم أسلم، فمن أيهما أنت يا ابن أبي قحافة؟ قال: أنا من الأئمة الذين اختارهم الله لعباده! فقالت: كذبت على الله ولو كنت ممن اختارك الله لذكرك في كتابه كما ذكر غيرك فقال عز وجل: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» ويلك إن كنت إماماً حقاً فما اسم سماء الدنيا والثانية والثالثة والرابعة والخامسة والسادسة والسابعة؟ فبقي أبو بكر لا يحير جواباً، ثم قال: اسمها عند الله الذي خلقها، قالت: لو جاز للنساء أن يعلمن علمتك فقال: يا عدوة الله لتذكرن اسم سماء وسماء إلا قتلتك، قالت: أباقتل تهددني والله ما أبالي أن يجري قتلي على يد مثلك ولكنني أخبرك. أمّا السماء الدنيا أيلول، والثانية ربعول، والثالثة سحقوم، والرابعة ذيلول، والخامسة ماين، والسادسة ماجير، والسابعة ايوت؛ فبقي أبو بكر ومن معه متحيرين، فقالوا لها: ما تقولين في علي؟ قالت: وما عسى أن أقول في إمام الأئمة ووصي الأوصياء من أشرق بنوره الأرض والسماء، ومن لا يتم التوحيد إلا بحقيقة معرفته، ولكنك نكثت واستبدلت وبعث دينك، قال أبو بكر: اقتلوها فقد ارتدّت فقتلت؛ وكان علي عليه السلام في ضيعة له بوادي القرى، فلما قدم

وبلغه قتل أم فروة فخرج إلى قبرها، وإذا عند قبرها أربعة طيور بيض مناقيرها حمراء، في منقار كل واحد حبة رمان وهي تدخل في فرجة في القبر، فلما نظر الطيور إلى علي عليه السلام رفرفن وقرقرن، فأجابهن بكلام يشبه كلامهن، قال: أفعل إن شاء الله، ووقف عند قبرها ومدّ يده إلى السماء، وقال: يا محيي النفوس بعد الموت ويا منشيء العظام الدّارسات أحيي لنا أم فروة واجعلها عبرة لمن عصاك، فإذا بهاتف: امض لأمرك يا أمير المؤمنين، وخرجت أم فروة متلحفة بريطة خضراء من السّندس الأخضر وقالت: يا مولاي أراد ابن أبي قحافة أن يطفىء نورك فأبى الله لنورك إلا ضياءً، وبلغ أبا بكر وعمر ذلك فبقيا متعجبين، فقال لهما سلمان: لو أقسم أبو الحسن على الله أن يحيي الأوّلين والآخرين لأحياهم، وردّها أمير المؤمنين عليه السلام إلى زوجها، وولدت غلامين له وعاشت بعد عليّ ستّة أشهر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤١ ص ١٩٩

٣ - بحار الانوار ج ٤١ ص ٢١١

أما لي الشيباني: قال رشيد الهجري: كنت في بعض الطريق مع عليّ بن أبي طالب عليه السلام إذا التفت فقال: يا رشيد أترى ما أرى؟ قلت: لا يا أمير المؤمنين وإنه ليكشف لك من الغطاء ما لا يكشف لغيرك، قال: إنني أرى رجلاً في ثبج من نار يقول: «يا عليّ استغفر لي» لا غفر الله له.

بيان: ثبج الشيء بالتحريك: وسطه ومعظمه.

٤ - بحار الأنوار ج ٤١ ص ٢١١

وروى ابن بابويه في كتابه المعروف بالفضائل وكتاب علل الشرائع أيضاً عن حنان بن سدير عن الصادق عليه السلام في خبر وقد سئل لم أخّر أمير المؤمنين عليه السلام

العصر في بابل؟ قال: إنه لما صلى الظهر التفت إلى جمجمة ملقاة، فكلّمها أمير المؤمنين عليه السلام فقال: يا أيتها الجمجمة من أين أنت؟ فقال: أنا فلان ابن فلان ملك بلد آل فلان، قال لها أمير المؤمنين عليه السلام: فقصّي عليّ الخبر وما كنت وما كان في عصرك، فأقبلت الجمجمة تقصّ خبرها وما كان في عصرها من شرّ، فاشتغل بها حتّى غابت الشمس، فكلّمها بثلاثة أحرف من الإنجيل لتلا تفقه العرب كلامه، القصّة.

وقالت الغلاة: نادى عليه السلام الجمجمة ثمّ قال: يا جلندی بن کرکر أين الشريعة؟ فقال: ههنا، فبنى هناك مسجداً وسمّى مسجد الجمجمة، وجلندی هذا ملك الحبشة صاحب الفيل الهادم للبيت أبرهة.

وقالت أيضاً: إنه عليه السلام نادى لسمة: يا ميمونة أين الشريعة؟ فأطلعت رأسها من الفرات وقالت: من عرف اسمي في الماء لا تخفى عليه الشريعة.

٥ - البحار ج ٤١ ص ٢١٢ عن مناقب ابن شهر آشوب

كتاب العلويّ البصريّ أنّ جماعة من اليمن أتوا النبيّ صلّى الله عليه وآله فقالوا: نحن من بقايا الملل المتقدّمة من آل نوح، وكان لنبينا وصيّ اسمه سام وأخبر في كتابه أنّ لكلّ نبيّ معجزاً وله وصيّ يقوم مقامه، فمن وصيّك؟ فأشار صلّى الله عليه وآله بيده نحو عليّ عليه السلام فقالوا: يا محمّد إن سألناه أن يرينا سام بن نوح فيفعل؟ فقال صلّى الله عليه وآله: نعم بإذن الله، وقال: يا عليّ قم معهم إلى داخل المسجد واضرب برجلك الأرض عند المحراب، فذهب عليّ عليه السلام وبأيديهم صحف إلى أن دخل إلى محراب رسول الله صلّى الله عليه وآله داخل المسجد، فصلّى ركعتين، ثمّ قام وضرب برجله الأرض، فانشقّت الأرض وظهر لحد وتابوت، فقام من التّابوت شيخ يتلأأ وجهه مثل القمر ليلة البدر، وينفض التراب من رأسه، وله لحية إلى سرّته، وصلى على عليّ عليه السلام وقال:

أشهد أن لا إله إلا الله وأنّ محمّداً رسول الله سيّد المرسلين وأنّك علي وصيّ محمّد سيّد الوصيّين، وأنا سام بن نوح؛ فنشروا أولئك صحفهم فوجدوه كما وصفوه في الصّحف، ثمّ قالوا: نريد أن نقرأ من صحفه سورة، فأخذ في قراءته حتّى تمّ السّورة، ثمّ سلّم على عليّ عليه السلام ونام كما كان فانضمت الأرض، وقالوا بأسرهم: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» وآمنوا، وأنزل الله «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى» إلى قوله: «أَنِيبْ».

٦ - فضائل ابن شاذان ص ٧١

عن أبي الأحوص، عن أبيه، عن عمّار الساباطيّ قال: قدم أمير المؤمنين عليه السلام المدائن فنزل بـايوان كسرى، وكان معه دلف بن مجير. فلمّا صلّى قام وقال لدلف: قم معي، وكان معه جماعة من أهل ساباط، فما زال يطوف منازل كسرى ويقول لدلف: كان لكسرى في هذا المكان كذا وكذا، ويقول دلف: هو والله كذلك، فما زال كذلك حتّى طاف المواضع بجميع من كان عنده ودلف يقول: يا سيّدي ومولاي كأنّك وضعت هذه الأشياء في هذه المساكن، ثمّ نظر عليه السلام إلى جمجمة نخرة، فقال لبعض أصحابه: خذ هذه الجمجمة، ثمّ جاء عليه السلام إلى الأيوان وجلس فيه، ودعا بطشت فيه ماء، فقال للرجل: دع هذه الجمجمة في الطشت، ثمّ قال: أقسمت عليك يا جمجمة لتخبريني من أنا ومن أنت؟ فقالت الجمجمة بلسان فصيح: أمّا أنت فأمر المؤمنين وسيّد الوصيّين وإمام المتّقين وأمّا أنا فعبد الله وابن أمة الله كسرى أنوشيروان، فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: كيف حالك؟ قال: يا أمير المؤمنين إنّي كنت ملكاً عادلاً شقيقاً على الرّعايا رحيماً، لا أرضى بظلم، ولكن كنت على دين المجوس: وقد ولد محمّد صلّى الله عليه وآله في زمان ملكي، فسقط من شرفات قصري ثلاثة وعشرون شرفة ليلة ولد، فهممت أن أوّمن به من كثرة ما سمعت من الزّيادة من

أنواع شرفه وفضله ومرتبته وعزّه في السّماوات والأرض ومن شرف أهل بيته، ولكنّي تغافلت عن ذلك وتشاغلّت عنه في الملك، فيا لها من نعمة ومنزلة ذهبت منّي حيث لم أوّمن، فأنا محروم من الجنّة بعدم إيماني به، ولكنّي مع هذا الكفر خلّصني الله تعالى من عذاب النار ببركة عدلي وإنصافي بين الرعيّة، وأنا في النّار والنّار محرّمة عليّ، فوا حسرتاه لو آمنت لكنت معك يا سيّد أهل بيت محمّد صلّى الله عليه وآله ويا أمير أمّته، قال: فبكى النّاس، وانصرف القوم الذين كانوا من أهل ساباط إلى أهلهم وأخبروهم بما كان وبما جرى فاضطربوا واختلفوا في معنى أمير المؤمنين، فقال المخلصون منهم: إنّ أمير المؤمنين عليه السلام عبد الله وولّيّه ووصيّ رسول الله صلّى الله عليه وآله وقال بعضهم: بل هو النّبّي صلّى الله عليه وآله وقال بعضهم: بل هو الرّبّ وهو عبد الله بن سبا وأصحابه، وقالوا: لو لا أنّه الرّبّ كيف يحيي الموتى؟ قال: فسمع بذلك أمير المؤمنين وضاق صدره، وأخضرهم وقال: يا قوم غلب عليكم الشيطان إنّ أنا إلا عبد الله أنعم عليّ بإمامته وولايته ووصيّة رسوله صلّى الله عليه وآله، فارجعوا عن الكفر، فأنا عبد الله وابن عبده، ومحمّد صلّى الله عليه وآله خير منّي، وهو أيضاً عبد الله وإن نحن إلا بشر مثلكم، فخرج بعضهم من الكفر وبقي قوم على الكفر ما رجعوا فألحّ عليهم أمير المؤمنين عليه السلام بالرجوع فما رجعوا، فأحرقهم بالنّار، وتفرّق منهم قوم في البلاد وقالوا: لو لا أنّ فيه الرّبوبيّة ما كان أحرقنا في النّار، فنعوذ بالله من الخذلان.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤١ ص ٢١٣ ثمّ قال:

روي في عيون المعجزات من كتاب الأنوار تأليف أبي عليّ الحسن بن همام، عن العباس بن الفضل، عن موسى بن عطية الأنصاريّ، عن حسان بن أحمد الأزرق، عن أبي الأحوص، عن عمّار مثله وزاد في آخره: إنّ الذين أحرقوا

وسحقوا وذرّوا في الرّيح أحياءهم الله بعد ثلاثة أيّام فرجعوا إلى منازلهم.

٧ - فضائل ابن شاذان ص ٧٢

روى أبو رواحة الأنصاريّ عن المغربيّ قال: كنت مع أمير المؤمنين عليه السلام وقد أراد حرب معاوية، فنظر إلى جمجمة في جانب الفرات وقد أتت عليها الأزمنة، فمرّ عليها أمير المؤمنين عليه السلام فدعاها فأجابته بالتلبية، وتدحرجت بين يديه وتكلّمت بكلام فصيح، فأمرها بالرجوع فرجعت إلى مكانها، فلمّا فرغ من حرب النّهر وان أبصرنا جمجمة نخرة بالية، فقال: هاتوها، فحرّكها بسوطه فقال: أخبريني من أنت؟ فقير أم غنيّ شقيّ أم سعيد ملك أم رعيّة، فقالت بلسان فصيح: السّلام عليك يا أمير المؤمنين أنا كنت ملكاً ظالماً وأنا دويّز بن هرمز ملك الملوك، فملكته مشارقها ومغاربها سهلها وجبلها برّها وبحرها، أنا الذي أخذت ألف مدينة في الدنيا وقتلت ألف ملك من ملوكها، يا أمير المؤمنين أنا الذي بنيت خمسين مدينة واقتضت خمسمائة ألف جارية بكرةً واشترت ألف عبد تركيّ وألف أرمنيّ وألف روميّ وألف زنجيّ، وتزوّجت بسبعين من بنات الملوك، وما ملك في الأرض إلّا غلبته وظلمت أهله، فلمّا جاءني ملك الموت قال لي: يا ظالم يا طاغي خالفت الحقّ، فتزلزلت أعضائي وارتعدت فرائصي، وعرض عليّ أهل حبسي فإذا هم سبعون ألفاً من أولاد الملوك قد شقّوا من حبسي، فلمّا رفع ملك الموت روحي سكن أهل الأرض من ظلمي، فأنا معذب في النار أبد الآبدين، فوكلّ الله بي سبعين ألفاً من الزّبانية في يد كلّ منهم مرزبة من نار لو ضربت بها جبال الأرض لا احترقت الجبال فتدكدكت وكلّما ضربني الملك بواحدة من تلك المرازيب اشتعل بي النّار وأحترق، فيحييني الله تعالى ويعذبني بظلمي على عباده أبد الآبدين، وكذلك وكلّ الله تعالى بعدد كلّ شعرة في بدني حيّة تلسعني وعقرباً

تلدغني، فتقول لي الحيّات والعقارب: هذا جزاء ظلمك على عباده؛ ثمّ سكّنت الجمجمة، فبكى جميع عسكر أمير المؤمنين عليه السلام وضربوا على رؤوسهم وقالوا: يا أمير المؤمنين جهلنا حقك بعد ما أعلمنا رسول الله صلى الله عليه وآله وإنّما خسرنا حقنا ونصيبنا فيك، وإلا أنت ما ينقص منك شيء فاجعلنا في حلّ ممّا فرّطنا فيك ورضينا بغيرك على مقامك، فإنّا نادمون فأمر عليه السلام بتغطية الجمجمة، فعند ذلك وقف ماء النّهر وان من الجري، وصعد على وجه الماء كلّ سمك وحيوان كان في النّهر، فتكلّم كلّ واحد منهم مع أمير المؤمنين عليه السلام ودعا له وشهد له بإمامته، وفي ذلك يقول بعضهم:

سلامي على زمزم والصّفا سلامي على سدرّة المنتهى
لقد كلّمتك لدى النّهر وان نهاراً جماجم أهل الثّرى
وقد بدأت لك حيتانها تناديك مدعنة بالولا

ونقله عنه في «البحار» ج ١ ص ٢١٥.

٨ - فضائل ابن شاذان ص ٦٧

روي أنّه عليه السلام كان يطلب قوماً من الخوارج، فلمّا بلغ الموضع المعروف اليوم بساباط أتاه رجل من شيعته وقال: يا أمير المؤمنين أنا من شيعتك وكان لي أخ وكنت شقيقاً عليه، فبعثه عمر في جنود سعد بن أبي وقّاص إلى قتال أهل المدائن فقتل هنالك، فأرني قبره ومقتله، فأراه إيّاه، فمدّ الرّمح وهو راكب بغلته الشّهباء فركز القبر بأسفل الرّمح فخرج رجل أسمر طويل يتكلّم بالعجميّة، فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: لم تتكلّم بالعجميّة وأنت رجل من العرب؟ قال: إنّني كنت أبغضك وأوالي أعداءك، فانقلب لساني في النّار، فقال: يا أمير المؤمنين ردّه من حيث جاء فلا حاجة لنا فيه فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: ارجع، فرجع إلى القبر فانطبق عليه.

ونقله عنه في «البحار» ج ١ ص ٢١٦.

٩ - بحار الأنوار ج ٤١ ص ٢٢١

روى بحذف الأسانيد عن جابر بن عبد الله رضي الله عنه قال: رأيت أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام وهو خارج من الكوفة، فتبعته من ورائه حتى إذا صار إلى جبّانة اليهود، فوقف في وسطها ونادى: يا يهود يا يهود، فأجابوه في جوف القبر: لبيك لبيك مطلايح - يعنون بذلك يا سيّدنا - فقال: كيف ترون العذاب؟ فقالوا: بعصياننا لك كهارون، فنحن ومن عصاك في العذاب إلى اليوم القيامة ثمّ صاح صيحة كادت السماوات ينقلبن، فوقعت مغشياً على وجهي من هول ما رأيت فلمّا أفقت رأيت أمير المؤمنين عليه السلام على سرير من ياقوتة حمراء على رأسه إكليل من الجواهر، وعليه حلل خضر وصفر، ووجهه كدائرة القمر، فقلت: يا سيّدي هذا ملك عظيم، قال: نعم يا جابر إنّ ملكنا أعظم من ملك سليمان بن داود، وسلطاننا أعظم من سلطانه، ثمّ رجع ودخلنا الكوفة ودخلت خلفه إلى المسجد فجعل يخطو خطوات وهو يقول: لا والله لا فعلت لا والله لا كان ذلك أبداً، فقلت: يا مولاي بمن تكلم ومن تخاطب وليس أرى أحداً؟ فقال: يا جابر كشف لي برهوت فرأيت الأوّل والثاني يعذّبان في جوف تابوت في برهوت، فنادياني: يا أبا الحسن يا أمير المؤمنين ردّنا إلى الدّنيا نقرّ بفضلِكَ ونقرّ بالولاية لك، فقلت: لا والله لا فعلت لا والله لا كان ذلك أبداً، ثمّ تلا هذه الآية «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» يا جابر وما من أحد خالف وصيّ نبيّ إلّا حشره الله أعمى يتككب في عرصات القيامة.

١٠ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٣

عليّ بن محمّد، عن عليّ بن الحسن، عن الحسين بن راشد، عن المرتجل بن معمر، عن ذريح المحاربيّ، عن عباية الأسديّ، عن حبة العرنبيّ قال: خرجت مع

أمير المؤمنين عليه السلام إلى الظهر، فوقف بوادي السلام كأنه مخاطب لأقوام فقامت بقيامه حتى أعيت، ثم جلست حتى مللت، ثم قامت حتى نالني مثل ما نالني أولاً، ثم جلست حتى مللت، ثم قامت وجمعت ردائي فقلت: يا أمير المؤمنين إنني قد أشفت عليك من طول القيام فراحة ساعة، ثم طرحت الرداء ليجلس عليه فقال يا حبة إن هو إلا محادثة مؤمن أو مؤانسته، قال: قلت: يا أمير المؤمنين وإنهم لكذلك؟ قال: نعم ولو كشف لك لرأيتهم حلقاتاً محتبين يتحادثون، فقلت: أجسام أم أرواح؟ فقال: أرواح، وما من مؤمن يموت في بقعة من بقاع الأرض إلا قيل لروحه: الحقني بوادي السلام وإنها لبقعة من جنة عدن.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤١ ص ٢٢٣.



١١ - الاختصاص ص ٢٧٢

سعد بن عبد الله، عن عباد بن سليمان، عن أبيه، عن عيثم بن أسلم، عن معاوية بن عمار قال: دخل أبو بكر على أمير المؤمنين عليه السلام فقال له: إن رسول الله صلى الله عليه وآله لم يحدث إلينا في أمرك شيئاً بعد أيام الولاية في الغدير، وأنا أشهد أنك مولاي مقررٌ بذلك، وقد سلّمت عليك على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله بإمرة المؤمنين، وأخبرنا رسول الله صلى الله عليه وآله أنك وصيه ووارثه وخليفته في أهله ونسائه، وأنت وارثه، وميراثه قد صار إليك، ولم يخبرنا أنك خليفته في أمته من بعده، ولا جُرم لي فيما بيني وبينك، ولا ذنب لنا فيما بيننا وبين الله تعالى، فقال له علي عليه السلام: إن أريتك رسول الله صلى الله عليه وآله حتى يخبرك بأنني أولى بالأمر الذي أنت فيه منك وأنت إن لم تعزل نفسك عنه فقد خالفت الله ورسوله صلى الله عليه وآله؟ فقال: إن أريتني حتى يخبرني ببعض هذا اكتفيت به، فقال عليه السلام: فتلقاني إذا صليت المغرب حتى أريكه، قال: فرجع إليه بعد المغرب فأخذ بيده وأخرجه إلى مسجد قبا، فإذا هو برسول الله صلى الله عليه وآله جالس

في القبلة، فقال له: يا فلان وثبت على مولاك عليّ عليه السلام وجلست مجلسه وهو مجلس النبوة لا يستحقه غيره، لأنّه وصيّ وخليفتي، فنبتت أمري وخالفت ما قلته لك، وتعرّضت لسخط الله وسخطي، فانزع هذا السربال الذي تسربلته بغير حق ولا أنت من أهله، وإلا فموعدك النار؛ قال: فخرج مدعوراً ليسلم الأمر إليه، وانطلق أمير المؤمنين صلوات الله عليه فحدث سلمان بما كان جرى، فقال له سلمان: لبيدين هذا الحديث لصاحبه وليخبرنه بالخبر، فضحك أمير المؤمنين عليه السلام وقال: أما إنّه سيخبره وليمنعنه إن هم بأن يفعل، ثمّ قال: لا والله لا يذكران ذلك أبداً حتّى يموتا؛ قال: فلقي صاحبه فحدثه بالحديث كلّ، فقال: له ما أضعف رأيك وأخور قلبك؛ أما تعلم أنّ ذلك من بعض سحر ابن أبي كبشة؟ أنسيت سحر بني هاشم؟ فأقم على ما أثبت عليه!

ونقله عنه في «البحار» ج ٤١ ص ٢٢٨

مما ورد في صدورها عن الحسن بن عليّ عليه السلام

من كتاب مولد النبي صلى الله عليه وآله ومولد الأصفياء عليه السلام تأليف الشيخ المفيد رحمه الله باسناده إلى جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: جاء الناس إلى الحسن بن عليّ عليه السلام فقالوا: أرنا من عجائب أبيك التي كان يرينا! فقال: وتؤمنون بذلك؟ قالوا: نعم نوّمن والله بذلك، قال: أليس تعرفون أبي؟ قالوا جميعاً: بل نعرفه، فرفع لهم جانب الستر فاذا أمير المؤمنين عليه السلام قاعد، فقال: تعرفونه؟ قالوا بأجمعهم: هذا أمير المؤمنين عليه السلام ونشهد أنّك أنت وليّ الله حقّاً والامام من بعده، ولقد أريتنا أمير المؤمنين عليه السلام بعد موته كما أرى أبوك أبا بكر رسول الله صلى الله عليه وآله في مسجد قبا بعد موته فقال الحسن عليه السلام: ويحكم أما سمعتم قول الله عزّ وجلّ «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» فإذا كان هذا نزل فيمن قتل في

سبيل الله ما تقولون فينا قالوا: آمنا وصدقنا يا ابن رسول الله.

مما ورد في عمل الحسين بن عليّ عليه السلام

الخراج ج ١ ص ٢٢٥

روي عن أبي خالد الكابلي عن يحيى ابن أم الطويل قال كنا عند الحسين عليه السلام إذ دخل عليه شاب يبكي، فقال له الحسين عليه السلام ما يبكيك قال: إن والدتي توفيت في هذه الساعة ولم توص ولها مال وكانت قد أمرتني أن لا أحدث في أمرها شيئاً حتى أعلمك خبرها، فقال الحسين عليه السلام: قوموا حتى نصير إلى هذه الحرّة، فقمنا معه حتى انتهينا إلى باب البيت الذي توفيت فيه المرأة مسجّة.

فأشرف على البيت، ودعا الله ليحييها حتى توفي بما تحب من وصيتها فأحياها الله وإذا المرأة جلست وهي تشهد، ثم نظرت إلى الحسين عليه السلام فقالت: ادخل البيت يا مولاي ومرني بأمرك، فدخل وجلس على مخدة ثم قال لها: وصي يرحمك الله، فقالت: يا ابن رسول الله لي من المال كذا وكذا في مكان كذا وكذا فقد جعلت ثلثه إليك لتضعه حيث شئت من أوليائك، والثلثان لابني هذا إن علمت أنه من مواليك وأوليائك، وإن كان مخالفاً فخذه إليك فلا حق في المخالفين في أموال المؤمنين، ثم سألته أن يصلي عليها وأن يتولى أمرها، ثم صارت المرأة ميتة كما كانت.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٤ ص ١٨٠.

مما ورد في صدورها عن عليّ بن الحسين السجاد عليه السلام

١ - البحار ج ٤٦ ص ٤٧

ورأيت في بعض مؤلفات أصحابنا روي أن رجلاً مؤمناً من أكابر بلاد بلخ كان

يحج البيت ويزور النبي في أكثر الأعوام، وكان يأتي علي بن الحسين عليه السلام ويزوره ويحمل إليه الهدايا والتحف ويأخذ مصالح دينه منه، ثم يرجع إلى بلاده فقالت له زوجته: أراك تهدي تحفا كثيرة ولا أراه يجازيك عنها بشيء، فقال: إنَّ الرجل الذي نهدي إليه هدايانا هو ملك الدنيا والآخرة وجميع ما في أيدي الناس تحت ملكه لأنَّه خليفة الله في أرضه، وحبَّته على عباده، وهو ابن رسول الله صلى الله عليه وآله وإمامنا، فلمَّا سمعت ذلك منه أمسكت عن ملامته، ثمَّ إنَّ الرجل تهيَّأ للحجَّ مرَّةً أخرى في السنة القابلة، وقصد دار علي بن الحسين عليه السلام فاستأذن عليه، فأذن له فدخل فسلم عليه وقبَّل يديه ووجد بين يديه طعاماً فقربَّه إليه وأمره بالأكل معه فأكل الرجل، ثمَّ دعا بطست وإبريق فيه ماء، فقام الرجل، وأخذ الإبريق وصبَّ الماء على يدي الإمام عليه السلام فقال عليه السلام: يا شيخ أنت ضيفنا فكيف تصبُّ على يدي الماء؟ فقال: إنِّي أحبُّ ذلك، فقال الإمام عليه السلام: لمَّا أحببت ذلك فو الله لأرينك ما تحبُّ وترضى وتقرُّ به عينك، فصبَّ الرجل على يديه الماء حتَّى امتلأ ثلث الطست، فقال الإمام عليه السلام: للرجل ما هذا؟ فقال: ماء، قال الإمام عليه السلام: بل هو ياقوت أحمر، فنظر الرجل، فاذا هو قد صار ياقوتاً أحمر باذن الله تعالى.

ثمَّ قال عليه السلام: يا رجل صبَّ الماء فصبَّ حتَّى امتلأ ثلثا الطست فقال عليه السلام: ما هذا؟ قال: هذا ماء، قال عليه السلام: بل هذا زمرد أخضر فنظر الرجل فإذا هو زمرد أخضر، ثمَّ قال عليه السلام: صبَّ الماء فصبَّه على يديه حتَّى امتلأ الطست فقال: ما هذا؟ فقال: هذا ماء، قال عليه السلام: بل هذا درّ أبيض، فنظر الرجل إليه، فإذا هو درّ أبيض، فامتلاً الطست من ثلاثة ألوان: درّ وياقوت وزمرد فتعجَّب الرجل وانكبَّ على يديه عليه السلام يقبِّلهما، فقال عليه السلام: يا شيخ لم يكن عندنا شيء نكافيك على هداياك إلينا، فخذ هذه الجواهر عوضاً عن هديتك، واعتذر لنا عند زوجتك لأنَّها عتبت علينا، فأطرق الرجل رأسه وقال: يا سيدي من أنباك بكلام زوجتي؟ فلا أشكُّ أنَّك

من أهل بيت النبوة، ثم إنَّ الرجل ودَّع الامام عليه السلام وأخذ الجواهر وسار بها إلى زوجته، وحدثها بالقصة فسجدت لله شكراً وأقسمت على بعلها بالله العظيم أن يحملها معه إليه عليه السلام فلما تجهَّز بعلها للحجَّ في السنة القابلة أخذها معه، فمرضت في الطريق وماتت قريباً من المدينة، فأتى الرجل الامام عليه السلام باكياً وأخبره بموتها، فقام الامام عليه السلام وصلى ركعتين ودعا الله سبحانه بدعوات، ثم التفت إلى الرجل، وقال له: ارجع إلى زوجتك فإنَّ الله عزَّ وجلَّ قد أحياها بقدرته وحكمته وهو يُحيي العظامَ وهي رميمٌ، فقام الرجل مسرعاً فلما دخل خيمته وجد زوجته جالسة على حال صحتِّها، فقال لها: كيف أحياك الله؟ قالت: والله لقد جاءني ملك الموت وقبض روحي وهمَّ أن يصعد بها، فإذا أنا برجل صفته كذا وكذا - وجعلت تعدُّ أوصافه عليه السلام - وبعلمها يقول: نعم صدقت هذه صفة سيدي ومولاي عليَّ بن الحسين عليه السلام قالت: فلما رآه ملك الموت مقبلاً انكبَّ على قدميه يقبلهما ويقول: السلام عليك يا حجة الله في أرضه، السلام عليك يا زين العابدين، فردَّ عليه السلام، وقال له: يا ملك الموت أعد روح هذه المرأة إلى جسدها، فإنَّها كانت قاصدة إلينا وإنِّي قد سألت ربِّي أن يبقِّيها ثلاثين سنة أخرى ويحييها حياة طيبة لقدومها إلينا زائرة لنا، فقال الملك: سمعاً وطاعة لك يا وليُّ الله، ثم أعاد روحي إلى جسدي، وأنا أنظر إلى ملك الموت قد قبَّل يده عليه السلام وخرج عني، فأخذ الرجل بيد زوجته وأدخلها إليه عليه السلام وهو ما بين أصحابه، فانكبَّت على ركبتيه تقبلهما وهي تقول: هذا والله سيدي ومولاي، وهذا هو الذي أحياني الله ببركة دعائه، قال: فلم تزل المرأة مع بعلها مجاورين عند الإمام عليه السلام بقيَّة أعمارهما إلى أن ماتا رحمة الله عليهما.

٢ - مشارق أنور اليقين ص ٨٩

أنَّ رجلاً سأله «أي علي بن الحسين عليه السلام» بما ذا فضَّلنا على أعدائنا وفيهم من

هو أجمل منّا؟ فقال له الامام عليه السلام: أتحبّ أن ترى فضلك عليهم؟ فقال: نعم، فمسح يده على وجهه وقال: أنظر فنظر فاضطرب وقال: جعلت فداك ردّني إلى ما كنت فأنني لم أرفي المسجد إلّا دبّا وقرداً وكلباً فمسح يده على وجهه فعاد إلى حاله. ونقله عنه في «البحار» ج ٤٦ ص ٤٨.

جملة ممّا ورد في صدورّها عن أبي جعفر الباقر عليه السلام

١ - أمالي الطوسي ص ٤١٠

إبراهيم الأحمري، قال حدثني محمّد ابن سليمان، عن أبيه قال: كان رجل من أهل الشام يختلف إلى أبي جعفر عليه السلام وكان مركزه بالمدينة، يختلف إلى مجلس أبي جعفر عليه السلام يقول له: يا محمّد ألا ترى أنّي إنّما أغشى مجلسك حياءً منّي لك ولا أقول إنّ أحداً في الأرض أبغض إليّ منكم أهل البيت، وأعلم أنّ طاعة الله وطاعة رسوله وطاعة أمير المؤمنين في بغضكم ولكن أراك رجلاً فصيحاً لك أدب وحسن لفظ، فإنّما الاختلاف إليك لحسن أدبك وكان أبو جعفر يقول له خيراً ويقول: لن تخفى على الله خافية، فلم يلبث الشاميّ إلّا قليلاً حتّى مرض واشتدّ وجعه فلمّا ثقل دعا وليّه وقال له: إذا أنت مددت عليّ الثوب في النعش فائت محمّد بن عليّ عليه السلام وسله أن يصليّ عليّ، وأعلمه أنّي أنا الذي أمرتك بذلك، قال: فلمّا أن كان في نصف الليل ظنّوا أنّه قد برد وسجّوه، فلمّا أن أصبح الناس خرج وليّه إلى المسجد، فلمّا أن صلىّ محمّد بن عليّ عليه السلام وتورّك وكان إذا صلىّ عقب في مجلسه، قال له: يا أبا جعفر إنّ فلانا الشاميّ قد هلك وهو يسألك أن تصليّ عليه، فقال أبو جعفر: كلّاً إنّ بلاد الشام بلاد صرد والحجاز بلاد حرّ ولحمها شديد، فانطلق فلا تعجلنّ على صاحبك حتّى آتيكم، ثمّ قام عليه السلام من مجلسه فأخذ عليه السلام وضوءاً ثمّ عاد فصلىّ ركعتين، ثمّ مدّ يده تلقاء وجهه ما شاء الله، ثمّ خرّ ساجداً

حتّى طلعت الشمس، ثمّ نهض فانتهى إلى منزل الشاميّ فدخل عليه فدعاه فأجابه، ثمّ أجلسه وأسنده ودعا له بسويق فسقاه فقال لأهله: املؤا جوفه وبرّدوا صدره بالطعام البارد، ثمّ انصرف عليه السلام فلم يلبث إلّا قليلاً حتّى عوفي الشاميّ فأتى أبا جعفر عليه السلام، فقال: أخلني فأخلاه فقال: أشهد أنّك حجة الله على خلقه، وبابه الذي يؤتى منه، فمن أتى من غيرك خاب وخسر وضلّ ضلالاً بعيداً. قال له أبو جعفر عليه السلام: وما بدا لك؟ قال: أشهد أنّي عهدت بروحي وعاينت بعيني فلم يتفاجأني إلّا ومناد يُنادي، أسمع به بأذني ينادي وما أنا بالنائم: ردّوا عليه روحه فقد سألنا ذلك محمّد بن عليّ فقال له أبو جعفر: أما علمت أنّ الله يحبّ العبد ويبغض عمله، ويبغض العبد ويحبّ عمله؟ قال: فصار بعد ذلك من أصحاب أبي جعفر عليه السلام.

وروى في «المناقب لابن شهر آشوب» ج ٤ ص ١٨٦ عن محمّد بن شبيل الوكيل بالإسناد عن محمّد بن سليمان مثله.
ونقله عنهما في «البحار» ج ٤٦ ص ٢٣٣.

٢ - الخرائج ج ٢ ص ٥٩٧

روى أبو عتيبة قال: كنت عند أبي جعفر عليه السلام فدخل رجل فقال: أنا من أهل الشام أتولّاكم وأبرأ من عدوّكم، وأبي كان يتولّى بني أميّة وكان له مال كثير، ولم يكن له ولد غيري وكان مسكنه بالرملة وكان له جنيّة يتخلّى فيها بنفسه، فلمّا مات طلبت المال فلم أظفر به، ولا أشكّ أنّه دفنه وأخفاه منّي قال أبو جعفر: أفتحبّ أن تراه وتسأله أين موضع ماله؟ قال: إي والله إنّني لفقير محتاج، فكتب أبو جعفر كتاباً وختمه بخاتمه، ثمّ قال: انطلق بهذا الكتاب اللّيلة إلى البقيع حتّى تتوسّطه، ثمّ تنادي: يا درجان يا درجان، فإنّه يأتيك رجل معتمّ فادفع إليه كتابي، وقل: أنا

رسول محمد بن علي بن الحسين فإنه يأتيك فاسأله عما بدالك، فأخذ الرجل الكتاب وانطلق.

قال أبو عتيبة: فلما كان من الغد أتيت أبا جعفر لأنظر ما حال الرجل فإذا هو على الباب ينتظر أن يؤذن له، فأذن له فدخلنا جميعاً فقال الرجل: الله يعلم عند من يضع العلم، قد انطلقت البارحة، وفعلت ما أمرت، فأتاني الرجل فقال: لا تبرح من موضعك حتى آتيك به، فأتاني برجل أسود فقال: هذا أبوك قلت: ما هو أبي قال: غيره اللهب ودخان الجحيم والعذاب الأليم، قلت: أنت أبي؟ قال: نعم، قلت: فما غيرك عن صورتك وهيئتك؟ قال: يا بني كنت أتولى بني أمية وأفضلهم على أهل بيت النبي بعد النبي ﷺ فعذبني الله بذلك، وكنت أنت تتولاهم، وكنت أبغضتك على ذلك وحرمتك مالي فزويته عنك، وأنا اليوم على ذلك من النادمين فانطلق يا بني إلى جنتي فاحفر تحت الزيتون وخذ المال مائة ألف درهم، فادفع إلى محمد بن علي ﷺ خمسين ألفاً والباقي لك، ثم قال: وأنا منطلق حتى آخذ المال وآتيك بمالك، قال أبو عتيبة: فلما كان من قابل سألت أبا جعفر ﷺ ما فعل الرجل صاحب المال قال: قد أتاني بخمسين ألف درهم فقضيت منها ديناً كان عليّ وابتعت منها أرضاً بناحية خيبر ووصلت منها أهل الحاجة من أهل بيتي.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٦ ص ٢٤٥.

٣ - الخرائج للراوندي ج ٢ ص ٧٧٦

روي عن محمد بن مسلم قال: دخلت مع أبي جعفر ﷺ مسجد الرسول ﷺ فإذا طاوس اليماني يقول: من كان نصف الناس؟ فسمعه أبو جعفر ﷺ فقال: إنما هو ربع الناس، آدم وحوّاء وهابيل وقايل، قال: صدقت يا ابن رسول الله، قال محمد بن مسلم: فقلت في نفسي: هذه والله مسألة فغدوت إلى منزل أبي جعفر وقد

لبس ثيابه وأسرج له، فلمّا رأيته ناداني قبل أن أسأله فقال: بالهند ووراء الهند بمسافة بعيدة، رجلٌ عليه مسُوح يده مغلولة إلى عنقه موكلٌ به عشرة رهطٍ يعذب إلى أن تقوم الساعة، قلت: ومن ذلك؟ قال: قاييل.

بيان: المسوح جمع المسح وهو البلاس.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٦ ص ٢٥٦.

٤ - الاختصاص ص ٢٧٦

أحمد بن محمد بن عيسى، عن عليّ بن الحكم، عن مالك بن عطية، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كنت أسير مع أبي في طريق مكة ونحن على ناقتين، فلمّا صرنا بوادي ضجنان خرج علينا رجل في عنقه سلسلة يسحبها فقال: يا ابن رسول الله اسقني سقاك الله، فتبعه رجل آخر فاجتذب السلسلة، وقال: يا ابن رسول الله لا تسقه لا سقاك الله، فالتفت إليّ أبي فقال: يا جعفر عرفت هذا؟ هذا معاوية، لعنه الله. ورواه بسند آخر عن بشير النبال عن أبي عبد الله عليه السلام مثله وبسند آخر عن بشير النبال عن أبي جعفر عليه السلام مثله.

ورواه بسند ثالث عن إدريس بن عبد الله عن أبي عبد الله عليه السلام مثله أيضاً. ورواه عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن إبراهيم بن أبي البلاد عن عليّ بن المغيرة قال: نزل أبو جعفر بضجنان فقال: ثلاث مرّات «غفر الله لك فلما قال قال أتدرون لمن قلت أو قال له بعض أصحابنا فقال مرّ بي معاوية بن أبي سفيان يجرّ سلسلة قد دلع لسانه يسألني أن استغفر له. ثمّ قال: إنه وادٍ من أودية جهنّم.

٥ - أصول الكافي ج ١ ص ١٨٨

محمد بن أبي عبد الله، ومحمد بن الحسن، عن سهل بن زياد؛ ومحمد بن

يحيى، عن أحمد بن محمد جميعاً، عن الحسن بن العباس بن الحرّيش، عن أبي جعفر الثاني عليه السلام قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: بينا أبي يطوف بالكعبة إذا رجل معتجر قد قيّض له، ففقطع عليه أسبوعه حتّى أدخله إلى دار جنب الصّفا، فأرسل إليّ فكُنّا ثلاثة فقال: مرحباً يا ابن رسول الله، ثمّ وضع يده على رأسي وقال: بارك الله فيك، يا أمين الله بعد آبائه، يا أبا جعفر إن شئت فأخبرني، وإن شئت فأخبرتك وإن شئت سلني، وإن شئت سألتك، وإن شئت فأصدقني، وإن شئت صدقتك، قال: كلّ ذلك أشاء قال: فإياك أن ينطق لسانك عند مسألتني بأمر تضر لي غيره قال: إنّما يفعل ذلك من في قلبه علمان، يخالف أحدهما صاحبه، وإنّ الله عزّ وجلّ أباي أن يكون له علم فيه اختلاف، قال: هذه مسألتني وقد فسّرت طرفاً منها، أخبرني عن هذا العلم الذي ليس فيه اختلاف، من يعلمه؟ قال: أمّا جملة العلم فعند الله جلّ ذكره، وأمّا ما لا بدّ للعباد منه فعند الأوصياء.

قال: ففتح الرّجل عجرته، واستوى جالساً وتهلّل وجهه وقال: هذه أردت ولها أتيت زعمت أنّ علم ما لا اختلاف فيه من العلم عند الأوصياء، فكيف يعلمونه؟ قال: كما كان رسول الله صلّى الله عليه وآله يعلمه إلّا أنّهم لا يرون ما كان رسول الله صلّى الله عليه وآله يرى لأنّه كان نبياً وهم محدّثون، وإنّه كان يفد إلى الله جلّ عزّ وجلّ، فيسمع الوحي وهم لا يسمعون فقال: صدقت يا ابن رسول الله سأتيك بمسألة صعبة: أخبرني عن هذا العلم ما له لا يظهر، كما كان يظهر مع رسول الله صلّى الله عليه وآله قال: فضحك أبي عليه السلام وقال: أباي الله أن يُطلع على علمه إلّا ممتحناً للإيمان به كما قضى على رسول الله أن يصبر على أذى قومه، ولا يجاهد هم إلّا بأمره، فكم من اكتتام قد اكتتم به حتّى قيل له: «فأصدع بما تؤمّر وأعرض عن المُشركين» وأيم الله أن لو صدع قبل ذلك، لكان آمناً، ولكنّه إنّما نظر في الطاعة، وخاف الخلاف، فلذلك كفّ، فوددت أن عينيك تكون مع مهديّ هذه

الأمّة، والملائكة بسيوف آل داود بين السماء والأرض، تعذب أرواح الكفرة من الأموات، وتلحق بهم أرواح أشباههم من الأحياء، ثمّ أخرج سيفاً ثمّ قال: ها! إنّ هذا منها.

قال: فقال أبي إي والذي اصطفى محمّداً على البشر، قال: فردّ الرّجل اعتجاره وقال: أنا إلياس ما سألتك عن أمرك بي منه جهالة، غير أنّي أحببت أن يكون هذا الحديث قوّة لأصحابك، وساق الحديث بطوله إلى أن قال: ثمّ قام الرّجل وذهب فلم أره.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٦ ص ٣٦٣.

٦- البصائر ص ٥٠٨

رواه عن محمّد بن الحسين، عن البرزطي، عن عبد الكريم، عن محمّد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: جاء أعرابيّ حتّى قام على باب المسجد فتوسّم فرأى أبا جعفر، فعقل ناقته ودخل وجثى على ركبتيه وعليه شملة، فقال أبو جعفر: من أين جئت يا أعرابيّ؟ قال: جئت من أقصى البلدان قال أبو جعفر عليه السلام ع البلدان أوسع من ذاك، فمن أين جئت؟ قال: جئت من أحقاف عاد، قال: نعم فرأيت ثمة سدرّة إذا مرّ التجّار بها استظلّوا بفيئتها؟ قال: وما علمك جعلني الله فداك؟ قال: هو عندنا في كتاب وأيّ شيء رأيت أيضاً؟ قال: رأيت وادياً مظلماً فيه الهام والبوم لا يبصر قعره، قال: وتدرى ما ذاك الوادي قال: لا والله ما أدري، قال: ذاك برهوت فيه نسمة كلّ كافر، ثمّ قال: أين بلغت؟ قال: فقطع بالأعرابي، فقال: بلغت قوماً جلوساً في مجالسهم، ليس لهم طعام ولا شراب، إلّا ألبان أغنامهم فهي طعامهم وشرابهم، ثمّ نظر إلى السّماء فقال: اللّهمّ العنه، فقال له جلساؤه: من هو جُعنا فداك؟ قال: هو قابيل يعذب بحرّ الشمس وزمهير البرد، ثمّ جاءه رجل آخر،

فقال له: رأيت جعفرًا؟ فقال الأعرابي: ومن جعفر هذا الذي يسأل عنه؟ قالوا: ابنه قال: سبحان الله وما أعجب هذا الرجل يخبرنا عن خبر السماء ولا يدري أين ابنه!؟

قال في «البحار»: البلدان أوسع من ذلك: أي هي أكثر من أن تأتي من أقصاه أو من أن يعين ويعرف بذلك، والهام طائر من طير الليل وهو الصدى، قوله: فيه نسمة كل كافر أي يعذب فيها أرواحهم وسيأتي بيانها في كتاب الجنائز، وقوله: فقطع الأعرابي على المجهول أي بهت وسكت، أو بالمعلوم أي قطع عليه السلام كلامه وعلى التقديرين فاعل قال بعد ذلك هو أبو جعفر عليه السلام وبلغت بصيغة الخطاب وإنما سأل عليه السلام عن هذا القوم ليبين أن ابن آدم يعذب في قريتهم، ولذا قال بعد ذلك: اللهم العنه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٦ ص ٢٤٢.

مركز تحقيقات كافي نور علوم حسدي

مما ورد في صدورها عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام

١ - البصائر ص ٢٧٤

عبد الله بن محمد، عن محمد بن إبراهيم، عن أبي محمد بريد، عن داود ابن كثير الرقي قال: حج رجل من أصحابنا فدخل على أبي عبد الله عليه السلام فقال: فداك أبي وأُمِّي إن أهلي قد توفيت وبقيت وحيداً فقال أبو عبد الله عليه السلام: أفكنت تحبها؟ قال: نعم جعلت فداك قال: ارجع إلى منزلك فإنك سترجع إلى المنزل وهي تأكل، قال: فلمّا رجعت من حجّتي ودخلت منزلي رأيتها قاعدة وهي تأكل.

ورواه في مناقب ابن شهر آشوب ج ٤ ص ٢٣٩ عن بصائر الدرجات، عن سعد القمي بإسناده عن داود مثله، وزاد في آخره: وبين يديها طبق عليه تمر وزبيب.

ونقله عنهما في «البحار» ج ٤٧ ص ٨٠.

٢ - البصائر ص ٤٠٥

أحمد بن محمد، عن جعفر بن محمد بن مالك الكوفي، عن محمد بن عمار، عن أبي بصير قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فركض برجله الأرض فاذا بحر فيه سفن من فضة، فركب وركبت معه، حتى انتهى إلى موضع فيه خيام من فضة، فدخلها ثم خرج، فقال: رأيت الخيمة التي دخلتها أولاً؟ فقلت: نعم قال ط تلك خيمة رسول الله صلى الله عليه وآله، والأخرى خيمة أمير المؤمنين، والثالثة خيمة فاطمة والرابعة خيمة خديجة، والخامسة خيمة الحسن، والسادسة خيمة الحسين، والسابعة خيمة علي بن الحسين، والثامنة خيمة أبي، والتاسعة خيمتي، وليس أحد منا يموت إلا وله خيمة يسكن فيها.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٧ ص ٩١.



٣ - الخرائج للراوندي ج ٢ ص ٦٢٧

روي أن عيسى بن مهران قال: كان رجل من أهل خراسان من وراء النهر، وكان موسراً، وكان محباً لأهل البيت، وكان يحج في كل سنة، وقد وظف على نفسه لأبي عبد الله عليه السلام في كل سنة ألف دينار من ماله، وكانت تحته ابنة عم له تساويه في اليسار والديانة فقالت في بعض السنين: يا ابن عم حج بي في هذه السنة، فأجابها إلى ذلك، فتجهزت للحج، وحملت لعيال أبي عبد الله عليه السلام وبناته من فواخر ثياب خراسان، ومن الجواهر والبز أشياء كثيرة خطيرة، وأعد زوجها ألف دينار في كيس، كعادته لأبي عبد الله عليه السلام وجعل الكيس في ربة فيها حلتي وطيب وشخص يريد المدينة، فلما وردها صار إلى أبي عبد الله عليه السلام فسلم عليه، وأعلمه أنه حج بأهله، وسأله الإذن لها في المصير إلى منزله للتسليم على أهله وبناته، فأذن لها أبو عبد الله عليه السلام في ذلك فصارت إليهم وفرقت عليهم، وأجملت،

وأقامت يوماً عندهم وانصرفت.

فلما كان من الغد قال لها زوجها: أخرجي تلك الربعة لتسليم ألف دينار إلى أبي عبد الله عليه السلام فقالت: في موضع كذا فأخذها، وفتح القفل، فلم يجد الدنانير وكان فيها حلّيتها وثيابها، فاستقرض ألف دينار من أهل بلده، ورهن الحلّي بها وصار إلى أبي عبد الله عليه السلام فقال: قد وصلت إلينا الألف قال: يا مولاي وكيف ذلك وما علم بها غيري وغير بنت عمّي؟ فقال: مسّتنا ضيقة فوجّهنا من أتى بها من شيعتي من الجنّ، فأنّي كلما أريد أمراً بعجلة أبعث واحداً منهم، فزاد في بصيرة الرّجل وسرّ به، واسترجع الحلّي ممّن رهنه، ثمّ انصرف إلى منزله فوجد امرأته تجود بنفسها فسأل عن خبرها فقالت خدمتها: أصابها وجع في فؤادها، وهي في هذه الحال فغمّضها وسجّأها، وشدّ حنكها، وتقدّم في إصلاح ما يحتاج إليه من الكفن والكافور وحفر قبرها، وصار إلى أبي عبد الله عليه السلام فأخبره وسأله أن يتفضّل بالصّلاة عليها فصلّى أبو عبد الله عليه السلام ركعتين ودعا، ثمّ قال للرّجل: انصرف إلى رحلك فإنّ أهلك لم تمت، وستجدها في رحلك تأمر وتنهى، وهي في حال سلامة، فرجع الرّجل فأصابها كما وصف أبو عبد الله عليه السلام، ثمّ خرج يُريد مكّة وخرج أبو عبد الله عليه السلام للحجّ أيضاً، فبينما المرأة تطوف بالبيت إذا رأّت أبا عبد الله يطوف والنّاس قد حفّوا به فقالت لزوجها: من هذا الرّجل؟ قال أبو عبد الله عليه السلام قال: هذا والله الرّجل الذي رأيته يشفع إلى الله حتّى ردّ روحي في جسدي.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٧ ص ١٠٣.

بيان: قال الجزريّ الرّبعة إناء مربّع كالجونة

٤ - مناقب ابن شهر آشوب ج ٤ ص ٢٣٩

بصائر الدرجات عن سعد القمي قال أبو الفضل بن دكين حدثني محمّد بن

راشد عن أبيه عن جده قال سألت جعفر بن محمد عليه السلام علامة فقال سلني ما شئت أخبرك إن شاء الله، فقلت أخاً لي بات في هذه المقابر فتأمره أن يجيئني قال فما كان اسمه؟ قلت: أحمد، قال: يا أحمد قم بإذن الله وبإذن جعفر بن محمد فقام والله وهو يقول: أتيتته.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٧ ص ١٣٧.

٥ - البحار ج ٤٧ ص ١٥٩

عيون المعجزات المنسوب إلى السيد المرتضى: عن علي بن مهران عن داود بن كثير الرقي قال: كنا في منزل أبي عبد الله ونحن نتذاكر فضائل الأنبياء فقال عليه السلام مجيباً لنا: والله ما خلق الله نبياً إلا ومحمد صلى الله عليه وآله أفضل منه، ثم خلع خاتمته، ووضعها على الأرض، وتكلم بشيء، فانصدعت الأرض وانفرجت بقدره الله عز وجل، فاذا نحن ببحر عجّاج، في وسطه سفينة خضراء من زبرجدة خضراء في وسطها قبة من درة بيضاء، حولها دار خضراء مكتوب عليه لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، بشر القائم فإنه يقاتل الأعداء، ويغيث المؤمنين وينصره عز وجل بالملائكة في عدد نجوم السماء، ثم تكلم صلوات الله عليه بكلام فثار ماء البحر وارتفع مع السفينة، فقال: ادخلوها، فدخلنا القبة التي في السفينة فاذا فيها أربعة كراسي من ألوان الجواهر، فجلس هو على أحدها، وأجلسني على واحد، وأجلس موسى عليه السلام وإسماعيل كل واحد منهما على كرسي، ثم قال عليه السلام للسفينة: سيري بقدره الله تعالى فسارت في بحر عجّاج بين جبال الدر واليواقيت، ثم أدخل يده في البحر، وأخرج درراً وياقوتاً، فقال: يا داود إن كنت تريد الدنيا فخذ حاجتك، فقلت: يا مولاي لا حاجة لي في الدنيا فرمى به في البحر وغمس يده في البحر وأخرج مسكاً وعنبراً، فشمه وشمّني، وشمّ موسى وإسماعيل عليه السلام ثم رمى

به في البحر وسارت السفينة حتّى انتهينا إلى جزيرة عظيمة، فيما بين ذلك البحر، وإذا فيها قباب من الدرّ الأبيض، مفروشة بالسندس والاستبرق، عليها ستور الأرجوان، محفوفة بالملائكة، فلمّا نظرنا إلينا، أقبلوا مذعنين له بالطاعة، مقرّين له بالولاية، فقلت: مولاي لمن هذه القباب؟ فقال: للأئمة من ذرية محمد ﷺ كلّما قبض إمام صار إلى هذا الموضع، إلى الوقت المعلوم، الذي ذكره الله تعالى.

ثمّ قال عليه السلام: قوموا بنا حتّى نسلم على أمير المؤمنين عليه السلام فقمنا وقام ووقفنا بباب إحدى القباب المزينة، وهي أجملها وأعظمها وسلمنا على أمير المؤمنين عليه السلام وهو قاعد فيها ثمّ عدل إلى قبة أخرى وعدلنا معه فسلم وسلمنا على الحسن بن علي عليه السلام وعدلنا منها إلى قبة بازائها فسلمنا على الحسين بن علي عليه السلام ثمّ علي بن الحسين ثمّ علي محمد بن علي كل واحد منهم في قبة مزينة مزخرفة ثمّ عدل إلى بنية بالجزيرة وعدلنا معه وإذا فيها قبة عظيمة من درة بيضاء مزينة بفنون الفرش والستور وإذا فيها سرير من ذهب مرصع بأنواع الجواهر فقلت يا مولاي لمن هذه القبة فقال للقائم منّا أهل البيت صاحب الزمان عليه السلام ثمّ أومأ بيده وتكلّم بشيء وإذا نحن فوق الأرض بالمدينة في منزل أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام وأخرج خاتمه وختم الأرض بين يديه فلم أر فيها صدعاً ولا فرجة.

مما ورد في صدورها عن موسى بن جعفر عليه السلام

البحار ج ٤٨ ص ٨٤

عيون المعجزات: عن محمد بن الفضل عن داود الرقي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: حدّثني عن أعداء أمير المؤمنين وأهل بيت النبوة، فقال: الحديث أحبّ إليك أم المعاينة؟ قلت: المعاينة، فقال لأبي إبراهيم موسى عليه السلام: اتّني بالقضيب فمضى وأحضره إيّاه، فقال له: يا موسى اضرب به الأرض وأرهم أعداء

أمير المؤمنين عليه السلام وأعداءنا، فضرب به الأرض ضربةً فانشقت الأرض عن بحر أسود، ثم ضرب البحر بالقضيب فانفلق عن صخرة سوداء، فضرب الصخرة فانفتح منها باب، فاذا بالقوم جميعاً لا يحصون لكثرتهم ووجوههم مسودةً وأعينهم زرق، كلُّ واحد منهم مصفّد مشدود في جانب من الصخرة، وهم ينادون يا محمد! والزبانية تضرب وجوههم ويقولون لهم: كذبتُم ليس محمد لكم ولا أنتم له.

فقلت له: جعلت فداك من هؤلاء؟ فقال: الجبت والطاغوت والرجس واللعين ابن اللعين، ولم يزل يعدّدهم كلّهم من أولّهم إلى آخرهم حتّى أتى على أصحاب السقيفة، وأصحاب الفتنة، وبني الأزرق والأوزاع وبني أميّة جدّد الله عليهم العذاب بكرة وأصيلاً.

ثم قال عليه السلام للصخرة: انطبقي عليهم إلى الوقت المعلوم.
بيان: يمكن أن يكون أصحاب الفتنة إشارة إلى طلحة والزبير وأصحابهما.

مما ورد في صدورهما عن عليّ بن موسى الرضا عليه السلام

قرب الاسناد ص ١٥٢

معاوية بن حكيم عن الحسن بن عليّ ابن بنت إلياس قال: قال لي أبو الحسن الرضا عليه السلام بخراسان: رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله هينها والتزمته.

ونقله عنه في «البحار» ج ٤٩ ص ٨٧.

خاتمة

في ذكر جملة من آثار حبّ عليّ عليه السلام

في الميّت

ما لحبّ علي حسرة عند موته ولا وحشة في قبره

مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ص ٢٣٧

تاريخ بغداد: سفيان الثوري عن منصور بن المعتمر عن جدته عن عائشة، قال النبي ﷺ لعلي: حسبك ما لمحبتك حسرة عند موته ولا وحشة في قبره ولا فرع يوم القيامة.

من مات على حبّ آل محمّد بشره ملك الموت بالجنة ثمّ منكر ونكير



مركز تحقيقات كليات علوم إيسدي

جامع الأخبار ص ١٦٦

قال النبي ﷺ - في حديث - من مات على حبّ آل محمّد بشره ملك الموت بالجنة ثمّ منكر ونكير، ألا ومن مات على حبّ آل محمّد فتح له في قبره بابان إلى الجنة، ألا ومن مات على حبّ آل محمّد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة.

من أحبّ علياً عليه السلام فتح له في قبره

أعلام الدين ص ٤٥٠

وعنه عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله ﷺ أنّه قال لأمر المؤمنين عليه السلام: بشر

شيعتك ومحبيك بخصال عشر:

أولها طيب مولدهم، وثانيها: حسن إيمانهم، وثالثها: حبّ الله لهم، والرابعة: الفسحة في قبورهم، والخامسة: نورهم يسعى بين أيديهم، والسادسة: نزع الفقر من بين أعينهم وغنى قلوبهم، والسابعة: المقت من الله لأعدائهم، والثامنة: الأمن من

البرص والجذام، والتاسعة: انحطاط الذنوب والسيئات عنهم، والعاشرة: هم معي في الجنة وأنا معهم، فطوبى لهم وحسن مآب.

بعرض عمل الميِّت على النبي ﷺ وعليّ عليه السلام

بصائر الدرجات ص ٤٢٨

أحمد بن الحسين، عن أبيه، عن عبد الكريم بن يحيى الخثعمي، عن بريد بن معاوية العجلي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: «اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» فقال: ما من مؤمن يموت ولا كافر فيوضع في قبره حتى يعرض عمله على رسول الله ﷺ وعلى عليّ عليه السلام فلهنَّ جرًّا إلى آخر من فرض الله طاعته على العباد.



ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ١٨٣

يدخل على المؤمن في قبره ستة صور أحسنهنَّ الولاية لآل محمد ﷺ

المحاسن ص ٢٨٨

عنه، عن عبد الرحمن بن نجران وأحمد بن أبي نصر، عن عاصم بن حميد، عن أبي بصير، عن أحدهما عليه السلام قال: إذا مات العبد المؤمن دخل معه في قبره ستة صور، فيهنَّ صورة هي أحسنهنَّ وجهاً، وأبهاهنَّ هيئة، وأطيبهنَّ ريحاً، وأنظفهنَّ صورة، قال: فيقف صورة عن يمينه، وأخرى عن يساره، وأخرى بين يديه، وأخرى خلفه، وأخرى عند رجليه، ويقف التي هي أحسنهنَّ فوق رأسه، فإن أتى عن يمينه، منعت التي عن يمينه، ثم كذلك إلى أن يؤتى من الجهات الست قال: فتقول أحسنهنَّ صورة: من أنتم جزاكم الله - عني خيراً؟ - فتقول التي عن يمين العبد: أنا الصلوة، وتقول التي عن يساره: أنا الزكاة وتقول التي بين يديه: أنا

الصَّيام، وتقول التي خلفه: أنا الحجّ والعمرة، وتقول التي عند رجله: أنا برّ من وصلت من إخوانك، ثمّ يقلن: من أنت؟ - فأنت أحسننا وجهاً، وأطيبنا ريحاً، وأبهانا هيئة، فتقول: أنا الولاية لآل محمّد (صلوات الله عليه وعليهم).

يسأل الميّت في قبره عن خمس

ومنها الولاية فنقول ما دخل عليكم من نقص فعليّ تمامه

الكافي ج ٣ ص ٢٤١

عنه، عن أبيه رفعه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يسأل الميّت في قبره عن خمس: عن صلاته، وزكاته، وحجّه، وصيامه، وولايته إيّانا أهل البيت، فتقول الولاية عن جانب القبر للأربع: ما دخل فيكنّ من نقص فعليّ تمامه.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٦٥.

مركز تحقيقات كميّات علوم حسّدي

الفسخة لقبور شيعة عليّ عليه السلام وأنصاره

جامع الأخبار ص ٣٥

حدّثني أبو عبد الله أحمد بن عبدون بسنده عن محمّد بن الفضل عن موسى بن جعفر عليه السلام... قال رسول الله صلّى الله عليه وآله يا عليّ بشرّ شيعةك وأنصارك بعشر خصال... ورابعها الفسحة في قبورهم، الحديث.

حبّ أهل البيت أحوج ما يكون له عند الموت

كتاب الزهد ص ٨٦

صفوان عن قتيبة الأعشى قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: عاديتم فينا الالباء والابناء والازواج وثوابكم على الله، إن أحوج ما تكونون فيه إلى حبنا إذا بلغت النفس هذه - وأوماً بيده إلى حلقه -.

من أحبّ عليّاً عليه السلام جعل قبره روضة من رياض الجنّة

مشارك أنوار اليقين ص ٦١

ومن كتاب أنوار اليقين مرفوعاً عن ابن عمر عن رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث قال: ألا عن أحبّ عليّاً هانت عليه سكرات الموت وجعل قبره روضة من رياض الجنّة، الحديث.

حبّ أهل البيت ينفع في سبعة مواضع

منها عند الموت وعند القبر

المحاسن ص ١٥٢

محمّد بن عليّ وغيره عن الحسن بن محمد بن الفضل الهاشمي عن أبيه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إنّ حبّنا أهل البيت لينتفع به في سبع مواطن: عند الله وعند الموت وعند القبر ويوم الحشر وعند الحوض وعند الميزان وعند الصراط. ونقله عنه في «البحار» ج ٢٧ ص ١٥٨.

بيان: عند الله، أي في الدّنيا بقربه لديه، أو استجابة دعائه وقبول أعماله، أو في درجات الجنّة، أو عند الحضور عند الله للحساب، فيكون أوفق بالخبر السابق.

حبّ النبيّ وعليّ وأهل البيت ينفع عند نزول ملك الموت وعند مسائلة القبر وعند الموقف بين يدي الله

١ - أعلام الدين ص ٤٦١

عن جابر الجعفي عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام للحارث الأعور: لينفعنك حبّنا عند ثلاث: عند نزول ملك الموت، وعند مساءلتك في قبرك، وعند موقفك بين يدي الله.

٢ - مشارق أنوار اليقين ص ١٢٢

أخبر (الله تعالى) نبيّه أن حبّ عليّ هو المسؤول عنه في القبر فقال: «وإنّه لذكر لك ولقومك وسوف تسألون» يعني في القيامة في القبر.

٣ - مشارق أنوار اليقين ص ٥٩

قال رسول الله ﷺ: إنّ حبّ أهل بيتي ينفع من أحبّهم في سبع مواطن مهولة، عند الموت، وفي القبر، الحديث.

النصاب من أهل القبلة إذا ماتوا

يدخل عليهم اللهب والحميم إلى يوم القيامة



تفسير القمّي ج ٢ ص ٢٦٠

أبي، عن الحسن بن محبوب، عن عليّ بن رئاب، عن ضريس الكناسيّ عن أبي جعفر عليه السلام قال: قلت له: جعلت فداك ما حال الموحّدين المقرّين بنبوّة محمّد ﷺ من المسلمين المذنبين الذين يموتون وليس لهم إمام ولا يعرفون ولا يتكلم؟ فقال: أمّا هؤلاء فإنّهم في حفرهم لا يخرجون منها فمن كان له عمل صالح ولم يظهر منه عداوة فإنّه يخذّ له خدّاً إلى الجنّة التي خلقها الله بالمغرب، فيدخل عليه الروح في حفرته إلى يوم القيامة حتّى يلقي الله فيحاسبه بحسناته وسيئاته، فأمّا إلى الجنّة وإمّا إلى النار فهؤلاء الموقوفون لأمر الله، قال: وكذلك يفعل بالمستضعفين والبله والأطفال وأولاد المسلمين الذين لم يبلغ الحلم، وأمّا النصاب من أهل القبلة فإنّه يخذّ لهم خدّاً إلى النار التي خلقها الله في المشرق فيدخل عليهم اللهب والشرر والدخان وفورة الحميم إلى يوم القيامة، ثمّ بعد ذلك مصيرهم إلى الجحيم.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٨٦.

عذاب من دخل في الذنوب ممّن تولّى أمير المؤمنين إنّما هو البرزخ

١ - تفسير القمّي ج ٢ ص ٣٤٥

«فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ» قال: منكم يعني من الشيعة «إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» قال: معناه: إنّ من تولّى أمير المؤمنين صلوات الله عليه وتبرّأ من أعدائه وأحلّ حلاله وحرّم حرامه ثمّ دخل في الذنوب ولم يتب في الدنيا عذب لها في البرزخ، ويخرج يوم القيامة وليس له ذنب يسأل عنه يوم القيامة. ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٤٦.

٢ - الكافي ج ٣ ص ٢٤٢

محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن أحمد بن محمد بن عبد الرحمان عن حماد، عن عمرو بن يزيد قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إني سمعتك وأنت تقول: كل شيعتنا في الجنة علي ما كان فيهم؟ قال: صدقتك كلهم والله في الجنة، قال: قلت: جعلت فداك إنّ الذنوب كثيرة كبار؟ فقال: أما في القيامة فكلكم في الجنة بشفاعته النبي المطاع أو وصي النبي، ولكنني والله أتخوّف عليكم في البرزخ، قلت: وما البرزخ؟ فقال: القبر منذ حين موته إلى يوم القيامة.

حبّ عليّ هو المسؤول عنه في القبر

مشارك أنوار اليقين ص ١٢٢

أخبر نبيّه أن حبّ عليّ هو المسؤول عنه في القبر فقال «وإنّه لذكر لك ولقومك وسوف تسألون» يعني يوم القيامة وفي القبر.

ينعم في القبور المؤمنون بنبوّة محمد وولاية عليّ

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ص ٢١٠

قوله عزّ وجلّ: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ

يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» قال الإمام عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لكفار قريش واليهود: كيف تكفرون بالله الذي دلكم على طرق الهدى، وجنّبكم إن أطعتموه سبل الردى، وكنتم أمواتاً في أصلاب آبائكم وأرحام أمهاتكم فأحياكم، أخرجكم أحياءاً ثم يميتكم في هذه الدنيا ويقبركم، ثم يحييكم في القبور، وينعم فيها المؤمنين بنبوّة محمد وولاية عليّ، ويعذب فيها الكافرين بهما، ثم إليه ترجعون في الآخرة بأن تموتوا في القبور بعد، ثم تحيوا للبعث يوم القيامة، ترجعون إلى ما وعدكم من الثواب على الطاعات إن كنتم فاعليها، ومن العقاب على المعاصي إن كنتم مقارفيها؛ فقل له: يا بن رسول الله ففي القبور نعيمٌ وعذابٌ؟ قال: إي والذي بعث محمداً بالحق نبياً، وجعله زكياً، هادياً، مهدياً، وجعل أخاه عليّاً بالعهد وفياً، وبالحق مليّاً ولدى الله مرضياً، وإلى الجهاد سابقاً، ولله في أحواله موافقاً، وللمكارم حائزاً، وبنصر الله على أعدائه فائزاً، وللعلوم حاوياً، ولأولياء الله موالياً، ولأعدائه مناوياً، وبالخيرات ناوياً، وللقبائح رافضاً، وللشيطان مخزياً، وللفسقة المردة مقصياً، ولمحمد صلى الله عليه وآله نفساً، وبين يديه لدى المكاره جنة وترساً، آمنت به أنا وأبي عليّ بن أبي طالب عبد ربّ الأرباب، المفضل على أولي الألباب، الحاوي لعلوم الكتاب، زين من يوافي يوم القيامة في عرصات الحساب بعد محمد صفّي الكريم العزيز الوهاب، إن في القبر نعيماً يوفّر الله به حظوظ أوليائه، وإن في القبر عذاباً يشدّد الله به على أشقياء أعدائه.

أقول: تمامه في باب ما يعاين المؤمن والكافر عند الموت من قوله: إنّ المؤمن الموالي إلى آخر الخبر.

ونقله عنه في «البحار» ج ٦ ص ٢٣٦.



فهرست كتاب المعاد والبرزخ

الموضوع	الصفحة
كتاب برزخ	
مقدمة الكتاب	٣
آيات يوم القيامة	٩
مضمون آيات «يوم القيامة»	٣٠
١- مطلق الجزاء	٣٠
٢- ذكر الإيمان بالمعاد مع الإيمان بالمبدء	٣٠
٣- جزاء السيئات	٣٠
٤- جزاء المكذبين للدين يوم القيامة	٣٠
٥- العناية الالهية المعنوية لأهل الإيمان يوم القيامة وقطعها عن الكفار فيها	٣٠
٦- انقطاع الروابط الدنيوية بين الناس يوم القيامة	٣١
٧- حضور نفس العمل أو المعمول به في يوم القيامة	٣١
٨- الفروق الجسمانية بين أهل الإيمان وأهل الكفر في يوم القيامة	٣١
٩- الشهادات على الأعمال يوم القيامة	٣١
١٠- نفخ الصور واستماع الصيحة عند الخروج	٣١
١١- الفصل والحكومة بين الناس	٣١



- ٣١ ١٢ - يوم القيامة لا يستأخر منه ساعة ولا يستقدم
- ٣١ ١٣ - النداء يوم القيامة
- ٣٢ ١٤ - الحساب
- ٣٢ ١٥ - قرب يوم القيامة
- ٣٢ ١٦ - إحياء العظام وهي رميم
- ٣٢ ١٧ - الاحتجاج مع الناس يوم القيامة
- ٣٢ ١٨ - جزاء الأعمال الحسنة يوم القيامة
- ٣٢ ١٩ - الحكومة الكاملة يوم القيامة
- ٣٢ ٢٠ - الحشر والبعث يوم القيامة
- ٣٢ ٢١ - كيف يحشر الإنسان في القيامة
- ٣٢ ٢٢ - طول يوم القيامة
- ٣٢ ٢٣ - الحسرة يوم القيامة
- ٣٣ ٢٤ - هبط أعمال الكفار
- ٣٣ ٢٥ - العدل يوم القيامة
- ٣٣ ٢٦ - العفو يوم القيامة
- ٣٣ ٢٧ - حصول التبدل في أوضاع العالم يوم القيامة
- ٣٣ ٢٨ - أهوال يوم القيامة
- ٣٣ ٢٩ - الدعوة يوم القيامة إلى نداما زعم أنه شريك لله وعدم استحبابه
- ٣٣ ٣٠ - ميزان الأعمال
- ٣٣ ٣١ - الشفاعة يوم القيامة
- ٣٣ ٣٢ - المذاكرة في يوم القيامة
- ٣٤ ٣٣ - الإشعار إلى النار في آيات يوم القيامة



٣٤	٣٤- الإشعار إلى الجنة في آيات يوم القيامة
٣٤	الصيحة عند القيامة
٣٤	نفخ الصور عند القيامة
٣٥	آيات الحشر
٣٦	آيات (جمع الناس في القيامة)
٣٨	آيات احياء الموتى في القيامة
٣٩	القيامة يوم الرجوع إلى الله
٤٠	الآيات المذكورة فيها (الآخرة)
٤٥	آيات البعث في الآخرة
٤٦	آيات السؤال في القيامة
٤٧	آيات ساعة القيامة
٤٨	الإنسان يرى في القيامة عمله من الخير والشر
٥٠	يؤتى كتاب كل واحد من الناس في القيامة
٥١	آيات جزاء الأعمال
٥٣	ما اكتسبه من الأعمال يجرى به في الآخرة
٥٤	الشفاعة لا تنفع في القيامة بدون إذن الله
٥٥	شفاعة رسول الله ﷺ
٥٥	آيات الوزن والميزان في القيامة
٥٥	مواقف القيامة وفيها خمسين موقفاً
٦٣	مواقف الحساب في القيامة
٦٥	سبعة جسور على جهنم يحاسب العبد فيها
٦٦	من يتولى الله حسابه في القيامة وعفى عنه



- ٦٨ من الناس من يدخل الجنة بغير حساب
- ٧٣ في جملة ممّا ورد أنّهُ يوجب دخول الجنة ولم يحاسب
- ٧٣ منها: قراءة سورة «الم تر كيف فعل ربّك»
- ٧٤ منها: قراءة سورة «أرأيت الذين يكذب بالدين» في الفرائض والنوافل
- ٧٤ منها: قراءة سورة «الأعراف» في كلّ جمعة
- ٧٤ منها: قراءة سورة «المطففين» في الفريضة
- ٧٥ منها: قراءة سورة «طه»
- ٧٥ منها: من لقى الله مكفوفاً، محتسباً، موالياً لآل محمّد ﷺ
- ٧٥ من يحاسب في القيامة حساباً يسيراً
- ٧٧ حبّ النبيّ ﷺ وأهل بيته عليهم السلام نافع عند الحساب
- ٧٨ في أنّ صلة الرحم وبرّ الوالدين في القيامة يهونان الحساب
- ٧٩ في أنّ حساب الخلق يوم القيامة على الأئمة عليهم السلام
- ٨٣ في الأمور التي توجب سوء الحساب وشدّته
- ٨٤ الميزان في القيامة
- ٨٧ في أنّ حبّ النبيّ ﷺ وأهل بيته نافع من موطن
- ٨٧ منها: عند الميزان
- ٨٨ في جملة ممّا ورد أنّه يوجب ثقل الميزان
- ٨٨ منها: مداد العلماء
- ٨٩ منها: حسن الخلق
- ٨٩ منها: من صلّى على ميّت وشيّعهُ وأقام على دفنه
- منها: خمس ما أثقلهنّ في الميزان «التسبيح» و«التمحيد» و«التهليل»
- ٩٠ و«التكبير» و«الولد الصالح» يتوفى لمسلم فيصبر

- ٩١ منها: الصلاة على النبي ﷺ وآله عليه السلام
- ٩١ في أن ما يوجب في القيامة خفة الميزان
- ٩٣ في الصراط وكيفيّة مرور الناس عليه وهو أدقّ من الشعر وأحدّ من السيف
- ٩٨ في جملة ممّا ورد أنّه يمرّ بعض الناس على الصراط كالبرق الخاطف
- ٩٨ منها: من صام من رجب عشرة أيّام، ومن صام منه سبعة عشر يوماً
- ٩٨ منها: من أقرض أخاه المسلم
- ٩٨ منها: من قام على مريض يوماً وليلة
- ٩٩ منها: من حافظ على الجماعة حيث ما كان
- ٩٩ منها: مرور عليّ وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام
- ٩٩ منها: مرور من صلى بعد المغرب من رجب عشرين ركعة
- ١٠٠ في أن حبّ عليّ بن أبي طالب والأئمة عليهم السلام يوجب جواز الصراط
- فيما ورد في لقاء فاطمة رسول الله عند الصراط ومرورها في القيامة على الصراط
- ١١٠
- ١١٤ في جملة ممّا ورد أنّه يوجب الجواز على الصراط
- ١١٤ منها: قراءة سورة «إذا جاء نصر الله» في نافلة أو فريضة
- ١١٥ منها: قراءة «سورة لا أقسم» وطوبى لحامل القرآن وقارئه
- ١١٥ منها: الصلوات على النبي ﷺ وآله عليه السلام
- ١١٦ منها: قول المؤمن: بسم الله الرحمن الرحيم
- ١١٦ منها: قيام الليل بالقراءة والصلاة فيها
- ١١٧ منها: زيارة عليّ بن موسى الرضا عليه السلام
- ١١٧ منها: صيام يومين من آخر رجب
- ١١٨ منها: صيام ستة وعشرين يوماً من شعبان

- ١١٨ منها: من أعان لأخيه على ظالم له
- ١١٨ منها: اسباغ الوضوء
- ١١٩ منها: إعانة الضعيف في بدنه
- ١١٩ الأعراف والرجال هم الأئمة من آل محمد ﷺ
- ١٢٨ قوله تعالى: «يوم ندعوا كل أناس بإمامهم»
- ١٣١ في لواء الحمد وأنه في القيامة بيد عليّ عليه السلام
- ١٥٠ الشفاعة في القيامة، ما ورد في شفاعته النبي ﷺ
- ١٦٢ ما ورد في شفاعته الأئمة الطاهرين عليهم السلام في القيامة
- ١٦٨ ما ورد في شفاعته فاطمة عليها السلام يوم القيامة
- ١٧٠ ما ورد في شفاعته المؤمن يوم القيامة
- ١٨٠ ما ورد في شفاعته القارئ يوم القيامة
- ١٨٢ ما ورد في شفاعته من صام في شهر الرجب والشعبان
- ١٨٤ في أن من لا ينال له شفاعته النبي والأئمة الطاهرين عليهم السلام في القيامة
- ١٨٩ صفة الحوض وما ورد في أن ماءه أشدّ بياضاً من اللبن وأحلى من العسل
- ١٩٩ في أن ساقى الحوض هو عليّ بن أبي طالب عليه السلام في القيامة
- ٢٠٧ أن في القيامة يختم الله على السنة قوم وينطق جوارحهم
- ٢٠٩ في كتابة الأعمال وتوكيله تعالى بذلك حفظة كراماً
- ٢١٤ في إعطاء كتاب الأعمال في القيامة
- ٢٢٠ فائدة الغزا من سبيل الله يوم القيامة
- ٢٢٠ فائدة تكلم الطيب في يوم القيامة
- ٢٢٠ فائدة إعانة المؤمن وزيارته في الله يوم القيامة
- ٢٢٢ في ما ورد في حال خروج البعض في القيامة

٢٢٧	جملة ممّا ورد في فضل الشيعة وأجوالهم يوم القيامة
٢٥٥	آيات الجنّة
٢٦٣	بعض آيات الجنّة
٢٦٣	في ما ورد في نعيم الجنّة وأهلها
	ممّا ورد في أنّ منزل رسول الله من الجنّة في جنّة عدن والساكنين معه فيها
٢٨٨	هم الأئمّة الاثنا عشر
٢٩١	في أنّ فاطمة عليها السلام حوراء انسيّة نطفتها من ثمار الجنّة
٢٩٦	في أنّ للجنّة ثمانية أبواب وما هو المكتوب عليها
٣٠٣	ممّا ورد أنّ طوبى شجرة في الجنّة
٣١٨	جملة ممّا ورد أنّه يوجب الدخول في الجنّة
٣١٨	منها: الصلاة والدعاء بعدها
٣٢٠	منها: الصلاة بالليل
٣٢٢	منها: صوم شهر رمضان
٣٢٤	منها: صوم شهر شعبان
٣٢٥	منها: صوم شهر رجب
٣٢٧	منها: التهليل والحقولة، وأنّ لكلّ تهليل درجة في الجنّة
٣٣١	منها: قراءة القرآن وإنّ حملة القرآن عرفاء أهل الجنّة
٣٣٥	ممّا ورد في أنّ الجنّة والنار هما اليوم مخلوقتان
٣٣٩	ما ورد من لا يدخل الجنّة ولم يجد ريحها
٣٤٤	آيات العذاب في القيامة
٣٥٧	آيات النار في الآخرة
٣٥٩	الآيات الحاكية لجهنّم

- ٣٦٣ آيات الجحيم
- ٣٦٤ آيات السقر
- ٣٦٤ آيات أصحاب الشمال
- ٣٦٤ في صفة الجهنّم و عذابها
- ٣٩٢ منها: دعاء يستشير
- ٣٩٤ منها: دعاء المجير
- منها: ما روى أنّه ﷺ يقول في صلاة الوتر سبع مرّة: «هذا مقام العائذ بك من النار»
- ٣٩٧ في طبقات جهنّم و دركاتها
- ٣٩٧ في أنواع عذاب النار
- ٤٠٥ في دعاء العشرات
- ٤١٦ ممّا ورد من أنّ لجهنّم سبعة أبواب يدخل في كلّ واحد قوم خاصّ
- ٤٢١ في ما هو المكتوب على أبواب جهنّم
- ٤٢٢ جملة ممّا ورد أنّه يوجب الخلود في النّار
- ٤٢٣ منها: شرب النبيذ على أنّه حلال
- ٤٢٣ منها: الزنا، وإنّ للزاني خمس أو ستّ خصال
- ٤٢٤ منها: عداوة عليّ عليه السلام، والشكّ فيه يوجب الخلود في النار
- ٤٢٦ منها: من اغتاب مؤمناً بما فيه
- ٤٢٧ ثلاثة لا ينظر الله اليهم ولا يكلمهم يوم القيامة
- ٤٢٩ في جملة ممّا ورد أنّ غير الشيعة مذموم يوم القيامة
- ٤٣٩ جملة ممّا ورد أنّه من الموجبات في النار
- ٤٣٩ منها: أكل أموال اليتامى ظلماً



- ٤٤٠ منها: إطاعة المرأة في بعض الموارد
- ٤٤١ منها: أهل الري في الدنيا أهل النار يحشرون عطاشاً
- ٤٤١ ويدخلون النار عطاشاً
- ٤٤٢ منها: إنكار حق علي عليه السلام والأئمة الطاهرين عليهم السلام
- ٤٤٧ منها: البخل وعبوس الوجه
- ٤٤٨ منها: التعقيب
- ٤٤٩ منها: عدم المبالاة في كسب الدنيا والدرهم
- ٤٤٩ منها: تعلّم العلم للممارات
- ٤٥٠ منها: إهانة العالم
- ٤٥٠ منها: تعليق السوط بين يدي الظالم وتولّي عرافة قوم من غير إحسان فيهم
- ٤٥١ منها: السعاية إلى سلطان بأخيه
- ٤٥٢ منها: السحق
- ٤٥٢ منها: السؤال من غير حاجة
- ٤٥٣ منها: سوء الخلق
- ٤٥٤ منها: إيذاء المؤمنين والنصب والعناد لهم في دينهم
- ٤٥٤ منها: الشك والشك بالله تعالى
- ٤٥٥ منها: شهادة الزور على مسلم وبهته بما ليس فيه
- ٤٥٧ منها: الضحك عند الذنب
- ٤٥٨ منها: البدعة وكل بدعة ضلالة
- ٤٥٨ منها: الغيبة ومن اغتاب غازياً
- ٤٥٩ منها: قتل النفس متعمداً
- ٤٦٢ منها: من قرأ القرآن يريد به السمعة ومن قرأ القرآن يأكل به الناس

- ٤٦٣ منها: الريا في الأعمال
- ٤٦٤ منها: القضاء بغير حق
- ٤٦٤ منها: تقبيل الغلام من شهوة
- ٤٦٤ منها: القيادة (الجمع بين رجل وامرأة حراماً)
- ٤٦٥ منها: الكذب على الله، وعلى الرسول وعلى الأوصياء عليهم السلام
- ٤٦٦ منها: المتكبرين
- ٤٦٧ منها: من لقي المسلمين بوجهين ولسانين
- ٤٦٩ منها: منع حقّ المؤمن أو حبسه عن ماله وهو محتاج إليه
- ٤٧٣ منها: المكر والخديعة

كتاب البرزخ

- ويشمل على عقبات: العقبة الأولى: سكرات الموت، العقبة الثانية: العديلة عند الموت، العقبة الثالثة: ضغطة القبر وعذابه، العقبة الرابعة: سؤال منكر ونكير، العقبة الخامسة: الأرواح في البرزخ. خاتمة: في ذكر جملة من آثار حبّ عليّ عليه السلام في الميّت
- ٤٧٥ عقبة سكرة الموت
- ٤٧٦ في تمثّل المال والولد والعمل للميّت عند موته
- ٤٧٨ في موت المؤمن المطيع لله
- ٤٨٣ ممّا ورد في كيفيّة قبض روح المؤمن
- ٤٨٤ في أنّ حبّ النبيّ صلّى الله عليه وآله وأهل بيته ينفع عند الموت
- ٤٨٥ في رؤية المومن عند الموت منزله من الجنّة
- ٤٨٥ في أنّ المؤمن عند موته يبعث الله إليه بريحائتين من الجنّة

- ليس لشيعة عليّ حسرة عند الموت ولا وحشة في القبور ولا غمّ يوم
النشور ٤٨٦
- في أنّه يؤمر الملكان للمؤمن عند موته بالتسبيح والتهليل له ٤٨٦
- في ما يعاين الكافر ومبغض أهل البيت عليه السلام عند الموت ٤٨٧
- في أنّ المؤمن عند الموت يحبّ لقاء الله والكافر عند الموت يبغض لقاء الله ٤٨٨
- في وجه سهولة الموت لبعض الكفار وشدّته لبعض المؤمنين ٤٨٩
- جملة ممّا ورد أنّها تهوّن سكرات في أنّ صلة الرحم وبرّ الوالدين تهوّن
سكرات الموت ٤٩٠
- في أنّ ممّا يهوّن سكرات الموت المحافظة على الصلاة ٤٩١
- في أنّ ممّا يهوّن سكرات الموت صوم يوم من آخر رجب ٤٩١
- في أنّ ممّا يهوّن سكرات الموت صوم رمضان احتساباً ٤٩٢
- في فائدة الوضوء وبرّ الوالدين عند الموت ٤٩٢
- في أنّ ممّا يخفّف سكرات الموت قراءة سورة «يس» ٤٩٣
- في أنّ ممّا يخفّف سكرات الموت المداومة على قراءة «إذا زلزلت» ٤٩٤
- في فائدة إدمان قراءة سورة النور لمن يموت ٤٩٤
- في أنّ يهوّن سكرات الموت تعليم سورة يوسف لارقاته ٤٩٥
- في أنّ ممّا يهوّن سكرات الموت قراءة سورة الحجرات ٤٩٥
- في أنّ ممّا يخفّف سكرات الموت قرأته سورة الملك ٤٩٥
- في أنّ منها قراءة سورة إذا زلزلت ٤٩٥
- في أنّ ممّا تهون سكرة الموت الدعاء ٤٩٦
- في أنّ ممّا يهوّن سكرات الموت إكساء المؤمن ٤٩٦
- العقبة الثانية: العذيلة عند الموت، في تشكيك الشيطان كلّ من يحضره
الموت وأنّه ينفع لدفعه التلقين ٤٩٧

- ٤٩٨ الاثنى عشر واحد بعد واحد
- ٥٠٠ في شهود النبي ﷺ بنظر الميت عند موته
- ٥٠٣ في شهود عليّ ﷺ ينظر الميت عند الموت
- ٥٠٨ في شهود النبي ﷺ وعليّ ﷺ ينظر الميت عند الموت
- ٥١٨ في شهود النبي ﷺ وعليّ ﷺ والحسن والحسين عليهما السلام عند الموت
- ٥٢٢ في شهود النبي ﷺ وعليّ ﷺ وفاطمة عليها السلام والحسن والحسين عند الموت
- ٥٢٤ في شهود النبي والأئمة الاثنى عشر بأجمعهم عند الموت
- ٥٣٢ تلقين الأدعية عند الموت
- ٥٣٢ منها: قول: لا إله إلا الله محمد رسول الله
- ٥٣٢ منها: اللهم اعنني على سكرات الموت
- ٥٣٣ منها: سورة قل يا أيها الكافرون
- ٥٣٣ منها: سبحان الله وبحمده واستغفر الله وأتوب إليه
- ٥٣٣ منها: اللهم ارحمني فإنك كريم اللهم ارحمني فإنك رحيم
- ٥٣٣ منها: اللهم أغفر لي الكثير من معاصيك واقبل مني اليسير من طاعتك
- ٥٣٤ منها: كلمات الفرج
- ٥٣٥ منها: هذا الدعاء
- ٥٣٥ في أن التلقين أولى الناس بالميت ينفع في المسائلة عنه في قبره
- تارك حجة الإسلام ومانع الزكاة قد ورد أنهما يموتان يهودياً أو نصرانياً.
- ٥٣٦ وكذا من قتل رجلاً مؤمناً
- ٥٣٧ في موت المؤمن إلا ما في القائل بالحق

- ٥٤٢ العقبة الثالثة: ضغطة القبر
- ٥٤٤ في أنَّ القبر روضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النار
- ٥٤٥ في أنَّ القبر روح وريحان للمقرَّبين، وتزِيل من حميم للمكذِّبين الضالِّين
- ٥٤٥ في أنَّ الضغطة تصيب الميِّت حتَّى الصلُوب
- ٥٤٦ في أنَّ عذاب القبر من الغيبة والنميمة والبول
- ٥٤٧ في بعض ما يستلزم عذاب القبر
- ٥٤٧ في نداء الكافر حملته عند حملة إلى القبر بالشكوى ممَّا وقع فيه
- ٥٤٨ في إنَّ للقبر أهوالاً عظيمة فليتعوِّذ حامل الميِّت بالله من هول المطلَّع
- ٥٤٩ في أنَّ الغلظ على الأهل يقتضى ضمَّة للميِّت في القبر
- ٥٥١ ممَّا ورد أنَّه يستلزم عذاب القبر ردُّ حاجة المؤمن وهو يقدر على قضائها
- ٥٥١ في أنَّ من نجا من القبر فما بعده أبس منه
- ٥٥٢ في أنَّه ما من قبر إلَّا وينادى كلَّ يوم أنا بيت الدود الخ
- ٥٥٣ في أنَّ ضغطة القبر للمؤمن كفَّارة لذنوبه
- ٥٥٣ جملة ممَّا ورد إنَّه يجبر من عذاب القبر
- في أنَّ من مات بين زوال الشمس من زوم الخميس إلى زوال الشمس من
- ٥٦٥ يوم الجمعة أعيد من ضغطة القبر
- العقبة الرابعة: سؤال القبر في أنَّ السؤال في القبر من الميِّت عن
- ٥٦٦ رسول الله ﷺ
- ٥٦٩ ممَّا ورد في كيفة سؤال منكر ونكير من الكافر
- ٥٦٩ في أنَّ السؤال في الصبر من الميِّت عن ربِّه ودينه ونبيِّه وإمامه
- ٥٧٣ في أنَّ السؤال في القبر من الميِّت عن ربِّه ونبيِّه وعن إمامة عليٍّ
- ٥٧٦ في سؤال منكر ونكير عن ولاية أمير المؤمنين عليٍّ عليه السلام

- ٥٧٨ في السؤال في القبر عن سائر الأئمة المعصومين
في أنه إنما يسأل في القبر من محض الإيمان محضاً أو محض الكفر
محضاً
- ٥٧٨
- ٥٨٢ في أن السؤال في القبر بواسطة ملكين
في أن الميت إذا وضع في قبره أتاه ملكان عن يمينه وشماله وأقام الشيطان
بين يديه
- ٥٨٣
- ٥٨٥ في أنه يسأل الميت في القبر وهو مضغوط
في جملة ممّا ورد أنه تدرء به هول منكر ونكير. منها: إحياء ليلة الثالثة
والعشرين من رمضان وصلاة مائة ركعة، ومنها: صلاة الليل، ومنها: الدفن
في الغرى
- ٥٨٧
- ٥٨٧ ومنها: صوم تسعة ايام من شعبان، ومنها: قراءة سورة «الذين كفروا»
ومنها: قراءة سورة هل أتى في صلاة الصبح يوم الخميس
- ٥٨٨
- في أن من فوائد الصيام في رمضان توسعة القبر ورفع الظلمة والوحشة
وهول منكر ونكير
- ٥٨٨
- ٥٩٠ ومنها: التلقين، ومنها الدعاء، الدعاء لكمال الدين بعد كلّ صلاة فريضة
في الاستعانة بالورع والاجتهاد على كون دينه حقاً في حد الآخرة، ومنها:
الخضاب
- ٥٩٢
- في أنه يمثل للميت في القبر عمله ويقول له: كنّا ثلاثة رزقك وأهلك ذهباً
وبقيت معك
- ٥٩٢
- ٥٩٤ الأعمال الصالحة تحيط الميت في القبر، فمنها: الولاية لآل محمد ﷺ
ومنها: الصبر
- ٥٩٥
- ٥٩٦ في أن فائدة تقوية الضعيف في معرفته على مخالف تصيب في القبر

- ٥٩٦ في أن من أثقله ذكر الموت وجد قبره روضة من رياض الجنة
- ٥٩٧ الدنيا سجن المؤمن والقبر بيته والدنيا جنة الكافر والقبر سجنه
- ٥٩٧ في أن مخزن الذهب والفضة للمؤمن قبره
- ٥٩٧ في أن الصلوات على النبي ﷺ نور في القبر
- ٥٩٧ في أن صلاة الليل نور في القبر
- ٥٩٨ في تنور القبر بالتعليم والتعلم
- ٥٩٨ زيارة الملائكة لقبر بعض المؤمنين
- ٥٩٨ في أن صلاة ليلة عاشوراء نور في القبر
- ٥٩٩ زيارة القبر، في أنه يعلم المؤمن بمن يزور قبره ويستأنس به
- ٥٩٩ كيفية زيارة القبر
- ٥٩٩ الدعاء بالمأثور عند دفن الميت
- ٦٠٠ في وصول العبادات والصدقة والدعاء له إليه في قبره
- ٦٠١ الدعاء للميت
- ٦٠٢ الدعاء للميت عند دفنه
- ٦٠٢ في أنه يفرح الميت بصلاة مؤمن نيابة عنه
- ٦٠٢ في صلاة ليلة الدفن
- ٦٠٣ في الصلاة للوالدين في كل يوم
- ٦٠٣ في إحسان بالوالديه بعد موتهما
- ٦٠٤ في رفع عذاب القبر بالعمل الصالح من ابنه
- ٦٠٤ في الاعتقاد ببقاء الارواح بعد الموت
- في وقوع رؤية النبي ﷺ بعد موته وكذلك رؤية بعض الأئمة وغيرهم بعد الموت
- ٦٠٧

- ٦١٠ في تعذبهم المؤمنين بعد موتهم في جنّة الدنيا وتعذب الكفار بعد موتهم بالنار في الدنيا
- ٦١٢ في أنّه تنادي روح الميّت أهله من فوق نعشه عند حمله إلى القبر
- ٦١٤ في أنّ روح المؤمن بعد الموت يأتي أهله ويزورهم
- ٦١٨ في أنّ أرواح الشيعة بعد الموت لتصعد إلى السماء
- ٦١٨ في أنّ أرواح المؤمنين بعد الموت في الجنّة
- ٦٢٢ في أنّ لله جنّة في المغرب يخرج إليها أرواح المؤمنين وناراً في المشرق يسكنها أرواح الكفار
- ٦٢٣ في أنّ الأرواح بعد الموت يتلاقون ويتزاوون
- ٦٢٤ في أنّ أرواح المؤمنين بعد الموت في أبدان كأبدانهم
- حديث فيه: تكلم الميّت، وأخباره عن شدة سكرات الموت، وقبض الروح وضغطة القبر وإتيان نكير ومنكر وسؤال القبر ورؤيته الجنّة والنار في القبر
- ٦٢٥ في أنّ أرواح المؤمنين يتلاقون بعد الموت
- ٦٣٢ في أنّ أرواح الكفار بعد الموت في النار
- ٦٣٤ في أنّ الميّت من الشيعة شهيد وإن مات على فراشه
- ٦٣٤ في تجسّم روح قابيل بن آدم معذباً
- ٦٣٥ في بقاء الروح بعد خروجه من البدن
- ٦٣٦ في الآيات الدالة على جنّة الدنيا ونارها
- ٦٣٩ في تجسّم روح معاوية بعد موته معذباً
- ٦٤٠ في محلّ أرواح المؤمنين ومحلّ أرواح الكفار بعد الموت
- ٦٤٩ إذا مات الميّت اجتمعوا عنده يسألونه عمّن مضى

- ٦٥٠ في خلق الأرواح قبل الأبدان بألفي عام
- ٦٥٦ في أن الموتى يعلمون بمن يزورهم
- ٦٥٧ في مسح بني امية بعد موتهم وزغاً
- في إحياء النبي الأكرم ﷺ والأئمة المعصومين لبعض الأموات وإعادة
روحها إليها أو إحضارها واستنطاقها
- ٦٥٧
- ٦٥٨ جملة ممّا ورد في صدورّها عن النبي الأكرم ﷺ
- ٦٦٠ جملة ممّا ورد في صدورّها عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام
- ٦٧١ ممّا ورد في صدورّها عن الحسن بن عليّ عليه السلام
- ٦٧٢ ممّا ورد في عمل الحسين بن عليّ عليه السلام
- ٦٧٢ ممّا ورد في صدورّها عن عليّ بن الحسين السجّاد عليه السلام
- ٦٧٥ جملة ممّا ورد في صدورّها عن أبي جعفر الباقر عليه السلام
- ٦٨١ ممّا ورد في صدورّها عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام
- ٦٨٥ ممّا ورد في صدورّها عن موسى بن جعفر عليه السلام
- ٦٨٦ ممّا ورد في صدورّها عن عليّ بن موسى الرضا عليه السلام
- خاتمة: في ذكر جملة من آثار حبّ عليّ عليه السلام في الميّت، ما لحبّ عليّ
٦٨٧ حسرة عند موته ولا وحشة في قبره
- ٦٨٧ من مات على حبّ آل محمد بشّره ملك الموت بالجنة، ثمّ منكر ونكير
- ٦٨٧ من أحبّ عليّاً عليه السلام فتح له في قبره
- ٦٨٨ بعرض عمل الميّت على النبي ﷺ وعليّ عليه السلام
- ٦٨٨ يدخل على المؤمن في قبره ستّة صور أحسنهنّ الولاية لآل محمد ﷺ
- يسئل الميّت في قبره عن خمس ومنها: الولاية فنقول ما دخل عليكم من
- ٦٨٩ نقص فعليّ تمامه

- ٦٨٩ الفسحة لقبور شيعة عليّ عليه السلام وأنصاره
- ٦٨٩ حبّ أهل البيت أحوج ما يكون له عند الموت
- ٦٩٠ من أحبّ عليّاً عليه السلام جعل قبره روضة من رياض الجنة
- ٦٩٠ حبّ أهل البيت ينفع في سبعة مواضع منها عند الموت وعند القبر
- حبّ النبيّ وعليّ وأهل البيت ينفع عند نزول ملك الموت وعند مسائلة القبر وعند الموقف بين يدي الله
- ٦٩٠ النصاب من أهل القبلة إذا ماتوا يدخل عليهم اللهب والحميم إلى يوم القيامة
- ٦٩١ عذاب من دخل في الذنوب ممّن تولّى أمير المؤمنين عليه السلام إنّما هو البرزخ
- ٦٩٢ حبّ عليّ عليه السلام هو المسؤول عنه في القبر
- ٦٩٢ ينعم في القبور المؤمنون بنبوة محمد صلى الله عليه وآله ولأية عليّ عليه السلام